

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

امید در زمانهای سخت - پرده آخر
کتاب مکاشفه

دکتر باب آتلی
پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک
(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای تفسیری

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

فهرست مطالب

I	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
II	مقدمه نویسنده
IV	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
۱	موضوع خاص: پیشگوییهای عهد عتیق در برابر پیشگوییهای عهد جدید - چرا مسیحیان تفسیرهای بسیار دگماتیک در مورد مکاشفه دارند؟
۶	موضوع خاص: نبوت عهد عتیق
۱۰	معرفی کتاب مکاشفه
۱۹	مکاشفه ۱:۱ - ۲۰
۴۷	مکاشفه ۳:۲
۸۳	مکاشفه ۴ و ۵
۱۰۰	مکاشفه ۶:۱ - ۱۷:۷
۱۱۳	مکاشفه ۸:۱ - ۲۱:۹
۱۱۷	مکاشفه ۹
۱۲۲	مکاشفه ۱۰:۱ - ۱۹:۱۱
۱۲۷	مکاشفه ۱۱
۱۳۷	مکاشفه ۱۲-۱۴
۱۶۷	مکاشفه ۱۵-۱۶
۱۸۲	مکاشفه ۱۷-۱۸
۱۹۲	مکاشفه ۱۹
۲۰۹	مکاشفه ۲۰
۲۱۸	مکاشفه ۲۱-۲۲
۲۳۴	معانی واژگان دستور زبان یونانی
۲۴۲	موضوع خاص: انتقادات متنی
۲۴۵	واژه نامه
۲۵۳	بیانیه عقیدتی
۲۵۴	دیدگاه‌ها نسبت به دومین ظهور مسیح
۲۵۷	مکاشفه

فهرست موضوعات خاص

۲۰	موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹:۲۶)
۲۲	موضوع خاص: بزودی باز می‌گردد
۲۳	موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس
۲۵	موضوع خاص: کلیسا (EKKLESIA)
۲۶	موضوع خاص: هفت روح در مکاشفه
۲۷	موضوع خاص: نخست‌زاده یا فرزند ارشد
۲۸	موضوع خاص: KERYGMA در کلیسای اولیه
۲۹	موضوع خاص: مسیحیت مشارکتی است
۳۰	موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)
۳۰	موضوع خاص: OLAM (تا ابد)
۳۲	موضوع خاص: آمین
۳۳	موضوع خاص: سوار بر ابرها آمدن
۳۴	موضوع خاص: مراسم عزاداری
۳۵	موضوع خاص: اسامی خداوند
۳۸	موضوع خاص: پادشاهی خدا
۳۹	موضوع خاص: شیپورهای استفاده شده توسط قوم بنی اسرائیل
۴۳	موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟
۵۲	موضوع خاص: خداوند بشکل انسان تعریف گردید (انسان‌نگاری)
۵۳	موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنیه)
۵۴	موضوع خاص: استقامت
۵۶	موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها
۵۹	موضوع خاص: رنج
۶۲	موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات
۶۳	موضوع خاص: اسم خدا- (عهد جدید)
۶۴	موضوع خاص: اسرائیل (نام)
۶۶	موضوع خاص: پسر خدا
۶۷	موضوع خاص: زنان در انجیل
۷۰	موضوع خاص: قلب
۷۳	موضوع خاص: اعتراف/اقرار

۷۵.....	موضوع خاص: ”درب“ در عهد جدید
۷۸.....	موضوع خاص: منشأ (ARCHĒ)
۷۸.....	موضوع خاص: ثروت
۸۴.....	موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه
۸۶.....	موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم
۸۸.....	موضوع خاص: پیر
۸۹.....	موضوع خاص: کروبیان
۹۴.....	موضوع خاص: مقدسین
۹۵.....	موضوع خاص: خونبها/باز خرید
۹۸.....	موضوع خاص: سلطنت در پادشاهی خدا
۱۰۳.....	موضوع خاص: سکه‌هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می‌شد
۱۰۷.....	موضوع خاص: مهر
۱۰۸.....	موضوع خاص: عدد دوازده
۱۲۵.....	موضوع خاص: راز در اناجیل
۱۲۷.....	موضوع خاص: چهل و دو ماه (از دانیال)
۱۳۰.....	موضوع خاص: روح در کتاب مقدس
۱۳۴.....	موضوع خاص: آن روز
۱۴۰.....	موضوع خاص: شیطان
۱۴۳.....	موضوع خاص: جنگ در بهشت
۱۴۴.....	موضوع خاص: شیطان فردی
۱۴۷.....	موضوع خاص: بازگشت مسیح در هر لحظه، در برابر هنوز زود است
۱۴۹.....	موضوع خاص: دولت انسانی
۱۵۸.....	موضوع خاص: بی‌گناه، معصوم، منزّه، بدون رسوایی
۱۶۲.....	موضوع خاص: گرایش انجیل نسبت به الکل و سو استفاده از الکل
۱۷۱.....	موضوع خاص: شکوه (DOXA)
۱۷۲.....	موضوع خاص: نبوت عهد جدید
۱۷۵.....	موضوع خاص: آتش (KB ۹۲، BDB ۷۷)
۱۷۷.....	موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین
۱۷۹.....	موضوع خاص: اصطلاحات به کار رفته برای آمدن دوم
۱۹۳.....	موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (PHTHEIRŌ)
۱۹۴.....	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

۲۰۱	موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)
۲۰۱	موضوع خاص: "حقیقت" (واژه) در نوشته‌های یوحنا
۲۰۲	موضوع خاص: پارسایی
۲۰۵	موضوع خاص: پیشزمینه عبری و یونانی لوگوس (یوحنا ۱:۱)
۲۲۹	موضوع خاص: عیسی ناصری
۲۳۰	موضوع خاص: تثلیث
۲۳۲	موضوع خاص: ماراناتا

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

<i>Anchor Bible Commentaries</i> ویرایش Albright William Foxwell و David Noel Freedman	AB
<i>Anchor Bible Dictionary</i> ویرایش (جلد ۶) David Noel Freedman	ABD
<i>Analytical Key to the Old Testament</i> نوشته John Joseph Owens	AKOT
<i>Ancient Near Eastern Texts</i> نویسنده: James B. Prirchard	ANET
<i>A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament</i> نویسندگان F. Brown, S. R. Driver and C. A. Briggs	BDB
<i>The Interpreter's Dictionary of the Bible</i> (چهار جلد) نویسنده George A. Buttrick	IDB
<i>International Standard Bible encyclopedia</i> ویرایش (جلد ۵)، James Orr	ISBE
Jerusalem Bible	JB
<i>The Holy Scriptures According to the Masoretic Text: A New Translation</i> (The Jewish Publication Society of America)	JPSOA
<i>The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament</i> نوشته Ludwig Koehler and Walter Baumgartner	KB
<i>The Holy Bible From Ancient Eastern Manuscripts</i> (the Peshitta) نوشته George M. Lamsa	LAM
Septuagint (Greek-English) نوشته Zondervan ۱۹۷۰	LXX
<i>A New Translation of the Bible</i> نوشته James Moffatt	MOF
Masoretic Hebrew Text	MT
New American Bible Text	NAB
New American Standard Bible	NASB
New English Bible	NEB
NET Bible: New English Translation, چاپ دوم بتا	NET
<i>New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis</i> (جلد ۵) نوشته Willem A. VanGemeren	NIDOTTE
New Revised Standard Bible	NRSV
New International Version	NIV
New Jerusalem Bible	NJB
<i>Old Testament Passing Guide</i> by Todd S. Beall, William A. Banks and Colin Smith	OTPG
Revised English Bible	REB
Revised Standard Version	RSV
The Septuagint (Greek-English) by Zondervan, 1970	SEPT
Today's English Version ، توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس	TEV
Today's English Version from United Bible Societies	YLT
<i>Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia</i> (5 vols.), ed. Merrill C. Tenney	ZPBE

مقدمه نویسنده:

چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او (۳) و خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحت‌تر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقع‌گرا یا بی‌طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی‌ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS⁴) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم‌بندی پاراگراف‌های آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.

۳. نسخه جدید استاندارد بازمینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن کاملا در شناسایی موضوعات مفید است.

۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در انجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین‌المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS⁴ و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه یویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.
۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تأثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تأثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوتاه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس:

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آنچه در زیر می‌خوانید، توضیح مختصری درباره فلسفه هرمنوتیک دکتر باب آتلی و روشهای مورد استفاده او در تفسیر انجیل است. آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نوپیدی در مواجهه با دنیای بی احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می‌کردم.

بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله و براهین، و نظریاتی منطقی داشتیم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی‌مان را بر مبنای آنها بگذاریم.

اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ‌ها را در اینها یافتیم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگیشان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدسی، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طور که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برابم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گراییهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برابم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

I. پیش فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار می‌گیرد.

۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

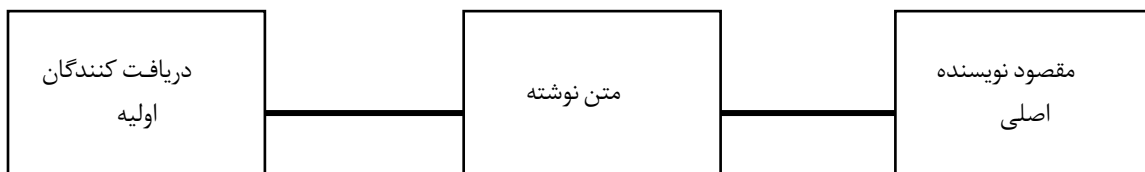
- a. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- b. زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- c. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- d. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کنند
- e. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- f. واژگان انتخابی برای ارائه پیام

مطالعه هر یک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهیم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

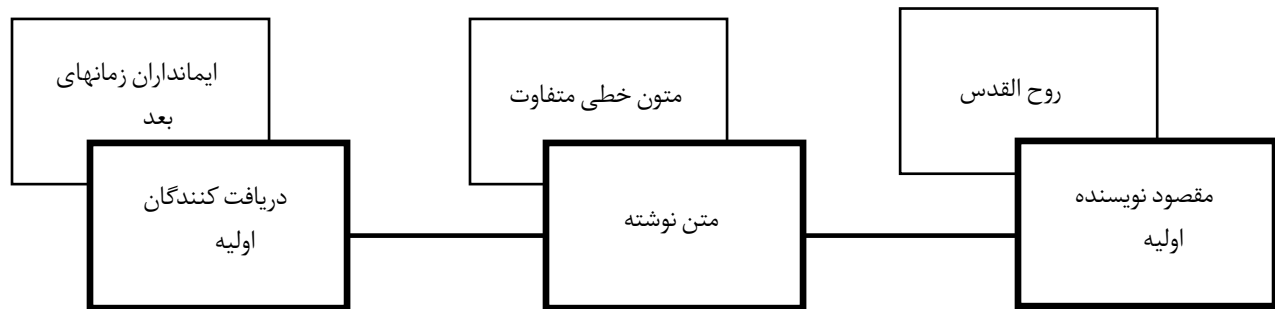
II. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.

حداقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:



در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به منظور بررسی درستی حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه‌های اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من اهمیت دارد). راه‌های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک‌ها، پیش‌داوری‌ها، اسلوب، و کارهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم چنانچه هیچگونه مرزی، محدودیتی، شروط و موازینی برای این کار وجود نداشته باشد؟ در اینجا است که هدف نویسنده و ساختار متن، موازینی در اختیارم می‌گذارند تا بتوانم پهنه تفاسیر احتمالاً صحیح را محدودیت بخشم. در پرتو روش نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش‌هایی امکان دارد برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس وجود داشته باشد که تا اندازه‌ای هم راست آزمایی و همخوانی آن را فراهم می‌کنند؟

III روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد. روش من متمرکز بر روی خواننده است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: «کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد.» مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب. ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. شش مورد زیر حداقل تاییدیه مبسوطی را ارائه می‌دهد:

۱. زمینه تاریخی
۲. متون ادبی
۳. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
۴. کاربرد واژگان معاصر
۵. بخشهای موازی/ مترادف و مشابه کتاب مقدس
۶. ژانر

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و در عین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده‌اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه
 - a. کتاب را در یک جلسه بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است نظریه ترجمه آن متفاوت باشد:
 - (۱) ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)
 - (۲) ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
 - (۳) ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
 - b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
 - c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که به روشنی تم اصلی را بیان می‌کند.

d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

(۱) عهد عتیق

(a) داستانسرایی عبری

(b) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)

(c) نبوت عبری (نظم، نثر)

(d) قوانین در شریعت

(۲) عهد جدید

(a) داستانسرایی‌ها (اناجیل، اعمال رسولان)

(b) مثالها (اناجیل)

(c) نامه‌ها/رساله‌ها

(d) ادبیات مکاشفه‌ای

۲. دوره دوم مطالعه

a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.

b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.

c. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

a. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.

b. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.

(۱) نویسنده

(۲) تاریخ

(۳) دریافت کنندگان

(۴) دلیل خاص برای نوشتن

(۵) جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند

(۶) اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی

c. طرح کلی آن بخش از کتاب کتاب مقدس را که در حال تفسیر آن هستید، به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.

d. زمینه تاریخی آن را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

a. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید

(۱) ترجمه کلمه به کلمه (NRSV، NASB، NKJV)

(۲) ترجمه معادل پویا (JB، TEV)

(۳) ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)

b. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید

(۱) عبارات تکرار شده، افس ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۳

(۲) ساختارهای دستوری مکرر، رومیان ۸: ۳۱

(۳) مفاهیم مغایر

c. موارد زیر را فهرست کنید

(۱) کلمات مهم

(۲) کلمات غیر معمول

- ۳) ساختارهای مهم دستوری
- ۴) کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل
- d. بخشهای مشابه مربوطه را در کتاب مقدس بیابید
- ۱) روشن‌ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق: الف) کتاب‌های الهیات نظام‌مند؛ ب) کتاب مقدس‌های مخصوص مراجعات؛ ج) کشف الایات
- ۲) در داخل موضوعتان، مفاهیم بظاهر متضاد و در واقع همخوان را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پرتنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوییم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.
- ۳) عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.
- e. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمک‌های مطالعاتی" بهره بگیرید.
- ۱) نسخه‌های مختلف کتاب مقدس را بخوانید
- ۲) دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
- ۳) پیشگفتارهای کتاب مقدس
- ۴) تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند).

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگراف‌ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف‌ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه‌گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیرکردن و در کاربرد صحبت کردیم. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهیم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱. برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱:۲۶ و ۲:۱۶).
۲. دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناهایی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱:۹).
۳. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزمور ۱۹:۷ الی ۱۴؛ ۱:۴۲ به بعد؛ ۱۱۹:۱ به بعد).
۴. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.

۵. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابم:

۱. نوشته‌ای از James W. Sire در کتاب Scripture Twisting صفحات ۱۷-۱۸:

"تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه اساتید معنوی یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲. در مورد Kierkgaard، در کتاب Bernard Ramm به نام Protestant Biblical Interpretation صفحه ۷۵:

به گفته Kierkgaard، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خوانند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳. H.H. Rowley در کتاب The Relvance of the Bible صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. روش کتاب تفسیر پیش رو

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.

۲. بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

۳. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگرافها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده‌اند:

a. کتاب مقدس The New American Standard Bible، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)

b. کتاب مقدس The New King James Version ترجمه جدید (NKJV)

c. کتاب مقدس The New Revised Standard Version (NRSV)

d. کتاب مقدس Today's English Version (TEV)

e. کتاب مقدس The New Jerusalem Bible (JB)

تقسیم بندی پاراگرافها الهام نشده‌اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از نظریه‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگرافهای اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴. ترتیب یادداشت‌ها مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت‌ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

a. ساختار ادبی

b. بینشهای تاریخی و فرهنگی

c. اطلاعات دستوری

d. مطالعات واژه‌ای

e. بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

۵. در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه New American Standard Version (بروز شده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

a. کتاب مقدس (NKJV) The New King James Version که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

b. ترجمه جدید (NRSV) The New Revised Standard Version که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.

c. ترجمه (TEV) The Today's English Version که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتاب مقدس آمریکا است.

d. کتاب مقدس (JB) The New Jerusalem Bible که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

۶. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:

a. تفاوتها در متون خطی

b. معانی جانشین واژگان

c. متون و ساختار مشکل دستوری

d. متون دارای چند معنی. اگر چه ترجمه‌های گوناگون به زبان انگلیسی نمی‌توانند برطرف کننده این مسائل باشند، ولی باعث می‌گردند تا برای مطالعه هر چه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار گرفته شوند.

e. در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

موضوع خاص: پیشگوییهای عهد عتیق در برابر پیشگوییهای عهد جدید - چرا مسیحیان تفسیرهای بسیار دگماتیک در مورد مکاشفه دارند؟

(Special Topic: Old Testament Predictions Of The Future Vs. New Testament Predictions)

در طول سالهایی که بر روی اسکاتولوژی مطالعه می‌کردم، فراگرتم که بیشتر مسیحیان یک پایان زمان سیستماتیک و توسعه یافته نمی‌خواهند. برخی مسیحیانی هستند که بر روی این زمینه مسیحیت به دلایل الهیاتی، روانشناسی و یا سایر دلایل مذهبی تمرکز می‌کنند. به نظر می‌رسد که این مسیحیان غرق در این شده‌اند که چگونه همه چیز پایان خواهد یافت، و به نوعی اولویت و فوریت انجیل را فراموش می‌کنند! مومنین نمی‌توانند بر دستور کار اسکاتولوژیک خدا (پایان زمان) تاثیر بگذارند، ولی می‌توانند در به اجرا گذاشتن حکم شرکت کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۲۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۴۶: ۲۴ الی ۴۷، اعمال رسولان ۸: ۱). بیشتر مومنین آمدن دوم مسیح و وعده های خدا مربوط به پایان زمان را تائید می‌کنند. مشکلات تفسیری از آنجا ناشی می‌شوند که چگونه این شرایط موقتی را که از چندین پارادوکس انجیل می‌آیند درک کرد (موضوع خاص: پارادوکس در کتاب مقدس را مطالعه کنید).

۱. تنش میان الگوی پیمان انبیا عهد قدیم و الگوی شاگردان در عهد جدید
 ۲. تنش میان یکتا پرستی انجیل (یک خدا برای همه) و انتخاب اسرائیل (یک قوم خاص)
 ۳. تنش میان جنبه شرطی پیمان و وعده ها (اگر.... پس) و باورمندی بی قید و شرط خدا به انسان گمراهی که رستگار شده است
 ۴. تنش میان ژانر ادبیات خاور میانه ای و الگوی ادبی جامعه مدرن غربی
 ۵. تنش میان پادشاهی خدا در حال ولی با این حال در آینده
 ۶. تنش میان بازگشت قطعی مسیح و این باور که برخی رخدادهای باید ابتدا به وقوع بپیوندند
- اجازه دهید این رخدادهای را به تفکیک مورد بحث قرار دهیم

تنش نخست (طبقه بندیهای نژادی، قومی و جغرافیایی عهد قدیم در برابر تمامی مومنین از سراسر جهان)

انبیا عهد قدیم احیا پادشاهی یهود در فلسطین با مرکزیت اورشلیم را پیش گویی کردند، جایی که تمامی اقوام جهان گرد هم آمده و یک حاکم الهی را پرستش و عبادت کنند، ولی نه عیسی و نه هیچ یک از شاگردان عهد جدید بر این موضوع تمرکز نکردند. آیا تحت الهام عهد قدیم نیست (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۵ الی ۱۹)؟ آیا نگارندگان عهد جدید رخدادهای حیاتی پایان زمان را حذف کرده‌اند؟ منابع زیادی در باره پایان جهان وجود دارند

۱. انبیا عهد قدیم (اشعیا، میکاه، ملاکی)
۲. نگارندگان اپوکالیپتیک عهد قدیم (مراجعه شود به حزقیال ۳۷ الی ۳۹، دانیال ۷ الی ۱۲، زکریا)
۳. نگارندگان تعاملی و غیر مذهبی اپوکالیپتیک یهودی (مانند اول انوش، که توسط یهودا به او اشاره شده است)
۴. خود عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱)
۵. نوشته های پولس (مراجعه شود به اول قرتیان ۱۵، دوم قرتیان ۵، اول تسالونیکیان ۴ الی ۵، دوم تسالونیکیان ۲)
۶. نوشته های یوحنا (اول یوحنا و مکاشفه)

آیا همه اینها به وضوح موضوع پایان عصر را تعلیم می‌دهند (رخدادهای، زمان، اشخاص)؟ اگر نه، چرا؟ آیا همه آنان تحت الهام نبودند (به استثنای نگارندگان تعاملی یهودی)؟

روح حقایق را بر نگارندگان عهد عتیق با اصطلاحات و طبقه بندی هایی آشکار کرد که آنان بتوانند درک کنند. با این حال، در طول یک مکاشفه مترقی روح این مفاهیم اسکاتولوژیک را به مفاهیم کلی تبدیل کرد ("راز مسیح"، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳). اینها برخی مثالهای مرتبط هستند:

۱. شهر اورشلیم در عهد عتیق به عنوان استعاره برای مردم خدا (صهیون) استفاده شده است، ولی در عهد جدید به عنوان اصطلاحی برای بیان پذیرش تمامی انسانهای توبه کرده و ایمان آورده استفاده شده است ("اورشلیم جدید" مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). بسط مفهومی یک شهر فیزیکی به مردم جدید خدا (یهودیان و دیگرانی که ایمان آورده اند) در وعده خدا بر رستگار کردن انسان گمراه در کتاب پیدایش ۳: ۱۵ پیش بینی شده است، یعنی پیشتر از زمانی که یهودی یا یک پایتخت یهودی وجود داشته باشد. حتی فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱۲ الی ۳) دیگران را هم شامل کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۲، کتاب خروج ۵: ۱۹). موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه را مطالعه کنید.

۲. در عهد عتیق دشمنان مردم خدا اقوام اطراف خاور نزدیک باستان هستند، ولی در عهد جدید آنها بسط یافته و تبدیل به تمامی مردم بی ایمان، ضد خدا، و شیطان زده شده اند. نبرد از حالت یک نبرد جغرافیایی و منطقه ای خارج شده و تبدیل به یک نبرد جهانی شده است (مراجعه شود به کولسیان).

۳. وعده سرزمینی که در عهد قدیم به طور کامل و تمام و کمال است (وعده های پدر سالارانه کتاب پیدایش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۷:۱۲، ۱۳:۱۵، ۱۵:۷ و ۱۵ و ۱۶ و ۸:۷) اینک تبدیل به کل کرده زمین شده است. اورشلیم جدید تبدیل به زمین شده، نه فقط خاور نزدیک یا جای خاصی به صورت انحصاری (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲).

۴. برخی مثالهای نبوتی دیگر عهد عتیق که بسط یافته اند به شرح زیر می باشند:

a. بذر ابراهیم اینک مفهوم معنوی پیدا کرده است (مراجعه شود به رومیان ۲:۲۸ الی ۲۹).

b. مردم هم پیمان اینک دیگران را هم شامل می شود (مراجعه شود به یوشع ۱۰:۱، ۲:۲۳، نقل شده در رومیان ۹:۲۴ الی ۲۶، همچنین لاولیان ۱۲:۲۶، کتاب خروج ۲۹:۴۵ نقل شده در دوم قرنتیان ۶:۱۶ الی ۱۸ و کتاب خروج ۱۹:۵، کتاب تثنیه ۲:۱۴، نقل شده در تیتوس ۲:۱۴).

c. معبد اینک عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶:۶۱، ۲۷:۴۰، انجیل یوحنا ۲:۱۹ الی ۲۱) و از طریق او و کلیسای محلی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳:۱۶) یا مومنین به صورت انفرادی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶:۱۹).

d. حتی اسرائیل و عبارات مشخصه توصیفی عهد عتیقی آن به کل مردم خدا اشاره می کند (یعنی "اسرائیل"، مراجعه شود به رومیان ۹:۶، غلاطیان ۶:۱۶، یعنی "پادشاهی کشیشان"، مراجعه شود به اول پطرس ۲:۵، ۹ الی ۱۰، مکاشفه ۱:۶)

الگوی انبیا تحقق یافته، بسط پیدا کرده و اینک جامعتر شده است. عیسی و شاگردان نگارنده اش همانند انبیا عهد عتیق در پایان عصر حضور ندارند (مراجعه کنید به *The Future of The Kingdom in Prophecy and Fulfillment* اثر Martin Wyngaarden). مفسرین عصر مدرن تلاش می کنند الگوی ادبی عهد عتیق بسازند یا پیچش های هنجاری کتاب مکاشفه را در داخل یک کتاب یهودی بگنجانند و مفاهیم را به زور در قالب عبارتهای ریز و مبهم عیسی و پولس قرار دهند. نگارندگان عهد جدید نبوتهای عهد عتیق را نفی نمی کنند، ولی دلالتهای کلی و غایی خود را ابراز می دارند. هیچ سیستم منطقی و سازمان یافته ای بر اسکاتولوژی عیسی و پولس وجود ندارد. هدف آنان اساسا رستگاری یا معنوی بوده است.

با این حال، حتی در درون عهد جدید هم تنش وجود دارد. هیچ ساختار سیستماتیک و سازمان یافته ای در مورد رخدادهای اسکاتولوژیک وجود ندارد. به بسیاری از شیوه ها، مکاشفه از مفاهیم عهد عتیقی برای توصیف پایان عصر استفاده می کند تا از تعالیم عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳!) از ژانر ادبی که توسط حزقیال، دانیال و زکریا آغاز گشت پیروی می کند، ولی در طول دوره تعاملی بسط یافت (ادبیات اپوکالیپتیک یهودی). این می تواند شیوه یوحنا برای ارتباط دادن پیمانهای قدیم و جدید باشد. این الگوی قدمت شورش انسان و تعهد خدا بر رستگاری را نشان می دهد. ولی باید به این نکته توجه داشت هر چند مکاشفه از زبان، مردم و رخدادهای عهد قدیم استفاده می کند، ولی آنها را در نور روم قرن نخست مجدداً تفسیر می نماید (مراجعه کنید به مکاشفه ۱۷).

تنش دوم (یکناپرستی در برابر قوم منتخب)

تاکید انجیل بر یک فرد معنوی و خالق رستگاری است، یعنی خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۸:۱۰، اشعیا ۴۴:۲۴، ۴۵:۵ الی ۷ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ الی ۲۲، ۴۶:۹، ارمیا ۶:۱۰ الی ۷)، وحدانیت عهد عتیقی به شیوه آن روزگار یکتا پرستی بود (به موضوع خاص: یکتاپرستی، مراجعه کنید). تمامی اقوام اطراف چند خدا را میپرستیدند. یکتا بودن خدا قلب مکاشفه عهد عتیق است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۴:۶). خلقت مرحله ای از هدف دوستی میان خدا و نوع بشری است که از تصویر او و شبیه او خلق شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷). با این حال، نوع بشر قیام کرد، بر علیه محبت، رهبری و هدف خدا گناه کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳). محبت و هدف خدا بسیار قوی بود به طوری که یقین کرد وعده دهد انسان گناهکار را رستگار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵:۳)!

تنش از آنجا آغاز گردید که خدا یک نفر، یک خانواده، یک قوم را انتخاب کرد تا آن برای رسیدن به بقیه مردم استفاده کند. انتخاب ابراهیم توسط خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸) و یهودیان به عنوان کشیش (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹:۴ الی ۶) منجر به غرور شد تا خدمتگزاری، جدا کردن شد به جای جمع کردن. فرا خواندن ابراهیم توسط خدا شامل نعمت بین المللی برای تمامی نوع بشر بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۱۲). باید به خاطر داشت و تاکید کرد که انتخاب عهد عتیق برای خدمتگزاری بود نه رستگاری. تمامی اسرائیل هرگز با خدا نبودند، هرگز برای ابد به واسطه صرفاً تولد نجات نیافتند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹، انجیل متی ۳:۹)، ولی با ایمان فردی و اطاعت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵:۶ نقل شده در رومیان ۴:۳ و ۹ و ۲۲، غلاطیان ۳:۶). اسرائیل در ماموریت خود شکست خورد (کلیسا اینک پادشاهی کشیشان است، مراجعه شود به مکاشفه ۱:۶، اول پطرس ۲:۵ و ۹) و فرمان را تبدیل به مزیت، خدمت را به جایگاه خاص کرد! خدا یکی را انتخاب کرد تا همه را انتخاب کند!

تنش سوم (پیمان مشروط در برابر پیمان بی قید و شرط)

این یک تنش الهیاتی یا پارادوکس میان پیمانهای مشروط و بی قید و شرط است. یقیناً این درست است که برنامه/هدف رستگاری خدا بی قید و شرط است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲:۱۵ الی ۲۱). با این حال، پاسخ انسان به فرمان او همیشه مشروط است!

الگوی "اگر... پس" هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید دیده میشود. خدا وفادار است، انسان بی وفا است. این تنش ابهامات زیادی را منجر شده است. مفسرین تمایل به این دارند که فقط بر یک بخش این موضوع تمرکز کنند، باورمندی خدا یا تلاش انسان، حکومت خدا یا اراده آزاد انسان. هر دوی اینها انجیلی و ضروری هستند. موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به برقراری توازن الهیاتی مراجعه کنید.

این به اسکاوتولوژی، به وعده عهد عتیق خدا به اسرائیل مربوط است. اگر خدا این را وعده میدهد، پس برقرار است. خدا به وعده خود متعهد است، پای اعتبارش در میان است (مراجعه شود به حزقیال ۲۲:۳۶ الی ۳۸). پیمانهای مشروط و بی قید و شرط با مسیح مرتبط هستند (مراجعه شود به اشعیا ۵۳)، نه اسرائیل. فاداری غایبی خدا بستگی به رستگاری تمامی کسانی دارد که توبه خواهند کرد و ایمان خواهند آورد نه به اینکه چه کسی پدر یا مادر شما باشد. عیسی و نه اسرائیل کلید تمامی پیمانها و وعده های خدا هستند. اگر یک پراگماتر الهیاتی در انجیل وجود داشته باشد، آن کلیسا نیست، بلکه اسرائیل است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷، غلاطیان ۳).

ماموریت جهانی پیام انجیل به کلیسا واگذار شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۷، اعمال رسولان ۸:۱). هنوز یک پیمان مشروط است! بدین معنی نیست که خدا به طور کامل یهودیان را در کرده باشد (مراجعه شود به رومیان ۹ الی ۱۱). ممکن است مکانی و هدفی برای پایان عصر وجود داشته باشد که به اسرائیل اعتقاد داشته باشد (مراجعه شود به زکریا ۱۰:۱۲).

تنش چهارم (الگوهای ادبی خاور نزدیک در برابر الگوهای غربی)

ژانر یک عنصر حساس در تفسیر درست انجیل است (به *How To Read the Bible For All Its Worth* اثر Fee and Stuart مراجعه کنید). کلیسا بر اساس ضوابط فرهنگی غربی (یونانی) شکل گرفت و توسعه یافت. ادبیات شرقی به مراتب نمادین تر، استعاره ای و تمثیلی تر از الگوهای ادبی فرهنگی مدرن غربی است (به موضوع خاص: ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیل) مراجعه کنید). تمرکز آن بر مردم، رویارویی ها، و رخدادها بیش از حقایق قضایی مختصر است. مسیحیان در مورد استفاده از الگوهای ادبی و تاریخی جهت تفسیر نبوت انجیل (هم عهد قدیم و هم عهد جدید) گناهاکار هستند. هر نسلی و هر جمعیت منطقه ایی از تاریخ، فرهنگ و مفاهیم ادبی و لغوی خود برای تفسیر و مکاشفه انجیل استفاده کرده است. تک تک آنها در اشتباه هستند. مغرورانه است که تصور کنیم فرهنگ غربی نقطه تمرکز بر نبوت انجیل است.

ژانری که نگارنده اولیه و تحت الهام انتخاب میکند تا بر آن اساس بناگردد، یک قرارداد ادبی با خواننده است (Bruce Corley). کتاب مکاشفه یک روایت تاریخی نیست. ترکیبی از نامه (فصول ۱ الی ۳)، نبوت، و عمدتاً ادبیات اپوکالیپتیک است. به همان اندازه اشتباه است که بگوئیم انجیل بیش از آنچه که نگارنده تحت الهام نوشته برای گفتن حرف دارد تا بگوئیم کمتر از آنچه قصد نگارنده بوده، حرفی برای گفتن دارد. غرور و دگماتیسم مفسرین در کتابی همچون مکاشفه بیشتر نامناسب است.

کلیسا هرگز با یک تفسیر مناسب مکاشفه موافقت نکرده است. توجه من شنیدن و سر و کار داشتن با کل انجیل است، نه برخی بخشهای منتخب. تفکر شرقی انجیل حقیقت را در جفتهای پر از تنش نشان می دهد. گرایش غربی ما نسبت به حقیقت پیش بینی شده معتبر نیست، بلکه نامتوازن است. فکر می کنم امکان این باشد که حد اقل برخی از تنگناها در تفسیر مکاشفه باید در نور و ژانر روزگار خودش تفسیر شوند. یک گرایش تاریخی نسبت به مکاشفه باید نخست با آنچه که نخستین خوانندگان درک میکردند و یا می توانستند در کنند، کار داشته باشد. به طرق مختلف مفسرین غربی مدرن معنی بسیاری از نمادهای کتاب را متوجه نشده اند. اعتماد اولیه کتاب مکاشفه برای تشویق مومنانی بود که مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند. این کتاب کنترل خدا بر تاریخ (همانند انبیا عهد عتیق) را نشان می دهد، این کتاب تصریح می کند که تاریخ به سمت پایان، داوری یا نعمت تعیین شده در حرکت است (همانطور که انبیا عهد عتیق می گفتند). این کتاب با اصطلاحات یهودی آپوکالیپتیک، محبت حضور، قدرت و سلطه خدا را تصریح می کند.

این کتاب به همین شیوه های الهیاتی برای هر نسلی از مومنین مصداق دارد. این کتاب نبرد دائمی میان نیکی و پلیدی را نشان می دهد. ممکن است جزئیات قرن نخست برای ما از دست رفته باشند، ولی نه حقایق قدرتمند و آرامش بخش آن. زمانی که مفسرین غربی عصر مدرن تلاش می کنند تا جزئیات کتاب مکاشفه را به زور در تاریخ معاصر قرار دهند، الگوهای نادرست و اشتباه ادامه پیدا می کنند!

کاملاً امکان پذیر است که جزئیات کتاب مفهومی باشند (همانند عهد عتیق در رابطه با تولد، زندگی و مرگ مسیح) برای آخرین نسل مومنین که با تهاجم رهبر ضد خدا (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲) و فرهنگ مواجه می شوند. هیچ کس نمی تواند از این تحقق مفهومی مکاشفه آگاه شود تا زمانی که کلام عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳ و انجیل لوقا ۲۱) و پولس (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴ الی ۵، و دوم تسالونیکیان ۲) هم از نظر تاریخی مشهود گردند. حدس و گمان و دگماتیسم همگی نامناسب هستند. ادبیات اپوکالیپتیک اجازه این انعطاف پذیری را میدهد. از خدا به خاطر این تصاویر و نمادها که بر روایتهای تاریخی تفوق دارند، سپاسگزاریم. خدا کنترل همه چیز را عهده دارد، حکومت می کند، خواهد آمد! اکثر تفاسیر غربی نکته اصلی ژانر را گم کرده اند. مفسرین غربی عصر مدرن اغلب در جستجوی یک سیستم منطقی روشن الهیاتی هستند تا اینکه بخواهند با ژانر ادبیات اپوکالیپتیک مبهم، نمادین و درام یهودی منصفانه برخورد کنند. این حقیقت به خوبی توسط Ralph P. Martin در مقاله اش تحت

عنوان Approaches to New Testament Exegesis در کتاب *New Testament Interpretation* ویرایش I. Howard Marshall بیان شده است:

"ما در درک ما از آخرالزمان بسیار دچار اشتباه می شویم و به اشتباه سعی خواهیم کرد که دیدگاه های آن را مانند یک کتاب معرفت شناختی که هدفش توصیف وقایع تاریخ تجربی و تاریخی است، درک کنیم، مگر اینکه ما کیفیت قابل توجهی از این نوشتار را تشخیص دهیم و به یاد آوریم که چگونه زبان به عنوان وسیله ای برای بیان حقیقت مذهبی مورد استفاده قرار می گیرد. برای حصول هدف اخیر، باید تمام مشکلات تفسیر را به کار گرفت. به طور جدی تر منجر به تحریف مفهوم اصلی آخرالزمان می شود و بنابراین ارزش عظیمی از این قسمت از عهد جدید را به عنوان ادعایی دراماتیک در زبان اسطوره ای حاکمیت خدا در مسیح و پارادوکس حکومت او که می تواند عشق و لطافت را در هم آمیزد، را از دست می دهد (مراجعه شود به مکاشفه ۵:۵ و ۶، شیر بره است)" (صفحه ۲۳۵).

W. Randolph Tate در کتاب *Biblical Interpretations* میگوید:

"هیچ ژانر دیگری از کتاب مقدس با چنین نتایجی غم انگیز به عنوان آپوکالیپس، به ویژه کتابهای دانیال و مکاشفه، با اشتیاق خوانده نشده است. این سبک از یک تاریخ فاجعه آمیز سوء تفاهم ناشی از یک سوء برداشت اساسی از اشکال، ساختار و هدف ادبی اش بوده است. به دلیل همین ادعا جهت نشان دادن آنچه که در کوتاه مدت رخ می دهد، آپوکالیپس به عنوان یک نقشه راه و طرح آینده شناخته شده است. نقص غم انگیز در این دیدگاه این فرضیه است که مرجع کتابها، مراجع عصر معاصر خواننده است تا مراجع عصر نویسنده. این رویکرد اشتباه به آپوکالیپس (به ویژه مکاشفه) به گونه ای با کار برخورد میکند را همانطور که یک کریپتوگرافی است، که توسط آن رویدادهای معاصر می تواند برای تفسیر نماد متن مورد استفاده قرار گیرد. ابتدا، مترجم باید تشخیص دهد که آپوکالیپس پیام های خود را به شیوه های نمادین منتقل می کند. تفسیر یک نماد به معنای واقعی کلمه زمانی که به صورت استعاره باشد به سادگی به اشتباه تفسیر میشود. مسئله این نیست که آیا رویدادهای آخر زمانی تاریخی هستند یا نه. حوادث ممکن است تاریخی باشند؛ ممکن است واقعا اتفاق افتاده یا ممکن است اتفاق بیافتند، اما نویسنده حوادث را می گوید و معنای آن را از طریق تصاویر و نمونه های اولیه ارتباط می دهد" (صفحه ۱۳۷)

به نقل از *Dictionary of Biblical Imagery* ویرایش شده توسط Longman III و Ryken, Wilhost:

"خوانندگان امروز اغلب از این سبک ناراحت و ناامید می شوند. تصاویر غیر منتظره و تجربیات خارج از این جهان، عجیب و غریب و بدون هماهنگی با بسیاری از کتاب مقدس است، به نظر می رسند. با در نظر گرفتن این ادبیات به صورت ظاهری بسیاری از خوانندگان حیران می شوند که "چه خواهد شد، کی اتفاق می افتد، چه زمانی"، بنابراین نیت پیام از بین می رود" (ص ۳۵)

تنش پنجم (پادشاهی خدا در حال حاضر ولی در عین حال، در آینده)

پادشاهی خدا حاضر است ولی با اینحال در آینده است. این پارادوکس الهیاتی در نقطه اسکاتولوژی تبدیلی به نقطه تمرکز می شود. اگر کسی انتظار تحقق مفهومی تمامی نبوتهای عهد عتیق برای اسرائیل را داشته باشد، در نتیجه پادشاهی خدا عمدتاً تبدیل به احیا اسرائیل به صورت یک مکان جغرافیایی و پیشینه الهیاتی می شود. این امر ضرورت پیدا می کند که کلیسا در فصل ۵ به طور مخفیانه مورد سرزنش قرار گیرد و فصل های باقی مانده مربوط به اسرائیل باشد (به مکاشفه ۲۲:۱۶ مراجعه کنید).

با این حال، اگر تمرکز بر روی پادشاهی که توسط مسیح عهد عتیق وعده داده شده، افتتاح شد، پس با اولین ورود مسیح حاضر است، و سپس تمرکز تبدیل به تجسم، زندگی، تعالیم، مرگ و رستاخیز مسیح است. تاکید بر خداشناسی بر رستگاری جاری است. پادشاهی خدا آمده است، عهد عتیق با پیشنهاد مسیح برای رستگاری برای همه تحقق یافته است، نه سلطنت خود بر برخی از مردم!

یقیناً این درست است که انجیل از دو بار آمدن مسیح سخن می گوید، ولی تاکید بر کجا باید واقع شود؟ به نظر من اینطور می آید که بیشتر نبوتهای عهد عتیق بر آمدن اول و برقراری پادشاهی مسیح (مراجعه شود به دانیال ۲) تمرکز دارند. به بسیاری از شیوه ها این قابل قیاس پادشاهی جاودانه خدا است (مراجعه شود به دانیال ۷). در عهد عتیق تمرکز بر پادشاهی جاودانه خدا است، با این حال، مکانیسم بیانیه آن پادشاهی بشارت مسیح است (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۲۵:۱۵ الی ۲۷). سوال این نیست که کدامیک درست هستند، هر دو درست هستند، ولی تاکید بر کجاست؟ باید گفته شود که برخی از مفسرین بیش از حد بر پادشاهی مسیح تمرکز می کنند (مراجعه شود به *Contextual Insights to Revelation 20*) که آنها تمرکز انجیلی بر پادشاهی پدر را فراموش کرده اند. پادشاهی مسیح یک رخداد اولیه است نه نهایی (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). از عهد عتیق چنین بر نمی آید که پادشاهی موقتی الزامی باشد، در واقع، پادشاهی مسیح که در دانیال ۷ از آن صحبت شده، ابدی است.

تنش ششم (بازگشت قریب الوقوع مسیح در برابر آمدن دوم همراه با تاخیر)

به اکثر مومنین چنین آموزش داده شده است که عیسی به زودی، ناگهان و به صورت غیر منتظره خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۳:۱۰، ۲۷:۲۴ و ۳۴ و ۴۴، انجیل مرقس ۱:۹، ۱۳:۳۰، مکاشفه ۱:۱ و ۳، ۱۶:۲، ۱۱:۳، ۷:۲۲ و ۱۰ و ۱۲ و ۲۰، مراجعه شود به موضوع خاص: بزودی باز خواهد گشت).

ولی هر نسل منتظری از مومنین تا کنون در اشتباه بوده اند! نزدیکی بازگشت عیسی (قریب الوقوع بودن آن) یک امید و وعده قوی برای هر نسل است، ولی واقعیت فقط برای یک نسل است (و آن همانی است که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد). مومنین باید چنان زندگی کنند که گویی فردا او خواهد آمد، ولی برای اگر تاخیر داشت، کمیسیون بزرگ را تشکیل دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹:۲۸ الی ۲۰).

برخی عبارتهای انجیل و اول و دوم تسالونیکیان بر اساس آمدن دوم همراه با تاخیر است (*Parousia*). برخی رخدادهای تاریخی هستند که باید نخست به وقوع به پیوندند:

۱. بشارت جهانی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۱۴، انجیل مرقس ۱۳:۱۰)
۲. مکاشفه "انسان گناهکار" (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۱۵، دوم تسالونیکیان ۲، مکاشفه ۱۳)
۳. آزار و اذیت زیاد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۲۱ و ۲۴، مکاشفه ۱۳)
۴. یک ابهام تعمدی وجود دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۴۲ الی ۵۱، انجیل مرقس ۱۳:۳۲ الی ۳۶)! هر روز به گونه ای زندگی کنید که گویی امروز آخرین روز زندگیتان است، ولی برای تعلیم و بشارت آینده برنامه ریزی کنید!

همبستگی و توازن

باید گفته شود که مکاتب تفسیری اسکاتولوژیک مدن متفاوتی وجود دارند که همه آنها در بردارنده نیمی از حقیقت هستند. آنها برخی از متون را به خوبی تفسیر می‌کنند. مسئول در همبستگی و توازن است. اغلب مجموعه ای از پیش فرض هایی وجود دارند که از متن کتاب مقدس برای تکمیل اسکلت الهیات پیشین استفاده می‌کنند. کتاب مقدس اسکاتولوژی منطقی، زمانی و سیستماتیک را نشان نمی‌دهد. این مانند یک آلبوم خانوادگی است. تصاویر درست است، اما نه همیشه در جهت، در زمینه یا در مسیر منطقی. بعضی از عکس ها از آلبوم افتاده اند و نسل های بعد از اعضای خانواده دقیقا نمی دانند چگونه آنها را بازگردانند. کلید تفسیر مناسب از وحی، قصد نویسنده اصلی است که در انتخاب ژانر ادبی خود نشان داده است. اکثر مترجمین تلاش می کنند ابزارها و شیوه های گوناگون خود را از دیگر ژانرهای عهد جدید به تفسیر مکاشفه برسانند. آنها بر روی عهد عتیق تمرکز می کنند تا بتوانند با تعالیم عیسی، پلی را برای ایجاد ساختار الهیاتی و قرار دادن به مکاشفه به عنوان نشانگر برقرار کنند.

باید اعتراف کنم که من این تفسیر مکاشفه را با ترس و اضطراب به وحی می‌رسانم، نه به دلیل نفرین ادیان ۲۲: ۱۸-۱۹، اما به دلیل سطح اختلاف تفسیر این کتاب در میان مردم خدا. من مکاشفه خدا را دوست دارم. درست است که همه مردان دروغگو هستند (رومیان ۳: ۴)! لطفا از این تفسیر به عنوان یک تلاش برای تحسین و نه قطعی، به عنوان یک پست نشانه و نه یک نقشه راه، به عنوان "آنچه که اگر"، نه "به این ترتیب خداوند می‌گوید" استفاده کنید. من با ناراحتی های خود، تعصبات و دستور کار الهیات روبرو هستم. من نیز از دیگر مترجمان چنین مواردی را دیده ام. تقریبا به نظر می‌رسد که افراد در مکاشفه آنچه را که انتظار دارند پیدا می‌کنند. این ژانر خود به سوء استفاده منتهی می‌شود! با این حال، برای مقاصد خاصی در کتاب مقدس است. قرار دادن آن به عنوان ختم "کلام" تصادفی نیست. این یک پیام از خدا به فرزندانش از هر نسل است. خدا می‌خواهد ما را درک کند! بیائید دست در دست هم دهیم، نه اینکه کمپ درست کنیم؛ بگذارید تأکید کنیم که چه چیزی روشن و مرکزی است، ممکن است هر چیزی درست نباشد. خداوند به همه ما کمک کند!

I. معرفی

A. کلام آغازین

۱. جامعه مذهبی بر چگونه تفسیر کردن نبوت اتفاق نظر ندارد. حقایق دیگری به عنوان یک موقعیت ارتدوکس در طول قرن ها برقرار شده اند، اما نه این.
۲. چندین مرحله به خوبی تعریف شده از نبوت عهد عتیقی وجود دارند
 - a. قبل از دوران پادشاهی و سلطنت (قبل از شاه شائول)
 - (۱) افرادی که پیامبر نامیده شدند
 - (a) ابراهیم، کتاب پیدایش ۲۰: ۷
 - (b) موسی - اعداد ۱۲: ۶ الی ۸، کتاب تثنیه ۱۸: ۱۵، ۳۴: ۱۰
 - (c) هارون - کتاب خروج ۷: ۱ (سخنگوی موسی)
 - (d) میریام - کتاب خروج ۱۵: ۲۰
 - (e) مداد و اِداد - اعداد ۱۱: ۲۴ الی ۳۰
 - (f) دبورا - داوران ۴: ۴
 - (g) بی نام - داوران ۶: ۶ الی ۷ الی ۱۰
 - (h) سموئیل - اول سموئیل ۳: ۲۰
 - (۲) اشارات به انبیا به صورت یک گروه - کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۵، ۱۸: ۲۰ الی ۲۲
 - (۳) گروه های انبیا - اول سموئیل ۱۰: ۵ الی ۱۳، اول پادشاهان ۲۰: ۳۵ و ۴۱، ۲۲: ۶ و ۱۰ الی ۱۳، دوم پادشاهان ۲: ۳ و ۷، ۴: ۱ و ۳۸، ۵: ۲۲، ۶: ۱
 - (۴) مسیح پیامبر خواند شد - کتاب تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۱۸
 - b. نبوت های سلطنتی نوشته نشده (آنها پادشاه را خطاب میکنند)
 - (۱) جاد - اول سموئیل ۷: ۲، ۱۲: ۲۵، دوم سموئیل ۲۴: ۱۱، اول تواریخ ۲۹: ۲۹
 - (۲) ناتان - دوم سموئیل ۷: ۲، ۱۲: ۲۵، اول پادشاهان ۱: ۲۲
 - (۳) اخیا - اول پادشاهان ۱۱: ۲۹
 - (۴) بیهو - اول پادشاهان ۱۶: ۱ و ۷ و ۱۲
 - (۵) بی نام - اول پادشاهان ۱۸: ۴ و ۱۳، ۲۰: ۱۳ و ۲۲
 - (۶) الیاس - اول پادشاهان ۱۸، دوم پادشاهان ۲
 - (۷) میکایا - اول پادشاهان ۲۲
 - (۸) ایلیا - دوم پادشاهان ۲: ۸ و ۱۳
- c. نوشته های کلاسیک انبیا (آنان مردم و پادشاهان را مورد خطاب قرار میدهند): اشعیا، ملاکی (به استثنای دانیال)

B. اصطلاحات انجیلی

۱. *ro'eh* = ناظر، اول سموئیل ۹: ۹. این مرجع انتقال به اصطلاح نبی را نشان میدهد، که به معنی "پیامبر" و از ریشه "تماس می گیرد" است. *ro'eh* از اصطلاح عمومی عبری "دیدن" استفاده می کند. این شخص راهها و برنامه های خدا را درک کرده و برای اطمینان از اراده خداوند در مورد آن مشاوره میدهد.
۲. *hozeh* = ناظر، دوم سموئیل ۲۴: ۱۱. اساسا مترادف با *ro'eh* است. اشاره به یک اصطلاح نادر عبری برای "دیدن" دارد. حالت وجه وصفی آن بیشتر و اغلب برای اشاره به انبیا مورد استفاده قرار میگیرد.
۳. *nabi'* = پیامبر، هم ریشه از فعل آکادایی *nabu* به معنی "صدا کردن" و در عربی *naba'a* به معنی اعلام کردن. این متداولترین اصطلاح عهد عتیق برای پیامبران است. بیش از ۳۰۰ مرتبه استفاده شده است. ریشه این اصطلاح مشخص نیست، ولی "فرا خواندن/صدا زدن" در حال حاضر به نظر میرسد که بهترین گزینه باشد. احتمالا بهترین درک می تواند به توصیف یهوه از رابطه موسی با فرعون از طریق هارون باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۱۰-۱۶، ۷: ۱، کتاب تثنیه ۵: ۵). یک پیامبر کسی است که برای مردم

خود از طرف خدا سخن می گوید (مراجعه شود به عاموس ۳: ۸؛ ارمیا ۱: ۷، ۱۷؛ حزقیال ۳: ۴).

۴. هر سه اصطلاح از دفتر پیامبر در اول تواریخ ۲۹: ۲۹، سموئیل - ro'eh - ناتان - nabi؛ و جاد - hozeh استفاده می شود
۵. عبارت "ish ha - 'elohim"، "مرد خدا" نیز یک تعریف وسیع برای سخنگوی خداوند است. این در مفهوم "پیامبر" ۷۶ بار در عهد عتیق استفاده شده است.
۶. ریشه کلمه "prophet" یا پیامبر یونانی است. این کلمه از (۱) pro به معنی "قبل"، "پیش" یا "برای" و (۲) phemi به معنی "سخن گفتن" است.

II. مفهوم نبوت

- A. اصطلاح "پیشگویی" در زبان عبری گسترده تر از زبان انگلیسی بود. یهودیان کتابهای تاریخی "یوشع" تا "پادشاهان" (به استثنای روت) "پیامبران سابق" نامگذاری کردند. هم ابراهیم (کتاب پیدایش ۲۰: ۷؛ مزامیر. ۱۰۵: ۵) و موسی (تثنیه ۱۸: ۱۸) به عنوان پیامبر (همچنین میریام، خروج ۱۵: ۲۰) بودند. بنابراین، در مورد مفهوم آن در زبان انگلیسی دقت کنید!
- B. "نبوت ممکن است رسماً به عنوان درک تاریخی تعریف شود که معنای آن را تنها از لحاظ نگرانی الهی، هدف الهی، مشارکت الهی تعریف میکند" (*Interpreter's Dictionary of the Bible*، جلد ۳، صفحه ۸۹۶)
- C. "پیامبر نه فیلسوف و نه خداشناس سیستماتیک است، بلکه فقط یک واسطه پیمانی است تا کلام خدا را به مردم او منتقل کند تا بتوانند آینده خود را با اصلاح خود شکل دهند" (*Encyclopedia Judaica*، "Prophets and Prophecy"، جلد ۱۳، صفحه ۱۱۵۲)

III. هدف از نبوت

- A. نبوت راهی برای خداست که با مردم خود صحبت کند، راهنمایی را در موقعیت فعلی خود ارائه دهد و امیدوار باشد که در کنترل زندگی و رویدادهای جهان باشد نقشی ایفا کند. پیام آنها اساساً همکاری بود. این به معنای بازجویی، تشویق، تحقق ایمان و توبه است و مردم خدا را درباره خود و برنامه های او معرفی می کند. اغلب این موارد به وضوح نشان می دهند که منتخب خدا یک سخنگوی رسمی (کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۳، ۱۸: ۲۰-۲۲) است. این، در نهایت، به مسیح اشاره دارد.
 - B. اغلب پیامبر یک بحران تاریخی یا الهیاتی در روزگار خود گرفته و آن را به یک محیط اسکاتولوژیکی تبدیل میکند. این دیدگاه پایان عصری (تولوژیکی) منحصر به اسرائیل انتخابات الهی و وعده های عهد عتیق است.
 - C. مقام پیامبر به نظر می رسد تعادل (ارمیا ۱۸: ۱۸) برقرار کرده و جایگزین مقام مقدس به عنوان راهی برای شناخت اراده خدا است. اروپیم و تومیم به پیامی از سوی سخنگوی خداوند فراتر می روند. به نظر می رسد مقام پیامبر نیز پس از ملاکی در اسرائیل از بین رفت. این مقام تا ۴۰۰ سال بعد و توسط یحیی تعمید دهنده ظاهر نمی شود. معلوم نیست چطور هدیه عهد جدید «نبوت» به عهد عتیق مربوط است. پیامبران عهد جدید (اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۱۳: ۱؛ ۱۴: ۳۷، ۳۲، ۲۹؛ ۱۵: ۳۲؛ اول قرنیتیان ۱۲: ۲۸، ۱۰-۲۹؛ افسسیان ۴: ۱۱) آشکار ساز نیستند اما پیشگامان اراده خدا تحت پیمان هستند.
 - D. طبیعت نبوت به طور انحصاری یا اساساً قابل پیش بینی نیست. پیش بینی یک راه برای تأیید مقام و پیام او است، اما باید اشاره کرد " . . . کمتر از ۲٪ از نبوت عهد عتیق مربوط به مسیح است. کمتر از ۵٪ به طور خاص عصر عهد جدید را شرح می دهد. کمتر از ۱٪ مربوط به رویدادهایی است که تاکنون رخ داده اند (*Fee & Stuart, How To Read The Bible For All It Is Worth*، صفحه ۱۶۶)
 - E. پیامبران خدا را به مردم نشان می دهند، در حالی که کشیشان مردم را به خدا معرفی می کنند. این یک بیانیه کلی است. استثناهایی مانند هاباکوک وجود دارد که به سوالات خداوند پاسخ می دهد.
 - F. یکی از دلایلی که سخت بتوان انبیا را درک کرد این است که ما نمی دانیم چگونه کتبشان ساختار یافته اند. آنها بر اساس ترتیب زمانی نیستند. آنها به نظر می رسد موضوعی باشند، اما همیشه اینطور نیست که انتظار داشته باشید. اغلب نکات تاریخی آشکار، چارچوب زمانی یا تقسیم بندی واضحی بین وحی ها وجود ندارد، مشکل است
- (۱) کتب را از طریق یک نشست بخوانید؛
 - (۲) آنها را بر اساس موضوع مشخص کنید؛
 - (۳) برای حقیقت اصلی یا قصد نیت هر وحی را معلوم کنید.

IV. مشخصه های نبوت

- A. به نظر می رسد در مفاهیم "پیامبر" و "نبوت" در عهد عتیق توسعه های صورت گرفته باشد. در اسرائیل اولیه، مشارکت انبیا به رهبری یک رهبر شایسته ای مانند الیاس یا الیشا ایجاد شد. گاهی اوقات اصطلاح "پسران پیامبران" برای تعیین این گروه مورد استفاده قرار گرفت (مراجعه

شود به دوم پادشاهان (۲). پیامبران بارها با اشکال اکتسابی (اول سموئیل ۱۰: ۱۳؛ ۱۹: ۱۸-۲۴) مشخص شدند.
B. با این حال، این دوره به سرعت به دوران پیامبران انفرادی تبدیل شد. آن پیامبرانی (هر دو واقعی و نادرست) بودند که با پادشاه شناخته می‌شدند و در کاخ زندگی میکردند (جاد، ناتان). همچنین کسانی بودند که مستقل بودند، گاهی اوقات کاملاً با وضعیت موجود جامعه اسرائیلی (آموس) ارتباط نداشتند. آنها هم مرد و هم زن هستند (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۲۲: ۱۴).

C. پیامبر اکثراً آشکار کننده آینده بود، که با واکنش فوری انسان مطابقت داشتند. اغلب کار پیامبر این بود که طرح کلی خدا برای مخلوق خود را که توسط واکنش انسانی تحت تأثیر قرار نگرفته است، آشکار کند. این برنامه کلی اسکاتولوژیک در میان انبیای خاور نزدیک باستان منحصر به فرد است. پیش بینی و باورمندی به پیمانها، دو جنبه از پیام های نبوتی هستند (مراجعه شود به Fee and Stewart، صفحه ۱۵۰). این بدان معنی است که پیامبران در درجه اول با یکدیگر همکاری میکردند بودند. آنها معمولاً، اما نه به طور انحصاری، ملتها را مورد خطاب قرار می دادند.

D. بیشتر مطالب انبیا به صورت شفاهی ارائه میشد. بعداً آنها را با استفاده از موضوع یا زمان سنجی یا سایر الگوهای ادبیات خاورمیانه ترکیب میشد که برای ما قابل درک نبودند. از آنجایی که اینها شفاهی بودند، همانند مطالب مکتوب ساختار یافته نبودند. این باعث می شود که خواندن این کتب دشوار بوده و درک آنها بدون توجه به شرایط تاریخی خاص به سختی صورت پذیرد.

E. انبیا از چندین الگو برای انتقال پیامهای خود استفاده میکردند
۱. صحن دادگاه - خدا مردمش را به دادگاه می گیرد؛ اغلب این مورد طلاق است که همسرش (اسرائیل) را برای عدم باورمندی خود رد می کند (هوشع ۴، میکاه ۶).

۲. مراسم تشییع جنازه - این نوع پیام و مشخصه آن "غصه / پریشانی" آن را به عنوان یک فرم خاص مشخص میسازد (اشعیا ۵؛ حبقوق).

۳. اعلامیه برکت پیمان - ماهیت و مشروعیت پیمان تاکید شده و پیامدهای آن، مثبت و منفی، برای آینده بیان می شود (تثنیه ۲۷-۲۸).

V. راهنمائیهای مفید برای تفسیر نبوت

A. هدف پیامبر اصلی (ویرایشگر) را با اشاره به محیط تاریخی و زمینه ادبی هر وحی، پیدا کنید. معمولاً این امر به اسرائیل مربوط می شود که به طریقی پیمان موسی را شکست.

B. تمام وحی را بخوانید و تفسیر کنید، نه فقط بخشی از آن را؛ آن را به عنوان محتوا در نظر بگیرید. ببینید که چگونه به وحی های دیگر مربوط می شود. سعی کنید تمام کتاب (توسط واحدهای ادبی و سطح پاراگراف) را مشخص کنید.

C. فرض یک تفسیر لفظی از متن را در نظر بگیرید تا زمانی که چیزی در متن خودش به شما کاربرد دیگری را اشاره کند. سپس زبان نمادین را به نثر امروزی تبدیل کنید.

D. عمل نمادین را در نور شرایط تاریخی و متون موازی تحلیل کنید. اطمینان خاطر داشته و همیشه به یاد داشته باشید که این ادبیات خاور نزدیک است، نه ادبیات غربی یا مدرن.

E. با پیشگوییها با احتیاط برخورد کنید

۱. آیا آنها انحصاراً برای روزگار نویسنده هستند؟

۲. آیا آنها متعاقباً در تاریخ اسرائیل تحقق یافتند؟

۳. آیا آنها رخدادهای مربوط به آینده هستند؟

۴. آیا آنها در دوران معاصر تحقق یافته اند و یا در آینده تحقق خواهند یافت؟

۵. به نگارندگان انجیل و نه نگارندگان عصر مدرن اجازه دهید تا پاسخ شما را هدایت کنند

F. توجهات خاص

۱. آیا پیش بینی با واکنش مشروط واجد شرایط میشود؟

۲. آیا مشخص است که نبوت به چه کسی مورد خطاب است؟

۳. آیا احتمال انجیلی یا تاریخی برای چندین بار تحقق یافتن آن وجود دارد؟

۴. نویسندگان عهد جدید تحت الهام قادر بودند مسیح را در مکانهای زیادی در عهد عتیق ببینند که برای ما بدهی و قابل دیدن نبودند. به نظر میرسد آنان از واژه شناسی و نقش کلام استفاده میکردند. از آنجا که ما تحت الهام نیستیم؛ بهتر است این گرایش را به آنان واگذار کنیم.

VI. کتب مفید

- A Guide to Biblical Prophecy* by Carl E. Armerding and W. Ward Gasque .A
How to Read the Bible for All Its Worth by Gordon Fee and Douglas Stuart .B
My Servants the Prophets by Edward J. Young .C
Plowshares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic .D
New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis جلد چہارم، صفحات ۱۰۶۷-۱۰۷۸ .E

معرفی کتاب مکاشفه

کلام آغازین

A. اکثر زندگی آکادمیک و الهیاتی من پیش فرض داشتم که کسانی که ایمان می آورند کتاب مقدس آن را "به معنای واقعی کلمه" میپذیرند (و این مطمئناً از لحاظ روایتهای تاریخی درست است). با این حال، بر من بیشتر و بیشتر آشکار شده است که هر قدر نبوت، شعر، مَثَل، و ادبیات آخرالزمانی به معنای واقعی کلمه جدی بگیریم، تحت الهام و وحی بودن متن را فراموش میکنیم. نیت نویسنده، نه اصالت، کلیدی برای درک صحیح کتاب مقدس است. برای اینکه کتاب مقدس بیشتر بگوید، (صراحتاً در مورد دکنترین) به همان اندازه خطرناک و گمراه کننده است که تفسیر آن را طوری بنویسند که کمتر از نیت نویسنده اصلی تحت الهام بگوید. تمرکز باید متن جامعتر، شرایط تاریخی و نیت نویسنده باشد که در متن ابراز داشته است. ژانر یک قرارداد ادبی بین نویسنده و خواننده است. از دست دادن این سرخ مطمئناً منجر به تفسیر نادرست خواهد شد!

کتاب مکاشفه قطعاً درست است، اما نه روایت تاریخی است، و نه اینکه باید به معنای واقعی کلمه توجه داشت. ژانر خود این نکته میگوید، فقط آن را باید بشنویم. این بدان معنا نیست که تحت الهام نبوده یا درست نیست؛ این فقط به تصویر کشیده شده، رمز شده، نمادین، استعاره ای و تخیلی است. یهودیان و مسیحیان قرن اول با این نوع ادبیات آشنا بودند، اما ما نیستیم! نمادگرایی مسیحی در *Lord of the Rings* و یا *Chronicles of Narnia* احتمالاً همسوهای مدرن هستند.

B. مکاشفه یک ژانر ادبی یهودی آخرالزمانی است. این اغلب در زمانهای پر از تنش استفاده میشود تا این عقیده ابراز گردد که خدا کنترل تاریخ را در دست دارد و عدالت را برای مردمش به ارمغان خواهد آورد. مشخصه های این نوع ادبیات به شرح زیر هستند:

۱. حس قوی از حاکمیت جهانی خدا (توحید و جبرگرایی)

۲. مبارزه بین خیر و شر، این عصر شیطانی و عصر عدالت که خواهد آمد (دوالیسم)

۳. استفاده از کلمات و کدهای رمزی (معمولاً از ادبیات آخرالزمان یهودیان یا عهد عتیق)

۴. استفاده از رنگ ها، اعداد، حیوانات، گاهی اوقات حیوانات / انسان ها

۵. استفاده از اعداد نمادین (بعنوان مثال ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲)

۶. استفاده از فرشته ها از طریق روایا، اما معمولاً از طریق فرشتگان به عنوان واسطه و تفسیر آن

۷. در درجه اول بر وقایع زود هنگام، رویدادهای اقلیمی آخر الزمان (عصر جدید) تمرکز می کند.

۸. استفاده از یک مجموعه ثابت از نمادها، نه واقعیت، برای انتقال پیام خدا در آخر الزمان

۹. برخی از نمونه های این نوع ژانر عبارتند از:

a. عهد عتیق

(۱) اشعیا ۲۴ الی ۲۷، ۵۶ الی ۶۶

(۲) حزقیال ۳۷ الی ۴۸

(۳) دانیال ۷ الی ۱۲

(۴) یوئیل ۲: ۲۸ الی ۳: ۲۱

(۵) زکریا ۱ الی ۶ و ۱۲ الی ۱۴

b. عهد جدید

(۱) انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱، و اول قرنتیان ۱۵ (به شیوه ای)

(۲) دوم تسالونیکیان ۲ (از بیشتر جهات)

(۳) مکاشفه (فصول ۴ الی ۲۲)

c. دانیال ۷ الی ۱۲ و مکاشفه ۴ الی ۲۲ مثالهای کلاسیک از این ژانر در انجیل میباشند.

۱۰. منابع غیر مقدس (بر گرفته از *The Method and Message of Jewish Apocalyptic* اثر D. S. Russell، صفحات ۳۷ الی ۳۸)

a. اول انوش، دوم انوش (رازهای انوش)

b. The Book of Jubilees

c. The Sibylline Oracles III, IV, V

d. The Testament of the Twelve Patriarchs

e. The Psalms of Solomon

- f. The Assumption of Moses
- g. The Martyrdom of Isaiah
- h. The Apocalypse of Moses (Life of Adam and Eve)
- i. The Apocalypse of Abraham
- j. The Testament of Abraham
- k. II Esdras (IV Esdras)
- l. II & III Baruch

۱۱. در این ژانر یک حس دوگانگی وجود دارد. واقعیت را در قالب مجموعه ای از دوالیسم ها، تضادها یا تنشها میان اینها میبیند (در نوشته های یهودی بسیار متداول و مرسوم است):

a. بهشت - زمین

b. عصر پلیدی (انسانهای پلید و فرشتگان پلید) - عصر جدید پارسایی (انسانهای خداپرست و فرشتگان خداپرست)

c. حیات حاضر - حیات آینده

همه اینها به سوی یک نتیجه گیری که تحقق آنها توسط خدا صورت میگیرد، حرکت می کنند. این جهانی نیست که خداوند قصد آن را داشت، اما او همچنان به کار و اراده خود برای بازسازی همکاریهای صمیمانه ای که در باغ عدن آغاز شده است، ادامه می دهد. رویداد مسیح حوزه ای از برنامه خدا است، اما دو آمدن او دوالیسمهای موجود را به وجود آورده است.

C. این آثار آخرالزمانی هرگز به صورت شفاهی ارائه نشدند. آنها کارهای ادبی کاملاً ساختار یافته اند. ساختار برای یک تفسیر مناسب ضروری است. بخش عمده ای از ساختار برنامه ریزی شده برای کتاب مکاشفه هفت واحد ادبی است که تا حدودی و به نوعی همسو با یکدیگر هستند، به عنوان مثال هفت مهره، هفت تیر و هفت کاسه. با هر چرخه داوری افزایش می یابد: مهر و موم، ۱/۴ تخریب؛ ترومپت، ۱/۳ تخریب؛ کاسه، تخریب کامل. در داخل هر واحد ادبی، آمدن دوم مسیح یا برخی از رویدادهای اسکاتولوژیک رخ می دهند: (۱) مهر ششم، ۶: ۱۲ الی ۱۷؛ (۲) ترومپت هفتم، ۱۱: ۱۵ الی ۱۸؛ قضاوت فرشته آخر الزمان در ۱۴: ۱۴ الی ۲۰؛ (۳) کاسه هفتم، ۱۶: ۱۷ الی ۲۱ و دوباره در ۱۹: ۱۱ الی ۲۱ و دوباره در ۲۲: ۶ الی ۱۶. این نشان می دهد که کتاب از لحاظ زمانسنجی و وقایع نگاری تاریخی در توالی نیست، بلکه نمایشی در چندین پرده است که مدت زمانی مشابه را در مواضع قضاوت قاطعانه خشونت آمیز عهد عتیق پیش بینی میکند (مراجعه شود به *Revelation as Drama* اثر James Blevins و *Revelation as Drama* در *Review and Expositor* سپتامبر ۱۹۸۰، صفحات ۳۹۳ الی ۴۰۸).

هفت بخش ادبی به همراه یک پرولوگ و یک اپیلوگ وجود دارند

۱. پرولوگ، ۱: ۱ الی ۸

۲. فصول ۱ الی ۳ (مسیح و هفت کلیسا)

۳. فصول ۴ الی ۸: ۱ (بهشت و هفت مهر)

۴. فصول ۸: ۲ الی ۱۱ (هفت فرشته با شیپور)

۵. فصول ۱۲ الی ۱۴ (دو جامعه و رهبران آنها)

۶. فصول ۱۵ الی ۱۶ (هفت فرشته با کاسه)

۷. فصول ۱۷ الی ۱۹ (بابل و داوری آن)

۸. فصول ۲۰ الی ۲۲ (داوری و تامل در مورد بهشت و زمین)

۹. اپیلوگ، ۲۲: ۶ الی ۲۱

مشخصه های William Hendriksen در *More Than Conquerors* بشرح زیر هستند:

۱. فصول ۱ الی ۳ (مسیح در میان هفت چراغ)

۲. فصول ۴ الی ۷ (کتاب هفت مهر)

۳. فصول ۸ الی ۱۱ (هفت شیپور داوری)

۴. فصول ۱۲ الی ۱۴ (زنان و مردان - کودکان توسط اژدها و کمکی هایش مورد شکنجه قرار میگیرند [هیولا و هارلوت])

۵. فصول ۱۵ الی ۱۶ (هفت کاسه خشم)

۶. فصول ۱۷ الی ۱۹ (سقوط هارلوت بزرگ و هیولاها)

۷. فصول ۲۰ الی ۲۲ (داوری اژدها (شیطان) و بدنبال آن بهشت و زمین جدید، اورشلیم جدید)، صفحه ۲۸

در *More Than Conquerors* ویلیام هاندریکسن، می گوید که مکاشفه هفت بخش دارد: ۱-۳: ۷-۸؛ ۸-۱۱؛ ۱۲-۱۴؛ ۱۵-۱۶؛

۲۰-۲۲ و این که هر کدام از اینها همسو هستند و دوره ای را بین نخستین و دومین آمدن مسیح را شامل میشوند. هر کدام به برخی از جنبه‌های مربوط به داوری و آمدن دوم می پردازند (صفحات ۲۲-۳۱).

اگر چه من کاملاً در موازات ظاهری مهر و موم، ترومپت ها و کاسه ها موافق هستم و همینطور هم همسودن ۱۷-۱۹ با ۲۰-۲۲ برایم بسیار جذاب است (در ۱۹: ۱۱ - ۲۱ آمدن دوم وجود دارد و یک آمدن دوم دیگر در ۲۲: ۶-۱۶)، نمیتوانم متوجه شوم که در کجا هر کدام از هفت بخش آن به Parousia منتهی میشود، به ویژه فصلهای ۱-۳، مگر اینکه جنبه ای از داوری و آمدن وجود داشته باشد در انتهای هر یک وجود داشته باشد (مراجعه شود به ۲: ۵، ۷، ۱۱، ۱۶-۱۷، ۲۵-۲۶: ۳: ۵؛ ۱۰: ۱۲، ۱۸-۲۱). این بازنگری هفت مرتبه ای بیشتر و بیشتر به یک امکان برای درک ساختار موازی کل کتاب تبدیل میشود.

D. بدیهی است عدد "هفت" نقش بسیار مهمی در ساختار کتاب دارد، همانند هفت کلیسا، هفت مهر و هفت ترومپت و هفت کاسه دیده که دیده می شود. بعضی نمونه های دیگر از "هفت" عبارتند از:

۱. هفت نعمت، ۱: ۳، ۱۴: ۱۳، ۱۶: ۱۵، ۱۹: ۹، ۲۰: ۶، ۲۲: ۷ و ۱۴
۲. هفت چراغ، ۱: ۱۲
۳. ۷ روح خدا، ۱: ۴، ۳: ۴، ۵: ۵، ۶: ۵
۴. ۷ ستاره، ۱: ۱۶ و ۲۰، ۲: ۱
۵. ۷ فانوس، ۴: ۵
۶. ۷ مهر بر روی کتیبه، ۵: ۱
۷. ۷ شیپور، ۷ چشمان بره، ۵: ۶
۸. ۷ ویژگی عیسی که ستایش میشوند، ۵: ۱۲
۹. ۷ نشان در طبیعت، ۶: ۱۲ الی ۱۴
۱۰. ۷ نوع انسان، ۶: ۱۵
۱۱. ۷ ویژگی خدا که ستایش میشوند، ۷: ۱۲
۱۲. ۷ فرشته در برابر خدا، ۸: ۲ و ۶
۱۳. ۷ شیپور که توسط هفت فرشته نگاه داشته میشوند، ۸: ۶ (۱۵: ۱ و ۶ و ۷ و ۸، ۱۷: ۱، ۲۱: ۹)
۱۴. ۷ نشان، ۱۲: ۱ و ۳، ۱۳: ۱۳ و ۱۴، ۱۵: ۱، ۱۶: ۱۴، ۱۹: ۲۰
۱۵. ۷ سر، ۷ اژدهای قرمز، ۱۲: ۳
۱۶. ۷ سر هیولای دریا، ۱۳: ۱، ۱۷: ۳ و ۸
۱۷. ۷ فرشته، ۱۴: ۶ الی ۲۰
۱۸. ۷ پلاک، ۱۵: ۱، ۲۱: ۹
۱۹. ۷ تپه، ۱۷: ۹
۲۰. ۷ پادشاه، ۱۷: ۱۰
۲۱. ۷ چیزی که فقط در فصلهای ۲۱ الی ۲۲ وجود دارند (۲۱: ۱ و ۴ [چهار مرتبه]، ۲۱: ۲۵، ۲۲: ۳)

E. تفسیر این کتاب بیشتر به تعصب الهیات حساس است. پیش فرضهای هر فرد، تفسیر منتهی به تفسیر جزئیات مبهمی میشوند. این پیش شرطهای الهیاتی در سطوح مختلف عمل می کنند

۱. منشا نمادها

a. اشارات عهد عتیق

(۱) موضوعات عهد عتیقی مانند ایجاد، سقوط، سیل، خروج، احیا اورشلیم

(۲) صدها اشاره (نه نقل قول مستقیم) از انبیا

b. ادبیات یهودی (I Enoch, II Baruch, Sibylline Oracles, II Esdras)

c. جهان یونانی-رومی قرن اول

d. فلسفه التزام گیتی خاور نزدیک (به خصوص مکاشفه ۱۲)

۲. دوره زمانی کتاب

a. قرن اول میلادی

b. هر قرنی

c. آخرین نسل

۳. شبکه سیستماتیک الهیات (به مفاهیم "نظریه‌های تفسیری مراجعه نمایید. خلاصه مبحث را می‌توانید در کتاب *Four Views on the Book of Revelation* نوشته C. Marvin Pate مطالعه نمایید).

a. preterist

b. تاریخنگار

c. آینده‌گرا

d. آینده‌آلیست

۴. موقعیتهای الهیاتی در فصل ۲۰

a. هزاره

b. قبل از هزاره

c. بعد از هزاره

d. پیش هزاره

در نور انشعابات علم آئین تفسیر کتاب مقدس (رویکردهای متفاوت برای تفسیر) و دکماتیسم نامناسب (نگرش دانستن همه چیز)، چگونه مترجم باید ادامه دهد؟

۱. بگذارید اعتراف کنم که مسیحیان غربی عصر مدرن ژانر را درک نمیکنند و اشارات تاریخی که مسیحیان قرن اول بلافاصله درک میکردند را تشخیص نمیدهند.

۲. بگذارید اعتراف کنم که هر نسلی از مسیحیان تلاش کرده که به زور مکاشفه را در وضعیت تاریخی خودش قرار دهد و اینکار اشتباه است.

۳. بیائید قبل از خواندن نظامهای الهیاتی، انجیل را بخوانیم. به دنبال مفهوم متن ادبی هر چشم انداز / آیه و حقیقت مرکزی در یک جمله توصیفی باشید. حقیقت مرکزی برای هر نسل مؤمنان یکسان خواهد بود در حالی که مشخصه جزئیات ممکن است فقط برای نسل اول و یا نسل آخر مؤمنان باشد. جزئیات ممکن است مرتبط باشد، اما تاریخ، نه الهیات، اهداف را نشان می‌دهد.

۴. بگذارید به یاد داشته باشیم که این کتاب در اصل کلام آرامش و تشویق به باورمندی در میان آزار و اذیت مؤمنان توسط کافران است. این کتاب به معنای پاسخگویی به کنجکاوی نسلهای مؤمنان نیست و هیچ طرح دقیقی از وقایع نهایی را ارائه نمی‌دهد.

۵. با آسودگی خاطر میتوان تایید کرد که جامعه انسان همراه در مسیر تصادم با پادشاهی خداوند است. در ابتدا چنین نظر خواهد رسید که جهان پیروز شده است (همانند کالواری)، اما صبر کنید؛ خداوند حاکم است، او کنترل تاریخ، زندگی و مرگ را در دست دارد. مردم او توسط او پیروز خواهند شد!

F. با وجود دشواری و ابهام تفسیر، این کتاب پیامی دارد و کلامی الهام گرفته از خدا برای مردمش در هر سنی. ارزش این کار اضافی برای مطالعه این کتاب منحصر به فرد است. موقعیت استراتژیک آن در میان نوشته‌های مقدس عهد جدید از پیام مهم آن صحبت می‌کند. Alan Johnson، در *The Expositor's Bible Commentary* جلد ۱۲ می‌گوید:

"در واقع، ممکن است این طور باشد که، به استثنای انجیل، آخرالزمان عمیق‌ترین و موثرترین آموزه‌های مسیحی و شاگردی در هر

کجای کتاب مقدس است. نه تعصب برخی از کسانی که توجه خود را بر نبوت و نه بر مسیح، و نه تنوع دیدگاه تفسیری متمرکز ساخته اند، نباید

ما را از پیگیری حقیقت مسیحی در این کتاب شگفت‌انگیز ناامید کنند" (صفحه ۳۹۹).

به خاطر داشته باشید که اینها واقعا آخرین گفته عیسی به کلیسای او هستند! کلیسای مدرن جرات نمی‌کند آنها را نادیده بگیرد و یا آنها را به

حداقل برساند! آنها می‌خواهند مؤمنان را برای آزار و اذیت و درگیری با توجه به حاکمیت خدا (توحید)، واقعیت‌پلیدی (دوالیسم محدود)، نتایج

جاری سقوط و گمراهی (قیام انسانی) و وعده‌های خدا برای رستگاری بشری آماده سازند (پیمان بی‌قید و شرط مراجعه شود به کتاب پیدایش

۱۵: ۳؛ ۱۲: ۱-۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶؛ انجیل یوحنا ۱۶: ۳؛ دوم قرنتیان ۲۱: ۵).

نویسنده

A. شواهد داخلی در مورد نویسنده بودن یوحنا رسول

۱. نویسنده از خود چهار مرتبه به عنوان یوحنا نام برده است (مراجعه شود به ۱: ۱ و ۴ و ۹ و ۲۲: ۸)

۲. او همچنین خود را چنین نامیده:

a. بنده خدمتگزار (مراجعه شود به ۱: ۱، ۲۲: ۶)

- b. برادر و همدم در شرایط سخت (مراجعه شود به ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)
- c. یک پیامبر (مراجعه شود به ۲۲: ۹) و کتاب خود را یک نبوت می نامد (مراجعه شود به ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)
۳. او عهد عتیق (از LXX استفاده نمیکنند بلکه از Targums استفاده میکنند) و همچنین اداب جشن خیمه ها م مراسم کنیسه را به خوبی میداند
- B. شواهد خارجی در مورد نویسنده بودن یوحنا ی رسول از نویسندگان اولیه مسیحی
۱. یوحنا ی رسول، پسر زبیدی
 - a. شهید جاستین (رم سال ۱۱۰ الی ۱۶۵ میلادی) در Dialogue with Trypho، ۸۱: ۴
 - b. ایرنئوس (Lyons سالهای ۱۲۰ الی ۲۰۲ میلادی) در Against Heresies، IV، ۱۴: ۲، ۱۷: ۶، ۲۱: ۳، V، ۱۶: ۱، ۲۸: ۱، ۳۰: ۳، ۳۴: ۶، ۳۵: ۲
 - c. ترتولیان (شمال آفریقا سالهای ۱۴۵ الی ۲۲۰ میلادی) در Against Praxeas، ۲۷
 - d. اوریگن (اسکندریه، سالهای ۱۸۱ الی ۲۵۲ میلادی) در
 - ۱ On the Soul، L، ۸: ۱
 - ۲ Against Marcion، II: ۵
 - ۳ Against Heretics، III: ۱۴ و ۲۵
 - ۴ Against Celsus، VI: ۶ و ۳۲، VIII: ۱۷
 - e. فهرست مقدس Muratorian (رم، ۱۸۰ الی ۲۰۰ میلادی)
 ۲. سایر کاندیداها
 - a. یوحنا مرقس - این نخستین مرتبه توسط دیونیزیوس، اسقف اعظم اسکندریه (۲۴۷-۲۶۴ میلادی)، که نویسنده بودن یوحنا ی رسول را انکار کرده بود، مورد توجه قرار گرفت، اما هنوز هم کار را به عنوان یک کار مقدس قبول دارد. او انکار خود را بر اساس واژگان و سبک نگارش و همچنین ماهیت نوشته های دیگر یوحنا برشمرد. او اویزیوس سزاریه را متقاعد کرد.
 - b. یوحنا ی شیخ - این از نقل قولی در ایزیوس از پاپیاس (Ecccl. His، ۳: ۳۹: ۱ الی ۷) می آید. با این حال، نقل قول پاپیاس به احتمال زیاد این عنوان را برای یوحنا ی رسول استفاده کرد بجای اینکه نویسنده دیگری را تصریح کند.
 - c. یحیی تعمید دهنده - (همراه با اضافات ویراستاری) توسط J. Massyngberde Ford در تفسیر نامه Anchor Bible و بر اساس اینکه یحیی تعمید دهنده از اصطلاح بره برای عیسی کرد، پیشنهاد شده است. تنها جایی دیگری که این عنوان تکرار شده در مکاشفه است.
- C. دیونیسیوس، اسقف اسکندریه (سالهای ۲۴۷ الی ۲۶۴ میلادی) و شاگرد اوریگن، نخستین کسی بود که تردید خود را درباره نگارنده بودن یوحنا ی رسول بر اساس موارد زیر ابراز داشت (کتاب او از بین رفته است، ولی توسط ایزیوس در سزاریه از او نقل قول شده که با او موافق است):
۱. یوحنا ی رسول خود را به عنوان یوحنا نه در انجیل و نه نامه های خود معرفی نمی کند، ولی در مکاشفه آمده از "یوحنا"
 ۲. ساختار مکاشفه با انجیل و نامه ها متفاوت است
 ۳. واژگان مکاشفه، با انجیل و نامه ها متفاوت است
 ۴. سبک دستوری مکاشفه از کیفیت پایین تری نسبت به انجیل و نامه ها است
- D. احتمالاً جدی ترین چالش عصر مدرن در مورد نگارنده بودن یوحنا ی رسول از Saint John اثر R. H. Charles، جلد ۱، صفحه xxxixff است.
- E. اکثر پژوهش های مدرن، نویسنده سنتی بسیاری از کتاب های عهد جدید را رد کرده اند. مثال خوبی از این روند در رابطه با نگارش مکاشفه، ممکن است Raymond E. Brown، یکی از معتبرترین متفکران کاتولیک یوحنا ی باشد. جلد مقدماتی سری مقالات Anchor Bible می گوید: "نوشته شده توسط یک پیامبر یهودی مسیحی به نام یوحنا، که نه یوحنا، پسر زبیدی، و نه نویسنده انجیل یوحنا و یا رسالات است" (صفحه ۷۷۴)
- F. از بسیاری جهات، نویسنده نامشخص است. همسوها و تفاوت های قابل توجهی با دیگر نوشته های یوحنا ی رسول وجود دارند. کلید درک این کتاب در نویسنده انسانی نیست، بلکه در نویسنده الهی است. نویسنده معتقد است که خود یک پیامبر الهام گرفته است (مراجعه شود به ۱: ۳، ۲۲: ۱۹، ۱۸، ۱۰، ۷).

تاریخ

- A. این قطعا به طور یکپارچه با نویسنده و دیدگاه تفسیری مرتبط است (مراجعه شود به Historical Theories C)
- B. برخی تاریخهای احتمالی

۱. تاریخی که روایت میشود دوران حکومت دومیتیان (۸۱ الی ۹۶ میلادی) است زیرا با شواهد داخلی در مورد آزار و شکنجه مطابقت دارد.
 - a. ایرنتوس (نقل قول شده توسط ایزوبیوس) در *Against Heresies*، ۵: ۳۰: ۳ "این (این آزار و شکنجه) در گذشته ای نه چندان دور، تقریباً در نسل ما، در اواخر سلطه Domitian دیده شد"
 - b. کلمنت اسکندریه
 - c. اوریگن از اسکندریه
 - d. ایزوبیوس از سزاریه، *Church History*، iii: ۲۳: ۱
 - e. ویکتورینوس، *Apocalypse*، x: ۱۱
 - f. جروم
۲. اپیفانیوس، یک نویسنده قرن سوم در *Haer*، ۵۱: ۱۲: ۳۲ میگوید که یوحنا پس از اینکه از پاتموس آزاد شد که در طول دوران حکومت کلادیوس بود، آن را نوشت.
۳. دیگران میگویند که به واسطه نکات زیر، در دوران نرون (۵۴ الی ۶۸ میلادی) نوشته شده
 - a. زمینه آشکار آزار و شکنجه امپراتور
 - b. وقتی که سزار نرو، به زبان عبری نوشته شود، ارزش عددی آن برابر با هیولا است: ۶۶۶
 - c. اگر پیشینیان درست بگویند که مکاشفات یوحنا به تخریب اورشلیم اشاره میکند، پس اگر کتاب نبوت باشد، باید قبل از سال ۷۰ میلادی نوشته شده باشد.

مخاطبین

- A. از ۱: ۴ واضح است که گیرندگان اصلی هفت کلیسا در استان رومی آسیا بودند. این کلیساها به گونه ای مورد خطاب قرار گرفته اند که مسیر سفر حامل نامه را بیان کنند.
- B. پیام مکاشفه انحصاراً برای همه کلیساها و مؤمنینی است که در معرض آزار و اذیت سیستم جهان گمراه قرار دارند.
- C. به عنوان نتیجه کلی برای عهد جدید این کتاب پیام کاملی برای همه مومنین تمام اعصار است

مناسبت

- A. مناسبت، آزار و اذیت ناشی از جدایی کلیساهای محلی از حمایت قانونی رم به واسطه مداخلات و کارشکنیهای یهودیان بود. این جدایی رسمی در حدود سال ۷۰ میلادی رخ داد، وقتی که ربی‌ها از جمنیا یک سوگندی را ایجاد کردند که از کنیسه‌های محلی میخواست عیسی ناصری را لعنت کنند.
- B. اسناد رومی نشان می‌دهد که دعای امپراطور از سلطنت نرو (۵۴ الی ۶۸ میلادی) تا دومیتیان به یک منازعه شدید با کلیسا تبدیل شد (۸۱ الی ۹۶ میلادی). با این حال، مستندات یک آزار و اذیت رسمی در سراسر امپراتوری وجود ندارد. ظاهراً مکاشفه منعکس کننده گستره احکام محلی دین امپراتور در استان‌های شرقی امپراتوری روم بود (مضمون "Biblical Archaeology Review"، مه / ژوئن ۱۹۹۳ صفحات ۲۹-۳۷).

نحو و دستور زبان

- A. مشکلات دستور زبانی زیادی در متن یونانی وجود دارد
- B. برخی دلایل احتمالی برای این مسائل
 ۱. الگوهای فکری یوحنا در زبان آرامی
 ۲. او هیچ کاتبی در پاتموس نداشت که برایش بنویسد
 ۳. هیجان ناشی از این بینش و دیدگاه حیرت آور بود
 ۴. به صورت تعمدی و با هدف تاثیر گذاری هستند
 ۵. ژانر (آخر الزمان) شدیداً نمادین است.
- C. خصوصیات مشابه دستور زبانی در سایر مقالات آخر الزمان یهودی نیز دیده میشوند. بنابراین، مکاشفه با ادبیات و دستور زبان ضعیف نوشته نشده است، بلکه در ساختار یک ژانر خاص با نشانه‌های دستور زبانی خاص آن ژانر نوشته شده است.

تقدس

- A. توسط کلیسای شرق رد شد، این کتاب در پیشیتا (نسخه قرن پنجم میلادی به زبان سیریاک) وجود ندارد.
- B. در اوایل قرن چهارم، ایزوبیوس، به دنبال دیونیسوس اسکندریه در اواخر قرن سوم، گفت: مکاشفه توسط یوحنا رسول نوشته نشده است. او آن را

به عنوان یکی از کتابهای "در حال جدل" نامید اما در فهرست کتب مقدس خود آن را اضافه کرد (مراجعه شود به *Ecclesiastical History*: III: ۲۴؛ ۱۸؛ III: ۲۵؛ ۴؛ III: ۳۹؛ ۶).

- C. شورای لاتویدیکه (در حدود ۳۶۰ میلادی) آن را از فهرست کتابهای مقدس حذف کرد. جروم آن را به عنوان مقدس رد کرد، اما شورای کارتاژ (۳۹۷ میلادی) آن را اضافه کرد. مکاشفه با مصالحه پذیرفته شد که هم عبرانیان و هم مکاشفه در لیست کتب مقدس کلیسا پذیرفته شدند.
- D. ما باید اذعان کنیم که این پیش فرض ناشی از ایمان است که روح القدس فرایند تاریخی ایجاد یک فهرست کتب مقدس مسیحی را هدایت میکند.
- E. دو متخصص برجسته الهیات پروتستان مکان آن را در دکتترین مسیحی رد کردند
۱. مارتین لوتر برای رد تحت وحی و الهام بودنش، آن را نه نبوتی و نه رسولی نامید
 ۲. جان کالوین، گنج تفسیری برای هر یک از کتب عهد جدید به استثنای مکاشفه نوشته، در کل به دلیل بی ربطی، آن را رد میکند.

نظریات تاریخی در مورد تفسیر

- A. تفسیر آن بسیار دشوار است، بنابراین دگماتیسم نابجا است.
- B. نمادها از اینها برگرفته شده اند
۱. عبارتهای آخر زمانی در عهد عتیق
 - a. دانیال
 - b. حزقیال
 - c. زکریا
 - d. اشعیا
 ۲. ادبیات پایان عصری یهودی
 ۳. شرایط تاریخی یونان-روم قرن اول (به خصوص مکاشفه ۱۷)
 ۴. داستانهای اسطوره ای خاور نزدیک باستان (به خصوص مکاشفه ۱۲)
- C. به طور کلی، چهار شبکه تفسیری یا پیش فرض وجود دارند
۱. کشیش - این گروه این کتاب را عمدتاً یا صرفاً برای کلیساهای قرن اول در استان آسیای روم میبیند. تمام جزئیات و نبوتها در قرن اول تحقق یافتند.
 ۲. تاریخ دان - این گروه این کتاب را به عنوان یک مرور کلی از تاریخ، عمدتاً از تمدن غربی و به معنی کلیسای کاتولیک روم میبیند. اغلب نامه ها به هفت کلیسای فصول ۲ و ۳ به عنوان توضیحی از دوره های خاص استفاده می شود. بعضی از آنها به صورت همزمان و دیگران به صورت پیوسته از لحاظ تاریخی می بینند.
 ۳. آینده نگر - این گروه کتاب را به عنوان مراجعه به رویدادهایی که بلافاصله پیش از پیروزی و پیروزی از پاروزیا (دومین آمدن مسیح) به وقوع خواهند پیوست و از لحاظ تاریخی تحقق خواهند یافت، می بیند.
 ۴. ایده آل گرا - این گروه کتاب را کاملاً نماد مبارزه بین خیر و شر میبیند که هیچ اشاره ای تاریخی ندارد.
- همه اینها اعتبار دارند اما فاقد ابهام عمدی یوحنا در انتخاب ژانر و به تصویر کشیدن هستند. مشکل توازن است، نه اینکه کدام یک درست باشد.

هدف کتاب

- A. هدف از مکاشفه، نشان دادن حاکمیت خدا در تاریخ و وعده به ارث بردن همه چیزهایی است که در آن وجود دارند. مؤمنان در میان آزار و اذیت این سیستم جهان افتاده و گمراه در ایمان و امید باقی خواهند ماند. تمرکز کتاب آزار و اذیت (پرستش امپراتور در استان های شرقی) و باورمندی (معلمان دروغین و سازش فرهنگی) مؤمنان در قرن اول و در هر قرن (مراجعه شود به ۲: ۱۰). به یاد داشته باشید که پیامبران در تلاش برای اصلاح حال حاضر از آینده سخن گفتند. مکاشفه نه تنها در مورد این است که چگونگی پایان خواهد یافت، بلکه چگونگی انجام آن را هم میگوید. Robert L. Sancy در مقاله خود تحت عنوان *The Eschatology of the Bible*، در *The Expositors Bible Commentary* جلد ۱ میگوید: "پیامبران کتاب مقدس در درجه اول نگران ترتیب زمانی و ترتیب اتفاق رویدادهای آینده نبودند. برای آنها، شرایط روحانی و معنوی عصرشان اهمیت داشت و دیدگاه بزرگ خدا برای قضاوت و ناپارسایی و برکت مؤمنان به خاطر تأثیر اخلاقی آن بر حال حاضر به میان می آمد." (صفحه ۱۰۴)
- B. هدف کلی به طور خلاصه در مقدمه کوتاه در ترجمه TEV و NJB به خوبی بیان شده است
۱. TEV، صفحه ۱۱۲۲، "مکاشفه بر یوحنا در زمانی که مسیحیان به خاطر ایمان به عیسی مسیح به عنوان سرورشان مورد آزار و شکنجه قرار میگرفتند، نوشته شده بود. توجه اصلی نویسندگان این بود که خوانندگان خود را امیدوار و تشویق کنند و از آنها بخواهند تا در طول رنج و آزار و شکنجه استوار باقی بمانند."

۲. NJB، صفحه ۱۴۱۶، "کتاب مقدس در پیام امید و نماد غنی این کتاب خلاصه شده است. این چشم انداز نجات از محاکماتی است که مردم خدا را در بر می گیرند و وعده یک آینده شگفت انگیز است. این پیام به وسیله یک بینش تصویری بیان میشود که بر تمام کتاب مقدس ترسیم میگردد، به طوری که هر ویژگی، حیوانی، رنگی، اعدادی، تحریک کننده و حامل صدهای فرعی برای خواننده ای است که با عهد عتیق آشنا میباشد. به این ترتیب، این یک مکاشفه پنهان از آنچه که باید اتفاق بیافتد، است، هر چند نماد طبیعی از اعمال بزرگ عبادت و چشم انداز نهایی مسحور کننده شهر مقدس به اندازه کافی روشن است. چنین روایت نوشته شده ای در یهودیت از زمان دانیال به وجود آمده است تا مردم خدا را در دوران آزار و شکنجه با اطمینان از نجات و پیروزی نهایی حمایت و دلگرم کند."

C. بسیار مهم است که مترجم به موضوع رستگاری اولویت بدهد.

۱. خداوند از طریق مسیح، رستگاری فردی، گروهی و کیهانی را به ارمغان آورده است.
۲. رستگاری خدا روحانی و فیزیکی است. کلیسا نجات یافته است، اما ایمن نیست! روزی خواهد بود!
۳. خدا هنوز هم انسان سقوط کرده، شورش و خودخواه را دوست دارد. خشم خدا در مهر و موم و شیپور برای رستگاری است (مراجعه شود به ۹: ۲۱-۲۰؛ ۱۴: ۶-۷؛ ۱۶: ۹، ۱۱؛ ۲۱: ۷؛ ۲۲: ۱۷).
۴. خدا نه تنها انسان گمراه را احیا میکند، بلکه خلقت گمراه را نیز احیا میکند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۸-۲۵). شر در هر سطحی پاک خواهد شد!

تلاش های مکرر خداوند برای رسیدن به انسان از دست رفته توسط انجیل شخصیت مهربان خداوند را بزرگتر می کند. کاسه داوری نتیجه سرسختی شیطان است، نه یک خدای ناخوشایند. خدا تنها قضاوت می کند و شیطان، وقتی که دوباره و دوباره از توبه سر باز زند، را دور میکند. این کتاب با یک دعوت به انجیل (مراجعه شود به ۲۲: ۱۷) پایان می یابد.

D. این کتاب نباید به عنوان یک جدول زمانبندی از وقایع، زمانها و شیوه دوم آمدن دیده شود. این را اغلب به عنوان "راز"، تاریخ غرب شناخته و تلقی میکند (هفت کلیسا به عنوان عصر دیده می شوند). هر نسلی تاریخ خود را به نمادهای آخرت تبدیل کرده است؛ همه تا به حال اشتباه کرده اند. جزئیات این نبوتها برای آخرین نسل مؤمنین که تحت شرایط ضد مسیح زندگی کرده و رنج می برند، بسیار واضح و بدیهی خواهد بود. تفسیر لفظی این کتاب باعث شده که برخی (کالوین) آن را نادیده گرفته و دیگران آن را نفی کنند (لوتر، "نه رسولان و نه پیامبران") و بیش از حد و به صورت اغراق آمیز توسط دیگران (هزاره گرایان) تأکید شده است.

کلید نگارنده این تفسیر برای تفسیر

- A. باید جنبه عهد عتیق را در نظر بگیریم
۱. ژانر آخر الزمان عهد عتیق یک متن شدیداً نمادین است
 ۲. اشارات بشماره از عهد عتیق به عمل آمده (برخی تخمین میزنند که از ۴۰۴ آیه، ۲۷۵ آیه شامل اشاراتی به متون عهد عتیق هستند)، معانی این نمادها در نور شرایط روم قرن اول مجدداً تفسیر شده اند.
 ۳. پیشگوییهای نبوتی رخدادهای جاری را گرفته تا رویدادهای اسکاتولوژیک را پیش بینی کند. اغلب این تحقق تحولات تاریخی قرن نخست، نشان دهنده تحقق تاریخی پایان عصری هستند.
- B. ساختار کلی کتاب به ما کمک میکند که هدف نگارنده را در نظر بگیریم
۱. مهرها، شیپورها، و کاسه ها اساساً یک دوره زمانی را پوشش میدهند (فصول ۶ الی ۱۶). مکاشفه درامی است در چندین پرده متوالی.
 ۲. ممکن است که فصول ۱۷ الی ۱۹ همسوبا ۲۰ الی ۲۲ باشند. بخشهایی از فصل ۱۹ (یعنی ۱۹: ۱۱ الی ۲۱) در ۲۰: ۷ الی ۱۰ به طور خلاصه تکرار شده اند.
 ۳. هفت واحد مفهومی را در کلام آغازین، بخش C مطالعه کنید.
- C. متن تاریخی باید در هر تفسیری از کتاب مورد توجه واقع شود
۱. حضور عبادت امپراتور
 ۲. آزار و اذیت محلی در مناطق شرقی امپراتوری
 ۳. کتاب مقدس نمیتواند آن چیزی را معنی دهد که هرگز برایش تعیین نشده باشد. تفسیر مکاشفه باید اول از همه باید مرتبط با روزگار یوحنا باشد. این ممکن است چندین تحقق و یا کاربردهای متعددی داشته باشد، اما آنها باید در قرن اول پایه گذاری شوند
- D. معنی برخی از اصطلاحات مرموز به دلیل شرایط فرهنگی، زبانی و موجودی، به ما رسیده است. احتمالاً رخدادهای پایان عصر خود را با تفسیر مناسب این نمادها روشن می کنند. مراقب باشید که از اهرم فشار برای تمام جزئیات این درام آخرالزمانی استفاده نکنید. مترجمین و مفسرین عصر مدرن باید در هر یک از این دیدگاه ها حقیقت اصلی را دنبال کنند.
- E. اجازه دهید برخی از عناصر کلیدی تفسیر را خلاصه وار بیان کنم

۱. منشا تاریخی نمادگرایی

- a. موضوعات عهد عتیق، اشارات عهد عتیق
- b. اسطوره های خاور نزدیک باستان
- c. ادبیات آخر زمانی یهود
- d. شرایط روم-یونان قرن نخست

۲. شیوه نگارنده برای تعریف نمادهایش

- a. مکالمه با فرشته راهنما
- b. سرودهای بهشتی و آسمانی
- c. نگارنده خود معنی را بیان میدارد

۳. ساختار کتاب (همسوهای دراماتیک)

F. کمکهای اضافی

۱. دو مفسر محبوب من در مورد کتاب مکاشفه George Eldon Ladd و Alan F. Johnson هستند. آنان با یکدیگر موافق نیستند. اختلافات زیادی در میان متفکران الهیات، تحصیلکرده و اساتید وجود دارند که یک کلام احتیاط آمیز لازم است. اجازه بدهید از Alan Johnson را در *Commentary on Revelation* از Zondervan نقل قول کنم:

"با توجه به استفاده دقیق از تصاویر و چشم انداز از ۴: ۱ تا پایان مکاشفه و سوال این که چگونه این مواد به فصول ۱ الی ۳ مربوط میشوند، تعجب آور نیست که شیوه مفسران در برخورد با این فصول به طور گسترده ای متفاوت است. یک مشکل مربوط به تفسیر است: تصاویر و دیدگاه چه معنای دارند؟ مشکل دیگر شامل زمان بندی و وقایع نگاری تاریخی است: چه زمانی این کارها انجام می شود؟ علاوه بر این، آیا یوحنا تصاویر اغلب عهد عتیقی را با توجه به منابع عهد عتیق تفسیر می کند یا آیا به طور آزادانه اینها را تفسیر می کند؟ نمادین و مفهومی چیستند و چه معنایی دارند؟ پاسخ به چنین سوالاتی رویکرد مترجم را تعیین می کند. از آنجاییکه تعداد اندکی از این سوالات میتوانند به صورت دکلماتیک پاس دهند، نیاز به تحمل رویکردهای واگرایی در امید وجود دارد که روح بتواند از بحثهای مبتنی بر ذهن باز استفاده کند تا ما را بیشتر به معنای آخرالزمان هدایت کند" (صفحه ۶۹)

۲. برای یک مقدمه کلی بر رابطه مکاشفه با عهد عتیق، من *Prophecy Interpreted* اثر John P. Milton و *The Authority of the Old Testament* اثر John Bright را توصیه میکنم. برای یک بحث مفید در مورد رابطه مکاشفه با پولس *A Man In Christ* اثر James S. Stewart را توصیه میکنم.

مطالعه حلقه اول (برداشت از "راهنمایی برای مطالعه صحیح کتاب مقدس")

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. مضمون کلی کتاب
۲. نوع ادبیات (سبک)

مطالعه حلقه دوم (برداشت از "راهنمایی برای مطالعه صحیح کتاب مقدس")

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. موضوع اولین نامه مستقل
۲. موضوع دومین نامه مستقل
۳. موضوع سومین نامه مستقل
۴. موضوع چهارمین نامه مستقل
۵. غیره

مکاشفه ۱:۱ - ۲۰

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
معرفی و تهنیت ۳-۱:۱	معرفی و نیایش ۳-۱:۱	پیشگفتار ۲-۱:۱ ۳:۱	معرفی ۳-۱:۱	پیشگفتار ۳-۱:۱
۵-۴:۱ ۷-۵:۱	ای هفت کلیسا خوش آمدید ۸-۴:۱	معرفی اولیه ۵-۴:۱ ۷-۵:۱	درود بر هفت کلیسا ۵-۴:۱ ۶-۵:۱ ۷:۵	درود و نیایش ۸-۴:۱
۸:۵	تصویر پسر انسان ۲۰-۹:۱	رویای مقدماتی ۱۱-۹:۱	تصویری از مسیح ۱۱-۹:۱	رویای اولیه ۱۶-۹:۱
۱۶-۱۲:۱ ۲۰-۱۷:۱		۱۶-۱۲:۱ ۲۰-۱۷:۱	۲۰-۱۲:۱	۲۰-۱۷:۱

* پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی، واژه‌نامه و اصطلاحات دستور زبان یونانی.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس)"

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

نقطه نظرات متنی نسبت به مکاشفه ۱:۱ - ۲۲:۳

A. مکاشفه ۱:۱-۸ شروعیست برای تمام نبوت. سه آیه اول به معرفی نویسنده، زمان، سبک و دعای خیر می‌پردازد.

۱. نویسنده آن یوحنا است (نامی که در میان یهودیان بسیار رایج است).
۲. زمان آن نزدیک است (مکاشفه ۱: ۱، ۳).
۳. پیام آن، ارتباط از طریق رویا و بوسیله رابط آسمانی بوده که نبوت نامیده می‌شود (مکاشفه ۱: ۳). سه فصل اول بسیار شبیه شیوه معمولی نامه‌های قرن اول است.
۴. دعای خیر برای کسانی است که آنچه را که خوانده می‌شود را به گوش جان شنیده و در دورانی که رنج می‌برند، به نصایح عمل کرده و به احکام باورمندی بمانند.

B. چهار آیه بعدی (۴-۷) در قالب هفت کلیسا، دریافت کنندگان (مکاشفه ۱: ۱۱) و هفت روح آنان (مکاشفه ۱: ۴، ۲۰؛ ۳: ۱؛ ۴: ۵؛ ۵: ۵) را مخاطب قرار می‌دهد. این بخش توسط عوامل زیر علامتگذاری می‌گردد:

۱. مشخصه یهوه (مکاشفه ۱: ۴)
۲. مشخصه عیسی (مکاشفه ۱: ۵، ۶، ۷)
۳. مشخصه ایمانداران (مکاشفه ۱: ۶)
۴. یهوه در حال سخن گفتن (مکاشفه ۱: ۸)

C. آیات ۱: ۹ - ۳: ۲۲ آخرین کلام عیسی به کلیسایش است. در مکاشفه ۱: ۹-۲۰ و در ابتدای سخن به هر یک از کلیساها، عیسی توسط عناوین عهد عتیقی برای یهوه، مشخص می‌گردد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱: ۱-۳

۱ مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او عطا فرمود تا آنچه را می‌باید زود واقع شود، به خادمان خود بازنماید، و آن را با فرستادن فرشته خود بر خادمش یوحنا آشکار ساخت. ^۲ و یوحنا بر هر آنچه دید، یعنی بر کلام خدا و شهادت عیسی مسیح، گواهی می‌دهد. ^۳ خوشا به حال کسی که این کلام نبوت را قرائت می‌کند و خوشا به حال آنان که آن را می‌شنوند و آنچه را در آن نوشته شده، نگاه می‌دارند؛ زیرا وقت نزدیک است.

۱: ۱ "مکاشفه" این واژه زیر و رو کننده فقط در این بخش از کتاب یافت می‌شود. این واژه از ریشه دو عبارت یونانی به معنای "از مکانی پنهان" یا "چیزی را عیان و یا آشکار کردن" گرفته شده است. این واژه در حالت‌های مختلفی استفاده می‌گردد (BAGD صفحه ۹۲).

۱. آشکار کردن حقیقت - لوقا ۲: ۳۲؛ رومیان ۱۶: ۲۵؛ ۱ قرنتیان ۱۴: ۶، ۲۶؛ غلاطیان ۱: ۱۲؛ افسسیان ۱: ۱۷
۲. رازی که عیان می‌شود - افسسیان ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳
۳. مکاشفه‌ای توسط رویا - ۲ قرنتیان ۱: ۱۲، ۷؛ غلاطیان ۲: ۲
۴. اسرار مرتبط با پایان دنیا - لوقا ۱۷: ۳۰؛ ۱ قرنتیان ۱: ۷؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۷؛ ۱ پطرس ۱: ۷، ۱۳؛ ۴: ۱۳؛ ۵: ۱

در این کتاب، این واژه بدان معناست که حقیقت از جانب خداوند توسط عیسی مسیح و با واسطه آسمانی و فرشتگان تفسیر می‌گردد. تمرکز آن بر روی حضور شریب و حصول پیروزی حق بوسیله نیروهای ماوراالطبیعه خداوند است. خداوند همه چیز را مرتب خواهد کرد!

□ "عیسی مسیح" استفاده از واژه مکاشفه‌ی یا یک مالکیت مفعولی از پیام عیسی مسیح است (غلاطیان ۱: ۱۲) و یا مالکیت عینی، در ارتباط با پیامی که عیسی مسیح ارائه کرده است.

□ "عیسی" این نام عبری بمفهوم "یهوه نجات می‌دهد"، "یهوه رستگاری است"، "یهوه رستگاری می‌آورد" است. همان نام عهد عتیق برای "یوشع" می‌باشد. "عیسی" از کلمه عبری برای نجات، "هوشع" مشتق شده که به نام ویژه پیمان خداوند، "یهوه" وابسته است (به موضوع خاص: اسامی خدا در کولسیان ۳: ۱ رجوع شود). این نام توسط خداوند و بوسیله فرشته او تعریف گردیده است (متی ۱: ۲۱).

□ "مسیح" این عبارت مترادف واژه عبری "مسیاح" بوده و بمعنی "شخص تدهین شده" می‌باشد. این عبارت بیانگر "فراخوانده شدن فردی توسط خداوند برای انجام وظیفه‌ای خاص" می‌باشد. در عهد عتیق سه گروه از رهبران تدهین شده بودند: کاهنان، پادشاهان و انبیا. عیسی هر یک از این سه گروه را به سرانجام رسانید (عبرانیان ۱: ۲-۳). به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹: ۲۶)

Special Topic: Messiah (from Dan. 9:26)

دشواری ترجمه این است که استفاده‌های متفاوتی است از کلمه "مسیح" یا "آن تدهین شده" (BDB 603, KB 645) وجود دارد. از این اصطلاح برای روغن مالی مخصوص بر روی یک فرد که مشخص کند فردی توسط خدا فراخوانده شده و تجهیز گشته تا وظیفه رهبری خاصی را به انجام برساند استفاده شده است.

۱. در مورد پادشاهان یهود استفاده شده (برای نمونه، اول سموئیل ۲:۱۰، ۱۲:۳، ۲۴:۶ و ۱۰، دوم سموئیل ۱۹:۲۱، ۲۳:۱، مزمور ۸۹:۵۱، ۱۰:۱۰ و ۱۳۲:۱۰، ۱۷، مراثی ارمیا ۴:۲۰، حبقوق ۳:۱۳، "شاهزاده تدهین شده" در دانیال ۹:۲۵)
۲. در مورد کشیشهای یهود استفاده شده (برای نمونه "کشیشهای تدهین شده، کتاب خروج ۲۹:۷، لاویان ۴:۳ و ۵ و ۱۶، ۶:۱۵، ۷:۳۶، ۸:۱۲، احتمالاً مزمور ۸۴:۹ الی ۱۰، و ۱۳۳:۲)
۳. در مورد ریش سفیدان قوم و پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶:۷، اول تواریخ ۱۶:۲۲، مزمور ۱۰۵:۱۵، که اشاره به پیمان مشارکت مردم دارد، احتمالاً حبقوق ۳:۱۳)
۴. در مورد پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹:۱۶، احتمالاً اول تواریخ ۲۹:۲۲)
۵. در مورد کورش استفاده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۱:۴۵)
۶. ترکیب شماره‌های ۱ و ۲ در مزمور ۱۱۰ و زکریا ۴
۷. در مورد آمدن خاص خدا استفاده شده، داوود پادشاه که عصر جدید عدالت را می‌آورد
 - a. عصای یهودا (مراجعه شود به پیدایش ۴۹:۱۰)
 - b. قصر ایشا (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)
 - c. پادشاهی جهانی (مراجعه شود به مزمور ۲، اشعیا ۹:۶، ۱۱:۱ الی ۵، میکاه ۵:۱ الی ۴)
 - d. بشارت به نیازمندان (مراجعه شود به اشعیا ۱:۶۱ الی ۳)

من شخصا تمایل دارم که "آن تدهین شده" را با عیسی ناصری شناسایی کنم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۴۱، ۴:۲۵) به واسطه:

۱. معرفی پادشاهی جاویدان در دانیال ۲ در طول امپراتوری چهارم
 ۲. معرفی "فرزند انسان" در دانیال ۷:۱۳ که پادشاهی ابدی به او داده می‌شود
 ۳. عبارات رستگاری در دانیال ۹:۲۴ که به نقطه اول تاریخ سقوط جهان اشاره می‌کند
 ۴. استفاده عیسی از کتاب دانیال در عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۱۵، انجیل مرقس ۱۳:۱۴)
- باید اعتراف کرد که این عنوان به ندرت در عهد عتیق استفاده شده، احتمالاً فقط در کتاب دانیال ۹:۲۵ استفاده شده است. همچنین باید تأیید کرد که عیسی در شرایط کلی که در عهد عتیق در مورد مسیح تعریف شده، نمی‌گنجد.
۱. در اسرائیل رهبر نبوده
 ۲. به طور رسمی توسط یک کشیش تدهین نشده
 ۳. فقط نجات دهنده اسرائیل نیست
 ۴. نه فقط "فرزند انسان" بلکه به طور حیرت‌انگیزی "فرزند خدا" است.

□ "که خدا به او عطا فرمود" عیسی هیچ عمل یا تدریسی را بدون مکاشفه یا اجازه از سوی پدر انجام نمی‌داد (یوحنا ۳:۱۱ - ۱۳، ۳۱-۳۶؛ ۴:۳۴؛ ۱۹:۵ - ۲۳، ۳۰؛ ۳۸:۶؛ ۱۶:۷؛ ۲۶:۸، ۲۹-۲۸، ۴۰؛ ۴۹:۱۲ - ۵۰؛ ۵۰؛ ۱۰:۱۴، ۲۴؛ ۱۵:۱۵). به لحاظ الهیاتی، این یکی از مشخصه‌های نوشته‌های یوحنا می‌باشد.

□ "تا آنچه را می‌باید زود واقع شود، به خادمان خود بازنماید" به شروع این پاراگراف توجه نمایید که چگونه در مکاشفه ۲۲:۶-۲۱ بازتاب پیدا کرده است. این یکی از تکنیک‌های ادبی قرن اول است.

"آنچه را می‌باید در زمان کوتاه واقع شود"	NASB, NKJV
"آنچه را می‌باید زود واقع شود"	NRSV
"آنچه که باید خیلی زود واقع شود"	TEV
"آنچه را هم اکنون خیلی زود واقع می‌شود"	NJB

عصر زمانی برای تفسیر کل کتاب بسیار مهم است زیرا بویژه بیان می‌دارد که پیام یوحنا علاوه با دوران خود، با آینده نیز ارتباط داشت. عبارت "می‌باید" (*dei*) بمعنی "هر آنچه که الزام‌آور است، هر آنچه که لازم است، هر آنچه که شایسته انجام شدن و یا غیر قابل اجتناب است" می‌باشد (مکاشفه ۲۲:۶). به موضوع خاص زیر، بزودی باز می‌گردد، توجه نمایید.

موضوع خاص: بزودی باز می‌گردد

(Special Topic: Soon Return)

برای درک مفهوم "خیلی زود جای می‌گیرد"، آیات مکاشفه ۱:۳؛ ۲:۱۶؛ ۳:۱۱؛ ۷:۲۲؛ ۱۰:۱۲، ۲۰ را با یکدیگر مقایسه کنید. این عبارت می‌تواند کنایه‌ی عهد عتیقی باشد به کتاب دانیال آیات ۲:۲۸، ۲۹ و ۴۵. در کتاب مکاشفه، یوحنا هرگز از عهد عتیق نقل قول نمی‌آورد اما اشارات زیادی به آن می‌نماید. از ۴۰۴ آیه، ۲۷۵ آیه از پیشزمینه عهد عتیقی برخوردار هستند. میان مترجمان در ترجمه این عبارت به دلیل عدم سازگاری با پیشفرضهای الهیاتی خود درباره مقصود کتاب مکاشفه، جدایی بوجود آمده است:

۱. بطور ناگهانی

۲. بمحض شروع سریع بوقوع خواهد پیوست

۳. بزودی شروع خواهد شد

۴. قطعاً روی خواهد داد

۵. قریب‌الوقوع

کاربرد این واژه در مکاشفه ۷:۲۲، ۱۲، ۲۰ نشان می‌دهد که یوحنا منتظر وقوع سریع این رویدادها در طول دوران زندگی خود بوده است (به تفسیر کامل مکاشفه ۱۰:۶؛ ۲۲:۳ توجه فرمایید). از آنجایی که فاصله‌ای ۲۰۰۰ ساله میان نوشتن این کتاب و دوران امروزی ما وجود دارد، بسیاری اعتقاد دارند که یوحنا اشتباه می‌کرده است.

با اینحال، بنظر می‌رسد که استفاده از یک قالب زمانی قریب‌الوقوع، یک ادبیات نبوتی از عهد عتیق بوده باشد که باعث می‌گردد تصورات ما از رویدادهای امروزی بر روی رویدادهای پایان عصر سایه افکند.

۱. یوحنا از روم قرن اول برای ترسیم آخرین روزها بهره برده است.

۲. اشعیا و حزقیال از یک یهودای احیا شده استفاده کردند

۳. دانیال از آنتیوخوس چهارم بهره برد

فرا رسیدن عصر جدید پارسایی امیدی برای همه نسل‌های ایماندار است، اما تجربه واقعی آن در آخر فرا می‌رسد.

هیچکس نمی‌تواند توضیح دهد که چرا بازگشت عیسی تا این اندازه بطول انجامیده در حالیکه قرار بود زودتر از این بوقوع بپیوندد (متی ۱۰:۲۳؛ ۲۸:۱۶؛ ۲۳:۳۶؛ ۲۴:۳۴). میان هر لحظه از بازگشت عیسی و تاخیر *Parousia* در عهد جدید تنش وجود دارد. (به موضوع خاص: بازگشت دوم با تأخیر رجوع نمایید). همچنین برای کاربرد این عبارت بعنوان یک نماد نبوتی بشدت غیرمنتظره به کتاب *Plowshares and Pruning Hooks* نوشته D. Brent Sandy صفحات ۱۰۱-۱۰۲ رجوع نمایید.

□ "ارتباط برقرار کرد" (در نسخه فارسی نوشته نشده است) این واژه بمعنی "دال بر" می‌باشد (*semainō*) (NKJV). "نشانه‌ها" یکی از ساختارهای کلیدی هستند که یوحنا برای برقراری ارتباط پیامش در انجیل از آنها بهره می‌برد (*semion* مکاشفه، ۱۲:۳۳؛ ۱۸:۳۲؛ ۲۱:۱۹). این امر می‌تواند پل ارتباطی عهد عتیق با انبیای عهد عتیق محسوب گردد (اشعیا ۷:۱۱، ۱۴؛ ۸:۱۸؛ ۱۹:۲۰؛ ۳۰:۳۷؛ ۳۰:۳۸؛ ۷:۲۲؛ ۱۳:۵۵؛ ۱۳:۶۶؛ ۱۹:۶۶؛ ۱۰:۲؛ ۳۲:۲۰-۲۱؛ ۴۴:۲۹ و حزقیال ۴:۳؛ ۸:۱۴؛ ۱۲:۲۰، ۲۰). این حقیقت که کتاب در میان نشانه‌ها و نبوت، مکاشفه نامیده می‌شود، به ما کلید دستیابی با سبک نگارش کتاب را نشان می‌دهد. واژه ادبی امروزی "apocalyptic" (آخرالزمانی) قبلاً برای تعریف سبکی استفاده می‌شد که برای یوحنا کاملاً ناشناخته بود.

□ "بر خادمش" در این آیه، چنین عبارتی اشاره به نویسنده رسول کتاب دارد. دیگر جاهای کتاب، جمع بسته شدن این واژه برای استفاده از انبیا/پیامبران/واعظان می‌باشد (مکاشفه ۷:۱۰؛ ۱۱:۱۸؛ ۲۲:۶). با اینحال، این عنوان در دیگر جاهای کتاب برای مخاطب قرار دادن تمام ایمانداران بکار برده شده است (مکاشفه ۷:۳؛ ۱۹:۲؛ ۵:۳۲؛ ۳:۲۲)، که بیانگر الزام تمام ایمانداران به شاهد بودن است (متی ۱۸:۲۸-۲۰؛ کولسیان ۴:۶؛ ۲ تیموتائوس ۴:۲۴-۲۵؛ ۱ پطرس ۳:۱۵). عیسی نمونه‌ای برای پیروی است (مکاشفه ۱:۵؛ ۳:۱۴؛ یوحنا ۲۰:۲۱)؛ بسیاری از مردم کشته خواهند شد، همانگونه که عیسی کشته شد (مکاشفه ۶:۹؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۷:۱۶؛ ۱۸:۲۴؛ ۲۰:۴). بخاطر داشته باشید که موضوع کتاب باورمندی بودن به مرگ است! من (عیسی) بر مرگ غلبه یافتم!

□ **یوحنا** برخلاف بیشتر نویسندگان آخرالزمانی، یوحنا خود را شناساند و شهادت نبوتی خود را در قالب هفت نامه ساختار بندی کرد (فصل‌های ۱-۳). برخی رسول بودن یوحنا را بمنظور نگارش کتاب مکاشفه انکار می‌کنند زیرا او در میان نوشته‌های خود نیز ناشناخته است (او خود را در انجیل "شاگرد محبوب" و در دوم و سوم یوحنا خود را "پیر" می‌نامد)، اما در مکاشفه ۱:۴، ۹:۲۲؛ ۸:۲۲ نام خود را می‌آورد.

۲:۱ **شهادت عیسی مسیح** همچون مکاشفه ۱:۱، این عبارت هم می‌تواند یک حالت مفعولی باشد، شهادت درباره عیسی، یا مضاف‌الیه، شهادت داده شده توسط عیسی. برخی اوقات در نوشته‌های یوحنا ابهام هدفمندی وجود دارد که دلالت‌های ضمنی را نیز ترکیب می‌کند.

۳:۱ **خوشا بحال** این اولین از هفت دعای خیر این کتاب است (مکاشفه ۱:۳؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷، ۱۴). این حقیقت که آنان که خواندند، برکت نیز گرفتند، نه تنها ذات الهام گرفته شده کتاب را، بلکه ارتباط آن با مردمان آن دوران و هر زمان دیگری را نشان می‌دهد.

□ **کسی که قرائت می‌کند** نسخه NRSV کلمه "با صدای بلند" را اضافه کرده است که بیانگر خواندن در میان جمع می‌باشد (۱ تیموتائوس ۴:۱۳). قرائت کلام خدا در میان جماعت کلیسایی در ابتدا توسط اعضای آموزش دیده کلیسا انجام گردید، همانگونه که در کنیسه اجرا می‌گردید (centor). کلیسا قالب پرستشی کنیسه اولیه را برای اجرا نسخه‌برداری کرد (لوقا ۴:۱۶؛ اعمال رسولان ۱۳:۱۵؛ کولسیان ۴:۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲۷). ما تایید تاریخی از قرائت کلام در میان جمع از سوی Justin Martyr در ۱۶۷ پس از میلاد داریم. به گفته او، کلیسا بخشی را از انجیل و بخشی را از پیامبران قرائت می‌کرد.

□ **آنان که آن را می‌شنوند و ... نگاه می‌دارند** این شنیدن و انجام دادن (هر دو وجه وصفی حال معلوم) جوهره واژه عبری "Shema" هستند (تشبیه ۱:۵؛ ۴:۶-۶:۹؛ ۹:۱؛ ۲۰:۳؛ ۲۷:۹-۱۰؛ لوقا ۱۱:۲۸). به ذات شرطی دعای خیر توجه نمایید. آنان که می‌شنوند باید اجابت کنند. "اگر ... بعد" در بافت عهد خداوند، هم در عهد عتیق وجود دارند و هم در عهد جدید. این دعای خیر نه تنها شامل دانش بلکه شامل سبک زندگی روزمره نیز می‌گردد.

□ **کلام نبوت** این عبارت خطاب به مضمون الهی این کتاب و سبک ادبی آن می‌باشد. این کتاب تلفیقی از یک نامه (فصل‌های ۱-۳)، اجرایی آخرالزمانی (مهرها، شیپورها، قدح‌ها)، و نبوت است (مکاشفه ۷:۲۲، ۱۰، ۱۸، ۱۹). مهم است که بخاطر داشته باشیم که "نبوت" بر دو موضوع دلالت دو دارد: ۱) پیام خدا هم اکنون به شنونده‌ها خطاب گردد و ۲) نشان داده شود که چگونه ایمان فعلی بر رویدادهای آینده تأثیر می‌گذارد. هم ندای آسمانی است و هم پیشگویی. به مقاله اول رجوع نمایید.

□ **زیرا وقت نزدیک است** این عبارت دوباره ارتباط نبوت را با روزگاران خود نشان می‌دهد (مکاشفه ۲۲:۱۰ و مثال دیگر را می‌توان در رومیان ۱۶:۲۰ دید). به موضوع خاص بزودی باز می‌گردد رجوع شود.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۴-۷

از یوحنا، به هفت کلیسا که در ایالت آسیا هستند: فیض و سلامتی از جانب او که هست و بود و می‌آید بر شما باد، و از جانب هفت روح پیشگاه تخت او،^۵ و از جانب عیسی مسیح، آن شاهد امین و نخست‌زاده از میان مردگان و فرمانروای پادشاهان جهان. بر او که ما را محبت می‌کند و با خون خود ما را از گناهانمان رها کنید،^۶ و از ما پادشاهی‌ای ساخت و کاهنانی برای خدا و پدر خود، بر او جلال و قدرت باد، تا ابد. آمین.^۷ هان با ابرها می‌آید، هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنان که نیزه به او زدند؛ و همه طوایف زمین به سوگش خواهند نشست. آری چنین خواهد بود. آمین.

۴:۱ **به هفت کلیسا** این که چرا در اینجا دقیقاً هفت کلیسا مورد خطاب قرار داده شده، مشخص نیست. در اینباره نظریه‌های مختلفی وجود دارد:

۱. برخی تصریح کرده‌اند که اینها هفت کلیسایی بودند که یوحنا با آنها ارتباط بشارتی خاص داشته است

۲. برخی دیگر معتقدند که آنان جاده پستی در منطقه رومی آسیا ایجاد کرده بودند

۳. عدد هفت برای یهودیان از اعتبار والایی برخوردار بوده، بویژه در ادبیات آخرالزمانی درون انجیل

این عدد کاملی از اولین کاربرد آن در روزهای اولیه در کتاب آفرینش ۱ محسوب می‌گردد. بنابراین، احتمالاً در یک چارچوب ادبی (یوحنا به چندین کلیسا نامه نوشت که منجر به شکلگیری یک جاده پستی در آسیای صغیر گردیدند) و نمادین بعنوان راهی برای اشاره به کلیساهای آن دوران بکار برده می‌گردید. به موضوعات خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس

(Special Topic: Symbolic Numbers in Scripture)

A. برخی اعداد خاص هم به صورت نماد و هم به صورت عدد رفتار میکنند

۱. یک - خدا (یعنی تثنیه ۴:۶، افسسیان ۴:۴ الی ۶)
۲. چهار - تمام زمین (یعنی چهار گوشه، چهار باد، مثال، اشعیا ۱۲:۱۱، ارمیا ۳۶:۴۹، دانیال ۷:۲، ۴:۱۱، زکریا ۶:۲، انجیل متی ۲۴:۳۱، انجیل مرقس ۲۷:۱۳، مکاشفه ۷:۱)
۳. شش - کامل نبودن انسان (یک منهای ۷، یعنی مکاشفه ۱۳:۱۸)
۴. هفت - کامل بودن الهی - (هفت روز خلقت). به کاربرد نمادین در مکاشفه توجه کنید:
 - a. هفت شمعدان، مکاشفه ۱:۱۲ و ۲۰، ۲:۱
 - b. هفت ستاره، ۱:۱۶ و ۲۰، ۲:۱
 - c. هفت کلیسا، مکاشفه ۱:۲۰
 - d. هفت روح خدا، مکاشفه ۳:۱، ۴:۵، ۵:۶
 - e. هفت چراغ، مکاشفه ۴:۵
 - f. هفت مُهر، مکاشفه ۵:۱ و ۵:۵
 - g. هفت شاخ و هفت چشم، مکاشفه ۵:۶
 - h. هفت فرشته، مکاشفه ۸:۲ و ۸، ۶، ۱۵:۱ و ۶ و ۷ و ۸، ۱۶:۱، ۱۷:۱
 - i. هفت شیپور، ۸:۲ و ۶
 - j. هفت رعد، مکاشفه ۳:۱۰ و ۴
 - k. هفت هزار، مکاشفه ۱۱:۱۳
 - l. هفت سر، مکاشفه ۱۳:۱، ۱۳:۳، ۱۷:۳ و ۷ و ۹
 - m. هفت پلاک، مکاشفه ۱۵:۱ و ۶ و ۸، ۲۱:۹
 - n. هفت کوزه، مکاشفه ۱۵:۷، ۲۱:۹
 - o. هفت پادشاه، مکاشفه ۱۷:۱۰
۵. ده - کامل بودن
 - a. کاربرد در اناجیل
 - (۱) انجیل متی ۲۴:۲۰، ۲۵:۱ و ۲۸
 - (۲) انجیل مرقس ۴:۱۰
 - (۳) انجیل لوقا ۳:۱۴، ۸:۱۵، ۱۲:۱۷ و ۱۷، ۱۳:۱۹ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۴ و ۲۵
 - b. استفاده در مکاشفه
 - (۱) مکاشفه ۲:۱۰، ده روز آزمایش سخت
 - (۲) مکاشفه ۳:۱۲، ۳:۱۷ و ۷ و ۱۲ و ۱۶، ده شیپور
 - (۳) مکاشفه ۱:۱۳، ده تاج شاهی
 - c. ضرایب ۱۰ در مکاشفه
 - (۱) $144000 = 12 \times 12 \times 1000$ ، مراجعه شود به مکاشفه ۱:۱۴، ۴:۷ الی ۳
 - (۲) $1000 = 10 \times 10 \times 10$ ، مکاشفه ۲:۲۰ و ۳ و ۶
۶. دوازده - ساختار/نهاد انسانی
 - a. دوازده پسر یعقوب (یعنی دوازده قبیله اسرائیل، کتاب پیدایش ۲۲:۳۵، ۲۸:۴۹)
 - b. دوازده ستون، خروج ۲۴:۴
 - c. دوازده سنگ بر سینه کاهن اعظم، کتاب خروج ۲۸:۲۱، ۳۹:۱۴
 - d. دوازده قرص نان برای میز در مکان مقدس (به عنوان نماد تدارکات خدا برای دوازده قبیله)، لایوان ۵:۲۴، خروج ۲۵:۳۰
 - e. دوازده جاسوس، تثنیه ۱:۲۳
 - f. دوازده حامل سنگ، یوشع ۴:۲ و ۳ و ۴ و ۸ و ۹ و ۲۰
 - g. دوازده شاگرد، انجیل متی ۱۰:۱

h. کاربرد در مکاشفه

- ۱) دوازده هزار مُهر، مکاشفه ۷:۵ الی ۸
- ۲) دوازده ستاره، مکاشفه ۱۲:۱
- ۳) دروازه، دوازده فرشته، دوازده قبیله، مکاشفه ۲۱:۱۲
- ۴) دوازده سنگ زیربنا، اسامی دوازده شاگرد، مکاشفه ۲۱:۱۴
- ۵) اورشلیم جدید دوازده هزار پرتاب تیر مربع بود، مکاشفه ۲۱:۱۶
- ۶) دوازده دروازه ساخته شده از دوازده مروارید، مکاشفه ۲۱:۲۱
- ۷) درخت زندگی با دوازده نوع میوه، مکاشفه ۲۲:۲

۷. چهل - عدد زمان

- a. بعضی جاها به صورت مفهومی است (خروج و بیابانگردی، کتاب خروج ۱۶:۳۵)، تنبیه ۲:۷، ۸:۲،
- b. میتواند به صورت مفهومی و یا نمادین باشد
- ۱) سیل، پیدایش ۷:۴ و ۱۷، ۸:۶
- ۲) موسی در کوه سینا، خروج ۱۸:۲۴، ۲۸:۳۴، تنبیه ۹:۹ و ۱۱ و ۱۸ و ۲۵
- ۳) تقسیم بندی زندگی موسی
- a) چهل سال در مصر
- b) چهل سال در صحرا
- c) چهل سال رهبری اسرائیل

- ۴) عیسی چهل روز روزه گرفت، انجیل متی ۴:۲، انجیل مرقس ۱:۱۳، انجیل لوقا ۴:۲
- c. (از لحاظ مطابقت) به تعداد دفعات تکرار در خصوص تعیین زمان در انجیل توجه داشته باشید!
۸. هفتاد - عدد گرد برای مردم

- a. اسرائیل، کتاب خروج ۱:۵
- b. هفتاد تن از بزرگان، خروج ۱:۲۴ و ۹
- c. اسکاتولوژیک، دانیال ۲:۹ و ۲۴
- d. هیئت مامور، انجیل لوقا ۱:۱۰ و ۱۷
- e. بخشش (۷x۷۰) انجیل متی ۱۸:۲۲

B. منابع مفید

۱. John J. Davis, Biblical Numerology
۲. D. Brent Sandy, Plowshares and Pruning Hooks

موضوع خاص: کلیسا (ekkleisia)

(Special Topic: Church – Ekklesia)

کلمه یونانی ekklesia از دو کلمه می آید "خارج از" و "فرا خواند". این کلمه کاربرد دنیوی دارد (یعنی اتباع را به گردهمایی فرا خواندن، رجوع شود به اعمال ۱۹:۳۲ و ۳۹ و ۴۱) و به واسطه استفاده Septuagint این کلمه برای "حضرار در کلیسای" اسرائیل (KB 1078, BDB 874, Qahal), رجوع شود به اعداد ۱۶:۳، ۲۰:۴، تنبیه ۳۰:۳۱)، به عنوان یک کاربرد دینی تلقی می گردد. کلیسای اولیه خود را به عنوان ادامه مردم خدا در عهد عتیق می دانستند. آنها اسرائیل جدید بودند (رجوع شود به رومیان ۲:۲۸ و ۲۹، غلاطیان ۳:۲۹، ۶:۱۶، اول پطرس ۲:۵ و ۹، مکاشفه ۱:۶)، تحقق ماموریت جهانی خدا (رجوع شود به پیدایش ۳:۱۵، ۳:۳، خروج ۱۹:۵ و ۶، متی ۱۸:۱۸ الی ۲۰، لوقا ۴۷:۲۴، اعمال ۸:۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید).

این کلمه با چندین مفهوم در اناجیل و اعمال به کار برده شده است.

۱. دیدارهایی با جنبه غیر روحانی در شهر، اعمال ۱۹:۳۲ و ۳۹ و ۴۱

۲. مردم خدا در عیسی، متی ۱۶:۱۸ و افسسیان
 ۳. گردهمایی محلی مومنین در عیسی، انجیل متی ۱۷:۱۸، اعمال رسولان ۵:۱۱ (در این آیات، کلیسا در اورشلیم)، اعمال رسولان ۱۳:۱۱، رومیان ۵:۱۶، اول قرنتیان ۱۶:۱۹، کولسیان ۴:۱۵، فیلمون آیه ۲
 ۴. کل مردم اسرائیل، اعمال ۷:۳۸ در مراسم استفان
 ۵. مردم خدا در منطقه، اعمال رسولان ۸:۳، غلاطیان ۱:۲ (یهودا یا فلسطین)
- کلیسا، یعنی مردمی که گرد هم آمده اند، نه یک ساختمان. برای صدها سال هیچ ساختمانی برای کلیسا وجود نداشت. در یعقوب (یکی از نخستین کتب مسیحی) کلیسا به کلمه *synagōgē* (انجمن) اطلاق می‌شد. این اصطلاح برای کلیسا فقط در کتاب یعقوب دیده می‌شود (رجوع شود به کتاب یعقوب ۲:۲ و ۵:۱۴).

□ "در ایالت آسیا" این بخش اشاره به انتهای غربی ترکیه امروزی دارد که در آن زمان، در سطح کلان، کشور قدیمی فریگیه جزو محدوده رومی "آسیای صغیر" گردید.

□ "فیض و سلامتی بر شما باد" (در متن انگلیسی از کلمه "صلح" استفاده شده است) این شکل سنتی خوش آمدگویی بوده که اغلب در نوشته‌های پولس رسول دیده می‌شود. بسیاری تصریح کرده‌اند که مسیحیان شیوه خوش آمدگویی سنتی یونانی را از "*charein*" (یعقوب ۱:۱) به شیوه مشابه *charis* که بمعنی "شکر" است، تغییر دادند. "صلح" اشاره به واژه عبری "شالوم" دارد، لذا تلفیقی از خوش آمدگویی عبری و یونانی برای اشاره به همه گروه‌های کلیسایی بوده است. با اینحال، اینها همه فقط حدس و گمان است.

□ "از جانب او که هست و بود و می‌آید" روشن است که این لقب برای عهد تغییرناپذیر خداوند است (مزمور ۷:۱۰۲؛ ملاکی ۳:۶؛ یعقوب ۱:۱۷). قالب دستوری آن در زبان یونانی عجیب است اما می‌تواند بازتاب دهنده زمینه آرامی آن باشد. عبارت ادبی به این گونه است "از جانب او که هست، از جانب او بود، و از جانب او که می‌آید" (مکاشفه ۸:۴). این عبارات عنوان عهد عتیقی "من هستم" را بازتاب می‌دهد (یهوه، خروج ۳:۱۴). به موضوع خاص اسامی برای خداوند در مکاشفه ۸:۱ توجه نمایید). این عبارات برای خداوند در قالب پدر در مکاشفه ۴:۱ و ۸ و عیسی مسیح در مکاشفه ۱:۱۷ و ۱۸ بکار برده شده‌اند (عبرانیان ۱۳:۸). مقصود از انتقال این عناوین از یهوه به عیسی، نشان دادن جنبه الهی عیسی توسط نویسندگان عهد جدید بوده است.

این سه جنبه خداوند بعنوان گذشته، حال و آینده در مکاشفه ۱۷:۱۱ و ۵:۱۶ اصلاح گردیده، که نشان دهنده دومین بازگشت در پایان شیپورها، به منظور تثبیت حال و گذشته بوده زیرا آینده (زمان پایان) در حال طلوع است.

□ "از جانب هفت روح پیشگاه تخت او" موضوع خاص زیر را مطالعه نمایید.

موضوع خاص: هفت روح در مکاشفه

(Special Topic: Seven Spirits in Revelation)

نظریه‌های متعددی پیرامون تشخیص این هفت روح وجود دارند.

۱. به دلیل ظاهر اولیه این عبارت که میان مرجعی برای خداوند بعنوان پدر (مکاشفه ۴:۱) و عیسی مسیح (مکاشفه ۵:۱) آورده شده است، بسیاری از مفسرین تصریح کرده‌اند که بطور حتم اشاره به روح القدس دارد (توجه داشته باشید که در نسخه NASB کلمه روح با حرف درشت نوشته شده است). این امکان وجود دارد، اما قطعیت ندارد. همین عبارت همچنین در مکاشفه ۳:۱؛ ۴:۵ و ۵:۶ بکار برده شده است. در نمونه‌های دیگر بهیچوجه مشخص نیست که اشاره به روح القدس داشته باشد مگر اینکه همچون زکریا ۴ اشاره‌ای شده باشد.
۲. دیگران معتقدند که اشاره‌ای از اشعیا ۱۱:۲ از نسخه Septuagint است، در جاییکه هفت هدیه تا شده روح ذکر گردیده است. با اینحال، در متن ماسورتی فقط شش هدیه ذکر گردیده است.
۳. کسانی که با پیشزمینه یهودی هستند، اینها را از مشخصه‌های فرشتگانی می‌دانند که در پیشگاه بارگاه خداوند، بعنوان هفت فرشته حضور دارند (مکاشفه ۸:۲).
۴. دیگر مفسرین آنها را به فرشتگان یا پیام‌آوران هفت کلیسایی مرتبط می‌دانند که در مکاشفه ۱:۲۰ از آنان یاد شده است. توجه داشته باشید که مکاشفه ۲:۱۰ موارد زیر را به رسمیت شناخته است:
 ۱. هفت ستاره (مکاشفه ۱:۱۶، ۲:۲؛ ۱:۲) بعنوان فرشتگان هفت کلیسا (مکاشفه ۲-۳)
 ۲. هفت چراغدان (مکاشفه ۱:۱۲، ۱۳، ۲۰؛ ۱:۲) همان هفت کلیسا هستند

اما هیچ مشخصه‌ای از "هفت روح" وجود ندارد. شماره ۴ در بالا یک فرض است که هیچ مبنای خاصی در متن کتاب مقدس ندارد. هفت عدد نمادین مهمی در انجیل است. به موضوع خاص اعداد نمادین در کتاب مقدس رجوع نمایید.

۵:۱ "از جانب عیسی مسیح، آن شاهد امین" این اولین بخش از سه عبارتیست که عیسی مسیح را تعریف می‌کند. این آیات آغازین به موازات آیات مکاشفه ۲۰:۶-۲۱ هستند. "امین" در عهد عتیق به کسی گفته می‌شد که باورمندی، راستین و قابل اعتماد بود (اشعیا ۵۵:۳-۵). همچون وعده مکتوب خداوند (انجیل)، مکاشفه بزرگ او، وعده زنده او، یعنی عیسی نیز قابل اعتماد است. (مکاشفه ۳:۱۴). انجیل پیامی است که باید باور نمود، فردی است که باید پذیرفت، و حیاتی است که انسان باید بواسطه آن زندگی کند.

عبارت یونانی "آن شاهد امین" می‌تواند دارای معانی زیر باشد:

۱. "شاهد من، امین من" - بعنوان دو عبارت، به آیه ۲:۱۳ توجه کنید، (بانضمام ضمیر شخصی)
۲. "آن امین و شاهد راست"، به آیه ۳:۱۴ توجه نمایید (بانضمام "و راست")

□ "نخست‌زاده از میان مردگان" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: نخست‌زاده یا فرزند ارشد

(Special Topic: Firstborn)

واژه "فرزند ارشد" (*prōtotos*) در کتاب مقدس به اشکال گوناگون آورده شده است.

۱. سابقه عهد عتیق آن اشاره دارد به

a. فرزند ارشد از آن یهوه است (BDB 114, KB 131، خروج ۱۳:۲، ۱۲:۱۲؛ ۲۹:۲۲؛ ۱۹:۳۴؛ اعداد ۳:۱۳)

b. پیشینی فرزند پسر اول خانواده (تثنیه ۲۱:۱۷؛ مزمور ۸۹:۲۷؛ لوقا ۷:۷؛ رومیان ۸:۲۹؛ عبرانیان ۱۱:۲۸).

۲. شیوه استفاده آن در کولسیان ۱:۱۵ سخن از عیسی به‌عنوان اولین در آفرینش است که اشاره احتمالی عهد عتیق به امثال ۸:۲۲-۳۱ داشته و یا نماینده خدا در آفرینش (یوحنا ۱:۳؛ ۱ قرنتیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۵-۱۶؛ عبرانیان ۱:۲)

۳. شیوه استفاده آن در کولسیان ۱:۱۵، ۱:۱۸، ۱:۲۰، ۲:۳۳؛ مکاشفه ۵:۱ اشاره به عیسی بعنوان اولین زاده شده پس از مرگ دارد.

۴. عنوانی است برای مسیح در عهد عتیق (مزمور ۸۹:۲۷؛ عبرانیان ۱:۶؛ ۱۲:۲۳)؛ این عنوان ترکیبی از چندین جنبه اولویت و محوریت عیسی است.

□ "و فرمانروای پادشاهان جهان" این عبارت نیز همچون عبارات پیشین اشاره‌ای است به مزمور ۸۹:۲۷ (مزمور ۷۲:۱۱؛ اشعیا ۴۸:۲۳)، که سخن از عیسی بعنوان مسیح موعود می‌گوید. در عین حال عکس‌العمل یوحنا را نسبت به موارد زیر نشان می‌دهد:

۱. پرستش امپراطور مناطق شرقی امپراطوری روم

۲. کاربرد عبارت بین‌النهرینی "شاه شاهان" (مکاشفه ۱۱:۱۵؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱۶)

□ "بر او که ما را محبت می‌کند" این جمله وجه وصفی حال معلوم است، بمعنی "عیسی به دوست داشتن ما ادامه می‌دهد". در حالیکه ضعف‌ها و شکست‌های پنج کلیسا از آن هفت کلیسا روشن می‌شود، چنین تأییدیه‌ای بسیار مهم می‌نماید (فصل‌های ۲-۳).

□ "ما را از گناهانمان رهانید" این وجه وصفی فعال آئوریستی است. نسخه‌های ولگاته و کوپتیک، همچون برخی نسخه‌های خطی یونانی، و نسخه شاه جیمز (King James Version) از فعل "شستن" (*louō*) استفاده کرده که تلفظ آن دقیقاً همچون لغت "رهانیدن" (*luō*) است. کاتبین باستانی متون عهد جدید را از طریق خواندن آن توسط فردی با صدای بلند و در حالیکه دیگران آن را می‌نوشتند، تولید کردند.

عبارت "رهانید" (با ضمایم) در نسخ خطی یونان باستان ^{P18}، * \aleph (بهمراه حرف اضافه)، \aleph^2 ، A، C می‌باشد در حالیکه "شستن" فقط در نسخ خطی یونانی که بعدها بوجود آمد، بصورت P (قرن ششم) و 046 بهمراه ده‌ها حرف کوچک‌تر (که در متن یونانی وجود دارد) در نسخ خطی دیده می‌شود. از این جهت، لغات "رهانیده" یا "رها شده" بیشتر مورد قبول هستند. نسخه UBS⁴ اعتبار مشخص‌تری به لغت "رهانید" می‌دهد. به موضوع خاص انتقاد متنی رجوع نمایید.

□ "با خون خود" این عبارت به روشنی اشاره‌ای است به قربانی شدن (لاویان ۱-۷)، و کفاره‌ای که عیسی مسیح به خاطر ما پرداخت کرد (مکاشفه ۵:۹؛ ۱۴:۷؛ ۱۱:۱۲؛ مرقس ۱۰:۴۵؛ ۲ قرنتیان ۵:۲۱؛ اشعیا ۵۲:۱۳ - ۵۳:۱۲). "با خون خود" حقیقت انجیل است (رومیان ۳:۲۵؛ افسسیان ۱:۷؛

۱۳:۲؛ کولسیان ۱:۲۰؛ ۱ پطرس ۱:۱۸-۱۹. به نوعی در کارهای رمزآلود خداوند، عدالت و ترحم برای همه انسان‌های رانده شده از بهشت، در ذات مرگ عیسی نهفته گردیده است (عبرانیان ۹:۱۱-۲۸). به موضوع خاص زیر توجه نمایید:

موضوع خاص: Kerygma در کلیسای اولیه

(Special Topic: The Kerygma of the Early Church)

نظرات زیادی در مورد مسیحیت وجود دارند. روزگار ما روزگار جمع‌گرایی مذهبی است، درست همانند قرن اول. من به شخصه تمام گروه‌هایی که ادعا می‌کنند عیسی می‌شناسند و به او ایمان دارند را قبول دارم. همه ما در مواردی اتفاق نظر یا اختلاف نظر داریم ولی اساساً مسیحیت بطور کامل در ارتباط با عیسی است. با این حال، گروه‌هایی هستند که ادعا می‌کنند مسیحی هستند که ظاهراً ادعایی بیش نیست. چگونه اینها را تشخیص دهیم؟
دوره وجود دارد:

۱. یک کتاب مفید تا بدانیم گروه‌های عصر مدرن به چه ایمان دارند (از داخل متون خودشان) کتاب *The Kingdom of the Cults* اثر Walter Martin است.
۲. مؤظله‌های کلیسای اولیه، به خصوص آنان که توسط پطرس و پولس شاگرد در کتاب اعمال رسولان گفته شدند، ویژگی‌های برجسته اینکله چگونه نویسندگان تحت الهام کلیسای اولیه مسیحیت را به گروه‌های مختلف معرفی می‌کردند. به این "اعلام اولیه" یا "مؤظله"ها (که کتاب اعمال رسولان خلاصه آن است) *Kerygma* (کلمه یونانی است) گفته می‌شود. موارد زیر حقایق پایه‌ای انجیل در مورد عیسی در کتاب اعمال رسولان است.
 - a. بسیاری از نبوت‌های عهد عتیق را تحقق بخشیده است - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۲۱، ۳-۳۱ و ۳۴، ۳: ۱۸ الی ۱۹ و ۲۴، ۱۰: ۴۳ و ۱۳: ۱۷ الی ۲۳، ۲۷، ۳۳: ۳۳ الی ۳۷ و ۴۰ الی ۴۱، ۲۶: ۶ الی ۷ و ۲۲ الی ۲۳
 - b. همانطور که توسط یهوه وعده داده شده بود، فرستاده شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۲۶
 - c. معجزاتی انجام داد تا پیام خود و محبت خدا را تأیید کند - اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۳: ۱۶، ۱۰: ۳۸
 - d. تحویل داده شد - انکار شد - اعمال رسولان ۳: ۱۳ الی ۱۴، ۴: ۱۱
 - e. مصلوب شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۴ الی ۱۵، ۴: ۱۰، ۱۰: ۳۹، ۱۳: ۲۸، ۲۶: ۲۳
 - f. به زندگی بازگشت - اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳۱ الی ۳۲، ۳: ۱۵ و ۲۶، ۴: ۱۰، ۱۰: ۴۰، ۱۳: ۳۰، ۱۷: ۳۱، ۲۶: ۲۳
 - g. در سمت راست خدا نشست - اعمال رسولان ۲: ۲۳ الی ۲۶، ۳: ۱۳ و ۲۱
 - h. دوباره خواهد آمد - اعمال رسولان ۳: ۲۰ الی ۲۱
 - i. داور منتخب است - اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱
 - j. روح القدس را فرستاد - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۱۸ و ۳۳ و ۳۸ الی ۳۹، ۱۰: ۴۴ الی ۴۷
 - k. نجات دهنده همه کسانی است که ایمان می‌آورند - اعمال رسولان ۱۳: ۳۸ الی ۳۹
 - l. هیچ کس دیگری نجات دهنده نیست - اعمال رسولان ۴: ۱۲، ۳۴: ۱۰ الی ۳۶

اینها برخی از شیوه‌هایی هستند که می‌توان به حقایق بنیادی پاسخ داد:

۱. توبه - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۹، ۱۷: ۳۰، ۲۶: ۲۰
۲. ایمان داشتن - اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۱۰: ۴۳، ۱۳: ۳۸ الی ۳۹
۳. تعمید گرفتن - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷ الی ۴۸
۴. پذیرش روح القدس - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷
۵. همه ممکن است با هم بیایند - اعمال رسولان ۲: ۳۹، ۳: ۲۵، ۲۶: ۲۳

این فهرست می‌تواند به عنوان بیانیه پایه کلیسای اولیه مورد استفاده قرار گیرد، هر چند نویسندگان مختلف عهد جدید ممکن است بخشی از نوشته خود را نادیده بگیرند و بر بخشی دیگر، تأکید بیشتری داشته باشند. تمامی انجیل مرقس از دکترین *Kerygma* پطرس پیروی می‌کند. به انجیل مرقس اساساً به عنوان ساختار مؤظله‌های پطرس در روم نگاه می‌شود به که صورت انجیل نوشته شده است. هم متی و هم لوقا از ساختار انجیل مرقس پیروی می‌کنند.

۱:۶ "از ما... ساخت" این ضمیر اشاره فعال آئوریستی است. در همان حال که عیسی ما را از گناهانمان رها کنید (مکاشفه ۱:۵)، پادشاهی‌ای از کاهنان را از ساخت تا او را نمایندگی نماییم!

"پادشاهی ای، کاهنایی برای خدای خود"	NASB
"پادشاهان و کاهنایی برای خدای خود"	NKJV
"پادشاهی ای، کاهنایی برای خدمت به خدای خود"	NRSV
"پادشاهی ای از کاهنان برای خدمت به خدای خود"	TEV, NJB

این آیه اشاره ای است به عبارت عهد عتیقی که درباره اسرائیل در کتاب خروج آیه ۱۹:۶ و اشعیا آیه ۶۱:۶ بکار برده شده بود. در آنجا، قومی قرار بود که پادشاهی کاهنان گردند. خداوند ابراهیم را انتخاب کرد تا اسرائیل انتخاب گردد و سپس دنیای گم شده انتخاب شود (پیدایش ۳:۱۵؛ ۱۲:۳). قوم بنی اسرائیل بنا بود تا قوم شاهدان شود (یا عبارتی کاهنان) اما آنان در این ماموریت آسمانی شکست خوردند (حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸). بنابراین، خداوند کلیسا را برای دستیابی به جهان انتخاب کرد (متی ۲۸:۱۹-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال رسولان ۱:۸). نظیر همین عبارات که درباره قوم بنی اسرائیل بکار رفته بود، اکنون در رابطه با کلیسا استفاده می شود (غلاطیان ۳:۲۹؛ ۶:۱۶؛ فیلیپیان ۳:۳؛ ۱ پطرس ۲:۵، ۹؛ مکاشفه ۱:۵؛ ۱۰:۵؛ ۲۰:۶).

توجه به لغات انجیلی که در رابطه با "کاهنیت ایمانداران" بطور مشترک استفاده می گردند، اهمیت دارد. مسیحیت غربی بر روی جایگاه و نقش فردی تأکید زیاد داشته و نسبت به اشتراکات انجیلی تأکید کمتری قائل بوده است. عبارت استعاره عهد جدید درباره بدن مسیح (۱ قرنیتیان ۱۲) نمونه مشابه دیگری از همین استعاره می باشد. عنوان عهد عتیق بنا را بر این نداشت تا برای صراحت ایمانداران در آزادی های فردیشان، عذر بیاورد. این تأکید حاصل چالش تاریخی میان مارتین لوتر و کلیسای کاتولیک در همان دوران است. تمرکز این متن بر روی تبلیغ مسیحیت (مکاشفه ۷)، با دخیل بودن همه ایمانداران در این امر، و به جهت دسترسی به همه انسان هایی است که راهشان را در تصویر خدایی که عیسی برای آن مرد، گم کرده اند (یوحنا ۳:۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹؛ اول یوحنا ۲:۲؛ ۴:۱۴). به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: مسیحیت مشارکتی است

(Special Topic: Christianity is Corporate)

A. پولس و پطرس از حالت جمع در استعاره ها برای مردم خدا استفاده میکنند

۱. بدن (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۲:۱۲ الی ۲۰)

۲. زمین (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۳:۹)

۳. ساختن (مراجعه شود به اول پطرس ۲:۴ الی ۵)

B. اصطلاح "قدیس" همیشه جمع است (به استثنای فیلیپیان ۴:۲۱، ولی حتی در آنجا نیز مشارکت وجود دارد)

C. تأکید اصلاح طلبانه مارتین لوتر بر "کشیش بودن مؤمن" (یعنی صلاحیت روح) یک فرض کتاب مقدس است. در واقع کتاب مقدس از "کشیش بودن مؤمنان" سخن می گوید (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹:۶، اول پطرس ۲:۵ الی ۹، مکاشفه ۱:۶)

D. به هر مومن برای خیر همگان نعمتی داده شده است (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۲:۷)

E. فقط با کار گروهی و مشارکتی است که مردم میتوانند برای خدا موثر باشند. بشارت مشارکتی است (مراجعه شود به افسسیان ۴:۱۱ الی ۱۲)

□ "برای خدا و پدر خود" این عبارت ظاهراً به جنبه کاملاً آسمانی بودن پسر، بهای کمی می دهد (به موضوع خاص تثلیث در مکاشفه ۱۷:۲۲ توجه نمایید)، اما در حقیقت راهی است برای تصریح فرمان برداری عیسی در حالیکه دارای شکل انسانی داشته است. نظیر همین عبارت توسط پولس در رومیان ۶:۱۵ بکار برده شد. حس برابری را می توان در مکاشفه ۳:۲۱ و ۱۴:۱ مشاهده کرد.

□ "بر او جلال و قدرت باد" واژه جلال یک عبارت تجاری در عهد عتیق است (برای استفاده از ترازو در خریدها) که بمعنی "سنگین بودن" بوده است؛ چیزی که دارای وزن بوده (مثل طلا) و با ارزش بوده است. بعدها این واژه برای روشنایی، والامقامی و تقدس خداوند بکار برده شد، از *Shekinah* ابر جلال در خروج. واژه جلال اغلب برای تعریف خدای پدر در عهد جدید استفاده گردیده است (رومیان ۱۱:۳۶؛ ۱۶:۲۷؛ افسسیان ۳:۲۱؛ فیلیپیان ۴:۲۰؛ اول تیموتائوس ۱:۱۷؛ دوم تیموتائوس ۴:۱۸؛ اول پطرس ۴:۱۱؛ ۵:۱۱؛ دوم پطرس ۳:۱۸؛ یهودا ۲۵؛ مکاشفه ۱:۶؛ ۵:۱۳؛ ۷:۱۲). به موضوع خاص جلال در مکاشفه ۸:۱۵ رجوع نمایید. عبارت "قدرت" خدای پدر را مخاطب قرار داده و به لحاظ الهیاتی مشابه فرمان برداری پسر می باشد (یوحنا ۱۷). عیسی نماینده پدر در همه امور است، اما هدف نهایی، جلال پدر می باشد (۱ قرنیتیان ۱۵:۲۷-۲۸).

□ "تا ابد" این عبارت دقیقاً یعنی "در تمام اعصار و دوره ها". تکرار دوباره عبارت *aiōnos*، اول بصورت مفرد و بعد بصورت جمع، در کتاب مکاشفه فراوان دیده می شود (مکاشفه ۱:۱۸؛ ۴:۹، ۱۰؛ ۵:۱۳؛ ۷:۱۲؛ ۱۰:۶؛ ۱۱:۱۵؛ ۵:۷؛ ۹:۳؛ ۲۰:۱۰؛ ۲۲:۵). شگفت انگیز است که شاهدان اولیه یونان، دومین عبارت را از قلم انداختند (MSS P¹⁸, A, P). نسخه UBS⁴ نمی تواند تایید کند که کدام گویش اصیلیت دارد. به موضوعات خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)

(Special Topic: Forever)

یک اصطلاح یونانی برای هست که به معنی "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۳۳، رومیان ۱:۲۵، ۱۱:۳۶، ۱۶:۲۷، غلاطیان ۱:۵، اول تیموتائوس ۱:۱۷) است و می‌تواند منعکس کننده اصطلاح عبری *olam* باشد. به *Synonyms of the Old Testament* اثر Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۹ الی ۳۲۱ و موضوع خاص: برای همیشه *olam* مراجعه کنید.

سایر عبارتهای مرتبط "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱:۱۹، انجیل مرقس ۱۱:۱۴، انجیل لوقا ۵:۵، انجیل یوحنا ۶:۵۸، ۸:۳۵، ۱۲:۳۴، ۱۳:۸، ۱۴:۱۶، دوم قرنتیان ۹:۹) و "در عصر اعصار" (مراجعه شود به افسسیان ۳:۲۱) هستند. به نظر می‌رسد که هیچ تمایزی میان این اصطلاحات یونانی برای "همیشه" وجود نداشته باشد. اصطلاح "اعصار" می‌تواند به مفهوم نمادین جمع در ادبیات روحانیون باشد که به آن "جمع سلطنتی/محترمانه" گفته می‌شود و یا می‌تواند به مفهوم چندین عصر در مفهوم عبری "عصر ضعف" یا "عصری که می‌آید" یا "عصر پارسایی" باشد (به موضوع خاص: این عصر و عصری که می‌آید مراجعه شود).

موضوع خاص: *Olam* (تا ابد)

Special Topic: 'Olam (Forever)

واژه عبری *Olam* עולם (BDB 761, 798) کاملاً گنگ است (کتاب Nidotte، جلد ۳، صفحه ۳۴۵). این واژه برای نشان دادن طول زمان در حالات مختلف استفاده می‌شود (که مفهوم آن در متن مشخص می‌گردد). به مثال‌های زیر توجه نمایید.

۱. چیزهای باستانی

a. مردم، پیدایش ۴:۶؛ ۱ ساموئیل ۸:۲۷؛ ارمیا ۵:۱۵؛ ۸:۲۸

b. مکان‌ها، اشعیا ۵۸:۱۲؛ ۴:۶۱

c. خدا، مزمو ۲:۹۳؛ امثال ۸:۲۳؛ اشعیا ۶۳:۱۶

d. اشیا، پیدایش ۲۶:۴۹؛ ایوب ۱۵:۲۲؛ مزمو ۷:۲۴، ۹:۴۶

e. زمان، اشعیا ۹:۵۱؛ ۹:۶۳، ۱۱؛ تثنیه ۷:۳۲

۲. زمان آینده

a. زندگی افراد، خروج ۶:۲۱؛ تثنیه ۱۷:۱۵؛ ۱ ساموئیل ۱:۲۲؛ ۱۲:۲۷

b. مبالغه در تکریم به پادشاه، ۱ پادشاهان ۳۱:۱؛ مزمو ۷:۶۱؛ نحمیا ۳:۲

c. تداوم وجودی

(۱) زمین، مزمو ۶۹:۷۸؛ ۵:۱۰۴؛ جامعه ۴:۱

(۲) آسمان‌ها، مزمو ۱۴۸:۵

d. وجود خدا

(۱) پیدایش ۳۳:۲۱

(۲) خروج ۱۸:۱۵

(۳) تثنیه ۴۰:۳۲

(۴) مزمو ۲:۹۳

(۵) اشعیا ۲۸:۴۰

(۶) ارمیا ۱۰:۱۰

(۷) دانیال ۷:۱۲

e. عهد

(۱) پیدایش ۹:۱۲، ۱۶؛ ۱۷:۱۷، ۱۳، ۱۹

(۲) خروج ۱۶:۳۱

(۳) لایوان ۸:۲۴

- (۴) اعداد ۱۸:۱۹
- (۵) ۲ساموئیل ۲۳:۵
- (۶) مزمو ۱۰:۱۰۵
- (۷) اشعیا ۲۴:۵؛ ۳:۵۵؛ ۸:۶۱
- (۸) ارمیا ۳۲:۴۰؛ ۵:۵۰
- f. عهد ویژه با داوود
- (۱) ۲ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶، ۲۵، ۲۹؛ ۲۲:۵۱؛ ۲۳:۵
- (۲) ۱پادشاهان ۲:۳۳؛ ۴۵:۹
- (۳) ۲تواریخ ۱۳:۵
- (۴) مزمو ۱۸:۵۰؛ ۸۹:۴، ۲۸، ۳۶، ۳۷
- (۵) اشعیا ۷:۹؛ ۳:۵۵
- g. مسیح خداوند
- (۱) مزمو ۴۵:۲؛ ۷۲:۱۷؛ ۸۹:۳۵-۳۶؛ ۱۱۰:۴
- (۲) اشعیا ۹:۶
- h. شرع خداوند
- (۱) خروج ۲۹:۲۸؛ ۳۰:۲۱
- (۲) لاویان ۶:۱۸، ۲۲؛ ۷:۳۴؛ ۱۰:۱۵؛ ۲۴:۹
- (۳) اعداد ۱۸:۸، ۱۱، ۱۹
- (۴) مزمو ۱۱۹:۸۹، ۱۶۰
- i. وعده‌های خداوند
- (۱) ۲ساموئیل ۷:۱۳، ۱۶، ۲۵؛ ۲۲:۵۱
- (۲) ۱پادشاهان ۹:۵
- (۳) مزمو ۱۸:۵۰
- (۴) اشعیا ۴۰:۸
- j. نوادگان ابراهیم و سرزمین موعود
- (۱) پیدایش ۱۳:۱۵؛ ۱۷:۱۹؛ ۸۴:۴
- (۲) خروج ۳۲:۱۳
- (۳) ۱تواریخ ۱۶:۱۷
- k. جشن‌های ویژه عهد خداوند
- (۱) خروج ۱۲:۱۴، ۱۷، ۲۴
- (۲) لاویان ۲۳:۱۴، ۲۱، ۴۱
- (۳) اعداد ۱۰:۸
- l. ابدیت، بی‌پایان
- (۱) ۱پادشاهان ۸:۱۳
- (۲) مزمو ۶۱:۷-۸؛ ۷۷:۸؛ ۹۰:۲؛ ۱۰۳:۱۷؛ ۱۴۵:۱۳
- (۳) اشعیا ۲۶:۴؛ ۴۵:۱۷
- (۴) دانیال ۹:۲۴
- m. ایمانداران به آنچه که مزامیر می‌گویند، تا ابد عمل خواهند کرد
- (۱) شکرگذاری مزمو ۳۰:۱۲؛ ۷۹:۱۳
- (۲) تحمل برای حضور وی، مزمو ۴۱:۱۲؛ ۶۱:۴، ۷
- (۳) اعتماد به شفقت او، مزمو ۵۲:۸

- ۴) شکر خداوند، مزمور ۹:۵۲
- ۵) سرودن پرستشها، مزمور ۸:۶۱؛ ۸۹:۱
- ۶) اعلام عدالت او، مزمور ۷:۷۵-۹
- ۷) جلال دادن نام او، مزمور ۱۲:۸۶؛ ۱۴۵:۲
- ۸) تقدیس نام او، مزمور ۱:۱۴۵
- n. آنچه که در اشعیا بمنظور تعریف عصر جدید بکار رفته است
- ۱) عهد بی انتها، اشعیا ۵:۲۴؛ ۳:۵۵؛ ۸:۶۱
- ۲) یهوه، سخره‌ای تا ابد ماندگار، اشعیا ۴:۲۶
- ۳) نشاط تمام نشدنی، اشعیا ۱۰:۳۵؛ ۱۱:۵۱؛ ۷:۶۱
- ۴) خداوندگار لازل، اشعیا ۱۷:۴۵
- ۵) رستگاری ابدی، اشعیا ۱۷:۴۵
- ۶) محبت بی پایان (Hesed)، اشعیا ۸:۴۵
- ۷) نشانی بی پایان اشعیا ۱۳:۵۵
- ۸) نامی ماندگار، اشعیا ۵:۵۶؛ ۱۲:۶۳؛ ۱۶
- ۹) نوری جاودان، اشعیا ۱۹:۶۰، ۲۰

یکی از کاربردهایی که در ارتباط با تنبیه ابدی فرد گناهکار بصورت منفی در اشعیا ۱۴:۳۳ دیده می‌شود، "آتشگاه جاودان" است. اشعیا اغلب از "آتش" برای نشان دادن خشم خدا استفاده می‌کند (اشعیا ۹:۱۸، ۱۹؛ ۱۰:۱۶؛ ۱۴:۴۷)، اما فقط در اشعیا ۱۴:۳۳ است که به آن لقب جاودان داده است.

۳. هم به سمت جلو و هم بسمت عقب در زمان ("از ابدیت تا ابدیت")

a. مزمور ۱۳:۴۱ (شکر خداوند)

b. مزمور ۲:۹۰ (خود خداوند)

c. مزمور ۱۷:۱۰۳ (محبت عیسی مسیح)

بخاطر داشته باشید که این متن است که وسعت معانی عبارات را مشخص می‌کند. عهدها و قول‌های بی انتها همگی مشروط هستند (ارمیا ۷، به موضوع خاص پیمان رجوع کنید). مراقب نقطه نظر امروزی خودتان در هنگام قرائت، و یا الهیات سیستماتیک در بکار رفتن هر یک از لغات عهد عتیق، باشید. بیاد داشته باشید که عهد جدید، وعده‌های عهد عتیق را جهانی کرده است (به موضوع خاص: نبوت‌های عهد عتیق درباره آینده در مقابل نبوت‌های عهد جدید، رجوع نمایید).

□ "آمین" این حالتی از عبارت عبری عهد عتیق برای "ایمان" است (عبرانیان ۲:۴). ریشه لغوی آن در اصل "اطمینان حاصل کردن" است. با اینحال، معنی آن به آنچه که هم اکنون مورد استفاده قرار گرفته است تغییر کرد (۲قرن‌تیاں ۱:۲۰). سابقاً این لغت بصورت استعاره برای کسی استفاده می‌شد که وفادار، با ایمان، راسخ و قابل اطمینان بود (عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳:۱۴؛ ۲قرن‌تیاں ۱:۲۰). به موضوع خاص زیر توجه کنید.

موضوع خاص: آمین

(Special Topic: Amen)

I. عهد عتیق

A. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می‌رود

۱. حقیقت (BDB 49, emeth)

۲. راستی (BDB 53, emunah, emun)

۳. ایمان یا باوفا بودن

۴. اعتماد (BDB 52, dmn)

B. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می لغزد (مراجعه شود به مزمور ۳۵:۶، ۴۰:۲، ۷۳:۱۸، ارمیا ۲۳:۱۲) یا تکان می خورد (مراجعه شود به مزمور ۷۳:۲). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره‌ای برای باورمندی، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می‌شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲:۴).

C. کاربردهای خاص (موضوع خاص ایمان، اعتماد و باورمندی در عهد عتیق را مطالعه کنید).

۱. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۸:۱۶ (اول تیموتائوس ۳:۱۵)

۲. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۷:۱۲

۳. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۷:۱۲

۴. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۳۳:۶

۵. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۰:۶، ۱۷:۲۴، ۲۲:۱۶، امثال ۱۲:۲۲

۶. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰:۲۰، اشعیا ۷:۹

۷. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزمور ۱۱۹:۴۳ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰

D. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان فعال/جدی استفاده شده است

۱. Bathach (BDB 105)

۲. ytra (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲:۲۲)

E. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار

می‌رفت (مراجعه شود به اعداد ۵:۲۲، تثنیه ۲۷:۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱:۳۶، اول تواریخ ۱۶:۳۶، نحمیا ۵:۱۳، ۸:۶، مزمور ۴۱:۱۳، ۷۲:۱۹، ۸۹:۵۲، ۱۰۶:۴۸، ارمیا ۱۱:۵، ۲۸:۶)

F. کلید الهیاتی این اصطلاح باورمندی انسان نیست، بلکه یهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴:۶، کتاب تثنیه ۳۲:۴، مزمور ۱۰۸:۴، ۱۱۵:۱، ۱۱۷:۲، ۱۳۸:۲). تنها امید انسان سقوط کرده ترحم، باورمندی، پیمان باورمندی یهوه و قول او است. آنها که یهوه را می‌شناسند باید مانند او باشند (مراجعه شود به حبقوق ۲:۴). انجیل تاریخ و ثبت بازیابی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شده‌ایم.

II. عهد جدید

A. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴:۱۶، مکاشفه ۱:۷، ۵:۱۴، ۷:۱۲).

B. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۱:۲۵، ۹:۵، ۱۱:۳۶، ۱۶:۲۷، غلاطیان ۱:۵، ۶:۱۸، افسسیان ۳:۲۱، فیلیپیان ۴:۲۰، دوم تسالونیکیان ۳:۱۸، اول تیموتائوس ۱:۱۷، ۶:۱۶، دوم تیموتائوس ۴:۱۸).

C. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱:۵۱، ۳:۳، ۵ و ۱۱ و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۲۴، ۱۲:۳۷، ۱۸:۱۷ و ۲۹، ۲۱:۳۲، ۲۳:۴۳).

D. به عنوان عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳:۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرن‌تین ۱:۲۰، و احتمالا عنوان یهوه در اشعیا ۶۵:۱۶ توجه کنید).

E. مفهوم باورمندی، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می‌شود که در انگلیسی *faith*، *trust*، *believe* ترجمه می‌گردد (موضوع خاص ایمان، اعتماد را مطالعه کنید).

۷:۱ "هان با ابرها می‌آید" این آیه بانگ ندای فرشته‌ای باشد از مکاشفه ۱:۱. روشن است که مرجعی است برای اثبات دومین بازگشت مسیح. به موضوع خاص زیر توجه کنید.

موضوع خاص: سوار بر ابرها آمدن

(چندین کلمه عبری، ولی عمدتاً *anan*, BDB 777, KB 857)

Special Topic: Coming On The Clouds)

(several Hebrew words, but mostly *anan*, BDB 777, KB 857)

سوار بر ابرها آمدن، یک نشان کاملاً اسکاتولوژیک است. در عهد عتیق به شیوه کاملاً متمایز استفاده شده است.

۱. برای نشان دادن حضور فیزیکی خدا، ابر جلال شکینا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳:۲۱، ۱۴:۱۹ و ۲۰ و ۲۴، ۱۶:۱۰، ۱۹:۹، کتاب اعداد ۱۱:۲۵، نحمیا ۹:۱۹)

۲. برای پوشاندن تقدس او برای اینکه انسان با دیدن او نمیرد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۳:۲۰، اشعیا ۶:۵)

۳. برای جابجا شدن خدا (مراجعه شود به مزمور ۱۸:۹، ۱۰۴:۳، اشعیا ۱:۱۹، ناحوم ۱:۳، اعمال رسولان ۹:۱، اول تسالونیکیان ۴:۱۷)

در کتاب دانیال ۷:۱۳ ابرها برای نقل و انتقال خدا، مسیح انسانی استفاده شده است (مراجعه شود به موضوع خاص: مسیح). به این نبوت کتاب دانیال بیش از ۳۰ مرتبه در عهد جدید اشاره شده است. همین ارتباط مسیح با ابرهای بهشتی را میتوان در انجیل متی ۲۴:۳۰، ۲۶:۶۴، انجیل مرقس ۱۳:۲۶، ۱۴:۶۲، انجیل لوقا ۲۱:۲۷، اعمال رسولان ۱:۹ و ۱۱، اول تسالونیکیان ۱۷:۴، مکاشفه ۷:۱ دید.

□ "هر چشمی او را خواهد دید" این عبارات ظاهراً گویای بازگشت فیزیکی، جسمی، قابل رویت و جهانی عیسی است، نه تصاویر پنهانی که حاصل خلسه ایمانداران است. به باور من انجیل هرگز آمدن پنهانی یا دیدار از طریق از خود بیخود شدن و حالات روحانی را آموزش نمی‌دهد. آن آیات در انجیل (متی ۲۴:۳۷-۴۴؛ لوقا ۱۷:۲۲-۳۷) که اغلب در پشتیبانی از چنین حالاتی برداشت می‌گردند، به لحاظ متنی برای مقایسه با روزگاران نوح ارتباط دارند. این متون از آمدن غیرمنتظره او حکایت دارند. در روزگاران نوح، آن کسی که گرفته شد از بین رفت! به هنگام ترجمه عبارات کوچک و تحت الهام کتاب مقدس دقت کنید که شرایط اصلی جهت حمایت از پیش فرضهای الهیاتی و اسکاتولوژیک در نظر گرفته و استفاده شود!

□ "حتی چشم آنان که نیزه به او زدند؛ و همه طوایف زمین به سوگش خواهند نشست" این آیه اشاره‌ای است به زکریا ۱۲:۱۰، ۱۲ (یوحنا ۱۹:۳۷). این آیه مثال خوبی از چگونگی بازسازی متون عهد عتیق توسط یوحنا، بمنظور تطابق با موقعیت وی در میان رومیان است (نوعی ترجمه و تفسیر یهودی به نام *pesher*). متن کتاب زکریا برای دوره جدید یوحنا امری خطیر محسوب می‌گردد. در کتاب زکریا، متن اشاره به اهالی اورشلیم داشته که برای دفن شخصی عزادار بودند، اما در اینجا یوحنا از آن متن برای رومیان و یهودیانی که عیسی را مصلوب کردند، استفاده کرده است (یوحنا ۱۹:۳۷). ضمیر "آنان" در نسخه عبری ماسورتی به "تمام قبایل زمین" تغییر یافته است (متی ۲۰:۳۰ از نسخه Septuagint برداشت نشده است). همچنین، "سوگ" در متن زکریا اغلب در ارتباط با رومیان ۱۱ تفسیر می‌گردد، جایی که یهودیان توبه کرده و ایمانشان را به مسیح بعنوان منجی اعلام می‌دارند. با اینحال، در مکاشفه ۷:۱ سوگواری برای توبه نیست، بلکه بدلیل بوجود آمدن داوری خدا بر ایمانداران تمام قبایل است (متی ۲۴:۳۰). متن زکریا با ذکر عبارت "دشت میجدون" اشاره به داوری بر تمام ملت‌ها در روز قیامت دارد که در متن عبری آن را آرماگدون نامیده است (زکریا ۱۲:۱۱؛ ۲تواریخ ۳۵:۲۲ و مزمور ۲؛ مکاشفه ۱۶:۱۶)، مکانی در پایان دنیا برای نبرد میان خدا و قومش و شیطان و پیروانش، ملت‌های بی‌ایمان. به موضوع خاص زیر توجه کنید.

موضوع خاص: مراسم عزاداری

(Special Topic: Grieving Rites)

اسرائیلیها برای نشان دادن اندوه خود برای مرگ کسی که دوست دارند و برای توبه فردی به راه‌های مختلف ابراز می‌دارند:

۱. پاره کردن لباس بیرونی، پیدایش ۳۷:۲۹ و ۳۴، ۴۴:۱۳، داوران ۱۱:۳۵، دوم سموئل ۱۱:۱۱، ۳:۳۱، اول پادشاهان ۲۱:۲۷، یعقوب ۱:۱۰
۲. پوشیدن لباسی از جنس کرباس، پیدایش ۳۷:۳۴، دوم سموئل ۳:۳۱، اول پادشاهان ۲۱:۲۷، ارمیا ۳۷:۴۸
۳. درآوردن کفش، دوم سموئل ۱۵:۳۰، اشعیا ۳:۳۰
۴. گذاشتن دست بر روی سر، دوم سموئل ۱۳:۱۹، ارمیا ۲:۳۷
۵. ریختن خاک بر سر، یوسع ۷:۶، اول سموئل ۴:۱۲، نحمیا ۱:۹
۶. نشستن بر روی زمین، مراثی ارمیا، ۲:۱۰، حزقیال ۲۶:۱۶، (دراز کشیدن بر روی زمین، دوم سموئل ۱۶:۱۲)، اشعیا ۱:۴۷
۷. بر سینه زدن، اول سموئل ۲۵:۱، دوم سموئل ۱۱:۲۶، نحمیا ۲:۷
۸. ماتم گرفتن، اول سموئل ۲۵:۱، دوم سموئل ۱۱:۲۶
۹. بریدن بدن، تثنیه ۱:۱۴، ارمیا ۱۶:۶، ۴۸:۳۷
۱۰. روزه گرفتن، دوم سموئل ۱:۱۲، ۱۲:۱۶ و ۲۱، اول پادشاهان ۲۱:۲۷، اول تواریخ ۱۰:۱۲، نحمیا ۱:۴
۱۱. گریه کردن، دوم سموئل ۱:۱۷، ۳:۳۱، دوم تواریخ ۳۵:۲۵
۱۲. کچلی (کندن یا تراشیدن موهای سر) ارمیا ۳۷:۴۸
۱۳. کوتاه کردن ریش، ارمیا ۳۷:۴۸
۱۴. پوشاندن سر یا صورت، دوم سموئل ۱۵:۳۰، ۱۹:۴

□ «آری چنین خواهد بود. آمین» لغت یونانی برای تصدیق (*nai*) و عبری برای تصدیق (*amen*) در کنار یکدیگر و برای تاکید قرار داده شده‌اند. (مکاشفه ۲۰:۲۲).

متن NASB (بروز شده): ۸:۱

«خداوند خدا می‌گوید: «مَنَمُ الف و مَنَمُ ی؛ مَنَمُ آن که هست و بود و می‌آید، آن قادر مطلق.»»

- ۸:۱ یهوه خود در این آیه در تاکید بر حقیقت اظهارات پیشین درباره عیسی سخن می‌گوید. این آیه چهار عنوان را با اشاره‌ای به پنج یا احتمالاً شش عنوان دیگر برای او تلفیق می‌کند. به وضوح آیه ۸:۱ اضافه شدن تاکید خداوند بر اظهارات بالا به منظور استفاده از چنین اسامی شگفت‌انگیزی است.
۱. «منم»، که اشاره‌ای است به نام عهد او، یهوه (خروج ۳:۱۴)، و شکلی از فعل «بودن». عیسی از این عبارات برای خودش استفاده کرد (یوحنا ۸:۵۶-۵۹). عنوان «سرور یا ارباب» (در کتاب مقدس نسخه انگلیسی از کلمه Lord استفاده شده که بمعنی ارباب یا سرور است و معنی خدا نمی‌دهد)، در عهد جدید بازتاب دهنده این عنوان عهد عتیقی است.
 ۲. «الف و ی» (آلفا و امگا) اولین و آخرین حرف در الفبای یونانی می‌باشد که اینگونه متصور گردیده که خداوند سرآغاز و پایان هر چیزی و کنترل‌کننده تاریخ است (اشعیا ۴۴:۶؛ مکاشفه ۲۱:۶)؛ این عنوان همچنین در مکاشفه ۱۷:۱ و ۱۳:۲۲ برای عیسی بکار برده شده است.
 ۳. «ارباب» (*The Lord*) شیوه امروزی ترجمه یهوه است (به موضوع خاص پیش رو توجه نمایید).
 ۴. «خدا» در پیدایش ۲:۴، یهوه و الوهیم تلفیق شده (خداوند خدا) بعنوان نامی برای خدا را بوجود آورده‌اند. ال (*El*) نام عمومی برای خدا در شرق نزدیک بوده که از ریشه «قوی بودن» گرفته شده است.
 ۵. «آن که هست و بود و می‌آید» عبارتی است که پیش از این در مکاشفه ۴:۱ بکار برده شده بود، و سخن از تغییرناپذیری و حیات ابدی خداوند دارد (مزمور ۱۰۲:۲۷؛ ملاکی ۳:۶؛ یعقوب ۱:۱۷). این عبارت برای خدای پدر، یهوه، در مکاشفه ۴:۱ و ۸، و برای عیسی در مکاشفه ۱:۱۷، ۱۸ و ۱۳:۲۲ (عبرانیان ۸:۱۳) بکار برده شده است.
 ۶. «آن قادر مطلق» که عبارتی از عهد عتیق است، (*El-Shaddai*) (۱) نامی پدران برای خداوند (خروج ۳:۶) یا (*YHWH Sabaoth*)، از نسخه LXX «خدای قادر مطلق» می‌باشد. این عنوان اغلب در این کتاب دیده می‌شود (*pantokratōr*). مکاشفه ۴:۸؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۵:۳؛ ۱۶:۷؛ ۱۴:۱۹؛ ۱۱:۲۲؛ اما در کتاب‌های عهد جدید فقط یکبار استفاده شده است (۲قرتینان ۶:۱۸).
- یکی از نسخ خطی اولیه یونانی، الف (*۲)، و ده‌ها نسخه دیگر بعدها عبارات «شروع و پایان» را پس از «الف و ی» (آلفا و امگا) اضافه کردند. کاتبین تاییدیه این نکته را از مکاشفه ۱۲:۶ تصریح کرده‌اند، اما احتمالاً آن بخش از نسخه اصلی یونانی تحت وحی گرفته نشده است. نسخه UBS⁴ حذف آن را «مطمئن» ارزیابی کرده است. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: اسامی خداوند

(Special Topic: Names for Deity)

.A *El* (BDB 42, KB 48)

۱. ریشه باستانی نام برای خدا قطعی نیست، هرچند، بسیاری از اساتید معتقدند که از ریشه Akkadian به معنی «قوی بودن» یا قدرتمند بودن می‌آید (مراجعة شود به کتاب پیدایش ۱:۱۷، کتاب اعداد ۲۳:۱۹، کتاب اعداد ۲۳:۱۹، کتاب تثنیه ۷:۲۱، مزمور ۵۰:۱).
۲. در زیارتگاه کنهانیان بالاترین خدا *El* (متون Ras Shamra) است، به معنی «پدر خدایان» و «ارباب بهشت».
۳. در انجیل *El* اغلب با سایر اصطلاحات ترکیب می‌شود. این ترکیب شدن‌ها تبدیل به شیوه‌ای برای مشخصه خدا شده‌اند.
 - a. *El-Elyon* (خدای والاترین، BDB 42 & 751 II)، کتاب پیدایش ۱۴:۱۸ الی ۲۲، کتاب تثنیه ۸:۳۲، اشعیا ۱۴:۱۴
 - b. *El-Roi* («خدایی که میبیند» یا «خدایی که خود را آشکار میکند»، BDB 42 & 909)، کتاب پیدایش ۱۳:۱۶
 - c. *El-Shaddai* («خداوند متعال»، یا «خدای تمامی شفقتها» یا «خدای کوه»، BDB 42 & 994)، کتاب پیدایش ۱:۱۷، ۳۵:۱۱، ۴۳:۱۴، ۴۹:۲۵، کتاب خروج ۳:۶
 - d. *El-Olam* («خدای جاویدان»، BDB 42 & 761)، کتاب پیدایش ۳۳:۲۱. از منظر ایهیات این اصطلاح به وعده خدا به داوود مرتبط است، دوم سموئیل ۷:۱۳ و ۱۶
 - e. *El-Berit* («خدای پیمان»، BDB 42 & 136) داوودان ۹:۴۶

۴. El برابر با

- a. یهوه در اعداد ۲۳:۸، مزمور ۱۶:۱ الی ۸۵:۸، اشعیا ۴۲:۵
- b. الوهیم در کتاب پیدایش ۳:۴۶، یعقوب ۸:۵، "من El هستم، الوهیم پدر شما"
- c. *Shaddai* در کتاب پیدایش ۲۵:۴۹، اعداد ۴:۲۴ و ۱۶
- d. "حسادت" در کتاب خروج ۱۴:۳۴، کتاب تثنیه ۲۴:۴، ۹:۵، ۶:۱۵
- e. "رحم" در کتاب تثنیه ۳۱:۴، نحمیا ۳۱:۹
- f. "بزرگ و حیرت انگیز" در کتاب تثنیه ۲۱:۷، نحمیا ۵:۱، ۳۲:۹، دانیال ۹:۴
- g. "آگاهی" در اول سموئیل ۲:۳
- h. "پناهگاه قوی من" در دوم سموئیل ۲۲:۳۳
- i. "انتقام گیرنده من" در دوم سموئیل ۲۲:۴۸
- j. "آن مقدس" در اشعیا ۱۶:۵
- k. "قدرت" در اشعیا ۲۱:۱۰
- l. "رستگاری من" در اشعیا ۲:۱۲
- m. "قوی و قدرتمند" در ارمیا ۳۲:۱۸
- n. "مجازات" در ارمیا ۵۶:۵۱
۵. ترکیب تمامی اسامی مهم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲:۲۲ یافت میشوند (El، الوهیم، یهوه، مجموعه تکرار میشود)
- B. *Elyon* (BDB 751, KB 832)
۱. معنی اصلی آن "بالا"، "عالی" یا "بالا برده شده" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷:۴۰، اول پادشاهان ۸:۹، دوم پادشاهان ۱۷:۱۸، نحمیا ۲۵:۳، ارمیا ۲:۲۰، ۱۰:۳۶، مزمور ۱۳:۱۸).
۲. از آن به عنوان مفهوم همسو برای چندین اسم دیگر خدا استفاده شده است
- a. الوهیم - مزمور ۱:۴۷ الی ۲، ۷۳:۱۱، ۱۰۷:۱۱
- b. یهوه - کتاب پیدایش ۲۲:۱۴، دوم سموئیل ۱۴:۲۲
- c. *El-Shaddai* - مزمور ۱:۹۱ و ۹
- d. *El* - اعداد ۱۶:۲۴
- e. اله - اغلب در کتاب دانیال ۲ الی ۶ و عزرا ۴ الی ۷ استفاده شده است، و مرتبط با Illair (اصطلاح آرامی برای "خدای والا") در دانیال ۲:۲۶، ۴:۲، ۵:۱۸ و ۲۱ میباشد.
۳. اغلب توسط غیر اسرائیلیها از آن استفاده می شود
- a. ملکیزد، کتاب پیدایش ۱۸:۱۴ الی ۲۲
- b. بلام، کتاب اعداد ۱۵:۲۴
- c. موسی، زمانی که در کتاب تثنیه ۸:۳۲ از قوم صحبت می کند
- d. انجیل لوقا در عهد جدید، هنگامی که خطاب به کفار می نویسد، همچنین از اصطلاح معادل یونانی *Hupsistos* استفاده می کند (مراجعه شود به ۳۲:۱ و ۳۵ و ۷۶، ۳۵:۶، ۲۸:۸، اعمال رسولان ۷:۴۸، ۱۷:۱۶)
- C. الوهیم (حالت جمع) - الوها (حالت مفرد)، اساسا در اشعار استفاده می شود (BDB 43, KB 52)،
۱. این اصطلاح در خارج از عهد عتیق دیده نمیشود
۲. این کلمه میتواند به معنی خدای اسرائیل یا خدای اقوام باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳:۶، ۳:۲۰). خانواده ابراهیم چندین خدا را می پرستیدند (مراجعه شود به یوشع ۲:۲۴).
۳. می تواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۶:۲۱، مزمور ۶:۸۲)
۴. اصطلاح الوهیم در مورد سایر موجودات روحانی (فرشتگان، شیاطین) در کتاب تثنیه ۸:۳۲ (LXX)، مزمور ۵:۸، یعقوب ۶:۱، ۷:۳۸ نیز استفاده شده است

۵. در انجیل این نخستین عنوان/نام برای خدا بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۱). تا کتاب پیدایش ۲:۴ انحصاراً از این اصطلاح استفاده شده است، جایی که با یهوه ترکیب میشود. اساساً (از دیدگاه الهیات) اشاره به خدا به عنوان خالق، نگه دارنده، و ایجاد کننده زندگی در این این سیاره دارد (مراجعه شود به مزمور ۱۰۴).

مترادف با El است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۵:۳۲ الی ۱۹). همچنین همسو با یهوه در مزمور ۱۴ است (الوهیم، ۱، ۲، ۵، یهوه ۲ و ۶، حتی آدون آیه ۴).

۶. هر چند این کلمه جمع است و در مورد سایر خدایان استفاده میشود، این اصطلاح اغلب به خدای اسرائیل دلالت دارد، ولی معمولاً فعل مفرد برای آن استفاده میشود تا دلالت بر کاربرد یکتا پرستی آن داشته باشد (به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود).

۷. خیلی عجیب است که اصطلاح متداول برای خدای یگانه اسرائیل جمع است (همچنین به "ما" در کتاب پیدایش ۱:۲۶، ۳:۲۲، ۷:۱۱ توجه کنید). هر چند هیچ قطعیتی وجود ندارد، نظریاتی وجود دارند:

a. در زبان عبری کلمات جمع زیادی وجود دارند که از آنها برای تاکید استفاده میشود. چیزی که به این حالت نزدیک است در زبان عبری حالت دستور زبانی است که جمع شاهانه نامیده میشود، که حالت جمع برای بزرگ نمایی مفهوم به کار میرود.

b. این میتواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد که خدا در بهشت با آنان ملاقات می کند و فرامینش را به آنان می گوید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳، یعقوب ۱:۶، مزمور ۸۲:۱، ۸۹:۵ و ۷)

c. حتی ممکن است منعکس کننده مکاشفه خدا در عهد جدید در قالب یک خدا به شکل سه فرد باشد. در کتاب پیدایش ۱:۱ خدا خلق می کند، کتاب پیدایش ۲ روح مقدس است و در عهد جدید عیسی نماینده خدای پدر آفریننده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳:۱ و ۱۰، رومیان ۳:۱۱، اول قرنتیان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۱:۲، ۱۰:۱۰)

D. یهوه (BDB 217, KB 394)

۱. این اسمی است که منعکس کننده خدا به عنوان خدای خالق پیمان است، خدا به عنوان ناجی و رهایی بخش. انسانها پیمان شکنی میکنند، ولی خدا به عهد، کلام، وعده و پیمان خود پایبند است (مراجعه شود به مزمور ۱۰۳).

کتاب پیدایش ۲:۴ الی ۳:۲۴ با مکاشفه خاصی درباره جایگاه برتر و هدف نوع بشر، و همچنین مسئله گناه و شورش که به واسطه جایگاه خاص او بود، آغاز میشود.

۲. در کتاب پیدایش ۴:۲۶، گفته میشود "انسانها شروع به فراخواندن نام خدا (یهوه) کردند". با این حال، کتاب خروج ۳:۶ دلالت بر این دارد که نخستین انسانهای مطیع پیمان (خان سالاران و خانواده ایشان) خدا را فقط به عنوان *El Shaddai* می شناختند. نام یهوه فقط یک مرتبه در کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ و به خصوص آیه ۱۴ ذکر شده است. با این حال، نوشته های موسی اغلب با استفاده از شیوه های مرسوم بازی با کلمات تفسیر میکنند، نه از طریق روشهای ریشه یابی لغات (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۵:۱۷، ۳۶:۲۷، ۱۳:۲۹ الی ۳۵). نظریات متعددی در خصوص معنی این کلمه وجود دارد (به نقل از IDB جلد دوم صفحات ۴۰۹ الی ۴۱۱).

a. از ریشه عبری "شان دادن عشق پرشور"

b. از ریشه عبری "دمیدن" (یهوه به عنوان خدای توفان)

c. از ریشه اوگاریتیک (کنعانی) به معنی "سخن گفتن"

d. بر اساس یک سنگ نوشته فنیقیه ای، صفت فاعلی به معنی "کسی که حمایت میکند"، یا "آن که برپا میکند"

e. از حالت Qal عبری، "آن یگانه ای که هست..."، یا "آن یگانه ای که حاضر است" (در حالت زمان آینده "آن یگانه ای که خواهد بود")

f. از Hiphil عبری به معنی "آن که باعث وجود داشتن است"

g. از ریشه عبری "زندگی کردن" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۲۱)، به معنی "همیشه زنده، آن یگانه ای که همیشه زنده است"

h. از متن کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ حالت غیر کامل استفاده شده در فعل زمان کامل، "باید به آنچه که قبلاً بودم همچنان ادامه دهم" یا "من همانی خواهم بود که همیشه بوده ام" (مراجعه شود به A Survey of Syntax in the Old Testament اثر J. Wash Watts صفحه ۶۷). اسم کامل یهوه اغلب به صورت اختصار یا احتمالاً به صورت اولیه استفاده می شود.

۱. Yah (به عنوان مثال، BDB 219, Hallelu – yah، مراجعه شود به کتاب خروج ۲:۱۵، ۱۷:۱۶، مزمور ۸:۸۹، ۳۵:۱۰۴)

۲. Yahu ("iah" پسوند اسم مثلاً اشعیا (Isaiah))

۳. Yo ("Jo" پیشوند اسم، مثلاً جاشوا (Joshua) یا یوئیل (Joel))

۳. بعداً در یهود نام این پیمان بسیار مقدس شد (تتراگرافیتون) که یهودیان از بیان آن وحشت دارند که مبادا فرمان کتاب خروج ۷:۲۰، کتاب تثنیه ۱۱:۵، ۶:۱۳ را بشکنند. بنابراین آنها این نام را با اسامی دیگری همچون "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "سرور" - adon یا Adonai (به

معنی سرورم) جایگزین کردند. وقتی که به نام یهوه در زمان خواندن عهد عتیق میرسند آن را "سرور" تلفظ می‌کنند. به همین دلیل است که در ترجمه های انگلیسی بجای یهوه "سرور" نوشته میشود.

۴. همانند El، اغلب یهوه با سایر اصطلاحات جهت تاکید بر مشخصه های خاص خدای پیمان اسرائیل ترکیب می‌شود. ترکیبات زیادی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

- a. یهوه - *Yireh* (یهوه ارائه میکند، BDB 217 و 906)، کتاب پیدایش ۲۲:۱۴
- b. یهوه - *Rophekha* (یهوه شفا دهنده شما است، BDB 217 و 950، وجه وصفی *Qal*)، کتاب خروج ۱۵:۲۶
- c. یهوه - *Nissi* (یهوه نشان من است، BDB 217 و 651)، کتاب خروج ۱۷:۱۵
- d. یهوه - *Megaddishkem* (یهوه تنها کسی که تو را تطهیر میکند، BDB 217 و 872، وجه وصفی *Piel*)، کتاب خروج ۳۱:۱۳
- e. یهوه - *Shalom* (یهوه آرامش است، BDB 217 و 1022)، داوران ۶:۲۴
- f. یهوه - *Sabaoth* (یهوه میزبان، BDB 217 و 878)، اول سموئیل ۱:۳ و ۱۱، ۴:۴، ۱۵:۲، اغلب در مورد انبیا
- g. یهوه - *Ro'I* (یهوه چوپان من است، BDB 217 و 944، وجه وصفی *Qal*)، مزمور ۱:۲۳
- h. یهوه - *Sidqenu* (یهوه عدالت است، BDB 217 و 841)، ارمیا ۶:۲۳
- i. یهوه - *Shammah* (یهوه آنجا است، BDB 217 و 1027)، حزقیال ۴۸:۳۵

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۱-۱۱

«من یوحنا، برادر شما، که در رنجها و در پادشاهی و در استقامتی که در عیسی از آن ماست، با شما شریکم، به خاطر کلام خدا و شهادت عیسی، در جزیره پاتموس بودم. ^۱در روز خداوند، در روح شدم و صدایی بلند چون بانگ شیپور از پشت سر شنیدم ^۱ که می‌گفت: «آنچه را که می‌بینی بر طوماری بنویس و به هفت کلیسای افسس، اسمیرنا، پرگاموم، تیاتیرا، ساردس، فیلادلفیه و لائودیکیه بفرست.»

۹:۱-۲۰ این بخش رویای یوحنا از عیسی زنده شده، عروج کرده و جلال یافته است. نظیر همین جزئیات برای مخاطب قرار دادن هفت کلیسا در فصل‌های ۲ و ۳ استفاده شده است. یوحنا مشخصه او را به خواندگانش از طریق بکار بردن عبارت "برادر تو" و ذکر تجربیات خود از رنج، پادشاهی، و پایداری نشان می‌دهد. در عین حال این عبارات کلیدی - عذاب، پادشاهی و استقامت - مثال‌هایی از زندگی عیسی بوده که خواندگانی همچون یوحنا باید از آن سرمشق گیرند (یوحنا ۱۶:۳۳؛ اعمال رسولان ۲۲:۱۴؛ رومیان ۸:۱۷).

یکی از دلایلی که درک کتاب مکاشفه را برای مترجمین غربی امروزی دشوار می‌نماید، اینست که ما هرگز شکنجه و محاکمات دنیای رومیان را در قرن اول تجربه نکرده‌ایم. کتاب مکاشفه دنیای عذاب، مرگ و ایمانداران وحشتزده است.

۹:۱ "برادر شما، که در رنجها" به یادداشت ۱۴:۷ رجوع نمایید.

□ "پادشاهی" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: پادشاهی خدا

(Special Topic: The Kingdom Of God)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸:۷، مزمور ۱۰:۱۶، ۷:۲۴ الی ۹، ۱۰:۲۹، ۴:۴۴، ۱۸:۸۹، ۳:۹۵، اشعیا ۱۵:۴۳، ۶:۴۴) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌آل معرفی می‌گشت (مراجعه شود به مزمور ۲:۶، اشعیا ۹:۶ الی ۷، ۱۱:۱ الی ۵). با تولد عیسی در بیت‌الحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۲، انجیل مرقس ۱:۱۵).
۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱۷ و ۲۳، ۷:۱۰، ۱۲:۲۸، انجیل لوقا ۹:۱۰ و ۱۱، ۲۰:۱۱، ۲۱:۱۷، ۳۱:۲۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۲۸، ۲۴:۱۴، ۲۶:۲۹، انجیل مرقس ۹:۱، انجیل لوقا ۲۱:۳۱، ۲۲:۱۶ و ۱۸).

در همسوهای سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶:۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیآورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹:۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

□ "رنج‌ها" این لغت در مکاشفه ۲:۲، ۳:۱۹، ۳:۱۰؛ ۱۴:۱۲ بکار برده شده است. به موضوع خاص استقامت توجه نمایید.

□ "در جزیره پاتموس" رومیان از این جزایر دور از سواحل آسیای صغیر برای زندانیان سیاسی تبعیدی استفاده می‌کردند (Tacitus' Annals, 3.68; 4.30; 15.71). روشن است که یوحنا به این جزیره کوچک در ۶۰ کیلومتری میلتموس تبعید شده بود. این جزیره دارای شکل حلالی رو به شرق و حدوداً ۱۶ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر پهنا داشته است.

□ "به خاطر کلام خدا و شهادت عیسی" این عبارت به دو شکل برداشت می‌شود. (۱) می‌تواند اشاره به موعظه انجیل توسط یوحنا و (۲) اشاره به دریافت مکاشفه توسط یوحنا داشته باشد. پیرامون تبعید سیاسی یوحنا، ده‌ها سند تاریخی در دست است.

۱. کتاب *On the Prescription of Heretics* نوشته ترتولیان، صفحه ۳۶.

۲. کتاب *Homilies on Matthew* نوشته اوریگن

۳. *The Rich Man's Salvation* از کلمنت اسکندریه، صفحه ۴۷

۴. *Ecclesiastical History* از یوسیبوس، 8-9، III20. و *Concerning Illustrious Men* از جروم، ۹.

□ ۱۰:۱ "در روح شدم" این عبارت ویژه رویاهایی را که یوحنا دریافت کرده بود، مشخص می‌کند (مکاشفه ۱:۱۰؛ ۴:۲؛ ۱۷:۳؛ ۲۱:۱۰). ظاهراً اشاره به حالتی شبیه به خلسه دارد که در آن مکاشفه بر او نمایان شده بود (اعمال رسولان ۱۰:۱۰؛ ۱۷:۲۲؛ ۲۱:۱۲). این یکی از مشخصه‌های ادبیات آخرالزمانی یهودیان است.

□ "در روز خداوند" این تنها مرجعی در کتاب مقدس است که به روز یکشنبه اشاره می‌کند. یکشنبه اشاره به "اولین روز هفته" در یوحنا ۱۹:۲۰، اعمال رسولان ۷:۲۰ و ۱۰:۱۶ است.

□ "صدایی بلند چون بانگ شیپور" این عبارت برای نشان دادن مفهوم عرضه ده فرمان توسط خداوند در کوه سینا استفاده گردیده (خروج ۱۶:۹). با اینحال، بخاطر وجود مکاشفه ۱:۱۲ و ۴:۱، می‌تواند اشاره به ندای فرشته‌ای هم محسوب گردد. رابط‌های آسمانی از مشخصه‌های ادبیات آخرالزمانی یهودیان محسوب می‌گردند. کتاب مکاشفه از فرشتگان بیشتر سخن می‌گوید تا هر یک از کتب دیگر در عهد جدید.

موضوع خاص: شیپورهای استفاده شده توسط قوم بنی اسرائیل

(Special Topic: Horns Used By Israel)

در رابطه با شیپور و کرنا در زبان عبری چهار واژه وجود دارد:

۱. "کرنا‌ی شاخ قوچ" (BDB 901, KB 1144) - بعنوان ساز بادی از آن استفاده می‌گردید، رجوع شود به یوشع ۵:۶. همین واژه در پیدایش

۱۳:۲۲ برای قوچی که بوسیله شاخهایش گرفتار شده بود بکار برده شد.

۲. "شیپور" (BDB 1051) - از واژه آشوری برای بز وحشی کوهی گرفته شده است (ibex). این همان شیپوری است که در خروج ۱۹:۱۶، ۱۹ در کوه سینا استفاده گردید. شماره یک و دو در یوشع ۶:۵ موازی یکدیگر می‌باشند. این شیپورها برای برقراری ارتباط بکار می‌رفتند.
- تعداد زمانهای عبادت (لاویان ۲۵:۹)
 - تعداد زمانهای نبرد (یوشع ۶:۴؛ داوران ۳:۲۷؛ ۶:۳۴؛ ۱ سموئیل ۱۳:۳؛ ارمیا ۴:۵؛ هوشع ۵:۸)
 - تعداد دفعات تدهین هر پادشاه جدید، ۱ پادشاهان ۱:۳۴، ۳۹
 - دمیده شده توسط خداوند، زکریا ۹:۱۴
۳. "شاخ قوچ" (BDB 385, KB 398) - از واژه فینیقی برای قوچ گرفته شده است (یوشع ۶:۴، ۶، ۸، ۱۳). همینطور به معنای فرا رسیدن جشن آزادی و شادی نیز هست (لاویان ۲۵:۱۳، ۲۸، ۴۰، ۵۰، ۵۲، ۵۴؛ ۱۷:۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴).
۴. "شیپورها" (BDB 348, KB 344) - احتمالاً از فعل "کشیده شده" گرفته شده، که نشان از استخوان کشیده دارد (نه شاخ شکل داده یک حیوان). این شیپورها از نقره ساخته شده‌اند (پس از شکل و غالبدهی از مصر). موارد مصرف آنها عبارت بودند از:
- هنگام تشریفات پرستشی (اعداد ۱۰:۲، ۸، ۱۰؛ عزرا ۳:۱۰؛ ۱۲:۳۵، ۴۱)
 - مقاصد نظامی (نحمیا ۹:۱۰؛ ۶:۳۱؛ هوشع ۸:۵)
 - مقاصد سلطنتی و اشرافی (۲ پادشاهان ۱۱:۱۴)
- یکی از این شیپورهای فلزی بر روی طاق نصرت تیتوس در جنوب شرقی فوروم رومی در شهر رم ایتالیا ترسیم شده، همچنین ژوزفوس در کتاب *Antiq 3.12.6* آنها را تعریف کرده است.

۱۱:۱ "بر طوماری" واژه یونانی این عبارت *biblion* است. این واژه برای دفترچه یا طومار استفاده می‌شود. بعدها این واژه تبدیل به یک واژه فنی برای کتاب یا دستخط قدیمی گردید. یوحنا دستور داشت تا رویاهایش را مکتوب نماید. این رویاها از سوی خداوند افشا شده بودند. آشکار شدن این رویاها نه برای منافع شخصی یوحنا، بلکه برای کلیسا بود. یکی از مشخصه‌های ادبیات آخرالزمانی اینست که بر خلاف نبوت‌های عهد عتیق که بصورت شفاهی گفته میشد، ساختار آن بشدت تعریف گردیده است. کتاب یا طوماری که بطور مکرر در ادبیات آخرالزمانی یهودیان ظاهر می‌گردد، راهی است برای رساندن پیام به خوانندگان در آینده.

- "به هفت کلیسا بفرست" ترتیب این کلیساها بر اساس راه پستی روم تعریف گردید که در افسوس شروع و پایان یافت. کتاب پولس که افسسیان شهرت دارد احتمالاً از همین راه عبور کرده بود. مکاشفه خداوند هرگز برای کاربردهای فردی نبوده بلکه برای قوم خدا و بدن عیسی آشکار گردیده است.
- ترجمه The King James عبارت "من الف و ی هستم" را دوباره اضافه کرده، اما هیچ نسخه خطی یونان باستانی وجود ندارد که وجود این عبارات را در این آیه تایید نماید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۲:۱-۱۶

^{۱۲} پس رو به عقب برگردانیدم تا ببینم آن چه صدایی است که با من سخن می‌گوید؛ و چون برگشتم، هفت چراغدان طلا دیدم،^{۱۳} و در میان آن چراغدانها یکی را دیدم که به 'پسر انسان' می‌مانست او ردایی بلند بر تن داشت و شالی ززین بر گرد سینه.^{۱۴} سر و مویش چون پشم سفید بود، به سفیدی برف، و چشمانش چون آتش مشتعل بود.^{۱۵} پاهایش چون برنج نافته بود در کوره گداخته، و صدایش به غرش سیلابهای خروشان می‌مانست.^{۱۶} او در دست راستش هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری بُران و دو دم بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چونان خورشید بود در درخشش کاملش.

۱۲:۱ "هفت چراغدان طلا دیدم" این آیه نه به منوراح، (هفت چراغدان) که در خیمه بود اشاره می‌کند (خروج ۲۵:۳۱-۴۰) و نه به چراغدان زکریا ۴:۲. اینان چراغدانان دیگری بودند که بصورت نمادین هفت کلیسا را اشاره داشتند (مکاشفه ۱:۲۰؛ ۲:۱).

۱۳:۱-۱۸ درون جزئیات آنچه که این آیات از عیسی متصور شده، دو پیشزمینه عهد عتیقی محتمل است: (۱) یهوه، اما در عین حال (۲) فرشته دانیال ۱۰.

۱۳:۱

"کسی که به پسر انسان می‌مانست"	NASB
"آن کس که به پسر انسان می‌مانست"	NKJV
"کسی که به پسر انسان می‌مانست"	NRSV
"شبهه به انسان بود"	TEV

در اکثر نسخه‌های انگلیسی آن کس و پسر و انسان با حرف بزرگ شروع می‌شوند. دلیل این امر ابهام در معنی واژه است. در عهد عتیق این عبارات برای توصیف انسان بکار برده می‌شد (مزمور ۸:۴؛ حزقیال ۲:۱ و بسیاری آیات دیگر). با اینحال، در دانیال ۷:۱۳ و احتمالاً حزقیال ۱:۲۶ نیز اشاره به مسیح در شکل انسان که از ذات خدا نشأت گرفته، (مکاشفه ۲:۱۸، در جایی که همین شخصیت را "پسر خدا" نامید) نیز می‌توان متصور شد، زیرا:

۱. او در پیشگاه خدا ظاهر گردید

۲. وی بر روی ابرهای بهشتی سوار بود

۳. به وی پادشاهی ابدی اهدا گردید.

عیسی از این عبارت برای اشاره به خود استفاده کرد زیرا در آن هیچ مورد مصرف ربیانی وجود نداشت، هیچ جنبه ملی‌گرایانه و یا نظامیگری نیز به چشم نمی‌خورد. این عبارت تمام جنبه‌های انسانی و الهی شخص عیسی را در خود دارد (۱ یوحنا ۴:۱-۳؛ یوحنا ۱:۱-۲، ۱۴).

توجه داشته باشید که نسخه‌های NKJV و NRSV برای این آیه از "The" استفاده کرده است که جنبه تأکیدی برای فرد یا شی دارد اما نسخه‌های NASB, TEV و JB فقط از حرف "a" استفاده کرده‌اند که معنی نامشخصی به عبارت می‌دهد. مثل انسانی، یک انسان. در نسخه‌های یونانی هیچ متن قطعی وجود ندارد (دانیال ۷:۱۳؛ عبرانیان ۱:۲؛ ۳:۶؛ ۵:۸؛ ۷:۲۸). با اینحال، این حقیقت که آن فقط یک عنوان است، به آیه قطعیت می‌دهد. این نامفهومی می‌تواند دلیل خاص داشته باشد (یکی از جنبه‌های متون یوحنا). عیسی انسان واقعی است و در عین حال مسیح آسمانی.

□ "اوردایی بلند بر تن داشت و شالی زرین بر گرد سینه" این بخش به گونه‌های مختلفی برداشت شده است.

۱. بعنوان یک مرجع برای اشاره به کاهن اعظم (خروج ۲۸:۴؛ ۲۹:۵؛ لایوان ۶:۴ و زکریا ۳:۴)

۲. بعنوان یک مرجع برای اشاره به فردی متمول و اشرافی (۱ ساموئیل ۱۸:۲۴؛ ۲۴:۱۲ و حزقیال ۲۶:۱۶)

۳. بعنوان رویای درخشان فرشته دانیال ۱۰:۵-۲۱ که می‌تواند نشان از عیسی بوده باشد که در حال آوردن پیام خدا بوده است.

ژوزفوس در کتاب *Antiquities of the Jews* III.7.2,4 می‌گوید که کاهن اعظم کمربندی زرین بر کمر داشت. لذا، عیسی کاهن اعظم (مزمور ۱۱۰:۴-۷؛ زکریا ۳) صومعه آسمانی است (عبرانیان ۸:۱-۱۳؛ مزمور ۱۱۰).

۱۴:۱۴ "سر و مویش چون پشم سفید بود" این آیه اشاره‌ای است به دوران باستانی دانیال ۷:۹. مثالی است از نویسندگان عهد جدید که عناوین و مشخصات یهوه را برای عیسی تعریف می‌کردند تا به عیسی جنبه آسمانی دهند.

□ "چشمانش چون آتش مشتعل بود" این آیه نماد دانش او است (دانیال ۱۰:۶؛ مکاشفه ۲:۱۸؛ ۱۹:۱۲).

۱۵:۱

NASB "مثل برنزی که در کوره گداخته و سپس شفاف شده باشد"

NKJV "می‌درخشید، مانند مسی که در آتش صیقل داده باشند"

NRSV "چون برنج نافته بود در کوره گداخته"

TEV "مانند برنج صیقلی که در کوره تاییده شود"

NJB "مانند مسی که در آتش صیقل داده باشند"

استفاده برنز برای این لغت قطعی نیست (*chalkolibanon*). عبارتی که می‌توان به آن ربط داد، برنج است، *chalkos* (متی ۹:۱۰؛ ۱۳:۱۳؛ مکاشفه ۱۸:۲۲). در حزقیال ۷:۱ برای پای کروی و در دانیال ۶:۱۰ برای پیام‌آور آسمانی بکار برده شده بود. پای عیسی در عبارات مشابهی تعریف شده (۱۵:۱؛ ۱۸:۲) تا اصالت آسمانی یا شخصیت شاهانه او نشان داده شود.

NASB, NKJV,

NRSV "آواز او مثل صدای آبهای بسیار"

TEV "صدایش به غرژ سیلابهای خروشان می‌مانست"

NJB "صدایش مثل صدا اقیانوس"

این عبارات در آیات زیر استفاده شده‌اند

۱. یهوه در حزقیال ۱:۲۴؛ ۴۳:۲

۲. بالهای کروی در حزقیال ۱:۲۴

۳. پیام‌آور آسمانی (احتمالاً) در دانیال ۶:۱۰

روشن است که این نمادی است صدای یک شخص والامقام آسمانی (مکاشفه ۱۴:۲؛ ۱۹:۶).

۱۶:۱ "در دست راستش هفت ستاره داشت" این عبارات عیناً در مکاشفه ۱:۱۶، ۲۰:۲؛ ۱:۳؛ ۱:۲؛ ۳:۱ تکرار شده‌اند. آنها نشان دهنده اهمیتی است که عیسی به کلیساهای محلی‌اش می‌دهد.

□ "از دهانش شمشیری بُزان و دو دم بیرون می‌آمد" استفاده از لغت *Hromphai* در نسخه خطی اشاره به شمشیر بلند قبیله تراکیان دارد که سربازان رومی حمل می‌کردند. این استعاره در عهد عتیق، در اشعیا ۱۱:۴؛ ۲:۴۹؛ ۲:۴۹ ظاهر گردیده است. استفاده از این استعاره‌ی نمادین، (۱) جنگ (مکاشفه ۲:۱۶؛ ۸:۶ و ۲) قدرت کلامی خداوند را بویژه در داوری نشان می‌دهد (مکاشفه ۲:۱۲؛ ۱۵:۱۹، ۲۱؛ ۲:۲۱؛ ۲:۲۱؛ ۲:۲۱؛ ۲:۲۱). در عبرانیان ۱۲:۴ دو نوع شمشیر (*machaira*) را بکار برده است، اما منظور در آنجا نیز همین ایده، یعنی نشان دادن نیروی کلامی خداوند بوده است.

□ "چهره‌اش چونان خورشید بود در درخشش کاملش" عبارت مشابهی برای تعریف فرشته پیام‌آور در دانیال ۶:۱۰ و مکاشفه ۱:۱۰ استفاده شده است. در دانیال ۳:۱۲ (متی ۱۳:۴۳) نمادی بود برای افراد راستینی که از مرگ قیام کرده بودند. عیسی در چنین عبارات مشابهی تعریف گردیده است (متی ۱۷:۲).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۷-۲۰

۱۷ چون او را دیدم همچون مرده پیش پاهایش افتادم. اما او دست راستش را بر من نهاد و گفت: «بیم مدار، من اولم و من آخر؛^{۱۸} و من آن که زنده اوست. مرده بودم، اما اینک ببین که زنده جاویدم و کلیدهای مرگ و جهان مردگان در دست من است.
۱۹ «پس آنچه دیده‌ای، و آنچه اکنون هست و آنچه از این پس خواهد شد، همه را بنویس. راز آن هفت ستاره که در دست راست من دیدی و راز آن هفت چراغدان طلا این است: آن هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسایند، و آن هفت چراغدان، همان هفت کلیسا.

۱۷:۱ "همچون مرده پیش پاهایش افتادم" اینگونه مکاشفات همیشه منجر به حیرت انسان‌ها در هنگام دریافت گردیده‌اند (دانیال ۸:۱۷؛ ۹:۱۰؛ حزقیال ۲۸:۱؛ ۲۳:۳؛ و در عهد عتیق عبرانی II Baruch 21:26; IV Ezra 5:14). بسیار شگفت‌انگیز است که چنین رویدادهای ماورا الطبیعه‌ای برای بشر عیان گردند.

□ "او دست راستش را بر من نهاد" این حالت نشان می‌دهد که عیسی چقدر به قومش اهمیت و توجه نشان می‌داد (دانیال ۸:۱۸؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۸).

□ "بیم مدار" این یک جمله امری حال حاضر با لفظ منفی می‌باشد که معمولاً به معنی متوقف نمودن عمل در حال انجامی می‌باشد. انسان‌ها همیشه از قلمرو ماورا الطبیعه وحشت دارند (کلام عیسی در متی ۱۴:۲۷؛ ۱۷:۷؛ ۲۸:۱۰؛ مرقس ۶:۵۰؛ لوقا ۵:۱۰؛ ۱۲:۳۲؛ یوحنا ۶:۲۰ و کلام فرشته در متی ۲۸:۵؛ لوقا ۱:۱۳، ۳۰؛ ۲:۱۰).

□ "من اولم و من آخر" این عبارات معمولاً اشاره به یهوه دارند (اشعیا ۴۱:۴؛ ۴۴:۶؛ ۴۸:۱۲)، اما در اینجا برای عیسی‌ای که به تعالی رسیده استفاده شده‌اند (مکاشفه ۱:۸؛ ۲:۸؛ ۱۳:۲۲). این عبارات هم‌تراز با "الف و ی" (آلفا و امگا) می‌باشند. به یادداشت مکاشفه ۱:۴ و ۸ رجوع شود.

۱۸:۱

NASB, NRSV "آنکه زنده"

NKJV "من آن که زنده اوست"

TEV "من آنم که زنده است"

NJB "من آنم که زنده است"

این بخش از آیه کنایه‌ایست به نام عهد خداوند، یهوه، که از فعل "بودن" در عبرانیان گرفته شده است (خروج ۳:۱۴). به موضوع خاص: اسامی خداوند در مکاشفه ۸:۱ رجوع کنید. او حیات ابدی و تنها تا ابد زنده است (دانیال ۷:۲۷؛ یوحنا ۵:۲۶). باز هم می‌گوییم، این شیوه بهره‌برداری نویسنده عهد جدید از یک عنوان عهد عتیقی برای خداوند در تعریف عیسی می‌باشد. این عبارات بسیار شبیه زمانی است که عیسی از نام یهوه برای خود استفاده کرد.

□ "مرده بودم، اما اینک ببین که زنده جاویدم" قیام از مردگان چنین بود:

۱. مهر تأیید پدر (اعمال رسولان ۴:۲۴؛ ۳:۱۵؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛ ۱۰:۴۰؛ ۱۳:۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷:۳۱؛ رومیان ۴:۲۴؛ ۹:۱۰؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۶؛ ۱۵:۱۵؛ افسسیان ۱:۲۰؛ ۲:۱۲؛ عبرانیان ۱۳:۲۰؛ ۱:۲۰؛ ۱:۲۱).

۲. نمایشی از نیروی روح القدس (رومیان ۸:۱۱)

۳. نمایشی از نیروی شخصی عیسی (یوحنا ۱۰:۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۸)

این مراجع از مرگ عیسی همچنان می‌تواند راهی بوده باشد برای معلمین عرفان دروغین که جنبه بشری وی را انکار نمایند.

□ "کلیدهای مرگ و جهان مردگان در دست من است" یهودیان مرگ یک زندانی را دیدند (ایوب ۳۸:۱۷؛ مزمور ۹:۱۳؛ اشعیا ۱۰۷:۱۸؛ اشعیا ۳۸:۱۰؛ متی ۱۶:۱۹). کلیدها برای نشان دادن میزان اختیارات، جنبه استعاره دارند. این نماد از اختیارات عیسی در برابر مرگ برای خودش و پیروانش است (مکاشفه ۵:۹-۱۰؛ ۱ قرننیا ۱۵).

NASB, NRSV

"جهنم" NKJV, NJB

"عالم مردگان" TEV

نسخه ترجمه The King James این لغت را "جهنم" ترجمه کرده است، اما این فقط سردرگمی در ترجمه دو لغت یونانی به زبان انگلیسی است. *Hades* و *Gehenna* مشابه لغت عهد عتیقی *Sheol* است (مکاشفه ۶:۸؛ ۲۰:۱۳-۱۴). در عهد عتیق انسانها اینگونه متصور می‌گردیدند که از بالا بسمت زمین آمده تا بصورت خانواده گرد هم درآیند. یک زندگی هشیارانه اما بدون از شادی و شغف. خداوند به آرامی و بیشتر و بیشتر شروع به روشن کردن موضوعات دنیای پس از مرگ کرد (مکاشفه در حال پیشرفت). ربیان تصریح کرده‌اند که دو بخش، یک رستگاری (بهشت) و یک شریر (Tartarus) در *Sheol* وجود داشته است (لوقا ۲۳:۴۳). انجیل درباره جزئیات حیات پس از مرگ شفاف نیست. درباره بهشت بصورت استعاره سخن می‌گوید (خیابان‌های طلایی، شهر ۲۵۰۰ کیلومتر مربعی، بدون دروازه و ...) و جهنم (آتش، تاریکی، گرم...).

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (*Sheol/Hades, Gehenna, Tartarus*)

(Special Topic: Where are the dead)

I. عهد عتیق

- A. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) می‌روند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست، BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است، بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲، ۱۷:۳۸).
- B. مشخصه‌های شئول (*Sheol*)
۱. با داوری خدا همراه است (آتش)، تشنیه ۲۲:۳۲
 ۲. زندانی با دروازه، یعقوب ۱۷:۳۸، مزمور ۱۳:۹، ۱۰۷:۱۸
 ۳. سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۷:۹ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
 ۴. سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲، ۱۷:۱۳، ۱۸:۱۸
 ۵. مکان سکوت، مزمور ۱:۲۸، ۱۷:۳۱، ۱۷:۹۴، ۱۷:۱۱۵، اشعیا ۵:۴۷
 ۶. همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزمور ۴:۱۸ الی ۵
 ۷. همراه با *abaddon* با شیطان (تخریب، موضوع خاص: *Abaddon...Apollyon* را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۶:۲۶، مزمور ۸:۱۳۹، عاموس ۲:۹
 ۸. همراه با گودال است (قبر)، مزمور ۱۰:۱۶، ۳:۸۸ الی ۴، اشعیا ۱۴:۱۵، حزقیال ۳۱:۱۵ الی ۱۷
 ۹. افراد شرور زنده وارد شئول می‌شوند، اعداد ۱۶:۳۰ الی ۳۳، یعقوب ۷:۹، مزمور ۱۵:۵۵
 ۱۰. انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۱۶:۳۰، امثال ۱:۱۲، اشعیا ۱۴:۵، حبقوق ۲:۵
 ۱۱. به مردم آنجا رفائیم (یعنی روح مردگان) گفته می‌شود، یعقوب ۵:۲۶، امثال ۲:۱۸، ۲:۱۶، ۲۱:۱۴، اشعیا ۹:۱۴ الی ۱۱)
 ۱۲. با این وجود، حتی در اینجا نیز یهوه حاضر است، یعقوب ۶:۲۶، مزمور ۸:۱۳۹، امثال ۱۵:۱۱

II. عهد جدید

- A. کلمه عبری شئول در زبان یونانی به *Hades* ترجمه می‌شود (دنیای دیده نشده)
- B. مشخصه‌های *Hades* (همانند شئول است)
۱. اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۶:۱۸
 ۲. به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱:۱۸، ۶:۸، ۱۳:۲۰ الی ۱۴
 ۳. اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، انجیل متی ۱۱:۲۳ (نقل از عهد عتیق)، انجیل لوقا ۴۳:۲۳

C. احتمالا مجزا شده (روحانیون)

۱. بخش نیکی آن بهشت نامیده می شود (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۴:۱۲، مکاشفه ۷:۲)، انجیل لوقا ۴۳:۲۳
۲. بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می شود، مکانی به مراتب پایینتر از حادس، دوم پطرس ۴:۲، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (Abyss)، انجیل لوقا ۳:۸، رومیان ۷:۱۰، مکاشفه ۱:۹ الی ۲ و ۱۱:۷، ۱۱:۱ و ۱۷:۸، ۲۰:۱ و ۳

D. Gehenna (جهنم)

۱. منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591.BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۳:۱۶، ۶:۲۱، دوم قرن تیان ۳:۲۸، ۶:۳۳)، که در لایوان ۲۱:۱۸، ۲:۲۰ الی ۵ منع شده بود.
۲. ارمیا این مکان را از محل عبات کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۷:۳۲، ۶:۱۹ الی ۷). این مکان تبدیل به محل داوری آتشین در اول انوش ۲۶:۹۰ الی ۲۷ و خویشان ۱۰۳:۱
۳. یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره های داوری جاودانی عیسی از این مکان می آیند (آتش، دود، گرمها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹:۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنما/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۳:۶).
۴. استفاده عیسی از جهنم
 - a. آتش، انجیل متی ۲۲:۵، ۹:۱۸، انجیل مرقس ۹:۴۳
 - b. همیشگی، انجیل مرقس ۹:۴۸ (انجیل متی ۴۶:۲۵)
 - c. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۲۸:۱۰
 - d. همسو با سئول، انجیل متی ۲۹:۵ الی ۳۰، ۹:۱۸
 - e. پلیدی را بیان می دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۱۵:۲۳
 - f. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۳۳:۲۳، انجیل لوقا ۵:۱۲
 - g. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۱:۲، ۶:۲۰ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۴۲:۱۳ و ۵۰، مکاشفه ۲۰:۱۹، ۱۰:۲۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۸:۲۱). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از سئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۴:۲، یهودا ۶:۱ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۸، مکاشفه ۱:۹ الی ۱۱، ۲۰:۱ و ۳) شود.

h. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۴۱:۲۵

E. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادس و سئول و جهنم که:

۱. همه انسانها به سئول / حادس بروند
۲. کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می شود، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادس را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.
۳. تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۹:۱۶ الی ۳۱ (ایلعازر و مرد ثروتمند) است. سئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تشبیه ۲۲:۳۲، مزمور ۱۸:۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.

III. حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ

A. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می کند که:

۱. روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است
 ۲. روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است
 ۳. اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می کند
- B. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می کند

۱. عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می کند، انجیل متی ۲۸:۱۰

۲. ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۱۲:۲۶ الی ۲۷، انجیل لوقا ۱۶:۲۳
۳. موسی و الیاس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷
۴. پولس تصریح می کند که در زمان آمدن دوم، مومنینی که با عیسی می آیند ابتدا بدن جدیدی می گیرند، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸
۵. پولس تصریح می کند که مومنین در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می گیرند، اول قرنتیان ۱۵:۲۳ و ۵۲
۶. پولس تصریح می کند که مومنین به حادس نمی روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵:۶ و ۸، فیلیپیان ۱:۲۳. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۳:۱۸ الی ۲۲.

IV. بهشت

- A. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است
 ۱. اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱:۱ و ۸، اشعیا ۵:۴۲، ۴۵:۱۸
 ۲. بهشت درخشان، پیدایش ۱:۱۴، تثنیه ۱۰:۱۴، مزور ۴:۱۴۸، عبرانیان ۴:۱۴، ۷:۲۶
 ۳. محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰:۱۴، اول پادشاهان ۸:۲۷، مزور ۴:۱۴۸، افسسیان ۴:۱۰، عبرانیان ۹:۲۴ (بهشت سوم، دوم قرنتیان ۱۲:۲)
 - B. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی کند، احتمالاً به این دلیل که انسان گمراه نمی تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹:۲)
 - C. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲:۱۴ الی ۳) و هم فرد (دوم قرنتیان ۵:۶ و ۸) است. بهشت می تواند باغ احیا شده عدن باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳:۲۱، رومیان ۸:۲۱، دوم پطرس ۳:۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر است.
- با این حال، این می تواند استعاره ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۹:۲۱ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی. اول قرنتیان ۱۵ تفاوت های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می کند. اول قرنتیان ۲:۹ (نقل قولی از اشعیا ۴:۶۴ و ۱۷:۶۵) وعده بزرگی است. می دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲).

V. منابع مفید

A. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

B. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

۱۹:۱ این عبارت بعنوان یک بافت در ترجمه کتاب مکاشفه استفاده شده است. یا یک رویای دو بعدی یا سه بعدی بوده است. عبارت یونانی دارای جزئیات دویبعدی از آنچه که هست و آنچه که ظاهر می شود، است. یوحنا برای دوران خود و برای آینده سخن می گفت. این کتاب تلفیقی از هر دو جنبه نبوت سنتی از رویدادهای فعلی و پیشگویی رویدادهای آینده و اسکانالوژیک است. این کتاب آزار و اذیت دوران یوحنا و هر عصر دیگری را خطاب قرار داده اما بیش از همه نهایت زجر همه آنانی که بر ضد مسیح هستند را عنوان می دارد (دانیال ۹:۲۴-۲۷؛ ۲ تسالونیکیان ۲).

۲۰:۱ "راز آن هفت ستاره" واژه (*mustērion*) در حالات مختلفی بوسیله پولس استفاده شده است، اما همه آنها مرتبط هستند با ابدیت، و برنامه نهان خداوند برای رستگاری انسان، که یهودیان با ایمان و غیر یهودیان را بصورت عناصر متحد در بدن عیسی نشان می دهد (افسسیان ۲:۱۱ - ۳:۱۳). با وجود این در اینجا، اینگونه به نظر می رسد که این عبارات در ارتباط با هفت کلیسا که عیسی در فصل های ۲ و ۳ نشانی آنها را می دهد بکار رفته باشند. از آیه ۲۰ روش می شود که هفت روح، هفت ستاره، هفت چراغدان زرین و هفت فرشته، همگی نمادهای هفت کلیسا هستند. این عبارت به شیوه های گوناگونی معانی پنهانی را برای یک نماد در مکاشفه ۱۷:۷ بکار برده است. به یادداشت و موضوعات خاص در مکاشفه ۱۰:۷ رجوع شود.

□ "فرشتگان" واژه های یونانی (*aggelos*) و عبری (*malak*) می توانند "پیام رسان" یا "فرشته" ترجمه شوند. در رابطه با هویت آنان نظریه های متعددی وجود دارد.

۱. برخی می گویند آنان همان هفت روحی بودند که در آیه ۴ ذکر گردیده بود.
 ۲. برخی دیگر معتقدند آنان واعظان این کلیساها بودند (ملاکی ۲:۷).
 ۳. دیگران می گویند اشاره به فرشتگان محافظ این کلیساها دارند (دانیال ۱۰:۱۳، ۲۰، ۲۱).
- بنظر می رسد بهترین حالت این باشد که آنها اشاره به تجسم شخصیت کلیساها بصورت کلی دارند، چه بصورت نمادین در قالب یک واعظ و یا یک فرشته.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا فصل ۱ نشانه‌ای از چگونگی تفسیر کتاب مکاشفه به ما می‌دهد؟ اگر بلی، آنها چه هستند؟
۲. کتاب مکاشفه در درجه اول برای دوران خودش است یا دوران پایانی؟ چرا؟
۳. چرا یوحنا اشارات زیادی به عهد عتیق داشت اما هرگز نقل قول مستقیمی از آن نیاورد؟
۴. چرا عناوین مختلف زیادی در این فصل برای خدا وجود دارد؟
۵. چرا توصیفات مکاشفه ۱: ۱۲-۲۰ معرف هر یک از هفت کلیسا را در فصل‌های ۲ و ۳ بودند؟
۶. چرا تعریف از عیسی جلال یافته شباهت زیادی با فرشته کتاب دانیال ۱۰ دارد؟

مکاشفه ۳:۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
پیامی به افسس ۱:۲ ۷ - ۱:۲	کلیسای بدون محبت ۷ - ۱:۲	اولین نامه ۱:۲ ۷ - ۲:۲	پیامی به افسس ۱:۲ ۷ - ۱:۲ ۷:۲	افسس ۷ - ۱:۲
پیام به اسمیرنا ۸:۲ ۲۸-۱۱	کلیسای رنج دیده ۸:۲-۱۱	نامه دوم ۸:۲ ۱۱ - ۹:۲	پیام به اسمیرنا ۸:۲ ۱۰ - ۸:۲ ۱۱:۲ ۱۱:۲	اسمیرنا ۱۱ - ۸:۲
پیام به پارگاموم ۱۲:۲ ۱۷ - ۱۲:۲	کلیسای مصالحه کننده ۱۷-۱۲:۲	سومین نامه ۱۲:۲ ۱۷ - ۱۳:۲	پیام به پارگاموم ۱۲:۲ ۱۶ - ۱۲:۲ ۱۷:۲ ۱۷:۲	پیرگاموم ۱۳ - ۱۲:۲ ۱۷ - ۱۴:۲
پیام به تیاتیرا ۱۸:۲ ۱۸:۲-۲۹	کلیسای فاسد ۲۹ - ۱۸:۲	چهارمین نامه ۱۸:۲ ۲۹ - ۱۹:۲	پیام به تیاتیرا ۱۸:۲ ۲۳ - ۱۸:۲ ۲۸ - ۲۴:۲ ۲۹:۲	تیاتیرا ۲۹ - ۱۸:۲
پیام به ساردس ۱:۳ ۶ - ۱:۳	کلیسای مرده ۶ - ۱:۳	پنجمین نامه ۱:۳ ۶ - ۱:۳	پیام به ساردس ۱:۳ ۵ - ۱:۳ ۶:۳	ساردس ۶ - ۱:۳
پیام به فیلادلفیه ۷:۳ ۱۳ - ۷:۳	کلیسای وفادار ۱۷ - ۷:۳	ششمین نامه ۷:۳ ۱۳ - ۸:۳	پیام به فیلادلفیه ۷:۳ ۱۲ - ۷:۳ ۱۳:۳	فیلادلفیه ۱۷ - ۷:۳

پیام به لائودیکیه	کلیسای گرم لوقا	هفتمین نامه	پیام به لائودیکیه	لائودیکیه
۱۴:۳	۲۲-۱۴:۳	۱۴:۳	۱۴:۳	۲۲-۱۴:۳
۲۲-۱۴:۳		۲۲-۱۵:۳	۲۱-۱۴:۳	
			۲۲:۳	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

پیشزمینه کلی

A. این واحد ادبی (فصل‌های ۲-۳) متصل هستند به عناوین عهد عتیق برای یهوه که برای مسیح استفاده شده بود (مکاشفه ۱: ۱۲-۲۰). این یک راهی است که نویسنده عهد عتیق توسط آن بر آسمانی بودن عیسی صحنه می‌گذارد. مکاشفه یوحنا عناوین و اعمال یهوه را از عهد عتیق به عیسی نازل شده، مسیح جلال یافته منتقل می‌کند.

B. هدف آن نشان دادن نیازهای روحانی این کلیساهای قرن اول، و بدنبال آن همه کلیساهای است (شماره هفت). دوران مأموریت یوحنا در زمان کهن‌سالی او در آسیای صغیر، بویژه در افسس بود. بوضوح یوحنا با این شهرها و کلیساهای آن آشنایی داشته است. هر یک از این نامه‌ها جنبه‌های اخلاقی کلیسا را نشان می‌دهند. آنها فراخوان به خداپرستی و باورمندی هستند. توجه داشته باشید که حتی کلیسا هم مورد دآوری خدا قرار می‌گیرد (۲قرنیتیان ۱۰:۵).

C. در دوران یوحنا، کلیساهای زیادی در محدوده رومی آسیای صغیر وجود داشتند. پس چرا نویسنده فقط برای هفت تای آنها نوشته است؟
 ۱. هفت عددی انجیلی برای نشان دادن کمال است (پیدایش ۱). در نبوت یوحنا ساختارهای ادبی بیشماری از عدد هفت وجود دارند.
 ۲. این کلیساها جاده مسافرتی را بوجود آوردند که از افسس شروع و به لائودیکیه ختم می‌شود. احتمال زیادی وجود دارد که این راه، برای ارسال پیام‌های سلطنتی استفاده می‌گردید.

۳. می‌شود گفت که آنها تا حدی نمایندگی انواع کلیساهای موجود در هر دوره و فرهنگی را دارند.
 D. امروزه اهمیت این واحد ادبی برای ما چه می‌باشد؟

۱. برخی وجود این کلیساها را اینگونه تفسیر می‌کنند که آنها نبوت جزعیات تاریخ غرب، از پنطیکاست تا آمدن دوم مسیح هستند.

- a. افسس = دوره رسولی، سالهای ۳۳ تا ۱۰۰ پس از میلاد (پنطیکاست تا یوحنا)
- b. اسمیرنا = دوره رنج کلیسا، سالهای ۱۰۰ تا ۳۱۳ (یوحنا تا کنستانتین)
- c. پراگموم = دوره کنستانتین، سالهای ۳۱۳ تا ۵۹۰، (کنستانتین تا گریگور)
- d. تیاتریا = دوره پاپ در روم، سالهای ۵۹۰ تا ۱۵۱۷ (گریگور تا لوتر)
- e. ساردس = دوره اصلاحات، سالهای ۱۵۱۷ تا ۱۷۹۲ (لوتر تا کاری)
- f. فیلادلفیه = حرکت بشارت مدرن، سالهای ۱۷۹۲ تا ۱۹۱۴ (کاری تا وجد روحانی)
- g. لائودیکیه = دوره ارتداد، ۱۹۱۴ تا آمدن دوم (جنگ جهانی اول تا آمدن دوم)

این موضوعات همگی تور جدیدی را مرتبط با بوجود آمد چارچوب دکترین نبوت آمدن دوم عیسی مسیح در کلیسای پروتستان تشکیل داده‌اند (مطابق این دکترین، متی ۱۳ همتراز با ۷ کلیسا تفسیر می‌شود). با اینحال، در خود متن کتاب مقدس چیزی وجود ندارد که این دیدگاه را تقویت نماید. با این وجود برخی جنبه‌های تاریخ غرب با این موضوع مطابقت می‌یابد، اما بقیه اینگونه نیستند. گستاخانه است اینگونه تصور کنیم که انجیل فقط خطاب به فرهنگ غرب نوشته شده است. چنین موضوعی برای مردمان قرن اول میلادی بی‌معنا است.

۲. برخی این کلیساها را نمونه‌ای از کلیساهایی عنوان کرده‌اند که در تمامی دوران و اعصار یافت می‌شوند.
 E. یکی از کتاب‌هایی که در نبوت و موضوع پایان عصر بمن کمک کرد، *Plowshares and Prunking Hooks: Rethinking the language of Biblical Prophecy and Apocalyptic* نوشته D. Brent Sandy بود. او در این کتاب نقطه نظر الهیاتی جالبی درباره تمام وعده‌هایی که به ایمانداران وفادار در فصل‌های ۲-۳ داده شده است، ارائه کرده است (صفحات ۲۸ تا ۳۲). او این وعده‌ها را چنین لیست کرده است:

۱. درخت زندگی
۲. تاج زندگی
۳. سنگ سفید
۴. مسئول تمام ملت‌ها
۵. ستاره صبح
۶. سفیدپوش
۷. ستونی در معبد خداوند
۸. نام خداوند
۹. نام اورشلیم
۱۰. نشسته در درگاه خداوند

او می‌گوید اینها قرار نیست هر یک جداگانه تفسیر شوند، بلکه همگی باید مشترکاً به منظور تکمیل کار نهایی تفسیر گردند، آنگونه که در مکاشفه ۳:۲۱ انجام می‌گردد. به باور من این یک دید هر مونوتیک معقول به این سبک است.

ساختار واحد هفت نامه

- A. بسیاری از مفسرین، هفت عنصر ساختاری را در اکثر این نامه‌ها مشاهده می‌کنند، با اینکه همه این عناصر در هر یک از کلیساها دیده نمی‌شوند.
۱. سخن مشترک عیسی از "به فرشته کلیسا بنویس..." (مکاشفه ۱:۲، ۸، ۱۲، ۱۸، ۱۹:۳، ۷، ۱۴).
 ۲. مشخصاتی که عیسی از آیات ۱:۱۲-۲۰ برداشت، که همگی عناوین عهد عتیقی و اعمال یهوه بوده و معرف هر یک از این نامه‌ها هستند.
 ۳. دانش عیسی از کلیساها، هم مثبت و هم منفی، "من می‌دانم..." (مکاشفه ۲:۲، ۹، ۱۳، ۱۹، ۱۹:۳؛ ۸، ۱۵).
 ۴. عیسی هر یک از این کلیساها، فرهنگ، موقعیت‌های جغرافیایی و فرصت‌های معنوی آنها را بطور جداگانه مخاطب قرار داده است.
 ۵. عیسی سخن از بازگشت فوری و زود خود می‌کند، حتی در داوری موقت یا بازگشت دوم، (مکاشفه ۱:۱، ۳:۲، ۵:۲، ۱۶، ۲۵:۳؛ ۳، ۱۱).
 ۶. عیسی نصیحت می‌کند که معنویت را بشنویم و درک کنیم، (مکاشفه ۲:۷، ۱۱، ۱۷، ۲۹؛ ۳:۶، ۱۳، ۲۲). او در اناجیل از عبارت "هر که گوش شنوا دارد، بشنود" را بکار می‌برد (متی ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹، ۴۳؛ مرقس ۴:۲۴).
 ۷. عیسی وعده پاداش به ایمانداران وفادار می‌دهد (مکاشفه ۲:۷، ۱۱، ۲۵-۲۶؛ ۳:۴-۵، ۱۱-۱۲، ۲۱). این هفت قدم با یکدیگر سازگاری ندارند. ترتیب آنها متغیر بوده و برخی عناصر در موارد مشخصی از قلم افتادگی دارند، اما در کل این ساختار، یکی از ده‌ها ساختار ادبی هفت گانه یوحنا را نشان می‌دهد.

شهرهایی که نامه‌ها به آنها ارسال گردید

- A. افسس
۱. این شهر، یکی از بزرگترین شهرهای محدوده رومیان در آسیای صغیر بوده است. با اینکه پایتخت نبود، اما فرمانروای رومی در آنجا زندگی می‌کرد.
 ۲. افسس شهری آزاد بود که اجازه داشت فرمانروای محلی داشته و از بسیاری از آزادی‌ها، از جمله نداشتن هر گونه پادگان سربازان رومی، برخوردار بود.
 ۳. تنها شهری بود که اجازه داشت بازی‌های آسیایی سالانه برگزار کند.
 ۴. معبد آرتیمیس (دیانا در زبان لاتین) در این شهر بود، که یکی از عجایب هفتگانه آن دوران محسوب می‌گردید. این معبد ۶۷ x ۱۳۰ متر با ۱۲۷ ستون به ارتفاع تقریبی ۱۸ متر بود که ۶۸ ستون آن با طلا پوشانده شده بود (به Pliny's Hist. Nat. 36:95 ff رجوع شود). تصور می‌شود که تصویر آرتیمیس دارای یک شهاب بوده که شبیه بسیاری از مجسمه‌های زن دارای پستان بوده است. این بدان مفهوم بود که بسیاری از روسپیان در آن شهر ساکن بودند (اعمال رسولان ۱۹). این شهر بسیار غیراخلاقی بوده و مردمان با فرهنگ‌های مختلف در آن سکونت داشتند.
 ۵. پولس بیش از سه سال در این شهر سکونت داشت (اعمال رسولان ۱۸:۱۸؛ ۲۰:۱۳).
 ۶. بر اساس اسناد سنتی، یوحنا پس از مرگ مریم در فلسطین در این شهر سکنی گزیده بود.

B. اسمیرنا

۱. تصور می‌گردد که این شهر توسط اسمیرنا از احالی آمازون که یک رهبر قدرتمند زن بود، کشف گردید. در دوران یوحنا این شهر حدود دویست هزار نفر جمعیت داشت.
۲. این شهر در کنار دریای آژن، یکی از شاخه‌های دریای مدیترانه امروزی قرار داشت. از آنجایی که دارای بندری طبیعی بود، لذا مرکزی تجاری در آسیای صغیر محسوب می‌گردید که در این زمینه از آفسس هم پیشی گرفته بود. این شهر بسیار ثروتمند بود.
۳. این شهر بعدها در حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد توسط لیدی‌ها تخریب گردید، اما بعدها در پی فرمان اسکندر که بر اساس آن، نسیم دریا باید در هر خیابانی وزیده می‌گردید، توسط لیسمیکوس بازسازی شد.
۴. این شهر کمک کرد تا سربازان رومی پس از شکست آنها توسط متراداس، عقب‌نشینی کنند.
۵. این شهر مرکزی برای پرستش الهه رومی و امپراتور روم بود (در سال ۱۹۵ پیش از میلاد). این شهر اولین معبد برای تیبیریوس را داشت (۲۶ پس از میلاد).
۶. این شهر مرکزیت پرستش سِیلی (به انگلیسی: Cybele)، از شخصیت‌های اسطوره‌های یونان) و پانتئون (معبد رومی) هومر را داشت. حتی بر اساس یک سنت، معتقد بودند که هومر در این شهر بدنیا آمده بود. بسیاری از معابد آن در آکروپولیس قرار داشت که پاگوس نامیده می‌شد که میان معبد زئوس و سِیلی جاده‌ای طلائی داشت.
۷. این شهر دارای جمعیتی یهودی ضد مسیحی بوده که بسیار هم در این زمینه فعال بودند.
۸. این شهری بود که پلیکارپ (شاگرد یوحنا) در سال ۱۵۵ پس از میلاد در آن بشهادت رسید.

C. پرگاموم

۱. این شهر بزرگ ثروتمند، پایتخت آسیای صغیر بود (از سال ۲۸۲ پیش از میلاد)، با اینکه در میانه راه تجاری قرار نداشت.
۲. این شهر دارای بزرگترین کتابخانه دنیای رومیان را در خارج از اسکندریه بود. این کتابخانه دارای بیش از دویست هزار طومار نسخه خطی بر روی پوست آهو بود.
۳. نوشتن بر روی پوست گوساله در این شهر ابداع گردید. ولوم، پوست گوساله‌ای بود که با انجام یکسری اعمال، برای نوشتن آماده می‌گردید. این شیوه به این دلیل ابداع گردید چون اسکندریه و مصر از فروش پایپروس به پرگاموم خودداری نمودند. دلیل این امر، اثومنس دوم (۱۹۷-۱۵۹ پیش از میلاد) بود که سعی در استخدام، آریستوفان‌ها، کتابداران اسکندریه را داشت. هنگامی که اپیسانس اسکندریه (۲۰۵-۱۸۲ پیش از میلاد) کتابداران را دستگیر و خرید پایپروس را از پرگاموم تحریم کرد. میان این دو مرکز آموزشی رقابت تنگاتنگی وجود داشت. بعدها آنتونی کتابخانه پرگاموم را بعنوان هدیه برای کلئوپاترا فرستاد.
۴. این شهر خانه فیزیکدان معروف، جالینوس و مرکز هنرهای ترمیمی اسقلیبیوس بود. حتی گفته می‌شود که اسقلیبیوس یکی از "خدایان پرگاموم" بود. علامت این خدا، مار بود.
۵. این شهر همچنین معبدی برای روما و امپراتور آگوستوس (سال ۲۹ پس از میلاد) داشته و مرکز عملیاتی برای ماموران امپراطوری بود (*neokopros*). باورمندی این شهر به روم معروف بود.
۶. این شهر برای پرستش و دفاعی که از پانتئون یونانی بعمل می‌آورد، مشهور بود. معبد بزرگی برای زئوس در آکروپولیس وجود داشت که از تمام شهر دیده می‌شد. شکل آن شبیه تخت سلطنتی بود (سریر شیطان).

D. تیاتیرا

۱. این شهر جنبه تجاری کمتری داشت. اسناد زیادی از رشد اصناف متعدد تجاری این شهر موجود است که هر کدام نیز دارای خدای خاص خود بودند. این شهر در جاده‌ای میان پرگاموم و ساردس قرار داشت که در انتهای آن به فیلادلفیه و لائودیکیه ختم می‌گردید. شهرت این شهر در تولید محصولات از پشم بود. لیدیه (اعمال رسولان ۱۶: ۱۴)، فروشنده لباس‌های ارغوانی از این شهر بود.
۲. این شهر توسط سلوکوس نیکاتیو به منظور استقرار سربازان مقدونیه‌ای، توسعه داده شد.
۳. این شهر دارای ده‌ها معبد برای خدایان محلی بود
 - a. تیریموس (آپولو) - خدای خورشید
 - b. آرتمیس (دیانا) - الهه عشق
 - c. سیپل سمباتی - زنی پیشگو از اهالی شهر

E. ساردس

۱. شهری باستانی، بزرگ و ثروتمند بود. این شهر به دلیل موقعیت نظامی فوق‌العاده‌ای که داشت (بر روی کوهی با ارتفاع بیش از ۴۵۰ متر)، سال‌های متمادی پایتخت امپراطوری لیدیه بود. در تاریخ ایران نام این شهر آورده شده زیرا کوروش، پادشاه ایران موفق به فتح این شهر گردید. نام این شهر همچنین در Obad 20:1 آورده شده است. در زمان یوحنا این شهر نشیب فراوانی یافت.
۲. این شهر به دلیل محصولات پشمی رنگی مشهور بود. مراحل رنگرزی، آنگونه که گفته می‌شود، در این شهر ابداع گردید.
۳. این شهر مرکز پرستش الهه مادر، سیل بود. بقایای معبد تخریب شده هنوز در آکروپولیس مشهود است. افراط در پرستش این الهه معروف بود و تا دوران امپراطوری رومیان ادامه یافت.

F. فیلادلفیه

۱. این شهر بر روی یک فلات قرار داشت که بوسیله آب که دور تا دور آن را فرا گرفته بود، محافظت می‌شد. همین موقعیت باعث گردیده بود تا به لحاظ نظامی ارزش زیادی داشته باشد. این شهر یکی از جدیدترین از میان هفت شهر بود که بوسیله سردار رومی، آنالوس دوم پایه‌گذاری گردید (۱۳۸-۱۵۹ پیش از میلاد).
۲. این شهر در راه جاده اصلی تجاری به ساردس قرار گرفته داشت که همین امر منجر به رشد زیاد آن گردیده بود.
۳. موقعیت کشاورزی این شهر بویژه برای انگور بسیار عالی بود. Bacchus یا Dionysus از خدایان اصلی این شهر محسوب می‌شدند. محدوده‌ای که این شهر بر روی آن واقع شده بود، زلزله‌خیز بود، بهمین دلیل در سال ۱۷ پس از میلاد توسط یک زلزله مهیب به همراه ده شهر دیگر در آن ناحیه، نابود گردید. بدلیل تداوم پس‌لرزه‌های آن زلزله، اهالی شهر به مناطق اطراف مهاجرت نمودند.
۴. این شهر همچنین برای پادگان‌های امپراطور دارای مرکزیت بود (همچون اسمیرنا و پرگاموم)، که احتمال می‌رود مرکز بسیاری از آزارهایی بود که در کلیساهای مناطق اطراف بر آنها می‌رفت.
۵. این شهر مرکزی برای فرهنگ هلن و صدور تاثیرات این فرهنگ بود. بنظر می‌رسد که بوجود آمدن این شهر در مرز میسیه، لیدیه و فریگیه به همین دلیل بود.

G. لائودیکیه در کنار ساحل رود لیکوس

۱. این شهر یکی از سه شهر حاشیه رود و دره لیکوس بود (شهرهای دیگر عبارت بودند از سولوسایی و هیراپولیس). در هر یک از این سه شهر کلیساهایی، احتمالاً توسط ایپافراس، شاگرد توبه کرده پولس بر پا گردید (کولسیان ۱: ۱۷؛ ۴: ۱۲-۱۳).
۲. این شهر توسط حاکم سلجوقی، آنتیخوس دوم بنا گردید که نام آن را از روی نام همسر خود، لائودیک در سال ۲۵۰ پیش از میلاد انتخاب نمود. این شهر نیز همچون فیلادلفیه بر روی یک سامانه دفاعی نظامی قرار گرفته بود.
۳. این شهر در کنار جاده اصلی تجاری شرق به غرب قرار داشته و شهرت آن بدلیل مرکزیت مالی معروف بود.
۴. محدوده‌ای که این شهر در آن قرار داشت به لحاظ کشاورزی روستایی ضعیف بود اما بویژه بسیار مناسب بود برای پرورش نوعی گوسفند سیاه که بواسطه آن بسیار معروف گردیده بود. بواسطه این نوع گوسفند، نوعی جامه سیاه رنگ بنام "تریمتا" (trimeta) در حد انبوه تولید می‌گردید.
۵. این شهر دارای جمعیت زیادی از یهودیان بود.
۶. همچون پرگاموم، این شهر مرکزی بود برای پرستش و شفا گرفتن از خدای آسلیپولیس. در این شهر مدارس پزشکی وجود داشت که برای درمان گوش و چشم معروف بود.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۲

«به فرشته کلیسای افسس بنویس: «آن که هفت ستاره را در دست راست دارد و در میان هفت چراغدان طلا گام می‌زند، چنین می‌گوید:

۱:۲ "فرشته" واژه‌ای که در عبری و یونانی برای فرشته بکار برده شده، معنی پیام‌آور می‌دهد. می‌تواند اشاره به هر یک از موارد زیر داشته باشد:

۱. کاهن (ملاکی ۲:۷)
 ۲. فرشته کلیسا (دانیال ۱۰)
 ۳. روح منحصر بفرد یا شخصیت فردی هر یک از اعضای کلیسا
- نظیر همین عبارات در هر یک از نامه‌ها وجود دارد (مکاشفه ۲: ۱، ۸، ۱۲، ۱۸؛ ۳: ۱، ۱۴).

□ "کلیسا" این واژه یونانی *Ekklesia* از تلفیق دو واژه دیگر یونانی بوجود آمده است؛ که هر یک بمعنای "خارج از" و "فراخواندن" می‌باشند. این واژه در نسخه Septuagint برای ترجمه واژه عبری *qahal*، یا "مجمع اسرائیل" بکار برده شده بود. مسیحیان اولیه از این واژه برای متمایز کردن خود استفاده می‌کردند، زیرا آنها:

۱. همچون قوم بنی اسرائیل خود را قوم خدا می‌دانستند
۲. بدلیل رستگاری و بشارتی که بعمل می‌آوردند، خود را برگزیده الهی می‌دانستند

به موضوع خاص مکاشفه ۴:۱ رجوع نمایید.

□ "آن که هفت ستاره را در دست راست دارد" این مشخصات عیسی است که از مکاشفه ۱:۱۶ برداشت گردیده. این هفت ستاره اشاره به هفت کلیسا دارد (۱:۲۰). واژه "در دست داشتن" (ضمیر حال فعال) سخن از در دست داشتن چیزی و بمحکمی و اطمینان دارد (یوحنا ۱۰:۲۸). هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند این کلیساها را از عیسی جدا کند (رومیان ۸:۳۱-۳۹) بجز زمانی که کسی از توبه و پیروی از او امتناع ورزند! فقط یک بی‌ایمان می‌تواند چنین کاری نماید.

□ "در دست راست" این حالت انسانی (سخن گفتن از خدا با واژه‌های فیزیکی) استعاره‌ای است برای قدرت و دامنه اختیارات (مکاشفه ۱:۱۶، ۱۷، ۲۰؛ ۲:۱، ۵؛ ۷:۱).

□ "در میان ... گام می‌زند" این استعاره انسانی در کتاب پیدایش ۸:۳ بعنوان نماد حضور خدا در میان بشر بکار برده شده بود (لاویان ۲۶:۱۲).

موضوع خاص: خداوند بشکل انسان تعریف گردید (انسان‌انگاری)

(Special Topic: God Described as Human [Anthropomorphism])

I. این نوع زبان (یعنی توصیف خدا با اصطلاحات انسانی) در عهد عتیق بسیار متداول است. (چند مثال)

A. اندامهای فیزیکی بدن

۱. چشمها - کتاب پیدایش ۴:۱ و ۳۱، ۸:۶، خروج ۱۷:۳۳، اعداد ۱۴:۱۴، تثنیه ۱۲:۱۱، زکریا ۱۰:۴
۲. دستها - خروج ۱۷:۱۵، اعداد ۲۳:۱۱، تثنیه ۱۵:۲
۳. بازو - خروج ۶:۶، ۱۵:۱۶، تثنیه ۴:۳۴، ۵:۱۵
۴. گوشها - اعداد ۱۱:۱۸، اول سموئیل ۸:۲۱، دوم پادشاهان ۱۶:۱۹، مزمور ۱۰:۱۷، ۱۸:۶
۵. صورت - خروج ۱۱:۳۳، لاویان ۳:۲۰ و ۵:۶، اعداد ۶:۲۵، ۸:۱۲، تثنیه ۱۷:۳۱، ۲۰:۳۲، ۱۰:۳۴
۶. انگشت - خروج ۱۹:۸، ۳۱:۱۸، تثنیه ۹:۱۰، مزمور ۳:۸
۷. صدا - پیدایش ۹:۳ و ۱۱ و ۱۳، خروج ۲۶:۱۵، ۱۹:۱۹، تثنیه ۱۷:۲۶، ۲۷:۱۰
۸. پاها - خروج ۲۰:۲۴، حزقیال ۷:۴۳
۹. حالت انسانی - خروج ۹:۲۴ الی ۱۱، مزمور ۴۷، اشعیا ۶:۱، حزقیال ۲۶:۱
۱۰. فرشته خدا - پیدایش ۷:۱۶ الی ۱۳، ۱۱:۲۲ الی ۱۵، ۱۱:۳۱ و ۱۳، ۱۵:۴۸ الی ۱۶، خروج ۴:۳ و ۱۳ الی ۲۱، ۱۹:۱۴، داوران ۲:۱، ۲۲:۶ الی ۲۳، ۳:۱۳ الی ۲۲

B. اعمال فیزیکی (چند مثال)

۱. صحبت در مورد مکانیزم خلقت (پیدایش ۱:۳ و ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۶
۲. قدم زدن (صدای قدم زدن) - پیدایش ۸:۳، لاویان ۱۲:۲۶، تثنیه ۱۴:۲۳، حبقوق ۱۴:۲۳
۳. بسن درب کشتی نوح - پیدایش ۷:۱۶
۴. بوی قربانیان - پیدایش ۸:۲۱، لاویان ۲۶:۳۱، عاموس ۲:۱
۵. پائین آمدن - پیدایش ۵:۱۱، ۲۱:۱۸، خروج ۸:۳، ۱۱:۱۹ و ۱۸ و ۲۰
۶. دفن کردن موسی - تثنیه ۳۴:۶

C. احساسات انسانی (چند مثال)

۱. پشیمانی/توبه - پیدایش ۶:۶ و ۷، خروج ۱۴:۳۲، داوران ۲:۱۸، اول سموئیل ۲۹:۱۵ و ۳۵، عاموس ۳:۷ و ۶
۲. عصبانیت - خروج ۱۴:۴، ۷:۱۵، اعداد ۱۰:۱۱، ۱۲:۹، ۲۲:۲۲، ۳۵:۴، ۳۲:۱۰ و ۱۳، ۱۴، تثنیه ۱۵:۶، ۷:۴، ۲۰:۲۹
۳. حسادت - خروج ۵:۲۰، ۱۴:۳۴، تثنیه ۲۴:۴، ۵:۹، ۱۵:۶، ۱۶:۳۲ و ۲۱، یوشع ۱۹:۲۴،

۴. خحالت کشیدن - لاویان ۲۳:۲۰، ۲۶:۳۰، تثنیه ۱۹:۳۲

D. اصطلاحات خانوادگی (چند مثال)

۱. پدر

a. پدر اسرائیل - خروج ۲۲:۴، تثنیه ۱:۱۴، اشعیا ۲:۱، ۱۶:۶۳، ۸:۶۴، ارمیا ۹:۳۱، یوشع ۱۱:۱

b. پدر پادشاه - دوم سموئیل ۷:۱۱ الی ۱۶، مزمور ۷:۲

c. استعاره‌های کارهای پدران - تثنیه ۳۱:۱، ۵:۸، ۶:۳۲ الی ۱۴، مزمور ۱۰:۲۷، امثال ۱۲:۳، ارمیا ۴:۳ و ۲۲:۳۱، یوشع

۱۱:۱ الی ۴، ملاکی ۱۷:۳

۲. والدین - یوشع ۱۱:۱ الی ۴

۳. مادر - اشعیا ۱۵:۴۹، ۹:۶۶ الی ۱۳ (منظور مادر پرستار)

۴. معشوق وفادار جوان - یوشع ۱ الی ۳

II. دلایل استفاده از این نوع زبان

A. لازم است که خدا خود را بر انسانها نشان دهد. هیچ واژگانی غیر از واژگان دنیای سقوط کرده وجود ندارد. مفهوم فراگیر خدا به عنوان

مذکر مثالی است از تصور شخصیت انسانی زیرا خدا روح است!

B. خدا بامعنی‌ترین جنبه‌های زندگی نوع بشر را گرفته و از آنها استفاده می‌کند تا خود را به انسان سقوط کرده نشان دهد (پدر، مادر، والدین، معشوق).

C. هر چند در برخی مقاطع زمانی ممکن است لازم باشد (پیدایش ۸:۳)، ولی خدا نمی‌خواهد به هیچ قالب فیزیکی محدود گردد (خروج ۲۰، تثنیه ۵)

D. نهایت تصور شخصیت انسانی قیام عیسی از مردگان است! خدا تبدیل به کالبد فیزیکی و قابل لمس شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۱ الی ۳). پیام خدا تبدیل به کلام خدا شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱ الی ۱۸).

برای مطالعه بیشتر به کتاب G. B. Caird, *The Language and Imagery of the Bible, chapter 10*,

"Anthropomorphism," in *The International Standard Bible Encyclopaedia* صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۴ مراجعه کنید.

□ "چراغدان طلا" این عبارت اشاره به منورای خیمه ندارد، اما بعنوان نماد دیگری از هفت کلیسا محسوب می‌گردد (مکاشفه ۱۲:۱-۱۳)

□ "می‌گوید" آخرین کلام عیسی در متی ۱۸:۲۰-۲۰ یا اعمال رسولان ۷:۱-۱۱ آورده نشده، بلکه در مکاشفه ۲-۳ گفته شده است.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۲:۲-۷

۲ اعمال تو را می‌دانم و از سختکوشی و پایداری تو آگاهم. می‌دانم که شریبان را تحمل نمی‌توانی کرد و کسانی را که خود را رسول می‌خوانند و نیستند، آزموده‌ای و آنان را دروغگو یافته‌ای. ۳ می‌دانم که استقامت نشان داده‌ای و به پاس نام من سختیها تحمل کرده‌ای و خسته نشده‌ای. ۴ «اما این ایراد را بر تو دارم که محبت نخستین خود را فرو گذاشته‌ای. ۵ به یاد آر که از کجا سقوط کرده‌ای. پس توبه کن و اعمالی را به جا آور که در آغاز به جا می‌آوردی. چه اگر توبه نکنی، خود خواهیم آمد و چراغدانان را از آنجا که هست برمی‌گیریم. ۶ ولی این حُسن را داری که از کارهای نیکولاییان بیزاری، آن گونه که من نیز بیزارم.

۷ «آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. هر که غالب آید، به او نعمت خوردن از درخت حیات را خواهیم بخشید که در فردوس خداست.

۲:۲ "می‌دانم" این فعل اخباری فعال کامل *oida* می‌باشد، اما بصورت حال ترجمه گردیده است. عیسی می‌بیند، درک می‌کند و برای تمام کلیساهایش توجه قائل است. توجه او شامل تصدیق و انضباط می‌شود (که به نوعی محبت والدین را نشان می‌دهد). مشابه همین عبارت در هفت نامه تکرار گردیده است (مکاشفه ۲:۲، ۴، ۱۳، ۱۹، ۳:۱، ۸، ۱۵).

پیشزمینه عهد عتیق از این عبارات نشان از روابط شخصی و صمیمی دارد (پیدایش ۴:۱؛ ارمیا ۱:۵).

موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنیه)

Special Topic: Know (Illustrated From Deuteronomy)

کلمه عبری "دانستن" (*yada*, BDB 393, KB 390) در ریشه *Qal* معانی مختلفی دارد.

۱. درک خوبی و پلیدی - پیدایش ۳:۲۲، تثنیه ۱:۳۹، اشعیا ۷:۱۴ و ۱۵، یونس ۴:۱۱
۲. دانستن بوسیله درک کردن - تثنیه ۹:۲ و ۳ و ۶، ۱۸:۲۱
۳. دانستن توسط تجربه کردن - تثنیه ۳:۱۹، ۴:۳۵، ۸:۲ و ۳ و ۵، ۱۱:۲، ۲۰:۲۰، ۳۱:۱۳، یوشع ۲۳:۱۴
۴. در نظر گرفتن - تثنیه ۴:۳۹، ۱۱:۲، ۲۹:۱۶
۵. شخصا شناختن/دانستن
 - a. یک شخص - پیدایش ۵:۲۹، خروج ۱:۸، تثنیه ۲:۲۲، ۳۳:۹، ارمیا ۵:۱
 - b. خدا - تثنیه ۱۱:۲۸، ۱۲:۲ و ۶ و ۱۳، ۲۸:۶۴، ۲۹:۲۶، ۳۲:۱۷
 - c. یهوه - تثنیه ۴:۳۵ و ۳۹، ۷:۹، ۲۹:۶، اشعیا ۱:۱، ۵۶:۱۰ و ۱۱
 - d. جنسی - پیدایش ۴:۱ و ۱۷ و ۲۵، ۲۴:۱۶، ۳۸:۲۶
۶. مهارت یا دانش فراگرفته شده - اشعیا ۱۱:۲۹ و ۱۲، عاموس ۵:۱۶
۷. خردمند بودن - تثنیه ۴:۲۹، امثال ۱:۲، ۱:۱، ۴:۱، اشعیا ۲۹:۲۴
۸. شناخت خدا
 - a. از موسی - تثنیه ۱۰:۳۴
 - b. از اسرائیل - تثنیه ۳۱:۲۱

از دید الهیات، مورد شماره ۵ بسیار مهم است. ایمان انجیلی روزانه، در حال رشد، و دوستی صمیمانه با خدا است (به موضوع خاص: *Koinōnia* مراجعه شود). یک عقیده به تنهایی زندگی اخلاقی محض نیست. یک رابطه ایمان فردی است. به این دلیل است که پولس از خانه مسیحی در افسسیان ۵:۲۲ الی ۶:۹ استفاده می کند تا عشق مسیح به کلیسا را ترسیم نماید.

□ "اعمال تو و سختکوشی تو" در آن زمان کلیسا بسیار فعال بود، اما فراموش کرده بود که الویت با همنشینی با مسیح است (مکاشفه ۴:۲) بهمین دلیل بسیاری از چیزهای خوب را از دست داده بودند (غلاطیان ۳:۱).

□ "سختکوشی" این عبارت بیانگر استقامت داوطلبانه، فعال و پایدار است. این یکی از موضوعات اصلی کتاب است (مکاشفه ۹:۱، ۲:۲، ۳، ۱۹:۳، ۱۰:۳؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۱۲).

سختکوشی باید با امنیت توازن یابد (مکاشفه ۷:۲، ۱۱، ۱۷، ۲۶؛ ۳:۵، ۱۱-۱۲، ۲۱). بیشتر حقایق انجیلی در بحث‌های دو طرفه و متضاد ارائه می گردند. هر دو طرف به یک اندازه واقعیت دارند، اما هر یک در نوع خود حقیقت ندارند. رستگاری حاصل شروع توبه و ایمان که بدنبال آن مدل زندگی یک توبه کننده، ایمان، اطاعت، خدمت و استقامت است.

موضوع خاص: استقامت

(Special Topic: Perseverance)

توضیح دکنترین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق پارادوکس‌های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر میرسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

۱. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟
۲. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟
۳. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟

در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می شود:

۱. متون در ارتباط با اطمینان
 - a. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳۷:۶، ۱۰:۲۸ الی ۲۹)
 - b. اظهارات پولس (رومیان ۸:۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱:۱۳، ۱:۵، ۲:۸ الی ۹، فیلیپیان ۱:۶، ۱:۱۳، ۲:۱۳، دوم تسالونیکیان ۳:۳، دوم تیموتائوس ۱:۱۲، ۴:۱۸)
 - c. اظهارات پطرس (اول پطرس ۴:۱ الی ۵)

۲. متونی که میگویند استقامت نیاز است

- a. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۱۰:۲۲، ۱۳:۱، ۹، ۲۴، ۳۰، ۳۱:۲۴، انجیل مرقس ۱۳:۱۳)
- b. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸:۳۱، ۱۵:۴ الی ۱۰)
- c. اظهارات پولس (رومیان ۱۱:۲۲، اول قرنتیان ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۱۳:۵، غلاطیان ۱:۶، ۳:۴، ۵:۴، ۶:۹، فیلیپیان ۲:۱۲، ۳:۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱:۲۳، دوم تیموتائوس ۳:۲)
- d. اظهارات نویسنده عبرانیان (۲:۱، ۳:۶ و ۱۴، ۴:۱۴، ۶:۱۱)
- e. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲:۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱:۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶:۴۴ و ۶:۶۵). الهیت ابتدا می آید و دستور کار را تعیین می کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی! رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمائید

۱. The Word of Truth, Eerdmans. اثر Dale Moody. چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. Kept by the Power of God از انتشارات Bethany Fellowship. اثر Howard Marshall. چاپ ۱۹۶۹

۳. Life in the Son. انتشارات Westcott. اثر Robert Shank. چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بیشتر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت میکند و سیستم های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا میکنند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

یک جدل الهیاتی تاریخی میان اگوستین در مقابل پلاگیوس و کالوین و در مقابل آرمینیوس (نیمه پلاگیان ها) وجود دارد. این بحث شامل این سوال در مورد رستگاری است: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا باید در ایمان و مفید بودن محکم باشد؟

کالوینیستها در پشت آیاتی صف می بندند که بر پادشاهی خدا و حفظ قدرت (انجیل یوحنا ۲۷:۱۰ الی ۳۰، رومیان ۸:۳۱ الی ۳۹، اول یوحنا ۱۳:۵ و ۱۸، اول پطرس ۳:۱ الی ۵) و زمانهای فعال و مصدر کامل مجهول افسسیان ۲: ۸ تصریح دارد.

ارامنه پشت متونی که به ایمانداران هشدار می دهد صبر کنید، دست نگه دارید یا ادامه دهید صف بسته اند (انجیل متی ۲۲:۱۰، ۲۴:۹ الی ۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳، انجیل یوحنا ۱۵:۴ الی ۶، اول قرنتیان ۱۵:۲، ۶:۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۱:۷). من به شخصه باور ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ مصداق داشته باشند، ولی بسیاری از ارامنه از آن به عنوان هشدار علییه ارتداد استفاده می کنند. تمثیل بذر در انجیل متی ۱۳ و مرقس ۴ بر ایمان بدیهی تصریح دارند، همانند انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹ چنین تصریح می کند. کالوینیستها میگویند که افعال زمان کامل برای توصیف رستگاری استفاده شده است، و ارامنه عبارتهای با زمانهای حال کامل را نقل می کنند مانند اول قرنتیان ۱:۱۸، ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۲:۱۵.

این یک مثال کامل است از اینکه چطور سیستم های الهیاتی با روشهای تفسیری اثبات از صحت متون سو استفاده می کنند. معمولا اصول راهنما یا متن اصلی استفاده می شود تا یک شبکه الهیاتی برپا شود که توسط آن به تمامی دیگر متون نگاه شود. مراقب این چهارچوبها از هر منبعی باشید. آنها از منطق غربی می آیند نه از مکاشفه. انجیل یک کتاب شرقی است. حقیقت را در شرایط پر از تنش ارائه می دهد، ظاهرا به صورت دو پارادوکس. مسیحیان باید هر دو را بپذیرند و قبول کنند و در این تنش زندگی کنند. عهد جدید هم امنیت به ایمان آورنده ارائه می دهد و هم تقاضا بر تداوم ایمان و در کنار خدا بودن را دارد. مسیحیت پاسخ اولیه توبه و ایمان است که در پی آن باید تداوم پاسخ به توبه و ایمان باشد. رستگاری یک محصول نیست (یک بلیط به بهشت یا بیمه آتش سوزی)، بلکه یک رابطه است. یک تصمیم و شاگردی است. در عهد جدید با تمامی زمانهای افعال توصیف شده است.

- آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵:۱۱، رومیان ۸:۲۴، دوم تیموتائوس ۱:۹، تیتوس ۳:۵
- کامل (عمل کامل شده و نتایج آن ادامه دارد)، افسسیان ۲:۵ و ۸
- حال (عمل در حال انجام)، اول قرنتیان ۱:۱۸، ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۲:۱۵

- آینده (رخدادهای آتی یا رخدادهای قطعی)، رومیان ۸:۵ و ۹:۱۰، اول قرن‌تینان ۱۵:۳، فیلیپیان ۲۸:۱، اول تسالونیکیان ۸:۵ الی ۹، عبرانیان ۱۴:۱، ۲۸:۹

NASB	"مردان شریر"
NKJV	"آن شریران"
NRSV	"بدکاران"
TEV	"مردمان شریر"
NJB	"مردمان نابکار"

این همان *kakous (kakos)* است که غالباً برای "مردمان شرور" بکار برده می‌شود. معادل این لغت *ponēros* می‌تواند برای شریر (خنثی) یا قوم شریر و یا فردی که بسیار شرور است استفاده شود (مذکر، متی ۵:۳۷؛ ۱۳:۳۸؛ یوحنا ۱۷:۱۵). آنچه در متن آمده و شیوه استفاده از آن گواه این موضوع است که قطعاً در اشاره به "انسان‌های بد" (رومیان ۲:۹؛ ۱۳:۴) در کلیسا (معلم‌ان دروغین) یا احتمالاً در اجتماع بکار برده شده است.

عبارت *Kakos* دو بار در مکاشفه استفاده شده است، در اینجا و مکاشفه ۲:۱۶، در جایی که برای نتیجه "پیاله خشم خدا" بکار برده شده است (سورس).

□ "آزموده‌ای" عبارت یونانی این واژه (*peirazō*) برای آزمایش با نیت خوب یا بد (بیشتر اوقات) استفاده شده است (مکاشفه ۲:۲، ۱۰؛ ۱۳:۱۰). عبارت مرتبط (*peirasmos*) دلالت داشت با آزمون که در برابر تخریب همراه بود. این توازن در اول یوحنا ۴:۱ دیده می‌شود، در جاییکه ایمانداران با این دید که تایید کسانی که ادعای سخن گفتن از سوی خدا را دارند، مورد آزمایش قرار می‌گیرند (*dokimazō*). فراخواندن ایمانداران به آزمایش کسانی که ادعا دارند از جانب خدا سخن می‌گویند در هر دو عهد دیده می‌شود (تثنیه ۱۳:۱-۵؛ ۱۸:۲۲؛ متی ۷:۱۵-۲۳؛ ۱ یوحنا ۴:۱-۶).

این همان تنشی است که در عهد جدید در ارتباط با ایماندارانی که بشدت یکدیگر را مورد داوری قرار می‌دهند وجود دارد (متی ۷:۱-۵). با اینحال، مسیحیان به ارزشیابی یکدیگر برای صلاحیت داشتن در قواعد رهبری فراخوانده می‌شوند (متی ۷:۵، ۶، ۱۵؛ ۱ قرن‌تینان ۵:۱-۱۲؛ ۱ تیموتائوس ۳:۱ یوحنا ۴:۱-۶). گرایش و نیروی محرکه کلید ارزشیابی صحیح می‌باشند (غلاطیان ۶:۱؛ رومیان ۲:۱-۱۱؛ ۴:۱-۲۳؛ یعقوب ۴:۱۱-۱۲).

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها

(Special Topic: Greek Terms For Testing And Their Connotations)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

۱. *Dokimazō, Dokimion, Dokimasia*

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می‌دهد و مواد خارجی را می‌سوزاند (یعنی خالص می‌کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا و یا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می‌شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می‌آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۹:۱۴

b. خودمان، اول قرن‌تینان ۲۸:۱۱

c. ایمان ما، یعقوب ۳:۱

d. حتی خدا، عبرانیان ۹:۳

تصور می‌شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲:۱۸، ۲۲:۱۴، ۱۰:۱۶، دوم قرن‌تینان ۱۸:۱۰، ۳:۱۳ و ۷).

فیلیپیان ۲:۲۷، اول پطرس ۷:۱)، بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می‌شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. در بردارنده تلاش برای به دام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱، ۱۶:۱، ۱۹:۳، ۲۲:۱۸ و ۳۵، انجیل مرقس ۱:۱۳، انجیل لوقا ۴:۲، عبرانیان ۲:۱۸)

b. این اصطلاح (Peirazōn) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴:۳، اول تسالونیکیان ۳:۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

(۱) توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را مورد آزمون قرار ندهند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۷، انجیل لوقا ۱۲:۴، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۹:۱۰])

(۲) همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱:۲۹)

(۳) در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷:۵، ۱۰:۹ و ۱۳، غلاطیان ۱:۶، اول تسالونیکیان ۳:۵، عبرانیان ۲:۱۸، یعقوب ۲:۱ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴:۱۲، دوم پطرس ۲:۹)

□ "کسانی را که خود را رسول می خوانند" این نوع استفاده از واژه "رسول" اشاره به آن دوازده شاگرد ندارد، بلکه مفهوم گسترده تری دارد (اعمال رسولان ۱۴:۱۴، رومیان ۷:۱۶؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۹:۱۱؛ افسسیان ۴:۱۱؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۶). عهد جدید اغلب موضوع رسولان یا معلمان دروغین را مخاطب قرار می دهد (متی ۷:۱۵-۱۶؛ ۲۴:۲۴؛ اعمال رسولان ۲۰:۲۹؛ ۱۱-۱۳-۱۵؛ ۱ یوحنا ۴:۱ و تا سه کتاب شرع عهد جدید). این کلیسا بدرستی رسولان دروغین را شناسایی و اخراج کرد.

۳:۲ این کلیسا در شرایط سخت حتی دوران زجر، وفادار باقی ماند. آنها نه مسیح را انکار کردند و نه از انجام امور خیر خسته شدند (غلاطیان ۶:۹؛ عبرانیان ۳:۱۲؛ یعقوب ۷:۵-۸). به یادداشت مکاشفه ۷:۲ رجوع نمایید.

۴:۲

"محبتِ نخستین خود را رها کردی"	NASB, NKJV
"محبتِ نخستین خود را که در ابتدا داشتی فرو گذاشتی"	NRSV
"دیگر مرا همچون روز اول محبت نداری"	TEV
"محبت کمتری اکنون نسبت به قبل داری"	NJB

درباره معنی آن ده ها نظر وجود دارد.

۱. ترجمه نسخه های TEV و Charles William می گویند که معنی آن محبت برای عیسی است.

۲. James Moffatt می گوید معنی آن محبت به یکدیگر است.

۳. Hershell Hobbs در تفسیر خود می گوید معنی آن محبت برای انسانی است که راه خود را گم کرده است.

۴. J.B. Phillips در ترجمه خود تلفیقی از تمام موارد بالا را عنوان کرده است.

۵. برخی فکر می کنند که ارتباط به مشکل نسل دوم ایمانداران دارد (داوران ۲:۷-۱۰)

۶. برخی دیگر آن را به مثابه یک کلیسای ارتدکس بدون عشق ارزیابی می کنند (۱ قرنتیان ۱۳).

۵:۲ "به یاد آر" این جمله دستور حال فعال بمعنی "همیشه بخاطر داشته باش" است. اغلب به ایمانداران توصیه می شود که شرایط پیشین خود را در زمانی که گناهکار بوده و شرایط فعلی خود را که با برکت و رحمت خداوند بواسطه مسیح همراه است، بخاطر داشته باشند.

□ "از کجا سقوط کرده ای" این جمله ضمیر اخباری کامل است. ترک کردن "اولین محبت" تبدیل به موقعیتی برای مسامحه گردیده بود!

□ "توبه کن و اعمالی را به جا آور که در آغاز" اینها دو حالت دستوری فعال آئوریستی هستند. توجه داشته باشید که کلیسا بطور کلی به توبه کامل فراخوانده شده (۲ قرنتیان ۷:۱۴) و از او خواسته شده است تا به محبتی که به مسیح، به یکدیگر، و افرادی که راه خود را گم کرده اند، وفادارانه فعال بماند.

برای داشتن یک ارتباط ایمانی با خدا، توبه امری حیاتی محسوب می گردد (متی ۲:۳؛ ۴:۱۷؛ مرقس ۱:۱۵؛ ۶:۱۲؛ لوقا ۳:۱۳، ۵؛ اعمال رسولان ۳۸:۲؛ ۱۹:۳؛ ۲۰:۲۱). واژه عبری این عبارت معنی عوض شدن اعمال دارد، در حالیکه در یونانی مفهوم آن تغییر ذهنیت است. توبه تمایلی به تغییر از سوی فرد خودمحور و خودخواه به سوی یک زندگی آگاهانه و هدایت شده از سوی خداوند است. توبه از انسان می خواهد که از آنچه که برای خود

الویت داشته و محصورش کرده بود تغییر جهت دهد. ابتدا به ساکن این کار، منش و رفتاری جدید، دیدگاه دنیوی جدید و زندگی جدیدی است. توبه خواست خدا برای هر یک از فرزندان اخراج شده آدم از بهشت است، انسانی که از تصور و ذهنیت او ساخته شده است (حزقیال ۱۸:۲۱، ۲۳، ۳۲ و ۲ پطرس ۳:۹).

بهترین بخش از عهد جدید که تفاوت عبارات یونانی را برای توبه بخوبی نشان می‌دهد ۲ قرن‌تیا ۷:۸-۱۲ است.

۱. *Lupē* "سوگ" یا "حزن" در مکاشفه ۸:۲ (دو بار)، مکاشفه ۹:۲ (سه بار)، مکاشفه ۱۰:۲ (دو بار)، مکاشفه ۱۱:۲
۲. *Metamelomai* "مراقبت" مکاشفه ۸:۲ (دو بار)، مکاشفه ۹:۲
۳. *Metanoō* "توبه"، "توجه"، ۹:۲، ۱۰

تضاد میان توبه دروغین (*metamelomai*) رجوع شود به Judas، متی ۳:۲۷؛ و عیسو در عبرانیان ۱۲:۱۶-۱۷) و توبه راستین (*meranoō*)، پطرس، یوحنا ۲۱:۱۵-۲۳؛ متی ۷۵:۲۶؛ مرقس ۷۲:۱۴؛ لوقا ۲۲:۶۲) است.

توبه راستین به لحاظ الهیاتی متصل هستند به:

۱. موعظه عیسی تحت شرایط عهد جدید (متی ۱۷:۴؛ مرقس ۱:۱۵؛ لوقا ۳:۳، ۵)
۲. مراسم رسولان در اعمال رسولان (*kerygma*)، اعمال رسولان ۱۶:۳، ۱۹؛ ۲۰:۲۱)
۳. هدیه شاهانه خداوند (اعمال رسولان ۵:۳؛ ۱۱:۱۸ و ۲ تیموتائوس ۲:۲۵)
۴. هلاک شدن (۲ پطرس ۳:۹)

توجه داشته باشید که توبه امری اختیاری نیست!

□ "چه اگر توبه نکنی، خود خواهی آمد" این موضوع مشترک در این کتاب است؛ عیسی بزودی می‌آید (مکاشفه ۱:۲، ۳:۲، ۵:۲، ۱۶:۲۵؛ ۳:۳، ۱۱). در عهد عتیق آمدن عیسی برکت و داوری به همراه خواهد داشت. در این متن، عیسی به شاگردانش در کلیسا ظاهر گردید (۱ پطرس ۴:۱۷)! بنابراین، این امری موقت است که بستگی به موقعیت مکانی و اسکاتولوژی دارد.

□ "چراغدانان را از آنجا که هست برمی‌گیرم" چراغدان نماد کل کلیسا است. این امر می‌تواند شامل برداشته شدن برکت و حضور عیسی از کلیسا باشد. کل اعضای کلیسا قرار نبود با ارتداد روبرو شوند، بلکه منجر به کم شدن تأثیر بشارت می‌شود. این مسئله شامل کلیساهای پرگاموم (مکاشفه ۲:۱۶)، تیاتیرا (مکاشفه ۲:۲۲-۲۳)؛ ساردس (مکاشفه ۳:۳)؛ و لائودیکیه (مکاشفه ۳:۱۹) نیز می‌شود. این امکان وجود دارد که هر یک از این کلیساها تحت تأثیر آموزه‌های دروغین همچون نیکولاییان قرار گرفتند که مصالحه با فرهنگ بت‌پرستی را رواج می‌داد.

۶:۲ "از کارهای نیکولاییان بیزاری" گمانه‌زنی‌های زیادی پیرامون هویت و اعتقادات نیکولاییان صورت پذیرفت. تنها مرجع انجیلی که در این زمینه داریم مکاشفه ۲:۱۴-۱۵ است. این گمانه‌زنی‌ها در حدود سال ۱۸۰ پس از میلاد در کلیسای اولیه شکل گرفت، در زمانی که ایرنیوس و هیپولیتوس تصور می‌کردند که آنان پیروان یکی از "آن هفت کلیسا" بنام نیکولاس بودند که در اعمال رسولان ۵:۶ عنوان گردیده بود. چنین چیزی کاملاً بی‌اساس است. ایرنیوس در کتاب خود به نام *Contra-heresies* ۳:۱۱:۱۷، تصور کرده است که آنها پیروان عرفان سیرینیایی از قرن دوم بودند. یوسیوس در کتاب خود بنام *Ecclesiastical History* ۳:۲۹:۱، گفته است که این فرقه خاص زیاد دوام نیاوردند.

در مکاشفه ۲:۱۴-۱۵، آموزه‌های بلعم و آموزه‌های نیکولاییان شبیه یکدیگر هستند. این احتمال وجود دارد که به لحاظ علم ریشه‌شناسی، ارتباطی میان اسامی آنها در زبان یونانی وجود داشته باشد؛ معنی آن "فاتح" و "مردم" است (بسیار شبیه معنی نام *Nicodemus*). آنچه که مشهود است اینست که هر دو ایمانداران را تشویق به مشارکت در پرستش‌های کافران می‌کردند که شامل مراسمی با فعالیت‌های جنسی نیز می‌گردید. در این حالت، نیکولاییان و بلعمیان (اعداد ۱:۲۵-۹:۱۶؛ ۳۱:۱۶-۱۸) بسیار شبیه آموزه‌های ایزابل عمل می‌کردند (۲:۲۰).

۷:۲ "آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید" این تذکر در لابلای تمام نامه‌های ارسال شده به هفت کلیسا وجود دارد (مکاشفه ۲:۷، ۱۱، ۲۹؛ ۳:۶، ۱۳، ۲۲) این عبارتی بود که از میان آن کلام عیسی بیرون آمد (متی ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹، ۴۳). اعتماد معنوی باید جسمی و روحی پاسخ داده شود. مشابه آن، عبارت عبری *shema*، بمعنی "همچنان که می‌شنوی عمل کن" است (تثنیه ۵:۱؛ ۶:۴؛ ۹:۱؛ ۳۰:۲؛ ۹:۲۷-۱۰).

□ "کلیساها" به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۴ رجوع شود.

□ "هر که غالب آید" در استقامتی که ایمانداران نشان می‌دهند، تأکید الهیاتی ممتدی وجود دارد (مکاشفه ۲:۷، ۱۱، ۱۷، ۲۵-۲۶؛ ۳:۴-۵، ۱۱-۱۲، ۲۱). این یک شاهد تجربی از یک تغییر دین حقیقی می‌باشد (متی ۲۴:۱۳؛ غلاطیان ۶:۹)! جانانان ادواردز در این زمینه گفته است، "مطمئناً اثبات انتخاب چیزی است که فرد باید تا آخر به آن پایبند باشد." W.T. Conner گفت، "رستگاری انسانی که برای نجات برگزیده شده، از ذهن و مقصود

خداوند و از ابدیت آمده، با اینحال وقتی به بحث ایمان می‌رسد، شرطی می‌شود، ایمانی که استوار و غالب است". به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۲ توجه نمایید.

□ "به او نعمت خوردن از درخت حیات را خواهم بخشید که در فردوس خداست" این آیه اشاره‌ای است به یک درخت در باغ عدن (پیدایش ۲:۹). انسان ارتباط خود را با خدا و حیوانات در یک باغ آغاز نمود و انجیل در همین مضمون مشابه نیز پایان می‌یابد (اشعیا ۱۱:۶-۹؛ مکاشفه ۲:۲۲، ۱۴، ۱۹).

"پردیس"، کلمه‌ای ایرانی برای باغ حصارکشیده شده نجیب‌زاده، که در نسخه Septuagint باغ عدن ترجمه شده است (حزقیال ۲۸:۱۳؛ ۳۱:۸). این یکی از منابع متعدد دوران مسیحایی است که در هفت نامه ارسال شده به کلیساها دیده می‌شود.

عبارت "پردیس" در دو حالت بکار برده شده است: ۱) در لوقا ۴:۲۳ می‌تواند اشاره به حقانیت داشته باشد، قسمتی از *Sheol/Hades* (موضوع خاص در مکاشفه ۸:۱ را بخوانید). عیسی به دزد توبه کرده می‌گوید که وی در آن روز با او خواهد بود (عیسی بمدت ۴۰ روز به بهشت باز نگشت، رجوع شود به یوحنا ۲۰:۱۷) و ۲) در قرنتیان ۳:۱۲ اشاره به حضور خدا، بارگاه آسمانی خدا دارد ("آسمان سوم").

هدف خداوند برای بشر، که از تصور و محبت او ساخته شده (پیدایش ۱:۲۶-۲۷)، همیشه زندگی ابدی بوده است. افول پیدایش ۳ و بقیه انجیل تعهد خداوند را به رستگاری انسان و دوستی ابدی با او ثبت کرده است. این دنیای افول کرده، این فضای خالی در دوستی او، خواست خدا نبود، بلکه مایه شرم‌ساری بشر بود. خداوند خلقت را برای مقاصد خود احیا خواهد کرد.

متن NASB (بروز شده): ۲:۸-۱۱

۸ «به فرشته‌ی کلیسای اسمیرنا بنویس: «آن اول و آن آخر که مُرد و زنده شد، چنین می‌گوید: ^۱ از سختیها و فقر تو آگاهم، با این همه ثروتمندی! از تهمت‌های ناروای آنان که خود را یهود می‌خوانند و نیستند، بلکه کنیسه شیطانند، باخبرم. ^{۱۱} از رنجی که خواهی کشید، مترس. باخبر باش که ابلیس برخی از شما را به زندان خواهد افکند تا آزموده شوی و ده روز آزار خواهید دید. لیکن تا به مرگ وفادار بمان که من تاج حیات را به تو خواهم بخشید. ^{۱۱} آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. هر که غالب آید، از مرگ دوم گزند نخواهد دید.

۸:۲ "آن اول و آن آخر" این یکی از عناوینی است که در مکاشفه ۱:۱۷ و ۱۳:۲۲ دوباره به عیسی باز می‌گردد. در حله اول اشاره به بیهوشی دارد (اشعیا ۴:۴؛ ۴:۴۴؛ ۶:۴۸؛ ۱۲:۴۸). این عبارات هم معنی با عبارت "من الف و ی هستم" (مکاشفه ۱:۸؛ ۶:۲۱؛ ۶:۲۷؛ ۱۳) و "ابتدا و انتها هستم" (مکاشفه ۲۱:۶؛ ۲۲:۱۳) است. به یادداشت کامل‌تر در مکاشفه ۸:۱ رجوع نمایید.

□ "که مُرد و زنده شد" این بخش را باید یک سیلی به صورت فرقه سیبل، الهه مادر محسوب کرد. بسیاری از مذاهب باستانی، جهانبینی خود را بر مبنای چرخه طبیعت، مرگ زمستان و تولد در بهار بنا گذاشته بودند. به لحاظ الهیاتی در کتاب مقدس، این موضوع اشاره به آیه ۱:۱۸؛ ۵:۵ دارد، جایی که عیسی به متابره ایست که ذبح شد اما دوباره زنده گردید. این امر مؤکد مرگ یکبار برای همیشه عیسی به وکالت از ما، و بازگشت او از مردگان است (عبرانیان ۷:۲۷؛ ۹:۱۲، ۲۸؛ ۱۰:۱۰).

۹:۲ "از سختیها و فقر تو آگاهم" این دو لغت در زبان یونانی بسیار قوی هستند. اهمیت آنها از این جهت است که شهر اسمیرنا بسیار موفق بود. این حقیقت که کلیسا در این شهر بسیار فقیر بود نشان از وخامت اوضاع اقتصادی داشت. به لحاظ الهیاتی این نکته در کتاب مکاشفه حائز اهمیت است که ایمانداران بدلیل محنت از سوی بی‌ایمانان و افراد شریر عذاب می‌کشند، اما بی‌ایمانان از "خشم خدا" عذاب خواهند کشید. به یادداشت مکاشفه ۷:۱۴ رجوع نمایید. ایمانداران همیشه در برابر داوری آسمانی محافظت خواهند شد (تضمین شده، به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۷ رجوع نمایید).

موضوع خاص: رنج

(Special Topic: Tribulation)

لازم است که میان نحوه استفاده این لغت (*thlipsis*) توسط پولس و یوحنا فرق قائل شد.

A. استفاده پولس (که بازتاب دهنده شیوه عیسی است)

۱. مشکلات، رنج‌ها، در افول یک دنیا شریر دخیل است

a. متی ۱۳:۲۱

b. رومیان ۵:۳

c. ۱ قرنتیان ۷:۲۸

d. ۲قرنتیان ۴:۷

e. افسسیان ۱۳:۳

۲. مشکلات، رنج‌ها، شریر که توسط بی‌ایمانان بوجود آمد

a. رومیان ۵:۳؛ ۸:۳۵؛ ۱۲:۱۲

b. ۲قرنتیان ۱:۴؛ ۸:۴؛ ۶:۴؛ ۷:۴؛ ۸:۲، ۱۳

c. افسسیان ۱۳:۳

d. فیلیپیان ۴:۴

e. ۱تسالونیکیان ۶:۱

f. ۲تسالونیکیان ۴:۱

۳. مشکلات، رنج‌ها، شریر در پایان عصر

a. متی، ۲۹، ۲۱:۲۴

b. مرقس ۱۳:۱۹، ۲۴

c. ۲تسالونیکیان ۱:۶-۹

B. استفاده یوحنا از لغت

۱. یوحنا تفاوت مشخصی میان *thlipsis* و *orgē* یا *thumos* (خشم) در کتاب مکاشفه قائل شده است. *Thlipsis* کاریست که بی‌ایمانان بر ایمانان روا می‌دارند و *orgē* کاریست که خدا بر بی‌ایمانان نازل می‌کند.

a. *Thlipsis* - مکاشفه ۱:۹؛ ۲:۹-۱۰؛ ۲۲:۷؛ ۱۴:۷

b. *Orgē* - مکاشفه ۶:۱۶-۱۷؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۶:۱۹؛ ۱۵:۱۹

c. *Thomus* - مکاشفه ۱۲:۱۲؛ ۱۴:۸؛ ۱۰:۱۹؛ ۱۵:۱؛ ۱۶:۷؛ ۱۸:۳

۲. یوحنا همچنین از این واژه در اناجیل برای منعکس کردن مشکلات پیش روی ایمانداران در هر عصری استفاده کرده است - یوحنا ۱۶:۳۳

□ "با این همه ثروتمندی" ایمانداران نمی‌توانند در کنار عیسی بودن خود را با معیارهای دنیوی بسنجند (متی ۶:۳۳).

NASB, NKJV "ناسزاگویی"

NRSV, NJB "تهمت‌های ناروا"

TEV "چیزهای شیطانی که بر علیه شما می‌گویند"

مفهومی که بکار برده شده دقیقاً "ناسزاگویی" است، که در عهد عتیق دلالت بر "دشنام دادن" داشته و معمولاً در هنگامی که یهوه مورد حملات لفظی قرار می‌گرفت، بکار برده می‌شد (لاویان ۲۴:۱۳-۲۳). در عهد عتیق دو بار از واژه "برکت" (*barak*) در حالت ناسزاگویی استفاده شده است (۱ پادشاهان ۲۱:۱۰، ۱۳). در متن کتاب، این مذهبی‌های یهودی ادعا داشتند که خداشناس هستند ("خدا برکت دهد")، اما در واقع چنین نبود (متی ۷:۲۱-۲۳).

□ "آنان که خود را یهود می‌خوانند و نیستند" نظیر همین عبارات در مکاشفه ۳:۹ بکار برده شده بود، در جایی که به وضوح یهودیان نژادپرستی بودند که ادعا می‌کردند قوم خدا هستند اما در واقع چنین نبود (یوحنا ۸:۴۴؛ رومیان ۲:۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۳:۲۹؛ ۶:۱۶). ما از کتاب اعمال رسولان و غلاطیان یاد گرفتیم که یهودیان بزرگترین نیروی مخالف انجیل را تشکیل دادند (اعمال رسولان ۱۳:۵۰؛ ۲:۱۴؛ ۵:۱۹؛ ۱۷:۵).

مکاشفه ۲:۱۳ می‌گوید که این نکته اشاره به فرقه‌های محلی ستایشگر امپراطور بنام *Concilia* داشته که همواره می‌خواستند مسیحیان، سزار را "سرور" خطاب کرده و برای او هر ساله عود بسوزانند.

□ "زیستگاه شیطان" یوحنا در جهان تضاد زیادی می‌دید، خدا در مقابل شیطان. از شیطان (به موضوع خاص شیطان در مکاشفه ۳:۱۲ رجوع نمایید) در اغلب جاهای کتاب ذکر به میان آمده است (۲:۹، ۱۳؛ ۳:۹؛ ۹:۱۲، ۱۰؛ ۲۰:۷، ۲۰؛ ۷). او به ایمانداران افترا زده و آزاردهنده‌های آنان را تقویت می‌کند. این تضاد یا دوگانگی در دنیای روحانی ادبیات پایان عصری را شخصیت‌دهی می‌کند. نبردی برای کنترل قلب‌ها و اذهان فرزندان آدم در جریان است.

۱۰:۲ "مترس" این یک عبارت دستوری متوسط یا منفعل با بار منفی است که معمولاً به معنای توقف عملیاتی، در حال انجام است. در آن زمان کلیساها در هراس بودند. آزار آنها نشانه‌ای از رستگاری و برکات خدا بود (متی ۵:۱۰-۱۲).

□ "باخبر باش که ابلیس برخی از شما را به زندان خواهد افکند" در پس ذهن رهبران شریر انسانی، موجودی شریر با نیروی ماورالطبیعه می‌خزد (افسسیان ۶:۱۰-۱۹).

واژه شیطان یک مفهوم و عنوان عهد عتیقی است. مأموریت خدادادی او باعث بوجود آمدن طبعی سرکش و خودمحمور برای انسان گردیده و بواسطه آن آنها را در زمانی که دچار وسوسه می‌گردند، متهم می‌نماید (پیدایش ۳، ایوب ۱-۲؛ زکریا ۳). درباره شیطان در عهد عتیق پیشرفتی وجود دارد. شیطان بعنوان خادم خلق گردید اما در مسیر تکاملش تبدیل به دشمن شد (کتاب *An Old Testament Theology* نوشته A. B. Davidson صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۶). این فقط یک برداشت است که زبان بشدت استعاره بکار برده شده در اشعیا ۱۴، که بطور مشخص اشاره به پادشاه سرسخت بابل دارد، و در حزقیال ۲۸ که بطور مستقیم اشاره به پادشاه مغرور صور دارد، نهایتاً غرور عرفانی و افول شیطان را تشخیص می‌دهد. زبان حزقیال ۲۸ بر گرفته از جزئیات باغ عدن است. بسختی می‌توان پذیرفت که مشخصات یک انسان، تاریخ یا یک پادشاه کافر دارای مفاهیم فرشتگان باغ عدن باشد (پیدایش ۳). با اینحال، حزقیال مشابه همین کار را با پادشاه مصر در فصل ۳۱ انجام داد. از او بعنوان درخت تنومند باغ عدن یاد می‌شود.

تمامی ایمانداران در تمنای اطلاعات بیشتر هستند، بویژه درباره اصالت خدا، فرشتگان، شیطان و غیره. ما باید مراقب باشیم که آنچه که بصورت نبوت و استعاره بکار برده شده تبدیل به الهیات دگماتیک و کور نگردد. بیشتر بخش‌های الهیات امروزی از متون استعاره و مبسوطی می‌آید که مختلط شده با مفاهیم امروزی، هم الهیات و هم ادبیات (Milton و Dante).

در عهد جدید او ابلیس نامیده شده (مکاشفه ۹:۱۲، ۱۲؛ ۲:۲۰، ۱۰)، که واژه مرکب از یونانی به معنی "پرتاب کردن"، "افترا زدن"، یا "اتهام به کسی وارد کردن" است. باز هم می‌گویم، این کار مأمورت اتهام زنی و وسوسه نمودن ابلیس را بازتاب می‌دهد. این مفاهیم در کتاب مکاشفه هم معنی هستند (مکاشفه ۹:۱۲؛ ۲:۲۰). به موضوع خاص شیطان فردی در مکاشفه ۹:۱۲ رجوع نمایید.

□ "تا آزموده شوید" این عبارات در حالات مختلف بکار برده شده است: (۱) ایمانداران آزموده می‌شوند تا ایمان حقیقی و رشد قوی‌تر خود را نشان دهند (مکاشفه ۱۹:۲؛ اعمال رسولان ۲۷:۱۴؛ رومیان ۵:۳-۴؛ ۱۷-۱۸؛ عبرانیان ۵:۸؛ یعقوب ۱:۲-۴؛ ۱ پطرس ۴:۱۲-۱۹ و ۲) بی‌ایمانان آزموده می‌شوند تا بی‌اعتقادی خود و داوری که شایسته آنان است نشان داده شود (مکاشفه ۳:۱۰). در کتاب مکاشفه، دادگاه‌های مسیحیان "محنت" نامیده می‌شوند (به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۹ رجوع شود)، درحالی‌که بی‌ایمانان مورد "خشم خدا" واقع می‌گردند.

دو واژه یونانی ترجمه شدند به "آزمون"، "سعی" یا "تلاش". یکی از این واژه‌ها دلالت بر "آزمودن با مفهوم تخریبی" است (*peirasmos, peirasmo*). واژه دیگر (*dokimos, dokimazo*) با مفهوم تأیید شدن دارد. شیطان در تلاش تخریب است. خدا استقامت ما را می‌سنجد (۱ تسالونیکیان ۴:۲؛ ۱ پطرس ۱:۷؛ پیدایش ۱:۲۲؛ خروج ۱۶:۴؛ ۲۰:۲۰؛ تثنیه ۸:۲؛ ۱۶:۱۳؛ ۳:۱۳؛ داوران ۲:۲۲؛ ۲ تواریخ ۳۲:۳۱). (به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۲ مراجعه کنید).

□ "ده روز" درباره این ده روز نظرات مختلفی وجود دارد:

۱. برخی آن را دوره ده روزه محاکمه در شهر اسمیرنا در دوره یوحنا می‌دانند
 ۲. برخی دیگر می‌گویند بدلیل اینکه ده عدد کامل است، فقط معنی کامل شدن زمان محاکمه می‌دهد.
 ۳. برخی دیگر معتقدند اشاره به دوره نامشخصی از محاکمه دارد
- خبر خوب اینست که دروه آن محدود است. این عذاب پایان خواهد پذیرفت!

با اینحال، در کتابی که زمین و زمان را بهم می‌ریزد، کسی نمی‌تواند مطمئن باشد که اعداد جنبه استعاره دارند یا واقعی هستند. اگر اعداد بکار برده شده در عهد عتیق و در ابیات داخلی انجیل مفهوم نمادین دارند پس می‌توان گفت که احتمالاً استعاره هستند. بیشتر این اعداد نمادین و مضرب آنها عبارتند از ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲ (به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۱ رجوع کنید).

□ "تا به مرگ وفادار بمان" این عبارت دستوری متوسط یا مجهول است که تأکید بر نیاز ایمانداران به ادامه ایمانشان حتی اگر به مرگ فیزیکی منجر گردد، دارد (متی ۱۳:۲؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۰:۲۲؛ ۲۴:۱۳؛ لوقا ۱۲:۴؛ غلاطیان ۶:۹). برخی از ایمانداران کشته شده و می‌شوند. این یک تناقض در حاکمیت خدا و تجربه ما از زندگی در این دنیای افول کرده است.

□ "و من تاج حیات را به تو خواهم بخشید" این همان تاجیست که "*stephanos*" نام دارد (۱ قرنیتیان ۹:۲۵). آن پاداش شهیدان مسیحی است. ما از کتاب *Ecclesiastical History*, 4:15 یاد می‌گیریم که شهدای زیادی وجود داشتند، از جمله اسقف پلیکارپ اسمیرنا. تاج‌های دیگری (بعبارتی پاداش‌های دیگری) در عهد جدید ذکر گردیده‌اند (۲ تیموتائوس ۴:۸؛ یعقوب ۱:۱۲؛ ۱ پطرس ۵:۴؛ مکاشفه ۱۱:۳).

یوحنا از واژه *Zoē* برای زندگی استفاده می‌کند که اشاره به حیات ابدی، حیات پس از مردگان دارد (یوحنا ۱:۴؛ ۳:۱۵، ۳۶؛ ۴:۳۶، ۲۴:۵، ۲۹، ۲۹، ۳۹، ۴۰؛ ۶:۲۷، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۳، ۶۸؛ ۱۲:۸؛ ۱۰:۱۰، ۲۸، ۱۱:۲۵، ۱۲:۲۵، ۱۴:۵۰؛ ۱۷:۶؛ ۲:۳۱، ۲۰؛ ۳۱؛ مکاشفه ۷:۲، ۱۰؛ ۳:۵؛ ۸:۱۷؛ ۱۲:۲۰؛ ۱۵:۲۱؛ ۶:۲۷؛ ۲۲:۱، ۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹). زندگی واقعی بمراتب با حیات فیزیکی فاصله دارد!

موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات

(Special Topic: Degrees Of Rewards And Punishment)

- A. پاسخ مناسب یا نامناسب به خدا بر اساس سطح دانش فرد است. هر اندازه میزان دانش فرد کمتر باشد، مسئولیت او نیز کمتر است. بر خلاف این امر هم درست است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲:۴۵)
- B. دانش در مورد خدا از دو شیوه ابتدایی حاصل میشود
۱. خلقت (مراجعه شود به مزمور ۱۹، رومیان ۱ الی ۲)
 ۲. کتاب مقدس (مراجعه شود به مزمور ۱۹، ۱۱۹، عیسی آنطور که در عهد عتیق آشکار شد)
- C. شواهد عهد عتیق
۱. پاداشها
 - a. کتاب پیدایش ۱:۱۵ (معمولاً همراه با پاداش زمینی، زمین و پسران همراه است)
 - b. لاویان ۱:۲۶ الی ۱۳، کتاب تثنیه ۱:۲۸ الی ۱۴ و ۵۸ الی ۶۸ (اطاعت از پیمان نعمت همراه دارد)
 - c. دانیال ۳:۱۲
 ۲. مجازاتها - لاویان ۱۴:۲۶ الی ۳۹، تثنیه ۱۵:۲۷ الی ۲۶، ۲۸:۱۵ الی ۳۷ (نافرمانی از پیمان لعن و نفرین همراه دارد)
 ۳. الگوی عهد عتیقی پاداش برای فرد پارسای تحت پیمان به واسطه گناه انسانی تغییر یافته است. این تغییر در یعقوب و مزمور ۷۳ (یعنی "آن دو شیوه"، مراجعه شود به تثنیه ۱۵:۳۰ و ۱۹، مزمور ۱) دیده میشود. عهد جدید تمرکز را از عمل به فکر منتقل می کند (مراجعه شود به مונظه کوه، انجیل متی ۵ الی ۷).
- D. شواهد عهد جدید
۱. پاداشها (فراسوی رستگاری)
 - a. انجیل مرقس ۹:۴۱
 - b. انجیل متی ۵:۱۲ و ۵:۴۶، ۶:۱ الی ۴، ۵ الی ۶، ۶ الی ۱۸، ۴۱:۱۰ الی ۴۲، ۲۷:۱۶، ۱۴:۲۵ الی ۲۳
 - c. انجیل لوقا ۲۳:۶ و ۳۵، ۱۱:۱۹ الی ۱۹، ۲۵ الی ۲۶
 ۲. مجازاتها
 - a. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰
 - b. انجیل لوقا ۱۲:۱۰، ۱۲:۴۷ الی ۴۸، ۱۹:۲۰ الی ۲۴، ۲۰:۴۷
 - c. انجیل متی ۵:۲۲ و ۲۹، ۷:۱۹، ۱۵:۱۰ و ۲۸، ۱۱:۲۲ الی ۲۴، ۱۳:۴۹ الی ۵۰، ۶:۱۸، ۱۴:۲۵ الی ۳۰
 - d. یعقوب ۱:۳
- E. از نظر من تنها قیاسی که معنی می دهد، از اپرا است. من در برنامه های اپرا شرکت نمیکنم بنابراین آن را درک نمیکنم. هر قدر بیشتر در مورد سختی و پیچیدگی موسیقی و رقص می فهمیدم، بیشتر اجرا را تحسین می کرد. من باور دارم که بهشت جام های ما را لبریز می کند، ولی فکر می کنم خدمت زمینی ما اندازه جام را تعیین می کند.
- بنابراین، دانش و آگاهی و پاسخ بر مبنای آن آگاهی منتهی به پاداش و مجازات میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۷، انجیل لوقا ۱۲:۴۸، اول قرنیتیان ۳:۸، ۱۴، ۹:۱۷ و ۱۸، غلاطیان ۷:۶، دوم تیموتائوس ۱۴:۴۳). یک اصل معنوی هم وجود دارد - ما هر آنچه را که بکاریم درو خواهیم کرد! کمی بیشتر کاشتن و دروی بیشتر (مراجعه شود به انجیل متی ۸:۱۳ و ۲۳).
- F. "تاج پارسایی" کار عیسی مسیح است که ما آن را پایان دادیم (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۸:۴)، ولی توجه کنید که "تاج زندگی" به استقامت در طی محاکمه بستگی دارد (مراجعه شود به یعقوب ۱:۱۲، مکاشفه ۲:۱۰، ۳:۱۰ الی ۱۱). "تاج جلال" برای رهبران مسیحی مرتبط با شیوه زندگی آنان است (مراجعه شود به اول پطرس ۵:۱ الی ۴). پولس میداند که او یک تاج همیشگی دارد، ولی شدیداً خود را کنترل میکرد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۹:۲۴ الی ۲۷).
- راز زندگی مسیحی وار این است که از کار خاتمه یافته مسیح، رها است، ولی از آنجا که ما باید از طریق مسیح پیام خدا را اجابت می کنیم، لذا همچنین باید با اقتدار، به زندگی مسیحی وار پاسخ دهیم. زندگی مسیح گونه به همان اندازه رستگاری ماورا الطبیعی است، با این جال ما باید آن را دریافت کرده و حفظ کنیم. پارادوکس رایگان ولی با هزینه هر چیزی راز پاداشها و کاشت/برداشت است.

ما با کارهای خوب نجات نمی یابیم، بلکه به خاطر کارهای خوب نجای می یابیم (مراجعه شود به افسسیان ۸:۲ الی ۱۰). کارهای خوب شاهدهی هستند که ما او را دیده ایم (مراجعه شود به انجیل متی ۷). سزاواری انسان در زمینه رستگاری به تخریب منتهی می شود، ولی به زندگی خدا پسندانه پاداش داده می شود.

۱۱:۲ "هر که غالب آید" این بخش در واقع تذکری دوباره به باورمندی است (مکاشفه ۲:۷، ۱۷، ۲۶؛ ۳:۵، ۱۲، ۲۱؛ ۲۱:۷). قطعاً تأکیدی است بر استقامت (به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۲ رجوع نمایید).

□ "از مرگ دوم گزند نخواهد دید" این دو ساختار منفی با وجه شرطی مجهول آتوریستی است که نهایت اهمیت خداوند را برای آنان که شهید شده اند، نشان می دهد (مکاشفه ۱۲:۱۱). "مرگ دوم" یا اشاره به جهنم دارد (به موضوع خاص مکاشفه ۱۸:۱ رجوع نمایید) و یا جدایی ابدی از هم نشینی با خدا (مکاشفه ۲۰:۶، ۱۴؛ ۲۱:۸).

□ "آن که گوش دارد، بشنود" این تذکری دوباره برای توجه و بصیرت معنوی است (مکاشفه ۲:۷، ۱۱، ۱۷، ۲۹؛ ۳:۶، ۱۳، ۲۲؛ ۹:۱۳).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۲:۱۲-۱۷

۱۲ «به فرشته کلیسای پرگاموم بنویس: «او که شمشیر بُران دو دم دارد، چنین می گوید: ^{۱۳} می دانم کجا مسکن داری، آنجا که پایتخت شیطان است. با این همه به نام من وفادار مانده ای و حتی در ایام آنتیپاس، آن گواو امین من که او را در شهر شما که زیستگاه شیطان است کشتند، ایمانی را که به من داشتی انکار نکردی. ^{۱۴} «با وجود این، یکی دو ایراد بر تو دارم. در آنجا کسانی را داری که از تعلیم بلعام پیروی می کنند؛ همان که بالاق را آموخت که بنی اسرائیل را برانگیزاند تا از خوراک تقدیمی به تنها بخورند و دست به بی عفتی بیالایند. ^{۱۵} از این گذشته، کسانی را هم داری که از تعلیم نیکولایان پیروی می کنند. ^{۱۶} پس توبه کن، وگرنه به زودی نزد تو خواهیم آمد و با شمشیر دهانم با آنها خواهیم جنگید. ^{۱۷} «آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید. هر که غالب آید، به او از آن 'منای' مخفی خواهیم داد. هم به او سنگی سفید خواهیم بخشید که بر آن نام تازه ای حک شده است، نامی که جز بر آن که دریافتش می کند، شناخته نیست.

۱۲:۲ "او که شمشیر بُران دو دم دارد" این مرجع به مثابه همان عیسی جلال یافته در مکاشفه ۱:۱۶ است. این عبارت یک استعاره عهد عتیق برای یهوه بود (اشعیا ۱۱:۴؛ ۴۹:۲). این واژگان به دلیل نیروی نفوذکننده کلام خدا در عهد جدید بکار برده شده اند (مکاشفه ۲:۱۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۸؛ عبرانیان ۱۲:۴).

۱۳:۲ "می دانم کجا مسکن داری" "مسکن داری" در عهد عتیق بمعنی "با کسی زندگی دائمی داشتن" است. این ایمانداران با دولت محلی مقتدر و فشارهای شریانه ای رو به رو بودند. عیسی آنان را می شناخت و به موقعیت خطیر آنان آگاه بود. او با آنها زندگی می کرد.

□ "آنجا که پایتخت شیطان است" از این قسمت چندین تفسیر وجود دارد:

۱. می تواند تخت پادشاهی زئوس در پیرگاموم بوده باشد.
۲. می تواند اشاره به شفای بخشی خداوند، اسقلیبوس داشته باشد که نماد آن یک مار بود.
۳. بنظر می رسد که به دلیل مجسمه اسقلیبوس که چند صد متر بالاتر از شهر بصورت ایستاده قرار داشت، تمام شهر شبیه یک سریر بزرگ ساخته شده بود
۴. می تواند اشاره به Concilia، سازمان محلی که پرستش امپراطور را ترویج داده و در پرگاموم نیز بسیار قوی بود، داشته باشد. با توجه به متون تاریخی، بنظر می رسد موارد یک و چهار بهترین گزینه باشند.

□ "به نام من وفادار مانده ای" این ضمیر اشاره حال فعال بوده و نشان دهنده اهمیت نام بعنوان معرف شخصیت یک فرد می باشد. ایمانداران به صدا زدن نام او (یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۸؛ رومیان ۹:۱۰-۱۳) و پرستش خدا بنام او (پیدایش ۴:۲۶؛ ۱۲:۸؛ ۲۶:۲۶) و استقامت داشتن با خواندن نام او، ایمان اعتقاد دارند (یوحنا ۱۷:۱۱-۱۲).

موضوع خاص: اسم خدا - (عهد جدید)

(Special Topic: The Name Of The Lord (NT))

در کلیسا این اسم متداول عهد جدیدی برای حضور و قدرت فعال خدای تثلیث است. یک فرمول جادویی نیست، بلکه درخواستی برای شخصیت خدا آن طور که در عیسی دیده شد، است.

اغلب این اصطلاح به عیسی به عنوان سرور اشاره می کند (فیلیپیان ۱:۲)

۱. در کار ایمان فرد به عیسی (مراجعه شود به رومیان ۱۰:۹ الی ۱۳، اعمال رسولان ۲:۲۱ و ۳۸، ۸:۱۲ و ۱۶، ۱۰:۴۸، ۱۹:۵، ۲۲:۱۶، اول قرنیتیان ۱:۱۳ و ۱۵، یعقوب ۲:۷)
 ۲. در زمان جن‌گیری و بیرون راندن دیوها (انجیل متی ۷:۲۲، انجیل مرقس ۹:۳۸، انجیل لوقا ۹:۴۳۹، ۱۰:۱۷، اعمال رسولان ۱۳:۱۹)
 ۳. در زمان شفا دادن (به اعمال رسولان ۳:۶ و ۱۶، ۴:۱۰، ۹:۳۴، یعقوب ۵:۱۴)
 ۴. در زمان بشارت (متی ۱۰:۴۲، ۱۸:۵، انجیل لوقا ۹:۴۸)
 ۵. در زمان مراسم در کلیسا (به انجیل متی ۸:۱۵ الی ۲۰)
 ۶. در زمان موعظه برای پیروان سایر ادیان (به انجیل لوقا ۲۴:۴۷، اعمال رسولان ۹:۱۵، ۱۵:۱۷، رومیان ۱:۵)
 ۷. در دعا (انجیل یوحنا ۱۳:۱۴ الی ۱۴، ۱۵:۷ و ۱۶، ۱۶:۲۳، اول قرنیتیان ۱:۲)
 ۸. راهی برای اشاره به مسیحیت (اعمال رسولان ۲۶:۹، اول قرنیتیان ۱:۱۰، دوم تیموتائوس ۲:۱۹، یعقوب ۲:۷، اول پطرس ۴:۱۴)
- هر آنچه به عنوان بشارت‌دهنده، کمک‌کننده، شفا دهنده، بیرون‌کننده دیو و غیره انجام دهیم، در شخصیت او، قدرت او و بنام او انجام می‌دهیم (یعنی فیلیپیان ۲:۹ الی ۱۰)!

- "ایمانی را که به من داشتی انکار نکردی" این ضمیر اشاره میانی آئوریستی است. مسیحیت در طول قرن‌های اولیه، و حتی برخی جوامع امروزی، وسوسه واقعی برای حفظ موفقیت انسان یا زندگی او از طریق انکار ایمان به مسیح و در طول دادگاه‌های قضایی، وجود داشته و دارد. کلیسا همیشه در چالش با چگونگی برخورد یا این مرتدین بوده است.
- "در ایام آنتیپاس، آن گواهِ امین من" ما درباره این مرد هیچ نمی‌دانیم. عنوانی که به او داده شده شبیه چیز است که در مکاشفه ۱:۵ برای مسیح بکار برده شده بود. واژه "شاهد" می‌تواند معنی "شهید" هم داشته باشد (۳:۱۱؛ ۶:۱۷). تر تولیان گفته است که آنتیپاس در یک دیگ برنجی کباب گردید، اما این یک سنتی در آینده بود.
- ۱۴:۲ "با وجود این، یکی دو ایراد بر تو دارم" عیسی در رابطه با شش عدد از هفت کلیسا اظهار نظری منفی داشت. رستگاری در برخی مناطق، گناه دیگر جاها را توجیه نمی‌کند!
- "در آنجا کسانی را داری که از تعلیم بلعام پیروی می‌کنند" بلعم یکی از انبیای خدا بود (اعداد ۲:۴۲) که برای مصالحه قوم بنی اسرائیل به کمک شتافت (اعداد ۲۲-۲۵ و ۱۶:۳۱). او هم در عهد جدید و هم در عهد قدیم محکوم گردیده است (اعداد ۱۶:۳۱؛ ۲ پطرس ۲:۱۵؛ داوران ۱۱). این امکان وجود دارد که نام بلعم در زبان عبری بمعنی "فاتح قوم"، و نام نکولائیان نیز در زبان یونانی چیزی شبیه به این باشد (نیکودموس در یوحنا ۳ نیز شبیه همین معنی را دارد). به این ترتیب می‌توان این دو گروه را بعنوان تمرینات فاسد آنان شناخت (Jezebel, 2:20).
- "همان که بالاق را آموخت که بنی اسرائیل را برانگیزاند" توصیه بلعم به بالاق، شاه موآب، شامل فرزندان قوم بنی اسرائیل در پرستش بعل می‌گردید (اعداد ۱:۲۵-۳). در میان کافران قرن اول، وسوسه‌ای فرهنگی برای پرستش با آرایه‌های جنسی وجود داشت.

موضوع خاص: اسرائیل (نام)

Special Topic: Israel (The Name)

- I. معنی این نام بشکل غافلگیرکننده‌ای مشخص نیست. (BDB 975, KB 442)
 - A. *El* پافشاری می‌کند (صیغه امری)
 - B. بگذارید *EL* پافشاری کند
 - C. *EL* نگهداری می‌کند
 - D. بگذارید *El* ستیز کند
 - E. *El* نزاع می‌کند
 - F. او که با خدا نزاع می‌کند (بازی با لغات در پیدایش ۲۸:۳۲)
 - G. قابل اطمینان (IDB، جلد دوم صفحه ۷۶۵)
 - H. موفق
 - I. خوشحال
- II. کاربرد آن در عهد عتیق

- A. نام یعقوب (از ریشه کننده، گیرنده پاشنه، BDB 784, KB 872، پیدایش ۲۵:۲۶) پس از مجاهده با خدا معبر رود یتوق، تغییر کرد (پیدایش ۳۲:۲۲-۳۲:۳۲؛ خروج ۳۲:۱۳). اغلب مفاهیم نام‌ها در زبان عبری بازی با اصوات هستند و به لحاظ علم ریشه‌شناسی معنا ندارند (پیدایش ۳۲:۲۸). "اسرائیل" نام اختصاص داده شده این کشور گردید (پیدایش ۳۵:۱۰).
- B. این نام به عنوان نام جمعی برای همه دوازده پسر یعقوب استفاده شد (پیدایش ۳۲:۳۲؛ ۱۶:۴۲؛ خروج ۴:۲۲؛ ۲:۵؛ ۱۱:۲۸؛ تثنیه ۱:۱؛ ۶:۱۰).
- C. این امر به منظور تعیین قوم توسط دوازده قبیله قبل از خروج شکل گرفته شد (پیدایش ۲۷:۴۷؛ خروج ۴:۲۲؛ ۲:۵) و پس از خروج (تثنیه ۱:۱؛ ۱۸:۱۸؛ ۶:۳۳؛ ۱۰).
- D. پس از اتحاد سلطنتی توسط شائول، داوود و سلیمان، قبایل زیر نظر نظر رحوبآم تفکیک شدند (۱ پادشاهان ۱۲).
۱. امتیازات پیش از تفکیک رسمی شروع گردیدند (۲ ساموئیل ۳:۱۰؛ ۵:۵؛ ۲۰:۱؛ ۹:۲۴؛ ۱ پادشاهان ۱:۳۵؛ ۴:۲۰)
۲. قبایل شمالی تا سقوط سامره بدست آشوریان در سال ۷۲۲ پیش از میلاد مشخص گردیدند (۲ پادشاهان ۱۷)
- E. استفاده یهودا در برخی جاها (اشعیا ۱؛ میکاه ۱:۱۵-۱۶).
- F. پس از تبعید بابلیان و آشوریان، این نام دوباره نام منتخب برای تمام نوادگان یعقوب در فلسطین گردید (اشعیا ۱۷:۷-۹؛ ارمیا ۲:۴؛ ۱۷:۵۰؛ ۱۹).
- G. استفاده از مردم غیر روحانی در تمایز با کاهنان (۱ تواریخ ۹:۲؛ عزرا ۱۰:۲۵؛ نحیمیا ۱۱:۳)

□ "تا از خوراک تقدیمی به بتها بخورند و دست به بی‌عفتی بیالایند" این دو گناه در مراسم پرستشی کفار جریان داشت (اعداد ۱-۲۵؛ ۳-۱۶:۳۱). نه فقط وعده غذایی کافران که برای بت‌ها نیز قربانی می‌کردند (۱ قرنیتان ۸:۱-۱۳)، بلکه اغلب بی‌عفتی‌های جنسی نیز امری عادی تلقی شده و در مجامع همین کافران، انتظار اجرای آن می‌رفت. فعالیت‌های جنسی انسان قرار بود که به منظور حفظ سلامت و باروری جامعه انجام گردد.

۱۵:۲ "پس توبه کن" به یادداشت مکاشفه ۲:۵ رجوع شود.

□ "وگر نه به زودی نزد تو خواهیم آمد و با شمشیر دهانم با آنها خواهیم جنگید" این یک جمله دستوری فعال آنوریستی است. در رابطه با توبه تأکید زیادی هنوز در جریان است (مکاشفه ۲:۵، ۱۶، ۲۲؛ ۳:۳، ۱۹). عبارت "خواهم آمد" می‌تواند اشاره به داوری موقت بر کلیسا یا آمدن دوم مسیح برای داوری بر دنیا تعبیر شود. این نکته حائز اهمیت است که کلیسا به دلیل گناهان برخی، بطور کلی به توبه فرا خوانده گردید (مکاشفه ۳:۳؛ ۲۰:۲؛ ۲ قرنیتان ۱۴:۷)، در غیر اینصورت تبعات آن شامل تنبیه همگی خواهد شد! به موضوع خاص بازگشت زود در مکاشفه ۱:۲ مراجعه نمایید.

۱۷:۲ "به او از آن منای مخفی خواهیم داد" منّا توشه فوق‌العاده خداوند برای فرزندان قوم بنی اسرائیل در طول دوره آوارگی در بیابان بوده است (خروج ۱۶:۱۴-۱۵، ۳۱؛ مزمور ۱۷:۷۸-۳۳؛ بویژه مکاشفه ۲:۲۴). ده‌ها نظریه در رابطه با تفسیر این عبارت مرموز وجود دارد:

۱. می‌تواند اشاره به صندوقچه عهد که برای پنهان کردن ارمیا از کوه نبو آورده شده بود، داشته باشد (II Maccabees 2:4-8) زیرا که شامل کوزه‌های منا بود (خروج ۱۶:۳۲-۳۴؛ عبرانیان ۹:۴).

۲. می‌تواند اشاره به خوراک عهد جدید رستگاری داشته باشد (II Baruch 29:8).

مرجع دقیق آن مشخص نیست اما روشن است که اشاره به عصر جدید معنوی که توسط مسیح گشوده شد دارد. برخی تصریح کرده‌اند که بدلیل آیات ۳۱-۳۵ در کتاب یوحنا، منای مخفی اشاره به شخص عیسی دارد. این مثال خوبی از دشواری ترجمه جزعیات این کتاب است که شنونده‌های معاصر آن را درک می‌کردند، اما مرجع دقیق از بین رفته است.

□ "به او سنگی سفید خواهیم بخشید" این سنگ که *Tessera* نامیده می‌شد، در شرق نزدیک باستان موارد مصرف متعددی داشت.

۱. مجوز ورود به بزم‌های خاص

۲. رأی تهرئه توسط هیئت‌های منصفه در دادگاه

۳. نماد پیروزی برای یک ورزشکار

۴. نمایش آزادی یک برده

در این متن، شماره یک بنظر بهترین گزینه است که اشاره به بزم مسیحایی دارد (موضوعی رایج در ادبیات آخرزمانی یهود).

□ "که بر آن نام تازه‌ای حک شده است، نامی که جز بر آن که دریافتش می‌کند، شناخته نیست" این نام جدید ظاهراً نماد عصر جدید یا یک لقب برای مسیح است (اشعیا ۵۶:۵؛ ۶۲:۲؛ ۶۵:۱۵)؛ به موضوع خاص: مسیح در مکاشفه ۱:۱ رجوع کنید.

^{۱۸} «به فرشته کلیسای تیاتیرا بنویس: «پسر خدا که چشمانی چون آتش مشتعل دارد و پاهایی چون برنج تافته، چنین می گوید: ^{۱۹} من از اعمال تو، از محبت و باورمندی و خدمت و پایداری تو آگاهم، و آگاهم که اعمال تو اکنون بیش از گذشته است. ^{۲۰} اما این ایراد را بر تو دارم که بر آن زن ایزابل نام که خود را نبیه می خواند، آسان می گیری. هم او که با تعلیم خود بندگان مرا می فریبد تا دست به بی عفتی بیالیند و از خوراک تقدیمی به بتها بخورند. ^{۲۱} به او مهلت داده ام تا از هرزگی توبه کند، اما به توبه تمایل ندارد. ^{۲۲} پس او را به بستر رنجوری خواهم افکند و آنان را که با او زنا می کنند به رنجی عظیم گرفتار خواهم کرد، مگر اینکه از رفتن به راههای او توبه کنند. ^{۲۳} و فرزندان او را به هلاکت خواهم رساند. آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که من کاوشگر دلها و افکارم و به هر یک از شما بر حسب اعمالش پاداش خواهم داد. ^{۲۴} اما به بقیه شما در تیاتیرا، به شما که پیرو این تعلیم نیستید و به اصطلاح 'اسرار نهانی شیطان' را بناموخته اید، این را می گویم که بر شما باری بیش از آنکه بر دوش دارید، نمی گذارم. ^{۲۵} تنها به پاسداری از آنچه دارید بکوشید تا من بیایم. ^{۲۶} هر که غالب آید و اعمال مرا تا به آخر نگاه دارد، او را بر ملتها اقتدار خواهم بخشید، ^{۲۷} «با عصای آهنین بر آنان حکم خواهد راند؛ و آنان را چون کوزه سفالین خرد خواهد کرد،» همان گونه که من این اقتدار را از پدرم یافته ام. ^{۲۸} آری، به او ستاره صبح را خواهم بخشید. ^{۲۹} آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید.

۲: ۱۸ "پسر خدا" اشاره به عیسی به عنوان "پسر" بسیار رایج است. رایجترین عنوان با استفاده از استعاره، "پسر انسان" بود، که عنوان انتخابی عیسی بود. عبارت دیگر "پسر خدا" بود که اسم اختصاصی برای عیسی در نوشته های یوحنا بوده است (یوحنا ۱: ۳۴، ۴۹؛ ۵: ۲۵؛ ۹: ۳۵؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴؛ ۱۹: ۹، ۲۰؛ ۳۱؛ ۱۰: ۳؛ ۱۵: ۴؛ ۱۵: ۵؛ ۱۰: ۱۲، ۱۳، ۲۰). کاربرد سوم "پسر" در کتاب عبرانیان دیده می شود (عبرانیان ۱: ۲؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸؛ ۷: ۲۸) در جاییکه عیسی با یک خدمتکار اختلاف داشت (موسی، پیامبران). او عضو کامل خانواده در کنار پدر است.

این از عباراتی که فصل ۱ به جزئیات می پردازد نیست. این واژه، مثل "زاده از باکره"، بصورت اضافه توسط نویسندگان عصر جدید به بکار برده شده است. احتمالاً دلیل آن سوتفاهم شنونده های کافری که فوراً این واژگان را به کاربرد آن در مراسم کفرآمیز خود ارتباط می دادند، بوده است. خدایان و الهه های هومر اغلب بمنظور زاد و ولد با انسان ها فعالیت های جنسی داشتند.

موضوع خاص: پسر خدا

(Special Topic: The Son Of God)

این یکی از القاب اصلی عیسی در عهد جدید است. مطمئناً مفهومی الهی دارد. این لقب عیسی "پسر" یا "پسر" را هم شامل می کند، همچنین خدا به عنوان "پدر" خطاب می شود (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه کنید). بیش از ۱۲۴ مرتبه این لقب در عهد جدید تکرار شده است. حتی وقتی عیسی خودش را "پسر انسان" معرفی می کند، بر طبق دانیال ۷: ۱۳ الی ۱۴، باز هم مفهوم الهی دارد. در عهد عتیق اصطلاح "پسر" به چهار رده خاص اشاره می کند (به موضوع خاص: پسر... مراجعه شود).

A. فرشتگان (معمولاً به صورت جمع به کار می رود، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۶، ایوب ۱: ۶، ۱: ۲۱)

B. پادشاه اسرائیل (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷: ۱۴، مزبور ۷: ۲، ۲۶: ۸۹ الی ۲۷)

C. مردم اسرائیل به صورت کل (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۲: ۴ الی ۲۳، تثنیه ۱: ۱۴، هوشع ۱: ۱۱، ملاکی ۱: ۱۰)

D. داوران اسرائیلی (مراجعه شود به مزبور ۶: ۸۲)

مفهوم دوم که به عیسی مرتبط است، بدین ترتیب، "پسر داوود" و "پسر خدا" هر دو با دوم سموئیل ۷، مزبور ۲ و ۸۹ مرتبط می شوند. در عهد عتیق "پسر خدا" هرگز به صورت مشخص و صریح در مورد مسیح به کار نرفته است، به جز بصورت پادشاه اسکاتولوژیک به عنوان یکی از "تدهین شدگان" اسرائیل. با این وجود، در کتیبه بحر المیت، لقب مسیح یک دلالت عمومی دارد (به مراجع خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels*). صفحه ۷۷۰ مراجعه شود. همچنین، "پسر خدا" یک لقب مسیحی در دو اثر یهودی بنیادی در مورد مکاشفه یوحنا است (مراجعه شود به دوم اسداریس ۷: ۲۸، ۱۳: ۳۲ و ۳۷ و ۵۲، ۱۹: ۱۴ و اول انوش ۲: ۱۰۵).

زمینه عهد جدیدی آن، چنان که به عیسی اشاره می کند را می توان به بهترین شکل در چند گروه خلاصه کرد:

۱. از قبل وجود داشتن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵ الی ۳۰، ۵۶: ۸ الی ۵۹، ۲۸: ۱۶، ۵: ۱۷، دوم قرنتیان ۹: ۸، فیلیپیان ۲: ۶ الی

۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱: ۳، ۵: ۱۰ الی ۸)

۲. تولد منحصر به فرد بودنش (از یک باکره) (مراجعه شود به اشعیا ۷: ۱۴، انجیل متی ۱: ۲۳، انجیل لوقا ۱: ۳۱ الی ۳۵)

۳. تعمیدش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۳، انجیل مرقس ۱: ۱۱، انجیل لوقا ۲۲: ۳، صدای خدا از بهشت که پادشاه مزبور ۲ را با

خدمتگزار رنج دیده اشعیا ۵۳ متحد میسازد)

۴. وسوسه‌های شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱:۱۲ و ۱۳، انجیل لوقا ۴:۱ الی ۱۳. او وسوسه شد تا نسبت به فرزندی خود تردید کند یا حداقل ماموریت خود را به شیوه دیگری غیر از مصلوب شدن انجام دهد)
۵. تأیید او توسط اعتراف کنندگان غیر قابل قبول
- a. شیاطین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۳ الی ۲۵، انجیل لوقا ۴:۳۱ الی ۳۷ و ۴۱، انجیل مرقس ۳:۱۱ و ۱۲، ۵:۷، به موضوع خاص: شیطان (روح ناپاک) مراجعه شود)
- b. بی‌ایمانان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۴۳، انجیل مرقس ۱۴:۶۱، انجیل یوحنا ۱۹:۷)
۶. تأیید او توسط شاگردانش
- a. انجیل متی ۱۴:۳۳، ۱۶:۱۶
- b. انجیل یوحنا ۱:۳۴ و ۴۹، ۶:۶۹، ۱۱:۲۷
۷. تأیید او توسط خودش
- a. انجیل متی ۱۱:۲۵ الی ۲۷
- b. انجیل یوحنا انجیل یوحنا ۳۶:۱۰
۸. استفاده‌های استعاره‌ای او در مورد خدا به عنوان پدر
- a. استفاده او از *abba* برای خدا
- (۱) انجیل مرقس ۱۴:۳۶
- (۲) رومیان ۸:۱۵
- (۳) غلاتیان ۴:۶
- b. استفاده مکرر او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه خودش با خدا

به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای آنان که عهد عتیق و وعده‌هایش و طبقه‌بندی‌هایش را می‌دانند، مفهوم الهیاتی عظیمی دارد، ولی نویسندگان عهد جدید نسبت به استفاده آن توسط پیروان سایر ادیان به واسطه سابقه شرک آنان در مورد "خدایان" که با زنان صحبت می‌کردند که نتیجه آن تایتان‌ها و ژیان‌ها بودند، نگران بودند.

□ "که چشمانی چون آتش مشتعل دارد و پاهایی چون برنج نافته" این نیز عنوان دیگری برای عیسی برگرفته از مکاشفه ۱:۱۴، ۱۵ است. این عبارات اشاراتی هستند به دانیال ۶:۱۰ که اصالت عیسی را آسمانی نشان می‌دهند. این امکان وجود دارد که در ارتباط با تیاتیرا بکار برده شده‌اند زیرا این شهر به دلیل محصولات برنجی شهرت داشت.

۱۹:۲ این آیه اقرار عیسی به بشارت ایمانداران تیاتیرا است. آنها در امور مربوط به پادشاهی فعال بوده و بیشتر نیز فعالیت می‌کردند. این تأییدیه، در عین حال، بحث بدعت در مکاشفه ۲:۲۰ را توجیه نمی‌کند.

۲۰:۲ "اما این ایراد را بر تو دارم که بر آن زن ایزابل نام که خود را نبیه می‌خواند، آسان می‌گیری" این آیه اشاره به ایزابل در اول پادشاهان ۱۶:۳۱-۳۳؛ دوم پادشاهان ۹:۲۱-۲۲ دارد. Alexandrinus (MSSA) اضافه می‌کند "تو" در کنار ایزابل، سخن از این دارد که ایزابل احتمالاً همسر کاهن آن کلیسا یا یک رهبر فعال کلیسا بوده است. آموزه‌های او (مکاشفه ۲:۲۰) شبیه بلعیمیان در مکاشفه ۲:۱۴ و نیکولائیان در مکاشفه ۲:۱۵ هستند.

ایزابل به دلیل این که یک نبیه بود، مترود نشد. نمونه‌های زیادی از رهبرانی الهی زن در انجیل وجود دارند:

۱. مریم، خروج ۲۰:۱۵
۲. دبوره، داوران ۴:۴
۳. خُلْدَة، پادشاهان ۱۴:۲۲
۴. حَنَّا، لوقا ۲:۳۶
۵. دختران فیلیپس، اعمال رسولان ۹:۲۱
۶. فیبی، رومیان ۱:۱۶

موضوع خاص: زنان در انجیل

(Special Topic: Women in The Bible)

I. عهد عتیق

A. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می شدند

۱. در لیست اموال ثبت می شدند (خروج ۱۷: ۲۰)
۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۷ الی ۱۱)
۳. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۰ الی ۱۴، ۲۱: ۱۰ الی ۱۴)

B. همدلی عملا وجود داشت

۱. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
۲. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۲۰: ۱۲، تثنیه ۵: ۱۶)
۳. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۱۹: ۳، ۲۰: ۹)
۴. زنان و مردان می توانند ناصری باشند (اعداد ۱: ۶ الی ۲)
۵. دختران حق ارث دارند (اعداد ۱: ۲۷ الی ۱۱)
۶. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۲۹: ۱۰ الی ۱۲)
۷. مشاهده تعلیم پدر و مادر (امثال ۱: ۸ و ۶: ۲۰)
۸. پسران و دختران Heman (خانواده لاوی) موسیقی معبد را رهبری می کردند (اول تواریخ ۵: ۲۵ الی ۶)
۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می کنند (یوئیل ۲: ۲۸ الی ۲۹)

C. زنان نقش رهبری داشتند

۱. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۱۵: ۲۰ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۴: ۶ توجه کنید)
۲. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه‌های جشن خیمه‌ها را ببافند (خروج ۳۵: ۲۵ الی ۲۶)
۳. یک زن متاهل، بنام دبوراه، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴: ۴) و تمامی قبایل را رهبری می کرد (داوران ۴: ۴ الی ۵، ۷: ۵)
۴. هلدا پیامبره‌ای بود که شاه بوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۱۴: ۱۴، ۲۲: ۱۴)
۵. دوم تواریخ ۳۴: ۲۲ الی ۲۷)
۵. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

II. عهد جدید

A. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)

B. زنان نقش رهبری داشتند

۱. الیزابت و مریم الهه‌هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)
۲. آنا، الهه، در معبد خدمت می کرد
۳. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۶: ۱۴ و ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند
۵. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱: ۱۶)
۶. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، رومیان ۳: ۱۶)
۷. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهران نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۶: ۱۶ الی ۱۶)
۸. جونیا (KJV) احتمالا یک زن شاگرد بود (رومیان ۷: ۱۶)
۹. ائودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳)

III. چگونه یک مومن عصر مدرن در مثالهای انجیلی تعادل برقرار می کند

A. چگونه فرد می تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی مومنین تمام عصرها؟

۱. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.
۲. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته‌اند سروکار داشته باشیم.

a. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی‌ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)

b. یهودیت قرن اول

c. اظهارات پولس در اول قرن‌تیبان که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است

۱) سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تیبان ۶)

۲) برده باقی ماندن (اول قرن‌تیبان ۲۰:۷ الی ۲۴)

۳) امتناع از ازدواج (اول قرن‌تیبان ۱:۷ الی ۳۵)

۴) باکره‌ها (اول قرن‌تیبان ۷:۳۶ الی ۳۶)

۵) قربانی کردن غذا برای بت (اول قرن‌تیبان ۸، ۲۳:۱۰ الی ۳۳)

۶) کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تیبان ۱۱)

۳. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم، ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص خطاب شد.

B. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از شبانهایی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا مبشرین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تیبان ۱۴:۳۴ الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲:۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعاهای عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرفهای پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تیبان ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تیبان ۵:۱۱ به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴:۳۴ الی ۳۵ از آنان می‌خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۶) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹:۲۱) وجود داشته‌اند. این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود) محدود به قرن‌تیس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه شود به Bruce Winter, *After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد. روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایبی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری زنان آیا خدا مفتخر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به‌کندی داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیت‌های فرهنگی به اینها ریشخند بزنند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌تیس یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کارزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

C. منابعی برای مطالعات بیشتر

۱. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77)

۲. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee

۲۱:۲ شفقت خداوند و صبر بهمراه عدالت در مکاشفه ۲:۲۱-۲۳ مشهود هستند (رومیان ۵:۲).

۲۲:۲ "پس او را به بستر رنجوری خواهم افکند" این ریشخند اشاره به بستر زنای او دارد (آموزه‌هایی درباره بی‌عفتی)

□ "رنجی عظیم" به موضوع خاص رنج در مکاشفه ۲:۹ و بخش بزرگ پایانی در مکاشفه ۷:۱۴ رجوع نمایید.

□ "مگر اینکه از رفتن به راههای او توبه کنند" این جمله شرطی نوع سوم است که اشاره به اعمال احتمالی آینده دارد ولی بصورت تصادفی.

۲۳:۲ "و فرزندان او را به هلاکت خواهم رساند" این آیه اشاره اشاره به پیروان او دارد نه به فرزندان حقیقی او (مکاشفه ۲:۲۲؛ یوحنا ۱:۱).

□ "آنگاه همهٔ کلیساها خواهند دانست" این بخش نشان می‌دهد که هفت نامه باید خوانده شده و حقیقت آن توسط تمام کلیساها اعمال می‌گردید، چه در آن زمان چه اکنون. برای "کلیسا" به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۴ رجوع نمایید.

□ "من کاوشگر دلها و افکارم" کتاب مقدس تصریح می‌کند که خداوند به تمام محرکه‌ها و افکار انسان‌ها آگاهی دارد (مزموز ۷:۹؛ ۲۶:۲؛ ۳۹:۱؛ امثال ۲۴:۱۲؛ ارمیا ۱۱:۲۰؛ لوقا ۱۶:۱۵؛ اعمال رسولان ۱:۲۴؛ عبرانیان ۴:۱۲-۱۳؛ ۸:۲۷).

موضوع خاص: قلب

(Special Topic: The Heart)

اصطلاح یونانی *kardia* در نسخه یونانی انجیل استفاده شده است که منعکس کننده اصطلاح عبری *lēb* (BDB 523, KB 513) است. از این اصطلاح به چندین شیوه استفاده می‌شود (مراجعه شود به Bauer, Arndt, Gingrich and Danke, *A Greek-English Lexicon*, چاپ دوم، صفحات ۴۰۳ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی انسان، به صورت استعاره برای فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۷:۱۴، دوم قرن‌تین ۲:۳ الی ۳، یعقوب ۵:۵)

۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاق)

a. خدا قلب را می‌شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۵:۱۶، رومیان ۸:۲۷، اول قرن‌تین ۲۵:۱۴، اول تسالونیکیان ۴:۲، مکاشفه ۲:۲۳)

b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸:۱۵ الی ۱۹، ۳۵:۱۸، رومیان ۱۷:۶، اول تیموتائوس ۵:۱، دوم تیموتائوس ۲:۲۲، اول پطرس ۲:۲۲)

۳. مرکز تفکر زندگی (هوش، مراجعه شود به انجیل متی ۱۵:۱۳، ۲۴:۴۸، اعمال رسولان ۷:۲۳، ۱۴:۱۶، ۲۷:۲۸، رومیان ۱:۲۱، ۶:۱۰، ۱۸:۱۶، دوم قرن‌تین ۶:۴، افسسیان ۱:۱۸، ۱:۱۸، یعقوب ۲۶:۱، دوم پطرس ۱۹:۱، مکاشفه ۷:۱۸، در دوم قرن‌تین ۱۴:۳ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴:۷ قلب مترادف با ذهن است).

۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴:۵، ۲۳:۱۱، اول قرن‌تین ۵:۴، ۳۷:۷، دوم قرن‌تین ۷:۹)

۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۵، اعمال رسولان ۲۶:۲ و ۳۷، ۷:۵۴، ۲۱:۱۳، رومیان ۲۴:۱، دوم قرن‌تین ۴:۲، ۳:۷، افسسیان ۲۲:۶، فیلیپیان ۱:۷)

۶. مکان منحصر به فرد فعالیت روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۵:۵، دوم قرن‌تین ۲۲:۱، غلاطیان ۶:۴، عیسی در قلب ما، افسسیان ۳:۱۷)

۷. قلب یک شیوه استعاره‌ای برای اشاره به یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۳۷:۲۲، نقل از تثنیه ۵:۶). افکار، انگیزه‌ها، و اعمال وابسته به قلب به صورت کامل ماهیت فرد را آشکار می‌کنند. عهد عتیق کاربردهای خاصی برای این اصطلاحات دارد

a. پیدایش ۶:۶، ۸:۲۱، "خدا قلبش اندوهگین شد"، همچنین به یوشع ۸:۱۱ الی ۹ توجه کنید

b. تثنیه ۴:۲۹، ۵:۶، ۱۰:۱۲، "با تمام روح و قلبت"

c. تثنیه ۱۰:۱۶، ارمیا ۲۶:۹، "قلب غیر یهودی" و رومیان ۲:۲۹

d. حزقیال ۱۸:۳۱ الی ۳۲، "یک قلب نو"

e. حزقیال ۳۶:۲۶، "یک قلب نو" در مقابل "قلبی از سنگ" (مراجعه شود به حزقیال ۱۹:۱۱، زکریا ۱۲:۷)

□ «و به هر یک از شما بر حسب اعمالش پاداش خواهیم داد» این حقیقت روحانی در غلاطیان ۶:۷ به روشنی توضیح داده شده است. ما هر آنچه را که بکاریم درو می‌کنیم. قاعده اصلی سخن از رستگاری حاصل از تلاش انسان ندارد (افسسیان ۲:۸-۹)، بلکه از کسانی می‌گوید که خداوند را در راه عیسی، زندگی عیسوی، عشق و خدمت به مردم دیده‌اند (۳:۱۲؛ متی ۲۵:۱-۴۶؛ افسسیان ۲:۱۰).

این یک اصل عرفانی است. خداوند، عفت و اخلاق است و خلقتش هم بر همین مبنی می‌باشد. انسان‌ها خود را در معیارهای خداوند قرار می‌دهند. ما هر چه بکاریم درو می‌کنیم. این برای ایمانداران (اما تأثیری در رستگاری ندارد) و بی‌ایمانان حقیقتیست (ایوب ۴۳:۱۱؛ مزمور ۲۸:۴؛ ۶۲:۱۲؛ امثال ۲۴:۱۲؛ جامعه ۱۲:۱۴؛ ارمیا ۱۷:۱۰؛ ۳۲:۱۹؛ متی ۲۷:۱۶؛ ۳۱:۲۵-۴۶؛ رومیان ۲:۶؛ ۱۴:۱۲؛ ۱۲:۱۴؛ ۱۳:۸؛ ۲۳:۵؛ ۱۰:۵؛ غلاطیان ۶:۷-۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱۴؛ ۱ پطرس ۱:۱۷؛ مکاشفه ۲:۲۳؛ ۲۰:۱۲؛ ۲۲:۱۲).

۲۴:۲ «اسرار نهانی شیطان» در رابطه با این عبارت ده‌ها نظریه وجود دارد. می‌تواند اشاره به هریک از موارد زیر داشته باشد:

۱. به عبارتی از ایزابل و پیروانش
۲. به تأکیدات معلمان دروغین عرفانی بر دانش
۳. به شروع تشریفات ادیان مرموز در زمان امپراطوری روم
۴. به شیوه‌ای ضد و نقیض، به «دولت و حکمت و علم ژرف خدا» (رومیان ۱۱:۳۳؛ ۱۳:۱۱؛ ۱۳:۳؛ افسسیان ۳:۱۸)

□ «بر شما باری بیش از آنکه بر دوش دارید، نمی‌گذارم» این اثبات وجود ایمانداران حقیقی در شهر تیاتیرا است. آنها دارای ایمانی فعال و خشن بودند (مکاشفه ۲:۱۹).

۲۵:۲ «بکوشید تا من بیایم» پیروان مسیح باید همواره در دوران کفر، بی‌عاطفگی و آزاری که متحمل می‌گردند استقامت (مکاشفه ۲:۲۰) بخرج دهند. این یک دستور است (ضمیر فعال آنورستی). عیسی در راه است؛ او بزودی خواهد آمد (مکاشفه ۲:۱۵؛ ۷:۲۲، ۲۰). این امید و مشوق همه نسل‌های مسیحیان است.

۲۶:۲-۲۷ این آیات اشاره به مزامیر ۲:۸-۹، احتمالاً به اشعیا ۳۰:۱۴ و ارمیا ۱۹:۱۱ دارند. عیسی پادشاه مسیحایی است. پادشاهی او با قدرت تمام در سرتاسر جهان در حال آمدن است. پیروان او خواهند دید که تمام آن مشقاتی که تحمل کردند، ارزش دیدار او را داشت!

۲۶:۲ «ملت‌ها» بکار بردن این واژه از عهد عتیق اشاره به آن گروه‌هایی دارد که خارج از پیمان یهوه هستند (آیه ۷:۹ استثنا است). این راهی شد برای اشاره به مردمان گناهکار و بی‌خدا (مکاشفه ۲:۲۶؛ ۵:۹؛ ۱۰:۱۱؛ ۱۱:۲، ۹، ۱۸؛ ۱۲:۵؛ ۱۳:۷؛ ۱۴:۶، ۸؛ ۱۶:۱۹؛ ۱۷:۱۵؛ ۱۸:۳، ۲۳؛ ۱۹:۱۵؛ ۲۰:۸).

۲۷:۲ «همان‌گونه که من این اقتدار را از پدرم یافته‌ام» از قبل تمام اختیارات به عیسی داده شده است (مزامیر ۲؛ متی ۲۸:۱۸؛ فیلیپیان ۲:۹-۱۱). پادشاهی عیسی مهیا بود اما بحد کمال نرسیده بود.

اشارات عهد عتیق در آیه ۲۷ از مزمور ۸:۲ ابتدا به ساکن اشاره به مسیح منجی دارد (مکاشفه ۱۲:۵؛ ۱۵:۱۹)، اما در اینجا برای ایماندارانی که اعتمادشان را در گرو عیسی مسیح می‌گذارند بکار برده شده است. آنها با او پادشاهی می‌کنند. به موضوع خاص در مکاشفه ۵:۱۰ مراجعه نمایید.

۲۸:۲ «به او ستارهٔ صبح ۲۸:۲ احتمالاً نشانهٔ پیروزی است. را خواهیم بخشید» برای تفسیر این عبارت گمان‌های متعددی وجود دارد:

۱. اشاره به یک استعاره درباره عیسی (مکاشفه ۲۲:۱۶)
۲. اشاره به همنشینی نزدیک با عیسی و آگاهی زیاد از او (۲ پطرس ۱:۱۹)
۳. اشاره به قیام از مردگان (دانیال ۳:۱۲)
۴. اشاره به ارتش مسیح که در اعداد ۱۷:۲۴ ذکر آن به میان آمد
۵. اشاره به شعف قوم خدا (ایوب ۳۸:۷)
۶. اشاره به عباراتی که درباره شیطان در اشعیا ۱۴:۱۲ بکار برده شد، اما اکنون برای عیسی گفته می‌شود

۲۹:۲ به یادداشت مکاشفه ۷:۲ مراجعه شود

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۳:۱-۶

«و به فرشتهٔ کلیسای ساردس بنویس: «آن که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد، چنین می‌گوید: از اعمال تو آگاهم. آوازهٔ زنده بودن بلند است، اما مرده‌ای. بیدار شو و آنچه را بازمانده و در آستانهٔ مرگ است، استوار گردان! چرا که اعمال تو را نزد خدایم کامل نیافتیم. پس آنچه را یافته و شنیده‌ای، به یاد آر؛ آن را نگاه دار و توبه کن. اگر بیدار نشوی، دزدانه به سراغت خواهیم آمد و تو آن ساعت را که به سراغت می‌آیم،

نخواهی دانست. ^۴ «اما تئی چند هنوز در ساردِس داری که دامنُ آلوده نکرده‌اند. اینان جامهٔ سفید در بر، با من گام خواهند زد، زیرا که شایسته‌اند. ^۵ هر که غالب آید، اینچنین به جامهٔ سفید آراسته خواهد شد و نامش را هرگز از دفتر حیات نخواهم زدود، بلکه آن را در حضور پدرم و فرشتگانش بر زبان خواهم آورد. ^۶ آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

۱:۳ "کلیسا" به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۱ مراجعه نمایید.

□ "آن که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد" این آیه اشاره دیگری به جلال عیسی مسیح دارد (مکاشفه ۴:۱، ۱۶، ۲۰). هفت ستاره اشاره به کلیساها و رهبران آن در آیه ۱:۲۰ کتاب مکاشفه دارد، هفت روح می‌تواند استعاره باشد زیرا در مکاشفه ۵:۴ آنها با هفت چراغدان مرتبط شده‌اند که در مکاشفه ۱:۲۰ نیز در اشاره به کلیساها ذکر گردیده‌اند. این هفت روح خدا همچنین در مکاشفه ۵:۶ بعنوان مشخصات بره ذکر گردیده‌اند. به موضوع خاص هفت روح در مکاشفه ۴:۱ رجوع نمایید.

□ "از اعمال تو آگاهم" عیسی به نقاط ضعف و قوت کلیساهایش آگاهی داشت (مکاشفه ۲:۲، ۱۹، ۳:۸، ۱:۱۵).

NASB, NKJV	"که تو صاحب نام و زنده‌ای"
NRSV	"آوازهٔ زنده بودن بلند است"
TEV	"که تو سابقه‌ی زنده بودن داشته‌ای"
NJB	"که چگونه شهیر به زنده بودن هستی"

مکاشفه‌ای ویرانگر بود. آنها تصور می‌کردند که کارشان در راه خدا بوده، و به لحاظ معنوی خدا را خشنود می‌کردند (اشعیا ۱۳:۲۹؛ رومیان ۲:۱۹-۲۰؛ کولسیان ۲:۱۶-۲۳؛ ۲ تیموتائوس ۳:۵)، ولی در واقع چنین نبود!

۲:۳

NASB, NRSV	
TEV, NJB	"بیدار شو"
NKJV	"هشیار باش"

این عبارت حال میانی دستوری (با وجه وصفی فعال حال) است، دقیقاً بمنعنی "هشیار بودن و مراقب بودن" است. این اولین از پنج عبارت دستوری یافت شده در آیات ۲ و ۳ است. عیسی فرمان می‌دهد که کلیسا باید به مراقب بودن ادامه دهد!

NASB, NKJV	"آنچه را بازمانده و در آستانهٔ مرگ است، استوار گردان"
NRSV	"هر چه را که بازمانده استوار گردان"
TEV	"هر چه که داری استوار گردان"
NJB	"برای رفع، هر چه زور در بدن مانده بکار گیر"

این جمله دستوری فعال آئوریستی است. آنان اکنون باید شروع به کار کرده و برای حفظ باقیمانده ایمان در حال مرگشان تلاش می‌کردند.

□ "چرا که اعمال تو را نزد خدایم کامل نیافتیم" اولین فعل، حال کامل اخباری است. آنان ممکن است ظاهر روحانی داشته باشند (اشعیا ۱۳:۲۹)، اما میزان اعتقادات مذهبی آنان بیشتر شبیه آنچه است که در متی ۷:۲۱-۲۳ و کولسیان ۲:۱۶-۲۳ دیده می‌شود.

عبارت "کامل" به معنی "بالغ، تکمیل، مجهز شده برای انجام امور محول شده" است. آنان اجازه نداده بودند که ایمانی را که خدا برایشان شروع کرده بود، با اتمام برسانند (فیلیپیان ۱:۶).

۳:۳ "آنچه را یافته و شنیده‌ای، به یاد آر" این جمله دستوری حال کامل بدنبال یک جمله اخباری حال کامل و یک حال اخباری آئوریستی آمده است. این امر اشاره به انجیلی داشته که آنان شنیده و در حال فراگیری آن هستند. مسیحیت فقط یک تصمیم نیست، بلکه رابطه و مدل زندگی است. مسیحیت شامل باور داشتن به یک پیام و پذیرش یک فرد است. نتیجه آن تغییر ذاتی و زندگی یک فرد توبه کننده (فعال دستوری آئوریستی، مکاشفه ۳:۳) و اطاعت (حال فعال دستوری، مکاشفه ۳:۳) است.

□ "نگاه دار" دستوری حال کامل، فرمانی است که هم همچنان ادامه دارد.

□ "توبه کن" دستوری آئوریستی کامل که از یک توبه کامل سخن می‌گوید. به یادداشت مکاشفه ۵:۲ رجوع شود.

□ "اگر بیدار نشوی" این یک جمله شرطی از نوع سوم است همچون آیه ۲:۲۲. عمل آن بالقوه، و وابسته به عکس‌العمل آنها به فرمان عیسی است، اما قطعی نیست.

□ "دزدانه به سراغت خواهیم آمد" این عبارت اغلب درباره بازگشت دوم بکار برده می‌شود (متی ۲۴:۴۳-۴۴؛ لوقا ۱۲:۳۹-۴۰؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲-۴؛ ۲ پطرس ۳:۱۰؛ مکاشفه ۱۶:۱۵). با اینحال، در این متن ظاهراً اشاره با داوری موقت این کلیسا دارد.

□ ۴:۳ "تنی چند هنوز در ساردس داری که دامن آلوده نکرده‌اند" پوشیدن و در آوردن لباس بعنوان استعاره‌ای برای زندگی مسیحیان بکار برده شده است (افسیسیان ۴:۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۱؛ کولسیان ۳:۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴؛ عبرانیان ۱:۱۲؛ یعقوب ۱:۲۱؛ ۱ پطرس ۲:۱). برخی از مسیحیان با فرهنگ کفار مصالحه نمودند.

□ "اینان جامه سفید در بر، با من گام خواهند زد" لباس سفید بعنوان نماد پاکی و یا پیروزی بکار برده شده است. مکاشفه ۳:۴-۵، ۱۸، ۶:۱۱؛ ۷:۹، ۱۴-۱۳؛ ۱۹:۱۴. عبارت "گام زدن" اغلب بصورت تشبیه و استعاره در زندگی مسیحیان بکار برده می‌شود (مکاشفه ۳:۵؛ ۲۴:۲۱؛ یوحنا ۱:۶، ۲:۶؛ ۳ یوحنا ۳-۴).

□ ۵: "هر که غالب آید" به هر کسی که بتواند غلبه کند، چهار چیز داده می‌شود.

۱. آنها در کنار مسیح راه خواهد رفت (مکاشفه ۳:۴)

۲. آنها به لباس سفید خواهند پوشید

۳. نام آنها هرگز از دفتر حیات حذف نخواهد شد

۴. مسیح موعود آنها را در حضور خود و خدا و فرشتگان خواهد پذیرفت

به موضوع خاص استقامت در مکاشفه ۲:۲ رجوع نمایید.

□ "نامش را هرگز از دفتر حیات نخواهم زدود" این جمله منفی قوی است. وقتی شهروندان از دنیا می‌روند، نام آنها از طومارهای شهر پاک می‌گردد اما خدا هرگز نام ایمانداران را از طومارهایش حذف نخواهد کرد. عبارت استعاره‌ای "دفتر حیات" نیز در مکاشفه ۲۰:۱۲-۱۵ یافت می‌شود، در جایی که دو کتاب ذکر گردیده‌اند:

۱. دفتر حیات از اسامی قوم خدا درست شده است (خروج ۳۲:۳۲-۳۳؛ مزمور ۶۹:۲۸؛ اشعیا ۴:۳؛ دانیال ۱۲:۱؛ لوقا ۱۰:۲۰؛ فیلیپیان ۴:۳؛

عبرانیان ۱۲:۲۳؛ مکاشفه ۸:۱۳؛ ۸:۱۷؛ ۸:۲۰؛ ۱۲:۱۵؛ ۲۱:۲۷)

۲. دفتر اعمال یا یادبودها که اعمال گناهکاران و رستگاران را ثبت می‌کند (مزمور ۵۶:۸؛ ۱۳۹:۱۶؛ اشعیا ۵۶:۶؛ ملاکی ۳:۱۶)

در رابطه با موضوع دفتر به یادداشت مکاشفه ۵:۱ رجوع نمایید.

□ "آن را در حضور پدرم و فرشتگانش بر زبان خواهم آورد" در حالیکه ایمانداران اعتراف کنند که عیسی خداوند است ("اگر به زبان خود اعتراف کنی"، رومیان ۹:۱۰-۱۳)، او نیز در حضور پدر اعتراف خواهد کرد (متی ۱۰:۳۲؛ لوقا ۱۲:۸).

"اعتراف" از واژه یونانی *exomologeō* گرفته شده است. این واژه در سه حالت استفاده شده است:

۱. اعتراف به گناهان در حضور خدا و در ملاعام و حضور دیگران (متی ۳:۶؛ مرقس ۱:۵؛ اعمال رسولان ۱۹:۱۸؛ یعقوب ۵:۱۶)

۲. اعتراف به ایمان به راه عیسی مسیح در ملاعام (فیلیپیان ۲:۱؛ و احتمالاً رومیان ۱۴:۱۱)

۳. پرستش خداوند در ملاعام (متی ۱۱:۲۵؛ لوقا ۱۰:۲۱؛ رومیان ۱۴:۱۱؛ اشعیا ۴۵:۲۳؛ ۹:۱۵ [مزمور ۱۸:۴۹])

لغت یونانی مرتبط *homologeō* نیز در موارد مشابهی بکار برده می‌شد

۱. اعتراف به گناه (یوحنا ۱:۹)

۲. اعتراف به ایمان به راه مسیح (متی ۱۰:۳۲؛ لوقا ۱۰:۳۲؛ یوحنا ۹:۲۲ [بصورت منفی، یوحنا ۱:۲۰؛ ۱۲:۴۲])

۳. تأیید داشتن اعتقاد به هر چیزی (اعمال رسولان ۲۳:۸؛ ۲۴:۱۴؛ عبرانیان ۱۲:۱۳).

موضوع خاص: اعتراف/اقرار

(Special Topic: Confession)

A. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می‌رود، *exomologō* / *homologeō*. لفظ مرکب از *homo* است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.

B. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:

۱. Praise - ستایش
۲. Agree - موافق
۳. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷:۲۳)
۴. Profess - اقرار
۵. Confess - اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۴:۱۴ و ۱۰:۲۳)

C. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد

۱. ستایش کردن (خدا)
۲. اقرار به گناه

اینها ممکن است نشات گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هرکدام تأیید کردن هر دو می باشد.

D. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می باشند.

۱. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۱۴:۷، اعمال رسولان ۷:۱۷)
۲. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۲۰، انجیل لوقا ۶:۲۲، اعمال ۲۴:۱۴، عبرانیان ۱۱:۱۳)
۳. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱:۲۵، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۹:۲۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۱، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۳:۵)
۴. موافق بودن با
 - a. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۱۰:۳۲، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۹:۲۲، اعمال ۱۲:۴۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۱، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۳:۵)
 - b. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۸:۲۳، اول یوحنا ۴:۲)
۵. اعلام عمومی کردن (مفهوم قانونی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، رجوع شود به اعمال رسولان ۱۴:۲۴، اول تیموتائوس ۶:۱۳)
 - a. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶:۱۲ و عبرانیان ۱۰:۲۳)
 - b. با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳:۶، اعمال رسولان ۱۸:۱۹، عبرانیان ۴:۱۴، یعقوب ۱۶:۵، اول یوحنا ۹:۱)

۳:۶ به یادداشت مکاشفه ۷:۲ مراجعه نمایید

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۳:۷-۱

«به فرشتهٔ کلیسای فیلاولفییه بنویس: «آن که قدوس است و حق، آن که کلید داوود را دارد، آن که می گشاید و کس نخواهد بست، و می بندد و کس نخواهد گشود، چنین می گوید:»^۸ اعمال تو را می دانم. اینک دری گشوده پیش روی تو نهاده ام که هیچ کس آن را نمی تواند بست. می دانم که توانت ناچیز است، اما کلام مرا نگاه داشته ای و نام مرا انکار نکرده ای.^۹ اینک آنان را که از کنیسهٔ شیطانند و خود را یهود می خوانند و نیستند، و می دارم تا بیابند و به پای تو افتند و اذعان کنند که من تو را دوست داشته ام.^{۱۰} حال که فرمان مرا به پایداری نگاه داشته ای، من نیز تو را از ساعت آزمایشی که بر کل جهان خواهد آمد تا ساکنان زمین را بیازماید، در امان خواهم داشت.^{۱۱} «به زودی می آیم. آنچه داری، محکم نگه دار تا کسی تاجت را نرباید.^{۱۲} هر که غالب آید، او را ستونی در معبد خدایم خواهم ساخت، و دیگر آنجا را هرگز ترک نخواهد کرد. بر او نام خدایم را و نام شهر خدایم، اورشلیم جدید را که از جانب خدا از آسمان نازل می شود، و نام جدید خود را خواهم نوشت.^{۱۳} آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید.»

۳:۷ آیه ۷ یک سری از جزئیات چهار ماده ای است که عیسی را به همراه عناوینی برای یهوه تعریف می کند. "قدوس" ۳۰ مرتبه برای تعریف یهوه در اشعیا تعریف شده است. یوحنا معمولاً عبارت "رستگار" را جایگزین می نمود (مکاشفه ۳:۱۵؛ ۷:۱۶؛ ۲:۱۹). "حق" اغلب برای یهوه استفاده می گردید (اشعیا ۵۶:۱۶؛ ارمیا ۱۰:۱۰؛ یوحنا ۵:۲۰؛ مکاشفه ۳:۱۵؛ ۷:۱۶؛ ۲:۱۹). دو تای اول، "قدوس" و "حق" دوباره در رابطه با خدا در مکاشفه ۶:۱۰ بکار برده شده اند. عبارت "حق" در یونانی معنی "حق در برابر باطل" می دهند، اما در عبری معنی "وفادار یا قابل اطمینان" می دهد. عیسی حقیقتاً هر دوی این تعاریف هستند (مکاشفه ۳:۱۴؛ ۱۹:۱۱؛ ۲۱:۵؛ ۲۲:۶)

□ "آن که کلید داوود را دارد" این بخش اشاره به جنبه داوودی مسیحایی دوم سموئیل ۷ دارد، اما بویژه در اشعیا ۲۲:۲۲، از جایی که درست همین تصویر رسم می‌شود.

□ "آن که می‌گشاید و کس نخواهد بست" این بخش اشاره به موعظه انجیل دارد (به یادداشت مکاشفه ۳:۸).

موضوع خاص: "درب" در عهد جدید

Special Topic: "Door" in The New Testament

عهد جدید از "درب" در حالت‌های مختلف استفاده می‌کند.

۱. ادبی

- a. درباره خانه‌ها، متی ۶:۶؛ مرقس ۱:۳۳؛ ۲:۲؛ ۱۱:۷، اتاق طبقه بالا، یوحنا ۲۰:۱۹، ۲۶
- b. درباره معبد، اعمال رسولان ۳:۲؛ ۲۱:۳۰
- c. درباره یک زندان، اعمال رسولان ۵:۱۹، ۲۳؛ ۲۱:۶؛ ۱۲:۶؛ ۱۶:۲۶-۲۷
- d. درباره یک آرامگاه، متی ۲۷:۶۰؛ ۲۸:۲؛ مرقس ۱۵:۴۶؛ ۱۶:۳
- e. درباره یک آغل گوسفند، یوحنا ۱۰:۱، ۲
- f. درباره یک حیاط، یوحنا ۱۸:۱۶؛ اعمال رسولان ۱۲:۱۳

۲. استعاره

- a. نزدیکی یک زمان، متی ۲۴:۳۳؛ مرقس ۱۳:۲۹؛ اعمال رسولان ۵:۹؛ یعقوب ۵:۹
 - b. محدودیت‌ها برای ورود به ایمان واقعی، متی ۷:۱۳-۱۴؛ لوقا ۱۳:۲۴؛ مکاشفه ۳۰:۲۰
 - c. فرصتی برای نجات ایمان از دست رفته، متی ۲۵:۱۰؛ لوقا ۱۳:۲۵؛ مکاشفه ۳:۷
 - d. فرصتی برای نجات ایمان، اعمال رسولان ۱۴:۲۷؛ مکاشفه ۳:۷
 - e. فرصتی برای بشارت و خدمت، ۱ قرنتین ۱۶:۹؛ ۲ قرنتین ۲:۱۲؛ کولسیان ۴:۳؛ مکاشفه ۳:۸
 - f. مکاشفه، مکاشفه ۴:۱؛ ۱۹:۱۱
۳. عنوانی برای عیسی، یوحنا ۱۰:۷، ۹

۸:۳ "دری گشوده پیش روی تو نهاده‌ام که هیچ‌کس آن را نمی‌تواند بست" این یک جمله اخباری کامل فعال و یک وجه وصفی مجهول کامل است. این جمله اشاره به یکی از موارد زیر دارد

۱. فرصت‌هایی که برای موعظه کردن پیش می‌آمد (کلیدها، متی ۱۹:۱۶)

۲. ورود به ضیافت مسیحایی (ملبس به لباس سفید، مکاشفه ۴:۳)

۳. فرصتی الهی برای خدمت (اعمال رسولان ۱۴:۲۷؛ ۱ قرنتین ۱۶:۹؛ ۲ قرنتین ۲:۱۲؛ کولسیان ۴:۳)

□ "می‌دانم که توانت ناچیز است" این اولین از سه دلیلی است که چرا عیسی چنین درب شگفت‌انگیزی از فرصت را باز کرد. این تنها یکی از کلیساهایی است که عیسی هیچ اشاره منفی به آن نمی‌کند.

□ "اما کلام مرا نگاه داشته‌ای" فعل استفاده شده (آنوریستی فعال اخباری) از زمان خاصی از آزار یا عمل قطعی اطاعت می‌گوید. آنها "ایمان کمی" داشتند، اما خیلی خوب از آن استفاده می‌کردند!

□ "و نام مرا انکار نکرده‌ای" این بخش می‌تواند رجوعی باشد به آزار بوجود آمده بوسیله تقاضاهای Concilia، حامیان محلی پرستش امپراطور (مکاشفه ۱۳:۲).

۹:۳ "آنان را که از کنیسه شیطانند... و ما می‌دارم" این بخش می‌تواند اشاره به گروه یهودیان مخالف انجیل داشته باشد. کلیسا، بر خلاف یهودیان بی‌ایمان، قوم واقعی خداوند هستند.

□ "و ما می‌دارم تا بیایند و به پای تو افتند" این بخش اشاره‌ایست به اشعیا ۴۵:۱۴؛ ۴۹:۲۳؛ ۶۰:۱۴، که از غیریهودیان که به میان قوم یهود می‌آمدند سخن می‌گوید، اما بدلیل اینکه این مردمی که آنان را یهودی می‌خوانند، مسیح را انکار کردند، خواهند آمد و بر پای این ایمانداران غیر یهودی می‌افتند تا نشان دهند که خدا آنها را دوست دارد (اشعیا ۴۳:۴، ۹). این مثال خوبیست از اینکه عهد جدید بطور کلی، و یوحنا بطور اخص، نبوت‌های عهد عتیق را درباره اسرائیل تغییر دادند. یوحنا از متنی استفاده می‌کند که در اصل دید که غیریهودیان خواهند آمد تا پرستش یهوه در اورشلیم را احیا کنند، اما

در این عصر جدید از رستگاری، ابعاد این تصویر ژئوپلیتیک به تمام دنیای با ایمان گسترش پیدا کرده (یهودی و غیر یهودی) و یهودیان بی‌ایمان را نیز و خواهد داشت تا جلو آمده و تعظیم کنند. این جهانی شدن اسرائیل و اورشلیم نشان می‌دهد که مکاشفه، بدور از اثبات و تکمیل نبوت‌های عهد عتیق برای یک قوم یهودی، آنها را تغییر داده است (افسیسیان ۲: ۱۱ - ۱۳: ۳). این "راز انجیل است که از عصرها مخفی مانده است!"

۱۰:۳

"حال که کلام مرا به پایداری نگاه داشته‌ای"	NASB
"حال که فرمان مرا به پایداری نگاه داشته‌ای"	NKJV, NJB
"حال که کلام مرا با صبر نگاه داشته‌ای"	NRSV
"حال که فرمان مرا با بردباری نگاه داشته‌ای"	TEV

این بخش ممکن است مرجعی باشد برای یوحنا ۸: ۵۱ یا ۱۷: ۶. عیسی قول نداده که کلیسایش را از آزار و اذیت حفظ کند، زیرا در نامه‌هایی که به هفت کلیسای تحت ستم ارسال کرد، حتی مرگ نیز در حال وقوع بود.

آیه ۱۰ اشاره به داوری خداوند بر ایمانداران سرتاسر جهان دارد. بسیار سخت است که میان رنجی که ایمانداران بواسطه ایمانشان تحمل می‌کنند و "خشم خدا" که بر سر جهان بی‌ایمان نازل خواهد شد، تمایزی قائل شد. مفسیرین بر سر چگونگی نجات کلیسا از میان این داوری اسکاتولوژیک، تفاوت نظر دارند:

۱. برخی تصور می‌کنند که کلیسا با حمایت خدا از این دوران عبور خواهد کرد (یوحنا ۱۷: ۱۵)
۲. برخی دیگر اشاره به وجد محرمانه ایمانداران پیش از این دوره دارند

من تصور می‌کنم مورد اول صحت داشته باشد. قوم خدا از رنج و مرگ در طول چند قرن اول و در یک فرهنگ رومی و یا ادامه آن رنج و مرگ در حالیکه کلام انجیل گسترش پیدا می‌کرد، در امان نبوده است. رنج همیشه از بین رفته و در نهایت باعث تقویت کلیسا گردید!

واحد ادبی فصل‌های ۲-۳، که در آن کلیسا تحت رنج قرار داشت، بدنال واحد ادبی بهشت آمده که در آن شهدای کلیسا برای انتقام دعا می‌کنند. "خشم خدا" در صحنه سختی و شدت بوجود آمده است (مهرها-۴/۱، شیپورها-۳/۱، قذح‌ها-تخریب کامل)، هر صحنه‌ای که بوجود آمد به قصد فراخواندن کسانی که رستگاری را گم کرده‌اند، بوده است. نهایت خشم خدا، مرگ دوم، دریاچه‌ای از آتش (مکاشفه ۲۰)، دیگر به نیت رستگاری بوجود نیامدند، بلکه جنبه تنبیهی داشتند.

کلیسای رنج دیده تبدیل به کلیسای پیروزمند شده و بی‌ایمانان در حال رنج، آزار را تجربه خواهند کرد! خداوند کنترل کننده همه چیز است! به موضوع خاص پشتکار و بردباری در مکاشفه ۲: ۲ رجوع نمایید.

☐ "تاساکنان زمین را بیازماید" این عبارت بطور مکرر برای اشاره وضعیت تثبیت شده شورشیان بوسیله بی‌ایمانان بکار برده شده است (مکاشفه ۶: ۱۰؛ ۱۳: ۱۸؛ ۱۰: ۱؛ ۱۲: ۱۲؛ ۸: ۱۳؛ ۱۲، ۱۴؛ ۱۷: ۸). خداوند می‌خواهد که آنان توبه کرده و ایمان آورند (۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۲ پطرس ۳: ۹)، اما آنان چنین نخواهند کرد، حتی در میان افزایش داوری مهرها، شیپورها و قذح‌ها. به موضوع خاص عبارات یونانی برای آزمایش در مکاشفه ۲: ۲ رجوع نمایید.

۱۱:۳ "بزودی می‌آیم" این عبارت تداوم تأکید بر سرعت آمدن عیسی مسیح است (مکاشفه ۱: ۱، ۳؛ ۲: ۱۶؛ ۷: ۲۲، ۱۲، ۲۰). کلیسای اولیه در انتظار بازگشت خدا بودند. این امید همه نسل‌های مسیحیان است. به موضوع خاص بازگشت سریع در مکاشفه ۳: ۱ رجوع کنید.

☐ "آنچه داری، محکم نگه دار" این جمله حال اخباری کامل در واقع به معنی "همواره محکم نگه دار" است، و در حالیکه تمرکز آیه ۲: ۲۵ که آثوریستی کامل اخباری می‌باشد، بر روی عمل تمام شده محکم نگه داشتن بوده است (به موضوع خاص در مکاشفه ۲: ۲ رجوع کنید). در حالیکه ایمانداران خدا را در آغوش گرفته و نگه داشته‌اند، او نیز ایمانداران را در آغوش خود نگه خواهد داشت (غلاطیان ۶: ۹). این رابطه‌ای است که در پیمان خدا و بشر یک الزام محسوب می‌گردد!

نجات، مرحله آغازین تصمیم برای توبه و ایمان (مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱) که بدنال مدل زندگی ندامت و ایمان، اطاعت، خدمت و پشتکار است. همه اینها برای یک مسیحیت پخته لازم است.

☐ "تاج" این نیز مرجعی دیگر به تاج استفانوس است که در مکاشفه ۲: ۱۰ از آن سخن گفته شد. این تاج پاداش باورمندی است.

۱۲:۳ "هر که غالب آید" به یادداشت ۲: ۲ رجوع نمایید.

□ «او را ستونی در معبد خدایم خواهیم ساخت» شهر فیلادلفیه در یک ناحیه زلزله‌خیز قرار داشت؛ بکار بردن ستون بعنوان استعاره گویای مفهوم ثبات و ایستادگی است. نام شهروندان سرشناس بر روی ستون‌های معابد در فیلادلفیه حک شده بود. عبارت «معبد» (*naos*) در اینجا از فعل «ساکن بودن و اقامت داشتن» نوشته شده و برای مکانی که خدا در آنجا حضور دائمی دارد بکار برده شده است. ایمانداران واقعی هرگز مجبور نخواهند شد تا از حضور خدا مرخص شوند (مزمور ۲۳: ۶؛ ۲۷: ۴-۶). این آیه می‌تواند استعاره باشد زیرا بوضوح در عصر جدید هیچ معبدی وجود ندارد (۲۲: ۲۱).

□ «بر او نام خدایم ... را خواهیم نوشت» به پنج بار تکرار «من» در مکاشفه ۳: ۱۲ دقت کنید. این یکی از شگفت‌انگیزترین مصادیق همنشینی با خدا است. کلمه نام نماد مالکیت است (۷: ۳؛ ۱۴: ۱؛ ۲۲: ۴).

□ «اورشلیم جدید ... نام جدید» کتاب مکاشفه از نبوت‌های کتاب اشعیا برداشت نموده است.

۱. چیزهای جدید، اشعیا ۴۲: ۹؛ ۴۳: ۱۹؛ ۴۸: ۶ (مکاشفه ۲۱: ۵)

۲. آهنگ جدید، اشعیا ۴۲: ۱۰ (مکاشفه ۵: ۹؛ ۱۴: ۳)

۳. نام جدید، اشعیا ۶۲: ۲؛ ۶۵: ۱۵ (مکاشفه ۲: ۱۷)

۴. بهشت جدید و زمین جدید، اشعیا ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲ (مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲۱: ۱)

شهر آسمانی جدید، اورشلیم، در آیات زیادی نبوت شده است، از جمله اشعیا ۴۰: ۲؛ ۴۱: ۲۷؛ ۴۴: ۲۰؛ ۴۸: ۲۸؛ ۵۲: ۱؛ ۶۲: ۱؛ ۶۶: ۷؛ ۶۵: ۱۸، ۱۹؛ ۶۶: ۱۰، ۱۳، ۲۰ (مکاشفه ۲۱: ۲؛ ۱۰). این یک عبارت استعاره برای حضور خدا در میان قومش است. نبوت‌های عهد عتیق اکنون جهانی شده است. اورشلیم جدید شهری فلسطین نیست، بلکه در واقع وعده‌ای از رستگاری در عصر جدید است.

۱۳: ۳ به یادداشت مکاشفه ۲: ۶ رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۳: ۱۴-۲۲

۱۴ «به فرشته کلیسای لاؤدیکیه بنویس:

«آن آمین، آن شاهد امین و راست، آن که مبدأ آفرینش خداست، چنین می‌گوید: ^{۱۵} اعمال تو را می‌دانم؛ می‌دانم که نه سردی و نه گرمی. و کاش یا این بودی یا آن. ^{۱۶} اما چون ولرمی، نه گرم و نه سرد، چیزی نمانده که تو را چون تف از دهان بیرون بیندازم. ^{۱۷} می‌گویی: "دولتمندم؛ مال اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم." و غافلی که تیره‌بخت و اسف‌انگیز و مستمند و کور و عریانی. ^{۱۸} تو را پند می‌دهم که زر ناب گذشته از آتش از من بخری تا دولت‌مند شوی؛ و جامه‌های سفید، تا به تن کنی و عریانی شرم‌آورت دیده نشود؛ و مرهم، تا بر چشمان خود بگذاری و بینا شوی.

۱۹ «من کسانی را توبیخ و تادیب می‌کنم که دوستشان می‌دارم. پس به غیرت بیا و توبه کن. ^{۲۰} هان بر در ایستاده می‌گویم. کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید، به درون خواهیم آمد و با او همسفره خواهیم شد و او با من.

۲۱ «هر که غالب آید، او را حق نشستن با من بر تخت خودم خواهیم بخشید، همان‌گونه که من غالب آمدم و با پدرم بر تخت او نشستم. ^{۲۲} آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.»

۱۴: ۳ «آمین» این عبارت اشاره به لقب یهوه دارد، «خدای آمین»، در اشعیا ۶۵: ۱۶ (در نسخه فارسی خدای حق نوشته شده است). واژه «آمین» حالتی از کلمه عهد عتیقی برای «ایمان» و «اعتقاد» است (پیدایش ۱۵: ۱۶، عبرانیان ۴: ۲). معمولاً تاکید بر باورمندی یا قابل اعتماد بودن دارد (۱: ۶؛ ۲: ۱؛ ۲۰: ۱). به موضوع در خاص مکاشفه ۱: ۶ رجوع نمایید.

□ «آن شاهد امین و راست» این عبارات می‌تواند از فصل ۱ گرفته شده باشد (مکاشفه ۱: ۵). در نسخه Septuagint هر دوی این صفات برای اشاره به یهوه بکار برده شده‌اند. ممکن است که *emeth*، که لغت عبری برای «ایمان»، «باور» یا «اعتماد» است، بصورت *pistos* (مؤمن) و *alētheia* (حقیقت). این دو لغت یونانی اغلب در مکاشفه برای مسیح بکار برده شده‌اند (مکاشفه ۳: ۱۴؛ ۱۹: ۱۱؛ ۲۱: ۵؛ ۲۲: ۶).

NASB, NKJV «شروع آفرینش خدا»

NRSV «مبدأ آفرینش خدا»

TEV «مبدأ تمام آنچه که خدا آفریده»

NJB «قاعده آفرینش خدا»

این عبارات اشاره‌ای به پیدایش ۱: ۱ و یوحنا ۱: ۱ است. عبارات «شروع» (در عبری، *bereshit*) و «مبدأ» (در یونانی، *archē*) دو دلالت دارند: (۱) شروع یا (۲) مبدأ، منشأ.

این بخش در مجادله قرن چهارم آریایی/آتاناسیوس (Trinitarian) بکار برده شد و اشاره‌ای است به مزمور ۲۲-۳۱. حکمت اولین آفرینش یهوه بود و بواسطه حکمت هر آنچه هست آفرید شد. احتمالاً این سرمنشأ کاربرد "logos" توسط یوحنا در انجیل بوده است (یوحنا ۱:۱). می‌توان گفت که این یکی از قوی‌ترین بخش‌های کلام درباره حیات پیشین عیسی مسیح بوده (یوحنا ۱:۱؛ ۸:۵۷-۵۸؛ ۲قرنتیان ۸:۴؛ فیلیپیان ۲:۶-۷؛ کولسیان ۱:۱۷)، و همچنین نماینده پدر بودن عیسی در آفرینش (یوحنا ۱:۳؛ ۱قرنتیان ۸:۱۶؛ کولسیان ۱:۱۵، ۱۸؛ عبرانیان ۲:۱).

موضوع خاص: منشأ (archē)

(Special Topic: Arche)

کلمه یونانی archē به معنی "آغاز" یا "منشأ" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱، عبرانیان ۱:۱۰)
۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱:۱، فیلیپیان ۴:۱۵، دوم تسالونیکیان ۲:۱۳، عبرانیان ۲:۳، اول یوحنا ۱:۱)
۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱:۲)
۴. شروع نشان‌ها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲:۱۱)
۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵:۱۲)
۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳:۱۴)
۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱:۱۸، مکاشفه ۳:۱۴

برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است

۱. در مورد مقامات حاکم

a. انجیل لوقا ۱۲:۱۱

b. انجیل لوقا ۲۰:۲۰

c. رومیان ۱۳:۳ و تیتوس ۳:۱

۲. مسئولان مبلغین دینی

a. رومیان ۸:۳۸

b. اول قرنتیان ۱۵:۲۴

c. افسسیان ۱:۲۱، ۳:۱۰ و ۶:۱۲

d. کولسیان ۱:۱۶، ۲:۱۰ و ۱۵

e. یهودا ۱:۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و ماقبل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می‌دهند.

۱۵:۳ "نه سردی و نه گرم" این عبارات می‌تواند اشاره به آب ولرمی باشد که مردم شهر، به دلیل وجود چشمه‌های آب گرم، مجبور به نوشیدن آن بودند. اتهام مشابهی به کلیسای ساردس نیز وجود دارد (۱:۳).

۱۶:۳ "تو را چون تف از دهان بیرون بیندازم" هشدارهای آیات ۲:۵؛ ۳:۳، ۱۶، ۱۷ زمانی تکان دهنده می‌شوند که دریابیم آنها خطاب به کلیساهای مشخصی از قرن اول گفته شده‌اند. این از دست دادن رستگاری نیست، بلکه از بین رفتن اثر خدمت بشارتی است (مکاشفه ۳:۱۹؛ عبرانیان ۵:۱۲-۱۳).

۱۷:۳ "می‌گویی: "دولتمندم؛ مال اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم" آیات ۱۷ و ۱۸ اشاره تاریخی به لائودیکیه بعنوان مرکز خدمات بانکی، مرکزی برای پشم‌های رنگین، و مرکزی برای ضمام چشم هستند. تراژدی موفقیت آنها این بود که در اوج نداری تصور می‌کردند همه چیز دارند (۱:۳).

موضوع خاص: ثروت

(Special Topic: Wealth)

۱. چشم انداز عهد عتیق در عنوان کل

a. خدا مالک همه چیز است

- i. پیدایش ۱ الی ۲
- ii. اول تواریخ ۲۹:۱۱
- iii. مزمو ۱:۲۴، ۱۲:۵۰، ۱۱:۸۹
- iv. اشعیا ۲:۶۶
- b. انسانها ناظرین ثروت برای اهداف خدا هستند
- i. تثنیه ۸:۱۱ الی ۲۰
- ii. لاویان ۹:۱۹ الی ۱۸
- iii. یعقوب ۱۶:۳۱ الی ۳۳
- iv. اشعیا ۶:۵۸ الی ۱۰
- c. ثروت بخشی از عبادت است
- i. دو عشر
۱. اعداد ۲۱:۱۸ الی ۲۹، تثنیه ۶:۱۲ الی ۷، ۲۲:۱۴ الی ۲۷
۲. تثنیه ۱۰:۳، ۲۰:۸، ۲۱:۲۲، ۱۰:۱۵، ۶:۱۵
- ii. امثال ۹:۳
- d. ثروت به عنوان هدیه ای از جانب خدا برای وفاداران به پیمان
- i. تثنیه ۲۷ الی ۲۸
- ii. امثال ۱۰:۳، ۲۰:۸، ۲۱:۲۲، ۱۰:۱۵، ۶:۱۵
- e. هشدار در برابر ثروت به قیمت دیگران
- i. امثال ۶:۲۱
- ii. ارمیا ۵:۲۶ الی ۲۹
- iii. یوشع ۶:۱۲ الی ۸
- iv. میکاه ۹:۶ الی ۱۲
- f. ثروت به خودی خود گناه نیست مگر اینکه اولویت داشته باشد
- i. مزمو ۷:۵۲، ۱۰:۶۲، ۳:۷۳ الی ۹
- ii. امثال ۲۸:۱۱، ۴:۲۳، ۵:۲۴، ۲۷:۲۰، ۲۸:۲۲ الی ۲۲
- iii. یعقوب ۲۴:۲۱ الی ۲۸
۲. چشم انداز منحصر به فرد امثال
- a. ثروت حاصل تلاش فردی است
- i. سستی و تنبلی محکوم است، امثال ۶:۶ الی ۱۱، ۴:۱۰ الی ۵ و ۲۶، ۲۴:۱۲ و ۲۷، ۴:۱۳، ۱۹:۱۵، ۱۹:۱۸، ۱۹:۱۵ و ۲۴،
- ii. سخت کار کردن تشویق شده است - امثال ۱۱:۱۲ و ۱۴، ۱۱:۱۳
- b. از فقر در برابر ثروت برای به تصویر کشیدن ضعف در برابر پارسایی استفاده شده است - امثال ۱:۱۰، ۲۷:۱۱ الی ۲۸، ۷:۱۳، ۱۶:۱۵
- c. خرد (شناختن خدا و کلامش و زندگی با این آگاهی) بهتر از ثروت است - امثال ۳:۱۳ الی ۱۵، ۹:۸ الی ۱۱ و ۱۸ الی ۲۱، ۱۸:۱۳
- d. هشدارها و نصایح
- i. هشدارها
۱. موقع تضمین وام همسایه مراقب باشید - امثال ۱:۶ الی ۵، ۱۵:۱۱، ۱۷:۱۸، ۱۶:۲۰، ۲۶:۲۲ الی ۲۷، ۱۳:۲۷
۲. مراقب باشید که از راه های شیطانی ثروتمند نشوید - امثال ۱۹:۱، ۲:۱۰، ۱۵:۱۱، ۱۱:۱۱، ۱۳:۱۱، ۱۶:۱۱، ۱۰:۲۰ و ۲۳، ۶:۲۱، ۱۶:۲۲ و ۸:۲۸
۳. موقع قرض گرفتن مراقب باشید، امثال ۷:۲۲
۴. حواستان باشد که ثروت کوتاه مدت است، امثال ۴:۲۳ الی ۵

۵. ثروت در روز داوری کمک نخواهد کرد - امثال ۴:۱۱

۶. ثروت "دوستان" زیادی دارد - امثال ۲۰:۱۴، ۴:۱۹

ii. نصایح

۱. سخاوتمندی تشویق می‌شود - امثال ۲۴:۱۱ الی ۲۶، ۳۱:۱۴، ۵:۱۷، ۱۷:۱۹، ۹:۲۲ و ۲۲:۲۳ الی ۲۳، ۱۰:۲۳ الی ۱۱،

۲۸:۲۷

۲. پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۸:۱۶، ۶:۲۸ و ۸ و ۲۰ الی ۲۲

۳. دعا برای نیاز است نه فراوانی - امثال ۷:۳۰ الی ۹

۴. به فقیر کمک کردن همانند کمک کردن به خدا است - امثال ۳۱:۱۴

۳. چشم انداز عهد جدید

a. عیسی

i. ثروت یک وسوسه منحصر به فرد برای اعتماد به خود و منابع خود به جای خدا و منابع او است

۱. انجیل متی ۲۴:۶، ۲۲:۱۳، ۲۳:۱۹

۲. انجیل مرقس ۲۳:۱۰ الی ۳۱

۳. انجیل لوقا ۱۵:۱۲ الی ۲۱ و ۳۳ الی ۳۴

۴. مکاشفه ۱۷:۳ الی ۱۹

ii. خدا نیازهای فیزیکی ما را تامین می‌کند

۱. انجیل متی ۱۹:۶ الی ۳۴

۲. انجیل لوقا ۱۲:۲۹ الی ۳۲

iii. هر آنچه بکاری، حاصل همان را برداشت می‌کنی

۱. انجیل مرقس ۴:۲۴

۲. انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۸

۳. انجیل متی ۱۴:۶، ۳۵:۱۸

iv. توبه بر ثروت تاثیر می‌گذارد

۱. انجیل لوقا ۲:۱۹ الی ۱۰

۲. لاویان ۱۶:۵

v. سواستفاده اقتصادی محکوم است

۱. انجیل متی ۲۵:۲۳

۲. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰

vi. داوری پایان زمان با استفاده ما از ثروت رابطه دارد - انجیل متی ۳۱:۲۵ الی ۴۶

b. پولس

i. نگاه عملی همانند امثال

۱. افسسیان ۴:۲۸

۲. اول تسالونیکیان ۴:۱۱ الی ۱۲

۳. دوم تسالونیکیان ۸:۳ و ۱۱ الی ۱۲

۴. اول تیموتائوس ۸:۵

ii. نگاه معنوی همانند عیسی (همه چیز کوتاه مدت است)

۱. اول تیموتائوس ۶:۶ الی ۱۰ (قناعت)

۲. فیلیپیان، ۴:۱۱ الی ۱۲ (قناعت)

۳. عبرانیان ۵:۱۳ (قناعت)

۴. اول تیموتائوس ۱۷:۶ الی ۱۹ (سخاوتمندی و اعتماد به خدا، نه ثروت)

۵. اول قرنتیان ۳۰:۷ الی ۳۱

۴. جمع بندی

- a. هیچ الهیات انجیلی سیستماتیکی در مورد ثروت وجود ندارد
- b. هیچ عبارت قطعی و مشخصی در این مورد وجود ندارد، بنابراین بینشها باید بسوی عبارتهای متفاوت باشند. مراقب باشید که در میان متون بدنبال عقیده خود نباشید.
- c. امثال، که توسط افراد خردمند نوشته شده، نگرش متفاوتی از سایر انواع ژانرهای انجیلی دارد. امثال عملی بوده و بر افراد تمرکز دارد. برقرار کننده توازن است و باید میان بقیه کتاب مقدس توازن برقرار کند (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸)
- d. روزگار ما باید نگرش خود و تجربیاتش در رابطه با ثروت را در نور انجیل تحلیل کند. اگر فقط سرمایه داری یا کمونیسم تنها راهنمای ما باشند، اولویتهای جابجا می شوند. چرا و چگونه یک نفر موفق می شود سوالات مهمتری هستند تا اینکه چقدر اندوخته است.
- e. انباشتن ثروت باید در توازن با عبادت و خدمتگزاری مسئولانه باشد (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۸ الی ۹).

۱۸:۳ "از من بخری" این می تواند اشاره به اشعیا ۵۵:۱-۳ داشته باشد، در جایی که هدیه خداوند یعنی نجات و رستگاری رایگان بود، اما هزینه آن زیاد.

□ "جامه های سفید" یادداشت مکاشفه ۴:۳ را مطالعه نمایید.

□ "به تن کنی و عریانی شرم آورد دیده نشود" برهنگی در عهد عتیق بمعنی مغلوب شدن، قضاوت و فقر بود.

۱۹:۳ "توبیخ می کنم" عبارت یونانی *elegchō* بصورت "افشا شدن و بنابراین شفا یافتن یا اصلاح شدن" بکار برده شده است (یوحنا ۳:۲۰؛ افسسیان ۱۴-۱۱:۵).

□ "و تأدیب" تأدیب شدن توسط خدا نشانه ای است از این که ما اعضای خانواده او هستیم (ایوب ۵:۱۷؛ امثال ۳:۱۲؛ مزبور ۹۴:۱۲؛ عبرانیان ۱۲:۶).

□ "به غیرت بیا" این حال فعال دستوری است. ریشه آن مشابه لغت "داغ" یا "جوشان" (*zestos*) است که در مکاشفه ۳:۱۵-۱۶ بکار برده شده است. شناخت خدا و خدمت به او باید شوق و زندگی پر حرارتی باشد.

□ "توبه کن" این یک فعل دستوری آتوریستی است. اصراری تکراری در میان این هفت نامه که باید مسیحیان، نه فقط بی ایمانان، توبه کرده و بخاطر عفت، ثبات و شادی در زندگی به سوی مسیح بازگردند (مکاشفه ۲:۵، ۱۶:۳:۳، ۱۹). توبه بخودی خود یک زندگی است نه فقط عملی ساده!

۲۰:۳ "بر در ایستاده می گویم" این یک جمله حال اخباری است، "من می ایستم و در کنار درب به ایستادن ادامه می دهم" که بدنبال آن یک حال اخباری دیگر "و به کوبیدن درب ادامه می دهم". با اینحال این کلیسا مورد ستایش قرار نگرفت، بلکه به گرمی از او دعوت به عمل آمد. این دعوت برای مسیحی شدن نبود، بلکه بیشتر برای اعضای کلیسا بود که به آغوش مسیح بازگردند. این آیه اغلب خارج از متن برای اشاره به تبلیغ مسیحیت بکار برده می شود.

کلمه استعاره "در" در اناجیل (مرقس ۱۳:۲۸-۲۹؛ لوقا ۱۲:۳۶) بعنوان راهی برای اشاره به نزدیکی آمدن مسیح بکار برده شده است. به موضوع خاص درب در مکاشفه ۳:۷ رجوع نمایید.

□ "کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید" این جمله سوم شخص شرطی از احتمال عملی که قطعی نیست می گوید. در بسیاری از بخش های جهان، در کنار عمل درب زدن، خوش آمدگویی لفظی نیز وجود دارد. در اینجا به عنصر اختیار توجه داشته باشید؛ شخص/کلیسا باید پاسخ داده و درب را باز کند. این جنبه تعهدی در تمام روابط خداوند با انسان است. او آغازگر است، او زمان را تعیین می کند، اما انسان ها هستند که باید پاسخ دهند. همچنین، توجه داشته باشید که این پاسخ، لحظه ای نبوده و باید ادامه داشته باشد. رستگار شدن یک محصول نیست، بلکه مدلی از زندگی است. بالا و پایین خودش را دارد، اما یقیناً دوستی ابدی در آن وجود دارد!

□ "به درون خواهیم آمد و با او همسفره خواهیم شد و او با من" این اشاره ای است به پیشنهاد صلح (لاویان ۳ و ۷)، زمان دوستی در جایی که خداوند بصورت نمادین با انسان غذا می خورد. دیگران این بخش از آیه را بصورت مرجعی برای بزم اسکاتولوژیک مسیحایی می بینند.

واژه غذا در اینجا برای وعده غذایی شام در انتهای روز بکار برده شده که برای هم نشینی و هم صحبتی اعضای خانواده بسیار حائز اهمیت است. در شرق، خوردن غذا همیشه یکی از نشانه های پیمان، دوستی و هم نشینی محسوب می گردد.

۲۱:۳ "او را حق نشستن با من بر تخت خودم خواهیم بخشید" چنین عباراتی، تصویری قوی از هم نشینی نزدیک دارد. اشارات زیادی در عهد جدید به پادشاهی ایمانداران با مسیح وجود دارد (مکاشفه ۲:۲۶، ۲۷؛ لوقا ۲۲:۳۰؛ متی ۱۹:۲۸؛ ۱۹:۲۶؛ ۲ تیموتائوس ۲:۲؛ ۲ تیموتائوس ۲:۱۲؛ مکاشفه ۴:۲۰). مکاشفه ۵:۲۲ می گوید پادشاهی ابدی مسیحیان در کنار مسیح است. به موضوع خاص پادشاهی در پادشاهی خدا در مکاشفه ۵:۱۰ توجه نمایید.

□ «همان گونه که من غالب آمدم و با پدرم بر تخت او نشستم» شگفت انگیز است که بدانیم عیسی پیشاپیش بر دنیا غلبه کرده (یوحنا ۱۶: ۳۳؛ ۱ یوحنا ۲: ۱ و مکاشفه ۱: ۲) و می‌خواهد که ما نیز در این پیروزی به او بپیوندیم!

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چرا نبوت یوحنا درباره پایان دنیا با نامه‌ای به هفت (و فقط هفت) کلیسا در آسیای صغیر شروع می‌شود؟
۲. چرا هر نامه با مشخصاتی از عیسی از فصل یک شروع می‌شوند؟
۳. چگونه این نامه‌ها به کلیساهای امروز ارتباط می‌یابند؟
۴. چگونه چنین هشدارهای قوی خطاب به این کلیساهای را تفسیر می‌کنید؟
۵. چگونه دکتربین «کسی که یکبار نجات یابد، برای همیشه نجات یافته است» با هشدارها و درخواست پایداری در این نامه‌ها ارتباط می‌یابد؟
۶. چرا آیه ۳: ۲۰ وعده‌ای برای رستگاری نیست؟
۷. چرا واحد ادبی بعدی با نامه‌های هفت کلیسا ارتباط دارند؟ چرا خدا برخلاف ایمانداران قرن اول، ایمانداران پایان دنیا از آزار در امان نگه می‌دارد؟

مکاشفه ۴ و ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
پرستش آسمانی	اطلاق پادشاهی در بهشت	روپاهای جلال خدا و بره	پرستش در بهشت	خدا آینده دنیا را به بره واگذار می‌کند
۶-۱:۴	۱۱-۱:۴	۶-۱:۴	۶-۱:۴	۱۱-۱:۴
۱۱-۶:۴		۱۱-۶:۴	۸-۶:۴	
			۱۱-۹:۴	
طومار و بره	بره طومار را بر می‌دارد		طومار و بره	
۱۴-۱:۵	۷-۱:۵	۵-۱:۵	۵-۱:۵	۵-۱:۵
	بره شایسته است	۱۰-۶:۵	۱۰-۶:۵	۱۰-۶:۵
	۱۴-۸:۵			
		۱۴-۱۱:۵	۱۴-۱۱:۵	۱۴-۱۱:۵

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

- A. این دو فصل یک قالب ادبی را تشکیل می‌دهند: فصل چهار خدا را بصورت خالق (دلالت Elohim، خدا بعنوان خالق، فراهم آورنده و حیات بخش تمام زندگانی، مزمور ۱۰۴) و فصل پنج بره خدا را (عیسی) بعنوان منجی و رهایی بخش (دلالت یهوه، خدا بعنوان ناجی، رهایی بخش و خدای عهدساز، مزمور ۱۰۳) نشان می‌دهد. وسیعترین ادبیات متنی تا مرحله باز کردن هفت مهر نامه ادامه می‌یابد. با اینحال، مهرها در فصل ۶ شروع شده و تا ۸:۱ ادامه می‌یابند.
- B. فصل ۴ یک مضمون کلی (جلال امن و نقش یهوه) کتاب مکاشفه را شکل می‌دهد. این صحنه از تخت پادشاهی شبیه خیمه‌های آسمانی در عبرانیان ۸ و ۹ می‌باشد. این مایه اصلی (جلال آسمانی خدا) هدف مرکزی عرفان اولیه یهودیان را تشکیل می‌دهد.
- C. کتاب مکاشفه درباره چگونه و چه زمان آمدن دوم مسیح نیست، بلکه در وحله اول درباره حاکمیت خدا بر تاریخ بشر است. این دو فصل در درک باقیمانده کتاب و مقصود اصلی آن لازم می‌باشد!
- D. از این دو فصل روشن می‌شود که یوحنا از زبان آخر دنیایی برای تعریف حقیقت معنوی بهره می‌برد. یوحنا از بخش‌های آخر دنیایی عهد، بخصوص کتاب حزقیال، فصل ۱ و ۱۰ و همچنین ۲:۹، ۱۰؛ دانیال ۴:۷-۱۳؛ و همچنین منابع بی‌شماری از مکاشفات آخر دنیایی مکتوب توسط یهودیان در عهد عتیق، همچون ۱ آنوش، استفاده کرده است. اگر چنین چیزی حقیقت داشته باشد، پس بسیار نامناسب خواهد بود که کتاب مکاشفه را در قالب یک ادبیات کاملاً تاریخی با چارچوب تفسیری بینیم، بخصوص هنگامی که بخواهیم رویدادهای روزگار خود، فرهنگمان، یا

موقعیت جغرافیایی خود را با جزئیات یک چنین کتاب باستانی وفق دهیم. این امر بدین مفهوم نیست که کتاب مکاشفه در هر حالتی حقیقت ندارد. قرار بر این نبوده که این کتاب همچون یک روایت تاریخی تفسیر شود، بهترین مدل می‌تواند حکایات خود عیسی باشد (به کتاب *How to Read The Bible For All Its Worth* نوشته Fee and Stuart صفحه ۲۵۶ رجوع نمایید)!

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۴: ۱-۱۱

پس از آن نظر کردم و اینک پیش رویم دری گشوده در آسمان بود، و همان صدای چون بانگ شیپور که نخست بار با من سخن گفته بود، دیگر بار گفت: «بالا بیا، و من آنچه را بعد از این می‌باید واقع شود، بر تو خواهم نمود.»^۲ در دم در روح شدم و هان تختی پیش رویم در آسمان قرار داشت و بر آن تخت کسی نشسته بود. آن تخت‌نشین، ظاهری چون سنگ یشم و عقیق داشت و دور تا دور تخت را رنگین‌کمانی زمردگون فرا گرفته بود. ^۴گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت دیگر بود و بر آنها بیست و چهار پیر نشسته بودند. آنان جامه سفید بر تن داشتند و تاج طلا بر سر. ^۵ و از تخت، برق آذرخش برمی‌خاست و غریو غرش رعد. پیشاپیش تخت، هفت مشعل مشتعل بود. اینها هفت روح خدایند. و پیش تخت، چیزی بود که به دریایی از شیشه می‌مانست، چون بلور. در آن میان، در اطراف تخت، چهار موجود زنده بود، پوشیده از چشم، از پیش و از پس. ^۷موجود زنده اول، به شیر می‌مانست و موجود زنده دوم به گوساله. سوم، صورت انسان داشت و چهارمی، چونان عقابی بود در پرواز. آنها هر کدام شش بال داشتند و دور تا دور، حتی زیر بالها، پوشیده از چشم بودند، و شبانه‌روز بی‌وقفه می‌گفتند: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند خدای قادر مطلق، او که بود و هست و می‌آید.»^۹ هر بار که آن موجودهای زنده، جلال و عزت و سپاس نثار آن تخت‌نشین می‌کنند که جاودانه زنده است،^{۱۰} آن بیست و چهار پیر پیش روی تخت‌نشین بر خاک می‌افتند و او را که جاودانه زنده است می‌پرستند و پیش تخت او تاج از سر فرو می‌گذارند و می‌گویند: ^{۱۱} «ای خداوند خدای ما، تو سزاوار جلال و عزت و قدرتی، زیرا که آفریدگار همه چیز تویی و همه چیز به خواست تو وجود یافت و به خواست تو آفریده شد.»

۱:۴

NASB, NKJV

"پس از این چیزهایی که بر آنها نظر کردم"

NRSV

"پس از آن نظر کردم"

TEV

"در این مقطع روای دیگری داشتیم و دیدم"

NJB

"پس، در رواییم، دیدم"

فرمول دستور زبانی، با تغییری جزعی، در مکاشفه ۷: ۱، ۹؛ ۱۵: ۵؛ ۱۸: ۱ و احتمالاً مکاشفه ۱۹: ۱ نیز یافت می‌شوند. اکثر نبوت‌های عهد عتیق مربوط به پیمان خدا با اسرائیل، مشروط و تأکید بر عبارات "اگر... سپس" بوده است. ایمان کنونی اسرائیل آینده او را تعیین می‌کند. این همچنین روای حقیقی یوحنا در مکاشفه است.

۱. کلام عیسی به هفت کلیسا شرطی هستند. پاسخ آنها به هشدارهای او، آینده آنها را تعیین می‌کند.

۲. داوری مهرها و شیپورها نیز شرطی هستند. خواست خدا است که بی‌ایمانان توبه کرده و بسوی او بازگردند.

همانگونه که در عهد عتیق آمده، برنامه رستگاری جهانی خداوند (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۱-۲؛ ۱۷: ۱-۸، همچنین به اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۹: ۲۹ توجه کنید) بر اساس وعده‌ای که داده، بدون شرط است اما در عین حال مطابق عکس‌العمل بشر به پیمان شرطی نیز می‌باشد (پیدایش ۱۲: ۱؛ مکاشفه ۲: ۳). برنامه رستگاری جهانی در صحنه‌های آسمانی فصل‌های ۴ و ۵ رونمایی گردیده است.

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

(Special Topic: YHWH's Eternal Redemptive Plan)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خداشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال ۱: ۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳، خروج ۵: ۱۹ و ۶، ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۲۲: ۳۶ الی ۳۹، اعمال ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹، رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده‌ها در عیسی جمع شده‌اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳: ۱۱). عیسی راز خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده است (رجوع شود به افسسیان ۲: ۱۱ و ۳: ۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است. این درک مقدماتی، تمامی تفسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی

تفسیر دیده می‌شود!)، ولی این یک پیش‌فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۲۶:۱ و ۲۷:۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود
۲. سی اس لوتیس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۱۵:۳ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.
۲. پیدایش ۱:۱۲ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را بوجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲:۳ توجه کنید!
۳. خروج ۲۰ (سفر تنبیه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۵:۱۹ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۵:۱۹ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزی می‌بود برای ملتها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متاسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۲۲:۳۶ الی ۳۸).
۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۴۳:۸ و ۶۰).
۵. در مزمو ۲۷:۲۲ و ۲۸، ۴:۶۶، ۹:۸۶ (مکاشفه ۴:۱۵)
۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا - ۲:۲ الی ۴:۴، ۱۲:۵ و ۶:۲۵، ۹ و ۶:۴۲ و ۱۰ الی ۱۲، ۲۲:۴۵، ۵:۴۹ و ۶، ۴:۵۱ و ۵، ۶:۵۶ الی ۸، ۱:۶۰ الی ۳، ۱۸:۶۶ و ۲۳

b. ارمیا ۱۷:۳، ۲:۴، ۱۹:۱۶

c. میکاه ۱:۴ الی ۳

d. ملاکی ۱:۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تاکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ و ۴۷، اعمال ۱:۸)
۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) - انجیل لوقا ۲۲:۲۲، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹
۳. خدا می‌خواهد تمامی انسانها نجات یابند - انجیل یوحنا ۱۶:۳، ۴:۴۲، اعمال ۳:۳۴ و ۱۰، ۳۵، تیموتائوس ۲:۴ الی ۶، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲ و ۴:۱۴
۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد - غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، افسسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳، کولسیان ۳:۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متا ۵:۱۷ الی ۴۸).

امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمانهای عهد عتیق با وعده‌ها و پیمانهای عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در www.freebiblecommentary.org بیابید

□ "پیش رویم دری گشوده در آسمان" این جمله وجه وصفی مجهول کامل بوده و بمعنی اینست که توسط خداوند، دری گشوده شده و کماکان باز مانده است (حالت مجهول). این یکی دیگر از راه‌های عیان شدن مکاشفه خداوند بر نوع بشر است. این راه بسیار شبیه به مکاشفه ۱۹:۱۱؛ حزقیال ۱:۱؛ متی ۱۶:۳؛ یوحنا ۱:۵۱ و اعمال رسولان ۷:۵۵-۵۶ است. به موضوع خاص در مکاشفه ۳:۷ رجوع نمایید.

کلمه "آسمان" بیش از ۵۰ مرتبه در نوشته‌های یوحنا تکرار گردیده و بجز یکبار در مکاشفه ۱۲:۱۲، همیشه بصورت مفرد بکار برده است. معنی دقیق این تغییر، از مفرد به جمع، به لحاظ الهیاتی مشخص نیست. میان ربیان یهود همواره بحث بوده که آیا سه آسمان وجود دارد یا هفت آسمان (۲قرنیتان ۱۲:۲). تمرکز یوحنا بر یک آسمان است، جایی که خداوند در آنجا سکنی داشته؛ و اوست که اجازه می‌دهد تا درون دنیای او را ببینیم.

موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم

(Special Topic: The Heavens And The Third Heaven)

در عهد عتیق اصطلاح "بهشت" معمولاً به صورت جمع به کار برده شده است (BDB 1029, KB 1559 *shamayim*). معنی عبری این کلمه "ارتفاع" است. خدا در ارتفاعات ساکن است. مفهوم این اصطلاح مقدس بودن و تعالی خدا است.

در کتاب پیدایش ۱:۱، حالت جمع، این طور نگاه شده که خدا "بهشت‌ها و زمین"، (۱) اتمسفر بالای این سیاره یا (۲) راهی برای اشاره به تمامی واقعیت را خلق کرد (یعنی معنوی و فیزیکی). از این درک ابتدایی در سایر متون استفاده شده برای سطوح بهشت: "بهشت بهشت‌ها" (مراجعه شود به مزمو ۶۸:۳۳) یا "بهشت و بهشت بهشت‌ها" (مراجعه شود به تثنیه: ۱۰:۱۴، اول پادشاهان ۸:۲۷، نحما ۹:۶، مزمو ۱۴۸:۴). روحانیون چنین جمع بندی کرده‌اند که احتمال دارد:

۱. دو بهشت وجود داشته باشد (R. Judah, Hagigah 12b)

۲. سه بهشت (تست، لاویان ۲ الی ۳، اشعیا ۶ الی ۷، Midrash Tehillim در مزمو ۱۱۴:۱)

۳. پنج بهشت (III Baruch)

۴. هفت بهشت (R. Simonb. Lakish, اشعیا ۹:۷)

۵. ده بهشت (دوم انوش ۳:۲۰، ۲۲:۱)

تمامی اینها برای این هستند که جدایی خدا را از مخلوقات فیزیکی و متعالی بودن او نشان دهند. متداولترین تعداد بهشت در ربینی یهود هفت است. آ، کوهن در کتاب *Everyman's Talmud* صفحه ۳۰ می‌گوید "این متداولترین عددی بود که به سیارات فضایی مرتبط می‌شده است، ولی من فکر می‌کنم به دلیل این است که عدد هفت، عدد کاملی است (یعنی روزهای خلقت با اضافه هفت که روز استراحت خدا در کتاب پیدایش ۲:۲ است).

پولس در کتاب دوم قرنیتان ۱۲:۲ می‌گوید که بهشت "سوم" (*Ouranos* در زبان یونانی) راهی برای شناسایی شخصیت و حضور والامنشانه خدا است. پولس خدا را شخصاً دیده بود!

□ "و همان صدای چون بانگ شیپور که نخست بار با من سخن گفته بود" صدایی شبیه شیپور قبلاً نیز در مکاشفه ۱:۱۰ ذکر گردیده بود (به یادداشت مربوطه مراجعه شود). در ابتدا اینگونه عنوان می‌گردد که این عیسی است که سخن می‌گوید، اما بدلیل اینکه فصل‌های ۴ و ۵ واحدهای ادبی بوده و تا آیات ۵:۵، ۹-۱۰، ۱۲، ۱۳ عیسی هنوز معرفی نگردیده، لذا احتمالاً اشاره به آشکار شدن یک فرشته (یکی از شاخصه‌های ادبیات آخرالزمانی) دارد. نوای یک فرشته و یک شیپور بخشی از مشخصاتی است که پولس درباره آمدن دوم مستند کرده است (۱ تسالونیکیان ۴:۱۶).

□ "بالا بیا" آن دسته از مفسرین که معتقدند تاریخ انجیل توسط خدا به احکام در هر دوره و عصر تقسیم شده است، (*Dispensationalists*) تصور می‌کنند که این وجد روحانی کلیسا بدلیل درک اولیه از کتاب مکاشفه (تمام نبوت‌های عهد عتیق باید کاملاً محقق شده؛ کلیسا و اسرائیل کاملاً جدا شده؛ کلیسا بصورت پنهانی به آسمان وصل گردیده تا نبوت‌های عهد عتیق بتوانند یک اسرائیل زمینی را محقق نمایند). از این تفسیر اغلب در سکوت پشتیبانی می‌گردد، از آنجایی که کلمه "کلیسا" در کتاب مکاشفه تا قبل از فصل ۳ دیده نمی‌شود (بجز مکاشفه ۲۲:۱۰). با اینحال، در متن کلام چیزی دیده نمی‌شود که حکایت از این مطلب داشته باشد که بجز یوحنا، کسی دیگر نیز به آسمان فراخوانده شده است.

بدلیل عبارات "رعد" و "برق" در مکاشفه ۴:۵؛ می‌توان آن را به موسی (خروج ۱۹:۲۰، ۲۴) تعمیم داد که بر روی کوه سینا در حال دریافت مکاشفه خداوند است (خروج ۱۹-۲۰، بویژه ۱۹:۱۶، ۱۹).

همچنین به ذکر صدای خدا در خروج ۱۹:۱۹ که به شیپور تشبیه شده، توجه نمایید (به موضوع خاص: شیپورهای بکار برده شده توسط قوم بنی اسرائیل در مکاشفه ۱:۱۰ رجوع نمایید).

□ "آنچه را بعد از این می‌باید واقع شود" این عبارت می‌تواند اشاره‌ای باشد به دانیال ۲:۲۹، ۴۵. در اینصورت می‌توان گفت که نه به وقایع مربوط به آینده، بلکه به یک سری رویدادهای تاریخی اشاره می‌کند. کتاب مکاشفه رویدادهای قرن اول و یا بفاصله چند قرن بعد در آینده نیستند، بلکه رویدادهایی هستند که:

۱. در هر زمانی دوباره اتفاق می‌افتند (متی ۲۴:۴-۱۴)

۲. بازتاب دهنده تمام دوران میان آمدن اول و دوم عیسی می‌باشد (هفت واحد ادبی در کتاب)

این عبارت مشابه آیه ۱:۱۰ است. کلام و خواست خدا باید محقق شود (*dei*). در اینجا عنصر زمان (در کوتاه مدت) از قلم افتاده، ولی قطعیت آن باقی مانده است. خداوند برنامه رستگاری خود را تکمیل خواهد کرد!

۲:۴ "در دم در روح شدم" در مکاشفه ۱:۱۰؛ ۳:۱۷ و ۱۰:۲۱ یوحنا اینگونه توصیف شده که در روح بوده است. این می‌تواند مشابه اتفاقی باشد که برای حزقیال در کتاب حزقیال ۸:۱-۴؛ ۱:۱۱، برای عیسی در متی ۸:۴؛ برای فیلیپس در اعمال رسولان ۸:۳۹-۴۰، و برای پولس در ۲قرننتیان ۱:۱۲-۲ رخ داده است. مشخص نیست که این رویداد نشئه روحانی بوده و یا انتقال فیزیکی.

□ "تختی پیش رویم در آسمان قرار داشت و بر آن تخت کسی نشسته بود" واژه "تخت" (*thronos*) بیش از ۴۷ بار در این کتاب بکار رفته است. پادشاهی خدا، مایه اصلی این رویای آسمانی است (فصل‌های ۴ و ۵). تخت، نمادی برای نشان دادن تحت کنترل بودن تمام تاریخ توسط یهوه است. خداوند، روحی ابدی، معنوی و شخصی است؛ او بر تخت نشسته است (به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۲ رجوع نمایید)!

یکی از علل وجودی سبک نبوتی، میزان آگاهی خدا و کنترل او بر رویدادهای آینده است. تمام تاریخ با نیت خاص و آگاهی نوشته شده است (*telos*، متی ۲۴:۱۴؛ ۱قرننتیان ۱۵:۲۴-۲۸).

اینگونه تعریف شده که تخت در پیش روی وی قرار داشت. این زمان غیر کامل دو معنی می‌تواند داشته باشد: (۱) همیشه آنجا قرار داشته و یا (۲) بتازگی در آنجا بوجود آمده است. این بخش می‌تواند اشاره به کتاب دانیال آیه ۹:۷ داشته باشد که می‌گوید "تختها برقرار شد".

۳:۴ "آن تخت‌نشین، ظاهری چون ... داشت" در اینجا یوحنا بنا ندارد تا ظاهر خدا را تعریف نماید زیرا بر طبق عقاید یهودیان، این کار بشدت تقبیح شده بود (خروج ۳۳:۱۷-۲۳؛ اشعیا ۶:۵). اما او جلال خدا را بصورت رنگ‌های سه زمرد گرانبها تعریف می‌نماید. یاقوت‌ها در حزقیال ۱۳:۲۸ نیز برای تعریف تصویر آسمانی (باغ خدا) بکار برده شده است.

NASB, NKJV,

NRSV, TEV

NJB

"یشم"

"الماس"

رنگ دقیق و نام زمردها در ادبیات باستانی به روشنی مشخص نیستند. نام زمردها و رنگ آنها از قرن‌ها به قرن دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر کرده است. یشم اولین سنگی بود که بر روی زره سینه کاهن اعظم که در خروج ۲۸:۱۷-۲۱ ذکر آن به میان آمد، یافت شده بود. این سنگ بنظر بسیار تمیز آمده و با "دریای شیشه‌ای" مرتبط است (مکاشفه ۴:۶؛ ۲:۱۵؛ ۲۱:۱۱، ۱۸، ۲۱). احتمالاً اشاره آن با الماس داستان ما است.

NASB, NKJV

NRSV, TEV

NJB

"ساردیوس"

"عقیق"

"یاقوت سرخ"

ساردیوس سنگی به رنگ قرمز خونی بود. این آخرین سنگی بود که بر روی سینه کاهن اعظم قرار داشت. این نکته می‌تواند کنایه‌ای باشد به اولین و آخرین بودن خدا با تأکید بر قبیله مسیحایی یهودا (قوس و قزح زمردین). این دو سنگ در نوشته‌های باستانی در فهرست تمام جواهرات ثبت گردیده است.

□ "و قوس قزحی در گرد تخت که به منظرشبهات به زمرد دارد" زمرد سنگ مخصوص یهودا بر روی سینه کاهن اعظم بود. گمان زیادی وجود دارد که بر روی قوس و قزح (رنگین کمان) تأکید شده است، اما در این زمینه دو نظریه وجود دارد.

۱. برخی آن را اشاره‌ای می‌دانند به پیدایش ۹:۱۶، در جایی که رنگین کمان نمادی برای محافظت از عهد خداوند بوده و نشانه پایان یافتن طوفان؛ در میانه داوری، هم قول داده شده و هم شفقت نشان داده شده است.

۲. عده‌ای دیگر آن را با حزقیال ۱:۲۸ مرتبط می‌دانند، نشانی برای جلال یهوه.

مشخص نیست که رنگین کمان در اینجا نشانه داوری است یا عهد، اما روشن است که رنگین کمانی غیر طبیعی بوده زیرا رنگ آن سبز بوده و حاصل طبیعی شکست نور نبوده است.

۴:۴ "گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است" علت وجودی بیست و چهار تخت محل اختلاف میان مفسران بوده است:

۱. برخی آن را مرتبط با فرامین کاهنان هارونی که توسط داوود در ۱قرننتیان ۷:۲۴-۱۹ تنظیم گشته بود، می‌دانند

۲. برخی دیگر آن را در اشاره به شورای آسمانی می‌دانند که در ۱پادشاهان ۲۲:۱۹؛ اشعیا ۲۴:۲۳ و دانیال ۷:۹-۱۰، ۲۶ ذکر گردیده است

۳. در عین حال برخی نیز آن را تلفیقی از دوازده قبیله قوم بنی اسرائیل و دوازده رسول می‌دانند که نماد تکمیل قوم خدا هستند (مکاشفه ۱۲:۲۱، ۱۴)

شگفت‌انگیز است که این عدد در ادبیات آخرازمانی درون عهد یهود ظاهر نگردیده است.

□ "بیست و چهار پیر که جامه‌های سفید در بر دارند نشسته" درباره این پیرها میان مفسران منظرهای زیادی بوده است. دو نظریه اصلی در این میان وجود دارد:

۱. آنها معرف ایمانداران هستند:

- a. آنان در لباس سفید به تصویر کشیده شده‌اند (۱ قرن تیان ۹:۲۵؛ ۱ تسالونیکیان ۲:۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۴:۸؛ یعقوب ۱:۱۲؛ ۱ پطرس ۵:۴)
- b. هیچ کجا گفته نشده که فرشتگان تاج بر سر داشته و بر تخت نشسته‌اند (مکاشفه ۴:۴، ۱۰)
- c. آنها در فهرستی قرار دارند که مشخصاً فرشتگان هستند (مکاشفه ۵:۱۱)
- d. در مکاشفه ۵:۹-۱۰ نسخه‌های ولگاته، پیشیتا و نسخه Textus Receptus این پیرها در اشعار رستگاری لحاظ شده‌اند.

۲. آنها معرف فرشتگان هستند:

- a. فرشتگان رداي سفید بر تن دارند (متی ۲۸:۳؛ یوحنا ۱۲:۲۰؛ مرقس ۱۶:۵؛ اعمال رسولان ۱:۱۰؛ مکاشفه ۱۵:۶ و دانیال ۱۰:۵، ۶)
- b. این پیرها همیشه به‌همراه موجودات زنده شناسایی می‌گردند، مثل مکاشفه ۵:۱۱، ۱۴ که بنظر سه نوع مختلف از فرشتگان را در فهرست خود ثبت کرده است.
- c. یکی از این فرشتگان همچون فرشته عیان‌کننده عمل می‌کند (مکاشفه ۵:۵)
- d. در اشعیا ۲۴:۲۳ فرشتگان شورای آسمانی خدا "پیرها" نام دارند
- e. شاهد متنی در مکاشفه ۵:۱۰ سخن از این مطلب دارد که آن پیر، خودش را در شعر احیای بشریت لحاظ نکرده است

موضوع خاص: پیر

(Special Topic: Elder)

I. کاربرد در عهد عتیق

- A. استفاده از فرشتگان خدا که شورای فرشتگان را بوجود آوردند (BDB 278, KB 278, اشعیا ۲۴:۲۳). مشابه این اصطلاح درباره موجودات آسمانی کتاب مکاشفه بکار برده شده است (مکاشفه ۴:۴، ۱۰؛ ۵:۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۴؛ ۷:۱۱، ۱۳؛ ۱۱:۱۶؛ ۱۴:۳؛ ۱۹:۴).
- B. استفاده از رهبران قبایل در عهد عتیق (خروج ۳:۱۶؛ اعداد ۱۱:۱۶). بعدها در عهد جدید این عبارت به گروهی از رهبران اورشلیم اطلاق شد که دادگاه عالی یهودیان، سانهدرین را تشکیل دادند (متی ۲۳:۲۱؛ ۲۶:۵۷). در روزگاران عیسی، این هفتاد عضو توسط کاهنان فاسد کنترل می‌شدند (بر خلاف سلسله هارون، آنان توسط اربابان رومی خریداری شده بودند).

II. کاربرد در عهد جدید

- A. استفاده از رهبران یک کلیسا در عهد جدید. این یکی از لغات هم‌معنی بود (واعظ، ناظر، و پیر، تیتوس ۱:۵، ۷؛ اعمال رسولان ۱۷:۲۰، ۲۸). پطرس و یوحنا از این واژه برای لحاظ کردن خود در رهبری گروه استفاده کردند (۱ پطرس ۵:۱؛ یوحنا ۱:۳؛ یوحنا ۱).
- B. در ۱ پطرس ۱:۱ و ۵ با این عبارت بازی شده است. به روشنی این واژه برای رهبری (آیه ۱) و تعیین سن (آیه ۵) بکار برده شده است. شیوه کاربرد این واژه گویای این نکته است که ابتدا به ساکن درباره مشخصه سن رهبر قومی در میان یهودیان می‌باشد، در حالیکه "اسقف" یا "ناظر" (*episcopos*) مشخصه شهر-ایالت یونانی برای رهبر بوده است. ۱ پطرس از واژه عبرانی برای مورد خطاب قرار دادن غیر یهودیان ایماندار استفاده می‌کند.

پطرس خود را یک "مرد پیر" می‌نامد، واژه *presbuteros* بعلاوه حرف اضافه *syn*، "واژه مشترکی را بوجود می‌آورند". پطرس سخنی از میزان اختیارات آخرازمانی به میان نمی‌آورد (۲ یوحنا ۱، در جایی که نبی خود را "پیر" خطاب می‌کند)، اما پند می‌دهد ("نصیحت می‌کنم"، عبارت حال کامل اخباری) رهبران محلی را به عمل و زندگی معقول در سایه‌ی

۱. سرمشق قرار دادن عیسی

۲. نزدیکی بازگشت او

کلیسای اولیه ترتیبی برای موقعیت‌های رهبری قائل نبود، اما نعمت خدادادی صدارت و بشارت و رهبری را در میان کلیساهای محلی به رسمیت شناخته بود. این تأیید برای نعمات الهی باید توازنی میان تکریم محلیان برای "خدمندگان سالخورده" بوجود می‌آورد، بویژه در میان جامعه باورمندان یهود. لذا، پطرس هر دو گروه رهبران را مورد خطاب قرار داد.

همچنین به جمع بستن "رهبران" توجه نمایید. این می‌تواند اشاره به ۱) تعدادی از رهبران کلیساهای خانگی داشته باشد (اعمال رسولان ۱۷:۲۰، یا ۲) نعمات معنی مختلف در میان گروهی از رهبران (افسیسیان ۴:۱۱)، که بوضوح می‌گوید خدمات بشارتی از آن تمام ایمانداران است. این امر به موازات مفهوم "پادشاهی کاهنان" است (۱ پطرس ۲:۵، ۹).
C. استفاده از مردان پیر در کلیسا، الزاماً نه برای رهبری (۱ تیموتائوس ۵:۱؛ تیتوس ۲:۲).

- "تاج طلا" در هیچ کجای متن گفته نشده که فرشتگان تاج بر سر داشتند (حتی فرشته قدرتمند در دانیال ۱۰). موجودات شیطانی در مکاشفه ۷:۹ نیز در میان تعاریفی که از ظاهر آنان شده بود، چیزی شبیه تاج طلا بر سر داشتند.
- ۵:۴ "از تخت، برق آذرخش برمی‌خاست و غریو غرش رعد" این آیه شبیه آیات خروج ۱۹:۱۶-۱۹ بوده که در آن، پدیده فیزیکی را که به دور حضور خدا در کوه سینا گرد آمده بود، به تصویر می‌کشد. این عبارات نشان دهنده حضور خدا (مکاشفه ۱۱:۱۹) یا داوری او می‌باشد (مکاشفه ۸:۵؛ ۱۶:۱۸).
- "هفت مشعل مشتعل" این‌ها به نظر هفت مشعل جدا از یکدیگر هستند، نه اینکه در یک قندق بزرگ با هفت فتیله (خروج ۲۵:۳۷؛ زکریا ۴:۲). عملکرد آنها به نوعی شبیه سایر اشیاء هفت تایی دیگر بوده که به حضور خدا اشاره می‌کنند.
- "اینها هفت روح خدایند" مشابه همین عبارات در مکاشفه ۱:۴؛ ۳:۱ و ۶:۵ بکار برده شده است. این عبارات اغلب بر اساس آیه ۴:۱ بعنوان مرجعی برای روح القدس تفسیر می‌گردند، اما هیچکدام از دیگر مراجع این تفسیر را تأیید نمی‌کنند. بنظر این عبارت یا با کلیسا یکسان فرض گردیده (هفت ستاره، مکاشفه ۳:۱؛ هفت چراغدان، مکاشفه ۴:۵) یا با قدرت نهانی در بره (مکاشفه ۵:۶). به موضوع خاص هفت روح در مکاشفه ۱:۴ رجوع نمایید.
- ۶:۴ "دریایی از شیشه، چون بلور" نظریه‌های متعددی درباره این عبارت وجود دارد:
۱. اشاره به حوضچه در معبد دارد (۱ پادشاهان ۷:۲۳؛ ۲ تواریخ ۴:۲-۶)
 ۲. ارتباط با مفهوم دریای بلور در خروج ۲۴:۹-۱۰ دارد
 ۳. بخشی است از تخت قابل حمل خدا در حزقیال ۱:۲۲، ۲۶؛ ۱۰:۱
 ۴. نماد جدایی از قدوسیت خداوند است مکاشفه (۲:۱۵)
- در مکاشفه ۱:۲۱ این دریا حذف گردیده، که نشان از نفرین (پیدایش ۳) بخاطر گناه بشریت داشته، و جدایی نیز حذف گردیده است. به یادداشت ۱:۲۱ توجه نمایید.

- "چهار موجود زنده" این موجودات زنده در مکاشفه آیات ۴:۶-۸ تعریف گردیده‌اند. آنها تلفیقی از کرویپان در حزقیال ۱:۵-۱۰ و ۱۷-۱۰ و سرافین در اشعیا ۶:۲، ۳ هستند. تعداد بال‌ها و صورت‌های آنها متفاوت هستند، اما ترکیبی از انسان/حیوان/فرشته هستند که بدور تخت خداوند قرار دارند (مکاشفه ۴:۶، ۸، ۹؛ ۵:۶، ۸، ۱۱، ۱۴؛ ۶:۱، ۳، ۵، ۷، ۱۱؛ ۷:۱۴؛ ۸:۱۵؛ ۹:۱۹)

موضوع خاص: کرویپان

(Special Topic: Cherubim)

- A. یکی از چندین نوع فرشتگان آسمانی ذکر شده در عهد عتیق است (Cherubim, Seraphim, Arch Angels, Messenger Angels). این نوع خاص وظیفه محافظت از مناطق مقدس را بر عهده دارد (خروج ۲۵:۱۸-۲۲؛ اول پادشاهان ۸:۶-۷)
- B. ریشه این نام مشخص نیست:
۱. در آکادیان معانی "میانجی" میان خدا و انسان را دارد
 ۲. در عبری احتمالاً بازی با کلمات است، "Chariot" معنی ارابه و "Cherub" یا همان کروب، معنی کودک فرشته بالدار می‌دهد (حزقیال ۱:۱۰)
 ۳. برخی می‌گویند معنی "ظهور درخشان" می‌دهد
- C. حالت فیزیکی-اثبات این امر بسیار دشوار است زیرا توصیفات بسیار متفاوتی درون انجیل و در شرق نزدیک باستان پیرامون شکلی میان حیوان و انسان یافت شده است. برخی آن را وصل می‌کنند به:
۱. گاو بالدار بین النهرین

۲. شیر-عقاب‌های بالدار مصر بنام "غرفین"^۱
۳. موجودات بالدار بر تخت سلطنتی هیرام، پادشاه فینقی
۴. ابوالهول مصر و شکل‌های مشابه آن که در قصر شاه احب در صامره یافت شده است
- D. شرح فیزیکی

۱. شکل این فرشته (کروب) مرتبط شده است با سرافین در اشعیا ۶.
۲. نمونه‌هایی از اشکال مختلف
- a. تعداد چهره‌ها

- (۱) دارای دو چهره - جزقیال ۱۸:۴۱
- (۲) دارای چهار چهره - جزقیال ۱:۶، ۱۰:۱۰؛ ۱۴:۱۰، ۱۶، ۲۱، ۲۲
- (۳) دارای یک چهره - مکاشفه ۷:۴

b. تعداد بال‌ها

- (۱) دارای دو بال - اول پادشاهان ۶:۲۴
- (۲) دارای چهار بال - جزقیال ۱:۶، ۱۱:۲؛ ۲۳:۷، ۱۰:۷، ۸-۲۱
- (۳) دارای شش بال (همچون سرفین در اشعیا ۲:۶) - مکاشفه ۸:۴

۳. سایر امکانات

- a. دارای دست همچون انسان - جزقیال ۱:۸؛ ۸:۱۰، ۲۱
- b. پاها

- (۱) صاف، بدون زانو - جزقیال ۷:۱

- (۲) پای گوساله - جزقیال ۷:۱

۴. Flavius Josephus تصدیق می‌کند که هیچکس نمی‌دانست کرویوان دارای چه شکلی بودند (کتاب *Antiquities of the Jews*, VIII:3:3)

E. مکان‌ها و علل یافت شده در انجیل

۱. محافظ درخت زندگانی، پیدایش ۳:۲۴ (احتمالاً بصورت استعاره درباره شیطان بکار رفته است - جزقیال ۲۸:۱۴، ۱۶)
۲. محافظ Tabernacle

- a. بر روی جایگاه کفاره در خروج ۲۵:۱۸-۲۰؛ اعداد ۷:۸۹؛ اول سموئیل ۴:۴
- b. نقش بر روی پرده‌ها و چادرها؛ خروج ۲۶:۱، ۳۱:۳۶، ۸، ۳۵

۳. محافظ معبد سلمیان

- a. دو کرویوی بزرگ در قدس‌الاقداص در اول پادشاهان ۶:۲۳-۲۸؛ ۸:۶-۷؛ دوم قرنطیان ۳:۱۰-۱۴؛ ۵:۷-۹
- b. بر روی دیواره‌های درونی معبد، اول پادشاهان ۶:۲۹، ۳۵؛ دوم قرنطیان ۳:۷
- c. بر روی قاب‌هایی که به چندین دیواره وصل بودند، اول پادشاهان ۷:۲۷-۳۹

۴. محافظ معبد جزقیال

- a. حک شده بر روی دیوارها و درب‌ها، جزقیال ۴۱:۱۸-۲۰، ۲۵

۵. وصل است به شیوه‌های حمل و نقل الهی

- a. استعاره‌ای است برای باد، دوم سموئیل ۲۲:۱۱؛ مزمور ۱۸:۱۰؛ ۱۰۴:۳-۴؛ اشعیا ۱۹:۱
- b. محافظ تخت خداوند، مزمور ۸۰:۱؛ ۹۹:۱؛ اشعیا ۳۷:۱۶
- c. محافظ ارابه سلطنتی خداوند، جزقیال ۱:۴-۲۸؛ ۳:۲۲؛ اول قرنطیان ۱۸:۲۸

۶. معبد هیرود

- a. نقاشی شده بر روی دیوارها (محافظ تلمود "Yoma" 54a)

^۱ به انگلیسی *Griffin* و فارسی "شیردال" که در تخت جمشید نیز موجود است / مترجم.

□ "پوشیده از چشم، از پیش و از پس" این جمله می‌تواند اشاره به چشمان هر یک از چهار صورت داشته و یا ممکن است استعاره‌ای انجیلی باشد از علم بی‌پایان خداوند مکاشفه ۴:۸؛ حزقیال ۱:۱۸؛ ۱۰:۱۲).

۷:۴ "شیر...گوساله...انسان...عقاب" اینها اشاره روشنی به حزقیال ۱:۶، ۱۰ هستند. در ادبیات ربیانی اینها در فهرست قویترین مراحل آفرینش خداوند هستند. Irenaeus (۲۰۲-۱۲۰ پیش از میلاد) از این چهار گونه متفاوت برای تعریف چهار نویسنده اناجیل استفاده کرد (در نهایت سنت کلیسا تصمیم گرفت یوحنا را بعنوان عقاب، لوقا را بعنوان انسان، مرقس را بعنوان گوساله و متی را بعنوان شیر شناسایی کند)، اما چنین چیزی بسیار تفکر برانگیز و تمثیلی است. این موجودات همگی نمادین بوده و واقعی نیستند. با علم به اینکه عهد عتیق بر روی ترتیب مراحل آفرینش خدا تأکید دارد، لذا یک موجود از ترکیب انسان و حیوان بسیار نامفهوم به نظر می‌رسد. این واقعه یک رویداد حقیقی تاریخی نیست که کسی آن را نقل کند، بلکه سبکی بسیار نمادین بوده بمنظور شرح حد اعلای حقایق معنوی و خداوند بعنوان کسی که زندگی ابدی دارد (آیات ۸ و ۹) و روح القدس (آیه ۸) و خالق همه چیز (آیه ۱۱).

۸:۴ "قدوس، قدوس، قدوس" این موجودات زنده شعر سرافین را در اشعیا ۶:۲، ۳ تکرار می‌کنند. این اولین از مجموعه سرودهایی است که در کتاب مکاشفه یافت می‌شود (۴:۸، ۱۱؛ ۵:۹-۱۰، ۱۲، ۱۳؛ ۷:۱۲؛ ۱۱:۱۷-۱۸؛ ۱۲:۱۰-۱۲؛ ۵:۳-۴؛ ۵:۷-۱۶؛ ۱۸:۲-۸؛ ۱۹:۱-۳، ۶-۷). این سرودها اغلب مفاهیم تفسیری روایا هستند. نماد دیگر، همچون دریای بلور، بشکل یک صفت برترین عبری از حد نهایی قدوسیت خدا عمل می‌کند.

□ "خداوند، خدای قادر مطلق" اینها عناوین عهد عتیقی برای خدا هستند (مکاشفه ۸:۱):

۱. خداوند (در نسخه انگلیسی Lord بمعنی ارباب یا سرور نوشته شده است) = یهوه (خروج ۳:۱۴؛ مزامیر ۱۰۳)

۲. خدا = الوهیم (مزامیر ۱۰۴)

۳. قادر مطلق = El Shaddai، نام پدران برای خدا (خروج ۳:۶)

به موضوع خاص نام‌های خداوند در مکاشفه ۸:۱ توجه نمایید.

□ "او که بود و هست و می‌آید" این عبارت، عنوانی بازگشت کننده است (مکاشفه ۱:۴؛ ۴:۸؛ به یادداشت ۱:۴ توجه نمایید). این بخش از آیه بازی با نام عهدی خداوند، یهوه است که از فعل "آمدن" گرفته شده است. مشابه همین موضوع در مکاشفه ۹:۴ و ۱۰ در عبارت "او که تا ابد زنده است" تکرار گردیده است (مکاشفه ۱۰:۶؛ ۱۵:۷).

۱۱-۹:۴ در نسخه یونانی این آیات یک جمله کامل هستند، که نشان از آخرین حد پرستش آن کسی که بر روی تخت پادشاهی آسمان، تا ابد زنده است دارد (مزمور ۴۷؛ دانیال ۴:۳۴؛ ۷:۱۲). این آیات ممکن است اشاره‌ای باشند به فرشتگانی که شورای آسمانی را فرا می‌خوانند (پادشاهان ۱۹:۲۲؛ ایوب ۱:۶؛ دانیال ۷:۱۰) و یا "فرشتگان حاضر" یهودی (Tobit 12:15).

۹:۴ "موجودهای زنده" از این موجودات آسمانی در اغلب کتاب‌ها ذکر به میان آمده است (مکاشفه ۵:۶، ۸، ۱۴؛ ۶:۱؛ ۷:۱۱؛ ۱۴:۳؛ ۱۵:۷؛ ۹:۴).

۱۰:۴ "جلال و عزت و سپاس نثار آن تخت‌نشین می‌کنند" این نمادی است برای درک آنها از شایستگی خداوند برای تکریم و پرستش! دلیل داشتن تاج آنها هر چه که باشد، آنها به این نقطه از درک رسیده بودند که قدرت از آن خداوند است!

۱۱:۴ "آفریدگار همه چیز تویی" پیرها و موجودات زنده خدا را بعنوان خالق، هستی بخش و فراهم آورنده همه نیازها عبادت می‌کنند. این یک تأکید الهیاتی از نام Elohim است (پیدایش ۱؛ ایوب ۳۸-۴۱؛ مزمور ۱۰۴). این فصل از مفاهیم الهیاتی دو تا از نام‌های خدا که بیشترین استفاده را برای تعریف کارهای او داشته، بهره برده است. مکاشفه در حال پیشروی در عهد جدید روشن می‌کند که عیسی نماینده پدر در آفرینش بوده است (یوحنا ۱:۳؛ ۱ قرن‌تبان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۶ و عبرانیان ۱:۲).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۵:۱-۵

آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن، و طومار به هفت مهر مَمهور بود. ^۲ و فرشته‌ای نیرومند دیدم که به بانگ بلند ندا می‌داد: «کیست که سزاوار برداشتن مَهرها و برگشودن طومار باشد؟» ^۳ و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن نداشت که طومار را برگشاید یا حتی در آن نظر کند. ^۴ من زار زار می‌گریستم زیرا هیچ‌کس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد. ^۵ آنگاه یکی از پیران به من گفت: «گریان مباش. اینک آن شیرِ قبیلهٔ یهودا، آن ریشهٔ داوود، غالب آمده است، تا طومار و هفت مهر آن را بگشاید.»

۱:۵ "در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم" ترجمه بهتر این آیه "بر روی دست راست او" است (نسخه Peshitta توسط Lamsa و Amplified Bible به انگلیسی ترجمه کرده است). بنا بر این نیست که خدا کتابی را محکم در دستانش بفشارد، بلکه باید آن را به سوی کسی دراز کرده تا گرفته و باز شود. عبارت "در دست راست" برای نشان دادن قدرت و اختیارات خداوند جنبه انسانی دارد (به موضوع خاص مکاشفه ۱:۲ رجوع شود). خدا دارای بدن فیزیکی نیست، بلکه موجودیت معنوی و روحانی دارد (یوحنا ۴:۲۴)، موجودیتی که کسی او را خلق نکرده و ابدی است.

□ "طومار" (در نسخه انگلیسی کتاب نوشته شده است) واژه یونانی آن "biblion" است که بعدها برای اشاره به نسخه‌های خطی قدیمی (کتاب) استفاده شده است. بیشتر مفسرین اتفاق نظر دارند که این طومارها تا قرن دوم دیده نشده‌اند، لذا آنچه که ما در اینجا داریم، نسخه پاپیروس یا طومار نوشته شده بر روی پوست آهو است (NKJV, NRSV, TEV, NJB). نظریه‌های زیادی درباره معنی این طومار وجود دارد.

۱. طومار اندوه، یافت شده در حزقیال ۲:۸-۱۰ و مکاشفه ۱:۸-۱۱
۲. طوماری که مردم برای خواندن عیان می‌کنند زیرا خداوند به لحاظ معنوی آنها را کور کرده است (اشعیا ۲۹:۱۱؛ رومیان ۸:۱۱-۱۰، ۲۵)
۳. رویدادهای پایان جهان (آخرالزمان)، (دانیال ۸:۲۶)
۴. آخرین آرزو یا شهادت یک رومی، که بصورت سنتی با هفت مهر، مهر و موم شده بود
۵. کتاب حیات (دانیال ۷:۱۰؛ ۱:۱۲)، که اغلب در کتاب مکاشفه از آن سخن به میان آمده است (مکاشفه ۳:۵؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۲، ۱۵)
۶. عهد عتیق (کولسیان ۲:۱۴؛ افسسیان ۲:۱۵).
۷. لوح‌های آسمانی در I Enoch 81:1,2.

به باور من، جنبه‌های شماره‌های ۱، ۲ و ۳ بنظر بهترین گزینه می‌آیند. طومار کتاب سرنوشت بشر و حد نهایت تاریخ خداوند می‌باشد.

□ "با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن" در دنیای باستان چنین چیزی بدلیل سختی نوشتن بر قسمت پشتی پاپیروس بسیار عجیب است، با اینحال در حزقیال ۲:۹-۱۰ و زکریا ۵:۳ نیز از آن سخن گفته شده است. این کار نمادین، کنترل تمام و کمال خداوند را بر روی تاریخ و سرنوشت بشریت نشان می‌دهد.

هر دوی این وجوه وصفی (نوشتن و مهر و موم کردن) مجهول کامل بودن این طومار را تعریف می‌کنند. این اولین قالب دستوری مخصوص استفاده شده برای تعریف تحت وحی قرار داشتن متن است (یوحنا ۶:۴۵؛ ۸:۱۷؛ ۱۰:۳۴ و غیره). این دومین راه برای نشان دادن تحت‌الحفظ بودن طومار توسط خداوند است.

□ "به هفت مهر مَهْمُور بود" این هفت مهر احتمالاً دو اصلیت داشته است.

۱. از پیدایش ۱، هفت عدد کامل بوده، لذا کاملاً مهر و موم شده است.
۲. وصایای رومیان با هفت مهر، مهر و موم می‌گردید.

این مهرها قطرات کوچک موم حاوی نشان مالک بودند، که بر هر کجای کتاب یا طومار که قرار بود باز شود، چسبانده می‌شد (به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۷ رجوع شود). در مکاشفه ۶:۱-۸:۱ گفته شده که باز کردن این مهرها، اندوه و غم برای زمین به بار می‌آورد، اما محتوای طومار در این واحد ادبی بر ملا نمی‌گردد. در حقیقت، در ساختار کتاب، هفتمین مهر باعث شروع هفتمین شیپور می‌شود که خود هفتمین مهر محسوب می‌گردد.

۲:۵ "فرشته‌ای نیرومند دیدم" برخی به لحاظ علم اشتقاق لغات، این فرشته را با نام جبرائیل مرتبط می‌دانند، که معنی آن "مرد قوی خدا" است. در مکاشفه ۱:۱۰ و ۱۸:۲۱ از فرشته قوی دیگری نام برده شده است. واسطه‌های آسمانی در ادبیات آخرالزمانی درون عهدهای یهود، کاملاً رواج دارند.

□ "به بانگ بلند ندا می‌داد" مخاطب او تمام مخلوقات بودند.

□ "کیست که سزاوار برداشتن مهرها و برگشودن طومار باشد؟" واژه "سزاوار" یک واژه تبلیغی مرتبط با کاربرد قیاس هستند. اینگونه که گفته شده بمعنی "آنچه که به یکدیگر مرتبط هستند" می‌باشد. چیزی در یک کفه ترازو و آنچه که در کفه دیگر قرار دارد، برابر با آن است. این جمله می‌توانست بصورت مثبت یا منفی بکار برده شود. در اینجا آنچه در یک کفه قرار گرفته، ارزش گرانبهای منجی عاری از گناه است. فقط عیسی است که با وظیفه احیای بشریت از سوی خدا، برابری می‌کرد. فقط عیسی برابر با نتیجه نهایی بود. فقط عیسی ارزشمند است (مکاشفه ۵:۷، ۹-۱۰، ۱۲).

۳:۵ "و هیچ‌کس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن نداشت که طومار را برگشاید یا حتی در آن نظر کند" این آیه ناتوانی کامل فرشتگان و انسان را در توانایی بر آوردن خواست خدا می‌رساند! شورشیان بر روی همه تأثیر گذارده‌اند! آفرینش قادر به کمک به خود نیست! همه بی‌ارزش هستند!

۴:۵ "من زار زار می‌گریستم" این فعل ناقص است که از شروع یک عمل یا تکرار عملی در زمان گذشته می‌دهد. معنی آن "با صدای بلند شیون کردن" است، یکی از مشخصه‌های شرق نزدیک باستان.

۵:۵ "یکی از پیران به من گفت" در اینجا همچون کتاب دانیال، یکی از پیران را می بینیم که وظیفه ترجمه کلام آسمانی را دارد. به موضوع خاص پیر در مکاشفه ۴:۴ رجوع کنید.

- "گریان مباش" عبارت حال دستوری با لفظ منفی که معمولاً معنی توقف عمل در حال اجرا را می دهد.
- "آن شیر قبیله یهودا" این اشاره به کتاب پیدایش آیات ۹:۴۹-۱۰:۱۰ دارد (II Esdras 12:31.32). مسیح منجی همان شیر تسخیر کننده (پادشاه) از قبیله یهودا است.
- "آن ریشه داوود" این عبارت اشاره به ۲ سموئیل ۷ و بویژه اشعیا ۱۱:۱-۱۰ است. نظیر همین عبارت از خاندان داوودی مسیحایی را می توان در ارمیا ۵:۲۳؛ ۵:۳۳ و مکاشفه ۲۲:۱۶ مشاهده کرد.
- "غالب آمده است" جمله اخباری فعال آنوریستی، که از واقعیت به سرانجام رسیده می گوید (کالواری و قبر خالی). توجه داشته باشید که قرار نیست شیر با نیرویی که دارد چیزی را تسخیر کند، بلکه این کار را با قربانی کردن خود انجام می دهد (مکاشفه ۵:۵).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۵:۶-۱۰

آنگاه بره ای دیدم که گویی ذبح شده باشد، ایستاده در مرکز تخت و محصور میان آن چهار موجود زنده و پیران. هفت شاخ داشت و هفت چشم که هفت روح خدایند که به تمام زمین فرستاده شده اند. او پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت نشین گرفت. پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر پیش پای بره بر خاک افتادند. آنها هر یک چنگی در دست داشتند و جامی زرین آکنده از بخوری که همان دعاهاى مقدسین است. و سرودی تازه بدین سان می سرودند که:

«تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مهرهای آن،
چرا که ذبح شدی، و با خون خود مردم را
از هر طایفه و زبان و قوم و ملت،
برای خدا خریدی؛
و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند
و اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد.»

۶:۵ "بره ای ایستاده" مفهوم یک بره ذبح شده (بره *amion*) قیام عیسی مسیح و کفاره او را به تصویر می کشد. در کتاب مکاشفه، بره به وفور مورد اشاره قرار گرفته است. (مکاشفه ۵:۶، ۸، ۱۲، ۱۳؛ ۶:۱، ۱۶؛ ۷:۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۳:۸؛ ۱۴:۱، ۴ (دو بار)، ۱۰؛ ۱۵:۳؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۷، ۹؛ ۲۱:۹، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۲۷؛ ۲۲:۱، ۲۳). کلمه استعاره ذبح از آیات زیر گرفته شده است:

۱. بره پسخ (خروج ۱۲)
۲. یکی از بره هایی که روزانه در صبح و عصر ذبح می شدند (تداومی، خروج ۲۹:۳۸-۴۶؛ اعداد ۳:۳، ۶، ۱۰، ۲۳، ۳۱؛ ۲۹:۱۱، ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۸)
۳. بره کشته شده ای اشعیا ۵۳:۷ یا یوحنا ۱:۷، ۲۹

این استعاره در دو حالت کاملاً مجزا از یکدیگر برای عیسی بکار برده شده اند: (a) بعنوان یک قربانی بی گناه و (b) بعنوان فاتح غالب (در ادبیات پایان عصری یهودیان نیز دیده می شود، I Enoch 90:9؛ شهادت یوسف ۸:۱۹، ۹). در عهد جدید اما، فقط یحییای تعمید دهنده در یوحنا ۱:۲۹، ۳۶ و یوحنا در مکاشفه ۵:۶، ۸، ۱۲، ۱۳؛ ۶:۱، عیسی را بعنوان بره خطاب می کنند (پولس نیز این موضوع را تصریح می کند، اما بدون بکار بردن واژه، در ۱ قرنتیان ۵:۷).

- "که گویی ذبح شده باشد" او مرده بود، اما اکنون زنده است. اما هیولای دریا از قیام مسیح تقلید می کند (مکاشفه ۱۳:۳).
- "هفت شاخ داشت و هفت چشم" اولین واژه اشاره به قدرت مطلق دارد (خروج ۲۷:۲؛ ۱۲:۲۹؛ تثنیه ۳۳:۱۷؛ ۲ تواریخ ۱۸:۱۰؛ مزامیر ۱۱۲:۹؛ ۱۷:۱۳۲؛ ارمیا ۴۸:۲۵؛ حزقیال ۲۹:۲۱؛ زکریا ۱:۱۸-۲۱). دومین واژه اشاره به قدرت مطلق خدا دارد (مکاشفه ۴:۶، ۸؛ حزقیال ۱:۱۸؛ ۱۰:۱۲؛ زکریا ۳:۹ و ۴:۱۰). این نمادها مشابه آیات کتاب دانیال ۷:۱۳-۱۴ هستند.
- "که هفت روح خدایند" به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۴ و یادداشت مکاشفه ۴:۵ رجوع نمایید.

۸:۵ "پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر پیش پای بره بر خاک افتادند" این آیه نشان دهنده عبادت بره در کنار عبادت خداوند است (مکاشفه ۵:۱۳)، که موضوع اصلی کتاب مکاشفه می باشد.

□ "و جامی ز زین آکنده از بخوری که همان دعاها می مقدسین است" در ادبیات یهودیان فرشتگان همواره حاملین دعاها برای خدا بوده اند (Tobit 12:15, III Baruch 11). بخور که معرف دعا می باشد، بارها در کتاب مقدس بکار برده شده است (مکاشفه ۸: ۳-۴؛ مزمور ۱۴۱: ۲؛ لوقا ۱: ۱۰).

□ "مقدسین" با وجود اینکه کلمه "کلیسا" تا بعد از فصل سه دیده نمی شود، اما مفهوم "مقدسین" همواره در طول کتاب دیده شده و باید اشاره به گروهی خاص از قوم خدا داشته باشد. مفهوم ایمانداران بعنوان "مقدسین" در کتاب مکاشفه بسیار رایج است (مکاشفه ۸: ۳-۴؛ ۱۸: ۱۱؛ ۷: ۱۳؛ ۱۰: ۱۴؛ ۱۶: ۶؛ ۱۷: ۶؛ ۱۸: ۲۰ و ۲۴؛ ۹: ۲۰).

موضوع خاص: مقدسین

(Special Topic: Saints [hagios])

این یک لغت هم عرض با واژه عبری *kadosh* می باشد (اسم، BDB871؛ فعل BDB872, KB 1066-1067؛ به موضوع خاص مقدس مراجعه کنید)، که معنی اولیه آن، "شخصی را، چیزی را، مکانی را برای استفاده انحصاری یهوه کنار گذاشتن (بمفهوم ذخیر کردن)" است. در زبان انگلیسی این لغت بعنوان "مقدس" استفاده می شود. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (۱ پترس ۲: ۹؛ که نقل قولی از خروج آیه ۱۹: ۶ است). یهوه برای بشریت به واسطه ذاتش (ابدی و خلق نشده) و شخصیتش (غایت کمال) کنار گذاشته شد. او استانداردی است که هر آنچه که وجود دارد بر مبنی او قیاس و سنجیده می شوند. او والاتر و بالاتر از هر چیز است، ذاتی مقدس که دیگران را تقدیس می کند.

او آدمیزاد را برای دوستی آفرید، اما اخراج آنان از بهشت (پیدایش ۳) مسبب بوجود آمدی مرزهای دوستی و اخلاقی با خالق عظیم و بشریت گنهگار گردید. خواست خدا بوده که مخلوقات را هشیارانه بیافریند، لذا، مردمش را به تقدیس فرا خواند (لاویان ۱۱: ۴۴؛ ۲: ۱۹؛ ۷: ۲۰؛ ۲۶؛ ۲۱: ۸).
بو سیله ارتباطی مبتنی بر ایمان با خدای یهوه و با وعده او، مردمان او مقدس می شوند، اما در عین حال به ادامه چنین زندگی نیز فراخوانده می شوند (به موضوع خاص تحکیم و همینطور متی ۵: ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴، ۱۷؛ ۵: ۲-۳، ۱۵؛ ۱ پترس ۱: ۱۵ رجوع شود).

چنین زندگی ممکن است زیرا ایمانداران کاملاً پذیرفته شده و بواسطه (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب آنان، بخشیده شده اند.

این موضوع باعث بوجود آمدن تناقضی میان ایمانداران می گردد:

۱. مقدس بودن بخاطر حقانیت ذاتی عیسی (رومیان ۴)
 ۲. فراخوانده شدن به زندگی این چنینی بخاطر حضور روح القدس (به موضوع خاص تحکیم مراجعه شود)
- ایمانداران "قدیس" هستند (hagioi) به دلیل:
۱. خواست روح اقدس (پدر، یوحنا ۶: ۲۹، ۴۰؛ ۱ پترس ۱: ۱۵-۱۶)
 ۲. کار پسر مقدس (عیسی، ۲ قرنتیان ۵: ۲۱؛ ۱ پترس ۱: ۱۸-۲۱)
 ۳. حضور دائمی روح القدس (رومیان ۸: ۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید این کلمه را بصورت جمع بکار می برد، قدیسان (بجز یک جا در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی در متن آن را تبدیل به جمع می کند). نجات یافتن بخشی از یک خانواده است، یک بدن و یک ساختمان! ایمان انجیلی با دریافت شخصی شروع می گردد، اما در دوستی مشکلاتی بوجود می آورد. همه ما بواسطه سلامتی، رشد و بدن نیکی که از عیسی داریم، یعنی کلیسا (۱ قرنتیان ۱۲: ۷) دارای نعمتی خدادادی هستیم (۱ قرنتیان ۱۲: ۱۱). ما نجات یافتیم که خدمتگذار باشیم! "تقدس" ساختار خانواده است!

این نام برای ایمانداران بصورت لقب (اعمال رسولان ۹: ۱۳، ۳۲، ۴۱؛ ۲۶: ۱۰؛ رومیان ۷: ۱؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ فیلیپیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۲) و راهی برای خدمت به دیگران تبدیل شد (رومیان ۱۲: ۱۳؛ ۲: ۱۶؛ افسسیان ۱: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۶: ۱۰). پولس فقط یک بار چیزی را از کلیساهای بی ایمانان فراگرفت و آن را برای کلیسای مادر در اورشلیم استفاده کرد (رومیان ۲۶-۱۵: ۲۵؛ ۱ قرنتیان ۱: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۸: ۴؛ ۱: ۹).

۹: ۵-۱۰ در ارتباط با ضمیر "ما" نسخه های خطی مختلفی به زبان یونانی وجود دارد. کتاب مقدس نسخه NKJV از ضمیر "ما" در مکاشفه ۹: ۵ استفاده کرده، "ما را برای خدا خریدی"، و یا در مکاشفه ۵: ۱۰ "و نزد خدایمان از ما کاهن و پادشاه ساختی". بیشتر ترجمه های مدرن (NASB, NRSV, TEV,) (NJB) "ما" را در هر دو آیه حذف کرده اند. اگر "ما" در هر دو آیه وجود داشته باشد، پس مرگ عیسی شامل بیست و چهار پیروی می شود که بظاهر از فرشتگان آسمانی هستند. مرگ عیسی در هیچ کجای انجیل به باز خریدی فرشتگان ارتباط داده نشده است. همچنین، وجود "آنها" (*autous*) در مکاشفه ۵: ۱۰ بلحاظ قواعد دستور زبانی، اصالت "ما" را خود بخود حذف می کند. نسخه چاپ چهارم The United Bible Society دو ضمیر جمع را حذف کرده است.

۹:۵ "و سرودی تازه بدین سان می‌سرودند" در عهد عتیق اشاره‌های زیادی به شعر جدید شده است (مزمور ۳:۳۳؛ ۳:۴۰؛ ۱:۹۸؛ ۱:۱۴۴؛ ۹:۱۴۹؛ ۱:۱۴۹ و اشعیا ۴۲:۱۰). در هر یک از رویدادهای بزرگ عهد عتیق، قوم خدا تشویق به سرودن شعری جدید برای کارهای خدا می‌گردیدند. این حد نهایت شعر درباره عیان شدن خدا در مسیح و کارهای مسیحایی برای نجات ایمانداران است (مکاشفه ۹:۵، ۱۲، ۱۳؛ ۳:۱۴).

تاکید بر روی چیزهای "جدید" از مشخصه‌های عصر جدید در اشعیا ۴۲-۶۶ است.

۱. "چیزهای جدید"، اشعیا ۴۲:۹
 ۲. "سرودی نو"، اشعیا ۴۲:۱۰
 ۳. "کاری تازه می‌کنم" ۱۹:۴۳
 ۴. "چیزهای تازه"، ۶:۴۸
 ۵. "نام تازه"، اشعیا ۶۲:۶
 ۶. "آسمانی جدید و زمینی جدید"، اشعیا ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۲۲
- در کتاب مکاشفه نیز "چیزهای جدید" بسیار دیده می‌شوند.
۱. "اورشلیم جدید"، مکاشفه ۳:۱۲؛ ۲:۲۱
 ۲. "نام تازه"، مکاشفه ۲:۱۷؛ ۳:۱۲
 ۳. "سرودی تازه"، مکاشفه ۵:۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳؛ ۱۴:۳
 ۴. "آسمانی جدید و زمینی جدید"، مکاشفه ۲۱:۱

□ "توسزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مهرهای آن" این سرود جدید (مکاشفه ۵:۹-۱۰) بخشی از ارزش بره است.

۱. کفالت مرگ (مکاشفه ۵:۶، ۹، ۱۲؛ ۸:۱۳؛ اپطرس ۱۸-۱۹)
۲. هزینه‌ای که بابت خرید گناهکاران پرداخت شد (مکاشفه ۵:۹؛ ۱۴:۳-۴؛ مرقس ۱۰:۴۵؛ ۱۰:۱۹-۲۰؛ ۷:۲۳؛ تیموتائوس ۲:۶)
۳. خرید مردان از هر قوم (مکاشفه ۵:۹؛ ۷:۹؛ ۱۴:۶)
۴. ساخت پادشاه و کاهن از ایمانداران (مکاشفه ۱:۵؛ ۶:۱۰)
۵. آنان با او پادشاهی خواهند کرد (مکاشفه ۳:۲۱؛ ۵:۱۰؛ ۲:۴)

□ "از هر طایفه و زبان و قوم و ملت" دوباره این یک استعاره از جهانی شدن است (مکاشفه ۷:۹؛ ۱۱:۹؛ ۱۳:۷؛ ۱۴:۶). می‌تواند اشاره‌ای به دانیال ۴:۳، ۷ نیز باشد.

□ "با خون خود ... برای خدا خریدی" این آیه مرجع خوبی برای اشاره به کفار به خداوند است. مفهوم عیسی بعنوان قربانی برای گناهان، مرکزیت کتاب مکاشفه (مکاشفه ۱:۵؛ ۵:۹؛ ۱۲:۷؛ ۱۴:۱۲؛ ۱۱:۱۳؛ ۸:۱۴؛ ۴:۵؛ ۳:۱۹؛ ۷:۲۳؛ ۳:۲۲) و همچنین تمام عهد جدید است (متی ۲۰:۲۸؛ ۲۸:۲۶؛ مرقس ۱۰:۴۵؛ رومیان ۳:۲۴-۲۵؛ ۱۰:۲۰؛ ۲۳:۷؛ ۲۳:۲۱؛ ۲۱:۵؛ غلاطیان ۳:۱۳؛ افسسیان ۱:۷؛ فیلیپیان ۲:۸؛ تیموتائوس ۲:۶؛ تیتوس ۲:۱۴؛ عبرانیان ۹:۲۸ و اپطرس ۱:۱۸-۱۰).

موضوع خاص: خونبها/باز خرید (Special Topic: Ransom-Redeem)

I. عهد عتیق

A. اساساً دو اصطلاح عبری وجود دارند که دربرداخته این مفهوم می‌باشند.

۱. *Ga'al* (BDB 145 I, KB 169 I) که به معنی "بهای آن پرداخت شده و آزاد است" می‌باشد. حالت دیگر این اصطلاح *go'el* مفهوم واسطه انسانی را به آن اضافه می‌کند که معمولاً عضو خانواده است (سرپرست خانواده). این جنبه فرهنگی حق باز خرید اشیا، حیوانات، زمین (مراجعه شود به لایوان ۲۵ و ۲۷) یا اقوام (مراجعه شود به روت ۴:۱۴، اشعیا ۲۲:۲۹) از دید الهیاتی به تحویل اسرائیل از مصر توسط یهوه منتقل می‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۶:۶، ۱۳:۱۵، مزمور ۲:۷۴، ۱۵:۷۷، ارمیا ۱۱:۳۱). او تبدیل به ناجی می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱۹:۲۵، مزمور ۱۹:۱۴، ۷۸:۳۵، امثال ۱۱:۲۳، اشعیا ۱۴:۴۱، ۴۳:۱۴ و ۴۴:۶، ۴۷:۴، ۴۸:۱۷، ۴۹:۷، ۲۶ و ۵۴:۵، ۸ و ۵۹:۲۰، ۶۰:۱۶، ۶۳:۱۶، ارمیا ۳۴:۵۰).

۲. *Padah* (BDB 804, KB 911) که به معنی "تحویل دادن" یا "نجات دادن" است.

(۱) رستگاری تنها مولود (کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۵ و اعداد ۱۵:۱۸ الی ۱۷)

- (۲) رستگاری فیزیکی برابر رستگاری معنوی (مزمور ۷: ۴۹ و ۸ و ۱۵)
- (۳) یهوه اسرائیل را از گناهانشان و شورشیان نجات خواهد داد (مزمور ۷: ۱۳۰ الی ۸)
- B. مفهوم الهیاتی آن در بردارنده چندین رابطه است

۱. یک نیاز، تعهد، مجازات و زندانی شدن وجود دارد

(۱) فیزیکی

(۲) اجتماعی

(۳) معنوی (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۱۳۰)

۲. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود

(۱) در ارتباط با قوم اسرائیل (مراجعه شود به تثنیه ۸: ۷)

(۲) در رابطه با فرد (مراجعه شود به یعقوب ۲۵: ۱۹ الی ۲۷، ۲۸: ۳۳، اشعیا ۵۳)

۳. شخصی باید به عنوان واسطه و ذینفع عمل کند. در *ga'al* این شخص معمولاً یکی از اعضا خانواده یا نزدیکان است (*go'el*, BDB 145)

۴. یهوه معمولاً خود را با اصطلاحات خانوادگی معرفی می‌کند.

(۱) پدر

(۲) شوهر

(۳) یک ناجی از نزدیکان خانواده/ناجی رستگاری از طریق یهوه رها می‌شود، بهایش پرداخت می‌گردد و رستگاری حاصل می‌گردد.

II. عهد جدید

A. از چندین اصطلاح که در بردارنده مفهوم الهیاتی بحث هستند، استفاده شده است.

۱. *Agorazō* (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۲۰: ۶، ۲۳: ۷، دوم پطرس ۱: ۲، مکاشفه ۹: ۵، ۳: ۱۴ الی ۴). این یک اصطلاح تجاری است که منعکس کننده بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که خونبها می‌گیریم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما به مسیح تعلق داریم.

۲. *Exagorazō* (مراجعه شود به غلاطیان ۱۳: ۳، ۴: ۵، افسسیان ۱۶: ۵، کولسیان ۵: ۴). این نیز یک اصطلاح تجاری است. این اصطلاح منعکس کننده مرگ جایگزین عیسی از جانب ما است. عیسی نفرینی که بر بر مبنای شریعت بر ما بود و انسانهای گناهکار نمی‌توانستند آن را تحقق بخشند، تحمل کرد (شریعت موسی، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۶، کولسیان ۲: ۱۴). او نفرینی را که بر ما بود (مراجعه شود به تثنیه ۲۳: ۲۱) برای همه ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۰، دوم قرن‌تین ۲۱: ۵) تحمل کرد! از طریق عیسی عدالت و عشق خدا در هم آمیخت و تبدیل به بخشش کامل و پذیرش شد!

۳. *Luō* (آزاد کردن/رها کردن)

a. *Lutron* "بهای پرداخت شده" مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۲۰، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). اینها کلمات قدرتمندی هستند که از دهان خود عیسی بیرون آمده اند و در رابطه با هدف آمدنش می‌باشند، برای اینکه ناجی جهان باشد، برای اینکه بدهی گناهانی را که مرتکب نشده است، بپردازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹).

b. *Lutroō*

(۱) که ناجی اسرائیل باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۱: ۲۴)

(۲) تا خودش را قربانی کند که مردم را نجات دهد و پاک سازد (تیتوس ۲: ۱۴)

(۳) برای اینکه جایگزین بدون گناه باشد (اول پطرس ۱: ۱۸ الی ۱۹)

c. *Lutrōsis*, "رستگاری"، "آزادی"

(۱) نبوت زکریا در مورد عیسی، انجیل لوقا ۱: ۶۸

(۲) دعای آنا با خدا برای عیسی، انجیل لوقا ۳: ۳۸

(۳) عیسی بهتر است، قربانی برای یک مرتبه، عبرانیان ۹: ۱۲

۴. *Apolytrōsis*

a. رستگاری در آمدن دوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳ الی ۲۱)

(۱) انجیل لوقا ۲۸:۲۱

(۲) رومیان ۲۳:۸

(۳) افسسیان ۱:۱۴، ۳۰:۴

(۴) عبرانیان ۹:۱۵

b. رستگاری در زمان مرگ عیسی

(۱) رومیان ۳:۲۴

(۲) اول قرنتیان ۱:۳۰

(۳) افسسیان ۷:۱

(۴) کولسیان ۱:۱۴

۵. *Antilytron* (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲:۶). این یک متن مهم است (همانند تیتوس ۲:۱۴) که رهایی را با مرگ عیسی بر بالای صلیب به عنوان جایگزین مرتبط می‌کند. او تنها قربانی قابل قبول است، کسی که به خاطر "همه" مرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۲۹، ۳:۱۶، ۱۷، ۴:۲۴، اول تیموتائوس ۲:۴، ۴:۱۰، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲، ۴:۱۴).

B. مفهوم الهیاتی در عهد جدید

۱. انسان برده گناه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۳۴، رومیان ۳:۱۰ الی ۱۸ و ۲۳، ۲۳:۶)

۲. وابستگی انسان به گناه در قانون عهد عتیقی موسی آشکار شده است (مراجعه شود به غلاطیان ۳) و موظفه عیسی بر بالای کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷). عملکرد انسان تبدیل به مجازات ممرگ برای او شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲:۱۴)

۳. عیسی، بره معصوم خدا، آمد و بجای ما مرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۴۵، انجیل یوحنا ۱:۲۹، دوم قرنتیان ۵:۲۱). ما را از گناه خریدند تا به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۶).

۴. به طور ضمنی هم یهوه و هم عیسی "نسبت نزدیک" دارند که از طرف ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، نزدیکان) تداوم می‌یابند.

۵. رستگاری بهایی نیست که به شیطان (یعنی الهیات قرون وسطی) پرداخت شده باشد، بلکه آشتی با خدا و عدالت خداوند با عشق خدا و کامل بودن در مسیح است. در صلیب صلح بازگردانده شد، شورش بشر آموزش داده شد، تصویر خدا در بشریت در حال حاضر به طور کامل در همکاری صمیمانه عمل می‌کند!

۶. هنوز یک جنبه آینده نگرانه ای در رستگاری وجود دارد (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۳، افسسیان ۱:۱۴، ۳۰:۴)، که شامل احیا کالبد ما و صمیمت فردی با تثلیث خدا است (موضوع خاص: تثلیث را مطالعه کنید). کالبدهای احیا شده ما همانند او خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲). او یک بدن فیزیکی دارد، ولی با یک بعد اضافی. به سختی می‌توان پارادوکس اول قرنتیان ۱۵:۱۲ الی ۱۹ را با اول قرنتیان ۱۵:۳۵ الی ۵۹ توصیف کرد. بدینی است یک کالبد فیزیکی و زمینی وجود دارد و همچنین یک کالبد معنوی و بهشتی. عیسی هر دو را داشت.

۱۰:۵ "از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی" این بخش از آیه اشاره به کتاب خروج آیه ۱۹:۶ و اشعیا ۶۱:۶ دارد. این اصطلاح الان برای کلیسا بکار برده می‌شود، بزرگترین هیئت قوم خدا (مکاشفه ۱:۶؛ ۲۰:۶؛ ۱ پطرس ۲:۵، ۹). به یادداشت مکاشفه ۱:۶ رجوع نمایید.

□ "اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد" برخی مترجمین این آیه را برای آینده متصور هستند و برخی دیگر آن را یک واقعیت امروزی تلقی می‌کنند. در نسخه خطی یونانی، تفاوتی میان زمان آینده در P, MSS ۸, P و زمان حال MS A (Alexandrinus) وجود دارد. اگر آن را در زمان حال در نظر بگیریم، شبیه به آیات رومیان ۵:۱۷ و افسسیان ۲:۶ می‌شود. اگر آینده در نظر بگیریم احتمالاً به پادشاهی قوم خدا با مسیح می‌پردازد (متی ۱۹:۲۸؛ لوقا ۲۲:۳۰؛ ۱ قرنتیان ۴:۸؛ تیموتائوس ۲:۱۲؛ مکاشفه ۳:۳؛ ۵:۱۰). حتی این پادشاهی آینده به دو روش دیده می‌شود

۱. بنظر می‌رسد در مکاشفه ۲۰:۴، ۶ اشاره به یک پادشاهی هزار ساله داشته باشد

۲. بنظر می‌رسد در مکاشفه ۲۲:۵ اشاره به یک پادشاهی ابدی داشته باشد (مزمور ۱۵۳:۱۳؛ اشعیا ۹:۷؛ دانیال ۲:۴۴؛ ۷:۱۴، ۱۸، ۲۷)

نسخه UBS⁴ با اعطای رتبه الف به زمان آینده، به آن قطعیت داده است.

موضوع خاص: سلطنت در پادشاهی خدا

(Special Topic: Reigning in the Kingdom of God)

مفهوم پادشاهی به‌مراه مسیح بخشی از دسته‌بندی الهیاتی بزرگتر بنام "پادشاهی خدا" است. این عبارتی است که از مفاهیم عهد عتیق آورده شده، در زمانی که خدا بعنوان پادشاه حقیقی اسرائیل شناخته می‌گردید (۱ سموئیل ۸: ۷). سلطنت او (۱ سموئیل ۸: ۷؛ ۱۷: ۱۰-۱۹) در میان نوادگانی از قبیله یهودا (پیدایش ۴۹: ۱۰) و خانواده یسی (۲ سموئیل ۷) بصورت نمادین بود.

عیسی همان مکمل وعده داده شده در نبوت عهد عتیق در ارتباط نجات دهنده است. او با زنده شدن خود در بیت‌الحم، پادشاهی خدا را در اختیار گرفت. پادشاهی خدا هسته مرکزی موعظه‌های عیسی گردید. این پادشاهی بطور کامل و کمال بوسیله او نماد پیدا می‌کند (متی ۱۰: ۷؛ ۱۲: ۱۲؛ ۲۸: ۱۲؛ مرقس ۱: ۱۵؛ لوقا ۱۰: ۹، ۱۱؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۷: ۲۰-۲۱).

با اینحال، این پادشاهی همچنین برای آینده بود (اسکاتالوژی). زمان آن برای حال بود اما پایان رسید (متی ۶: ۱۰؛ ۸: ۱۱؛ ۱۶: ۲۸؛ ۲۲: ۱-۱۴؛ ۲۹: ۲۶؛ لوقا ۹: ۲۷؛ ۱۱: ۲؛ ۱۳: ۲۹؛ ۱۴: ۱۰-۲۴؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۸). اولین بار عیسی بعنوان یک خدمتگذار در حال عذاب (اشعیا ۵۲: ۱۳ - ۵۳: ۱۲)؛ و فروتن (زکریا ۹: ۹) آمد، اما دفعه بعد او بعنوان شاه شاهان باز خواهد گشت (متی ۲: ۲؛ ۵: ۲۱؛ ۱۱: ۱۵). بطور یقین مفهوم "سلطنت" بخشی از این الهیات "پادشاهی" است. خدا این پادشاهی را به پیروان مسیح ارزانی داشته است (لوقا ۱۲: ۳۲).

مفهوم این پادشاهی در کنار مسیح ده‌ها جنبه و سوال در خود دارد.

۱. آیا این بخش کلام که تصریح می‌کند خدا بواسطه مسیح "پادشاهی" را پیروان مسیح ارزانی داشته، اشاره به "سلطنت" دارد؟ (متی ۵: ۳، ۱۰؛ لوقا ۱۲: ۳۲)
۲. آیا کلام عیسی به شاگردان اصلی اش در متون یهودی قرن اول، اشاره به تمام ایمانداران دارد؟ (متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰)
۳. آیا تأکید پولس بر پادشاهی در این زندگی، اکنون در تضاد با متون بالا است یا خیر؟ (رومیان ۵: ۱۷؛ ۱ قرنتیان ۴: ۸)
۴. سلطنت و عذاب چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ رومیان ۲: ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۲؛ ۱ پطرس ۴: ۱۳؛ مکاشفه ۱: ۹)
۵. بازگشت مضمون مکاشفه جلال پادشاهی مسیح را به اشتراک همگان می‌گذارد، اما آیا این پادشاهی
 - a. زمینی است؟ مکاشفه ۵: ۱۰
 - b. هزار ساله است؟ مکاشفه ۲۰: ۴-۶
 - c. ابدی است؟ مکاشفه ۲: ۲۶؛ ۳: ۲۱؛ ۲۲: ۵ و دانیال ۷: ۱۴، ۱۷، ۲۷

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۵: ۱۱-۱۴

۱۱ آنگاه نظر کردم و صدای خیل فرشتگان را شنیدم که گرداگرد آن تخت فراهم آمده بودند و گرداگرد آن موجودهای زنده و آن پیران. شمار آنها از هزاران هزار و گُرورها گُرور بیشتر بود. ۱۲ و با صدای بلند چنین می‌گفتند: «آن بره ذبح شده

سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش.» ۱۳ سپس شنیدم هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست، با هر آنچه در آنهاست، چنین می‌سرودند که: «ستایش و حرمت، و جلال و قدرت، تا ابد از آن تخت‌نشین و بره باد.» ۱۴ و آن چهار موجود زنده گفتند: «آمین»، و آن پیران بر زمین افتادند و نیایش کردند.

۱۱:۵ "خیل فرشتگان" در این آیه سه گروه از فرشتگان فهرست‌بندی شده‌اند: (۱) فرشتگان زیاد (هزاران هزار)؛ (۲) موجودات زنده (چهار)؛ و (۳) پیران (بیست و چهار).

□ "شمار آنها از هزاران هزار و گُرورها گُرور بیشتر بود" بنظر می‌رسد این قسمت اشاره به دیوان آسمانی در دانیال ۷: ۱۰ داشته باشد (به مکاشفه ۵: ۱ رجوع شود).

۱۲:۵ "آن بره ذبح شده سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است" این آیه تأیید می‌کند که پسر از دنیای فرشتگان است. عبارت "ذبح شده" مجهول کامل اخباری است (مکاشفه ۵: ۶؛ ۱۳: ۸)، که می‌گوید "در گذشته ذبح شده است" با نشان‌ها و اثر ذبح که باقی مانده است. آن زمان که ما عیسی را ببینیم، او همچنان اثرات مصلوب شدن را بر بدن خواهد داشت. این علامات نشان افتخار او گشته‌اند! مفهوم صلیب ضمنی بوده و در مرکز مکاشفه قرار دارد. به یادداشت مکاشفه ۵: ۹ رجوع شود.

در این آیه هفت صفت به بره اتلاق گشته که ترتیب آسمانی آن عبارتند از:

۱. قدرت
۲. ثروت
۳. حکمت
۴. توان
۵. افتخار
۶. جلال
۷. برکت

این صفات می‌توانند از ۱ قرن‌تبیان ۲۹:۱۰-۱۲ گرفته شده باشد، که در عین حال می‌توانند منبعی برای استنتاج در عبادت عمومی برای دعا به درگاه خداوند در متی ۱۳:۶، در نسخ خطی یونانی بوده باشد.

انجیل NASB (صفحه ۱۸۵۵) یادداشتی اضافه کرده که بر اساس آن صفات خداوند با سه صفت در مکاشفه ۴:۱۱، چهار صفت در مکاشفه ۵:۱۳، و در نهایت هفت صفت در مکاشفه ۵:۱۲ و ۷:۱۲ شروع می‌گردند. بخاطر داشته باشید که ادبیات آخرالزمانی دارای سبکی با ساختار قوی است که اغلب از اعداد نمادین استفاده می‌کند.

۵:۱۳ همه هوشیاری در خلقت انسان (بزرگترین گروه کُر انسانی)، انسان‌ها (هم مرده و هم زنده) در مکاشفه ۵:۱۳ دعای خیر پدر و پسر را به‌مراه برکت (مکاشفه ۵:۱۴؛ مزمور ۱۰۳:۱۹-۲۰؛ فیلیپیان ۲:۸-۱۱) و ترتیب فرشتگان (چهار موجود زنده و بیست و چهار پیر) نشسته به دور تخت، برکت خداوند را تأیید می‌کنند (مکاشفه ۵:۱۴).

۵:۱ "آمین" تصدیق از سوی چهار فرشته نشسته به دور تخت (چهار موجود زنده). به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۶ رجوع کنید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماس و قطعیت ندارند.

۱. فصل‌های ۴ و ۵ چگونه در مقصود کلی کتاب جای می‌گیرند؟
۲. سبک ادبی فصل‌های ۴ و ۵ چه هستند؟
۳. یوحنا قدرت تصور خود را از چه نیرویی دریافت می‌کرد؟
۴. پیرها چه کسانی هستند؟
۵. آیا موجودا شرح داده شده در مکاشفه ۴:۷-۱۰ کروی هستند یا سرافین؟
۶. عناوین مسیح را که در فصل ۵ دیده می‌شوند، فهرست‌وار بنویسید.
۷. فهرست جزئیات ارزش مسیح را که در مکاشفه ۵:۹ و ۱۰ به آنها اشاره شده بنویسد.

مکاشفه ۱:۶ - ۱۷:۷

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مهرها ۲-۱:۶	مهر اول: فاتح ۲-۱:۶	باز شدن اولین شش مهر ۲-۱:۶	مهرها ۲-۱:۶	بره هفت مهر را باز می‌کند ۲-۱:۶
	مهر دوم: ناسازگاری در زمین ۴-۳:۶	۴-۳:۶	۴-۳:۶	۴-۳:۶
	مهر سوم: نیاز بر روی زمین ۶-۵:۶	۶-۵:۶	۶-۵:۶	۶-۵:۶
	مهر چهارم: مرگ و میر گسترده بر روی زمین ۸-۷:۶	۸-۷:۶	۸-۷:۶	۸-۷:۶
	مهر پنجم: اشک شهدا ۱۱-۹:۶	۱۱-۹:۶	۱۱-۹:۶	۱۱-۹:۶
	مهر ششم: اختلالات عالم هستی ۱۷-۱۲:۶	۱۷-۱۲:۶	۱۷-۱۲:۶	۱۷-۱۲:۶
۱۴۴۰۰۰ اسرائیل مهر شده ۸-۱:۷	اسرائیل مهر و موم شده ۸-۱:۷	یک فاصله ۸-۱:۷	۱۴۴۰۰۰ از قوم بنی اسرائیل ۸-۱:۷	خدمتگزاران خداوند محافظت خواهند شد ۸-۱:۷
جمع کثیری از هر قوم ۱۲-۹:۷	مقدار زیادی از عذاب بزرگ ۱۲-۹:۷	۱۲-۹:۷	تاج عظیم ۱۲-۹:۷	پاداش قدیسان ۱۲-۹:۷
۱۷-۱۳:۷		۱۷-۱۳:۷	۱۷-۱۳:۷	۱۷-۱۳:۷
			۱۴:۷	
			۱۷-۱۴:۷	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

- A. به لحاظ متنی این بخش به فصل‌های ۴ و ۵ ارتباط دارند. این فصل‌ها به تشریح رویدادهای بهشت می‌پردازند در حالیکه مکاشفه ۱:۶ - ۱:۸ به باز کردن موضوع داوری خدا بر روی زمین می‌پردازد. در حقیقت، مکاشفه ۱:۴ - ۱:۱۶ یک واحد ادبی را شکل می‌دهند.
- B. هویت اولین اسب سوار در مکاشفه ۲:۶ دشوار است، اما اگر تصور کنیم که او نمادی از شیطان است، پس چهار سوار نماد آزار صورت ایمانداران در یک دنیای متخاصم و سقوط کرده می‌باشد (متی ۲۴:۶-۷). واژه "مصیبت" (*thlipsis*) به طور مداوم و برای نشان دادن آزار و اذیت مسیحیان توسط کافران استفاده می‌شود.
- ششمین مهر در ابتدای مکاشفه ۱۲:۶ خشم خدا از ایمانداران را به تصویر می‌کشد. ایمانداران از خشم خدا معاف هستند (*orgē*). مکاشفه ۱۶:۶، اما آنان با آزاد و خشونت دنیای بی‌ایمانان روبرو خواهند شد.
- C. سه مشکل بزرگ در ترجمه این بخش وجود دارد.
۱. چگونه مهرها، شیپورها و پیاله‌ها در تاریخ به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند
 ۲. ۱۴۴ هزار نفری که در مکاشفه ۴:۷ به آنها اشاره شد چه کسانی هستند و چگونه به دومین گروهی که در مکاشفه ۹:۷ به آنها اشاره شد، ارتباط پیدا می‌کنند؟
 ۳. گروه اشاره شده در مکاشفه ۱۴:۷ به کدام دوره مصیبت و کدام نوع آن تعلق دارند؟

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۶-۲

«هنگامی که بره نخستین مُهر از آن هفت مُهر را گشود، من ناظر بودم و شنیدم یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی چون رعد گفت: «پیش آی!»^۱ همین که نظر کردم اسبی سفید پیش رویم پدیدار شد. آن که بر آن اسب سوار بود، کمانی در دست داشت؛ به او تاجی داده شد و او پیروز مندانه به پیش تاخت تا ظفر بیابد.

۱:۶ «هنگامی که بره نخستین مُهر از آن هفت مُهر را گشود» این آیه ارتباط میان فصل‌های ۵ و ۶ را نشان می‌دهد. این مهرها پیش از خواندن کتاب شکسته شده‌اند، بسیاری از مفسرین تصور کرده‌اند که آنها معرف مشکلاتی هستند که در هر عصر ظاهر می‌گردند (متی ۶:۲۴-۱۲). با اینحال، به دلیل شدت رشد داوری، برخی اینها را بعنوان آمادگی برای پایان عصر در نظر می‌گیرند. در اینجا تنش میان پادشاهی بعنوان حال و آینده را خواهیم دید. سلاست بیانی در عهد جدید میان «از قبل» و «هنوز نه» وجود دارد. کتاب مکاشفه بخودی خود این تنش را به تصور می‌کشد. این کتاب برای ایمانداران تحت ستم قرن اول میلادی نوشته شده (و هر قرن دیگری) و در عین حال با نبوت‌هایی، آخرین نسل ایمانداران را مخاطب قرار می‌دهد. محنت و رنج در میان اعصار کاملاً رواج دارد!

هفتمین مهر، هفتمین شیپور است و هفتمین شیپور، هفتمین جام. همانگونه که قبلاً گفته شد، هر یک شدیدتر از قبلی می‌باشد. دو مورد اول هدف رستگاری در خود دارند. آنان گویای این نکته هستند که داوری خدا برای اینست که ایمانداران توبه نخواهند کرد، پس آخرین حلقه (پیاله‌ها) فرصتی برای توبه ندارند، فقط داوری! اما بنظر می‌رسد که ششمین مهر و ششمین شیپور پایان عصر را تشریح کرده‌اند. بنابراین، این موارد همگی همگام در طبیعت هستند نه ترتیب تاریخی.

دومین آمدن مسیح سه بار مورد بحث قرار گرفته، در پایان مهرها (مکاشفه ۱۲:۶-۱۷) و شیپورها (مکاشفه ۱۱:۱۵-۱۸)، و نه فقط در انتهای پیاله‌ها در مکاشفه ۱۶:۱۷-۲۱ و دوباره در مکاشفه ۱۹:۱۱-۲۱. این ساختار بافت کتاب است. همچون نمایش آخرالزمانی که در ده‌ها پرده اجرا می‌گردد! به معرفی کتاب مکاشفه رجوع نمایید.

- «یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی چون رعد گفت» چهار موجود زنده، همچون پیرها، بخشی از مراحل آفرینش فرشتگان هستند. صدا، همچون رعد نیز در مکاشفه ۲:۱۴ و ۶:۱۹ ذکر گردیده است.
- «پیش آی» این عبارت یا به معنی «آمدن» یا «جلو رفتن» است. متن یونان باستانی Sinaiticus (S) «و ببین» را نیز اضافه کرده است (KJV, NKJV). که اشاره به یوحنا دارد، اما Alexandrinus (A) فقط «بیا» را نوشته است (که اشاره به چهار اسب سوار دارد). نسخه UBS4 به این حالت کوتاه‌تر

امتیاز B را داده است (که تقریباً مطمئن تر است). در متن، این فرمان (حال دستوری) اشاره به یوحنا یا کلیسا نداشته، بلکه به چهار اسب سوار اشاره می‌کند (مکاشفه ۳: ۵، ۷).

۲:۶ "نظر کردم اسبی سفید پیش رویم پدیدار شد" این بخش اشاره به زکریا ۱: ۸ (چهار اسب) و زکریا ۶: ۱-۸ (چهار ارابه) دارد. بحث‌های متعددی درباره هویت این اسب سواران وجود داشته است. مفسران آنها را از عیسی گرفته (Irenaeus) تا ضد مسیح متصور هستند. با چنین سردرگمی در تفسیر، دگم بودن بی‌مورد خواهد بود. برخی معتقدند که اشاره به عیسی دارد زیرا جزئیات مشابهی در مکاشفه ۱۹: ۱۱-۲۱ دیده می‌شود، اما این شباهت‌ها فقط درباره رنگ اسب‌ها است. برخی دیگر به این آیه بصورت مرجعی برای گسترش انجیل می‌نگرند. دلیل این امر این است که آنها این فصل‌ها را به صورت همزمان با مباحث Olivet از متی ۲۴؛ مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ می‌بینند. بنابراین، تصور می‌شود که مرجعی به متی ۲۴: ۱۴ و مرقس ۱۳: ۱۰ باشد.

حتی با توجه به حزقیال ۳۹، عنوان شده که این آیه اشاره به جوج است که سربازان خود را بر ضد قوم خدا رهبری می‌کرد. این امر می‌تواند نماد پایان دوران ضدیت با مسیح را بوجود آورد (۲ تسالونیکیان ۲). بسیار غیر طبیعی بنظر می‌رسد که فرشته‌ای بتواند به عیسی فرمان آمدن بدهد. با اینکه عیسی در فصل‌های ۶ و ۱۹ تاج بر سر داشت، اما کلمات یونانی بکار برده شده برای تعریف تاج متفاوت است. در آنجا عیسی "حق" نامیده شده، اما در اینجا خیر. پیروزی سوارکار در هیچ کجا توضیح داده نشده است. سوارکار بعنوان کسی که کمان در دست دارد در فصل ۶ توصیف شده، اما در فصل ۱۹ مسیح شمشیر دو سر در دهانش دارد، لذا، شباهت‌ها کمتر از آنچه که گفته شده است. یکی از آفت‌های عهد عتیق می‌تواند همین موضوع باشد. این آفات که اشاراتی هستند به لاویان ۲۶ و حزقیال ۱۴: ۲۱، در مکاشفه ۸: ۶ کاملاً عنوان شده‌اند. رنگ سفید فقط نماد حقانیت نبود، بلکه نماد رومیان برای پیروزی نظامی نیز محسوب می‌گردید. افسران رومی که در جنگ‌ها پیروز می‌گردیدند، بر ارابه‌ای که توسط چهار اسب سفید کشیده می‌شد سوار گشته و درون شهر می‌گشتند.

□ "آن که بر آن اسب سوار بود، کمانی در دست داشت" کمان سلاح منتخب سواران پارت بود (که سوار بر اسب‌های سفید بودند). کمان اغلب در عهد عتیق برای تعریف یهوه بعنوان یک سلحشور بکار برده می‌شود (مزمور ۴۵: ۴-۵؛ اشعیا ۴۱: ۲؛ ۴۹: ۲-۳؛ حبقوق ۳: ۹؛ زکریا ۹: ۱۳ و احتمالاً ۹: ۱۳). همچنین نمونه‌هایی از داوری یهوه بر دیگر اقوام از طریق شکستن کمان‌هایشان بصورت استعاره وجود دارد (مزمور ۹۴: ۹؛ ارمیا ۵۱: ۵۶ و هوشع ۵: ۱).

□ "به او تاجی داده شد" این تاج "stephanos" می‌باشد که بمعنی تاج یک پیروزمند است، در حالیکه تاج دیگری که برای عیسی در مکاشفه ۱۹: ۱۱ از آن ذکر به میان آمده "diadema"، تاجی سلطنتی است.

□ "او پیروزمندانه به پیش تاخت تا ظفر بیابد" نمادهای مکاشفه ۶: ۱ جنگ و فتح هستند. بدلیل اینکه اولین و دومین اسب سوار به نیت مشابهی تشریح شده‌اند، برخی اولی را نشانه جنگ برای فتح و دومی را جنگ داخلی تفسیر می‌کنند. این فقط یک گمان است، اما دو اسب سوار به نوعی موازی با هم ارزیابی می‌شوند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۳: ۴-۶

و هنگامی که دومین مهر را گشود، شنیدم که دومین موجود زنده گفت: «پیش آی!» و اسبی دیگر بیرون آمد که به سرخی آتش بود، و به آن که بر آن اسب سوار بود قدرت داده شد تا صلح از روی زمین برگردد و آدمیان را به کشتار یکدیگر برگمارد. و به او شمشیری بزرگ داده شد.

۴:۶ "اسبی سرخ" کنایه‌ای است به نوعی کشتار نظامی.

□ "به او شمشیری بزرگ داده شد" (در آیه به زبان انگلیسی از کلمه Great استفاده شده که مفهوم فیزیکی برای ابعاد ندارد) این شمشیر "machaira" نام داشته که شمشیر کوچک رومیان بود. سربازان رومی این شمشیر کوچک را به کمر بند خود می‌بستند و از آن برای تنبیه شهروندان رومی استفاده می‌کردند (رومیان ۳: ۴). عبارت "آدمیان را به کشتار یکدیگر برگمارد" نیز جالب است زیرا در عهد عتیق، این یکی از مفاهیمی است که یهوه برای شکست دشمنان قوم خدا از آن بهره برده است (داوران ۷: ۲۲؛ ۱ سموئیل ۱۴: ۲۰؛ ۲ تواریخ ۲۰: ۲۲).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۶: ۵-۶

و هنگامی که سومین مهر را گشود، شنیدم که سومین موجود زنده گفت: «پیش آی!» همین که نظر کردم، اسبی سیاه پیش رویم پدیدار شد و آن که بر آن اسب سوار بود ترازویی در دست داشت. و از میان آن چهار موجود زنده، چیزی شبیه صدایی شنیدم که می‌گفت: «یک پیمانانه گندم، یک دینار، و سه پیمانانه جو، یک دینار؛ و روغن و شراب را ضایع مکن!»

۵:۶ "نظر کردم، اسبی سیاه پیش رویم پدیدار شد" این بخش نماد قحطی است (متی ۲۴: ۷) که پس از جنگ روی داد.

۶:۶ "یک پیمانۀ گندم، یک دینار" یک دینار دستمزد یک روز برای هر سرباز یا کارگر بود (متی ۲۰:۲). هرودوت می‌گوید که با این مقدار پول می‌توانستند روزانه مقدار غذای لازم برای هر نفر ابتیاع کنند. می‌توان شدت قحطی را از این آیه دریافت: که مردی می‌توانست تمام روز را کار کند و فقط به اندازه خودش غذا تهیه کند.

موضوع خاص: سکه‌هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می‌شد (Special Topic: Coins In Use In Palestine In Jesus Day)

- I. سکه‌های مسی
- A. چرما (*cherma*) - کم ارزش (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۵:۲)
 - B. چالچوس (*charchos*) - کم ارزش (مراجعه شود به انجیل متی ۹:۱۰، انجیل مرقس ۴:۱۲)
 - C. اساریون (*assarion*) - سکه مسی رومی به ارزش تقریبی ۱/۱۶ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل متی ۲۹:۱۰)
 - D. کدرانتس (*kodrantes*) - سکه مسی رومی به ارزش تقریبی ۱/۶۴ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶:۵)
 - E. لپتون (*lepton*) - سکه مسی یهودی به ارزش تقریبی ۱/۱۲۸ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴:۱۲، انجیل لوقا ۲:۲۱)
 - F. کوادرانس/افارتینگ (*quadrans/farthing*) - سکه رومی به ارزش خیلی کم
- II. سکه‌های نقره
- A. آرگوروس (*arguros*) - سکه نقره - بسیار با ارزشتر از سکه‌های برنز یا مسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۹:۱۰، ۱۵:۲۶)
 - B. دیناریوس (*dēnarius*) - سکه نقره رومی که ارزش آن معادل دستمزد یک روز کاری بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۱۸، انجیل مرقس ۳۷:۶)
 - C. دراخم (*drachmē*) - سکه نقره یونانی که ارزش آن برابر با ارزش دیناریوس بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۹:۱۵)
 - D. دی-دراخمون (*di-drachmon*) - سکه دو دراخمایی که ارزش آن برابر نیم شکل یهودی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۱۷)
 - E. استاتر (*statēr*) - سکه نقره که ارزش آن برابر چهار *denarii* بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۱۷)
- III. سکه‌های طلا - کروزوس (*chrusos*) - با ارزشترین سکه (مراجعه شود به انجیل متی ۹:۱۰)
- IV. اصطلاحات کلی وزن فلزات
- A. منا (*mnā*) - لاتین مینا، واحد وزن فلز معادل ۱۰۰ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۳:۱۹)
 - B. تالانتون (*talanton*) - واحد یونانی وزن (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۱۸، ۱۵:۲۵ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۸)
 ۱. سکه نقره به ارزش ۶۰۰۰ *dēnarius*
 ۲. سکه طلا به ارزش ۱۸۰۰۰۰ *dēnarius*
 - C. شکل (*shekel*) - واحد یهودی عهد عتیقی وزن نقره (۴ اونس، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵:۲۳، ۲۸:۳۷، کتاب خروج ۳۲:۲۱)
 ۱. *pīm* - ۲/۳ شکل
 ۲. *beka* - ۱/۲ شکل
 ۳. *gerah* - ۱/۲۰ شکل
 - D. واحدهای بزرگتر
 ۱. *maneh* - ۵۰ شکل
 ۲. *kikkar* - ۳۰۰۰ شکل

□ "سه پیمانۀ جو، یک دینار" جو غذای فقرا بود. لغت یونانی برای "پیمانۀ"، "*choenix*" و حدود یک لیتر می‌باشد.

□ "و روغن و شراب را ضایع مکن" شگفت‌انگیز است که درباره این موضوع ترجمه‌های زیادی وجود دارد. بسیاری از مترجمین به طومارهای معبد و بحر میت باز می‌گردند تا موضوعی که به فداکاری‌های یهودیان اشاره می‌کند را بیابند. روغن و شراب بخشی از خوراک مردم مدیترانه بود. حقیقت این است که عدم صدمه زیاد از این موارد نشان‌دهنده ضعیف بودن میزان قحطی بود. این محدودیت را می‌توان در مکاشفه ۸:۶ دید. خدا از شدت داوری خود کاست تا بی‌ایمانان فرصت برای توبه داشته باشند (مکاشفه ۹:۱۶). همچنین ممکن است هر دوی این موارد به منظور مصارف پزشکی مورد استفاده قرار گرفته باشد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۶:۷-۸

و هنگامی که چهارمین مهر را گشود، شنیدم که چهارمین موجود زنده گفت: «پیش آی!»^۸ همین که نظر کردم، اسبی پریده رنگ پیش رویم پدیدار شد و آن که بر آن اسب سوار بود مرگ نام داشت و جهان مردگان از پی او می آمد. و به آنها بر یک ربع زمین قدرت داده شد تا بکشند با شمشیر و قحطی و بیماری مهلک و وحوش روی زمین.

۸:۶

NASB	"اسبی خاکستری رنگ"
NKJV	"اسبی پریده رنگ"
NRSV	"اسبی برنگ سبز کم رنگ"
TEV	"اسبی رنگ پریده"
NJB	"اسبی مرگبار"

واژه "رنگ پریده" اشاره به رنگ‌هایی مایل به زرد سبز و یا رنگ انسان مرده دارد. در زبان انگلیسی ما لغت "chlorin" (کلر) را از این واژه یونانی گرفته ایم. به احتمال زیاد رنگ بدن انسان مرده بیشتر به متن نزدیک است. به دلیل فهرست معانی مرگ در مکاشفه ۶:۸، می تواند اشاره به افرادی داشته باشد که کشته یا توسط حیوانات وحشی خورده شده بودند، که یکی از نفرین‌های عهد عتیق محسوب می گردد (لاویان ۲۶:۲۲؛ ارمیا ۳:۱۵؛ حزقیال ۱۷:۱۵؛ ۲۱:۱۴).

□ آن که بر آن اسب سوار بود مرگ نام داشت و جهان مردگان از پی او می آمد" این بخش اشاره عهد عتیق به امثال ۵:۵ یا هوشع ۱۳:۱۴ است. این یک تجسم از واژه برای پایان دادن به زندگی فیزیکی است. این دو واژه سه مرتبه در مکاشفه با یکدیگر بکار برده شده اند (مکاشفه ۱:۱۸؛ ۱۳:۲۰-۱۴).

واژه "Hades" هم معنی با واژه عهد عتیقی "Sheol" به معنی "محل قرار گرفتن مرده" است. رجوع شود به موضوع خاص: مردگان کجا هستند.

□ "به آنها بر یک ربع زمین قدرت داده شد" به ضمیر "آنها" توجه کنید که به همه چهار اسب و سواران آنها اشاره می کند. بر روی شیپورها داوری شدیدی وجود دارد (یک سوم، مکاشفه ۸:۷، ۸، ۱۰، ۱۲)؛ تخریب کامل برای پیاله‌ها (مکاشفه ۱۶:۱-۲۱). ترک‌ها دقیقاً ابزاری هستند که داوری خدا را به منظور رستگاری و احیا نشان می دهند (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۴:۷؛ ۱۶:۹، ۱۱)، اما بشر رانده شده از بهشت، شورش و سرسخت هیچ اهمیتی به این نشانه‌ها نمی دهد (هر چند که برخی پاسخ مناسب داده اند، مکاشفه ۱۱:۱۳).

□ "تا بکشند" این اسب سواران معرف داوری‌های عهد خدا هستند (لاویان ۲۶-۲۱:۲۶؛ ارمیا ۲-۳:۱۵؛ ۱۰:۲۴؛ ۲۷:۸؛ ۲۹:۱۷-۲۸؛ ۳۲:۳۶؛ ۳۴:۱۷؛ حزقیال ۵:۱۲، ۱۷؛ ۱۴:۲۱؛ عاموس ۴:۶-۱۰). کلمه ای که برای شمشیر استفاده شده متفاوت با مکاشفه ۴:۶ است. این اشاره شمشیر بلند جنگی، hromphaia دارد. هر یک از چهار داوری خداوند در عهد عتیق، جنگ، قحطی، سیل و حیوانات وحشی در لاویان ۲۶-۲۱؛ ۲۶-۲۱ و حزقیال ۲۱:۱۴ ذکر گردیده اند. این داوری‌ها در هر عهد به روشنی در تثنیه ۲۷-۲۹ مورد بحث قرار گرفته اند. بخاطر داشته باشید که در اصل نیت اصلی، وادار کردن قوم بنی اسرائیل به توبه و بازگشت به خدای یهوه بوده است. در اینجا عملکرد مشابهی دارند (مکاشفه ۹:۲۰، ۲۱؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۴:۷؛ ۱۶:۹، ۱۱).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۶:۹-۱۱

و هنگامی که مهر پنجم را گشود، زیر مذبح، نفوس کسانی را دیدم که در راه کلام خدا و شهادتی که داشتند، کشته شده بودند. اینان بانگ بلند برداشتند که: «ای سرور مقتدر، ای قدوس، ای برحق، تا به کی از داوری زمینیان و گرفتن انتقام خون ما از آنان باز می ایستی؟»^{۱۱} آنگاه به هر یک از آن نفوس، ردایی سفید داده شد و به آنان گفته شد که پاسی دیگر بیارند تا شمار همدیفان و برادرانشان که می باید چون آنان کشته شوند، کامل گردد.

۹:۶ "زیر مذبح کسانی را دیدم" درباره اینکه این آیه اشاره به چه مذهبی دارد، بحثهای زیادی بوده است. واژه "مذبح" در کتاب مکاشفه زیاد استفاده شده است (مکاشفه ۸:۳، ۵؛ ۹:۱۳؛ ۱۱:۱؛ ۱۴:۱۸؛ ۱۶:۷). برخی معتقدند اشاره به مذبح قربانی کردن در لاویان ۷:۴ و توسط پولس در فیلیپیان ۱۷:۲ دارد، در حالیکه عده ای دیگر اعتقاد دارند که این مذبح ویژه عود و بخور در مکان مقدس خیمه‌ها (مکاشفه ۸:۳-۵) یا معبد مکاشفه ۱۱:۱ دارد. به احتمال خیلی زیاد مذبح قربانی کردن است زیرا:

۱. ربیان برای این مکان احترام خیلی زیادی قائل بودند
۲. این مکان اشاره به مرگ شهدا دارد (خونی)

این سوال بوجود می‌آید که "شهدا چرا زیر مذبح گرد آمده‌اند؟" بخاطر داشته باشید که در عهد عتیق "خون" نماد زندگی بود (پیدایش ۴:۹؛ لاویان ۱۷:۱۱، ۱۴). در سنت قربانی کردن در اسرائیل، خون درون پیاله‌های مذبح قرار نمی‌گرفت، بلکه بر روی پایه آن ریخته می‌شد (خروج ۲۹:۱۲؛ لاویان ۷:۴، ۱۸، ۲۵؛ ۸:۱۵؛ ۹:۹). بنابراین، زندگی شهدای کشته شده، مبنای مذبح بود.

☐ "نفوس کسانی را دیدم که... کشته شده بودند" این روح‌ها از جسم شهدای ایماندار جدا شده بودند (میان مرگ و قیام)، (مکاشفه ۱۳:۱۵؛ ۱۸:۲۴؛ ۲۰:۴). شگفت انگیز است زیرا اینگونه رسم و طرز فکر مخصوص رومیان بود و نه یهودیان. چنانچه شرایط اقتضا کند، همه مسیحیان به شهادت فرا خوانده شده‌اند (مکاشفه ۲:۱۰، ۱۳؛ متی ۱۰:۳۸-۳۹؛ ۱۶:۲۴).

بنظر می‌رسد میان آنان که توسط چهار اسب سوار در مکاشفه ۶:۱-۸ کشته شده بودند و این شهدا ارتباطی وجود نداشته باشد!

NASB	"در راه کلام خدا و شهادتی که داشتند"
NKJV	"در راه کلام خدا و شهادتی که حفظ کردند"
NRSV	"در راه کلام خدا و شهادتی که دادند"
TEV	"بخاطر اعلام کلام خدا و وفاداری به شهادت خود"
NJB	"با احتساب قول خدا و شهادت دادن به آن"

در واقع این عبارت بازسازی موضوع در کتاب مکاشفه است (مکاشفه ۹:۱؛ ۱۱:۱۲، ۱۷؛ ۱۹:۱۰؛ ۲۰:۴). در مفهوم، بسیار شبیه به این عبارت است "به او که غلبه می‌کند" (مکاشفه ۲:۶، ۱۱، ۱۷، ۲۶؛ ۳:۵، ۲۱، ۱۲). این ایمانداران بدلیل اینکه مسیحیان فعالی بودند کشته شدند.

۶:۱۰ "تا به کی از داوری زمینیان و گرفتن انتقام خون ما از آنان باز می‌ایستی" بسیاری از مفسران این آیه را بدرستی درک نمی‌کنند. شاید علت امر این باشد که آنها هرگز از سوی بی‌ایمانان تحت ستم قرار نگرفته‌اند. این مردم تقاضای انتقام نمی‌کردند، بلکه خواهان برقراری عدالت بودند! این آیه می‌تواند کنایه‌ای باشد به تنبیه ۳۲:۴۳ (مکاشفه ۱۹:۲). این تقاضا بدنبال تذکر پولس در رومیان ۱۲:۱۹ بود.

☐ "ای سرور" واژه "سرور" (*despotēs*) تعریف کننده اختیارات کامل است. واژه انگلیسی *despot* بمعنی حاکم مطلق از این کلمه یونانی گرفته شده است. این واژه برای یهوه در لوقا ۲:۲۹ و اعمال رسولان ۴:۲۴ و برای عیسی در ۲ پطرس ۲:۱ و یهوذا ۱:۴ بکار برده شده است.

☐ "داوری زمینیان" این عبارت در مکاشفه رایج بوده و همیشه اشاره به بی‌ایمانان دارد (مکاشفه ۳:۱۰؛ ۸:۱۳؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۸، ۱۲، ۱۴؛ ۱۷:۲، ۸).

☐ "به هر یک از آن نفوس، ردایی سفید داده شد" این بخش از آیه استعاره‌ای است برای "آرامیدن"، "برکت"، یا "پیروزی". بدلیل برخی مشکلات الهیاتی که در اینجا وجود دارد، نمی‌توان پاسخی برای اینکه چگونه ممکن است روح از بدن جدا شده، تکه پارچه‌ای بر تن داشته باشد، یافت. باید مراقب پیروی بیش از حد از عبارات تحت الفظی بود، آنهم در زمانی که یک درام آخرالزمانی را ترجمه می‌کنیم! حقیقت اینست که بحث زیاد مفسرین بر روی این عبارات، نشان دهنده عدم درک آنان از سبک این کتاب است! نباید بر روی جزئیات کتاب مکاشفه زیاد تمرکز کرد!

☐ "بیارمند تا شمار همدیگان و برادرانشان که می‌باید چون آنان کشته شوند، کامل گردد" یکی از واقعیات اصلی کتاب مکاشفه اینست که خداوند کنترل کننده همه چیز است (مکاشفه ۶:۸)، حتی مرگ شهدای مسیحی! کل تاریخ در دستان اوست. خداوند بواسطه وقوع هیچ رویداد، عمل یا نتیجه‌ای دچار شگفتی نمی‌شود. با اینوجود، هنوز در این دنیا درد، عذاب و بی‌عدالتی وجود دارد. برای مطالعه بیشتر درباره مشکل شیطان به کتاب *The Goodness of God* نوشته John W. Wenham رجوع نمایید.

مفهوم عدد کامل شهدا (I Enoch 47:4) راهی نمادین برای اشاره به سطح آگهای خدا و برنامه او برای بشر است. همین موضوع شبیه درک پولس از "کامل شدن غیر یهودیان" است (رومیان ۱۱:۱۲، ۲۵) که اشاره به آگاهی خداوند از تمامی غیر یهودیانی است که می‌توانند نجات یابند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۶:۱۲-۱۷

^{۱۲} آنگاه «بره» مهر ششم را گشود. ناگهان زلزله شدیدی رخ داد و خورشید مانند پارچه‌ای سیاه، تیره و تار گشت و ماه به رنگ خون درآمد.
^{۱۳} سپس دیدم که ستارگان آسمان بر زمین می‌ریزند، درست مانند انجیرهای نارس که در اثر باد شدید، از درخت کنده شده، بر زمین می‌افتند.
^{۱۴} آسمان نیز مانند یک طومار به هم پیچید و ناپدید گشت و تمام کوهها و جزیره‌ها تکان خورده، از جای خود منتقل شدند.^{۱۵} پادشاهان زمین و رهبران جهان، فرمانداران و ثروتمندان، کوچک و بزرگ، برده و آزاد، همه خود را در غارها و زیر تخته سنگهای کوهها پنهان کردند.^{۱۶} ایشان به کوهها و صخره‌ها التماس کرده، می‌گفتند: «ای کوهها و ای صخره‌ها، بر ما بیفتید و ما را از روی آنکه بر تخت نشستیم و از خشم بره پنهان کنید.^{۱۷} زیرا روز عظیم خشم آنان فرا رسیده است. پس کیست که تاب مقاومت داشته باشد؟»

۱۲:۶ «بره» مهر ششم را گشود» این آیه به شیوه گویش آخرزمانی یهودیان برای پایان عصر است (یوئیل ۲:۳۰-۳۱؛ اشعیا ۱۵:۳-۱۶؛ اشعیا ۹:۱۳، ۱۰:۴۴؛ ارمیا ۲۳:۴-۲۸؛ حجی ۲:۶؛ متی ۲۴:۲۹ و *The Assumption of Moses* ۱۰:۵). این گونه گویش در عهد عتیق برای روز خدا بکار برده شده است. در اینجا ۶ مهر استفاده شده و بعد در داستان شش شیپور نتیجه گیری شده، که به باور من، هر یک از این مجموعه‌ها با پایان عصر، تمام می‌شوند، آمدن دوم مسیح (مکاشفه ۱۲:۱۷-۱۸؛ ۱۱:۱۵-۱۸؛ ۱۴:۱۴-۲۰؛ ۱۶:۱۷-۲۱؛ ۲۲:۶-۱۶). کتاب مکاشفه، کتابی تاریخی به ترتیب رویدادها نیست. نمایشی است که در هفت پرده به اجرا در می‌آید.

□ «زلزله شدیدی رخ داد» در این کتاب از زلزله‌های زیادی ذکر به میان آمده است (مکاشفه ۸:۵؛ ۱۱:۱۳، ۱۹؛ ۱۸:۱۶). همچنین دسته‌بندی‌های متعددی در آیه ۶:۱۵ فهرست شده است (به موضوع خاص اعداد نمادین در کتاب مقدس در مکاشفه ۱:۴ رجوع شود). این نیز یکی دیگر از نمونه‌های بافت ادبی ادبیات آخرالزمانی است (مکاشفه ۵:۱۲).

□ «خورشید مانند پارچه‌ای سیاه، تیره و تار گشت و ماه به رنگ خون درآمد» این یکی از کنایه‌های عهد عتیق به روز قیامت است (اشعیا ۱۳:۱۰؛ ۲۳:۲۴؛ حزقیال ۲۳:۷؛ یوئیل ۲:۲، ۱۰، ۳۱؛ ۳:۱۵؛ متی ۲۹:۲۴؛ مرقس ۱۳:۲۴-۲۵؛ لوقا ۲۱:۲۵).

۱۳:۶ «ستارگان آسمان بر زمین می‌ریزند» این استعاره می‌تواند از دو منشا گرفته شده باشد:

۱. ثبات مراحل آفرینش خدا (ایوب ۳۸:۳۱-۳۳؛ مزمور ۸۹:۳۶-۳۷؛ اشعیا ۱۳:۱۰؛ ارمیا ۳۱:۳۵-۳۶؛ ۳۷:۲۰-۲۶؛ Enoch 2:1) ذوب شدن در میان داوری خدا (متی ۲۹:۲۹)
۲. ریزش ستارگان اصطلاحی است که در میان عهدهای خدا بسیار رواج دارد (که معمولاً اشاره به فرشتگان دارد، مکاشفه ۱۲:۴؛ دانیال ۸:۱۰). در متن کتاب، شماره یک مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۱۴:۶ «آسمان نیز مانند یک طومار به هم پیچید» مردمان باستان آسمان را همچون پوست کشیده بصورت گنبد در بالای زمین می‌دیدند (ایوب ۲۲:۱۴؛ مزمور ۱۰۴:۲؛ امثال ۸:۲۷؛ اشعیا ۴۰:۲۲). این کنایه‌ای به شکستن ترتیب مراحل طبیعی توسط خداوند است (اشعیا ۳۴:۴).

□ «تمام کوهها و جزیره‌ها تکان خورده، از جای خود منتقل شدند» در عهد عتیق هر چه که خداوند در طول دوران آفرینش بوجود آورده بود، چه با برکت و چه با قضاوت، دچار تکان شدید شد. جزئیات این رویدادها اغلب با واژگان آخرالزمانی تعریف گردیده است. مکاشفه ۱۵-۱۷ خشم خدا را بر آزاردهندگان بی‌ایمان تعریف می‌کند (مکاشفه ۱۶:۲۰). مشابه همین جزئیات در عهد عتیق برای دسترسی فیزیکی ساده‌تر به حضور خدا بکار برده شده است، همچون فرود آوردن کوه‌ها، خشک شدن رودها و غیره، (اشعیا ۴۰:۴).

۱۵:۶ «خود را در غارها و زیر تخته سنگهای کوهها پنهان کردند» در حالیکه قوم ستمدیده خدا مجبور به پنهان شدن از دید ستمکاران بی‌ایمان بود (عبرانیان ۱۱:۳۸)، ثروتمندان و مقتدرین (احتمالاً کنایه به مزمور ۲:۲) دنبال یافتن پناه بدلیل خشم خدا بودند (اشعیا ۲:۱۰، ۱۹، ۲۱). این آیه بشر بی‌ایمان رانده شده از بهشت را به هفت روش مختلف تعریف می‌کند. این هفت راه بافت ابتدایی در انجیل یوحنا است (به موضوع خاص ۴:۱ رجوع شود).

۱۶:۶ «ای کوهها و ای صخره‌ها، بر ما بیفتید و ما را از روی آنکه بر تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید» این آیه اشاره به هوش ۸:۱۰ دارد (اشعیا ۲:۱۹، ۲۱ و لوقا ۲۳:۳۰). توجه داشته باشید که خشم پدر و پسر در حالی به یکدیگر وصل هستند که آنها برای آنچه که بر خانواده ایمان در حال رخ دادن است، دلسوزی می‌کنند. کار آنها در تاریخ برای حمایت از ایمانداران و تنبیه شورشیان است (غلاطیان ۷:۶).

□ «خشم بره» این استعاره‌ای بسیار قوی است. تصور بره‌ای پیروزمند از ادبیات درون عهدی یهودیان، برای «خشم» (*orgē*) به یادداشت مکاشفه ۷:۱۴ رجوع کنید.

۱۷:۶ بنظر می‌رسد که آیه ۱۷ یا گریزی است به یوئیل ۲:۱۱ یا ملاکی ۲:۳. بسیاری از مفسران معتقدند که مکاشفه ۱۷:۶ بستر را برای میان پرده‌ای که در فصل ۷ رخ می‌دهد و بواسطه آن سوال اصلی پاسخ داده می‌شود آماده می‌کند: «پس تکلیف ایماندارانی که در طول رویدادهای پایان عصر و مجموعه داوریهایی در حال رخ دادن بر روی زمین زندگی می‌کنند، چه خواهد شد؟» میان مفسران بحث‌های زیادی بر روی چگونگی احیا شدن در فصل ۶ و یا مورد داوری قرار گرفتن، وجود داشته است (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۴:۷، ۸؛ ۱۶:۹، ۱۱). فصل ۶ اشاره به داوری خدا بر بی‌ایمانانی که از ایمان آوردن اجتناب می‌ورزند، اشاره می‌کند. این داوریهایی یک چهارم دنیا را، سپس یک سوم و در نهایت کل جهان بی‌ایمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (صفنیا ۱:۱-۱۸).

دیدگاه‌های متنی به آیات ۷-۱۷

A. فصل ۷ فاصله‌ایست میان ششمین مهر و باز شدن مهر هفتم (مکاشفه ۸:۱؛ همانگونه که مکاشفه ۱۰:۱-۱۳:۱۱ میان ششمین و هفتمین شیپور است). این فصل به این سوال که چه بر سر ایمانداران در طول چرخه داوری خدا بر بی‌ایمانان خواهد آمد، می‌پردازد. هفتمین مهر تبدیل به هفتمین شیپور می‌گردد.

B. این فاصله به دو گروه از ایمانداران می‌پردازد

۱. ۱۴۴۰۰۰ نفر از دوازده قبیله بر روی زمین (مکاشفه ۷: ۱-۸ بویژه مکاشفه ۷: ۴)

۲. میزبانی بی‌شمار از قبایل سرتاسر زمین که اکنون در بهشت هستند (مکاشفه ۸: ۹-۱۷ بویژه مکاشفه ۷: ۹)

C. خدا بخاطر قومش به شیوه‌های قوی، مؤثر و قابل اطمینانی عمل می‌کند. در کتاب مکاشفه هیچ برتری میان یهودیان و غیریهودیان وجود ندارد (رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ ۳: ۲۲؛ ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱). تفاوت‌های نژادی در عهد عتیق میان ایمانداران و غیرایمانداران است.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۷: ۱-۳

آنگاه چهار فرشته دیدم که در چهار گوشه زمین ایستاده‌اند و نمی‌گذارند بادهای چهارگانه بر زمین بوزند، تا دیگر برگ‌ها بر درختان به حرکت در نیاید و دریا صاف و بی‌حرکت بماند. سپس، فرشته دیگری را دیدم که از مشرق می‌آمد و مهر بزرگ خدای زنده را به همراه می‌آورد. او به آن چهار فرشته‌ای که قدرت داشتند به زمین و دریا صدمه بزنند، گفت: «دست نگه دارید! به دریا و زمین و درختان آسیبی نرسانید، تا مهر خدا را به پیشانی بندگان او بزنم.»

۱:۷ "چهار فرشته دیدم که در چهار گوشه زمین ایستاده‌اند و نمی‌گذارند چهارگانه بر زمین بوزند" عدد چهار در نمادگذاری عهد عتیق اشاره به تمام زمین دارد (اشعیا ۱۱: ۱۲؛ ارمیا ۴۹: ۳۶؛ دانیال ۷: ۲؛ زکریا ۱: ۸؛ ۶: ۱، ۵؛ متی ۲۴: ۳۱، به موضوع خاص در مکاشفه ۱: ۴ رجوع شود).

درباره این چهار باد تفسیرهای متعددی وجود دارد

۱. ربیهای یهودی بادهای فصلی را شیطان می‌دانستند (اعمال ۲۷: ۱۴)

۲. برخی آن را بادهای شیطانی یا احتمالاً داوری خدا می‌خواندند (ارمیا ۴۹: ۳۶ و دانیال ۷: ۲)

۳. برخی آن را بعنوان اشاره‌ای به عدد چهار ذکر شده در زکریا ۱: ۸ و ۵: ۶ می‌دانستند، در جایی که چهار اسب سوار و ارباب‌هایشان خادمین خدا در سرتاسر جهان بودند (متی ۲۴: ۳۱)

□ "تا دیگر برگ‌ها بر درختان به حرکت در نیاید و دریا صاف و بی‌حرکت بماند" این آیه همچون مکاشفه ۶: ۶ و ۸، نشان‌دهنده داوری محدودی است (مکاشفه ۷: ۳؛ ۹: ۴)

۲:۷ "فرشته دیگری را دیدم که از مشرق می‌آمد" شرق (خورشید) نماد زندگی، سلامتی و روزی جدید بود.

□ "مهر بزرگ خدای زنده را به همراه می‌آورد" به مهر خدا در مکاشفه ۹: ۴ و ۱: ۱۴ و احتمالاً ۲: ۲۲ اشاره شده است. مهر شیطان نیز در مکاشفه ۱۳: ۱۶؛ ۱۴: ۹ و ۲۰: ۴ ذکر گردیده است. مقصود از این مهر شناسایی قوم خدا است تا خشم خدا شامل حال آنان نشود. مهر شیطان نیز پیروان او را علامتگذاری می‌کند تا هنگام غضب خداوند، شناسایی گردند.

در کتاب مکاشفه "رنج" (*thlipsis*) همیشه بی‌ایمانی هستند که ایمانداران را مورد آزار قرار می‌دهند، درحالیکه خشم (*orgē* یا *thumos*) همیشه داوری خدا بر بی‌ایمانان بوده، تا بلکه بتوانند توبه کرده و به ایمان در راه مسیح باز گردند. این مقصود مثبت از داوری را می‌توان در برکات/نفرین‌های عهد خدا در تثنیه ۲۷-۲۸ مشاهده کرد.

عبارت "خدای زنده" در رابطه به عنوان یهوه بکار برده شده است (خروج ۳: ۱۴؛ مزمور ۲۴: ۴؛ ۸۴: ۲؛ متی ۱۶: ۱۶، به موضوع خاص در مکاشفه ۸: ۱ رجوع نمایید. مشابه همین کاربرد در قسم‌های انجیلی "بعنوان خدای زنده" دیده می‌شوند.

موضوع خاص: مهر

(Special Topic: Seal)

مهر می‌تواند یک شیوه باستانی برای نشان دادن موارد زیر باشد

۱. حقیقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳)

۲. مالکیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۷، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹، مکاشفه ۷: ۲ الی ۳: ۴)

۳. امنیت یا محافظت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱۵، انجیل متی ۲۷: ۶۶، رومیان ۴: ۱۱، ۱۵: ۲۸، دوم قرنتیان ۱: ۲۲، افسسیان

۱: ۱۳، ۴: ۳۰، مکاشفه ۳: ۲۰)

۴. می‌تواند هم نشانی از واقعیت وعده خدا برای یک برکت باشد (مراجعه شود به رومیان ۴:۱۱ و اول قرنتیان ۹:۲)

هدف این مهر در مکاشفه ۷:۲ الی ۴، ۹:۴ شناسایی مردم خدا است تا خشم خدا آنها بر آنها ننشیند. تأیید شیطان مردم او را شناسایی می‌کند، که هدف خشم خدا هستند. در مکاشفه، بلا (*thlipsis*) همیشه بر غیر مومنینی نازل می‌شود که مومنین را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، در حالیکه خشم و غضب (*orgē* یا *thumos*) همیشه داوری خدا بر غیر مومنین است تا شاید توبه کنند و به عیسی ایمان آورند. این هدف مثبت داوری را می‌توان در پیمان نفرین برکت در لاویان ۲۶، تثنیه ۲۷ الی ۲۸، مزمور ۱ دید.

□ "چهار فرشته‌ای که قدرت داشتند به زمین و دریا صدمه بزنند" این جمله اخباری مجهول آئوریستی است. خداوند کنترل کننده داوری بر روی زمین و بی‌ایمانان است. اعمال محدودیت بر داوری توسط خداوند دو هدف را دنبال می‌کند:

۱. به ایمانداران صدمه‌ای وارد نگردد

۲. بی‌ایمانان توبه کرده، نام او را صدا زده، و به او جلال بخشند (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۴:۶-۷؛ ۱۶:۹، ۱۱؛ ۲۱:۷؛ ۲۲:۱۷)

۳:۷ "تا مهر خدا را به پیشانی بندگان او بزنم" این آیه کنایه‌ای است به حزقیال ۶:۴، ۹ (۴:۹؛ ۱۴:۱). جنبه مخالف این مهر، مهر شیطان است که نشان اهریمن محسوب می‌گردد (مکاشفه ۱۳:۱۶، ۱۷؛ ۱۴:۹، ۱۱؛ ۱۶:۲؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۴).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۴:۷

تعداد کسانی که از تمام قبیله‌های بنی اسرائیل مهر شدند، یکصد و چهل و چهار هزار نفر بود، از هر قبیله دوازده هزار.

۴:۷ "یکصد و چهل و چهار هزار" مشابه همین گروه مرموز در مکاشفه ۱:۱۴، ۳ ذکر گردیده‌اند. درباره این عدد و این که معرف چه کسانی بودند، بحث‌های زیادی بوده است. به دلایل زیر این عدد نمادین بوده و واقعی نیست:

۱. این عدد، گرد بوده و تمام قبایل اعداد برابر دارند (که در عهد عتیق هرگز انجام داده نشده)

۲. این عدد ضرب دوازده است که از اعداد سازمانی انجیلی می‌باشد (یا احتمالاً قوم خدا) و ده، که عدد کامل انجیلی می‌باشد (به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۱ رجوع شود).

۳. فصل ۷ از زبان آخرالزمانی بهره می‌برد

۴. فهرست قبایل اسرائیل کمی تغییر داده شده است (دان از قلم افتاده، یوسف جایگزین افرایم شده است). یک یهودی بخوبی می‌داند این اعداد را نباید واقعی تلقی نماید.

برخی ترجمه‌های احتمالی درباره این گروه عبارتند از:

۱. که بطور قطع در نهایت اسرائیل با ایمان است (زکریا ۱۲:۱۰)

۲. که آن نو ایمانداران معرف حالات محرمانه در کلیسا هستند

۳. که آنها باقیمانده یهودیان با ایمان هستند (رومیان ۱۱)

۴. که یک عنوان برای کلیسای عهد جدید است (مکاشفه ۱:۶)

مهر زدن منحصر به یک گروه مکاشفه نیست، اما معرف مالکیت خداوند و محافظت از مردمش است (۲:۲۰؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۹:۲، ۵؛ ۲۲:۳۶). شیطان به تقلید از خدا (۳:۱۲؛ ۷:۳؛ ۱۴:۱؛ ۲۲:۴) تمام پیروانش را علامتگذاری می‌کند (۱۳:۱۶، ۱۷؛ ۱۴:۹، ۱۱؛ ۱۶:۲؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۴).

عهد جدید کلیسا را در غالب واژگانی تعریف می‌کند که مورد استفاده قوم بنی اسرائیل بودند (رومیان ۲:۲۸-۲۹؛ ۴:۱۱؛ ۹:۶، ۸؛ غلاطیان ۳:۲۹؛ ۱۶:۶؛ فیلیپیان ۳:۳) و بالاخص در کتاب مکاشفه، در آیه ۱:۶ که گفته شده کلیسا توسط عنوانی که توسط قوم بنی اسرائیل استفاده می‌شد مورد خطاب قرار گرفته است، مکاشفه ۱۹:۴-۶ (۱ پطرس ۵:۹، ۲). در کتاب یعقوب (۱:۱) و ۱ پطرس (۱:۱) کلیسا نیز عامل "پراکندگی یهودیان" تعریف گردیده، نامی برای یهودیان پریشانی که در فلسطین زندگی می‌کردند. به نظر من در این مقطع از مطالعات من درباره این کتاب، شناسایی ۱۴۴۰۰۰ نفر در مکاشفه ۴:۷ و ذکر عبارت "گروه زیادی" در مکاشفه ۷:۹ بعنوان مردمان خدا در عهد جدید-آنان که به مسیح ایمان دارند، اما به دو حالت مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند (یهودیان مؤمن و غیریهودیان مؤمن).

موضوع خاص: عدد دوازده

(Special Topic: The Number Twelve)

دوازده همیشه عدد نمادین برای کتاب مقدس بوده است (به موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس مراجعه شود)

A. خارج از انجیل

۱. ۱۲ نشان زودیاک

۲. دوازده ماه سال

B. در عهد عتیق (BDB 1040 و 797)

۱. پسران یعقوب (قبایل یهود)

۲. منعکس شده در موارد زیر

a. دوازده ستون در محراب در خروج ۲۴:۴

b. دوازده جواهر بر روی سینه لباس کاهن اعظم (که نشان از قبایل است) در خروج ۲۸:۲۱

c. دوازده قرص نان در مکان مقدس جشن خیمه‌ها در لاویان ۲۴:۵

d. دوازده جاسوس به کنعان اعزام شدند در اعداد ۱۳ (از هر قبیله یک نفر)

e. دوازده عصا (استانداردهای قبایل) در شورش کورا در اعداد ۱۷:۲

f. دوازده سنگ یوشع در یوشع ۳:۳ و ۹ و ۲۰

g. دوازده ناحیه فرماندهی در دولت سلیمان در اول پادشاهان ۴:۷

h. دوازده سنگ محراب الیاس برای یهوه در اول پادشاهان ۱۸:۳۱

C. در عهد جدید

۱. دوازده شاگرد منتخب

۲. دوازده سبد نان (یکی برای هر شاگرد) در انجیل متی ۱۴:۲۰

۳. دوازده تخت در عهد جدید برای نشستن شاگردان (اشاره به دوازده قبیله اسرائیل) در انجیل متی ۱۹:۲۸

۴. دوازده گروه از فرشتگان برای نجات عیسی در انجیل متی ۲۶:۵۳

۵. نمادگرایی در مکاشفه

a. ۲۴ ریش سفید بر ۲۴ تخت در ۴:۴

b. ۱۴۴۰۰۰ (۱۲x۱۲۰۰۰) در ۷:۴، ۱۴:۱ و ۳

c. دوازده ستاره بر تاج زنان در ۱۲:۱

d. دوازده دروازه، دوازده فرشته منعکس کننده دوازده قبیله در ۲۱:۱۲

e. دوازده سنگ زیرین اورشلیم جدید و بر روی هر یک نام یکی از شاگردان در ۲۱:۱۴

f. دوازده هزار محله در ۲۱:۱۶ (اندازه شهر جدید، اورشلیم جدید)

g. دیوارها ۱۴۴ ذراع هستند در ۲۱:۱۷

h. دوازده دروازه مروارید در ۲۱:۲۱

i. درختان در اورشلیم جدید با دوازده نوع میوه (یکی برای هر ماه) در ۲۲:۲

متن NASB (بروز شده): مکاشفه: ۷:۵-۸

از قبیله یهودا دوازده هزار تن مُهر شدند، از قبیله رُئوبین، دوازده هزار تن، از قبیله جاد، دوازده هزار تن، از قبیله آشیر، دوازده هزار تن، از قبیله نَفتالی، دوازده هزار تن، از قبیله مَنَسی، دوازده هزار تن، از قبیله شمعون، دوازده هزار تن، از قبیله لاوی، دوازده هزار تن، از قبیله یساکار، دوازده هزار تن، از قبیله زبولون، دوازده هزار تن، از قبیله یوسف، دوازده هزار تن، و از قبیله بنیامین دوازده هزار تن.

۷:۵ "از قبیله یهودا" فهرست قبایل در مکاشفه ۷:۵ با هیچکدام از فهرست‌های یافت شده در عهد عتیق تطابق ندارد. بویژه با حزقیال ۴۸:۲-۷، که فهرست اسکاتولوژیک قوم خدا است. قبیله دان از قلم افتاده است، یهودا در ابتدا آورده شده است، افرایم حذف شده، اما یوسف در جای خود قرار گرفته و لاوی با دیگر قبایل نوشته شده است. هر یهودی بلافاصله متوجه می‌شود که این فهرست غیرطبیعی بوده و باید بصورت نمادین برداشت گردد.

F.F. Bruce در کتاب *Answers to Questions* صفحه ۱۳۹ می‌گوید علت اینکه قبیله دان در فهرست کلیسای سنتی از قلم افتاده، به ترجمه ارمیا

۸:۱۶ در نسخه Septuagint توسط Irenaeus باز می‌گردد. او می‌گوید:

«ما باید شیوه اسبان را از درون قبیله دان بشنویم: تمام زمین از شیوه این اسبان در حال لرزیدن بود، و او باید بیاید، و حریرانه زمین را ببلعد تا آنان در آن سکنی گزینند».

Irenaeus دجال ضد مسیح را دید که از قلب قبیله دان خارج می‌گردد. این فقط یک گمان است و نه یک تفسیر!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه: ۹:۷-۱۲

پس از آن نظر کردم و اینک جماعتی عظیم از هر ملت و طایفه و قوم و زبان پیش روی خود دیدم که هیچ‌کس آنان را نمی‌توانست شماره کند و همه پیش تخت و در پیشگاه بره ایستاده بودند. همگان ردای سفید بر تن داشتند و شاخه نخل به دست. آنان به بانگ بلند ندا در دادند که: «نجات از آن خدای ماست، که بر تخت نشسته؛ و از آن بره است.»

و همه فرشتگان، گرداگرد تخت و گرداگرد پیران و چهار موجود زنده ایستادند؛ و همه در پیشگاه تخت روی بر زمین نهادند و خدا را پرستش کرده،^{۱۱} گفتند: «آمین! ستایش و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قدرت و توانایی خدای ما را باد، تا ابد. آمین!»

۹:۷ عبارت گروه بی‌شمار که در این آیه ذکر شده، به روشنی با یکصد و چهل و چهار هزار نفری را که در آیه ۴:۷ ذکر گردیده، متفاوت است. در حالیکه اولین گروه از قبایل دیگر اسرائیل آمده‌اند، این گروه از قبایل دیگری بر روی زمین می‌آیند. بنظر می‌رسد که این دو گروه معرف یک گروه مشابه ولی به دو شکل متفاوت هستند. اگر مکاشفه ۷:۱-۸ اشاره به ایمانداران یهودی باشند، پس مکاشفه ۹:۷ اشاره به قوم خدا در تمام گروه‌های مردمی دارد (مکاشفه ۱۱:۹؛ ۹:۹؛ ۱۳:۷؛ ۱۴:۶؛ ۱۷:۱۵).

با اینحال، این حقیقت که گفته می‌شود (۱) آنها از رنج بزرگی خارج شده بودند (مکاشفه ۷:۱۴)؛ (۲) آنها در پای سریر خداوند ایستاده بودند (مکاشفه ۹:۷) و (۳) آنها ردای سفید بر تن داشتند (۶:۱۱)، می‌تواند آنان را در زمره کامل شهدا محسوب نماید (مکاشفه ۶:۱۱؛ ۱۷:۶؛ ۱۸:۲۴؛ ۱۹:۲؛ ۲۰:۴).

□ «هیچ‌کس آنان را نمی‌توانست شماره کند» این بخش می‌تواند اشاره‌ای به وعده‌های بی‌شمار نوادگان ابراهیم باشد.

۱. غبار زمین - پیدایش ۱۳:۱۶؛ ۲۸:۱۴؛ اعداد ۲۳:۱۰

۲. ستارگان آسمان - پیدایش ۱۵:۵؛ ۱۷:۲۲؛ ۴:۲۶؛ تثنیه ۱:۱۰

۳. شنهای کنار دریا - پیدایش ۲۲:۱۷؛ ۳۲:۱۲

۴. اظهار نظری کلی - پیدایش ۱۰:۱۶

□ «شاخه نخل به دست» برخی از مفسران سعی دارند این بخش را با لایوان ۲۳:۴۰ یا نحما ۸:۱۵ بعنوان نشانی برای شادی و پیروزی تعبیر کنند. دیگران آن را مرتبط با آیین عید پسخ، آنگونه که در یوحنا ۱۲:۱۳ ذکر شده می‌دانند و برخی دیگر نیز بدلیل ارتباط این بخش با دوره آوارگی در بیابان (مکاشفه ۷:۱۵-۱۶)، آن را مصادف با جشن خیمه‌ها می‌دانند. شاخه نخل به سادگی می‌تواند فقط نمادی برای پیروزی باشد.

□ «نجات از آن خدای ماست» این واژه معمولی یونانی برای «نجات» (*Sōteria*) از ریشه (*Sōzō*) است، اما در اصل احتمالاً برای «پیروزی» (NEB) یا «کاملاً غلبه یافته» بکار رفته باشد. بنابراین، یا اشاره داشته است به: (۱) رهایی از مشکلاتی در زندگی یا بر روی زمین، و یا (۲) رستگاری معنوی یا ابدی. واژه عهد عتیقی (*yasha*) به معنی نجات فیزیکی است (یعقوب ۵:۱۵). همین واژه در یکسری از دعاها از درگاه خدا، سه بار در کتاب مکاشفه بکار برده شده است (مکاشفه ۷:۱۰؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۹:۱).

□ «در پیشگاه بره» توجه داشته باشید که مسیح همانند یهوه مورد دعا واقع گردید. این بخش، جوهره آسمانی پسر را بیان می‌دارد.

۱۱:۷ توجه داشته باشید که میان چندین گروه تفاوت وجود دارد.

۱. فرشتگان

۲. پیران

۳. چهار موجود زنده

این گروه‌ها همگی به اتاق پادشاهی خداوند در بهشت متصل هستند. آنان مجزا از ۱۴۴۰۰۰ نفر و گروه بی‌شمار هستند.

برای مطالعه بیشتر درباره پیرها، به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۴ رجوع شود.

۱۲:۷ «گفتند» به دعای هفت لایه به درگاه خدا توجه نمایند (و به مسیح، مکاشفه ۷:۱۰)، که شبیه دعای هفت لایه به بره ذبح شده در مکاشفه ۵:۱۲ است.

□ «آمین» به چگونگی شروع و پایان آیه توجه کنید. به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۶ رجوع نمایید.

^{۱۳} آنگاه یکی از آن پیران از من پرسید: «اینان که ردای سفید به تن دارند کیانند و از کجا آمده‌اند؟»^{۱۴} جواب دادم: «این را تو می‌دانی، سرورم.» او گفت: «اینان همان کسانی‌اند که از عذاب عظیم برگزیده‌اند و ردهای خود را در خون بره شسته‌اند و سفید کرده‌اند.^{۱۵} هم از این روست که: «اینان در پیشگاه تخت خدایند و شبانه‌روز او را در معبدش خدمت می‌کنند؛ و آن تخت‌نشین، خیمه خود را بر آنان می‌گستراند.^{۱۶} و دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد، و هرگز تشنه نخواهند گردید، و دیگر تابش خورشید به رویشان نخواهد بارید، و نه تابش هیچ گرمای سوزان دیگر.^{۱۷} زیرا که بره از مرکز تخت شبان آنان خواهد بود، و آنان را به چشمه‌های آب حیات رهنمون خواهد شد و خدا هر قطره اشکی را از چشم آنان خواهد سترد.

۱۴:۷ "جواب دادم: «این را تو می‌دانی، سرورم» این پاسخ طبیعی نوع بشر به پیام‌آوران آسمانی است (زکریا ۴:۵، ۱۳؛ دانیال ۱۰:۱۶)، که شناسایی پیران را با گروه فرشتگان آسمانی تقویت می‌کند.

ادبیات آخرالزمانی بوسیله رابطهای آسمانی و ترجمه آنچه که گفتگو می‌شود، شکل می‌گیرد. این ترجمه‌ها برای شناسایی و درک زبان نمادین بکار رفته بصورت متنی در می‌آیند (آنگونه که در اشعار گروه‌های کُر کلیسایی خوانده می‌شوند).

□ «اینان همان کسانی‌اند که از عذاب عظیم برگزیده‌اند» این بخش از آیه اشاره‌ای است به کلیسای تحت ستم در دوران یوحنا (مکاشفه ۹:۱؛ ۹:۲؛ ۱۰، ۲۲). با اینحال، روشن است که این اشارات تاریخی استفاده شده در کتاب مکاشفه، عذاب همه مقدسین در تمام اعصار را مخاطب قرار داده، و همچنین زمان پایانی این عذاب عظیم را نیز نشان می‌دهد (دانیال ۱:۱۲). این بخش همچنین ارتباط دارد با:

۱. عذاب فرزندان خدا (متی ۲۴:۲۱-۲۲؛ مرقس ۱۳:۱۹؛ ۲سالونیکیان ۳:۲؛ مکاشفه ۲:۱۰؛ دانیال ۱:۱۲)

۲. خشم خدا که بزودی بر سر بی‌ایمانان فرود خواهد آمد (۲سالونیکیان ۱:۶-۹؛ مکاشفه ۳:۱۰؛ ۶:۱۷؛ ۸:۲؛ ۱۶:۱)

این مشکلات به نوعی شامل حال همه دوران‌ها می‌گردد. مسیحیان اغلب به نام مسیح دچار رنج می‌گردند (یوحنا ۱۶:۳۳؛ اعمال رسولان ۱۴:۲۲؛ رومیان ۵:۳؛ ۱ پطرس ۴:۱۲-۱۶). هر دوی این رویدادها اغلب شروع دردهای سخت در عهد جدید رستگاری نامیده می‌شود (مرقص ۸:۱۳ و کتاب عهد عتیق عبرانی II Baruch فصل‌های ۲۵-۳۰).

واژه یونانی *thlipsis* (رنج و عذاب) در کتاب مکاشفه همیشه برای ایماندارانی که در دستان بی‌ایمانان تحت ستم هستند بکار برده شده است (مکاشفه ۹:۱؛ ۹:۲؛ ۱۰، ۲۲؛ ۱۴:۷). واژه یونانی *thumos* (مکاشفه ۱۲:۱۲؛ ۱۴:۸، ۱۰، ۱۹؛ ۱:۱۵، ۷؛ ۱۶:۱؛ ۱۸:۳؛ ۱۵:۹) و *orgē* (مکاشفه ۶:۱۶، ۱۷؛ ۱۸:۱۱؛ ۱۴:۱۰؛ ۱۶:۱۹؛ ۱۵:۱۹) همیشه برای خشم خدا یا پسر بر بی‌ایمانان سرکش و خیره‌سر بکار برده شده است.

بدون در نظر گرفتن دیدگاه الهیاتی، اگر کتاب برای تشویق ایمانداران به عذاب کشیدن نوشته شده بود، پس چرا برخی از مفسرین بر یک خلسه پنهانی تاکید دارند تا به برخی از مومنین نسل آینده در برابر آزار و شکنجه آرامش دهند؟

این جفا بیشتر بر اکثر رهبران اولیه کلیسا، و تمام ایمانداران نسل‌های بعدی می‌رفت. پس چرا باید یک گروه خاص نجات یابد؟

□ "ردهای خود را در خون بره شسته‌اند و سفید کرده‌اند" بوضوح این بخش از آیه اشاره به شهادتی دارد که در راه مسیح برای ایمان‌شان به او در میان عذابی عظیم به شهادت رسیدند. عجب استعاره نیرومندی برای نجات و رستگاری بکار برده شده است (مکاشفه ۱۴:۲۲)! این ایده شستشو با مفهوم قربانی شدن مسیح را می‌توان در رومیان ۳:۲۵؛ ۹:۵؛ ۲قرنتیان ۵:۲۱؛ افسسیان ۷:۱؛ کولسیان ۱:۲۰؛ عبرانیان ۹:۱۴؛ ۱ پطرس ۱:۱۹؛ و یوحنا ۱:۷ مشاهده کرد. حقایق صلیب اغلب در کتاب مکاشفه مورد اشاره قرار گرفته است (مکاشفه ۱:۵؛ ۵:۱۲؛ ۷:۱۴؛ ۱۱:۲۱؛ ۱۳:۸؛ ۱۴:۴؛ ۱۵:۳؛ ۱۹:۷؛ ۲۱:۹؛ ۲۳:۳؛ ۲۲:۳)

به تلفیق توشه‌ای که مسیح تدارک دیده و نیاز نوع بشر برای پاسخ به دعوت خداوند توجه نماید. هر آنچه که خداوند در هر دو عهد تدارک دیده، از آغاز تا توشه راه، بجز پادشاهی خداوند، مبنای آن بر آن گذاشته‌اند که انسان رانده شده از بهشت باید پاسخگو باشد (یوحنا ۱:۱۲؛ مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۱۶:۳؛ ۱۹، ۲۰؛ ۲۱:۹؛ رومیان ۱۳:۹).

۱۶-۷:۱۵ زمانی در آینده برای خوشبختی و صلح آسمانی، همگی با واژگان عهد عتیقی تعریف و به تصویر کشیده شده‌اند. این اشاره‌ای است به دوره آوارگی در بیابان و جشن خیمه‌ها (خروج ۴۰:۳۴-۳۸؛ اعداد ۹:۱۵-۲۳). در عین حال اشاره اضافه‌ای به *Shekinah*، ابر جلال، که نماد حضور خدا با مردمش است می‌باشد (اشعیا ۴۹:۱۰؛ متی ۶:۵؛ یوحنا ۴:۱۴؛ ۶:۳۷). این دوره از تاریخ قوم بنی‌اسرائیل در واقع دوره‌ای از داوری بوده است. با اینحال، یهوه هیچوقت به این نزدیکی و تا این اندازه مراقب نسبت به دوره داوری نبوده است. ربیهای یهود اغلب این دوران را ماه غسل یهوه و اسرائیل می‌نامند.

۱۵:۷ "شبانروز او را در معبدش خدمت می‌کنند" این بخش در عهد عتیق اشاره به کاهنان لاوی دارد (مزمور ۱۳۴:۱؛ ۱ تواریخ ۹:۳۳). میزان دسترسی به خدا و خدمت به او گسترش یافت به: (۱) ایمانداران ستمدیده و (۲) همه ایمانداران. دیگر کاهنیت روشنفکر یهود وجود ندارد! همه ایمانداران کاهن گردیدند (۱ پطرس ۲:۵، ۹؛ مکاشفه ۱:۶).

عبارت "شبانروز" کنایه به تداوم کار است. این عبارت بارها در کتاب مکاشفه دیده می‌شود (مکاشفه ۴:۸؛ ۷:۱۵؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۴:۱۱؛ ۲۰:۱۰).

□ "در معبدش" ارتباط این قسمت (و حزقیال ۴۰-۴۸) به مکاشفه ۲۱:۲۲، که می‌گوید در بهشت هیچ معبدی وجود ندارد، دشوار است. برخی سعی دارند تا مرزی میان پادشاهی دوره‌ای با پادشاهی ابدی قائل گردند. روشن است که استعارات بکار برده شده در این کتاب و چارچوب زمانی آن خیلی حساس هستند. معبدی که در این آیه به آن اشاره شده می‌تواند خیمه معنوی در بهشت بوده باشد (عبرانیان ۹:۲۳).

□ "خیمه خود را بر آنان می‌گستراند" این استعاره کلامی از سرای خداوند است که آن را با قوم خود با شتراک می‌گذارد. خیمه خداوند نشانگر حضور دائمی خداوند در کنار مردمانی از هر ایل و تباری است که بتازگی به او پیوسته‌اند. مقصود اولیه از بوجود آمدن باغ عدن دوباره احیا می‌شود. بشر دوباره به حیات باز می‌گردد (مکاشفه ۳:۱۵). دوستی نزدیک با خدا دوباره ممکن می‌شود (پیدایش ۳:۸).

۱۶:۷-۱۷ این آیات برکات خداوند (از عهد عتیق) برای نه فقط شهدا، بلکه همه ایمانداران است.

۱۶:۱۷ "دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد، و هرگز تشنه نخواهند گردید" آیه ۱۶ اشاره‌ای است به اشعیا ۴۹:۱۰-۱۳. مقدرات فیزیکی خداوند همگی بصورت نمادی از مقدرات معنوی او بکار برده شده‌اند (متی ۵:۶؛ یوحنا ۴:۱۴؛ ۶:۳۵؛ ۷:۳۷).

□ "و دیگر تابش خورشید به رویشان نخواهد بارید، و نه تابش هیچ گرمای سوزان دیگر" این آیه کنایه‌ای است به سایه ابر جلال، *Shekinah* در طول ۳۸ سال سرگردانی در بیابان (مزمور ۱۲۱:۵-۷).

۱۷:۷ "زیرا که بره از مرکز تخت شبان آنان خواهد بود" این بخش از آیه اشاره‌ای است به حزقیال ۳۴:۲۳. توجه کنید که بره ذبح شده اما دوباره زنده شده، در کانون توجه فعالیت‌های زنده کننده خداوند قرار دارد. چوپان نیکو در یوحنا ۱۰:۱۱ اکنون چوپان همه گوسفندان است (یوحنا ۱۰:۱۶).

□ "و آنان را به چشمه‌های آب حیات رهنمون خواهد شد" برای مردمانی که در بیابان زندگی می‌کنند، آب همواره نماد حیات و زندگانی بوده است. این آیه اشاره‌ای است به اشعیا ۴۹:۱۰ (مزمور ۲۳:۲)، که در پایان کتاب مکاشفه در آیات ۲۱:۶ و ۲۲:۱ تکرار گردیده است.

□ "و خدا هر قطره اشکی را از چشم آنان خواهد سترد" این کنایه به بزم مسیحایی و شهر جدید خداوند در اشعیا ۲۵:۶-۹ می‌باشد (مکاشفه ۲۱:۴). این وعده خداوند برای ایمانداران ستمدیده دوران یوحنا و همه اعصار مایه دلگرمی و آرامش است!

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. ۱۴۴۰۰۰ نفر چه کسانی بودند؟ پاسخ خود را بر اساس متن کتاب مکاشفه شرح دهید.

۲. چگونه این ۱۴۴۰۰۰ به گروه عظیم در مکاشفه ۷:۹ ارتباط می‌یابند؟

۳. چرا تفسیر این نمادها برای ما دشوار است؟

۴. نیروی محرکه اصلی در فصل‌های ۶ و ۷ چه می‌باشند؟

۵. وقتی که گفته می‌شود فصل ۷ یک میانبرده است، به چه معنی می‌باشد؟ میانبرده‌ها در کدام بخش‌های کتاب یافت می‌شوند؟

مکاشفه ۱:۸ - ۲۱:۹

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
هفتمین مهر و عود سوزان طلایی ۲-۱:۸	هفتمین مهر: پیش درآمدی به هفت شیپور ۶-۱:۸	هفتمین مهر ۲-۱:۸	هفتمین مهر ۲-۱:۸	هفتمین مهر ۱:۸
				دعاهای مقدسین روز بزرگ آمدن او را نزدیکتر می‌کنند ۵-۲:۸
۵-۳:۸		۵-۳:۸	۵-۳:۸	
شیپورها ۶:۸	اولین شش شیپور ۷:۸	اولین شش شیپور ۶:۸	شیپورها ۶:۸	اولین چهار شیپور ۱۲-۶:۸
۷:۸		۷:۸	۷:۸	
	دومین شیپور: آتش باریده شد			
۹-۸:۹	۹-۸:۹	۹-۸:۹	۹-۸:۹	
	سومین شیپور: آبها تلخ شد			
۱۱-۱۰:۸	۱۱-۱۰:۸	۱۱-۱۰:۸	۱۱-۱۰:۸	
	چهارمین شیپور: آسمان تیره و تار شد			
۱۲:۸	۱۲:۸	۱۲:۸	۱۲:۸	
۶-۹-۱۳:۸	۱۳:۸	۱۳:۸	۱۳:۸	۱۳:۸
	پنجمین شیپور: ملخ‌هایی از چاه بی‌انتها	بلای ملخ‌های شیطانی		پنجمین شیپور
	۱۲-۱:۹	۶-۱:۹	۶-۱:۹	۶-۱:۹
۱۱-۷:۹		۱۱-۷:۹	۱۱-۷:۹	۱۱-۷:۹
	ششمین شیپور: فرشته‌ای از فرات	۱۲:۹	۱۲:۹	۱۲-۷:۹
۱۹-۱۳:۹	۱۹-۱۳:۹	۱۹-۱۳:۹	۱۹-۱۳:۹	۲۱-۱۳:۹
۲۱-۲۰:۹		۲۱-۲۰:۹	۲۱-۲۰:۹	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم

دیدگاه‌های متنی به مکاشفه ۱:۸ - ۲۱:۹

- A. در حالیکه هفت شیپور از هفتمین مهر خارج می‌گردند، این سوال مطرح می‌گردد، "چه ارتباطی میان شیپورها، مهرها و پیاله‌ها وجود دارد؟" در اینجا اگر چه کامل نیست اما تکرار یک بخش وجود دارد. آنها یک دوره زمانی را پوشش می‌دهند. آنها بر اساس بافتی مشابه ساخته شده‌اند که یکدیگر را پوشش می‌دهند. بخش از یک نظریه که بنظر می‌رسد در قرن سوم توسط ویکتورینوس، امپراتور پتوی مطرح گردیده بود (به کتاب *The Ante-Nicene Fathers* جلد ۷ صفحات ۳۴۴-۳۶۰ رجوع نمایید). او فقط یک ارتباط موازی میان شیپورها و پیاله‌ها را ذکر می‌کند. هنگامی که سه تای آنها را با یکدیگر مقایسه نماییم، اینگونه بنظر می‌رسد که استعاره‌ای زیر رو کننده و بشدت مخرب از یک دوره اسکاتولوژیک بوده باشند. احتمال زیادی وجود دارد که در همان حال که ششمین مهر (مکاشفه ۶:۱۲-۱۷) ما را به پایان نزدیکتر می‌نماید، هفتمین مهر (مکاشفه ۱۱:۱۵-۱۹ و هفتمین پیاله (مکاشفه ۱۶:۱۷-۲۱) نیز وقایع پایانی را تعریف نمایند.
- B. تصورات یوحنا از این رویاهای ریز و رو کننده از کجا نشأت گرفته بود؟ نظریه‌های متعددی در اینباره وجود دارد:
۱. کنایه‌هایی وجود دارد به ده‌ها آیه از عهد عتیق، بویژه در فصل‌های ۸ و ۹ درباره بلایای مصر و حمله ملخها در یوئیل ۲. مثل همیشه در کتاب مکاشفه، تصورات دانیال، حزقیال و زکریا پیشزمینه اصلی را شکل می‌دهند.
 ۲. نوشته‌های درون عهدها، همچون I Enoch. این کتاب در قرن اول یهودیت بشکل گسترده‌ای شناخته شده بود، همانگونه که بواسطه نویسندگان عهد جدید، کلیسا و آنچه که به آن مربوط می‌شد شناخته شده بودند (۲ پطرس ۲ و یهودا).
 ۳. مشخصات تاریخی قرن اول بویژه عبادات امپراطوری روم و رنج‌هایی که محلیان می‌کشیدند.
- گزینه‌ای را که بهمراه سرمنشأ این تصورات انتخاب می‌کنیم تعیین کننده چگونگی ترجمه و تفسیر این دو فصل را هستند. چنانچه ماحصل را برخلاف پیشزمینه امپراطوری روم ببینیم، پس یعنی ما در تاریخ رومیان قرار گرفته‌ایم (گذشته‌گرا). چنانچه آن را برخلاف زبان پایان عصری یهودیان ببینیم، پس می‌توان گفت که ما در حال انعکاس آن به یک دوره پایان عصری یهودی هستیم (آینده‌گرا).
- C. این دو فصل داوری بشدت قاطعانه‌ای را در مورد کافران توصیف می‌کند. با اینحال، باید تأکید شود که خداوند این داوری را بر آنان بمنظور احیای آنان فرود می‌آورد (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۴:۷؛ ۱۶:۹؛ ۱۱). بنابراین، آنان همچون نفرینهای کتاب تثنیه ۲۷-۲۹ عمل خواهند کرد.
- D. همانگونه که در فصلهای پیشین دیده شد، نمادگرایی بشدت ابهام‌برانگیز بوده تا جایی که برخی مفسران در جاهایی مسیح را همچون شیطان تعریف کرده‌اند. با چنین سلاست بیان در تعریف نمادها، دگم‌اندیشی کاملاً نامتعارف خواهد بود. مفسرین باید رویای کامل را در یک حقیقت مرکزی خلاصه نمایند. این حقیقت مرکزی باید راهنمای تفسیر جزئیات بوده و مشکلات مرکزی الهیاتی را به منظور تأکید، باقی گذارد!

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۸-۲

۱ هنگامی که بره هفتمین مهر را گشود، حدود نیم‌ساعت سکوت بر آسمان حکمفرما شد. ۲ و آن هفت فرشته را دیدم که در پیشگاه خدا می‌ایستند، و به آنان هفت شیپور داده شد.

۱:۸ "هنگامی که بره هفتمین مهر را گشود" آن که هفتمین مهر را باز می‌کند، عیسی است، اما از این لحظه به بعد، فرشتگان شروع به اعلام هفت شیپور و سپس هفت پیاله می‌کنند.

□ "حدود نیم‌ساعت سکوت بر آسمان حکمفرما شد" نظریه‌های متعددی مرتبط با این سکوت وجود دارد. ربی‌ها آن را در ارتباط با یک دوره سکوت می‌دانند که به دعاکنندگان اجازه می‌دهد صدای مقدسین را بشنوند

۱. برخی آن را ارتباط می‌دهند به II Edras 7:29-31، در جایی که سکوت، شروع عصر جدید می‌باشد
۲. برخی دیگر آن را به ده‌ها آیه در کتاب مقدس مرتبط می‌دانند که در آنها انسانها باید حضور خدا سکوت نمایند (عبرانیان ۲:۲۰؛ صفینا ۱:۷؛ ذکر یا ۲:۱۳)
۳. برخی آن را به یک تأثیر دراماتیک برای فرود قریب‌الوقوع داوری خداوند بر بی‌ایمانان می‌دانند
۴. ویکتورینوس آن را به شروع ابدیت ارتباط می‌دهد.

۲:۸ "و آن هفت فرشته را دیدم که در پیشگاه خدا می‌ایستند" خیلی جالب است که در اینجا بطور مشخص به "هفت فرشته" اشاره می‌گردد. در یهودیت ربیانی نام هفت فرشته در حضور خدا در کتاب‌های 7-10: I Enoch; 1-2, 17; Jubilees 1:27, 29; Tobit 12:15 ذکر گردیده شده است. آنها یوریل، ارفائیل، میکائیل، سارا کائیل یا سارثیل، گابریل و رمیل هستند. دیگر مفسران این آیه را مرتبط با مسایح می‌دانند (موازی با "فرشته در حضور او") در اشعیا

۹:۶۳ یا در ارتباط با قضاوت بر آنان که در مقابل روح القدس قیام کردند (اشعیا ۶۳:۱۰). ارتباط کتاب خروج را می‌توان در فرشته گفته شده در این کتاب، آیات ۲۳:۲۰-۲۳:۳۳؛ ۱۲-۱۶ دید.

□ **به آنان هفت شیپور داده شد** هفت فرشته هستند که مربوط می‌شوند به هفت شیپور (مکاشفه ۸:۶). در عهد عتیق اغلب از شیپور برای ارتباط با قوم خدا استفاده می‌شد، چه در مراسم مذهبی و چه نظامی (خروج ۱۶:۱۹؛ اعداد ۱۰:۱-۱۰:۱۰؛ اشعیا ۲۷:۱۳؛ ارمیا ۴:۵-۹؛ یوئیل ۲:۱؛ صفیا ۱۶:۱؛ زکریا ۹:۱۴؛ II Esdras 6:23؛ به موضوع خاص در مکاشفه ۱۰:۱ مراجعه نمایید). در عهد جدید شیپور دومین آمدن مسیح را اعلام می‌نماید (متی ۲۴:۳۱؛ ۱۴:۱۵-۱۵:۵۲؛ ۱۶:۴).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸:۳-۵

۳ و فرشته‌ای دیگر آمد که بخورسوزی از طلا با خود داشت، و پیش مذبح ایستاد. به او بخور بسیار داده شد تا آن را با دعا‌های همه مقدسین بر مذبح طلایی پیش تخت تقدیم کند. ^۴ دود بخور با دعا‌های مقدسین از دستهای آن فرشته تا به پیشگاه خدا بالا رفت. ^۵ آنگاه فرشته بخورسوز را برگرفت و از آتش مذبح بیاکند و بر زمین افکند. آنگاه غرش رعد بود و بانگ و غوغا، و آذرخش که برمی‌خاست و زمین که می‌لرزید.

۳:۸ "فرشته‌ای دیگر آمد که بخورسوزی از طلا با خود داشت، و پیش مذبح ایستاد" این متن و آیه ۵:۸ برای ترویج مفهوم الهیاتی ربیان درباره اینکه فرشتگان حاملان دعا‌های مردم برای خدا هستند، بکار رفته شده است. درباره چگونگی تفسیر اینگونه جزعیات، کتاب مقدس سکوت کرده است. این آیات نمادین نباید برای تبیین جزعیات عمیق الهیاتی مورد استفاده قرار گیرند. این یک تصور است و قرار نبوده است که برای نقش معینی از فرشتگان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این آیه تأکید می‌کند که دعا برای مقدسین، خداوند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مذبح را می‌توان یا بصورت مذبح عود در مکان مقدس برداشت کرد (خروج ۳۰:۱-۱۰) و یا مذبح مخصوص قربانی کردن (مکاشفه ۸:۵؛ ۱۳:۹). با اینحال، این رویا درباره خیمه زمینی یا معبدی در اورشلیم نیست، بلکه اتاق پادشاهی خدا در بهشت است (عبرانیان ۸:۲؛ ۹:۱۱، ۲۴). در این آیه مذبح ویژه عود بیشتر سازگاری دارد.

□ **"دعا‌های همه مقدسین"** اینکه دقیقاً کدام گروه از مقدسین مورد بحث قرار گرفته مشخص نیست، اما این عبارات نشان می‌دهند که خداوند آگاه بوده و به نیازهای قوم خود پاسخ مقتضی را می‌دهد (خروج ۳:۷). عود نمادی برای عبادت بوده است (مزمور ۱۴۱:۲؛ مکاشفه ۵:۸) زیرا که دود آن به بالا رفته و از دید دنیای واقعی ناپدید و در دنیای نامرئی قابل رویت می‌شد. برای مطالعه بیشتر به موضوع خاص مقدسین در مکاشفه ۵:۸ رجوع نمایید.

۴:۸ در طول کتاب لاویان دود عود به حضور خدا می‌رفت، بنابراین، عود تبدیل شد به معرف دعا‌های قوم خدا.

۵:۸ "فرشته بخورسوز را برگرفت و از آتش مذبح بیاکند و بر زمین افکند" این بخش از آیه اشاره‌ای است به حزقیال ۲:۱۰. ذغال برای مذبح عود در کنار پرده می‌تواند در اصل برگرفته شده از مذبح قربانی کردن در روبروی خیمه بوده باشد (مکاشفه ۹:۱۳؛ لاویان ۶:۱۱-۱۳). اینها نمادهای خیمه هستند که دارای معانی روانی می‌باشند. نکته کلیدی الهیاتی این است که همه اینها در پیشگاه خدا در بهشت روی می‌دهند.

□ **"آنگاه غرش رعد بود و بانگ و غوغا، و آذرخش"** اینگونه پدیده‌های فیزیکی اغلب وابسته هستند به حضور یهوه (مکاشفه ۴:۵؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۶:۱۸؛ خروج ۱۹:۱۶-۱۹؛ مزمور ۱۸:۱۰-۱۳).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸:۶

آنگاه آن هفت فرشته که آن هفت شیپور را داشتند، آهنگ نواختن آنها کردند.

۱-۶ این آیات همگی معرف اعمالی هستند که در دوران سکوت رخ دادند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸:۷

۷ فرشته اول شیپورش را به صدا درآورد، و تگرگ و آتش آمیخته با خون بود که ناگهان بر زمین بارید و یک سوّم زمین سوخت و یک سوّم درختان سوختند و همه سبزه‌ها سوختند.

۷:۸ "تگرگ و آتش آمیخته با خون بود" تصاویر زیادی از بلایای مصریان ترسیم شده است. این بخش اشاره‌ای است به خروج ۹:۲۴. همچنین ممکن است که از حزقیال ۲۲:۳۸ برداشت شده باشد، در زمان سرنگون کردن ارتش تهاجمی جوج.

- "یک سوّم زمین سوخت" این درصد محدود اما واقعی اغلب در چند فصل بعدی نیز ذکر گردیده‌اند (مکاشفه ۸: ۷-۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲؛ ۹: ۱۵، ۱۸؛ ۱۲: ۴). دومین مجموعه از داوری شدیدتر از سری اول هستند (۸: ۶)، در جایی که یک ربع ذکر گردیده است). بیهو با نازل کردن بلایای فیزیکی، همچنان در تلاش برای دستیابی به بشر گناهکار است (خروج ۷-۱۱؛ تثنیه ۲۸-۲۹)، اما آنان با توبه و ایمان پاسخ او را نمی‌دهند!
- "و همه سبزه‌ها سوختند" این باید اشاره به تخریب کامل یک سوم سبزه‌ها داشته باشد، زیرا سبزه در مکاشفه ۹: ۴ مورد محافظت قرار داشت.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸: ۸-۹

^۸فرشته دؤم شیپورش را به صدا درآورد، و چیزی بسان کوهی بزرگ که مشتعل به آتش بود، به دریا افکنده شد و یک سوّم دریا بدل به خون گشت. ^۹و یک سوّم از موجودات زنده دریا مُردند و یک سوّم از کشتیها نابود شدند.

۸: ۸ "بسان کوهی بزرگ که مشتعل به آتش بود، به دریا افکنده شد" یکبار دیگر مشکل به سرمنشأ تصور یوحنا باز می‌گردد - رومیان، مفاهیم کتب مقدس یهودیان، یا عهد عتیق.

۱. اگر ریشه مشکل را عهد عتیق در نظر بگیریم، پس آیات مزبور ۲: ۴۶ یا خروج ۷: ۲۰-۲۱ منشأ آن هستند
۲. اگر آخرالزمان یهودی در نظر بگیریم، پس منشأ آن عهد عتیق عبرانی آیات I Enoch 18:13-16 و یا احتمالاً Sibylline Oracles 5:158 خواهند بود
۳. اگر آن را رومیان در نظر بگیریم پس احتمالاً اشارات تاریخی است به فُوران کوه آتشفشان وزوو، که یهودیان آن را داوری خدا بر روم بخاطر نابودی اورشلیم تعبیر کردند.

منبع اصلی استعاره‌های یوحنا مشخص نیست، اما آنها بدرستی از خشم خدا را در برابر مخلوق سرکش و با هدف احیای او سخن می‌گویند.

- "و یک سوّم دریا بدل به خون گشت" این نیز اشاره دیگری است به بلایای مصریان (خروج ۷: ۲۰-۲۱).

۹: ۸ "یک سوّم از موجودات زنده دریا مُردند" این اشاره دیگری است به بلایای مصریان (خروج ۷: ۲۱).

- "یک سوّم از کشتیها نابود شدند" این بخش هیچ رویداد موازی در عهد عتیق ندارد، چه در ادبیات آخرالزمانی، چه در ادبیات رومی قرن اول. بروشنی این رویداد بر روی تجارت و کالاها و کمیابی خوراک مردم اثر گذارد. این امر بر داوری محدود ولی در حال اجرای خدا صحه می‌گذارد. داوری او تشدید می‌گردد (۱/۴ در مهرها و ۱/۳ در شیپورها) تا زمانی که در پیااله‌ها زمان توبه رسیده و کامل شده باشد، داوری کامل ظاهر خواهد گردید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸: ۱۰-۱۱

^{۱۰}فرشته سوّم شیپورش را به صدا درآورد، و ستاره‌ای بزرگ چون مشعلی سوزان از آسمان به روی یک سوّم از رودخانه‌ها و چشمه‌ساران فرو افتاد. ^{۱۱}نام آن ستاره 'اُفْسُنْتین' بود، و یک سوّم از آنها تلخ شد. و مردمان بسیار از آنها که تلخ شده بود، مُردند.

۸: ۱۰ "ستاره‌ای بزرگ از آسمان فرو افتاد" این بخش از آیه می‌تواند اشاره‌ای به اشعیا ۱۴: ۱۲ باشد. بسیاری از مفسران سعی داشتند این آیه را به مکاشفه ۱۳: ۶ یا ۹: ۱ ارتباط دهند، اما آنها با اینکار تصورات یوحنا را محدود می‌کنند. باید مراقب بود تا جزئیات هر آیه ترجمه و تفسیر نشود. معمولاً در ادبیات آخرالزمانی یهودیان، سقوط یک ستاره اشاره به فرشته‌ای دارد (۱: ۹).

۸: ۱۱ "نام آن ستاره 'اُفْسُنْتین' بود" در عهد عتیق افسنتین به بت‌پرستی متصل است (تثنیه ۲۹: ۱۷-۱۸). همچنین دیده شده که آغشته به سم می‌باشد لذا مرگبار است (ارمیا ۹: ۱۵؛ ۲۳: ۱۵؛ عاموس ۶: ۱۲). افسنتین بخودی خود تلخ بود اما کشنده نبود (TEV). در اینجا بصورت یک استعاره برای داوری خداوند بکار رفته است.

مثال خوبی که می‌توان درباره ناسازگاری مفسران امروزی در تلاش برای گنجاندن جزئیات کتاب مکاشفه به درون چاقوب‌های روزگار خودشان آورد، اینست که می‌گویند حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل که منجر به ذوب شدن بسیاری از بخش‌های این نیروگاه گردید، به سرانجام رسیدن نبوت بوده زیرا چرنوبیل در زبان روسی همان افسنتین است. اینگونه تفاسیر انجیل بر اساس روزنامه‌های روی دکه روزنامه‌فروشی به نوعی در طول دو هزار سال گذشته رواج داشته و لذا باید در مقابل تکرار چنین رفتاری هوشیار باشیم!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸: ۱۲

^{۱۲}فرشته چهارم شیپورش را به صدا درآورد، و یک سوّم خورشید ضربت خورد، و یک سوّم ماه و یک سوّم ستارگان نیز، چندان که یک سوّم از آنها تاریک شد. و یک سوّم روز بی‌نور ماند و یک سوّم شب نیز.

۱۲:۸ یکی از نشانه‌های داوری خدا همیشه تاریکی بوده است (خروج ۱۰:۲۱؛ اشعیا ۱۰:۱۳؛ ۳۴:۴؛ ۵۰:۳؛ حزقیال ۷:۳۲-۸؛ یوئیل ۲:۲، ۱۰، ۳۱؛ ۱۵:۳؛ عاموس ۵:۱۸؛ مرقس ۳:۲۴). فرشتگان آسمانی اغلب بعنوان نیروهای معنوی و آسمانی مورد عبادت قرار می‌گرفتند. خداوند آنان را آفرید (پیدایش ۱۹-۱۴؛ اشعیا ۴۰:۲۶)؛ آنان را نامگذاری کرد (مزمور ۱۴۷:۴؛ اشعیا ۴۰:۲۶)؛ آنان را تحت کنترل درآورد (اشعیا ۴۸:۱۳)؛ و آنان نیز خداوند را مورد ستایش قرار دادند (مزمور ۱۴۸:۳).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۳:۸

۱۳ و همچنان که به نظاره ایستاده بودم، شنیدم لاشخوری در دل آسمان به بانگ بلند فریاد زد: «وای، وای، وای بر ساکنان زمین، که چیزی نمانده صدای شیپورهای آن سه فرشته دیگر برخیزد.»

۱۳:۸ "و همچنان که به نظاره ایستاده بودم، شنیدم لاشخوری در دل آسمان به بانگ بلند فریاد زد" (در متن انگلیسی بجای لاشخور نوشته شده عقاب) نسخه KJV بجای "عقاب" نوشته شده "فرشته"، اما این از یک نسخه خطی یونانی در اواخر قرن نهم میلادی نشأت گرفته است. هم متن سینائی (۸) (یکی از مهم‌ترین نسخه‌های دست‌نویس انجیل یونانی است) و هم نسخه آکساندرینوس (A) از کلمه "عقاب" استفاده کرده‌اند. این امر می‌تواند اشاره به یک لاشخور (یا عقاب)، که اغلب نماد کشتارهای فجیع بوده، داشته باشد (حزقیال ۱۷:۳؛ عبرانیان ۱:۸؛ متی ۲۴:۲۸؛ لوقا ۱۷:۳۷).

۱. اشاره‌ای به صحنه داوری در حزقیال ۱۷:۲۸-۲۰؛ هوشع ۸:۱

۲. اشاره‌ای به کتاب عهد عتیق عبرانی، II Baruch 77:21-22، که در آن یک لاشخور پیامی به قوم در حال ستمکشیدن خدا ارسال می‌کند

۳. استانداردهای ارتش روم که در بالای آن نشان عقاب داشتند

"پرواز در میان آسمان" می‌تواند اشاره دیگری به پرندگان در پرواز بر فراز آسمان برای بشارت انجیل باشد (مکاشفه ۱۴:۶؛ ۱۷:۱۹).

□ "وای، وای، وای" این عبارات احتمالاً مرتبط هستند با سه شیپور آخر که بزودی نواخته خواهند شد (مکاشفه ۹:۱۲؛ ۱۱:۱۴؛ ۱۲:۱۲)؛ می‌تواند نمادی برای قدرت نیز باشند (همچون "قدوس، قدوس، قدوس" در مکاشفه ۴:۸). در زبان عبری، سه بار تکرار عبارتی صفت برترین می‌باشد (قدوس، قدوس، قدوس در اشعیا ۶:۳). در عهد عتیق "وای" نشان دهنده سوگواری آهنگین مرتبط با مرگ و نتیجه یک داوری است.

□ "وای بر ساکنان زمین" این عبارت اشاره به کسانی دارد که به رستگاری نرسیده‌اند (مکاشفه ۳:۱۰؛ ۶:۱۰؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۸؛ ۱۷:۲).

مکاشفه ۹

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۱-۶

۱ فرشته پنجم شیپورش را به صدا درآورد، و من ستاره‌ای دیدم افتاده از آسمان به زمین. به این ستاره، کلید هاویه داده شد. ^۲ چون او در از هاویه برگشود، دودی از آن برخاست چون دود کوره‌ای عظیم، چندان که خورشید و آسمان از دود چاه تیره و تاریک شدند. ^۳ و از دل دود، ملخها به روی زمین آمدند و به آنها قدرتی چون قدرت عقربهای زمین داده شد. ^۴ و به آنها گفته شد که به سبزه‌های زمین آسیب نرسانند، و نه به هیچ گیاه یا درختی، بلکه تنها به آن کسان آسیب برسانند که مهر خدا بر پیشانی ندارند. ^۵ و به آنها اجازه داده شد که آن کسان را پنج ماه شکنجه دهند، بی‌آنکه آنان را بکشند. و شکنجه‌ای که آن کسان کشیدند به شکنجه نیش عقرب می‌مانست، آنگاه که انسان را بگذرد. ^۶ در آن روزها مردم جویای مرگ خواهند بود، اما آن را نخواهند یافت؛ آرزوی مرگ خواهند کرد، اما مرگ از آنها خواهد گریخت.

۱:۹ "و من ستاره‌ای دیدم افتاده از آسمان به زمین" نظریه‌های متعددی درباره این ستاره بطور مشخص وجود دارد که در اینجا فرشته نامیده شده است.

۱. بدلیل اینکه فعل در حالت کامل است، می‌تواند اشاره به شیطان در حال سقوط در گذشته و ادامه سقوط از بهشت داشته باشد (اشعیا ۱۴:۱۲؛ حزقیال ۲۸:۱۶؛ لوقا ۱۰:۱۸؛ مکاشفه ۹:۱۲).

۲. با توجه به محتوای متن، او می‌تواند فقط فرشته خادمی بوده باشد که در داوری خداوند نقش ایفا می‌کند (مکاشفه ۲۰:۱).

در ادبیات آخرالزمانی استفاده شده در تورات عبرانی، فرشتگان اغلب بصورت ستارگان در حال سقوط نشان داده می‌شوند.

□ "به این ستاره، کلید هاویه داده شد" در مکاشفه ۱:۱۸ و ۲:۱۰ نیز به یک کلید اشاره شده است. این کلید نماد دایره اختیارات است. خداوند حدود اختیارات خود را بر داوری روی گروه‌های شیطانی آزمایش می‌کند. واژه abyss در زبان انگلیسی (بمعنی بسیار عمیق) در واقع لغتی یونانی است به همین معنا که با یک آلفای سلبی بحالت منفی تبدیل می‌شود.

۱. این واژه در نسخه Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) در پیدایش ۱:۲؛ ۷:۱۱؛ مزمور ۴۲:۷؛ ۱۰۷:۲۶ برای نشان دادن عمق آبهای آفرینش بکار برده شده است.

۲. در مزمور ۷۱:۲۰ اشاره به محل قرار گرفتن مردگان دارد

۳. این عبارت یکی از حقایق کتاب I Enoch 18:12-16، 21:7-10، 108:3-6 است، در جاییکه زندان موقت فرشتگان سقوط کرده، چه بصورت موقت و چه نهایی بکار رفته است.
۴. بنظر می‌رسد با واژه "tartarus" هم معنی باشد (۲ پطرس ۲:۴ و I Enoch 21:7)، مکانی که فرشتگان شریر را در زندان نگهداری می‌کنند (لوقا ۸:۳۱؛ یهوذا ۶؛ مکاشفه ۷:۱۱؛ ۸:۱۷؛ ۹:۲۰-۱؛ ۱۰:۳؛ و Jubilees 5:6-11؛ I Enoch 10:4؛ 86:1؛ 88:1).
۵. پولس از واژه "عمیق" در رومیان ۷:۱۰ برای محل قرار دادن مرده استفاده کرد (اشعیا ۲۴:۲۱-۲۲).
۶. بعدها ربیان گفتند که این واژه، نام قسمت ناصالح Sheol/Hades بوده است (به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۱۸ رجوع شود).

□ "داده شد" مجموعه‌ای از افعال مجهول در فصل‌های ۸ و ۹ وجود دارند که بر روی تحت اختیار قرار داشتن تاریخ و موجودات شریر توسط خداوند، تأکید دارند (مکاشفه ۸:۳، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۹؛ ۱۰:۹، ۳، ۴، ۵). نویسندگان یهودی اغلب از زمان مجهول برای بیان اعمال خداوند بصورت غیرمستقیم استفاده می‌کنند.

□ ۲:۹ "دودی از آن برخاست چون دود کوره‌ای عظیم" این اصطلاح در ده‌ها حالت مختلف در عهد عتیق بکار برده شده است:

۱. در کنار داوری بر سُدوم و غموزه آورده شد (پیدایش ۱۹:۲۸)
۲. در کنار داوری خدا بر ملت‌ها آورده شد (اشعیا ۳۴:۱۰)
۳. در کنار حضور خدا در کوه سینا آورده شد (خروج ۱۹:۱۸)

□ ۳:۹ "ملخها" از ملخ اغلب بعنوان نماد خشم خدا یاد شده است (خروج ۱۰:۱۲-۱۵؛ یوئیل ۱:۴؛ ۲:۱) زیرا آنها همچون یک ارتش حمله می‌کنند (مکاشفه ۷:۹؛ یوئیل ۵:۴-۷، ۹-۷).

□ ۹:۴ "به آنها گفته شد که به سبزه‌های زمین آسیب نرسانند، و نه به هیچ گیاه یا درختی" این نیروهای شیطانی در انجام مأموریت تنبیهی خود محدودیت دارند. آنها نباید هیچ گیاه زنده‌ای را نابود کنند و فقط می‌توانند عذاب دهند، اما کشتن بی‌ایمانان خیر (مکاشفه ۹:۵؛ ۴:۷)؛ ایمانداران توسط خداوند حمایت می‌شوند (همانطور که در بلایای مصریان حمایت شدند).

□ "که مُهر خدا بر پیشانی ندارند" به یادداشت مکاشفه ۷:۲ رجوع شود. این عبارات اشاره‌ای هستند به حزقیال ۹:۴).

□ ۵:۹ "پنج ماه" برخی از مفسران این دوره زمانی را بعنوان دوره طول عمر ملخ تعبیر می‌کنند. با اینحال، این عدد نیم از عدد ده بوده، که می‌تواند استعاره‌ای دیگری برای کوتاه بودن زمان داوری تعبیر گردد (مکاشفه ۶:۶، ۸؛ ۷-۱۲).

□ "شکنجهٔ نیش عقرب" نیش عقرب نیز استعاره دیگری در عهد عتیق است (۲تواریخ ۱۰:۱۱، ۱۴).

□ ۶:۹ این آیه بصورت مستقیم، هم‌تراز است با آیات ۵:۶-۱۶، که ممکن است شاهد اضافه‌ای برای تکرار نظریه درباره مهرها، شیپورها و پیاله‌ها باشد. این آیه می‌تواند اشاره‌ای باشد به داوری یهودیان بت پرست اورشلیم در ارمیا ۸:۲-۳.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۷:۹-۱۱

و آن ملخها به اسبهایی می‌مانستند آمادهٔ کارزار. بر سرشان چیزی بود که به تاج طلا می‌مانست و چهره‌هاشان به چهرهٔ انسان شباهت داشت.^۷ موهایی چون موی زنان داشتند و دندانهایی چون دندان شیران.^۸ سینه‌پوشی داشتند چون جوشن آهنین، و صدای بالهاشان چون غرش اسبان و ارابه‌های بسیار بود که به جنگ بشتابند.^۹ دُمها و نیشهایی داشتند چون دُم و نیش عقرب، و در دُمهاشان قدرت آن بود که پنج ماه به مردم آزار برسانند.^{۱۰} پادشاهشان فرشتهٔ هاویه بود که به زبان عبرانیان 'اَبَدون' نام دارد، و به یونانی 'اپولیون'؛

□ ۷:۹-۹ "آن ملخها به ... می‌مانستند" مشخصات فیزیکی این ملخها شبیه است به آیات یوئیل ۲:۴-۹ و همچنین یک مثل عربی معروف که می‌گوید "ملخ‌ها سری چون اسب، پستانی همچون شیر، پاهایی چون شتر، بدنی چون مار و شاخک‌های مانند موی یک کنیز دارند". روشن است که این بخش اشاره‌ای است به کتاب یوئیل و مشخصاتی که در آن ذکر شده است:

۱. دندان شیر (مکاشفه ۹:۸؛ یوئیل ۱:۶)

۲. تعداد بی‌شماری از ارابه‌ها و اسب‌هایی که به سوی میدان جنگ روان بودند (مکاشفه ۹:۹ و یوئیل ۲:۵)

□ ۸:۹ برخی این آیه را به پادشاهی اشکانیان ربط می‌دهند، آنان سواره نظامی با موهای بلند داشتند. آنان به کمانداران حرفه‌ای معروف بودند. رومیان از این مهاجمان وحشت داشتند.

□ ۱۱:۹ "پادشاهشان" کتاب امثال آیه ۲۷:۳۰ می‌گوید که ملخ‌ها پادشاه ندارند، اما این آیه اشاره‌ای است به دسته شیاطین، نه ملخ‌های واقعی.

□ «فرشته هاویه» این واژه اشاره به عالم مردگان دارد (مکاشفه ۹:۱، ۲، ۱۱؛ ۷:۱۱؛ ۸:۱۷؛ ۱:۲۰، ۳ و رومیان ۱۰:۷).

به یادداشت کامل در مکاشفه ۹:۱ رجوع شود.

□ «به زبان عبرانیان 'آبدون' نام دارد، و به یونانی 'آپولیون'» واژه عبری (آرامی) یعنی «تخریب» و واژه یونانی یعنی «ویرانگر». واژه عبری آن با *Sheol* شناسایی گردید، دنیای مردگان (ایوب ۶:۲۶؛ ۲۹:۲۲؛ ۳۱:۱۲؛ مزمور ۸۸:۱۱؛ امثال ۱۵:۱۱؛ ۲۷:۲۰).

Robert B. Girdleston نظر جالبی درباره این واژه در کتاب خود بنام *Synonyms of the Testament* دارد. او می‌گوید «این لغت در حدود یکصد پاراگراف از کتاب مقدس، «هلاک شدن» را بصورت کشیده است. هنگامی که از افراد استفاده می‌گردد معمولاً دلالت بر مرگ دارد، و هنگامی که از زمین سخن می‌گوید ویرانی را نمایش می‌دهد» (صفحه ۲۷۳).

در ایوب ۲۲:۲۸ این واژه در کنار مرگ آورده شده است. این امر همچنین ویژگی طومارهای دریای مرده (بحر میت) و ادبیات آخرزمانی عهد عتیق عبرانی است. این نکته به نوعی غیرعادی است زیرا فرشته مرگ در عهد عتیق خادم یهوه (خروج ۱۲:۲۳؛ ایوب ۱۵:۲۱) یا حتی از ویژگیهای شخصیتی یهوه می‌باشد (خروج ۱۲:۱۳، ۲۹). اما در اینجا ظاهراً فرشته نقش یک شریر زندانی شده را ایفا می‌کند. شاید این راه دیگری برای نشان دادن توان کنترل همه چیز توسط خداوند باشد.

برخی از مفسران حتی تصریح کرده‌اند دو امپراتور، نرون و دومیتیان درحالی مدعی شده بودند که روح آپولو در آنان دمیده شده، که این نام یونانی تغییر شکل داده شده و اشاره‌ای به Apollyon بود است. برای این سخن دو شاهد وجود دارد،

۱. ملخها نماد آپولو بودند

۲. هر دو واژه آپولو و آپولیون از یک ریشه در زبان یونانی بهره می‌برند

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۱۲

«وایِ اوّل از سر گذشت. دو 'وایِ دیگر هنوز باقی است.»

۱۲:۹ این آیه با آیات مکاشفه ۱۱:۱۴ و ۱۲:۲ مرتبط می‌باشد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۱۳-۱۹

«فرشته ششم شیپورش را به صدا درآورد، و من آوازی شنیدم که از چهار شاخ مذبح طلایی که در پیشگاه خداست برمی‌آمد؛^۴ و شنیدم که به آن فرشته ششم که شیپور داشت، گفت: «آن چهار فرشته را که در کنار رود بزرگ فرات در بندند، آزاد کن.»^۵ پس آن چهار فرشته که برای همین ساعت و همین روز و همین ماه و همین سال آماده نگاه داشته شده بودند، آزاد شدند تا یک سوّم آدمیان را بکشند.^۶ و شنیدم که شمار سواره‌نظام دویست میلیون بود.

«اسبان و سوارانی که در رؤیای خود دیدم، این چنین بودند: جوشنهایی به تن داشتند به سرخی آتش و آبی کبود و زردی گوگرد. سر اسبان به سر شیر می‌مانست و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می‌زد.^۸ یک سوّم آدمیان از این سه بلای آتش و دود و گوگرد که از دهانشان بیرون می‌زد، کشته شدند.^۹ قدرت اسبان در دهانشان بود و در دُمشان. زیرا دُمشان شبیه مار بود با سری که با آن صدمه می‌زدند.

۱۳:۹ «من آوازی شنیدم که از چهار شاخ مذبح طلایی برمی‌آمد» این آیه اشاره‌ای است به مذبح عود در خیمه (خروج ۲:۳۰، ۳، ۱۰). دو مذبح در این بخش ذکر شده‌اند: مذبح قربانی کردن که زیر آن روح شهدا یافت شدند (مکاشفه ۶:۹-۱۱)، و مذبح عود که دعاها را قوم خدا بر روی آن قرار داده می‌گردید (مکاشفه ۳:۵-۸). شیپورها در عهد عتیق نماد قدرت بودند. هم مذبح عود و هم مذبح قربانی دارای شیپور بودند. به یادداشت مکاشفه ۸:۳ رجوع شود.

۱۴:۹ «آن چهار فرشته را که در کنار رود بزرگ فرات در بندند، آزاد کن» آنان که بدنیا اسناد تاریخی مربوط به قرن اول می‌باشند باید اشاره این آیه را به یورشگران اشکانی در آنسوی رود فرات ببینند (مرز امپراتوری روم، I Enoch 56:5-8). دیگران اما، این آیه را اشاره‌ای به جایی در عهد عتیق که در آن چهار سوار در زکریا ۸:۱ و ۶:۸-۱ بودند، بدانند، این چهار فرشته ظاهراً نماد دیگری است برای خادمین مأمور خدا که داوری را برای جهان سرکش و رانده شده می‌آورند (مکاشفه ۷:۱). با وجود اینکه این فرشتگان در بند هستند، لذا می‌توانند مرجعی به فرشتگان شیطان‌ی تلقی گردند (یهودا ۱:۶). این فرشتگان برای یک سوم بشریت مرگ را به ارمغان آورند! (مکاشفه ۹:۱۸).

بخش شمالی ساحل رود فرات مرز شمال شرقی سرزمین موعود محسوب می‌گردید (پیدایش ۱۵:۱۸؛ تثنیه ۱:۷؛ ۱۱:۲۴؛ یوشع ۱:۴).

۱۵:۹ "آن چهار فرشته که برای همین ساعت و همین روز و همین ماه و همین سال آماده نگاه داشته شده بودند، آزاد شدند" یک بند قطعی با اصطلاح "ساعت" وجود دارد که بیانگر قطعیت این عبارت است. این آیه مرجعی است برای حاکمیت خدا و کنترل او بر تاریخ (I Enoch 92:2). این آیه کمکی بزرگ به ایماندارانی است که تحت ستم هستند.

۱۶:۹ "شمار سواره نظام دویست میلیون بود" این عددی نمادین برای گروه‌های شیطانی هستند که بشر بی‌ایمان را در خود فرو می‌برند. این عدد قابل قیاس است با ده‌ها هزار فرشته‌ای که به خدا خدمت می‌کنند (مکاشفه ۵:۱۱؛ تثنیه ۳۳:۲؛ مزور ۶۸:۱۷؛ دانیال ۷:۱۰؛ عبرانیان ۱۲:۲۲؛ یهودا ۱:۱۴). دوباره، برای ارتباط این آیه به ملت امروزی چین، مثال دیگری است از تحمیل ادبیات تمثیلی به تاریخ امروزی. اشتیاق مسیحیان برای شناخت آینده و تحت تأثیر قرار دادن یکدیگر با دانشی که از آن اطلاع نداریم نیز یکی دیگر از مشکلات است.

۱۷:۹ - ۱۹ "اسبان و سواران" جزعیاتی که بدنبال این آیه می‌آیند، اسبان و سواران را یک واحد شناسایی می‌کنند. نمایندگان واقعی مرگ و شکنجه در واقع همان اسب‌ها هستند (مکاشفه ۹:۱۹) - رنگ اسب‌ها، قرمز (آتش)، آبی (یاقوت) و زرد (گوگرد) - که این گروه خاص شیطانی را مرتبط با سه بلای آتش، دود آبی و گوگرد ذکر شده در مکاشفه ۹:۱۸ می‌دانند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۲۰-۲۱

"از آدمیان، آنان که از این بلاها هلاک نشدند، باز هم از کارهای دست خود توبه نکردند. باز هم نه از پرستش دیوها دست شستند و نه از پرستش بتهای زرتین و سیمین و برنجین و سنگی و چوبین که نه می‌بینند و نه می‌شنوند و نه می‌جنبند. ^{۲۱} نه نیز از آدمکشیها و جادوگریها و بی‌عفتیها و دزدیهای خود توبه کردند.

۲۰:۹ "آدمیان، آنان که از این بلاها هلاک نشدند، باز هم از کارهای دست خود توبه نکردند" این یک بیان روشن و بدون ابهام از دلیل بوجود آمدن چنین بلایی است (مکاشفه ۹:۲۱؛ ۶:۱۴-۷؛ ۹:۱۶؛ ۱۱، ۲۱؛ ۷:۲۲؛ ۱۷).

در حالیکه خدا از این بلایا در مصر بعنوان نیروی محرکه برای (۱) مصریان تا ایمان آورند و به او خدمت نمایند و (۲) قوم بنی‌اسرائیل به ایمان خود وفادار بماند و خادم او باشد (تثنیه ۲۷-۲۸)، بنابراین بلایای مشابهی در نظر گرفته شد تا بشر بی‌ایمان را بسوی خالق بازگرداند، اما وی (بشر) امتناع نمود. سرسختی آنان بر بی‌ایمان بودن، وضعیت تمرد و سرکشی را بوجود آورد (رومیان ۱:۲۴، ۲۶).

□ "از کارهای دست خود" این اشاره‌ای است به بت پرستی (پرستش شیاطین، تثنیه ۳۲:۱۷؛ مزور ۱۰۶:۳۷؛ ۱۰ قرننیا ۱۰:۲۰) که اغلب در عهد عتیق به آن اشاره شده است (تثنیه ۴:۲۸؛ ۳۶:۲۸؛ ۶۴؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۷:۳۲؛ مزور ۱۱۵:۸-۴؛ ۱۳۵:۱۵-۱۸؛ اشعیا ۲:۸؛ ۱۹:۳۷؛ ۴۰:۱۹-۲۰؛ ارمیا ۱:۱۶؛ ۳:۱۰-۵؛ دانیال ۵:۲۳؛ میکاه ۵:۱۳). توجه کنید که چگونه در عهد جدید بت پرستی متصل است به کارهای شیطانی (مکاشفه ۱۶:۱۴؛ ۱۰ قرننیا ۱۰:۲۰؛ تیموتائوس ۴:۱).

۲۱:۹ این چهار موضوع (بت پرستی، قتل، جادو، فساد) در عهد عتیق مورد تقبیح قرار گرفته (تثنیه ۱۸:۱۰-۱۱، ۱۴، ۲۰؛ خروج ۲۲:۱۸؛ لاویان ۲۰:۶) و آنان شاکله زندگی عاری از سیرت نیک بی‌ایمانان را بوجود آوردند (رومیان ۱-۲؛ تیموتائوس ۴:۱؛ مکاشفه ۱۸:۲۳). مشابه همین گروه بی‌ایمان توبه نکرده در آیات مکاشفه ۱۳:۱۵-۱۷؛ ۹:۱۴؛ ۲:۱۶۷؛ ۹، ۱۱ ذکر گردیده‌اند.

NASB, NKJV,

NRSV "سحر"

TEV "جادو"

NJB "جادوگری"

در زبان انگلیسی واژه "داروخانه" (Pharmacy) از عبارت یونانی برای سحر و جادو (*pharmakeia*، غلطیان ۵:۲۰) گرفته شده است. این می‌تواند مرجعی برای ساخت معجون‌های جادویی یا زهرهای کشنده، همچون افسنتین که پیش از این از آن ذکر به میان آمد، باشد (مکاشفه ۸:۱۱). در دوران باستان، اغلب از اینگونه داروها برای ترغیب مردم به "مذهب" استفاده می‌گردید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. چگونه باید منشا رویاهای این فصل‌ها را بیابیم؟ (۱) عهد عتیق؛ (۲) ادبیات آخرالزمانی یهود؛ یا (۳) رویدادهای تاریخی امپراتوری روم؟
۲. این رویدادها اشاره دارند به (۱) قرن اول، (۲) همه قرن‌ها، یا (۳) آینده؟
۳. چگونه باید این فصلها را تلقی کرد، واقعی یا آخرالزمانی؟
۴. جهت اصلی فصلهای ۸-۹ چه می‌باشند؟
۵. چگونه هفت مهر و هفت پیاله در فصلهای ۸ و ۹ به یکدیگر ارتباط می‌یابند؟
۶. چرا تا پیش از آمدن دوم، فعالیت‌های فرشتگان و شیاطین تا این حد افزایش یافته است؟

مکاشفه ۱:۱۰ - ۱۹:۱۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
فرشته و طومار کوچک ۷-۱:۱۰	فرشته نیرومند با طومار ۷-۱:۱۰	یک میانبرده ۷-۱:۱۰	فرشته و طومار کوچک ۴-۱:۱۰	نزدیکی آخرین مجازات ۷-۱:۱۰
	یوحنا کتاب کوچک را می‌خورد ۱۱-۸:۱۰		۷-۵:۱۰	پیشگو بوی طومار را استنشاق می‌کند ۱۱-۸:۱۰
		۱۰-۸:۱۰	۸:۱۰ ۹:۱۰ ۱۱-۱۰:۱۰	
		۱۱:۱۰		
دو شاهد ۱۳-۱:۱۱	دو شاهد ۶-۱:۱۱	اندازه‌گیری معبد و دو شاهد ۳-۱:۱۱	دو شاهد ۳-۱:۱۱	دو شاهد ۱۰-۱:۱۱
	شاهد کشته شد ۱۰-۷:۱۱	۶-۴:۱۱ ۱۰-۷:۱۱	۶-۴:۱۱ ۱۳-۷:۱۱	
	شاهد دوباره زنده می‌شود	هفت شیپور ۱۴:۱۱	۱۴:۱۱	۱۳-۱۱:۱۱ ۱۴:۱۱
هفتمین شیپور ۱۹-۱۵:۱۱	هفتمین شیپور: پادشاهی جار زده می‌شود ۱۹-۱۵:۱۱	۱۹-۱۵:۱۱	هفتمین شیپور ۱۸-۱۵:۱۱ ۱۹:۱۱	هفتمین شیپور ۱۸-۱۵:۱۱ ۱۹:۱۱

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

A. اولین میانبرده (فصل ۷) بین مهر ششم و هفتم ظاهر می‌گردد. دومین میانبرده (مکاشفه ۱:۱۰ - ۱۴:۱۱) بین ششمین و هفتمین شیپور ظاهر می‌گردد. میان ششمین و هفتمین پیاله (مکاشفه ۱۶) میانبرده‌ای نیست، اما پیش از آن هست (مکاشفه ۱۲-۱۴).

B. این میانبرده، مکاشفه ۷، از واژگان عهد عتیقی بهره می‌برد (خیمه، مذبح، اورشلیم). با اینحال، درست مانند اشارات یهودیان در مکاشفه ۷ که اشاره به قوم خدا در عهد جدید دارد، به کلیسا نیز اشاره شده است. این اشارات از دانیال ۹ گرفته شده‌اند اما آنها با مقتضیات یونانی-رومی قرن اول تطابق یافته‌اند.

در اینجا به نقل قول مختصری از Alan Johnson در کتاب *Commentary on Revelation* اشاره می‌کنم، "دیدگاه‌های یهودیان از عدم قابلیت در برقراری ارتباط این فصل با برخی موارد در عذاب است، از جمله ارتباط به متن فصل ۱۰، ارتباط به برقراری موازات با موضوع مهرها (مکاشفه ۷)، ارتباط با خدمات بشارتی و اهمیت دو شاهد، و ارتباط با فصل‌های بیشتر در کتاب مکاشفه (بویژه فصل‌های ۱۲-۱۳). بنابراین، بهتر است مکاشفه ۱۱ را بعنوان اشاره به کل جامعه مسیحیت درک نماییم" (ص. ۱۰۴).

C. در حالیکه آلن جانسون فصل ۱۱ را در ارتباط به فصل‌های ۷، ۱۰ و ۱۲-۱۳ می‌بیند، George Ladd آن را واحد ادبی مستقلی می‌بیند که به محافظت قوم یهود و رستگاری نهایی آنها ارتباط دارد (متی ۲۳:۳۹؛ لوقا ۲۱:۲۴؛ رومیان ۱۱:۲۶). به کتاب او بنام *Commentary on the Revelation of John* صفحات ۱۵۰ و ۱۵۱ مراجعه کنید.

تصمیم به انتخاب یکی از این دو دیدگاه دشوار است. من بطور یقین احساس می‌کنم که بدلیل وعده‌های خداوند به قوم بنی اسرائیل، نقطه پایانی برای احیای قوم بنی اسرائیل در نظر گرفته و بسیاری از آنان به ایمان به عیسی خواهند گروید (زکریا ۱۲:۱۰)؛ این در واقع بخشی از جدل پولس در رومیان ۱۱ است (قطعاً این امکان وجود دارد که تجدید حیات اشاره شده در زکریا ۱۲:۱۰ در کلیسای فلسطینیان در قرن اول رخ داده باشد). با اینحال، متن مکاشفه ۷:۱۰ و ۱۲-۱۳ از یک منظر جهان شمول می‌گوید که هم محافظت از قوم خدا در آن در نظر گرفته شده و هم داوری بر تمام بی‌ایمانان. در این متن، بر یک ایماندار یهودی یا حتی یک یهودی در مقابل غیریهودی صحنه گذارده شده است.

D. آیا در آن نقطه پایانی که سخن از آوردیم، دو شاهد وجود خواهند داشت، یا این شاهد فقط جنبه نمادین دارد؟ تفسیر و ترجمه اینگونه نمادها در این کتاب بسیار دشوار است. اگر یوحنا می‌خواست که آنان را در زمره قوم بنی اسرائیل محسوب کند، شیوه دیگری برای عیان کردن به این ایمانداران در همه اعصار در پیش می‌گرفت.

آیا این مبحث در مورد "دو شاهد" معنی خاصی برای ایمانداران قرن اول که رنج را تجربه کرده بودند، داشت؟ (شاید فرقه‌های پرستشی مخصوص امپراتور). با قطعیت نمی‌توان به این سوال پاسخ داد. انتخاب رویاهای یوحنا از ده‌ها منبع سرچشمه می‌گیرد: عهد عتیق، ادبیات آخرالزمانی، فرهنگ یونانی-رومی و درک کامل از منابع و نمادها و نشانه‌هایی که می‌دید؟ شاید خیر، شاید نه بطور مشخص، اما قطعاً سبک آنها را درک کرده بود! آنان اجبار نمی‌کردند تا تمام جزئیات تاریخ بصورت کامل عیان شود.

تنها ترس من از بیان این نظر اینست که چگونه نبوت پیشگویانه عهد عتیق توسط نویسندگان عهد جدید ترجمه می‌گردید! آنان اغلب جزئیات به محقق شدن واقعی اهداف عهد عتیق را در زندگی مسیح می‌دیدند. برخی از اینها نمادها و بازی با واژگان توسط ربیان بود. تحت رهنمودهای روح القدس (یا آموزه‌های عیسی، لوقا ۲۴:۱۳-۳۵) موقعیت تاریخی شاگردان فعلی او در میان متونی که بواسطه نبوت در عهد عتیق ثبت شده بررسی می‌گردد. نظیر همین موضوع برای آخرین نسل ایمانداران تحت ستم وجود دارد. با اینحال، مترجمان نمی‌توانند از طریق الهیات و علم هرمنوتیک، این جزئیات را پیش بینی کنند. مترجمین امروزی نباید (۱) تاریخ خودشان را به درون چنین متونی وارد کرده و یا (۲) در جزئیات هر یک از این مطالب که به شدت نمادین بیان شده‌اند، بدنبال قطعیت باشند. زمان خود همه چیز را روشن خواهد کرد!

E. بافت‌های ادبی و تصاویر مهرها و شیپورها تقریباً یکی هستند. هر دو تاریخ بشر را به آخر می‌رسانند (مکاشفه ۶:۱۲-۱۷ و ۱۱:۱۵-۱۹).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۰:۱-۷

۱ آنگاه دیدم فرشتهٔ نیرومند دیگری از آسمان فرود می‌آمد که ردایی از ابر در بر داشت و رنگین‌کمانی بر فراز سر. چهره‌اش مانند خورشید بود و پاهایش چون ستونهای آتش. ۲ طوماری کوچک و گشوده در دست داشت. پای راست در دریا نهاد و پای چپ بر خشکی. ۳ و فریادی چندان بلند برآورد که به غرش شیر می‌مانست و با فریاد او آن هفت رعد به صدا درآمدند و سخن گفتند. ۴ و هنگامی که آن هفت رعد سخن گفتند، آهنگ نوشتن کردم؛ اما شنیدم صدایی از آسمان گفت: «آنچه را آن هفت رعد گفته‌اند، مضمهور کن و منویس.» ۵ آنگاه آن فرشته که دیدم بر دریا و خشکی ایستاده بود، دست راست به آسمان بلند کرد و به او که تا ابد زنده است و آسمان و هر چه را در آن است آفریده و زمین و هر چه را در آن است و دریا و هر چه را در آن است، سوگند خورد و گفت: «دیگر بیش از این تأخیری در کار نخواهد بود. ۶ بلکه در آن ایام که هفتمین فرشته آهنگ نواختن شیپورش کند، راز خدا تحقق خواهد یافت، آن گونه که بشارتش را به خادمان خود، انبیا، داده است.»

۱:۱۰ "آنگاه دیدم فرشتهٔ نیرومند دیگری از آسمان فرود می‌آمد" توجه داشته باشید که پس از رویای مکاشفه ۴-۵، یوحنا به زمین باز می‌گردد (اگر فرا خواندن یوحنا به بهشت در مکاشفه ۴ حاصل خلسه‌ای در کلیسا بوده باشد، آیا باید این مقطع را زمان افول کلیسا در نظر بگیریم؟). این فرشته در غالب واژگانی که در عهد عتیق برای یهوه و سپس عیسی بیان می‌گردید در مکاشفه ۱:۱۲-۲۰ تعریف شده است. به دلیل همین آیه، بسیاری از مفسران تصریح کرده‌اند که این فرشته خود عیسی است. با اینحال، به دلایل زیر این نظر مورد تردید واقع می‌گردد:

۱. در کتاب مکاشفه عیسی هرگز یک فرشته نامیده نشده است
 ۲. در کتاب مکاشفه از فرشتگان نیرومند دیگری نیز نام آورده شده است (مکاشفه ۵: ۲؛ ۱۸: ۲۱)
 ۳. این فرشته در مکاشفه ۱۰: ۶ به نام خدا سوگند میخورد، که چنین موردی در رابطه مسیح غیر معمول است
 ۴. در کتاب دانیال ۱۰ نیز فرشته‌ای وجود دارد که با واژگان مشابهی از او یاد شده است
- چنین جزئیات دقیقی می‌تواند میان این فرشته‌ای که در نور می‌آید و فرشته‌ای که در مکاشفه ۹ در اعماق قرار دارد، تضاد ایجاد نماید. در حالیکه فرشته مکاشفه ۹ هدایت شده بوده، این فرشته جهت خود را تعیین کرده است. این می‌تواند اشاره‌ای باشد به فرشته نیرومند کتاب دانیال ۱۰: ۵-۶ یا به میکائیل، فرشته مقرب قوم بنی‌اسرائیل در دانیال ۱۰: ۱۳ و ۱۲: ۱.
- "ردایی از ابر در بر داشت" در عهد عتیق ابرها یکی از راه‌های نقل و انتقال خدایان محسوب می‌گردیدند (مزمور ۹۷: ۲؛ ۱۰۴: ۳؛ دانیال ۷: ۱۳؛ اعمال رسولان ۹: ۱).
 - "ورنگین‌کمانی بر فراز سر" بسیاری از مفسرین این بخش را کنایه‌ای به مکاشفه ۴: ۳ می‌دانند و لذا عنوانی دیگر و برای خدا و نیرو و حدود اختیارات او محسوب می‌گردد. این اشاره می‌تواند به حزقیال ۲۸: ۱ نیز بوده باشد، جایی که از ارا به یا تخت متحرک یهوه یاد شده است.
 - "چهره‌اش مانند خورشید بود" این بخش بدنبال مشخصاتی است که از عیسی در مکاشفه ۱: ۱۶ دیده می‌شود (متی ۱۷: ۲).
 - "پاهایش چون ستونهای آتش" باز هم شبیه مشخصات عیسی در مکاشفه ۱: ۱۵ است.
- ۲: ۱۰ "طوماری کوچک و گشوده در دست داشت" درباره این طومار (کتاب) کوچک بحث‌های زیادی مطرح شده است. برخی آن را بشکل کتاب کوچک در مکاشفه ۵: ۱ می‌بینند که اکنون باز شده، اما دو لغت متفاوت یونانی بکار برده شده است (مکاشفه ۵: ۱، *biblion*؛ مکاشفه ۱۰: ۲، *biblaridion*). دیگر مفسران آن را مرتبط با حزقیال ۲: ۸-۱۴: ۳ می‌دانند. از آنجاییکه این یک فرشته بوده و نه مسیح، پس حزقیال بهترین گزینه محسوب می‌گردد.
- "پای راست در دریا نهاد و پای چپ بر خشکی" ابعاد این فرشته حکایت از پیام جهانی او دارد. ربیان (در کتاب تلمود) از فرشته‌ای سخن گفته‌اند که نام او Sandelfon، و دارای جسه‌ای عظیم به اندازه ۸۰۵ کیلومتر بزرگتر از سایر فرشتگان بوده است (Hagigah 13b).
- ۳: ۱۰ "فریادی چندان بلند برآورد که به غرژش شیر می‌مانست" واژه "غردن" (*mukaomai*) معمولاً برای صدای گاو زراعتی استفاده می‌شود. با اینحال، در اینجا بنظر می‌رسد که اشاره‌ای به بخش‌هایی از عهد عتیق باشد که در آن خداوند بصورت یک شیر سخن می‌گوید (ارمیا ۲۵: ۳۰؛ هوشع ۱۱: ۱۰؛ یونیل ۳: ۱۶؛ عاموس ۳: ۸).
- "هفت رعد به صدا درآمدند" هویت این رعدها محل اختلاف است. می‌تواند هر یک از موارد زیر باشد:
 ۱. کنایه‌ای به هفت "صدای" خداوند در مزمور ۲۹: ۳-۹
 ۲. همتراز با هفت مهر و هفت شیپور، که دایره دآوری خداوند بر بی‌ایمانان بودند (مکاشفه ۸: ۵؛ ۱۱: ۱۹؛ ۱۶: ۱۸) برای مقاصد وی در جهت بازسازی و احیای بشریت
 ۳. صدایی که از اریکه خداوند (مکاشفه ۴: ۵)
 ۴. همینطور می‌تواند اشاره به هفت روح خداوند داشته باشد (مکاشفه ۱: ۴؛ ۴: ۵؛ ۵: ۵؛ ۶: ۵ از اشعیا ۱۱: ۲۲)
- ۴: ۱۰ "مَمهور کن" ده‌ها بخش در کتاب مقدس وجود دارد که در آن شخص مکاشفه‌ای را از سوی خداوند دریافت می‌کند اما توانایی افشای آن را ندارد. دو تا از این بخش‌ها عبارتند از (۱) کتاب دانیال (دانیال ۸: ۲۶؛ ۱۲: ۴، ۹) و (۲) پولس (۲ قرنیتیان ۱۲: ۴).
- با اینحال، این اعلان بسیار شگفت‌انگیز است. به یوحنا گفته شده آنچه را که می‌بیند مکتوب کند (۱: ۱۱، ۱۹؛ ۱۴: ۱۳؛ ۱۹: ۹؛ ۲۱: ۵). در مکاشفه ۲: ۱۰ به یوحنا گفته شده که آنچه در این نبوتها گفته شده نباید عیان شود. در اینجا فقط باید تنها به این پیام اشاره شده باشد!
- ۵: ۱۰ "دست راست به آسمان بلند کرد" این حرکت مخصوص سوگند یاد کردن است (پیدایش ۲۲: ۱۴؛ خروج ۶: ۸؛ اعداد ۳۰: ۴۰؛ تثنیه ۳۲: ۴۰؛ حزقیال ۲۰: ۱۵، ۲۸؛ دانیال ۷: ۲). قالب این سوگند در عناوینی که برای آن بکار می‌رود برای خداوند تکان دهنده است.
- ۶: ۱۰ "او که تا ابد زنده است" اینگونه شخصیت‌پردازی خداوند، دو نام عهد عتیقی او را که بسیار رایج است بیاد می‌آورد:
۱. یهوه، از فعل عبری "بودن" (خروج ۳: ۱۴). "من آنم که هستم" نام الهی در عهد بود؛ این نام بر روی خدا بعنوان منجی و احیا کننده تأکید می‌کند (پیدایش ۱۴: ۱۹؛ خروج ۲۰: ۱۱؛ نحمیا ۹: ۶؛ مزمور ۱۴۶: ۶).

۲. الوهیم، که در کتاب پیدایش ۱ بعنوان خالق، نگهدارنده و فراهم کننده همه چیز بر روی زمین، برای خداوند بکار برده شده بود. (پیدایش ۱۴:۱۹؛ خروج ۱۱:۲۰؛ نحمیا ۹:۶؛ مزمور ۱۴۶:۶)

ایا سوگند یکی از راه‌های تصریح قابل اعتماد بودن پیام فرشته است.

□ "تأخیری در کار نخواهد بود" احتمال می‌رود که این پاسخی به سوال شهدا در کتاب مکاشفه ۶:۱۰ باشد. معنی آن در اصل "آن زمان (*chronos*) دیگر نخواهد آمد". مفهوم زمان در این کتاب به دلایل متعددی بسیار روان است.

۱. دو لغت متفاوت در زبان یونانی است که زمان را بیان می‌کنند

a. *Chronos*، بمعنی گذر زمان (مکاشفه ۱۰:۶)

b. *Kairos*، زمانی خاص، فصل، یا رویداد (مکاشفه ۱:۳؛ ۱۱:۱۸؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۴)

۲. ده‌ها اصطلاح در این کتاب بکار برده شده است:

a. "چیزهایی که باید در مدت زمانی کوتاه جایگزین شوند" (مکاشفه ۱:۱؛ ۲۲:۶)

b. "زمان نزدیک است" (مکاشفه ۱:۳؛ ۱۱:۳؛ ۲۲:۱۰)

c. "بزودی می‌آیم" (مکاشفه ۲:۵، ۱۶؛ ۲۲:۷، ۱۲، ۲۰)

d. "دزدانه به سراغت خواهیم آمد" (مکاشفه ۳:۳؛ ۱۵:۱۶)

همه اینها سخن از فوریت می‌گویند (موضوع خاص در مکاشفه ۱:۳). با اینحال، برخی بخش‌های کتاب از یک تأخیر صحبت می‌کنند (۶:۱۰؛ ۱۱:۶؛ ۱۳:۱۴).

اصطلاح دیگر روز داوری و فرا رسیدن پاداش است، "کار تمام است" (مکاشفه ۱۶:۱۷؛ ۲۱:۶) یا "زمان آن رسیده" (مکاشفه ۱۱:۱۸؛ ۱۲:۲۰).

این سلاست بیان توسط روش‌های مختلف تفسیری مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تأکید بر جنبه خاصی از زمان داشته باشد (قرن اول، هر عصری، یا آخرین نسل). در اینجا فرشته رسماً سوگند یاد می‌کند که رویدادهای پایان عصر اکنون باید شروع گردد. دعای شهدا اجابت شده است! کتاب مکاشفه باید در زیر روشنایی اولین خوانندگانش تفسیر گردد (*Matthew 24 Fulfilled*، نوشته John Bray).

۷:۱۰

NASB "راز خدا پایان یافته است"

NKJV "راز خدا پایان می‌یابد"

NRSV "راز خدا تکمیل می‌گردد"

TEV "خدا برنامه محرمانه خود را با تمام خواهد رسانید"

NJB "راز خدا تحقق خواهد یافت"

این لغت به چندین مورد دلالت می‌کند.

۱. پولس اغلب از این لغت برای اشاره به برنامه ابدی خدا برای احیای یهودیان و غیریهودیان چنانچه به عیسی ایمان آورند، استفاده می‌کند (افسیسیان ۱۱:۳-۱۳:۳، به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۱ رجوع نمایید).

۲. کتاب مکاشفه اغلب اشاره به یک راز درباره قسمتی از یک رویا دارد (مکاشفه ۱:۲۰؛ ۱۷:۵، ۷)

۳. در مکاشفه ۷:۱۰ اشاره به برنامه ابدی خدا برای احیای بشریت دارد، همانگونه که پولس در رومیان ۱۶:۲۵-۲۶ و افسسیان ۲:۱۱-۱۳ عمل کرد.

ممکن است که یوحنا این واژه را از کتاب دانیال، بخصوص فصل ۲ برداشت کرده باشد (دانیال ۲:۱۸، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۷). در اینصورت پس اشاره به توانایی خدا در فاش کردن اعمالش دارد. خداوند آگاه و قادر به کنترل تمام تاریخ است.

موضوع خاص: راز در اناجیل

(Special Topic: Mystery in The Gospels)

A. در سایر اناجیل (اناجیل غیر از انجیل یوحنا) از "راز" به عنوان بینش معنوی حاصل شده از تمثیلهای عیسی استفاده شده است.

۱. انجیل مرقس ۴:۱۱

۲. انجیل متی ۱۳:۱۱

۳. انجیل لوقا ۸:۱۰

B. پولس از آن به چندین شیوه متفاوت استفاده می‌کند:

۱. سختی نسبی اسرائیل که باعث می‌شود پیروان سایر ادیان هم شامل پیام شوند. این ورود پیروان سایر ادیان به عنوان مکانیسمی برای یهودیان عمل می‌کند که عیسی را به عنوان همان مسیح موعود بپذیرند (مراجعه شود به رومیان ۱۱:۲۵ الی ۳۲).
۲. بیان خوش به ملت‌ها داده می‌شود، به آنها می‌گوید که پیام مسیح در مورد آنها هم هست (مراجعه شود به رومیان ۱۶:۲۵ الی ۲۷، کولسیان ۲:۲).
۳. کالبد نویمانان در آمدن دوم (مراجعه شود به اول قرنتیان ۵:۵ الی ۵۷، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸).
۴. جمع شدن همه چیز در مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۱:۸ الی ۱۱).
۵. پیروان سایر ادیان و یهودیان به عنوان وارثان (مراجعه شود به افسسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳).
۶. رابطه صمیمانه میان مسیح و کلیسا که در قالب اصطلاحات ازدواج توصیف شده است (مراجعه شود به افسسیان ۵:۲۲ الی ۳۳).
۷. پیروان سایر ادیان هم که مشمول پیمان می‌شوند و در روح مسیح ادغام می‌شوند تا بلوغ شبه مسیح ایجاد کنند، یعنی تصویر از بین رفته خدا در انسان را احیا کنند (مراجعه شود به پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷، ۵:۱، ۵:۵، ۶ و ۱۱ الی ۱۳، ۸:۲۱، ۹:۶، کولسیان ۱:۲۶ الی ۲۸).
۸. ضد مسیحیان پایان زمان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲:۱ الی ۱۱).
۹. مناجات کلیسای اولیه درباره راز انجیل در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ یافت می‌شود.
- C. در مکاشفه یوحنا از آن به عنوان معنی نماد آخرالزمانی استفاده شده است.
 ۱. ۱:۲۰
 ۲. ۱۰:۷
 ۳. ۱۷:۵ و ۶
- D. اینها حقایقی هستند که انسان قادر به کشف آنها نیست؛ این حقایق باید توسط خدا نشان داده شوند. این دیدگاهها برای درک برنامه ابدی خدا بمنظور احیای تمام مردم جهان حیاتی می‌باشند (پیدایش ۱۵:۳). به موضوع خاص برنامه ابدی یهوه مراجعه نمایید.

□ "انبیا"

به موضوع خاص: نبوت عهد عتیق مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸:۱۰-۱۱

«آنگاه آن صدا که از آسمان شنیده بودم بار دیگر به من گفت: «برو و آن طومار گشوده در دست آن فرشته را که بر دریا و خشکی ایستاده است، بگیر.»^۹ پس به سوی آن فرشته رفتم و از او خواستم آن طومار کوچک را به من بدهد. فرشته با من گفت: «این را بگیر و بخور! درونت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود.»^{۱۰} پس آن طومار کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم. در دهانم چون عسل شیرین بود، اما به شکم که فرو بردم، درونم تلخ شد.^{۱۱} آنگاه مرا گفتند: «تو باز باید درباره ملت‌های بسیار و قوم‌های بسیار و زبان‌های بسیار و پادشاهان بسیار نبوت کنی.»

۸:۱۰ "آن صدا که از آسمان شنیده بودم بار دیگر به من گفت" احتمالات زیادی درباره هویت سخنگوی این آیه مطرح بوده است. برخی معتقدند که او خدا بوده، برخی می‌گویند مسیح، روح القدس، یا یکی از فرشتگان نیرومند بوده است.

در مکاشفه ۱۱:۱۰، جمله جمع است که احتمالاً به تثلیث خدا اشاره می‌کند. کلمات جمع بکار برده شده درباره خدا در عهد عتیق (نام الوهیم و "ما" در پیدایش ۱:۲۶؛ ۳:۲۲؛ ۷:۱۱؛ اشعیا ۶:۸) به روش‌های مختلفی توضیح داده شده است.

۱. در یک قالب دستوری بنام "the plural of majesty"، که بواسطه آن، کلمه جمع، واژه یا مفهوم را تقویت می‌کند

۲. یهوه بصورت انتخابی از مجمع فرشتگان سخن می‌گوید (پادشاهان ۱۹:۲۲؛ ایوب ۱:۶؛ ۲:۱؛ ارمیا ۱۸:۲۳؛ دانیال ۱۰:۷)

۳. نسخه اولیه از مفهوم یک خدای سه گانه یا تثلیث (مزمور ۱۰۱:۱؛ زکریا ۸:۲؛ ۱۷:۱۰)

به موضوع خاص اسامی خدا در مکاشفه ۸:۱ رجوع نمایید.

۹:۱۰ "این را بگیر و بخور" این جمله به حزقیال ۲:۸-۳:۱۴ یا ارمیا ۱۵:۱۶-۱۷ اشاره می‌کند. این عبارت مجوز خواندن پیام خدا را مجسم می‌کند. کتاب یا طومار کوچک نماد پیام خدا است که هم حامل تضمین برای ایمانداران است (عسل، مزمور ۱۹:۱۰-۱۱؛ ۱۱۹:۱۰۳) و هم داوری بر بی‌ایمانان (تلخی). این طومار مشابه آنچه که عیسی در فصل ۶ باز کرد، نیست. این طومار اشاره به پیامی از فرشته نیرومند دارد (مکاشفه ۷:۱۰-۱۱).

۱۱:۱۰ "مرا گفتند" فرشته نیرومند یا خدای سه گانه تأیید می‌کنند که یوحنا نبی ثبت کننده و سخنگو است.

□ "ملتهای بسیار و قومهای بسیار و زبانهای بسیار و پادشاهان بسیار" این اصطلاح هم برای بی‌ایمانان بکار برده شده (مکاشفه ۹:۱۱؛ ۱۳:۷-۸؛ ۱۴:۶؛ ۱۷:۱۵) و هم ایمانداران (پیش از روز داوری، مکاشفه ۷:۹؛ ۱۵:۴ و پس از روز داوری، مکاشفه ۲۱:۲۴؛ ۲۶:۲۲). این آیه می‌تواند اشاره به موعظه انجیل داشته باشد (مکاشفه ۱۰:۱۱؛ ۱۴:۶) برای تمام ملت‌ها (متی ۲۴:۱۴؛ مرقس ۱۳:۱۰) یا پیشگویی داوری موقت بخاطر خشم خداوند.

مکاشفه ۱۱

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱-۶

آنگاه ساقه‌ای از نی به من داده شد که به چوب اندازه‌گیری می‌مانست و به من گفته شد: «برخیز و معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و شمار پرستندگان آنجا را تعیین کن، اولی تو را با صحن بیرونی کاری نباشد و آن را اندازه بگیر، زیرا که آن به قوم‌ها واگذار شده است. اینان شهر مقدس را چهل و دو ماه لگدمال خواهند کرد. و من دو شاهد خود را مأمور خواهم ساخت که پلاس در بر، هزار و دویست و شصت روز نبوت کنند.» این دو، همان دو درخت زیتونند و همان دو چراغدان که در حضور خداوند زمین می‌ایستند. اگر کسی بخواهد آسیبی به آنها برساند، آتش دهانشان زبانه می‌کشد و دشمنانشان را فرو می‌بلعد. این است طریق مردن هر کس که قصد آزار آنان کند. آنان قادرند آسمان را در بیندند تا در ایام نبوتشان باران نبارد و قادرند آنها را به خون بدل کنند و زمین را هر چند بار که بخواهند به هر بلا مبتلا سازند.

۱:۱۱ "ساقه‌ای از نی به من داده شد که به چوب اندازه‌گیری می‌مانست" در بخش‌های قبل یوحنا شاهد کارهایی بود که فرشتگان در حال انجام بودند، اما در قسمت هفتمین شیپور، او خود در انجام آن کارها نقش ایفا می‌کند.

واژه "چوب اندازه‌گیری" (*kalamos*) به این حالت فقط در اینجا بکار برده شده است (احتمالاً همان نی‌های زارهای رودخانه است (به موضوع خاص: پارسایی در مکاشفه ۱۹:۱۱ مراجعه نمایید) که برای اندازه‌گیری سطوح افقی از آنها در عهد عتیق استفاده می‌گردید که بین پنج و نیم تا شش متر درازا داشتند (حزقیال ۴۰:۵ - ۴۲:۲۰))

□ "برخیز و ... اندازه بگیر" اندازه‌گیری یا نشانه‌ای از (۱) رشد و محافظت وعده داده شده (ارمیا ۳۱:۳۸-۴۰؛ مکاشفه ۲۱:۱۵) بوده که می‌تواند کنایه‌ای به معبد پایان عصر حزقیال (۴۰-۴۸) یا اورشلیم جدید زکریا (زکریا ۱:۱۶؛ ۲:۱-۱۳) باشد و یا (۲) داوری (۲سموئیل ۸:۲؛ ۲ پادشاهان ۲۱:۱۳؛ اشعیا ۲۸:۱۷؛ امرای ارمیا ۲:۸). در اینجا این مورد نیز همچون مُهر فصل ۷، نشانه‌ای از محافظت ایمانداران توسط خدا است. اگر این میانبرده موازی با فصل ۷ باشد، پس این معبد شامل تمامی مردمان خدا می‌گردد (یهودیان و غیر یهودیان با ایمان). همچنین موازی می‌شود با مکاشفه ۱۲.

□ "معبد خدا و مذبح ... و ... پرستندگان آنجا" ماهیت این معبد بستگی به پیشفرض‌های تفسیری هر مفسر دارد.

۱. اگر تصور کنیم که رویای یوحنا از حزقیال ۴۰-۴۸ نشأت گرفته، پس این آخرین معبد واقعی در اورشلیم خواهد بود (۲تسالونیکیان ۲:۴)

۲. در عین حال، اگر ما تصور کنیم که اشاره به زکریا ۲ داشته باشد، پس آن رویا درباره شهر خدا، اورشلیم بوده است.

۳. اگر تصور کنیم که معبد آسمانی (مکاشفه ۷:۱۵؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۵:۵۸؛ عبرانیان ۹:۲۳) پس آن گروه زیادی که در مکاشفه ۷:۹ از آن یاد شد (کلیسا، و آن زن در مکاشفه ۱۲) در کانون توجه قرار دارند (مکاشفه ۲۱:۱۵-۱۶).

جالب توجه است که به یوحنا گفته شده مردمی را که در آن معبد به دعا مشغول هستند را بسنجد. این اصطلاح غیرمعمولی است. تصویر دیده شده شامل چیزی بیش از یک ساختمان است. این رویا است که مردم با ایمان را از بی‌ایمانی که بزودی مورد غضب خدا قرار خواهند گرفت، جدا می‌کند. بنابراین، این مورد همتراز است با نشان خدا بر روی پیشانی ایمانداران (مکاشفه ۷:۳-۴).

۲:۱۱ "صحن بیرونی" مفهوم صحن بیرونی در واقع به لحاظ تاریخی اشاره به دادگاه غیریهودیان در معبد هیرود دارد. ده‌ها اشاره به ایده اورشلیم و معبدی که توسط غیر یهودیان در لگد مال می‌گشت وجود دارد (مزمور ۷۹:۷-۱؛ اشعیا ۶۳:۱۸؛ دانیال ۸:۱۳؛ زکریا ۱۲:۳ در نسخه Septuagint). در این مورد عیسی اشاره مستقیم دانیال ۸:۱۳ در لوقا ۲۱:۲۴ داشته است.

□ "به قوم‌ها" به یادداشت مکاشفه ۲:۲۶ و ۱۰:۱۱ رجوع نمایید.

□ "چهل و دو ماه" به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: چهل و دو ماه (از دانیال)

(Special Topic: Forty-Two Months)

- عبارت "چهل و دو ماه" از دیدگاه نبوتی مشخصه دوران آزار و اذیت است. لگدمال کردن محراب بیرونی ضرب المثل مردم مومن تحت سلطه کفار در دورانهای مختلف تاریخی است - آنتیوخوس ایپفانوس، رومیان در سال ۷۰ میلادی و ضد مسیحیان پایان عصر.
- چهل و دو ماه، یا معادل آن، چندین مرتبه در انجیل تکرار شده است. به نظر می‌رسد منشا این اصطلاح کتاب دانیال باشد.
۱. دانیال ۷:۲۵، ۷:۱۲ "یک زمان، زمانی، زمانهایی و نیمی از زمان" یا ۱۲۷۷ روز را ذکر می‌کند (تصور می‌شود "زمان" معادل یک سال باشد)، مراجعه شود به مکاشفه ۱۲:۱۴
 ۲. دانیال ۸:۱۴ دو هزار و سیصد عصر و صبح را ذکر می‌کند
 ۳. دانیال ۱۲:۱۱ هزار و دویست و نود روز را ذکر می‌کند
 ۴. دانیال ۱۲:۱۲ عدد هزار و سیصد و سی و پنج روز را ذکر می‌کند. مشابه این عبارت در مکاشفه ۱۱:۳، ۱۲:۶ (هزار و دویست و شصت روز) و ۱۱:۲ و ۱۳:۵ (چهل و دو ماه).

شیوه دیگر نگاه کردن به این عبارت معمایی این است که آن را به صورت یک توالی بنگریم. یک، دو ولی نه سومین، بنابراین یک محدودیت الهی در میزان زمان وجود دارد که طی آن پادشاهی‌های کفار مردم خدا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. خدا در کتاب دانیال کنترل کامل همه چیز را بر عهده دارد (مراجعه شود به کتاب دانیال ۷:۴ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷)!

هنگامی که تمامی این وقایع را به حساب آوریم، تنوع آنها به نظر می‌رسد که از طبیعت نمادین اعداد سخن می‌گوید (موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس را مطالعه کنید)، در حالی که نزدیک بودن اینها به چهل و دو ماه به نظر می‌رسد که یک عدد نمادین برای دوره آزار و اذیت را نشان می‌دهد. از آنجا که سه و نیم نصف عدد هفت است، به نظر می‌رسد که اشاره ای به کامل بودن دوران آزار و اذیت باشد که کوتاه شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴:۲۲، انجیل مرقس ۱۳:۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۲۱).

□ "شهر مقدس" می‌تواند اشاره به اورشلیم داشته باشد (اشعیا ۵۲:۱؛ متی ۲۷:۵۳). بدنبال ترجمه معبد در مکاشفه ۱۲:۳ بعنوان اشاره‌ای به ایمانداران عهد جدید، همین شیوه نیز باید در رابطه با این عبارت بکار رود. در فصل‌های بعدی کتاب مکاشفه، این عبارت اشاره به قوم خدا در عهد عتیق دارد (۲۰:۹؛ ۲۱:۲، ۱۰؛ ۱۹:۲۲).

یوحنا استعاره‌های عهد عتیق را بیرون می‌کشد و آنها را درباره قوم خدا در عهد جدید بکار می‌گیرد. کلیسا بوسیله یهودیان و غیریهودیان با ایمان ساخته شده است. هیچ تأییدی بر روی نژاد یهود در برابر غیریهودیان در کتاب مکاشفه وجود ندارد. در واقع دیگر یهودی و یونانی معنی ندارد (۱ قرنیتان ۱۳:۱۲؛ غلاطیان ۳:۲۸؛ کولسیان ۳:۱۱).

□ ۱۱:۳ "من دو شاهد خود قدرت خواهم داد" با توجه به مکاشفه ۸:۱۱ که به عیسی اشاره شده، اینگونه بنظر می‌رسد که در اینجا خدای پدر در حال صحبت می‌باشد (با اینحال یک خطای تلفظ در دستنوشته یونانی وجود دارد که در نسخه‌های P⁴⁷ و B از قلم افتاده است).

□ "دو شاهد" نظریه‌های متعددی درباره هویت این دو واعظ نیرومند وجود داشته است:

۱. اشاره به این دو شاهد (مکاشفه ۴:۱۱) از زکریا ۴:۳، ۱۱، ۱۴ است. در اصل ارجاع شده به بازگشت دودمان داوودی، زروبابل و نسل کاهنان اعظم در حال بازگشت، یوشع که رهبرانی بودند که توسط دو فرشته هدایت می‌شدند (دو درخت نخل زیتون) که منجر به بازگشت از اسارت بابلیان گردید (قوم احیا شده خدا).
۲. دو چراغدان (۲۰:۱) می‌تواند اشاره به دو کلیسای وفادار به ایمان داشته باشد، اسمیرنا در مکاشفه ۲:۸-۱۱ و فیلادلفیه در ۳:۷-۱۳.
۳. دو شاهد می‌تواند از شهادت در دادگاه حکایت داشته باشد (اعداد ۳۵:۳۰؛ تثنیه ۱۷:۶؛ ۱۵:۱۹).
۴. جزعیات این دو شاهد ایلیا را به یاد می‌آورد (بستن آسمان از مکاشفه ۱۱:۶؛ پادشاهان ۱۷:۱؛ ۱:۱۸؛ لوقا ۴:۲۵؛ یعقوب ۵:۱۷؛ و خاموش کردن آتش در پادشاهان ۱۸:۲۴، ۳۸؛ پادشاهان ۱:۱۰، ۱۲) و موسی (تبدیل آب به خون از مکاشفه ۱۱:۶، خروج ۷:۱۷-۱۹). هر دوی اینها در کوه به عیسی نمایان گردید (متی ۱۷:۴).
۵. در کتاب عهد عتیق عبری، I Enoch 90:31 و دو کشیش کلیسای اولیه، ترتولیان و هیپولیتوس، تصریح کرده‌اند که دو نفر در عهد عتیق به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، Enoch (پیدایش ۵:۲۱-۲۴) و Elijah (پادشاهان ۲:۱۱).
۶. پانویس کتاب مقدس چاپ NJB می‌گوید که این آیه اشاره به پطرس و پولس دارد که هر دو در روم و در زمان امپراتوری نرون به شهادت رسیدند (صفحه ۴۳۵).

من شخصاً معتقدم که بدلیل ساختار موازی هفت مهر و میانبرده و سپس هفت شیپور و دوباره میانبرده، آنها شاهدان نمادین برای اشاره به کل قوم خدا بودند. لذا، هم ۱۴۴۰۰ نفر (ایماندار یهودی) و هم گروه بی‌شمار (اقوام ایماندار)، بهمراه دو شاهد، اشاره به کلیسا دارند.

□ "پلاس پوشیده" این عبارت می‌تواند (۱) نشانه‌ای از عزا یا توبه (پیدایش ۳۷:۳۴؛ ۲ سموئیل ۳:۳۱) و (۲) فقط لباس ساده یک نبی بوده باشد (۲ پادشاهان ۱:۸؛ اشعیا ۲۰:۲؛ زکریا ۱۳:۴).

□ "برای مدت هزار و دویست و شصت روز پیغام مرا به گوش مردم برسانند" چهل و دو ماه و هر ماه سی روز، برابر است با هزار و دویست و شصت روز. انجیل در طول این مدت از دوران تحت ستم بی‌ایمانان ابلاغ خواهد گردید (متی ۲۴:۸-۱۴، ۲۱-۲۲). این عدد نمادین از دانیال ۷:۲۵؛ ۱۲:۷ گرفته شده و در کتاب مکاشفه اغلب بکار رفته است (۱۲:۶؛ ۱۳:۵).

□ ۴:۱۱ "دو درخت زیتون" این کنایه‌ای است به زروبابل، نسل داوودی و یوشع، نسل هارونی که در حال بازگشت از تبعید بوده‌اند (زکریا ۴:۳، ۱۱، ۱۴). عبارتی اینگونه گفته می‌شود که انجیل شاهد پایان عصر، معرف مسیحا و کاهنیت مسیحایی می‌باشد (عیسی بعنوان کاهن در مزامیر ۱۱۰ و عبرانیان ۱:۳). این دو مورد واعظان توبه را ترغیب کرده تا نور خدا را (زکریا ۴) به دنیای سرکش هدایت نمایند (قوم بنی اسرائیل سرکش اکنون تبدیل به یک بشر سرکش شده است، اشعیا ۶:۹-۱۱؛ ۴۳:۸-۱۳؛ ارمیا ۵:۲۱-۲۹؛ حزقیال ۲:۱۲).

□ ۵:۱۱ "اگر کسی بخواهد آسیبی به آنها برساند" این جمله شرطی نوع اول اینگونه بیان می‌کند که افرادی هستند که می‌خواهند به آنان صدمه وارد نمایند، اما آنان تا زمانی که مأموریتشان به پایان رسد توسط نیروی الهی مورد محافظت قرار خواهند داشت.

□ "آتش از دهانشان زبانه می‌کشد و دشمنانشان را فرو می‌بلعد" توجه داشته باشید که آن نیرو در دهان آنها قرار دارد که گویای نیروی پیامی است که اعلام می‌داشتند. در کتاب مکاشفه دهان یک اسلحه و زبان یک شمشیر محسوب می‌گردد (۹:۱۷؛ ۱۹:۱۵؛ عبرانیان ۴:۱۲).

□ ۶:۱۱ کارهای ذکر شده در این آیه ایلیا (۱ پادشاهان ۱۷:۱) و موسی (خروج ۱۷:۷-۱۹) را بیاد می‌آورد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱-۷:۱۰

باری، همین که آنان شهادت خود را یکسره به انجام رسانند، آن وحش که از هاویه بیرون می‌آید، با آنان خواهد جنگید و بر آنان غالب شده، آنان را خواهد کشت.^۸ و اجسادشان در میدان آن شهر بزرگ که به کنایه سُدوم و مصر خوانده می‌شود بر زمین خواهد ماند؛ همان شهر که خداوندشان نیز در آنجا بر صلیب شد.^۹ تا سه روز و نیم، مردمان از هر ملت و هر طایفه و هر زبان و هر قوم به تماشای اجساد آنان خواهند ایستاد و از خاکسپاریشان خودداری خواهند کرد.^{۱۰} ساکنان زمین در مرگ آنان شادیها خواهند نمود و برای یکدیگر هدیه‌ها خواهند فرستاد؛ زیرا که آن دو نبی ساکنان زمین را معذب ساخته بودند.

□ ۷:۱۱ "آن وحش که از هاویه بیرون می‌آید" اگر این بخش از آیه را اشاره‌ای به دانیال ۷ در نظر بگیریم، پس آن وحش مخلوطی است از چهار وحشی که در آن کتاب ذکر گردیده، که در واقع سخن از ضد مسیح آخرالزمان می‌گوید (۲ تسالونیکیان ۲:۳).

"هاویه" خانه شیاطین است (مکاشفه ۹:۱؛ ۲۰:۱). مفهوم این وحش در مکاشفه ۱۳ و ۱۷ تبیین شده است.

□ "با آنان خواهد جنگید و بر آنان غالب شده، آنان را خواهد کشت" این بخش نیز اشاره‌ای است به دانیال ۷:۲۱ که بطور کامل در مکاشفه ۱۳ توضیح داده شده است. در اینجا، این عبارات بیان‌کننده این موضوع هستند که دو شاهد نماد گروه بزرگی از مردم هستند (مکاشفه ۱۳:۷، قوم خدا). توجه داشته باشید که آنان از رنج و مرگ رهایی نیافتند.

□ ۸:۱۱ "اجسادشان در میدان آن شهر بزرگ... بر زمین خواهد ماند" تحقیری همچون رها کردن اجساد مردگان بر روی زمین در آن زمان راهی برای عیان کردن تحقیر بود (مکاشفه ۹:۱۱؛ تثنیه ۲۸:۲۶؛ مزمور ۷۹:۲؛ ارمیا ۷:۳۳؛ ۸:۴؛ ۱۶:۴؛ ۱۹:۷؛ ۳۴:۲۰). با اینحال، خداوند از آن بدن‌ها در راه ظهور پر قدرت رستخیز و تایید پیام آنان استفاده کرده است.

□ "آن شهر بزرگ" ظاهراً درباره مشخصات اورشلیم صحبت می‌شود؛ با اینوجود، این زبان استعاره از چالش روحانی میان پادشاهی زمینی و آسمانی سخن می‌گوید. بنا به دلایل زیر:

۱. عبارت "آن شهر بزرگ" درباره بابل یا روم استفاده شده است (مکاشفه ۱۶:۱۹؛ ۱۷:۱۸؛ ۱۸:۱۰؛ ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱).

۲. با وجود اینکه اورشلیم در حزقیال ۱۶:۴۶-۴۹ و اشعیا ۱:۱۰-۱۱ سُدوم نامیده شده است، ولی هرگز مصر نامیده نشده؛ بنظر می‌رسد سُدوم و مصر استعاره‌ای برای گناه و بندگی بوده باشند.

۳. "همان شهر که خداوندشان نیز در آنجا بر صلیب شد" بنظر اشاره به اورشلیم دارد، اما می‌تواند راه دیگری برای صحبت از پادشاهی ضد خدا در این دنیا نیز باشد.

۴. "مردمان از هر ملت و هر طایفه و هر زبان و هر قوم" در مکاشفه ۹:۱۱ از موارد زیر می‌گوید:

- a. شهری که همه دنیا حضور خواهند داشت، که روم بیشتر از اورشلیم در متن می‌گنجد
- b. استفاه از عبارت "شهر" استعاره‌ای از انسان شورشی است (پیدایش ۴:۱۷؛ ۸:۱۰-۱۰)
۵. "در مرگ آنان شادبها خواهند نمود" در مکاشفه ۱۱:۱۰ می‌گوید که پیام این دو شاهد برای یهودیان نبوده، بلکه برای تمام بی‌ایمانان جهان بوده است.
- این عبارات نبرد جاری میان پادشاهی این جهان و پادشاهی مسیح را تعریف می‌کند (مکاشفه ۱۱:۱۵)، بخصوص همانگونه که در دانیال ۲ و مزامیر ۲ آمده است.

۹:۱۱ "مردمان از هر ملت و هر طایفه و هر زبان و هر قوم" به یادداشت مکاشفه ۱۱:۱۰ رجوع شود.

□ "تا سه روز و نیم" زمان مکاشفه ۹:۱۱ باضافه مکاشفه ۱۱:۱۱ برابر می‌شود با عدد هفت که اغلب در کتاب مکاشفه از آن بکار رفته است. این رویداد کاملترین زمانبندی خداوند بوده است.

۱۰:۱۱ "شادبها خواهند نمود و برای یکدیگر هدیه‌ها خواهند فرستاد" برخی این آیه را انحراف از جشن پوریم می‌دانند (استر ۹:۱۹، ۲۲). بیشتر بنظر می‌رسد کنایه‌ای به انجیل یوحنا ۲۰:۱۶ باشد ("جهان شادمان خواهد شد"). شادی این دنیای بی‌ایمان، نیروی پیام دو شاهد را عیان می‌کند، اما بی‌ایمانان توبه نخواهند کرد (مکاشفه ۱۹:۲۰-۲۱؛ ۱۶:۹، ۱۱).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۱:۱۱-۱۳

۱۱ اما پس از سه روز و نیم، دم حیات از جانب خدا به آنان داخل شد و به پا ایستادند. وحشتی عظیم بر کسانی که به تماشای آنان ایستاده بودند، مستولی شد. ۱۲ آنگاه شنیدند که صدایی بلند از آسمان به آنها گفت: «به اینجا بالا بیایید!» و آنان پیش چشم دشمنانشان در دل ابری به آسمان بالا رفتند. ۱۳ درست در همان ساعت، زمین لرزه‌ای بزرگ درگرفت و یک‌دهم شهر فرو ریخت و هفت هزار تن در آن زمین لرزه کشته شدند و بازماندگان را وحشت فرا گرفت و خدای آسمانها را جلال دادند.

۱۱:۱۱ "سه روز و نیم" این عبارت اشاره‌ای است به کتاب دانیال و گویای یک دوره نمادین از رنج و محنت می‌باشد. به یادداشت کامل در مکاشفه ۹:۱۱ رجوع نمایید.

□ "دم حیات از جانب خدا به آنان داخل شد" این بخش از آیه اشاره‌ای است به وادی استخوان‌های خشک در حزقیال ۳۷. کلمه "دم" بازی با لغت عبری "ruach" است که بمعنی نسیم، باد و روح می‌باشد (همینطور کلمه یونانی *pneuma*).

موضوع خاص: روح در کتاب مقدس

(Special Topic: Spirit In The Bible)

I. عهد عتیق (*ruach*, BDB 924, KB 1197؛ به موضوع خاص تنفس، باد و روح در عهد عتیق مراجعه شود)

A. اعمال یکتاپرستانه خداوند (روح بیش از ۹۰ بار در عهد عتیق تکرار گردیده است)

۱. مثبت، پیدایش ۲:۱

۲. منفی، ۱ ساموئیل ۱۶:۱۴-۱۶؛ ۱ پادشاهان ۲۲:۲۱-۲۲؛ اشعیا ۲۹:۱۰

B. نیروی خدادادی حیات در بشریت (دم خدا، پیدایش ۷:۲)

C. ترجمه *ruach* در نسخه Septuagint بواسطه لغت *pneuma* (در نسخه LXX بیش از ۱۰۰ بار بکار برده شده است)

D. در نوشته‌هایی که از ربیان، نوشته‌های آخرالزمانی و نوشته‌های موجود در طومارهای دریای مرده بجای مانده، تحت تأثیر آیین ذرتشت، برای فرشتگان و شیاطین از واژه *pneuma* استفاده گردیده است.

II. واژه‌های یونانی

A. *Pneō*، دمیدن

B. *Pneō*، وزیدن، کم

C. *Pneuma*، روح، باد

D. *Pneumatikos*، وابسته بودن به روح

E. *Pneumaticōs*، در حالت روحانی و معنوی

III. پیشزمینه فلسفه یونان (*Pneuma*)

- A. ارسطو از این واژه بعنوان نیروی حیات که از تولد تا تأدیب نفس را شکل می‌دهد، یاد کرده است.
B. رواقی این واژه را بصورت مترادف *psuchē*، (روح) حتی *nous* (ذهن) و در حالت حواس پنجگانه و هوش انسان بکار برده است.
C. در عقاید یونانی، این واژه برابر با اعمال الهی بکار برده می‌گردد (فالگیری، جادو، رمز و راز، نبوت، غیره).

IV. عهد جدید (*Pneuma*): به موضوع خاص: روح در عهد جدید مراجعه شود)

A. حضور ویژه و پر توان خداوند

B. روح بطور مستقیم به فعال بودن خدا در کلیسا مرتبط است (با استناد به انجیل یوحنا)

۱. نبوت

۲. معجزات

۳. سرسختی در اعلان علنی انجیل

۴. حکمت (انجیل)

۵. نشاط

۶. آمدن عصر جدید

۷. تغییر مذهب (اظهار علنی و پذیرش قلبی)

۸. پیروی از مسیح

۹. عطایای ویژه بشارتی

۱۰. دعا برای ایمانداران

روح القدس اشتیاق بشر را برای دوستی با خداوند بیدار می‌کند، زیرا آنان به همین دلیل آفریده شده‌اند. این دوستی به دلیل وجود یک فرد، آن هم عیسی مسیح و کار او، مسیح خداوند ممکن خواهد بود (به موضوع خاص مسایح توجه نمایید). این بیداری روحانی جدید ما را به زندگی همچون مسیح، خدمت و اعتماد به خداوند رهنمون خواهد بود.

C. اینگونه باید درک شود که استمرار ارتباط معنوی با روح القدس در یک سو، و بشریت بعنوان آفرینش فیزیکی این سیاره، و در عین حال موجود آفریده شده از تصور خداوند در دیگر سو قرار گرفته‌اند.

D. پولس نویسنده عهد جدید است که الهیاتی بر پایه روح القدس و روح را پایه نهاد

۱. پولس از روح القدس برای تقابل با ذات گناه استفاده می‌کند

۲. پولس از روح القدس برای تقابل فیزیکی با گناه استفاده می‌کند

۳. پولس از روح القدس / روح برای تقابل با نحوه تفکر، دانسته‌ها و وجود بشر استفاده می‌کند

E. برخی مثالها از ۱ قرن تیان

۱. روح القدس، ۱ قرن تیان ۱۲: ۳

۲. قدرت و حکمت خداوند بواسطه روح القدس منتقل می‌گردد، ۱ قرن تیان ۲: ۴-۵

۳. اعمال خداوند برای فرد ایماندار

۴. معنویت در تضاد با جهان فیزیکی، ۱ قرن تیان ۹: ۱۱؛ ۱۰: ۳؛ ۱۵: ۴۴

۵. جهان معنوی در تضاد با جهان فیزیکی، ۱ قرن تیان ۲: ۱۱؛ ۵: ۵؛ ۷: ۳۴؛ ۱۵: ۴۵؛ ۱۶: ۱۸

۶. راهی برای اشاره به زندگی روحانی / درونی انسان بعنوان بخشی از بدنی فیزیکی فرد، ۱ قرن تیان ۷: ۳۴

F. انسانها بواسطه خلقت در دو جهان زندگی می‌کنند (فیزیکی و معنوی). بشر از جایگاه همنشینی با خداوند سقوط کرد (پیدایش ۳).

بواسطه زندگی مسیح، آموزه‌ها، مرگ، بازگشت به حیات و وعده به بازگشت او، روح القدس به بشر سقوط کرده عشق ورزیده تا بر روی ایمان خود از طریق انجیل کار نماید (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵)، که در اینصورت خواهد بود که همنشینی با خداوند دوباره محیا خواهد گردید. روح القدس آن بخشی از ذات تثلیث است که عصر جدید پارسایی را شکلدهی می‌کند. روح از آن خداوند است، خدای نماینده پدر و وکیل پسر در این "عصر" (به موضوع خاص عیسی و روح القدس مراجعه شود). مشکلی باقی خواهد ماند زیرا عصر جدید در زمانی ظاهر گردید، در حالی که عصر قدیم مملو از گناه هنوز ادامه دارد. روح القدس هر چیز قدیمی را به جدید تبدیل می‌کند و این درحالی است که هر دو کماکان به حیات خود ادامه می‌دهند.

۱۲:۱۱ "آنگاه شنیدند که صدایی بلند از آسمان به آنها گفت: «به اینجا بالا بیایید!» همانگونه که برخی در مکاشفه ۱:۴ در جایی که یوحنا به بهشت فراخوانده شد را خلسه محرمانه‌ی کلیسا می‌دانند، برخی نیز این بخش را در حالیکه این دو شاهد در این آیه به بهشت اظهار شده‌اند را ناشی از یک خلسه در دوره میانی محنت می‌دانند. در اینجا دوباره پیشفرض‌ها و چارچوبهای الهیاتی ما، ترجمه متون نمادین و پرابهام را برای ما آسانتر می‌کنند!

□ "آنان پیش چشم دشمنانشان در دل ابری به آسمان بالا رفتند" این همان وسیله حمل نقل آسمانی است که پیشتر از آن سخن به میان آمد. در کتاب دانیال ۱۳:۷ مسیح بر روی ابرهای بهشتی سوار بود. عسیس در میان ابرها به بهشت سعود کرد (اعمال رسولان ۹:۱). عیسی سوار بر ابرها از بهشت باز خواهد گشت (متی ۴۰:۳۰؛ ۲۶:۶۴؛ مرقس ۱۳:۲۶؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۷؛ مکاشفه ۷:۱؛ ۱۴:۱۴).

۱۳:۱۱ "درست در همان ساعت، زمین لرزه‌ای بزرگ درگرفت و یک‌دهم شهر فرو ریخت" در رابطه با زمین لرزه در کتاب مکاشفه هفت مرجع وجود دارد (مکاشفه ۶:۱۲؛ ۸:۵؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۹:۱۶؛ ۱۸). این موضوع نشان دهنده تداوم داوری محدود خداوند بر بی‌ایمانان است. این آیه می‌تواند اشاره‌ای به حزقیال ۱۷:۳۸ - ۲۳ تلقی گردد.

□ "بازماندگان را وحشت فرا گرفت و خدای آسمانها را جلال دادند" بحث‌های زیادی درباره ماهیت واژه "بازماندگان" در جریان بوده است. این واژه می‌تواند اشاره به هر یک از موارد زیر داشته باشد:

۱. اهالی واقعی اورشلیم (زکریا ۱۲:۱۰) یا روم
۲. آنان که در طول دوران محنت نجات یافتند، بعبارتی آنان که بصورت واقعی توبه کردند.
۳. ایمانداران یهودی، از رومیان ۱۱
۴. مردم، همچون نبوکدنصر و کوروش، که از کارهای خدا وحشت داشتند، اما به عیسی نگرویدند.

با عنایت به مکاشفه آیات ۹:۲۰-۲۱؛ ۷:۱۴-۸ و ۱۶:۱۰، مورد چهارم بهترین گزینه می‌باشد. با اینحال، در مکاشفه ۹:۱۶، جلال دادن منوط به توبه کردن است. یقیناً این امکان وجود دارد که این افراد (یهودیان یا مشرکین) باور داشتند! این باور در حقیقت مقصود داوری خدا می‌باشد (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۶:۹، ۱۱).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۴:۱۱

۱۴' وای' دؤم از سر گذشت. اینک 'وای' سوّم به‌زودی خواهد رسید.

۱۴:۱۱ این ابزاری برای گذار است (مکاشفه ۹:۱۲؛ ۱۲:۱۲).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۵:۱۱-۱۶

۱۵' آنگاه فرشته هفتم شیپورش را به صدا درآورد؛ و ناگهان صداهایی بلند در آسمان پیچید که می‌گفت: «حکومت جهان، از آن خداوند ما و مسیح او شده است. و او تا ابد حکم خواهد راند.» ۱۶' و آن بیست و چهار پیر که در پیشگاه خدا بر تخت می‌نشینند، روی بر خاک نهادند و خدا را نیایش کرده،

۱۵:۱۱ "حکومت جهان" نسخه‌های KJV و NKJV از عبارت "حکومت‌های جهان" استفاده کرده است. جمع این واژه در هیچیک از نسخه‌های خطی یونان باستان، موجود نمی‌باشد.

□ "شده است" این ضمیر اشاره آئوریستی (Deponent)، برای این واژه در دستور زبان فارسی معادل وجود ندارد) است. این یکی از مشخصات پایان پادشاهی دولتهای انسانی رو به افول و شروع پادشاهی خداوندان است (۱۲:۱۰). عصر جدید روح، بطور کامل فرا رسیده است. این امر نظریه رو به رشدی را که بر اساس آن، آمدن دوم در پایان هر یک از سه حلقه‌های داوری ظاهر می‌گردد، مورد تأیید قرار می‌دهد: مهرها (مکاشفه ۶:۱۲-۱۷)، شیپورها (مکاشفه ۱۵:۱۱-۱۸)، و پیاله‌ها (مکاشفه ۱۹). کتاب مکاشفه دارای یک تسلسل تاریخی و ترتیب زمانی نیست، بلکه نمایشی دراماتیک در هفت حلقه بوده که هر کدام، یک دوره زمانی را زیر نظر دارند، بجز مهرها، شیپورها و پیاله‌ها که در درجات شدید و پیاپی داوری قرار دارند (۴/۱، ۳/۱، کامل).

□ "خداوند ما و مسیح او" توجه داشته باشید که چگونه پدر و پسر به یکدیگر متصل شده‌اند (مزامیر ۲). همچنین به به اتمام رسیدن مضمون تواریخ ۲۴:۱۵-۲۸ و افسسیان ۵:۵ توجه نمایید. برخی در اینجا کنایه‌ای به زکریا ۹:۱۴ مشاهده می‌کنند که به دلیل منابع مورد علاقه یوحنا از رویای خانمان برانداز کتاب‌های دانیال، حزقیال و زکریا، چنین احتمالی دور از ذهن نیست.

□ "و او تا ابد حکم خواهد راند" این عبارات اشاره به پادشاهی ابدی خداوندمان دارد (خروج ۱۵:۱۸؛ مزمور ۱۰:۱۶؛ ۲۹:۱۰؛ اشعیا ۹:۶-۷؛ دانیال ۲:۴۴؛ ۳۴:۴؛ ۱۴:۷؛ ۲۴؛ زکریا ۹:۱۴؛ لوقا ۱:۳۳؛ ۱۷:۴؛ ۲ پطرس ۱:۱۱)، و نه فقط پادشاهی هزار ساله مسیح (مکاشفه ۲۰). حقیقتاً دعای مسیح در متی ۶:۱۰ مستجاب گردیده که آرزوی خداوند همچون در بهشت، در زمین نیز بوقوع پیوندد.

پادشاهی خدا موضوع اصلی اناجیل و مکاشفه است. بین واقعیت فعلی و آنچه که در آینده بوقوع خواهد پیوست، تنش و سیالیت زیادی وجود دارد. همین سیالیت نیز میان جنبه‌های زمینی و جاودانی آن وجود دارد. برخی از مفسران و محققان و صاحب نظران بر روی یک جنبه‌ی سیالیت پافشاری می‌کنند، اما دیگران را برای سازگاری با دیدگاه‌های الهیاتی و پیشفرض‌های خود دچار سردرگمی می‌نمایند. برای غربی‌ها دشوار است که این سیالیت، شکل تمثیلی و تنش ادبیات شرقی، بویژه سبک آخرالزمانی آن را مورد تکریم قرار دهند. خداوند ما و عیسی او پادشاهی کرده تا ابد به این پادشاهی ادامه می‌دهند؛ اما جزئیات آن فاقد اهمیت است! ممکن است برای مدت زمانی، پادشاهی زمینی مسیح را داشته باشیم (۱ قرن‌تین ۱۵:۲۳-۲۸)، اسرائیل نیز ممکن است نقشی در آن داشته باشد (رومیان ۱۱). با اینحال، اشکال و نمادهای کتاب مکاشفه کلیسای جهانی را نشان می‌دهند و نه اسرائیل را (دانیال ۲:۳۴ - ۳۵، ۴۴). بدلیل وعده‌های خدا در عهد عتیق به نوادگان نسل ابراهیم و با توجه به ساختار شخصیتی خداوند (حزقیال ۳۶:۲۲ - ۳۸)، من بشخصه بعید نمی‌دانیم که اسرائیل در رویدادهای پایان عصر نقشی نداشته باشد (اشعیا ۹:۶ - ۷؛ زکریا ۱۲:۱۰).

۱۶:۱۱ "بیست و چهار پیر" به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۴ رجوع شود.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۷:۱۱-۱۸

^{۱۷}گفتند: «تو را سپاس می‌گوییم ای خداوند خدای قادر مطلق، ای آن که هستی و بودی. زیرا که قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و سلطنت آغاز کرده‌ای.^{۱۸} قومها خشمگین بودند، و اینک زمان خشم تو فرا رسیده است، زمان آن رسیده که مردگان داوری شوند، و خادمان تو، انبیا، پاداش بگیرند، هم مقدسین و هم آنان که حرمت نام تو را نگاه می‌دارند، از خرد و بزرگ، و کسانی که زمین را به نابودی کشانده‌اند نابود گردند.»

۱۷:۱۱ - ۱۸ این دعای شکرگذاری در نسخه‌های NKJV, NRSV و TEV در قالب شعر و در نسخه‌های NASB و NJB بصورت نثر نوشته شده است. طغیان چنین نیایش و پرستشی اغلب بهترین تفسیر برای رویاهای پیشین می‌باشند (در کنار اشعار و تفاسیر آسمانی).

۱۷:۱۱ "ای خداوند خدای قادر مطلق" این عبارات اشاره به سه عنوان اصلی در عهد عتیق برای خداوند دارند.

۱. YHWH، یهوه، پیمان خداوند بعنوان ناجی (خروج ۳:۱۴؛ مزامیر ۱۰۳)
۲. Elohim، الوهیم، خداوند خالق بعنوان فراهم آورنده و حیات بخش (پیدایش ۱:۱؛ مزامیر ۱۰۴)
۳. El Shaddai، (۸:۱)، خداوند مقتدر و رحیم که نامی سلطنتی برای خداوند بود (خروج ۳:۶).

به موضوع خاص اسامی برای خداوند در مکاشفه ۸:۱ رجوع نمایید.

NASB	"آن که هستی و بودی"
NKJV	"آن کس که هست و بود و بنا است که آید"
NRSV	"آن که هست و بود"
TEV	"آن که هست و بود"
NJB	"او که هست و او که بود"

توجه داشته باشید که جنبه آینده این مشخصه خداوند (بجز در برخی متون خطی یونانی اواخر قرن ششم میلادی) از قلم افتاده زیرا پادشاهی خداوند آغاز گردیده است. آخرین مورد از سه جنبه تاریخی هرگز در کتاب مکاشفه دوباره تکرار نخواهد گردید. زمان پادشاهی فرا رسیده است (۱۱:۱۵-۱۶)! این امر شاهدهی است بر درستی نظریه ارتباط موازی میان مهرها، شیپورها و پیاله‌ها را که مدام تکرار می‌گردند.

NASB	"زیرا که تو قدرت عظیم به دست گرفته و پادشاهی آغاز کرده‌ای"
NKJV	"زیرا که تو قدرت عظیم و پادشاهی بدست گرفته‌ای"
NRSV	"برای اینکه تو قدرت عظیم بدست گرفته و سلطنت آغاز کرده‌ای"
TEV	"که تو قدرت عظیم بدست گرفته‌ای و حکمرانی آغاز کرده‌ای"
NJB	"برای تصور قدرت عظیم تو و شروع پادشاهی تو"

این جمله ضمیر اشاره معلوم فعال، بدنبال یک ضمیر اشاره فعال آئوریستی می‌باشد. قدرت همیشه متعلق به او بوده، اما سلطنت او اکنون آغاز گردیده است (Ingressive Aorist).

۱۸:۱۱ "قومها خشمگین بودند" این قسمت کنایه‌ای است به مزامیر ۲؛ ۶:۴۶ و حزقیال ۳۸-۳۹ (و احتمالاً بخش معرفی کتاب استر در نسخه Septuagint). این خشم اقوام را می‌توان از دو منظر نگریست.

۱. دنیای افول کرده از خدا و برنامه‌های او و حکمرانی او و قوم او متنفر است

۲. در نهایت زمانی فرا خواهد رسید که مردمانی بواسطه نبرد، بر علیه ذات خدا خواهند شورید (آرماگدون/مبارزه نهایی میان نیکی و بدی، مکاشفه ۲۰)

□ "خشم تو فرا رسیده است" این می‌تواند اشاره‌ای باشد به مزامیر ۲ یا ۱۱۰:۵-۶. این لغت از واژه یونانی *orgē* گرفته شده است. به یادداشت کامل در مکاشفه ۱۴:۷ رجوع نمایید.

□ "زمان آن رسیده" روز خداوندگار، روز داوری برای برخی و پاداش برای برخی دیگر است. این دو جنبه را می‌توان در متی ۲۵:۳۱-۴۶ و مکاشفه ۱۵:۲۰-۱۱ مشاهده کرد. روزی فرا خواهد رسید که همه انسان‌ها (از بزرگ و کوچک) در پیشگاه خداوند ایستاده و برای زندگی گذشته خود حساب پس دهند (غلاطیان ۶:۷؛ ۲قرنتیان ۵:۱۰).

موضوع خاص: آن روز

(Special Topic: That Day)

این عبارت، "در آن روز" یا "تو آن روز"، شیوه بیان پیامبران قرن هشتم برای سخن گفتن از دیدار خدا (حضور)، هم برای داوری و هم برای رستاخیز بود.

یوشع	عاموس	میکاه
مثبت	مثبت	مثبت
منفی	منفی	منفی
۱:۱۱	۱:۵	۲:۴
۲:۳	۲:۱۶	۳:۶
۲:۱۵	۳:۱۴	۴:۶
۲:۱۶	۵:۱۸ (۲)	۵:۱۰
۲:۱۸	۵:۹	۷:۴
۲:۲۱	۶:۲	۷:۱۱ (۲)
۷:۵	۸:۳	۷:۱۲
۹:۵	۸:۹ (۲)	
۱۰:۱۴	۸:۱۰	
	۸:۱۳	

این الگو برای پیامبران متداول بود. خدا به موقع بر علیه گناه اقدام می‌کند، ولی همچنین یک روزی را برای کسانی که مایلند دل و اعمال خود را تغییر دهند (دل جدید، فکر جدید و یک روح جدید دریافت کنند، مراجعه کنید به حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۲۷) برای توبه و بخشش پیه شهنهاد می‌کند! هدف خدا از توبه و رستاخیز کامل خواهد شد! او مردمانی را خواهد داشت که منعکس کننده شخصیت او خواهند بود. هدف خلقت (رفاقت میان و انسان) تحقق خواهد یافت.

□ "زمان آن رسیده که مردگان داوری شوند" داوری خداوند در روز قیامت در متی ۲۵ و مکاشفه ۲۰ مورد بحث قرار گرفته است. این عبارات تأیید می‌کنند که تفسیر کتاب مکاشفه در هفت صحنه، جایی که پایان زمان پس از هر واحد فرا خواهد رسید (بویژه درباره مهرها، شیپورها و پپاله‌ها کاملاً روشن بیان شده است).

□ "و خادمان تو، انبیا" دقیقاً همین عبارات در مکاشفه ۷:۱۰ ظاهر می‌گردند. یوحنا خود را بعنوان نبی و کتابش را بعنوان نبوت می‌شناساند، لذا، این عبارت اغلب در کتاب مکاشفه بکار رفته است. تقریباً می‌توان گفت که این عبارت چای عنوان "رسول" را گرفته است. (۷:۱۰؛ ۱۱:۱۰، ۱۸؛ ۶:۱۶؛ ۲۰:۱۸، ۲۴؛ ۲۲:۶، ۹). به موضوع خاص نبوت در عهد جدید در مکاشفه ۶:۱۶ رجوع نمایید.

- "مقدسین" واژه "مقدسین" اشاره به جایگاه ایمانداران در راه مسیح دارد، نه در گناهکار بودنشان. همینطور باید رشد آنان در شبیه بودن به مسیح تعریف گردد. بجز در فیلیپیان ۴: ۲۱، این واژه همواره بصورت جمع بکار برده شده است. با اینحال، حتی در این متن نیز بشکل منفرد در آمده است. برای یک مسیحی بودن باید بخشی از جامعه، خانواده بصورت یک بدن بود. به موضوع خاص مقدسین در مکاشفه ۵: ۸ رجوع شود.
- "از خرد و بزرگ" بنظر می‌رسد که فقط دو گروه در این آیه ذکر گردیده‌اند، انبیا و مقدسین. عبارت "خرد و بزرگ" در مکاشفه ۵: ۱۹ نیز دیده می‌شود. در انجیل یوحنا روش رایجی برای بیان این گروه بود (کتاب مکاشفه آیات ۱۳: ۱۶؛ ۱۹: ۵، ۱۸؛ ۲۰: ۱۲؛ ۱۹: ۵ اشاراتی هستند به مزمور ۱۱۵: ۱۳ که در یک گروه لحاظ گردیده بودند).
- "کسانی که زمین را به نابودی کشانده‌اند نابود گردند" این شخصیت پردازی از بشریت رو به افول، در کتاب پیدایش ۳ و رومیان ۸: ۱۸-۲۲ بازتاب یافته‌اند. انسان‌های شیرین اجاره می‌دهند حرص و طمع آنها در جهت استفاده، سوء استفاده و سوء نیت از خلقت فیزیکی خدا به کار گرفته شود. این عبارات را می‌توان بصورت بشر ضروری تفسیر کرد که خدا را مجبور می‌کند تا داوری را بر روی زمین به مرحله انجام رساند (سیل در پیدایش ۹-۶؛ ملخ‌های مصر در خروج ۷-۱۲؛ نفرینهای عهد در تثنیه ۲۷-۲۸؛ یا نابودی زمین توسط آتش در ۲ پطرس ۳: ۱۰). در کتاب مکاشفه، مهرها یک چهارم، شیپورها یک سوم، و پیاله‌ها تمام بخش فیزیکی زمین را نابود کردند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۹: ۱۱

۱۹ "آنگاه معبد خدا در آسمان گشوده شد؛ و صندوق عهد او در درون معبد مشهود افتاد؛ و ناگهان برقی آذرخش بود که برمی‌خاست و بانگ و غوغا بود و غرش رعد بود که به گوش می‌رسید و زمین لرزه بود و تگرگ بی‌امان بود که پدید می‌آمد.

۱۹: ۱۱ "معبد خدا در آسمان گشوده شد" بخاطر داشته باشید که این رویا با باز شدن یک درب در بهشت آغاز گردیده است (مکاشفه ۴: ۱؛ ۵: ۱۵). اکنون، خلوتگاه درونی معبد آسمانی خداوند قابل رؤیت گردیده است (عبرانیان ۸: ۵؛ ۹: ۲۳-۲۸).

در هنگام مرگ عیسی، پرده معبد از بالا تا پایین پاره گردید، که این رویداد نشانگر این حقیقت است که دسترسی به خداوند فقط بواسطه عیسی مهیا می‌باشد (متی ۲۷: ۵۱؛ لوقا ۲۳: ۴۵؛ در عبرانیان ۹: ۸؛ ۱۰: ۲۰ نیز به آن اشاره گردیده است).

مشابه همین عمل نمادین در اینجا تکرار گردیده است. خداوند در دسترس همگان قرار گرفته است. خلوتگاه درونی بهشت اکنون بطور کامل باز و قابل رؤیت شده است.

□ "صندوق عهد او" این صندوق تا مدتی در طول دوره مهاجرت بابلیان (یا تا زمان فرعون مصر، شیشق، ۱ پادشاهان ۱۴: ۲۵) گم شده بود. این صندوق نماد حضور خدا پس از رد شدن قوم بنی‌اسرائیل از رود اردن بسوی سرزمین موعود بود. همینطور نماد وعده‌های داده شده در پیمان خداوند نیز محسوب می‌گردید که می‌تواند اشاره به راز مکاشفه ۱۰: ۷، برنامه خدا برای احیای تمام بشریت داشته باشد (رومیان ۱۶: ۲۵-۲۶). در عهد عتیق فقط کاهن اعظم اجازه حضور در کنار این وسایل مقدس را داشت، آنهم سالی یک بار و فقط در روز کفار (لاویان ۱۶). اکنون اما، تمام افراد قوم خدا می‌توانند به حضور او رسند.

□ "برقی آذرخش بود که برمی‌خاست و بانگ و غوغا بود و غرش رعد بود که به گوش می‌رسید و زمین لرزه بود و تگرگ بی‌امان" این عبارات کاملاً شبیه مکاشفه ۸: ۵ و ۱۶: ۱۸-۲۱ بوده که بازتاب دهنده کتاب خروج آیات ۹: ۲۴ و ۱۹: ۱۶-۱۹ می‌باشند.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. مقصود از این میانبرده چه می‌باشد؟
۲. به چه دلیل بسیاری از مفسرین سعی در عیسی را همان فرشته ذکر شده در فصل ۱۰ بدانند؟
۳. چرا در مکاشفه ۱۰: ۷ از راز خدا صحبت به میان آمده است؟
۴. طومار کوچکی که یوحنا دستور خوردن آن را داشت، چه بود؟
۵. دو شاهد چه کسانی بودند؟ پیام آنان چه بود؟
۶. آیه مکاشفه ۱۱: ۹ شهر اورشلیم را به تصویر می‌کشد یا پادشاهی دنیای ضد خدا را؟ چرا؟

۷. اشارات عهد عتیقی که در این میانپرده گفته شده را فهرستوار بیان کنید.

مکاشفه ۱۲-۱۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
رویای زن و ازدها ۶-۱:۱۲	رویای زن، کودک و ازدها ۶-۱:۱۲	رویای زن، کودک و ازدها ۶-۱:۱۲	رویای زن و ازدها ۲-۱:۱۲	رویای زن و ازدها ۶-۱:۱۲
	شیطان از بهشت رانده می‌شود		۶-۳:۱۲	
۱۲-۷:۱۲	۱۲-۷:۱۲	۹-۷:۱۲	۹-۷:۱۲	۱۲-۷:۱۲
	زن دچار محنت می‌گردد	۱۲-۱۰:۱۲	۱۲-۱۰:۱۲	
۱۷-۱۳:۱۲	۱۷-۱۳:۱۲	۱۷-۱۳:۱۲	۱۸-۱۳:۱۲	۱۷-۱۳:۱۲
دو وحش	وحشی از دریا	دو وحش	دو وحش	ازدها نیروی خود را به وحش می‌دهد
۱۸:۱۲	۱۸:۱۲	۱۸:۱۲		۱۰:۱۳-۱۸:۱۲
۴-۱:۱۳	۱۰-۱:۱۳	۴-۱:۱۳	۴-۱:۱۳	
۸-۵:۱۳		۸-۵:۱۳	۸-۵:۱۳	
۱۰-۹:۱۳	وحش زمین	۱۰-۹:۱۳	۱۰-۹:۱۳	نبی دروغین همچون برده وحش
۱۸-۱۱:۱۳	۱۸-۱۱:۱۳	۱۸-۱۱:۱۳	۱۷-۱۱:۱۳	۱۷-۱۱:۱۳
			۱۸:۱۳	۱۸:۱۳
۵-۱:۱۴	بره و آن ۱۴۴۰۰۰ نفر ندای سه فرشته	یک میانبرده	بره و مردمش سه فرشته	بره و همراهانش فرشتگان روز داوری را اعلام می‌کنند
۷-۶:۱۴	۱۳-۶:۱۴	۷-۶:۱۴	۷-۶:۱۴	۷-۶:۱۴
۸:۱۴		۸:۱۴	۸:۱۴	۸:۱۴
۱۲-۹:۱۴		۱۱-۹:۱۴	۱۱-۹:۱۴	۱۳-۹:۱۴
		۱۲:۱۴	۱۲:۱۴	
۱۴:۱۳		۱۳:۱۴	۱۳:۱۴	
			۱۳:۱۴	
محصول زمین	دروی محصول زمین		برداشت محصول زمین	برداشت محصول و انگور غیر یهودیان
۱۶-۱۴:۱۴	۱۶-۱۴:۱۴	۱۶-۱۴:۱۴	۱۶-۱۴:۱۴	۱۶-۱۴:۱۴
	دروی انگورهای خشم			
۲۰-۱۷:۱۴	۲۰-۱۷:۱۴	۲۰-۱۷:۱۴	۱۷:۱۴	۲۰-۱۷:۱۴
			۲۰-۱۸:۱۴	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به " سمینار تفسیر کتاب مقدس ") "

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی ۱:۱۲-۱۷

- A.** در مکاشفه ۱:۱۲ میان‌پرده دیگری آغاز و تا انتهای مکاشفه ۲۰:۱۴ ادامه می‌یابد. بسیاری از مفسرین تصریح کرده‌اند که این میان‌پرده حقیقت یک مجموعه هفت قسمتی دیگر است. این واحد ادبی تضاد روحانی در میان واژه‌های زیر را تعریف می‌کند
۱. دو پادشاهی
 ۲. دو شهر
 ۳. دو شاهد و قاتلینشان
- B.** آیات ۱-۶ نبرد بزرگ (جهانی) میان نیک و شر را در واژگان اساطیری برگرفته از فرهنگ‌های شرق باستان میانه را تعریف می‌کنند (از کتاب *The Hermeneutical Spiral* نوشته Grant Osborne صفحه ۲۲۹).
۱. دوره شکلگیری بابلیان - تیامات، هیولایی هفت سر که یک سوم ستارگان آسمان را بیابین کشید، در مقابل مردوخ، خدای شهر بابل که او را کشت و در رأس پانتئون قرار گرفت.
 ۲. اسطوره مصر - ست (تیفون)، ازدهایی قرمز رنگ در مقابل حاتور، که حوروس را زابید. او سپس ست را بقتل رساند.
 ۳. افسانه اوگاریتی - بعل - یم (آبها) در مقابل بعل. بعل، یم را بقتل رساند.
 ۴. افسانه پارسیان - ضحاک (ازدهای شیر) در مقابل پسر اهورا مزدا (خدای بزرگ نیکی).
 ۵. افسانه یونان - پیتون (مار/ازدها) در مقابل لتوی باردار (او آپولو را بدنیا آورد که سپس پیتون را بقتل رساند).
- C.** چگونگی ترجمه و تفسیر این فصل بسیار دشوار است. برخی سعی در ترجمه این متن با واژگان تاریخی دارند، اما به باور من این تقابل نمادینی است میان پادشاهی ضد خدای این دوران، و دوران جدید پادشاهی مسیح ما (مکاشفه ۱۱:۱۸؛ مزمور ۲). بنابراین، این موضوع هم کنایه‌ای تاریخی به تولد عیسی است و هم تأکیدی بر فرا رسیدن پادشاهی مسیحایی. این امر دوالیسم یک شخص (مسیح) و یک گروه (قوم خدا) در برابر موجودی دیگر (شیطان) و گروهی دیگر (بی‌ایمانان الهام گرفته از شیاطین) می‌باشد. نظیر همین دوالیسم را می‌توان در اشعار خدمتگذار اشعیا مشاهده کرد. خدمتگذار در واقع قوم بنی اسرائیل (اشعیا ۴۱-۵۰)، اما مسیح می‌باشد (اشعیا ۵۲:۱۳ - ۵۳:۱۲).
- D.** پولس خداوندگاری آسمانی مسیح را در کولسیان ۱-۲ به بحث می‌گذارد (به یادداشت عبرانیان ۱:۲-۳ مراجعه نمایید).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۲-۶

۱^ا آنگاه نشانی عظیم و شگرف در آسمان پدیدار شد: زنی که خورشید به تن داشت و ماه زیر پا داشت و تاجی از دوازده ستاره بر سر داشت. زن آبیستن بود و فریادش از درد زا و عذاب زابیدن بلند بود. ^۲ آنگاه نشانی دیگر در آسمان پدیدار شد: ازدهایی سرخ‌فام و عظیم که هفت سر داشت و ده شاخ، و هفت تاج بر سرهایش بود. ^۳ دُمش یک سوّم ستارگان آسمان را جاروب کرد و بر زمین فرو ریخت. ازدها پیش روی آن زن که در آستانه زایمان بود ایستاد، بدان قصد که فرزند او را تا به دنیا آمد، ببلعد. ^۴ آن زن پسری به دنیا آورد، فرزند ذکوری که با عصای آهنین بر همه قومها فرمان خواهد راند. و فرزند او ربوده شد و نزد خدا و پیش تخت او فرستاده شد. ^۵ و زن به بیابان، به جایی که خدا برای او مهیا کرده بود، گریخت تا در آنجا از او به مدت هزار و دویست و شصت روز نگهداری کنند.

۱:۱۲ "آنگاه نشانی عظیم و شگرف در آسمان پدیدار شد" این می‌تواند شروع "هفت نشان" مکاشفه محسوب گردد. این یکی از واژگان الهیاتی خاص (*sēmeion*) می‌باشد که اغلب در انجیل یوحنا بکار برده شده است (یوحنا ۲:۱۱، ۲۳؛ ۳:۲؛ ۴:۵۴؛ ۶:۲، ۱۴، ۳۰؛ ۷:۳۱؛ ۹:۱۶؛ ۱۰:۴۱؛ ۱۱:۴۷؛ ۱۲:۱۸، ۳۷؛ ۲۰:۳۰). این عبارات اکنون هفت بار در میان آیات مکاشفه ۱:۱۲ و ۱۹:۲۰ تکرار شده است - سه بار درباره نشانه‌هایی در آسمان (مکاشفه ۱:۱۲؛ ۳:۱۵؛ ۱۱:۱۲) و چهار بار درباره نشانه‌های زمین (مکاشفه ۱۳:۱۳، ۱۴؛ ۱۶:۱۴؛ ۱۹:۲۰).

□ "آسمان" احتمالاً منظور آسمان است و نه بهشت. عبارت آسمان(ها) در عهد عتیق می‌تواند اشاره به اتمسفر بالای زمین داشته باشد (پیدایش ۱:۱، ۸-۹، ۱۷، ۲۰؛ مزمور ۱۰۴:۲-۳) و یا مکانی که خداوند در آن سکنی دارد (مزمور ۱۱:۴؛ ۱۰۳:۱۹؛ اشعیا ۶۶:۱؛ ۲قرن‌تین ۱۲). این ابهام باعث گردیده است که ریبان تعداد آسمانها را به سه تا هفت، تخمین بزنند. به موضوع خاص هفت آسمان و سومین آسمان در مکاشفه ۱:۴ مراجعه شود.

□ "زنی که خورشید به تن داشت" این زن به زیبایی در تناقض با روسپی بزرگ مکاشفه ۴:۱۷ تعریف گردیده است. او نماد امپراطوریهای ضد خداوند بر روی زمین، همچون بابل و روم و در نهایت دنیای ضد مسیح بود. درباره منشأ رویای یوحنا دو نظریه وجود داشته است:

۱. کتاب پیدایش ۳، در جاییکه زنی بود به همراه یک مار و مردی کودک

۲. دیگر اشاره‌ها به "زایمان" در عهد عتیق (اشعیا ۱۷:۲۶-۱۸ در نسخه Septuagint و اشعیا ۷:۶۶-۱۳)

قوم بنی‌اسرائیل بعنوان زنی در حال زایمان تعریف گردیده (میکاه ۴:۱۰)، لذا، این زن نمایانگر قوم حقیقی خداوند می‌باشد (مکاشفه ۱۲:۱-۶)، اما در مکاشفه ۱۲:۱۳-۱۷ او قوم خدا در عهد جدید می‌باشد که از غضب اژدها در حال فرار است. برای مطالعه درباره نظریه‌های بیشتر در اینباره به کتاب *Revelation* نوشته Johnson صفحات ۱۱۷ تا ۱۱۹ مراجعه نمایید.

F. F. Bruce در کتاب *Answer to Questions* می‌گوید: "زنی را که باید او را در قالب جامعه مسیحایی یا "خدای اسرائیل" بدانم، بویژه بعنوان کسی که در کلیسای فسطینیان نهادینه شده، کلیسای مادر را به کمال رسانیده؛ ... ماحصل کار او مسیحیانی خواهند بود که در دیگر نقاط جهان در مکاشفه ۷:۱۳ هدف حمله قرار خواهند گرفت" (صفحه ۱۴۰).

George R. Beasley-Murray در کتاب *New Bible Commentary* می‌گوید: "مردم مذہبی دنیای باستان در آن زن مسافر، الهه‌ای می‌دیدند که تاج بر سر داشته و به همراه دوازده ستاره فلکی می‌باشد؛ و فقط یک یهودی می‌توانست او را بعنوان مادر صحیون درک نماید (اشعیا ۲۶:۱۶؛ ۲۷:۱؛ ۴۹:۱۴-۲۵؛ ۵۴:۱-۸؛ ۶۶:۷-۹)، اما برای یوحنا او فقط نمایانگر "مادر" جامعه مسیحایی، قوم ایماندار خدا در دو عهد قدیم و جدید بود." (صفحه ۱۴۴۱).

□ "دوازده ستاره" اینجا دوباره پیشفرضهایی را مطرح می‌کنیم که ما را در ترجمه متن کمک می‌کنند

۱. اگر مربوط به عهد عتیق باشد، پس اشاره به دوازده قبیله قوم یهود دارد

۲. اگر مربوط به ادبیات آخرالزمانی میان عهدها باشد، پس اشاره به نمادهای صور فلکی دارد

۳. اگر مربوط به عهد جدید باشد، پس اشاره به دوازده نبی دارد

عدد دوازده از اعداد سازمانی و نمادین انجیل می‌باشد. به موضوع خاص: عدد دوازده در مکاشفه ۷:۴ رجوع نمایید.

با اینحال، مفهوم فصل ۱۲ در جهت شناخت سیستم نمادگذاری یوحنا جهت دهی نشده است، بلکه کانون حقیقت کلام خدا است. قواعد آن باید لحاظ گردد. ما نباید:

۱. بر روی جزئیات پافشاری نماییم

۲. برخی مطالب را بصورت ادبی و برخی دیگر را نمادین برگزینیم

۳. مترجمان را وادار کنیم که با مقتضای تاریخی ما کار نمایند

۲:۱۲ درد زایمان بصورت نمادین برای مضامین زیر بکار برده شده

۱. رویدادهایی که انتظار آنها میرفت اما بناگاه رخ دادند

۲. درد یا مشکلاتی که به یک رویداد مربوط می‌گردید

۳. شروع چیزی جدید با قابلیت‌های زیاد

یهودیان باور داشتند که فرا رسیدن "عصر جدید" مشکلات و رنج‌هایی را به همراه خواهد داشت (اشعیا ۱۳:۸؛ ۲۱:۳؛ ۲۶:۱۷؛ ۶۶:۷-۱۳؛ متی ۲۴:۸؛ مرقس ۱۳:۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۳). یوحنا از این مفهوم برای تعریف تضاد میان شیطان و پیروانش و خدا و پیروانش بهره برده است (اشعیا ۶۶:۷-۲۴). اوضاع جهان بیش از پیش رو به وخامت خواهد گذاشت، اما خداوند کنترل تاریخ را در دست دارد (این نقطه نظر آنان است که منتظر ظهور غریب‌الوقوع مسیح هستند و آنان که مخالف پادشاهی هزار ساله عیسی بر روی زمین هستند می‌باشد، در حالیکه نظریه *postmillennialism* درباره تاریخ جهان، روشنی‌بانه‌تر بنظر می‌رسد). پیروان او در برابر رنج محافظت شده و در برابر هر شکست موقتی، پیروز خواهند گردید، حتی مرگ فیزیکی (یوحنا ۱۶:۲۰-۲۱). اکنون این سوال مطرح می‌شود، "خداوند چگونه از پیروان خود محافظت می‌کند؟" مهر او بر پیشانی پیروانش، آنان را از "غضب خدا" بر حذر خواهد داشت، اما این امر شامل عذاب بی‌ایمانان نخواهد گردید (محنت). خداوند برای آنان فعال خواهد بود، در کنار آنان خواهد بود، آنان را دوست خواهد داشت، اما در عین حال بسیاری نیز خواهند مرد!

۳:۱۲ "اژدهایی سرخ‌فام و عظیم که هفت سر داشت و ده شاخ، و هفت تاج بر سرهایش بود" این مشخصات شیطان و نیروی اهریمنی اوست (۱:۱۳) و

۳:۱۷). شاخها و سرها نماد نیروی کامل است (دانیال ۷) و تاج نمایانگر اهریمنی است که در نظر داشت جایگاه پادشاهی مسیح را غصب نماید.

واژه "اژدها" بر می‌گردد به عهد عتیق

۱. مار در کتاب پیدایش ۳
۲. دو هیولای شریر در هنگام هرج و مرج
- a. زهب (مزمور ۸۹: ۱۰؛ اشعیا ۵۱: ۹-۱۰؛ ایوب ۲۶: ۱۲-۱۳)
- b. لویاتان (مزمور ۷۴: ۱۳-۱۴؛ ۱۰۴: ۲۶؛ ایوب ۳: ۸؛ ۷: ۱۲؛ ۴۱: ۱؛ اشعیا ۲۷: ۱؛ عاموس ۹: ۳)

عناوین زیادی برای شیری که در عهد جدید وجود دارد، موجود است

۱. "شیطان" ۳۳ بار بکار رفته است
۲. "اهریمن"، ۳۲ بار بکار رفته است
۳. "وسوسه‌گر" (متی ۴: ۳؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۵)
۴. "شریر" (متی ۶: ۱۳؛ ۱۳: ۱۹؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۸)
۵. "دشمن" (متی ۱۳: ۳۹)
۶. "رییس دیوها" (متی ۹: ۳۴؛ ۱۲: ۲۴)
۷. "رییس این جهان" (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۴: ۳۰؛ ۱۶: ۱۱)
۸. "رئیس قدرت هوا" (افسیان ۲: ۲)
۹. "خدای این عصر" (۲قرن‌تیان ۴: ۴)
۱۰. "بلیعال" (۲قرن‌تیان ۶: ۱۵)
۱۱. "بیلزبول" (مرقس ۳: ۲۲؛ لوقا ۱۱: ۱۵، ۱۸-۱۹)
۱۲. "اژدها" (مکاشفه ۱۲: ۳، ۴، ۷، ۹؛ ۲: ۲۰)
۱۳. "مار" (مکاشفه ۹: ۱۲، ۱۵؛ ۲: ۲۰)
۱۴. "مدعی" (مکاشفه ۱۲: ۱۰، ۱۵)
۱۵. "دشمن" (۱ پطرس ۵: ۸)
۱۶. "شیری غزان" (۱ پطرس ۵: ۸)

موضوع خاص: شیطان

(Special Topic: Satan)

به دلایل متعددی این موضوع بسیار دشواری است.

۱. عهد عتیق به عنوان دشمن خوبی او را نشان نمی‌دهد، بلکه به عنوان بنده یهوه نشان می‌دهد (به *OT Theology*، A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰-۳۰۶ مراجعه کنید)، که جایگزینی را به بشریت ارائه می‌دهد و همچنین انسان را به نادرستی متهم می‌کند. تنها یک خدا وجود دارد (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید)، یک قدرت، یک علت در عهد عتیق، یعنی یهوه (مراجعه کنید به اشعیا ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶).
 ۲. مفهوم دشمن شخصی شخصی خداوند در ادبیات بین فرهنگی (غیر کانونی) تحت تاثیر ادیان دوالیسم پارسی (زرتشتیان) توسعه یافت. این، به نوبه خود، به شدت تحت تاثیر یهودیت روحانیون و جامعه اسسن (به عنوان مثال، کتیبه بحرالمیت).
 ۳. عهد جدید مضامین عهد عتیق را به شکل شگفت‌انگیزی، اما انتخابی، دسته بندی می‌کند.
- اگر کسی به مطالعه شر از دیدگاه الهیات کتاب مقدس (هر کتاب یا نویسنده یا ژانر به طور جداگانه مورد مطالعه و تعریف قرار گیرد) توجه کند، دیدگاه‌های بسیار مختلفی از شر بدست می‌آید.
- با این حال، اگر کسی به مطالعه شر از رویکرد غیر کتاب مقدس یا کتاب مقدس ادیان جهانی یا ادیان شرقی توجه کند، در این صورت بیشتر توسعه عهد جدید در پیشگویی دوالیسم ایرانی و روح گرایی یونانی-رومی حاصل می‌شود.
- اگر کسی به طور پیش شرطی به اقتدار الهی کتاب مقدس متعهد باشد (همانطور که من هستم)، پس توسعه عهد جدید باید به عنوان معرفت مترقی شناخته شود. مسیحیان باید در برابر نفوذ فولکلور یهودی یا ادبیات غربی (دانته، میلتن) از این مفهوم بیشتر جبهه گیری کنند. مطمئناً رمز و راز

و ابهام در این زمینه وحی است. خدا خواسته است که تمام جنبه‌های شر و پلیدی، منشاء آن (موضوع خاص: لوسیفر)، توسعه آن، و هدف آن را فاش نکند، اما او شکست خود را نشان داده است!

در عهد عتیق اصطلاح "شیطان" یا "متهم کننده" (KB 1317, BDB 966) می‌تواند به سه گروه جداگانه مرتبط باشد.

۱. متهم کنندگان انسانی (به جز ۱ سموئیل ۴:۲۹، دوم سموئیل ۱۹:۲۲؛ اول پادشاهان ۱۴:۱۱، ۲۳، ۲۵؛ مزمور ۶:۱۰۹)
۲. فرشتگان متهم کننده (مراجعه شود به اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳؛ یعقوب ۱-۲؛ زکریا ۱:۳)
۳. شیاطین متهم کننده (مراجعه شود به اول تواریخ ۲۱:۱، اول پادشاهان ۲۲:۲۱، زکریا ۲:۱۳)

تنها بعداً، در دوره مقدماتی، مار پیدایش ۳ به عنوان شیطان شناسایی شده است (مراجعه شود به کتاب خرد ۲:۲۳ الی ۲۴؛ دوم انوش ۳:۳۱)، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون می‌شود (مراجعه شود به Sot ۹ ب و سانه‌دین ۲۹ الف). "فرزندان خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان در اول انوش ۶:۵۴ می‌شوند. من این را ذکر می‌کنم، نه به دقت کلامی آن، بلکه برای نشان دادن توسعه آن. در عهد جدید، این کارهای عهد عتیق به شرارت فرشتگی و شخصیتی شیطان نسبت داده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳:۱۱؛ مکاشفه ۹:۱۲).

منشا شرارت شخصیت (بسته به دیدگاه شما) در عهد عتیق دشوار یا غیرممکن است. یکی از دلایل این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید؛ همچنین به اول پادشاهان ۲۰:۲۲ الی ۲۲؛ جامعه ۷:۱۴؛ اشعیا ۷:۴۵، عاموس ۳:۶ مراجعه کنید). همه علیت (مراجعه شود به اشعیا ۴۵:۷؛ عاموس ۳:۶) به یهوه نسبت داده میشوند تا یکتا بودن و اولویت او را نشان دهند (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۴۳، ۴۴:۶ و ۸ و ۲۴، ۴۵:۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع اطلاعات احتمالی عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، جایی که شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی، فرشتگان)؛ یا (۲) اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸، که در آن پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیر) احتمالاً برای نشان دادن غرور شیطان به کار استفاده شده‌اند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳:۶). من احساسات مختلفی در مورد این رویکرد دارم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن، نه تنها برای پادشاه تیر به عنوان شیطان (مراجعه شود به حزقیال ۱۲:۲۸ الی ۱۶) بلکه برای پادشاه مصر نیز به عنوان درخت آگاهی از خیر و شر (حزقیال ۳۱) استفاده می‌کند. با این حال، اشعیا ۱۴، به خصوص در آیات ۱۲ الی ۱۴، به نظر می‌رسد شورش فرشتگان را از روی غرور توصیف می‌کند. اگر خدا بخواهد ماهیت و منشا شیطان را به ما نشان دهد، این یک شیوه و مکان بسیار مبهم برای انجام آن است. ما باید علیه روند الهیات سیستماتیک در استفاده بخشهای کوچک و متضاد آیات مختلف، نویسندگان، کتاب‌ها و ژانرها و ترکیب آنها به عنوان قطعه یک پازل الهی محافظت کنیم.

من با Alfred Edersheim *The Life and Times of Jesus the Messiah*، جلد ۲، پیوست‌های XIII (صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳) و XVI (صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶) موافقم که روحانیون یهودی به شدت تحت تأثیر حدس و گمان دوالیسم پارسی و اهریمنی قرار گرفته‌اند. روحانیون منبع خوبی برای حقیقت در این زمینه نیستند. مسیح عمدتاً از آموزه‌های کنیسه در این حوزه دور می‌شود. من فکر می‌کنم که مفهوم دشمن قوی یهوه از دو خدای بزرگ دوالیسم ایرانی، اهریمن و اهورامزدا تشکیل شده است و سپس توسط روحانیون به دوالیسم یهوه و شیطان تبدیل شد.

یقیناً مکاشفه مترقیانه‌ای در عهد جدید در خصوص شخصیت پردازی پلیدی وجود دارد، اما نه به آن دقت روحانیون. مثال خوبی از این تفاوت "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان ضرورت منطقی است، اما مشخص نیست (نگاه کنید به موضوع ویژه: سقوط شیطان و فرشتگان او). حتی آنچه که داده می‌شود، در سبک آخرالزمانی ظاهر شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۴:۱۲ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). اگر چه شیطان از عیسی مسیح شکست خورده و به زمین فرستاده می‌شود، او همچنان به عنوان خادم یهوه عمل می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱:۴؛ انجیل لوقا ۲۲:۳۱ الی ۳۲؛ اول قرنتیان ۵:۵؛ اول تیموتائوس ۲:۱).

ما باید کنجکاویمان را در این زمینه محدود کنیم. یک نیروی شخصی از وسوسه و بدی وجود دارد، اما تنها یک خدا وجود دارد و ما هنوز در برابر انتخاب خود مسئول هستیم. یک جنگ معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروزی فقط با خدای سه گانه حاصل می‌شود و دوام می‌آورد. پلیدی شکست می‌خورد و از بین می‌رود (مراجعه شود به مکاشفه ۱۰:۲۰)!

۴:۱۲ "دُمش یک سوّم ستارگان آسمان را جاروب کرد و بر زمین فرو ریخت" بدلیل استفاده مکرر عبارت "ستارگان آسمان" در عهد عتیق برای اشاره به قدوسین خداوند (کتاب پیدایش ۱۵:۵؛ ارمیا ۳۳:۲۲؛ دانیال ۳:۱۲)، برخی اینگونه تصور می‌کنند که این عبارات نیز اشاره به قدوسین است، درحالیکه کلام می‌تواند اشاره به فرشتگان نیز داشته باشد (کتاب دانیال ۸:۱۰؛ ۲ پطرس ۲:۴؛ یهودا ۱:۶). سقوط فرشتگان (سقوط ستارگان) موضوع اصلی و رایج در ادبیات آخرزمانی است (I Enoch).

در ایوب ۱-۲ و زکریا ۳ شیطان در پیشگاه خدا به همراه فرشتگان مجسم گردیده است. او احتمالاً در اینجا در قالب کروب است (حزقیال ۱۲:۲۸-۱۸). این مشخصه، با استفاده از استعاره‌هایی از باغ عدن، هم زمان با پادشاه صور متصور نمی‌باشد، اما غرور و تکبر پادشاه از شیطان الگو گرفته است (من بیش از پیش با این دیدگاه احساس ناراحتی می‌کنم زیرا در حزقیال ۳۱ پادشاه مصر بعنوان درخت دانش نیک و شر تعریف گردیده است. حزقیال معمولاً برای تعریف از پادشاه از واژگان باغ عدنی بهره برده است). در عهد عتیق شیطان دشمن خدا نبوده، بلکه دشمن نوع بشر تلقی شده است (۱۰:۱۲). شیطان از ابتدا شرور خلق نگردید بلکه بمرور زمان تبدیل به دشمن هر آنچه که نیک و مقدس است، گردید (برگرفته از کتاب *An Old Testament Theology* نوشته A. B. Davidson. صفحات ۳۰۰-۳۰۶). گفته شده که او بارها از بهشت بیرون رانده شده است (اشعیا ۱۴:۱۴؛ حزقیال ۲۸:۱۶؛ لوقا ۱۰:۱۸؛ یوحنا ۳۱:۱۲؛ و مکاشفه ۹:۱۲، ۱۲). اما مشکل این است که چه زمانی بیرون رانده شد. آیا:

۱. در طول دوران عهد عتیق بود؟

a. پیش از خلقت انسان

b. مدت زمانی پس از ایوب و پیش از حزقیال ۲۸

c. در طول دوران پس از آوارگی، اما پس از زکریا

۲. در طول دوران عهد جدید بود؟

a. پس از وسوسه عیسی (متی ۴)

b. در طول سفر هفتاد نفر (لوقا ۱۰:۱۸)

c. در زمان پایانی طغیانگران (مکاشفه ۹:۱۲). به موضوع خاص در مکاشفه ۷:۱۲ رجوع نمایید.

می‌توان از اینکه یک سوم ستارگان اشاره به فرشتگانی دارد که در برابر خداوند شوریدند و پیروی از شیطان را برگزیدند، دچار تعجب شد. در اینصورت، این عبارات می‌تواند اشاره به پایه معنوی برای شریب عهد جدید مرتبط با فرشتگان سقوط کرده باشد (مکاشفه ۹:۱۲، ۱۲). عدد یک سوم، می‌تواند اشاره به محدودیت تخریب در زمان داوری شیپورها تلقی شده (مکاشفه ۸:۷-۱۲؛ ۹:۱۵، ۱۸) و عدد خاصی نباشد. یا، ممکن است نمایانگر شکست شیطان از نبرد با فرشتگان نیز باشد. همچنین ممکن است فقط بازتاب دهنده اساطیر بابل باستان باشد. به دیدگاه‌های متنی B.1 مراجعه شود.

خوب است که در این مرحله بیاد داشته باشیم که با اینکه این مسئله جالب توجه است، اما احتمالاً نویسنده نیت خاصی برای بحث پیرامون (۱) اصالت شریب؛ (۲) سقوط شیطان؛ و یا (۳) طغیان فرشتگان در بهشت، در این متن ندارد. در ادبیات پایان عصری، تشخیص موضوع اصلی رویا دشوار است، اما ادبیات نمایشی این موضوع، جزئیات و تصاویر آن بسیار داستانی، نمادین و تخیلی می‌باشند. این کنجکاوی ما و احترام به کتاب مقدس است که مولفه‌های دقیق، منطقی و آموزنده ما را تقویت می‌کند. باید مراقب بود تا بر روی جزئیات پافشاری نکرد؛ ادبیات پایان زمانی اغلب الهیات صحیح بوده که در یک چارچوب تخیلی ارائه می‌گردد. در عین واقعی بودن، اما بصورت نمادین ارائه می‌گردد!

□ **"بدان قصد که فرزند او را تا به دنیا آمد، ببلعد"** این فرزند اشاره به مسیح موعود دارد (مکاشفه ۵:۱۲). شیطان می‌خواهد در هر مرحله‌ای برنامه خدا را بی‌اثر نماید، هم برنامه جهانی برای احیای بشریت (پیمانهای بدون شرط) و هم برنامه احیای فردی انسان‌ها (پیمانهای شرطی، متی ۱۳:۱۹؛ ۲قرنیتان ۴:۴).

۵:۱۲ **"آن زن پسری به دنیا آورد"** این بخش از آیه می‌تواند کنایه‌ای به اشعیا ۷:۶۶-۸ باشد. توجه کنید که چگونه یوحنا از تجسم عیسی به پادشاهی اسکاتولوژیک حرکت می‌کند. همه چیز در این میان با انجیل یوحنا مرتبط است و نه در کتاب مکاشفه.

□ **"با عصای آهنین بر همه قومها فرمان خواهد راند"** این بخش کنایه‌ای است به مزمور ۹:۲ و لذا، نقش مسیحایی عیسی محسوب می‌گردد. در کتاب مکاشفه آیه ۱۹:۱۵ این عبارت برای مسیح بکار برده شده، در حالیکه در آیات ۲:۲۶-۲۷ برای قدوسین بکار رفته است. این سلاست بیان است میان مسیح (بعنوان فرد) و جامعه ایماندار (بصورت مشترک)، در همان حال که در اشعار خادم در کتاب اشعیا نیز دیده می‌شود (قوم بنی اسرائیل، اشعیا ۹:۴۲-۱:۴۹؛ ۷-۱:۴۹؛ ۵۰:۴-۱۱:۵۲؛ ۱۳:۵۳-۱۲). در حالیکه اکنون شریب بر ملت‌ها حکمرانی می‌نماید، رهبری جدید آمده و روزی فرا خواهد رسید که بطور کامل پادشاهی را آغاز کند.

"و فرزند او ر بوده شد و نزد خدا و پیش تخت او فرستاده شد" برخی این بخش از آیه را عروج عیسی تعبیر می‌کنند، اما این نکته را در این واحد ادبی نظر نمی‌گیریم که ما اشاره متقنی به حیات تاریخی عیسی مسیح می‌نماییم. یوحنا در کتاب مکاشفه، درباره حیات و مرگ زمینی عیسی بحث نمی‌کند. او به لحاظ الهیاتی از تجسم به جلال او حرکت می‌نماید. تمرکز کتاب مکاشفه جلال و تجلی مسیح است (مکاشفه ۱:۴-۲۰). معرفی انجیل در کتاب مکاشفه توسط یوحنا متمرکز است بر توبه جلال دادن به خداوند. این به معنی کم بها کردن نقش مرکزیت عیسی نیست (مکاشفه ۵:۹، ۱۲؛ ۷:۱۴؛ ۱۱:۱۲)، بلکه برعکس، تمرکز بر نقش او در شروع پادشاهی ابدی است (۱قرنیتان ۱۵:۲۵-۲۸)؛ پادشاهی پدر و پسر!

۶:۱۲ زن به بیابان ... گریخت" با توجه به برخی گذاره‌های موجود در متن، برخی از مفسران از درون متن اشاراتی را به کتاب خروج برداشت می‌کنند. زمان آوارگی‌ها در بیابان توسط یکی از ربیان بعنوان دوره نامزدی میان قوم بنی‌اسرائیل و یهوه تصور گردیده است. در طول این دوران، او (یهوه) تمام نیازهای قوم را برآورده کرده و در کنار آنان بوده است.

□ "جایی که خدا برای او مهیا کرده بود" با وجود اینکه از متن کلی، دوره‌ای از آوارگی در بیابان احساس می‌گردد، اما این عبارت اشارات تاریخی متعددی را در خود جای داده است.

۱. ایلیای تشبیهی در کنار نهر کریت (۱ پادشاهان ۱۷: ۱-۷)
۲. فرار ایلیا به بیابان (۱ پادشاهان ۱۹: ۱-۱۴)
۳. هفت هزار باقیمانده (۱ پادشاهان ۱۹: ۱۸)
۴. آنان که در سال ۷۰ پس از میلاد از تخریب اورشلیم جان بدر بردند (متی ۲۴: ۱۵-۲۰؛ مرقس ۱۳: ۱۲-۱۸)

□ "هزار و دویست و شصت روز" دوباره، بنظر می‌رسد این عدد قطعی نبوده، ولی به دوره‌ای محدود از رنج و محنت اشاره می‌کند. همین مدت زمانی که برابر با سه سال نیم می‌باشد، به اشکال مختلف اشاره گردیده است.

۱. "زمان‌ها، زمان‌ها و نیم زمان" (دانیال ۷: ۲۵؛ ۷: ۱۲؛ مکاشفه ۱۲: ۱۴)
۲. " ۲۳۰۰ شام و صبح" (دانیال ۸: ۱۴)
۳. "چهل و دو ماه" (مکاشفه ۱۱: ۲؛ ۱۳: ۵)؛ " ۱۲۶۰ روز" (مکاشفه ۱۱: ۳؛ ۱۲: ۶)؛ " ۱۲۹۰ روز" (دانیال ۱۲: ۱۱)؛ و " ۱۳۳۵ روز" (دانیال ۱۲: ۱۲).

هفت عدد کامل در علم عددشناسی عبرانی است (پیدایش ۱: ۱-۲: ۳). یکی کمتر از هفت از ناکامل بودن انسان (مکاشفه ۱۳: ۱۷-۱۸) صحبت می‌کنند و عدد ۶۶۶ نشاندهنده بالاترین حد انسان ناکامل، یعنی ضد مسیح، یا همان دجال است (۲ تسالونیکیان ۲). در همین راه، اعداد سه و یک و نیم، نماد یک دوره محدود، اما نامعین از محنت می‌باشد. به موضوع خاص: چهل و دو ماه در مکاشفه ۱۱: ۲ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۲: ۷-۱۰

و ناگهان جنگی در آسمان درگرفت. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش در برابر آنان به پیکار ایستادند، اما شکست خوردند و پایگاه خود را در آسمان از دست دادند. اژدهای بزرگ به زیر افکنده شد، همان مار کهن که ابلیس یا شیطان نام دارد و جمله جهان را به گمراهی می‌کشاند. هم او و هم فرشتگانش به زمین افکنده شدند.
آنگاه صدایی بلند در آسمان شنیدم که می‌گفت:

۷:۱۲ "جنگی در آسمان درگرفت"

موضوع خاص: جنگ در بهشت (از مکاشفه ۱۲: ۷ الی ۹)

(Special Topic: War in Heaven (from Revelation 12:7-9))

مباحثات زیادی در مورد تاریخ این درگیری وجود دارد. به نظر می‌رسد که عیسی به این در انجیل لوقا ۱۰: ۱۸ و انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ اشاره کرده باشد. ولی سعی بر اینکه زمانبندی تاریخی برای این رخداد تعیین شود، بینهایت مشکل است:

۱. قبل از پیدایش ۱: ۱ (قبل از خلقت)
۲. در طول پیدایش ۱: ۱ و ۲ (خلا نظریه)
۳. در عهد عتیق بعد از یعقوب ۱ الی ۲ (شیطان در بهشت)
۴. در عهد عتیق بعد از اول پادشاهان ۲۲: ۲۱ (شیطان در شورای بهشت)
۵. در عهد عتیق بعد از زکریا ۱۳ (شیطان در بهشت)
۶. در عهد عتیق (در اشعیا ۱۴: ۱۲، حزقیال ۲۸: ۱۵ و دوم انوش ۲۹: ۴ الی ۵ (پادشاهان شرقی محکوم می‌شوند)
۷. در عهد جدید بعد از وسوسه عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۴)
۸. در عهد جدید در طول ماموریت هفتاد (مشاهده سقوط شیطان از بهشت، مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۱۸)
۹. در عهد جدید بعد از ورود فاتحانه به اورشلیم (حاکم این جهان بیرون انداخته می‌شود، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱)
۱۰. در عهد جدید بعد از قیام عیسی از مردگان و معراج (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۸، کولسیان ۲: ۱۵)

۱۱. در پایان زمان (مراجعه شود به ۱۲: ۷، احتمالاً در حین اینکه شیطان در جستجوی فرزند، در بهشت توفان ایجاد می‌کند) این را باید به صورت نبرد ابدی میان خدا و گروه از شیاطین ببینیم، این نبرد با شکست مطلق اژدها و میزبانش خاتمه خواهد یافت. در مکاشفه ۲۰ آنها کنار گذاشته شده و تنها شدند. موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگانش (مکاشفه ۱۲: ۴) را مطالعه کنید.

□ "میکائیل" در انجیل فقط نام دو فرشته ذکر شده است (میکائیل و جبرائیل). در کتاب دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۱ و ۱۲: ۱ این فرشته بعنوان فرشته حامی قوم بنی اسرائیل نامگذاری شده است. در یهودا ۱: ۹ از میکائیل بعنوان فرشته اعظم یاد شده است. معنی میکائیل "آنکه شبیه خدا است" می‌باشد. برخی این نام را، از دیگر نامهای عیسی ارزیابی می‌کنند، اما بنظر می‌رسد که زیاده‌روی باشد. خداوند هرگز از تهدید انسان طغیانگر شریر نمی‌هراسد. انجیل همچون آیین زرتشت ایرانیان، دوگانه‌گرا نیست. خداوند بوسیله یک فرشته شریر را شکست می‌دهد (با اینکه در عمل این شکست بواسطه کار احیاکننده عیسی جامه عمل بخود پوشاند).

اگر محیط دادگاه را بصورت استعاره استفاده کنیم، میکائیل در حکم وکیل مدافع بوده، در حالی که شیطان مدعی العموم و بیهوده قاضی می‌باشند! میکائیل پیروز پرونده این دادگاه را بصورت زیر می‌باشد:

۱. مرگ ناشی از قربانی شدن، حیات مجدد، و عروج عیسی (مکاشفه ۱۲: ۱۶)

۲. شاهد باوفای دادگاه (مکاشفه ۱۲: ۱۱)

۳. استقامت کلیسا (مکاشفه ۱۲: ۱۱)

□ "اژدها و فرشتگانش در برابر آنان به پیکار ایستادند" دقیقاً دو فرشته‌ی شیطان را بسختی می‌توان به لحاظ انجیلی تعریف کرد. برخی آنان را فرشتگان ابلیس می‌خوانند (متی ۲۵: ۴؛ افسسیان ۶: ۱۰). اما سوال درباره فرشتگان نه‌هاویه همچنان باقی خواهد ماند (۲ پطرس ۲: ۴)، و فرشتگانی که در مکاشفه ۹: ۱۴ از آنان ذکر به میان آمد، که بوضوح تحت کنترل خداوند بود اما روشن است که فرشتگان ابلیس می‌باشند. بسیاری از تناقضات دنیای فرشتگان همواره بدون پاسخ خواهد ماند (دانیال ۱۰).

بحثی در رابطه با ارتباط میان فرشتگان سقوط کرده در عهد عتیق و شیاطین عهد جدید در جریان است. کتاب مقدس درباره این موضوع سکوت اختیار کرده است. ادبیات آخرالزمانی دو عهد (بویره I Enoch) تصریح می‌کند که فرزند زاده شده در پیدایش ۶: ۱-۴ که نیم فرشته و نیم انسان بوده، شیاطین عهد جدید بوده که بدنال تسخیر بدن انسان‌ها برای ادامه بقا می‌باشند. این فقط یک گمان است، اما می‌توان حدس زد که چرا برخی یهودیان در قرن اول به این موضوع فکر می‌کردند.

بنظر نمی‌رسد که مصدر فعل آتوریستی در این متن گنجانده شود. احتمالاً سامی‌گرایی بوده و می‌توان آن را "دشوار برای نبرد" ترجمه کرد (برگرفته از کتاب *The Expositor's Bible Commentary* جلد ۱۲، "Revelation" نوشته Alan Johnson صفحه ۵۱۹، پانویس شماره ۷. این یکی از محبوبترین مفسران کتاب مکاشفه می‌باشد).

۸: ۱۲ این آیه اولین مجموعه از کلمات مشوق به کلیسای تحت ستم می‌باشد. مکاشفه ۱۲: ۸، ۱۱، ۱۴ آرامش بزرگی به قوم خداوند که در قرن اول و قرون بعدی تحت ستم و رنج قرار داشته و دارند، می‌دهد. شیطان تابحال دو بار شکست خورده است: یکبار در تلاش برای کشتن فرزند (مکاشفه ۱۲: ۴) و اکنون در تلاش برای به طغیان کشاندن بارگاه الهی (مکاشفه ۱۲: ۷-۹)؛ او همچنین در تلاش خود برای حذف قوم خدا از روی زمین ناکام خواهد ماند.

□ "پایگاه خود را در آسمان از دست دادند" این بخش از آیه حکایت از حضور شیطان برای مدتی در بهشت دارد (ایوب ۱-۲؛ زکریا ۳؛ و ۱ پادشاهان ۲۲: ۲۱). به ضمیر جمع در این آیه توجه کنید که گویای همراهی سایر فرشتگان با شیطان می‌باشد.

۹: ۱۲ "اژدهای بزرگ به زیر افکنده شد، همان مار کهن که ابلیس یا شیطان نام دارد" اینجا و مکاشفه ۲۰: ۲ (حکمت سلیمان ۲: ۲۴)، تنها جایی هستند که شیطان در آن به صراحت در کنار مار کتاب پیدایش ۳ و در ۲ قرن‌تیمان ۱۱: ۳ بصورت ضمنی شناسایی شده‌اند. عبارت "ابلیس" از واژه یونانی بمعنی "افترا زنده"، در حالیکه "شیطان" از واژه عبری بمعنی "متخاصم" گرفته شده است (۲ سموئیل ۱۹: ۲۲؛ ۱ پادشاهان ۱۱: ۱۴). هر دوی این واژه‌ها مؤکد عملکرد شرارت‌آمیز شریر بعنوان متهم کننده برادران دینی می‌باشند (مکاشفه ۱۲: ۱۰). عبارت "شیطان" در عهد عتیق (به موضوع خاص در مکاشفه ۱۲: ۳ رجوع شود) نام مناسبی نیست، اما در سه جای دیگر که ظاهر می‌شود، بخوبی استفاده شده است: (۱) ایوب ۱-۲؛ (۲) زکریا ۳: ۱-۳؛ و (۳) ۱ تواریخ ۲۱: ۰۱ برای مطالعه بیشتر درباره "به زیر افکنده شدن" به یادداشت کامل در مکاشفه ۱۲: ۴ و ۷ رجوع نمایید.

موضوع خاص: شیطان فردی
(Special Topic: Personal Evil)

I. شیطان موضوع بسیار سختی است

- A. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی دهد، بلکه یک خادم یهوه که به انسان جایگزینهایی را معرفی کرده و انسان را متهم به بی صداقتی می کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*, صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶).
- B. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته‌های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).
- C. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه‌بندی شده. اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملاً متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد.
- اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه‌های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می‌گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعهد باند (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جبهه بگیرند (یعنی دانت، میلتن) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه‌های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

II. شیطان در عهد عتیق

در عهد عتیق به نظر می‌رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

- A. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹:۴، دوم سموئیل ۱۹:۲۲، اول پادشاهان ۵:۴ و ۱۱:۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزور ۶:۱۰۶ و ۲۰ و ۲۹)
- B. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳، زکریا ۳:۱)
۱. فرشته خدا - اعداد ۲۲:۲۲ الی ۲۳
۲. شیطان - اول تواریخ ۲۱:۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۳:۱
- C. شیاطین (احتمالاً شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲:۲۱، زکریا ۱۳:۲)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می‌شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲:۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳:۳۱)، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به تورات یهودیان Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۵۴:۶ می‌شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می‌شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی‌گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیت‌های عهد عتیقی در دوم تواریخ ۱۱:۳، مکاشفه ۱۲:۹ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می‌شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می‌توان تعیین کرد یا حتی می‌توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۶:۴ الی ۶، اول پادشاهان ۲۲:۲۰ الی ۲۲، جامعه ۷:۱۴، اشعیا ۴۵:۷، عاموس ۳:۶). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشدیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۴۳، ۴۴:۶ و ۸ و ۲۴، ۴۵:۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳:۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۱۲:۲۸ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می‌رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می‌کند. اگر خدا می‌خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملاً غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه‌گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

III. شیطان در عهد جدید

آلفرد ادرسهایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*)، جلد دوم ضمام ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶)، می گوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تاثیر دوالیسم پارسی و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کنیسه شدیداً حمله می کرد. من فکر می کنم که مفهوم روحانی وساطت فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷:۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعداً اهورامزدا گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود
۲. انگرا مینیو که بعداً اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آنان بر سر برتری در زمین می جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه‌های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگانش). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۲:۴ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱، انجیل لوقا ۲۲:۳۱ الی ۳۲، اول قرنتیان ۵:۵، اول تیموتائوس ۱:۲۰).

ما باید محدوده کنجاوی خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخابهایش می باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۱۰:۲۰)!

□ "جمله جهان را به گمراهی می کشاند" این قسمت مأموریت ابلیس را تعریف می نماید. در حالیکه انجیل جنبه جهانی دارد (متی ۲۸:۱۸-۲۰؛ لوقا ۴۷:۲۴؛ اعمال رسولان ۱:۸)، دشمن انجیل نیز دارای همین وظیفه است! بهترین کتابی که درباره گسترش نقش شیطان، از یک خادم تا رسیدن به درجه دشمنی در انجیل خوانده ام، *A Theology Of The Old Testament* اثر A. B. Davidson صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۶ می باشد. مأموریت شیطان بخوبی در آیات ۲ قرنتیان ۴:۴؛ ۱ پطرس ۵:۸؛ مکاشفه ۱۳:۱۴؛ ۲۰:۱۹؛ ۳:۲۰، ۸، ۱۰؛ یوحنا ۷ تشریح شده است. درک شیطان بعنوان خادم خداوند دشوار است اما در این مورد ۲ سموئیل ۱:۲۴ با ۱ تواریخ ۱:۲۱ مقایسه نمایید.

□ "او و هم فرشتگانش به زمین افکنده شدند" عبارت "به زمین افکنده شدن" چندین بار در این متن بکار برده شده است؛ دو بار در مکاشفه ۹:۱۲؛ در مکاشفه ۱۰:۱۲؛ در مکاشفه ۱۳:۱۲. همچنین در مکاشفه ۲۰:۱۹؛ ۳:۲۰، ۱۰، ۱۴، ۱۵ و احتمالاً در اشاره به اشعیا ۱۴:۱۴ یا لوقا ۱۰:۱۸ و یوحنا ۳۱:۱۲ نیز بکار رفته است.

زمین تبدیل به دنیایی برای فعالیت‌های شیطان می شود. به یادداشت کاملتر درباره موضوع شیطان به مکاشفه ۴:۱۲ و ۷ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۰:۱۲-۱۲

«اکنون نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما، و اقتدار مسیح او فرا رسیده است. زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در پیشگاه خدای ما بر آنان اتهام می زند، به زیر افکنده شده است. ^{۱۱} آنان با خون بره و با کلام شهادت خود بر او پیروز شده اند. زیرا که جان خود را عزیز نشمردند، حتی تا به مرگ. ^{۱۲} پس شادی کنید ای آسمانها و ای ساکنان آنها! اما وای بر تو ای زمین، و وای بر تو ای دریا، که ابلیس با خشم بسیار بر شما فرود آمده است، زیرا که می داند فرصت چندانی ندارد.»

۱۲:۱۰-۱۲ این آیه پیامی با صدای رسا از بهشت است.

۱۰:۱۲ "اکنون نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما، و اقتدار مسیح او فرا رسیده است" این آیه به لحاظ ادبی برابر است با آیات ۱۱:۱۵-۱۸. آخر داستان فرا رسیده و خداوند پیروز گردیده است! برای گروه ایماندارانی که از محنت زیاد، حتی مرگ رنج می بردند، این خبر خوشی می باشد.

□ "زیرا که آن مدعی برادران ما" این بخش از آیه نشان می دهد که آن صدا در مکاشفه ۱۰:۱۲ از جانب یک فرشته نبوده، بلکه بوضوح از جانب ایمانداران و احتمالاً شهدای مکاشفه ۹:۶-۱۱ بوده است.

واژه عبری "شیطان" بمعنی "متهم کننده" است. ما در ایوب ۱-۹ و زکریا ۳:۱ شیطان را در این نقش می بینیم.

□ "که شبانه‌روز در پیشگاه خدای ما بر آنان اتهام می‌زند" شیطان از بهشت بیرون انداخته شد، با اینحال او کماکان به مردم وفادار به خدا اتهام وارد می‌کند. این عبارات سلاست سبک این کتاب را نشان می‌دهد. نیروی او تحلیل رفته، اما همچنان فعال است (در عین حال، توسط خداوند نیز محدود شده است، ایوب ۱-۲).

۱۱:۱۲ "آنان با خون بره و با کلام شهادت خود بر او پیروز شده‌اند" پیروزی از آن مسیح خداوند، که برای ما کفاره داد گردیده است (مکاشفه ۵:۱؛ ۷:۱۴؛ ۱ پطرس ۱:۱۸-۱۹؛ یوحنا ۱:۷). این کفاره شامل هر دو مورد زیر می‌گردد:

۱. فضل خدا بواسطه قربانی شدن مسیح (مرقس ۱۰:۴۵؛ ۲۱:۵)
۲. الزام به پاسخ مناسب توسط ایمانداران (مکاشفه ۹:۶؛ ۱۵:۱؛ یوحنا ۱:۱۲؛ ۳:۱۶؛ اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱) و قرار دادن ایمانشان در اختیار سایرین (شیوه زندگی و بصورت گفتاری).

این عبارات بیشتر شبیه مکاشفه ۱۲:۱۴ می‌باشند. میان آیات مکاشفه ۱۱:۱۲ و ۱۷ شباهت زیادی وجود دارد. مکاشفه ۱۱ بنظر می‌رسد بیشتر رستگاری را به تصویر می‌کشد، در حالیکه مکاشفه ۱۷:۱۲ اخلاق و پشتکار مسیحیان را تعریف می‌کند. توجه داشته باشید که پیروزی مسیح در جلجتا نمود پیدا می‌کند و نه در هزاره سلطنت عیسی مسیح بر جهان.

"و جان خود را عزیز نشمردند، حتی تا به مرگ"	NASB
"و جان خود را عزیز نشمردند، حتی تا به مرگ"	NKJV
"زیرا که به زندگی چنگ نیانداختند، حتی تا زمان مواجهه با مرگ"	NRSV
"آنان حاضر بودند از زندگی خود گذشته و بمیرند"	TEV
"زیرا حتی در مواجهه با مرگ از زندگی خود دست بر نداشتند"	NJB

ایمانداران و خانواده‌های آنان در قرن اول با مرگ وحشتناکی رو برو بودند (همچون دیگر اعصار). با اینکه توسط خداوند محافظت می‌شدند، اما هنوز تحت آزار و محنت از سوی بی‌ایمانان قرار داشتند. ایمان آنان به مسیح قوی‌تر از ترس آنان از مرگ بود (مکاشفه ۲:۱۰؛ مرقس ۸:۳۵؛ ۱۳:۱۳؛ لوقا ۱۴:۲۶؛ یوحنا ۱۲:۲۵).

۱۲:۱۲ "پس شادی کنید ای آسمانها و ای ساکنان آنها" این جمله حال میانی دستوری است (مکاشفه ۱۸:۲۰). می‌توان آن را کنایه‌ای به مزمور ۱۱:۹۶ یا اشعیا ۱۳:۴۹ دانست. آسمانها باید شادی کنند زیرا که شیطان از بهشت رانده شده، اما ساکنان زمین، شادی از آن شما نیز هست! عبارت جمع "آسمانها" در عهد جدید گویای (۱) اتمسفر بالای زمین (پیدایش ۱) و (۲) جایی که خداوند در آن سکنی دارد است. در این متن، منظور شماره دو می‌باشد.

عبارت "شادی کنید" (NASB, NKJV, NRSV) یا "در آنجا زندگی می‌کنند" (TEV, NJB) از نام "خیمه" گرفته شده است. این عبارت حکایت محل سکونت ابدی خداوند دارد (مکاشفه ۷:۱۵؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۳:۶؛ ۲۱:۳؛ و یوحنا ۱:۱۴ در جاییکه از بودن مسیح در کنار ما سخن می‌گوید).

□ "خشم" به یادداشت مکاشفه ۷:۱۴ مراجعه شود.

□ "زیرا که می‌داند فرصت چندانی ندارد" بنظر می‌رسد که این بخش از آیه اشاره به فاصله زمانی بین عروج عیسی مسیح (اعمال رسولان ۱:۹-۱۱) و دومین بازگشت او که یوحنا و مسیحیان قرن اول معتقد بودند زمان کوتاهی خواهد بود، دارد. اکنون تقریباً ۲۰۰۰ سال از آن زمان گذشته است؛ هر نسلی در آرزوی بازگشت ارباب خود، در هر لحظه به سر می‌برد. ایمانداران این تأخیر را در ۲ تسالونیکیان و متی ۲۴:۴۵-۵۱ هشدار داده بودند. باید مراقب بود که این تأخیر از ایمان ما نگاهد (۲ پطرس ۳:۳-۴).

موضوع خاص: بازگشت مسیح در هر لحظه، در برابر هنوز زود است (پارادوکس عهد جدید)

(Special Topic: The Any-Moment Return Of Jesus Vs. The Not Yet (Nt Paradox))

- A. آیات اسکاتولوژیک عهد جدید بازتاب دهنده بینش نبوتی عهد عتیق است که پایان دنیا را از منظر رویدادهای نوین می‌نگرد.
- B. متی ۲۴، مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ برای تفسیر بسیار دشوار هستند زیرا آنان همزمان ده‌ها سوال را مطرح می‌کنند.
 ۱. معبد چه زمانی نابود خواهد گردید؟
 ۲. نشانه بازگشت مسیح چه خواهد بود؟
 ۳. این عصر چه زمانی به پایان می‌رسد (متی ۲۴:۳)؟

C. سبک آیات اسکاتولوژیک عهد جدید معمولاً تلفیقی است از زبان پایان عصری و نبوتی که بصورت شدت نمادین بکار برده شده است (برگرفته از کتاب *Ploswhares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic* نوشته D. Brent Sandy).

D. آیات متعددی در عهد جدید (متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۱۷ و ۲۱؛ ۱ و ۲ تسالونیکیان و کتاب مکاشفه) به موضوع بازگشت دوم مسیح می‌پردازند. این آیات مؤکد موارد زیر می‌باشند:

۱. زمان دقیق این رویداد مشخص نیست، اما بوقوع پیوستن آن قطعی است.
۲. جنبه عمومی آن زمان را آگاهی داریم، اما زمان قطعی آن مشخص نمی‌باشد.
۳. این واقعه بصورت ناگهانی و غیرمنتظره رخ خواهد داد.
۴. ما باید دعا کرده و برای انجام وظیفه محوله آماده و ایمان داشته باشیم.

E. تنش متناقضی میان موارد زیر وجود دارد:

۱. هر لحظه این بازگشت ممکن است (لوقا ۲۰:۴۰، ۴۶؛ ۲۱:۳۶؛ متی ۲۴:۲۷، ۴۴) و
۲. این حقیقت که برخی رویدادها در تاریخ امکان وقوع خواهند داشت (به مورد F توجه نمایید)

F. عهد جدید می‌گوید که برخی رویدادها پیش از ظهور دوم مسیح بوقوع خواهند پیوست:

۱. انجیل برای تمام دنیا وعظ شده است (متی ۲۴:۱۴؛ مرقس ۱۳:۱۰)
۲. ارتداد بزرگ (متی ۲۴:۱۰-۱۳، ۲۱؛ تیموتائوس ۴:۱؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳)
۳. مکاشفه "مرد و گناه" (دانیال ۷:۲۳-۲۶؛ ۹:۲۴-۲۷؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳)
۴. حذف هر آنچه یا هر آنکس که مانع پیشرفت می‌گردد (۲ تسالونیکیان ۶:۲-۷)
۵. رویدادهایی که به تقویت مجدد یهودیان منجر گردد (زکریا ۱۲:۱۰؛ رومیان ۱۱)

G. لوقا ۱۷:۲۶-۳۷ به موازات مرقس نوشته نشده است. این کتاب اما در متی ۲۴:۳۷-۴۴ بخش موازی سینوپتیکی در خود دارد.

H. برای مبحث بازگشت مسیح، به موضوع خاص: بزودی باز می‌گردد مراجعه نمایید.

I. برای مبحث تأخیر در بازگشت، به موضوع خاص: تأخیر در بازگشت دوم مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۲:۱۳-۱۷

^{۱۳} و چون اژدها دید که به زمین فرو افکنده شده است، به تعقیب آن زن پرداخت که فرزند ذکور زاده بود. ^{۱۴} اما دو بال آن عقاب بزرگ به آن زن داده شد تا به جایگاهی در بیابان پرواز کند که برای او مهیا شده بود و در آنجا، دور از دسترس آن مار، زمانی و زمانها و نیم‌زمانی از او نگهداری شود. ^{۱۵} آنگاه مار از دهان خود آبی بسان رود جاری ساخت تا در پی آن زن روان شود و سیلاب او را با خود ببرد. ^{۱۶} اما زمین به یاری زن آمد و دهان گشود و سیلاب را که اژدها از دهان خود جاری ساخته بود، فرو خورد. ^{۱۷} آنگاه اژدها به زن خشم برد و عزم آن کرد تا با دیگر فرزندان او بجنگد؛ یعنی با آنان که احکام خدا را اطاعت می‌کنند و شهادت عیسی را نگاه می‌دارند.

۱۳:۱۲ "آن زن" ممکن است عبارت "آن زن" اشاره به جامعه با ایمان عهد عتیق داشته؛ و اکنون اشاره به قوم خدا در عهد جدید دارد (مکاشفه ۱۲:۱۷؛ ۱۳:۷). A. T Robertson در کتاب *Word Pictures In The New Testament* جلد ۶ ص ۳۹۵، از این زن به عنوان "اسرائیل حقیقی بر روی زمین" یاد کرده است.

۱۴:۲ "دو بال آن عقاب بزرگ به آن زن داده شد" بالهای عقاب نماد محافظت خداوند می‌باشند (خروج ۱۹:۴؛ تثنیه ۲۳:۱۱؛ مزمور ۳۶:۷؛ ۷:۹۰؛ ۱:۴؛ و اشعیا ۴۰:۳۱). این آیه احتمالاً اشاره دیگریست به خروجی جدید.

□ "تا به جایگاهی در بیابان پرواز کند" در اینجا بیابان بعنوان مکان تحت محافظت خداوند بررسی شده، که اشاره دارد به دوره آوارگی در بیابان در تاریخ قوم بنی اسرائیل (مکاشفه ۱۲:۶). این بخش مشوق بزرگی برای کلیسای تحت ستم می‌باشد.

□ "زمانی و زمانها و نیم‌زمانی" این عبارات اشیای به کتاب دانیال ۷:۲۵؛ ۷:۱۲ دارد. برای مطالعه بیشتر به مکاشفه ۱۱:۲ و ۱۲:۶ رجوع نمایید.

۱۵:۱۲ "مار از دهان خود آبی بسان رود جاری ساخت" در عهد عتیق برای این بخش، آیه موازی دقیقی موجود نیست. می‌تواند استعاره‌ای برای خشم خدا در هوشع ۵:۱۰، و یا استعاره‌هایی همچون مزمور ۴:۱۸؛ ۴:۱۲۴؛ ۵-۴، از دوران قرار داشتن تحت فشار و یا مصیبت بوده باشد. اما بدلیل اینکه فصل ۱۲ بسیاری از رویاهای خود را از شهادی شرق میانه باستان اقتباس کرده، این امکان وجود دارد که اشاره به بلایایی چون سیل، درگیریهای اولیه میان نیک و شر،

و نظم و ترتیب در برابر هرج و مرج داشته باشد. طبیعت برای دیبوزه و باراق در برابر شهر کنعانی و افسر نظامی، سیسیرا مبارزه کرد: (۱) باران ارابه‌های آنان را متوقف کرد (داوران ۵: ۴) و (۲) حتی ستارگان (که بشکل نیروهای آسمانی فرشتگان به آنان نگریسته شده) در برابر سیسیرا جنگیدند (داوران ۵: ۲۰).

۱۷:۱۲ "... به زن خشم برد و عزم آن کرد تا با دیگر فرزندان او بجنگد" ابلیس سعی داشت بوسیله موارد زیر، جامعه مسیحایی را از میان ببرد

۱. نابود کردن مسیح
 ۲. نابود کردن کلیسای مادر
 ۳. نابود کردن تمامی پیروان مسیح
- عبارت "بجنگد" یک استعاره معنوی، سیاسی و اقتصادی است. اشاره‌ای است به کتاب دانیال آیات ۷: ۲۱ (۷: ۱۱؛ ۷: ۱۳). این آزار مدرک خوبی برای نشان دادن پیروزی کلیسا توسط مسیح است (فیلیپیان ۱: ۲۸).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسنت و قطعیت ندارند.

۱. محتوای هفتمین شیپور را تشریح کنید.
۲. چرا رویای صندوق عهد برای این مسیحیان قرن اول جنبه تشویق کننده دارد؟
۳. زنی که در کتاب مکاشفه ۱۲ از وی سخن به میان آمد، که بود؟
۴. جنگ در آسمان چه زمانی رخ داده شد؟
۵. فرشتگان ابلیس چه ارتباطی با شیاطین دارند؟
۶. عبارات "زمانی و زمانها و نیم‌زمانی" در کتاب دانیال و مکاشفه دارای چه معنی می‌باشند؟
۷. این آیات چگونه مسیحیان تحت ستم قرن اول را تشویق می‌نمایند؟

دیدگاه‌های متنی به آیات مکاشفه ۱۳: ۱-۱۸

- A. فصل ۱۳ پیشرفت بیشتری در رویاهای بدیعیات مکاشفه ۱۲-۱۳-۱۷ است.
 - B. پیشزمینه عهد عتیق در این فصل، کتاب دانیال باب ۷ است. چهار امپراطوری شرق نزدیک پیشبینی شده در کتاب دانیال در این پادشاهی آخرالزمانی، ضد خدا و جهانی، تلفیق شده است.
 - C. نیایش امپراطور قرن اولی (بوپزه در آسیای صغیر) یکی از پیروزیهای تاریخی پرستش دیو می‌باشد، همانگونه گناه مرد در آخر کار پیروزی او خواهد بود (۲ تسالونیکیان ۲)، و شاخ کوچک در دانیال ۷ (مکاشفه ۱۳: ۸، ۱۱، ۲۰، ۲۵)، که در چهارمین پادشاهی، یعنی روم است.
 - D. دیو به دو شیوه شناسایی می‌گردد
۱. در قالب معلم/معلمان و آموزه‌های دروغین (۱ یوحنا ۲: ۱۸، ۲۲؛ ۳: ۴؛ ۲ یوحنا ۷). این واژه هم بصورت جمع و هم بصورت مفرد، هم در زمان حال و هم در زمان آینده بکار برده شده است.
 ۲. بعنوان یک شخص واقعی، احتمالاً در طول تاریخ در افراد شیطانی پیشبینی صورت گرفته است (آنتیوخوس، امپراطوران روم، هیتلر و دیگران، اما در نهایت در قالب یک شخصیت آخر زمانی نماد پیدا خواهد کرد، ۱ تسالونیکیان ۲: ۱-۱۰).
- E. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: دولت انسانی

(Special Topic: Human Government)

I. معرفی

A. تعریف- دولت یک سازمان انسانی است که خود را برای تامین و ایمن کردن نیازهایی که احساس شده، سازماندهی میکند (یعنی کتاب پیدایش ۴ و ۱۱). انسانها موجودات اجتماعی هستند، حتی قبل از گمراهی (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۱۸). خانواده ها، قبیله ها، اقوام جامعه را به ما میدهند.

B. هدف- خداوند اراده کرده که نظم بر آنارشیسم ترجیح دارد.

۱. قوانین موسی، به ویژه ده فرمان، اراده خدا برای بشریت در جامعه است. این باعث تعادل در پرستش و زندگی میشود.

۲. از هیچ فرم و یا ساختار حکومتی در کتاب مقدس حمایت نشده است، اگرچه تئوری اسرائیل باستان شکل پیش بینی شده‌ای از بهشت است. نه دموکراسی و نه سرمایه داری یک حقیقت کتاب مقدس نیستند. مسیحیان باید در هر سیستم دولتی که خودشان را می یابند، به طور مناسب عمل کنند. هدف مسیحیت، تبلیغ و بشارت است، و نه انقلاب. همه دولت‌ها گذرا هستند!
- C. منشا دولت انسانی**
۱. کاتولیک روم ادعا کرده است که حتی قبل از سقوط و گمراهی، دولت انسانی یک نیاز فیزیکی است. به نظر میرسد ارسطو اولین بار این نظریه را مطرح کرده باشد. او می گوید "انسان یک حیوان سیاسی است" و به این معنی است که دولت "برای ارتقای زندگی خوب" وجود دارد.
 ۲. پروتستان‌تیسیم، به ویژه مارتین لوتر، ادعا کرده است که حکومت انسانی در دوران گمراهی و سقوط ذاتی است. او این را "دست چپ پادشاهی خدا" می نامد. او گفت که "راه خدا برای کنترل افراد بد این است که افراد بد را در به عنوان مسئول قرار دهد."
 ۳. کارل مارکس ادعا کرده است که دولت وسیله ای است که چند تن از نخبگان توده ها را کنترل می کنند. برای او، دولت و دین نقش مشابهی ایفا می کنند.

II

مطالب انجیلی

A. عهد عتیق

۱. اسرائیل الگویی است که از آن در بهشت استفاده خواهد شد. در اسرائیل باستان، یهوه پادشاه بود. حکومت الهی اصطلاحی است که برای حکمرانی مستقیم خدا استفاده شده است (مراجعه شود به اول سموئیل ۸: ۴ الی ۹).
۲. حاکمیت خدا در حکومت انسانی می تواند به وضوح در انتصابهای وی دیده شود
 - a. تمامی پادشاهان، دانیال ۲: ۲۱، ۴: ۱۷ و ۲۴ الی ۲۵
 - b. حکومت مسیح، دانیال ۲: ۴۴ الی ۴۵
 - c. نبوکدنصر (بابل جدید)، ارمیا ۲۷: ۶، دانیال ۵: ۲۸
 - d. کوروش دوم (پارس)، دوم تواریخ ۳۶: ۲۲، عزرا ۱: ۱، اشعیا ۴۴: ۲۸، ۴۵: ۱
۳. برخورد مردم خدا باید حتی با دولت های مهاجم و اشغالگر نیز محترمانه و محترمانه باشد:
 - a. دانیال ۱ الی ۴، نبوکدنصر (بابل جدید)
 - b. دانیال ۵، بلشزر (بابل جدید)
 - c. دانیال ۶، داریوش (پارس)
 - d. عزرا و نحمیا (پارس)
۴. یهودا بازسازی شده بود که برای کوروش و سلطنت خویش دعا کند
 - a. عزرا ۶: ۱۰، ۷: ۲۳
 - b. یهودیان باید برای مقامات مدنی دعا کنند، میشنا، آووت ۳: ۲

B. عهد جدید

۱. عیسی به دولتهای انسانی احترام نشان داد
 - a. انجیل متی ۱۷: ۲۴ الی ۲۷، او مالیات معبد را داد (مقامات مذهبی و مدنی مشابه هم بودند، مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۷)
 - b. انجیل متی ۲۲: ۱۵ الی ۲۲، انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ الی ۱۷، انجیل لوقا ۲۰: ۲۰ الی ۲۶، او از وضعیت پرداخت مالیات به روم و در نتیجه مقامات مدنی رومی دفاع کرد
 - c. انجیل یوحنا ۱۹: ۱۱، خدا به مقامات مدنی اجازه فعالیت میدهد
۲. گفته های پولس در رابطه با دولتهای انسانی
 - a. رومیان ۱۳: ۱-۵، مؤمنان باید به مقامات مدنی تحویل دهند زیرا آنها توسط خدا تاسیس شده اند
 - b. رومیان ۱۳: ۶ الی ۷، مومنین باید مالیاتهایشان را پرداخت کنند و به مقامات مدنی احترام بگذارند
 - c. اول تیموتائوس ۲: ۱ الی ۳، مومنین باید برای مقامات مدنی دعا کنند
 - d. تیتوس ۳: ۱، مؤمنان باید مطیع مقامات مدنی باشند
۳. گفته های پطرس در رابطه با دولتهای انسانی

- a. اعمال رسولان ۴: ۱ الی ۳۱، ۵: ۲۹، پطرس و یوحنا در برابر سانهدرین (این سابقه انجیلی در مورد نافرمانی مدنی را نشان می‌دهد)
- b. اول پطرس ۲: ۱۳ الی ۱۷، مومنین باید به خاطر جامعه و به منظور بشارت دادن سهم خود را به مقامات مدنی پرداخت نمایند.
- c. گفته‌های یوحنا در رابطه با حکومت‌های انسانی
- d. مکاشفه ۱۷، فاحشه بابل، در برابر حکومت انسانی ایستاده و به دور از خداوند عمل می‌کند
- e. مکاشفه ۱۸، فاحشه بابل نابود میشود

III. جمع بندی

- A. دولت انسانی (در دنیای گمراه) توسط خدا تعیین میشود. این "حق الهی پادشاهان نیست"، بلکه کار الهی دولت است (نظم، نه اغتشاش). از هیچ حالت دیگری حمایت نمیشود.
- B. وظیفه دینی مومنین است که برای مقامات مدنی دعا کنند.
- C. برای مؤمنان مناسب است که از حکومت انسانی به وسیله مالیات با یک نگرش شفاف پشتیبانی شود.
- D. هدف حکومت انسانی برقراری نظم اجتماعی است. آنان خدمتگزاران خدا در این مهم هستند.
- E. حکومت انسانی نهایی نیست. این در اقتدار محدود است. مؤمنان باید به خاطر وجدان خود، زمانی که حکومت‌های انسانی از مرزهای تعیین شده پا فراتر می‌نهند، در رد مقامات مدنی عمل کنند. همانطور که آگوستین در *The City Of God* ادعا کرده است، ما شهروندان دو قلمرو، یکی موقتی و یک ابدی هستیم (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲۰). ما در هر دو مسئولیتی داریم، اما پادشاهی خدا نهایی است! تمرکز شخصی و مشارکتی در مسئولیت ما نسبت به خدا وجود دارد.
- F. ما باید مؤمنان را در یک سیستم دموکراتیک تشویق کنیم تا به طور فعال در فرایند مشارکت و اجرای تعالیم کتاب مقدس، در صورت امکان مشارکت داشته باشند.
- G. تغییر اجتماعی باید قبل از تحول فردی باشد. هیچ امید و اعتقاد واقعی در دولت وجود ندارد. تمامی حکومت‌های انسانی، هر چند که توسط خدا مورد تمجید و استفاده قرار می‌گیرد، گفته‌های گناه آلود سازمان انسانی جدا از خدا هستند. این مفهوم در استفاده یونانی از اصطلاح "جهان" بیان شده است (به عنوان مثال، یوحنا ۲: ۱۵-۱۷).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۲: ۱۷ - ۱۳: ۶

۱۷: ۱۲ "پس ازدها به کنار دریا رسید و در آنجا به انتظار نشست"

آنگاه دیدم وحشی از دریا بیرون می‌آید. ده شاخ داشت و هفت سر، با ده تاج بر شاخ‌هایش؛ و بر هر سرش نامی کفرآمیز نوشته شده بود. آن وحش که من دیدم به پلنگ می‌مانست، اما پاهای خرس داشت و دهان شیر. و ازدها قدرت خود را و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به او بخشید. از سرهای آن وحش، یکی گویی زخمی مهلک برداشته بود، اما آن زخم مهلک بهبود یافته بود. تمام جهان در حیرت فرو شد و به پیروی از آن وحش گردن نهاد. مردم ازدها را پرستش می‌کردند زیرا که به آن وحش اقتدار بخشیده بود. نیز آن وحش را پرستش می‌کردند و می‌پرسیدند: «کیست آن که همتای این وحش باشد؟ کیست آن که بتواند با او بجنگد؟»^۱ و وحش دهانی داده شد تا سخنان نخوت‌بار و کفرآمیز بگوید، و اجازه یافت تا اقتدار خود را چهل و دو ماه به کار ببرد. پس دهان خود را به کفرگویی بر خدا گشود و به نام او و به مسکن او، یعنی آنان که در آسمان می‌زیند، اهانت کرد.

۱: ۱۳ "پس ازدها به کنار دریا رسید و در آنجا به انتظار نشست" نسخه‌های NASB, NKJV, NJB مکاشفه ۱۳ را با این آیه شروع می‌نمایند (مکاشفه ۱۷: ۱۲)، در حالیکه نسخه TEV این آیه در مکاشفه ۱۲ قرار گرفته است.

این تفاوت در نسخه خطی به فعل "ایستادن" (به انتظار نشستن) در مکاشفه ۱۲: ۱۸ و ۱: ۱۳ ارتباط پیدا می‌کند.

۱. "ایستاد" (به انتظار نشست)، اشاره به دیو/ازدها داشته که ارتباط پیدا می‌کند به مکاشفه ۱۲ - MSS P47, A, C, 8, (NASB, NRSV, TEV,) ، (REB, NET, NIV)

۲. "من ایستادم" (به انتظار نشستم) اشاره به یوحنا دارد که به مکاشفه ۱۳ ارتباط پیدا می‌کند - MSS P, 046, 051 (NKJV, NJB)

نسخه UBS⁴ گزینه شماره ۱ و درجه "B" را انتخاب کرده است (که تقریباً مطمئن است)

"دریا" می‌تواند کنایه‌ای به دانیال ۷: ۲-۳ تلقی گردد. در اینجا نمادی بود از:

۱. کل بشریت (اشعیا ۱۷:۱۲-۱۳؛ ۵۷:۲۰؛ مکاشفه ۱۷:۱۵)

۲. نیروهایی که از سوی بلایا اعمال می‌گردید (پیدایش ۱؛ اشعیا ۵۱:۹-۱۰)

□ "آنگاه دیدم وحشی از دریا بیرون می‌آید" اولین بار از این هیولای وحشی (مکاشفه ۱۳:۱۴، ۱۵؛ ۲:۱۵؛ ۱۳:۱۶؛ ۸:۱۵) بی‌سر و صدا در مکاشفه ۷:۱۱ در حالیکه از اعماق آب بیرون می‌آمد، ذکر به میان آمد (مکاشفه ۸:۱۷). بنظر می‌رسد که اشاره به "دجال" در ۱ یوحنا ۲:۱۸، ۲۲؛ ۳:۴؛ ۲ یوحنا ۱:۷ که در ۲ تسالونیکیان ۲:۳ از او بعنوان "مرد بی‌شریعت" (بی‌دین) یاد گردید، داشته باشد. جزئیات مشابهی درباره این وحش در کتاب مکاشفه ۳:۱۲ و ۳:۱۷، ۸ یافت می‌شود.

عبارت "از دریا بیرون می‌آید" را می‌توان به روش‌های مختلف تفسیر کرد.

۱. دقیقاً آنگونه که در ادبیات آخرالزمانی یهودیان در کتاب‌های هر دو عهد تحت عنوان لایوان بکار رفته، یا در مکاشفه ۱۲:۱۱ از آن بعنوان بهیموت یاد شده است.

۲. کنایه‌ای به کتاب دانیال باب ۷، در کتاب مکاشفه ۱۳:۳ در جایی که هیولا از دریا بیرون می‌آید، در مکاشفه ۱۳:۱۷ از زمین بیرون می‌رود، که با کتاب دانیال ۷ مترادف می‌باشد، اما این هیولاها در هر دو کتاب دارای شخصیت متفاوتی می‌باشند: هیولای دریا، مکاشفه ۱:۱۳ و هیولای خشکی در مکاشفه ۱۱:۱۳.

۳. نمادی برای سقوط جامعه بشری (بخصوص مکاشفه ۱۵:۱۷، همچنین دانیال ۷:۲-۳؛ اشعیا ۱۷:۱۲-۱۳؛ ۵۷:۲۰)

علت اینکه درباره دو هیولای فصل ۱۳ گفته شده که یکی از دریا بیرون می‌آید و یکی از خشکی، (۱) زیرا این فصل شدت از دانیال ۷ دنباله‌روی می‌کند و (یا ۲) زیرا هر دوی آنها معرف کل زمین هستند. همچنین ممکن است که این دو حیوان بعلاوه شیطان، یک تقلید زشتی را در مورد تثلیث تشکیل دهند.

□ "ده شاخ داشت و هفت سر، با ده تاج بر شاخهایش" این موجود دقیقاً همان اژدهای مکاشفه ۳:۱۲ نیست، اما بسیار شبیه است (مکاشفه ۱۷:۳، ۷-۱۲). ده شاخ از قدرت کامل سخن می‌گوید؛ هفت سر نمایانگر تجلی کامل ابلیس بوده؛ و هفت تاج نمایانگر ادعای پادشاهی است. اغلب ابلیس خود را بجای نیکی جا می‌زند. این اولین از ده‌ها مرتبه‌ای است که از مسیح تقلید می‌شود.

□ "بر هر سرش نامی کفرآمیز نوشته شده بود" نسخه‌های خطی یونانی بطور مساوی بین جمع (MS A) "نامها" (NRSV, NJB) و مفرد (MSS⁴⁷, P, C, R, P⁴⁷) "نام" (NKJV, TEV) تقسیم شده است. UBS⁴ مشخص نکرده که کدامیک اصل هستند. هر کدام که درست باشند، روشن است که اشاره‌ای به دانیال ۷:۸، ۱۱، ۲۰، ۲۵ و یا ۳۶:۱۱ می‌باشند. این عنوان کفرآمیز با (۱) اعلام آسمانی بودن و (۲) نامهای ابلیس متصل می‌باشند (مکاشفه ۳:۱۷).

۲:۱۳ "آن وحش که من دیدم به پلنگ می‌مانست، اما پاهای خرس داشت و دهان شیر" مخلوط این چند حیوان نیز کنایه‌ای است به دانیال ۷:۴، ۵، ۶، در جاییکه اشاره به چندین پادشاه می‌شود، اما در اینجا نمادسازی تبدیل به نوعی ترکیب شده که تمام عناصر ضد خدا در نظم جهانی را در غالب یک رهبر به تصویر کشیده است (دانیال ۷:۲۴).

□ "اژدها قدرت خود را و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به او بخشید" این بخش به موازات ۲ تسالونیکیان ۲:۹ است، در جاییکه از نیروی تحت الهام از شیطان سخن گفته می‌شود. این وحش شیطان نیست، بلکه انسان نیرومند که شیطان در او تجلی یافته می‌باشد (مکاشفه ۱۳:۴، ۱۲). در اینجا بار دیگر از مسیح تقلید شده است (مکاشفه ۵:۶).

۳:۱۳ "از سرهای آن وحش، یکی گویی زخمی مهلک برداشته بود" آیا شیطان توانایی بازگرداندن این انسان را به زندگی دارد، یا آنچه گفته شده فریب او و تقلید از مسیح می‌باشد (مکاشفه ۱۳:۱۵)؟ شیطان از نیروی خداوند در زنده کردن مسیح تقلید کرده است.

این آیه می‌تواند کنایه‌ای تاریخی به افسانه "نرون" باشد، که در آن تصریح شده نرون به زندگی باز خواهد گشت، و هنگام بازگشت، ارتشی عظیم از مردمان شرقی (پارت‌ها) به همراه خواهد بود تا به روم حمله نمایند (کتابهای Sibylline Oracles III-V).

□ "تمام جهان در حیرت فرو شد و به پیروی از آن وحش گردن نهاد" شیطان برای متقاعد و همراه کردن جهان بی‌ایمان با خود از معجزه بهره می‌برد (متی ۲۴:۲۴؛ مرقس ۱۳:۲۲؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۹؛ مکاشفه ۱۳:۵؛ ۸:۱۷)، که این نیز به تقلید از نیروی مسیح است. جهان از نیروی دو شاهد در مکاشفه ۱۱:۱۳ تحت تأثیر قرار گرفته؛ اکنون بی‌ثبات بودن آنان در پرستیدن ابلیس دیده می‌شود.

۴:۱۳ "مردم ازدها را پرستش می کردند ... نیز آن وحش را پرستش می کردند" ابلیس نه تنها بدنبال قدرت سیاسی، بلکه بدنبال پرستش مذهبی نیز هست (مکاشفه ۱۳:۸). شیطان نیاز دارد که پرستش شود (مکاشفه ۱۳:۱۲؛ ۱۴:۹، ۱۱؛ ۱۶:۲؛ ۱۹:۲۰؛ متی ۴:۸-۹). او می خواهد که خدا باشد (احتمالاً اشعیا ۱۴:۱۲-۱۵ نیز در همین رابطه است). این امر بطور ضمنی با دروغ مار در مکاشفه ۳:۵ و در متی ۴:۹؛ و لوقا ۴:۵-۷ ارتباط پیدا می کند.

□ "کیست آن که همتای این وحش باشد" سه ریشه برای این عبارت اظهار شده است. برخی آن را بعنوان زیر بررسی می کنند:

۱. تقلید عنوان یهوه که در کتاب خروج، آیات ۱۵:۱۱؛ مزمور ۳۵:۱۰؛ ۱۱۳:۴ یافت می شود.
۲. تقلید از یهوه در کتاب اشعیا آیات ۴۰:۱۸-۲۲؛ ۴۳:۱۱؛ ۴۴:۶، ۸، ۹-۲۰؛ ۴۵:۶
۳. مرجعی برای کتاب لاویان و بحیموت در ادبیات آخرازماتی یهود (یک مثال از عهد عتیق در کتاب ایوب ۴۱؛ بویژه مکاشفه ۱۳:۳۳-۳۴)

۵:۱۳ چندین فعل مجهول در مکاشفه ۱۳:۵-۷ و ۱۳:۱۴-۱۵ وجود دارد که حکایت از اعطای مجوز از سوی شیطان و در نهایت خداوند دارد (ایوب). خدا از شیطان برای مقاصد خود بهره می جوید! ابلیس محرکه های خود را از طریق کلمات و اعمال خود نمایان می کند.

□ "به وحش دهانی داده شد تا سخنان نخوت بار و کفرآمیز بگوید" این بخش کنایه ایست به:

۱. "وحش" در کتاب دانیال ۷:۸، ۱۱، ۲۰، ۲۵؛ ۱۱:۳۶
۲. آنتیوخوس چهارم اپیفانس دانیال ۸: I Macc 1:24
۳. "گناه مرد بی دین" در ۲ تسالونیکیان ۲:۴
۴. ابراز انزجار از ویرانی در متی ۱۴:۱۵، که اشاره به حمله و تخریب اورشلیم در سال ۷۰ پس از میلاد توسط فرمانده رومی و سپس امپراتور تیتوس گردید.

این مثال خوبی برای مشاهده چگونگی تغییر تمرکز تاریخ از این نمادها است. در کتاب دانیال ۸ به آنتیوخوس چهارم اپیفانس اشاره شده است؛ در متی ۲۴ به تخریب اورشلیم در سال ۷۰ پس از میلاد اشاره گردیده و در کتاب دانیال ۷ (و احتمالاً دانیال ۱۱:۳۶-۳۹) به فعال بودن دجال ضد مسیح اشاره شده است.

□ "چهل و دو ماه" این عدد اشاره مستقیم به دانیال ۷:۲۵ است. اولین بار این عدد در مکاشفه ۱۱:۲-۳ مطرح گردید. در آنجا استعاره ای بود برای نشان دادن دوره ای از محنت ایمانداران. به موضوع خاص در مکاشفه ۱۱:۲ و مراجعه نمایید.

۶:۱۳ "دهان خود را به کفرگویی بر خدا گشود" در این آیه دو یا سه مرحله کفرگویی علیه نام خدا، خیمه ی خدا و قوم خدا وجود دارد. شناسایی آن بستگی به چگونگی ترجمه این عبارت یونانی دارد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۳:۷-۱۰

۷ به او اجازه داده شد با مقدسین بجنگد و بر آنها پیروز شود؛ و به او اقتدار بر هر طایفه و ملت و زبان و قوم داده شد. ^۸ همه ساکنان زمین آن وحش را خواهند پرستید - همه آن کسان که نامشان در آن دفتر حیات نیامده که از آن بره است که از بدو آفرینش جهان ذبح شده بود. ^۹ آن که گوش دارد بشنود: اگر کسی می باید به اسارت برود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی می باید به شمشیر کشته شود، به شمشیر کشته خواهد شد. این پایداری مقدسین را می طلبد و ایمان آنان را.

۷:۱۳ "به او اجازه داده شد با مقدسین بجنگد و بر آنها پیروز شود" این یک ضمیر اشاره مجهول آتوریستی و یک مصدر فاعل آتوریستی می باشد. دلالت حالت مجهول بر این است که خداوند اجازه این رخداد را صادر نموده است. درک ما از آنچه که در پس این جمله است، عاجز می باشد اما از کتاب مکاشفه اینگونه بر می آید که خداوند بر تاریخ احاطه دارد. این نبرد بر علیه مقدسین او در کتاب دانیال ۷:۲۱، ۲۵ ذکر گردیده و اشاره به مرگ فیزیکی قوم خدا دارد. زمانی است که دشمن به ظاهر پیروز می گردد (همچون سواره نظام)، اما کتاب های مکاشفه و دانیال به ما می آموزند که این پیروزی پایدار نخواهد ماند! توجه داشته باشید که قوم خدا از خشم او مصون هستند، اما از خشم وحش و ابلیس و پیروانش در امان نخواهد بود. خداوند برای بر ملا شدن ماهیت و نیت ابلیس به او اجازه پیروزی می دهد.

□ "مقدسین" به موضوع خاص در مکاشفه ۵:۸ رجوع نمایید.

□ "و به او اقتدار بر هر طایفه و ملت و زبان و قوم داده شد" این عبارت نشان دهنده اینست که: (۱) کتاب مکاشفه نیازمند تفسیر در حدی وسیعتر از پرداختن به امپراتوری روم بوده، زیرا که جنبه جهانی و دارای عباراتی منحصر بفرد است و یا (۲) فقط اشاره به رویدادهای یک امپراتوری وسیع دارد.

۸:۱۳ "همه ساکنان زمین" این بخش بازگشت دوباره به اشارات به بی‌ایمانان در کتاب مکاشفه می‌باشد (مکاشفه ۳:۱۰؛ ۶:۱۰؛ ۸:۱۳؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۸).
۱۲، ۱۴:۱۷:۸).

□ "همه آن کسان که نامشان در آن دفتر حیات نیامده که از آن بره است که از بدو آفرینش جهان ذبح شده بود" به لحاظ همگام‌سازی مشخص نیست که آیا عبارت "از بدو آفرینش جهان" در کنار (۱) "نام ما نوشته شده" (RSV, NRSV, TEV, NJB) و ۸:۱۷؛ افسسیان ۴:۱) در نظر گرفته شود و یا (۲) "بره در حال ذبح شدن" (KJV, NKJV) و ۱ پطرس ۱:۱۹-۲۰). ترتیب قرار گرفتن لغت در این متن در مکاشفه ۸:۱۷ گویای این امر است که عبارت احتمالاً نام‌های نوشته شده در دفتر حیات را، حتی پیش از آفرینش تعریف می‌کند!

عبارت "ابتدای آفرینش جهان" ده‌ها بار در عهد جدید بکار برده شده است (متی ۲۵:۳۴؛ یوحنا ۱۷:۲۴؛ افسسیان ۴:۱؛ ۱ پطرس ۱:۱۹-۲۰). همچنین عبارات مشابهی در متی ۱۳:۳۵؛ لوقا ۱۱:۵۰؛ عبرانیان ۴:۳؛ ۹:۲۶ و مکاشفه ۸:۱۷ وجود دارد. تلفیق این عبارات نشان دهنده فعالیت‌های احیا کننده خدا از پیش از آفرینش جهان است. ایمانداران در راه مسیح امن خواهند بود (مکاشفه ۴:۱۱؛ ۱:۱۱؛ ۸:۱۳). کارهای ابلیس توسط خداوندی پادشاه محدود شده است (هم به لحاظ تعداد استفاده از افعال مجهول در این فصل و هم محدودیت زمان). این وضعیت در کوتاه مدت خیلی بد بنظر می‌رسد، اما از زاویه‌ای بزرگتر باید به این تصویر نگریست!

□ "دفتر حیات" ما از کتابهای دانیال ۷:۱۰ و مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵ دریافتیم که دو دفتر بصورت استعاره در ارتباط با سرنوشت بشریت، ذکر شده‌اند:

۱. دفتر حیات، که شامل نام‌های افرادی است که خدا را شناخته (عهد عتیق) و عیسی را در قلب خود پذیرفته‌اند (عهد جدید) [خروج ۳۲:۳۲-۳۳؛ مزمور ۶۹:۲۸؛ دانیال ۱۲:۱؛ اشعیا ۴:۳؛ ۱۶:۳۴؛ لوقا ۱۰:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۴؛ عبرانیان ۱۲:۲۳؛ مکاشفه ۸:۱۳؛ ۸:۱۷؛ ۱۵:۲۰؛ ۲۱:۲۷]
۲. دفتر کردار بشریت، که اعمال بشر را ثبت کرده است، هم مثبت و هم منفی (مزمور ۵۶:۸؛ ۱۳۹:۱۶؛ اشعیا ۵۶:۶؛ ملاکی ۳:۱۶).

البته روشن است که این دفاتر، استعاره هستند، اما یقیناً قابلیت خدا را در شناسایی آنانی که متعلق به او بوده و آنانی را که او را انکار کرده‌اند، تعریف می‌کند (غلاطیان ۶:۷).

□ "ذبح شده بود" به یادداشت ۵:۱۲ مراجعه نمایید.

۹:۱۳ "آن که گوش دارد بشنود" این موضوعی تکراری در نامه‌های هفت کلیسا می‌باشد (مکاشفه ۲:۷، ۱۷:۳؛ ۶:۱۳، ۲۲). این موضوع، همچون سایر عبارات در مکاشفه ۹:۱۳-۱۰؛ بصورت جمله شرطی نوع اول نوشته شده، که بنظر می‌رسد با توجه به نیت ادبی اصلی نویسنده، کاملاً صحیح بکار رفته باشد. این حقیقت که این عبارات مرتبط با کلیساها می‌باشند، بنظر نشان دهنده مورد خطاب قرار دادن قوم خدا در عبارت بعدی (آیه ۱۰) می‌باشد.

۱۰:۱۳ این آیه ممکن است اشاره‌ای باشد به ارمیا ۱۵:۲ یا ۴۳:۱۱، که سخن از داوری خداوند می‌گوید. چندین نسخه خطی یونانی در ارتباط با فعل "کشتن" وجود دارد. این امر باعث بوجود آمدن ترجمه‌های گوناگون از این آیه شده است.

۱. نسخه‌های **KJV** و **NKJV** این دو عبارت را به آزاردهندگان قوم خدا نسبت می‌دهند
۲. نسخه‌های **RSV** و **NRSV** بند اول را به مسیحیان تحت ستم و بند دوم را به آزاردهندگان ضد خدا نسبت می‌دهد.
۳. ترجمه سوم دیگری نیز متصور است (**TEV** و **NJB**) که هر دو بند را به مسیحیان ستم‌دیده منتسب می‌کند.

این واقعیت که مغایرت‌های زیادی در ترجمه‌ها وجود دارد، نشان دهند تردید زیاد است. روشن است که خداوند کنترل کننده تاریخ است. تنها این سوال باقی می‌ماند که این متن خطاب به چه کسی گفته شده است.

۱. به مسیحیان به منظور تشویق آنان به حفظ ایمانشان (متی ۲۶:۵۲؛ فیلیپیان ۱:۲۸)
۲. به آزاردهندگان به منظور هشدار به آنان که روزی فرا خواهد رسید تا در مقابل خداوند بابت انتخابها و کارهایی که انجام داده‌اند، پاسخگو خواهند بود

NASB "این پایداری و ایمان مقدسین است"

NKJV "این صبر و ایمان مقدسین است"

NRSV "مقدسین به ایمان و صبر فرا خوانده شده‌اند"

TEV "این قوم خدا را به پایداری و صبر فرا می‌خواند"

NJB "به این دلیل است که مقدسین باید ایمان و پایداری داشته باشند"

مکاشفه ۹:۱۳ و انتهای مکاشفه ۱۰:۱۳ نشان می‌دهد که این عبارات باید اشاره به قوم خدا داشته باشند (متی ۲۶:۵۲). همچنین این آیه معرف ایمانداران حقیقی نیز می‌باشد (مکاشفه ۱۴:۱۲؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۷). این ایمانداران تشویق می‌شوند که تا آخر به ایمان خود پایبند باشند (مکاشفه ۲:۳، ۷، ۱۱،

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۸

۱۱ آنگاه دیدم وحشی دیگر از زمین بیرون می‌آید. همچون بره دو شاخ داشت ولی مانند اژدها سخن می‌گفت. ۱۲ با تمام اقتدار وحش اول و به نام او عمل می‌کرد، و زمین و ساکنانش را به نیایش وحش اول که زخم مهلکش بهبود یافته بود، برمی‌گماشت. ۱۳ آیات عظیم از او به ظهور می‌رسید و حتی موجب می‌شد پیش چشم مردم آتش از آسمان بر زمین فرو بآرد. ۱۴ به سبب آیاتی که اجازه داشت به حضور آن وحش به ظهور آورد، ساکنان زمین را بفریفت و به آنها دستور داد تمثالی از آن وحش بسازند که به شمشیر زخم خورده، اما همچنان زنده بود. ۱۵ به او قدرت داده شد که جان در تمثال آن وحش بدمد تا آن تمثال بتواند سخن بگوید و اسباب کشتن همه آن کسان را فراهم آورد که از پرستش تمثال سر باز می‌زدند. ۱۶ همچنین، همه کسان را، از خرد و بزرگ، دارا و نادار، و غلام و آزاد واداشت تا بر دست راست خود یا بر پیشانی خویش علامت گذارند. ۱۷ تا هیچ‌کس نتواند بدون آن علامت بخرد یا بفروشد، و آن علامت یا نام آن وحش بود، یا شماره نام او. ۱۸ و این حکمت می‌طلبد. هر که بصیرت دارد، بگذار تا عدد آن وحش را محاسبه کند، چرا که آن، عدد انسان است. و عدد او ششصد و شصت و شش است.

۱۱:۱۳ "آنگاه دیدم وحشی دیگر از زمین بیرون می‌آید" این بخش اشاره‌ای است به دانیال ۷:۱۷. بسیاری از مفسرین بر این باور هستند که این دو هیولا (وحش) به تقلید از دو شاهد خدا در مکاشفه ۱۱:۱۳-۱۴ بکار برده شده‌اند، در حالیکه دیگر مفسران معتقدند که اژدها و دو وحش، کنایه از تثلیث می‌باشند. در حالیکه وحش دریایی، خدای بلایای آبی در عهد باستان اشاره‌ای به لویاتان (یا لوتان) می‌باشد (ایوب ۴۱:۱-۳۴)، پس وحش خشکی (با توجه به اسطوره‌شناسی شرق باستان، بهیچوجه نمیتوان این هیولا را دایناسور فرض کرد) نیز اشاره به بحموت، خشکی مورد بحث دارد (ایوب ۴۰:۱۵-۲۴). این هیولاها نماد ابلیس و شورش کننده بر ضد نظم آفرینش خداوند هستند (مزمور ۷۴:۱۲-۱۴؛ ایوب ۳:۸؛ اشعیا ۵۱:۹-۱۱؛ عاموس ۹:۳). در برخی بخش‌ها لویاتان، زهب نامیده شده است (بمعنی "چیز پیچیده در هم"، مار، اشعیا ۵۱:۹). در قسمت‌های دیگر، زهب نامی است برای مورد خطاب قرار دادن مصر (نیل، رود پیچ در پیچ، مزمور ۸۷:۴؛ اشعیا ۳۰:۷ و احتمالاً حزقیال ۳۲، بویژه مکاشفه ۱۳:۲-۳).

□ "همچون بره دو شاخ داشت ولی مانند اژدها سخن می‌گفت" روشن است که منظور از بره، عیسی مسیح است (مکاشفه ۵:۶). صدا و/یا پیام او ماهیت واقعی شخصیت او را عیان می‌کند. کمی دیگر که در کتاب مکاشفه جلورویم، خواهیم دید که همیشه وحش دوم اشاره به پیامبران دروغین دارد (مکاشفه ۱۶:۱۳؛ ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۲۰؛ ۱۰). او بدنبال جلال خود نیست، بلکه جهانیان را بخدمت گرفته تا وحش را پرستش نمایند (مکاشفه ۱۳:۱۲). این تقلیدی مضحک است از اعمال روح القدس (یوحنا ۱۳-۱۶) برای معرفی عیسی مسیح. پس در اینجا تثلیثی غیرمقدس خواهیم داشت:

۱. شیطان بعنوان مقلد خدای پدر

۲. وحش دریایی بعنوان مقلد خدای پسر

۳. وحش خشکی بعنوان خدای روح

۱۳:۱۳ "با تمام اقتدار وحش اول و به نام او عمل می‌کرد" انتظار بر این بود که معلمین دروغین بتوانند معجزه کرده و بتوانند حتی گمراه را هدایت کنند، اگر چنین امری ممکن بود (متی ۲۴:۲۴؛ مرقس ۱۳:۲۲؛ ۲ سالونیکیان ۲:۹-۱۱؛ دیداکه ۱۶:۳-۴). معجزات فی‌نفسه نشانه‌ای از جانب خداوند محسوب نمی‌گردند (خروج ۸:۷-۱۳). این نیز تقلید ناشیانه دیگری از مأموریت مسیح می‌باشد.

□ "حتی موجب می‌شد پیش چشم مردم آتش از آسمان بر زمین فرو بآرد" این بخش از آیه شبیه داستان ایلیا در ۱ پادشاهان ۱۸:۳۸ است، که می‌تواند مضمین جزعیات دو شاهد در مکاشفه ۱۱:۵ باشد. در عین حال می‌تواند اشاره به آتشی باشد که بمنظور داوری خداوند در حزقیال ۲۲:۳۸ یا ۶:۲۹ فرود آمده است. عبارتی تقلید دیگری است از:

۱. دو شاهد

۲. کارهای خدا در عهد عتیق

۳. پنطیکاست در اعمال رسولان ۲

۱۴:۱۳ "که به شمشیر زخم خورده، اما همچنان زنده بود" واژه "زخم" (*Plēge*)، مکاشفه ۱۳:۳، ۱۲، ۱۴) در کتاب مکاشفه اغلب "بلا" ترجمه شده است (۱۸:۹، ۲۰؛ ۱۱:۶؛ ۱۰:۱۵؛ ۶، ۸، ۹؛ ۱۶:۹، ۲۱؛ ۴:۱۸؛ ۸؛ ۲۱:۹؛ ۲۲:۱۸). پانویس‌های نسخه NRSV شامل موارد زیر می‌باشد

۱. برای مکاشفه ۱۳:۳ "بلای مرگ"

۲. برای مکاشفه ۱۳:۱۲ "که بلای مرگ او"

۳. برای مکاشفه ۱۳:۱۴ "که از شمشیر زخمی حاصل شد"

از لحاظ الهیاتی، مقصود از چنین ترجمه‌هایی نشان دادن این امر مهم است که دجال ضد مسیح، یک شخص نبوده، بلکه نظام جهانی است. این عبارت می‌تواند بصورت استعاره برای قضا و قدر یا یک بلا بکار برده شود (BAGD، صفحه ۶۷۴)، اما معنی اولیه آن ضربت یا زخم است. عبارتی که بدنبال آن آمده، "اما همچنان زنده بود"، نشان می‌دهد که "زخم" ترجمه مناسبی در ارتباط با وحش برای این آیه نیست. ایده دجال ضد مسیح و ضد خدا که رهبری اقوام سرکش عهد عتیق را برعهده دارد، در کتابهای حزقیال ۳۸-۳۹؛ زکریا ۱۴؛ دانیال ۷: ۲۱-۲۷؛ ۹: ۲۴-۲۷؛ ۳۹: ۱۱-۳۶ و همچنین در Sbylline Oracles, Book III, Esdras 5:4, 6, Baruch XL و همچنین در عهد جدید ۲ تسالونیکیان ۲: ۳، ۸-۹ پیشگویی شده است.

۱۵:۳ "به او قدرت داده شد که جان در تمثال آن وحش بدمد" این وحش در جای دیگر، پیامبر دروغین نامیده شده است (مکاشفه ۱۶: ۱۳؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۱۰). شاید استعاره‌ای برای تزریق جان (در زبان عبری *rauh* بمعنی دم یا روح است) بمنظور حرکت است (حزقیال ۳۷).

۱۶:۱۳ "بر دست راست خود یا بر پیشانی خویش علامت گذارند" در حالیکه مقدسین توسط خداوند در مکاشفه ۳: ۷ مهر زده شده‌اند (مکاشفه ۱۳: ۱۶؛ ۹: ۱۴)، در اینجا ابلیس شریر از کار خداوند تقلید می‌کند. واژه یونانی از یک نوع حیوان یا مهری بر روی سند حکومتی سخن می‌گوید. بدلیل مکان این علامت، برخی از مفسرین موارد زیر را درباره آن متصور هستند:

۱. علامت انحراف یهودی
۲. علامتی که به فرهنگ رومی در قرن اول ارتباط دارد، که مطابق آن نام بردگان بر آنان داغ گذاری می‌شد
۳. خالکوبی سربازان به منظور پاس‌داشت فرمانده خود

۱۷:۱۳ علامت وحش ارتباط با تهیه آذوقه و احتمالاً بکارگیری کارگران داشته است. قوم خدا از سختیهای اقتصادی در امان نبودند.

۱۷:۱۳-۱۸ "شماره نام او" زبانهای باستانی از ترتیب الفبای خود برای اعداد نیز بهره می‌بردند. در حالیکه اعداد نام عبری عیسی ۸۸۸ را نشان می‌دهند (Sibylline Oracles, 1.1324)، نام وحش، تجسم شیطان نیز ۶۶۶ را نشان می‌دهد. عدد شش که یک شماره از عدد کامل هفت کمتر است (پیدایش ۱: ۱-۳: ۲)، هفت روز آفرینش؛ سه بار در قالب صفت برترین عبری تکرار شده است (اشعیا ۶: ۳؛ ارمیا ۴: ۷).

همچنین این احتمال وجود دارد که از آنجاییکه عدد شش، یک عدد انسانی می‌باشد، ممکن است اشاره به شخصیت‌پردازی هر یک از سه نامقدس ازدها (شیطان)، وحش دریایی (ضد مسیح) و وحش خشکی (پیامبر دروغین) داشته باشد. اینگونه بنظر من می‌رسد که اولین وحش نماد یک نظام سیاسی ضد خدا و دومین وحش نماد یک نظام مذهبی ضدا خدا است. در فصل ۱۷ ما بسوی فاحشه‌ای بزرگ می‌رویم که خلاصه یک نظم جهانی ضد خدا از کتاب دانیال ۷ می‌باشد. چه بابل باستانی باشد، چه روم قرن اول و چه ترکیب یک پادشاهی در پایان عصر، نشان می‌دهد که تاریخ بشر بسوی تضاد بزرگی میان "خدای ساختگی این دنیا" (۲قرننیا ۴: ۴) و علاقمندان، در برابر خداوند خالق هستی و مسیح او در حال حرکت است (مزامیر ۲).

۱۸:۱۳ "عدد او ششصد و شصت و شش است" درباره اینکه این عدد به چه کسی اشاره دارد، هیچ اجماعی وجود ندارد. به نظر من بهترین نظریه‌هایی که در اینباره وجود دارند به شرح زیر می‌باشند:

۱. از آنجاییکه در نسخه‌های خطی مغایرت‌هایی میان ۶۶۶ و ۶۱۶ وجود دارد، احتمال دارد نرون کایسر بکار برده شده باشد. حروف یونانی ترجمه شده به عبری برابر با ۶۶۶ و حروف یونانی ترجمه شده به لاتین عدد ۶۱۶ را نشان می‌دهد.
۲. از آنجاییکه سه بار تکرار صفت برترین در زبان عبری محسوب می‌شود، ۶۶۶ می‌تواند بمعنی شریرترین فرد باشد
۳. از آنجاییکه در متن از یک تقلید بر اساس تثلیث صحبت شده، سه فرد آسمانی در عدد ۷۷۷ بازتاب داده می‌شوند، در حالیکه سه فرد جعلی و غیر مقدس در ۶۶۶ نمود یافته‌اند.

دیدگاه‌های متنی درباره مکاشفه ۱: ۱۴-۲۰

A. ممکن است که مکاشفه ۱۴ پاسخی به معرفی شیطانی باشد که در مکاشفه ۱۲ و ۱۳ غوطه‌ور است. من مطمئنم که برای خوانندگان این سوال بوجود می‌آید که در طول این دوران وحشتناک محنت، چه بر سر مقدسین آمده است.

B. برخی از مفسرین در مکاشفه ۱۴: ۶-۲۰ ساختار ادبی دیگری از "هفت" را مشاهده کرده‌اند. مجموعه‌ای از هفت فرشته وجود دارد، اما به لحاظ الهیاتی این ساختار بنظر مهم نمی‌باشد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۴-۵

آنگاه همین که نظر کردم، آن بره را دیدم بر کوه صهیون ایستاده با یکصد و چهل و چهار هزار تن که نام او را و نام پدر او را بر پیشانی نوشته داشتند. ^۲ و صدایی از آسمان شنیدم پرخروش چون آبهای پرشتاب؛ و غرآن چون رعد؛ آن صدا که شنیدم به صدای چنگ نوازان می‌مانست آنگاه که چنگ بنوازند. ^۳ و سرودی تازه سر دادند در پیشگاه آن تخت و در حضور آن چهار موجود زنده و آن پیران. و آن سرود را هیچ کس نتوانست بیاموزد، مگر آن یکصد و چهل و چهار هزار تن که از میان زمینیان خریده شده بودند. ^۴ اینان همان کسانی بودند که خود را آلوده زنان ساختند، زیرا که باکره‌اند. اینان راه بره را دنبال می‌کنند هر کجا که برود. اینان از میان آدمیان خریده شدند و به عنوان نوبر بر خدا و بره عرضه شدند. ^۵ هیچ دروغی در دهانشان یافت نشد. اینان بری از هر عیبند.

۱:۱۴ "بره" بوضوح مسیحا می‌باشد (مکاشفه ۵:۶، ۸، ۱۲-۱۳؛ اشعیا ۵۳:۷؛ یوحنا ۱:۲۹، ۳۶؛ ۱ پطروس ۱:۱۸-۱۹).

□ "بر کوه صهیون ایستاده" نظریه‌های گوناگونی درباره این عبارت وجود دارد.

۱. منظور کوه موریآ و محدوده معبد در اورشلیم می‌باشد (اشعیا ۲۴:۲۳؛ یوئیل ۲:۳۲)
 ۲. منظور اورشلیم آسمانی می‌باشد (عبرانیان ۱۱:۱۰، ۱۶؛ ۱۲-۲۲؛ ۲۳-۱۳؛ غلاطیان ۴:۲۶)
 ۳. نمادی است در کتاب غیرشریعتی II Esdras 2:42-47; 13:35, 39-40
 ۴. اشاره به آیات عهد عتیقی که سخن از گردآمدن قوم خدا در پایان دنیا دارد (مزمور ۴۸؛ اشعیا ۲۴:۲۳؛ یوئیل ۲:۳۲؛ میکاه ۴:۱، ۷؛ عوبدیا ۱۷:۱، ۲۱)
 ۵. پشت صحنه، همچون ده‌ها آیات دیگر در این بخش، مزمور ۲، بخصوص مکاشفه ۱:۱۴ قرار دارد.
- بخاطر داشته باشید که مفسران هر یک از این تصورات را به موارد زیر مرتبط می‌کنند
۱. آیات عهد عتیقی یا مکانهای فلسطینی
 ۲. ادبیات زیر و رو کننده در دو عهد عتیق و جدید
 ۳. تاریخ رومی-یونانی در قرن اول

برای من این رویاهای عتیقی با فصل ۶ شروع شده و به قوم خدا در عهد جدید (یهودیان و غیر یهودیان ایمانداران)، قدوسین و کلیسا ارتباط می‌یابند (عبرانیان ۸:۲؛ ۹:۱۱، ۲۴).

□ "با یکصد و چهل و چهار هزار تن" این همان گروه دوباره به حیات بازگشته در مکاشفه ۵:۹، یا ممهور شده در مکاشفه ۷:۴-۸ (به یادداشت کامل در مکاشفه ۷:۴ رجوع نمایید)؛ یا آنان که با خون بره در مکاشفه ۷:۱۴-۱۷ شسته شدند، می‌باشد. بنابراین، به باور من، این عدد نمایانگر قوم خدا در عهد جدید، قدوسین و کلیسا می‌باشد. برای مطالعه یادداشت کامل درباره هویت ۱۴۴۰۰۰ نفر، به مکاشفه ۷:۴ مراجعه نمایید. در منابع اولیه آنها محافظت شده بودند اما با اینحال هنوز تحت ستم بودند، ولی در اینجا پیروزمند گردیدند!

□ "نام او را و نام پدر او را بر پیشانی نوشته داشتند" این بخش از آیه به یک نام اشاره دارد یا دو نام؟ ممکن است اشاره به عنوان اشعیا ۹:۶ داشته باشد، که هم به پدر و هم به پسر ارتباط پیدا می‌کند. اینان همان افرادی هستند که مهر زده شده و به خدا تعلق یافته‌اند (مکاشفه ۷). به یادداشت مکاشفه ۷:۲ رجوع نمایید.

۲:۱۴ "صدایی از آسمان شنیدم پرخروش چون" عبارتی با این جزئیات برای نشان دادن صدای خدا در حزقیال ۲:۳۴، صدای عیسی در مکاشفه ۱:۱۵ و صداهای آسمانی در مکاشفه ۱۹:۶ بکار برده شده است. اغلب به این منظور تأکید این امر بوده که سخنگو از سوی بهشت می‌باشد (مکاشفه ۴:۵؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۶:۸).

۳:۱۴ "سرودی تازه سر دادند در پیشگاه آن تخت" این بخش از آیه اشاره‌ای است به مکاشفه ۵:۹. "سر دادند" می‌تواند اشاره به (۱) مخلوقات دنیای فرشتگان که در مکاشفه ۵:۹ سرود می‌خوانند و (۲) سرود یک صد و چهل و چهار هزار نفری که در بخش پایانی مکاشفه ۱۴:۳ و ۱۵:۲ ذکر گردیده بود. این سرود جدید کنایه‌ای است به اشعیا ۴۲:۱۰ و احتمالاً مزمور ۳۳:۳؛ ۴۰:۳؛ ۹۶:۱؛ ۹۸:۱؛ ۱۴۴:۹؛ ۱۴۹:۱. عصر جدید وعده داده شده روح القدس فرا رسیده است!

□ "پیران" به موضوع خاص در مکاشفه ۴:۴ مراجعه شود.

□ "که از میان زمینیان خریده شده بودند" این عبارت یکی از مفاهیم عهد عتیق بابت بهای آزادی یکی از اعضای خانواده بکار برده می‌شود (*Go'el*، Ruth And Boaz). این جمله اشاره به کسانی دارد که عیسی بخاطر آنها مرد (مکاشفه ۵:۹؛ ۷:۱۴). به موضوع خاص: خون بها به مکاشفه ۵:۹ مراجعه شود.

۴:۱۴ "اینان همان کسانی که خود را آلوده زنان نساختند" درباره این آیه بحث‌های زیادی مطرح شده زیرا بنظر می‌رسد که این گروه، انتخاب شده از میان ۱۴۴۰۰۰ مرد فصل ۷ بوده باشند. با اینحال، من گمان می‌کنم که این عبارات یا بصورت نمادین مطرح شده‌اند و یا حداقل در واژگان عهد عتیق بوده و نباید جدی تلقی شوند. عبارت "آلوده نساختند" را به شیوه‌های گوناگون می‌توان درک کرد.

۱. اشاره مستقیم به تجرد و باکرگی زنان دارد
۲. اشاره به زناکاری معنوی با وحش یا فاحشه بزرگ دارد (مکاشفه ۸:۱۴؛ ۱۷:۲؛ ۱۸:۹)
۳. اشاره به زمانهای خاص که وقف هفت کلیسا شده دارد (مکاشفه ۲:۱۴، ۲۰، ۲۲؛ ۳:۴)
۴. اشاره به آیینهای تطهیر و غسل عهد عتیق برای جنگ یا پرستش دارد (خروج ۱۹:۱۴-۱۵؛ تثنیه ۲۳:۹-۱۰؛ سموئیل ۲:۱-۴؛ سموئیل ۶:۱۱-۱۳)
۵. می‌تواند کنایه‌ای به یکی از عناوین عهد عتیق برای قوم خدا داشته باشد، "دختر باکره صهیون" (۲ پادشاهان، ۲۱:۱۹؛ ارمیا ۱۳:۱۸؛ مراثی ارمیا ۲:۱۳؛ عاموس ۵:۲؛ ۲۰:۲؛ ۲۱:۱۱؛ افسسیان ۵:۲۷).

باید تصریح شود که آمیزش جنسی میان زوج‌های متاهل شامل فعالیت‌های غیرمعنوی نمی‌شود. آمیزش جنسی (در ازدواج) خواست خدا است، روش او برای زاد و ولد بر روی زمین، فرمان او می‌باشد (پیدایش ۱:۲۸؛ ۹:۱). مطمئناً تجرد برای بشارت دادن، از نعمات معنوی محسوب می‌گردد (۱ قرن‌تیان ۷)، اما تقدیس نمی‌گردد. ریاضت کشیدن به شیوه یونانی را نباید کلام انجیل دانست (همینطور فعالیت‌های جنسی پیش از ازدواج یا خارج از دایره زناشویی)!

□ "اینان راه بره را دنبال می‌کنند هر کجا که برود" این عبارات گویای شاگردی مسیح و خدمت به او است (یوحنا ۷:۱۷؛ ۱۰:۴).

□ "از میان آدمیان خریده شدند و به عنوان نوبر بر خدا" این عبارت در عهد عتیق برای نشان دادن عبادت تمام محصولات خداوند می‌باشد (خروج ۲۳:۱۹؛ ۳۴:۷۶). در عهد جدید این عبارات اشاره به کلیسا (عبرانیان ۱۲:۲۳؛ یعقوب ۱:۱۸) و قوم عیسی، که اولین محصول قیام مسیح می‌باشند، دارند (۱ قرن‌تیان ۱۵:۲۰، ۲۳؛ مکاشفه ۱:۵).

۵:۱۴ "هیچ دروغی در دهانشان یافت نشد" در رابطه با این استعاره چندین گمانه را می‌توان متصور شد:

۱. ارتباط دارند به عبارات مشابهی در مکاشفه ۲۷:۲۱ و ۱۵:۲۲ دارند
۲. ارتباط دارند به مراسم نیایش امپراتور در جایی که مسیحیان هرگز تن به فرمان آزاردهندگان خود برای گفتن "سزار ارباب است" ندادند.
۳. نماد فرو ریختن عهد عتیقی است (مزمور ۳۲:۲؛ صفتیا ۳:۱۳)
۴. می‌تواند مرجعی برای نشان دادن بی‌ایمانی باشد، آنگونه که در رومیان ۱:۲۵ و ۱ یوحنا ۲:۲۲ نشان داده شده است.

□ "اینان ببری از هر عیبند" منظور دقیقاً بدون هر عیب است (فیلیپیان ۳:۶). در اصل اشاره به قربانی کردن حیوانا دارد، اما در اینجا بصورت استعاره برای انسان بکار برده شده است (نوح، پیدایش ۶:۹، ۱۷ و ایوب، ایوب ۱:۱). در عبرانیان ۹:۱۴ و ۱ پطرس ۱:۱۹ به عیسی اطلاق گردیده است. راه دیگری است برای اشاره به شیوه زندگی همچون عیسی. شباهت داشتن به عیسی، خواست خدا برای قوم او است (لاویان ۱۹:۲؛ تثنیه ۱۸:۱۳؛ متی ۵:۴۸؛ ۱ پطرس ۱:۱۶).

موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزّه، بدون رسوایی

(Special Topic: Blameless, Innocent, Guiltless, Without Reproach)

A. کلام آغازین

۱. این مفهوم از نظر الهیاتی شرایط اصلی نوع بشر را توصیف میکند (یعنی کتاب پیدایش ۱، باغ عدن)
۲. گناه و شورش این حالت از رفاقت کامل را تخریب کرده است (یعنی پیدایش ۳)
۳. انسانها (زن و مرد) آرزوی احیا دوستی با خدا را دارند زیرا آنان از تصویر او و شبیه او خلق شده‌اند (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷)
۴. خدا با انسان گناهکار به طریق مختلف برخورد کرد
 - a. رهبران الهی (یعنی ابراهیم، موسی، اشعیا)
 - b. سیستم قربانی (لاویان ۱ الی ۷)

- c. مثالهای الهی (نوح و یعقوب)
۵. نهایتا خدا مسیح را فرستاد
- a. جهت مکاشفه کامل خودش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۷، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳)
- b. به عنوان یک قربانی کامل برای گناه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱)
۶. مسیحیان بی گناه شدند
- a. به طور قانونی از طریق پارسایی منتسب به مسیح (مراجعه شود به رومیان ۴: ۳، ۶، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، یعقوب ۲: ۲۳)
- b. به طور پیشرونده از طریق کار روح القدس (انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۱)
- c. هدف مسیحیت، همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۴، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، تیتوس ۲: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۵)، که در واقعیت احیا تصویر گم شده خدا در آدم و حوای سقوط کرده است.
۷. بهشت احیا کامل رفاقت باغ عدن است. بهشت اورشلیم جدید است که در حضور خدا به یک زمین پاک شده (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰) به پائین می آید (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۲۱). انجیل با یک موضوع آغاز و خاتمه می یابد.
- a. رابطه دوستانه صمیمانه با خدا
- b. در یک باغ (پیدایش ۱ الی ۲ و مکاشفه ۲۱ الی ۲۲)
- c. با بیان یک نبوت، و حضور و همراهی حیوانات (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۶ الی ۹)
- B. عهد عتیق
۱. بسیاری واژه‌های عبری وجود دارند که مفهوم کمال، بی گناه و معصوم را بیان میدارند، به طوری که به سختی میتوان آنها را نام برد و تمامی ارتباطات پیچیده میان آنها را گفت.
۲. اصطلاحات اصلی که مفهوم کمال، معصومیت یا بی گناهی را در بر می گیرند (بر طبق Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament*, صفحات ۹۴ الی ۹۹) به این شرح میباشند
- a. *shalom* (BDB1022, KB 1532)
- b. *thamam* (BDB1070, KB 1743)
- c. *calah* (BDB478, KB 476)
۳. ترجمه Septuagint (انجیل کلیسای اولیه) این مفاهیم عبری را به اصطلاحات یونانی کوین ترجمه میکند که در عهد جدید استفاده شده اند (به بند C در زیر مراجعه کنید).
۴. مفهوم کلیدی به سیستم قربانی کردن مرتبط است.
- a. *amōmos* (BDB 1071). مراجعه شود به خروج ۲۹: ۱، لاویان ۱: ۳ و ۱۰، ۳: ۱ و ۶، اعداد ۶: ۱۴)
- b. *amiantos* و *aspilus* همچنین مفهوم کلاسیک دارند
- C. عهد جدید
۱. مفهوم قانونی
- a. مفاهیم قانون کالتیک عبری ترجمه شده توسط *amōmos* (BDB 1071)، مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، اول پطرس ۱: ۱۹)
- b. مفاهیم قانونی یونانی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۸، کولسیان ۱: ۲۲)
۲. مسیح آن بیگناه، بی تقصیر و معصوم است (*amōmos*)، مراجعه شود به عبرانیان ۹: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۹)
۳. پیروان مسیح باید همانند او رفتار کنند (*amōmos*)، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، کولسیان ۱: ۲۲، دوم پطرس ۳: ۱۴، یهودا ۱: ۲۴، مکاشفه ۱۴: ۵)
۴. این مفهوم همچنین در مورد رهبران کلیسا استفاده میشود
- a. *anegklētos* "بدون متهم کردن" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۰، تیتوس ۱: ۶ الی ۷)
- b. *anepileptos* "فراتر از انتقاد" یا "هیچ مسئولیتی برای سرزنش وجود ندارد" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۲، ۵: ۷، ۶: ۱۴، تیتوس ۲: ۸)
۵. مفهوم "بدون شک" (*amiantos*) در موارد زیر استفاده میشود

- a. خود مسیح (مراجعه شود به عبرانیان ۷: ۲۶)
- b. میراث مسیحیان (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴)
۶. مفهوم "یکپارچگی" یا "یک صدایی" (*holoklēria*) (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۶، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، یعقوب ۱: ۴)
۷. مفهوم "بدون خطا"، "معصوم بی گناه" با *amemptos* بیان می‌شود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶، فیلیپیان ۲: ۱۵، ۳: ۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۳: ۱۳، ۵: ۲۳)
۸. مفهوم "سرزنش نمیشود" با *amōmētos* بیان میشود (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۴)
۹. مفهوم "بی عیب"، "بدون شک" اغلب در عباراتی استفاده می‌شود که دارای یکی از موارد فوق نیز هستند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۴، یعقوب ۱: ۲۷، اول پطرس ۱: ۱۹، دوم پطرس ۳: ۱۴)
- D. تعداد کلمات در زبان عبری و یونانی که این مفهوم را بیان می‌کنند اهمیت آن را نشان می‌دهد. خداوند ما را از طریق مسیح فراهم کرده است و اکنون از ما می‌خواهد مثل او باشد.

مؤمنان از لحاظ موقعیتی و قانونی از طریق کار مسیح «درست»، «صالح»، «بی تقصیر» اعلام می‌شوند. اکنون مؤمنان باید جایگاه خود را بدست آورند. "در نور گام بردارند زیرا او در نور است" (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷). "ارزش فرا خواندن برای قدم زدن دارد" (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷: ۵، ۲: ۱۵). عیسی تصویر خداوند را احیا کرد. دوستی صمیمانه اینک امکان پذیر است، اما به یاد داشته باشید که خداوند مردمی را میخواهد که منعکس کننده شخصیت او باشند، همانطور که پسر، در برابر دنیای گمراه و سقوط کرده رفتار کرد. ما به هیچ چیز کمتر از تقدس فرا خوانده نمی‌شویم (متی ۵: ۲۰، ۴۸: ۱؛ افسسیان ۱: ۴؛ اول پطرس ۱: ۱۳-۱۶). تقدس خدا، نه تنها به لحاظ قانونی، بلکه از نظر وجودی!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۴: ۶-۷

آنگاه فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان پرواز می‌کرد و انجیل جاودان با خود داشت تا ساکنان زمین را بشارت دهد، از هر قوم و طایفه و زبان و ملت که باشند. ^۷هم او به آواز بلند گفت: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت داوری او فرا رسیده است. او را بپرستید که آسمانها و زمین و دریا و چشمه‌ساران را او آفرید.»

۱۴: ۶ "فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان پرواز می‌کرد" در مکاشفه ۸: ۱۳ نیز فرشته دیگری در دل آسمان در حال پرواز بود، که گویای چیزی خوب و در حال جار زدن برای کل زمین است.

□ "انجیل جاودان با خود داشت تا ساکنان زمین را بشارت دهد" عبارت "انجیل جاودان" فقط در اینجا دیده می‌شود. شگفت انگیز است که در اینجا "انجیل" برای کسانی است که ساکن زمین هستند و این عبارت اغلب برای مکاشفه بی‌ایمانان بکار می‌رود. برخی از مفسران این عبارات را مکمل متی ۲۰: ۱۸-۲۰ و بخصوص متی ۲۴: ۱۴ و مرقس ۱۳: ۱۰ می‌دانند. محتوای این انجیل بسیار شبیه پیام یحییای تعمید دهنده (لوقا ۳: ۳-۱۴) یا وضعیت عیسی در مقابل ابلیس در متی ۴: ۱۰ می‌باشد. پیام داوری، عنصر مهم در این انجیل است. آیات ۶-۷ بسیار مهم می‌باشند، زیرا به ما نشان می‌دهند که تمام این داوری‌های اعمال شده از سوی خدا بر بشری که راه خود را گم کرده، بمنظور احیای مجدد او می‌باشد (مکاشفه ۹: ۲۰-۲۱؛ ۱۶: ۹، ۱۱). در مکاشفه ۱۴: ۱۲ ایمانداران راستین بعنوان کسانی شخصیت پردازی شده‌اند که (۱) فرامین خداوند را اجرا می‌کنند (وجه وصفی حال) و (۲) ایمان به مسیح را حفظ می‌کنند (وجه وصفی حال).

□ "از هر قوم و طایفه و زبان و ملت که باشند" به یادداشت مکاشفه ۱۰: ۱۱ مراجعه نمایید.

۷: ۱۴ "از خدا بترسید و او را جلال دهید" این یک جمله دستوری مجهول آنوریستی (*deponent*) و فاعل امری آنوریستی می‌باشد. در مکاشفه ۷: ۱۴ سه جمله دستوری آنوریستی وجود دارد. بشر دستور دارد که به خداوند در اجرای ایمان عملی، پاسخگو باشد (یوحنا ۱: ۱۲؛ رومیان ۱۰: ۹-۱۳). در کتاب مکاشفه ۱۳: ۱۱ بشر رانده شده از بهشت در ظاهر خدا را جلال می‌دهد، اما بسرعت توسط معجزات وحش در فصل ۱۳ از مسیر دور می‌گردد (شبیه الهیات مثل علفهای سمی در متی ۱۳: مرقس ۴: لوقا ۸).

□ "زیرا که ساعت داوری او فرا رسیده است" واژه "ساعت" در انجیل یوحنا اهمیت بسزایی دارد (یوحنا ۲: ۴؛ ۴: ۲۱، ۲۳؛ ۵: ۲۵، ۲۸؛ ۷: ۳۰؛ ۸: ۲۰؛ ۱۲: ۲۳، ۲۷؛ ۱۳: ۱؛ ۱۶: ۲۱، ۳۲؛ ۱۷: ۱). این واژه سخن از یک زمان آسمانی رویداد از پیش تعیین شده دارد (روز خدا، مکاشفه ۱۴: ۱۵ و ۱۵: ۹).

۱۰:۱۴ "آن کس نیز از شراب خشم خدا... خواهد نوشید" به لحاظ معنوی انسانها دو گزینه در پیش رو دارند، خداوند یا شیطان. عبارت یونانی خشم، *orgē* اشاره به "موقعیتی تحکیم شده" دارد. به یادداشت کامل در مکاشفه ۱۴:۷ مراجعه نمایید. کنایه به اشعیا ۵۱:۱۷ یا ارمیا ۲۵:۱۵-۱۶ (مکاشفه ۱۶:۱۹؛ ۱۹:۱۹) است. ایمانداران باید با خشم بابل روبرو شوند (مکاشفه ۸:۱۴)، اما بی‌ایمانان با خشم خداوند روبرو خواهند گردید (مکاشفه ۱۰:۱۴). چنین تلفیق عجیبی از واژگان این معنی را دارد که شراب خشم خداود با دیگر عناصر ترکیب گردیده تا بشدت سمی گردد، اما چنانچه شسته شود، خالص باقی خواهد ماند. عبارت "جام" در عهد عتیق اغلب برای داوری خدا بکار برده شده است (اشعیا ۵۱:۱۷، ۲۲؛ ارمیا ۲۵:۱۵-۱۷، ۲۷-۲۹؛ مزبور ۷۵:۸). عیسی بخاطر بشریت از شراب خشم خدا نوشید (مرقس ۱۴:۳۶). دنیای بی‌ایمان به عیسی ایمان نخواهد آورد، و لذا آنان خود از جام خواهند نوشید!

موضوع خاص: گرایش انجیل نسبت به الکل و سو استفاده از الکل

(Special Topic: Biblical Attitudes Toward Alcohol And Alcohol Abuse)

I. اصطلاحات انجیلی

A. عهد عتیق

1. *Yayin*، این اصطلاح کلی برای شراب است (BDB 406, KB 409)، که ۱۴۱ مرتبه تکرار شده است. ریشه‌یابی این اصطلاح نامشخص است زیرا ریشه آن عبری نیست. همیشه معنی آن آب میوه (معمولاً انگور) تخمیر شده است. برخی متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: پیدایش ۹:۲۱، خروج ۲۹:۴۰، اعداد ۵:۱۵ و ۱۰.
2. *Tirosh*، این اصطلاح یعنی "شراب تازه" (BDB 440, KB 1727). به واسطه شرایط آب و هوایی در خاور نزدیک، تخمیر از شش ساعت پس از گرفتن آب میوه شروع می‌شود. این اصطلاح به شرابی اشاره می‌کند در حین انجام فرایند تخمیر است. برخی از متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: تثنیه ۱۷:۱۲، اشعیا ۴:۱۸، اشعیا ۸:۶۲ الی ۹، یوشع ۴:۱۱.
3. *Asis*، بدیهی است که این نوشیدنی الکلی است ("شراب شیرین"، BDB 1016, KB 1500، مثلاً یوئیل ۵:۱، اشعیا ۴۹:۲۶).
4. *Sekar*، این اصطلاح یعنی "نوشیدنی قوی". ریشه عبری این اصطلاح در اصطلاح "مست" یا "می‌خواره" استفاده شده است. چیزی به آن اضافه شده تا بیشتر مست کند. این اصطلاح همسو با *yayin* است (مراجعه شود به امثال ۱:۲۰، ۳۱:۶، اشعیا ۷:۲۸).

B. عهد جدید

1. *Oinos*، معادل یونانی *yayin*
2. *Neos oinos*، (شراب تازه)، معادل یونانی برای *Tirosh*، (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲:۲۲)
3. *Gleuchos vinos*، (شراب شیرین، *asis*)، شرابی که در مراحل اولیه تخمیر است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۱۳)

II. استفاده انجیلی

A. عهد عتیق

1. شراب هدیه خداست (پیدایش ۲۷:۲۸، مزبور ۱۴:۱۰۴ الی ۱۵، امثال ۷:۹، یوشع ۸:۲ الی ۹، یوئیل ۱۹:۲ و ۲۴، عاموس ۱۳:۹، زکریا ۷:۱۰)
2. شراب یکی از تقدیمی‌های مراسم قربانی کردن است (خروج ۲۹:۴۰، لاویان ۱۳:۲۳، اعداد ۷:۱۵ و ۱۰، ۲۸:۱۴، تثنیه ۲۶:۱۴، داوران ۹:۱۳)
3. شراب به عنوان دارو استفاده می‌شود (دوم سموئیل ۲:۱۶، امثال ۳۱:۶ الی ۷)
4. شراب می‌تواند یک مشکل جدی باشد (نوح- پیدایش ۹:۲۱، لوط، پیدایش ۱۹:۳۳ الی ۳۵، شمعون- داوران ۱۶، نابال- اول سموئیل ۲۵:۲۶، اوریا- دوم سموئیل ۱۱:۱۳، امنون- دوم سموئیل ۱۳:۲۸، ایله- اول پادشاهان ۱۶:۹، بنهدد- اول پادشاهان ۲۰:۱۲، رهبران- عاموس ۶:۶، و زنان- عاموس ۴)
5. شراب می‌تواند مورد سو استفاده قرار گیرد (امثال ۱:۲۰، ۲۳:۲۹ الی ۳۵، ۳۱:۴ الی ۵، اشعیا ۱۱:۵ و ۲۲، ۱۹:۱۴، ۲۸:۷ الی ۸، یوشع ۴:۱۱)
6. شراب برای گروه‌های خاصی ممنوع شده است (کشیشان در حال خدمت، لاویان ۹:۱۰، حزقیال ۲۱:۴۴، ناصریان، اعداد ۶، و حاکمان، امثال ۳:۴ الی ۵، اشعیا ۵۶:۱ الی ۱۲، یوشع ۷:۵)
7. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (عاموس ۹:۱۳، یوئیل ۳:۱۸، زکریا ۹:۱۷)

B. سایر نگرشها

1. در برقراری میانه روی بسیار کمک کننده است (جامعه ۲۷:۳۱ الی ۳۳)

۲. روحانیون می‌گویند "شراب بهترین داروها است، هر جا که شراب نباشد، به دارو نیاز است" (BB 58b)

C. عهد جدید

۱. عیسی حجم زیادی از آب را به شراب تبدیل کرد (انجیل یوحنا ۲:۱ الی)
۲. عیسی شراب نوشید (انجیل متی ۱۱:۱۸ الی ۱۹، انجیل لوقا ۷:۳۳ الی ۳۴، ۱۷:۲۲)
۳. پطرس متهم به مستی با شراب تازه در پنتیکاست شد (اعمال رسولان ۲:۱۳)
۴. شراب می‌تواند به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرد (انجیل مرقس ۱۵:۲۳، انجیل لوقا ۳:۴، اول تیموتائوس ۵:۲۳)
۵. رهبران نباید سواستفاده‌گر باشند. این بدین معنی نیست که باید طرفدار منع استفاده از الکل باشند (اول تیموتائوس ۳:۳ و ۳:۸، تیتوس ۱:۷، ۲:۳، اول پطرس ۴:۳)
۶. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (انجیل متی ۲۲:۱، مکاشفه ۱۹:۹)
۷. مستی پشیمانی است (انجیل متی ۲۴:۴۹، انجیل لوقا ۱۲:۴۵، ۲۱:۳۴، اول قرنتیان ۵:۱۱ الی ۱۳، ۶:۱۰، غلاطیان ۵:۲۱، اول پطرس ۴:۳، رومیان ۱۳:۱۳ الی ۱۴)

III. بینش الهیاتی

A. تنشها و جدلها

۱. شراب هدیه خدا است
 ۲. مستی مشکل اساسی است
 ۳. مومنین در برخی از فرهنگها باید به خاطر انجیل آزادیهای خود را محدود کنند (انجیل متی ۱۵:۱ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷:۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸:۱۰، رومیان ۱۴)
- B. گرایش در عبور از مرزها
۱. خدا منشا همه خوبیها است

۱. غذا، انجیل مرقس ۷:۱۹، انجیل لوقا ۱۱:۴۴، اول قرنتیان ۱۰:۲۵ الی ۲۶
۲. همه چیز پاک است، رومیان ۱۴:۱۴ و ۲۰، اول تیموتائوس ۴:۴
۳. همه چیز مجاز است، اول قرنتیان ۶:۱۲، ۱۰:۲۳
۴. همه چیز خالص است، تیتوس ۱:۱۵
۲. انسان سقوط کرده از تمامی هدایای خدا با فرارفتن از مرزها و محدودیتها، سو استفاده کرده است
- C. سو استفاده در ما است، نه در چیزها. در خلقت هیچ چیز شیطانی وجود ندارد

IV. فرهنگ یهودیت قرن اول و تخمیر

- A. تخمیر خیلی سریع آغاز می‌شود، تقریباً شش ساعت بعد از اینکه انگور له شد
- B. آداب یهود می‌گوید وقتی کف نازکی بر روی سطح ظاهر شد (به نشانه تخمیر)، تبدیل به شراب شده است (ما آسروت ۷:۱). به این "شراب تازه" یا "شراب شیرین" گفته می‌شود.
- C. تخمیر اولیه پس از یک هفته کامل می‌شود.
- D. تخمیر ثانویه حدود ۴۰ روز به طول می‌انجامد. در این مرحله به آن "شراب کهنه" گفته می‌شود و می‌توان آن را به محراب تقدیم کرد (ادهویوت ۶:۱)
- E. شرابی که با ته‌نشین آن باشد (شراب قدیمی) شراب خوب تلقی می‌شود، ولی باید قبل از استفاده از به خوبی صاف و تصفیه شود.
- F. شراب یک سال پس از تخمیر به خوبی عمل می‌آید. سه سال بیشترین مدتی است که می‌توان شراب را نگاهداری کرد. در این مدت به آن شراب قدیمی گفته می‌شود و باید با آب رقیق گردد.
- G. فقط طی ۱۰۰ سال گذشته در محیط‌های استریل و مواد افزودنی شیمیایی می‌توان مدت زمان تخمیر را به تعویق انداخت. در دوران قدیم نمی‌توانستند فرایند تخمیر را متوقف سازند.

V. جمع‌بندی

- A. اطمینان حاصل کنید که تجربه، الهیات و تفسیر انجیلی عیسی و فرهنگ یهودی/مسیحی قرن اول را کم‌بها نمی‌کند. بدیهی است که آنها به طور کامل طرفدار منع مصرف مشروبات الکلی نبودند.

- B. من مدافع مصرف الکل نیستم! با این وجود، بسیاری شاهد موضع‌گیری انجیل در این خصوص هستند و اینک ادعای ارجحیت بر رسوم فرهنگی را دارند.
- C. از نظر من، رومیان ۱۴ و اول قرن‌تینان ۸:۱۰ بینش و خط مشی بر اساس محبت و رفاقت برای مومنین ارائه کرده‌اند و انجیل را در فرهنگ ما نشر کرده‌اند، نه آزادی فردی یا داوری انتقادی را. اگر انجیل تنها مرجع ایمان و تجربه است، پس شاید ما باید در مورد این مسئله مجدداً فکر کنیم.
- D. اگر ما کلاً منع مصرف الکل را اراده خدا بدانیم، پس در مورد عیسی چه باید گفت، در فرهنگ مدرن هم ما به طور مرتب شراب می‌نوشیم (مثلاً اروپا، اسرائیل، آرژانتین).

□ **با گوگرد مشتعل عذاب خواهد شد** این اشاره‌ای است به داوری خداوند بر سدوم و غموزه (پیدایش ۱۹:۲۴، ۲۸؛ لوقا ۱۷:۲۹؛ یا هر گونه داوری در کل، مزمور ۱۱:۶؛ اشعیا ۸:۳۴-۱۱؛ حزقیال ۲۲:۳۸). عذاب سرنوشت دو وحش (۱۹:۲۰)، سرنوشت ابلیس (۲۰:۱۰) و سرنوشت انسان توبه نکرده است (۲۰:۱۵؛ ۲۱:۱۸).

آتش (به موضوع خاص در مکاشفه ۸:۱۶ مراجعه شود) استعاره عهد عتیقی درباره قدوسیت خداوند است (اعداد ۹:۱۵-۱۶). از آتش بمنظور تطهیر (لاویان ۸:۱۷، ۳۲؛ ۹:۱۱، ۲۴؛ ۱۳:۳۲، ۵۵، ۵۷) و داوری (لاویان ۱۰:۱-۲؛ اعداد ۱۱:۱-۳) استفاده می‌گردید. بکارگیری مفهوم آن با داوری بمنظور تعریف جایگاه داوری بسط داده شده است. عیسی از محل انباشت زباله‌های جنوب اورشلیم در وادی بن‌هئوم بعنوان نماد تنبیه ابدی (جهنم *Gehenna*) استفاده کرد (مکاشفه ۲۰:۱۰، ۱۴-۱۴).

۱۱:۱۴ **دود عذاب آنان تا ابد به بالا خواهد رفت** یکاش به جهان شمولی اعتقاد داشتیم، و یا حداقل در فرصتی دوباره انجیل را به دل راه می‌دادم، اما بر اساس کلام، انسانها باید خداوند را با ایمانشان (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱) در حالیکه در قید حیات هستند (عبرانیان ۹:۲۷) بپذیرند؛ و چنانچه دست رد به سینه خدا بزنند، دچار عقوبت ابدی خواهند گردید (مرثس ۹:۴۷-۴۸؛ متی ۲۵:۴۶؛ یوحنا ۵:۲۹؛ اعمال رسولان ۲۴:۱۵؛ ۲سالونیکیان ۱:۶-۹). تنبیه قطعی فرد شریر را می‌توان با عذاب قدیسین قیاس کرد. این قیاس را می‌توان در عبارت "نه در شب و نه در روز آسایش نخواهد بود" مشاهده کرد، در حالیکه در مکاشفه ۱۴:۱۳ قدیسین در آسایش هستند.

این بحث ساده و پیش پا افتاده‌ای نیست. عشق خداوند و قلب او برای احیای بشریت در تضاد با حکم او برای عقوبت ابدی می‌باشد. بیشتر تنبیهات خداوند در کتاب مکاشفه همچون بلایای مصر و نفرین عهد در تنبیه ۲۷-۲۹ برای احیای بشریت است. با اینحال وازنی نهایی از سوی خداوند ماندگار خواهد بود. این کار از جنبه انطباقی انجام نمی‌شود، بلکه جنبه تنبیهی دارد! درک این موضوع دشوار و به لحاظ احساسی براحتمی قابل بر آمدن از عهده انسان نیست. اما نیاز به تبلیغ مسیحیت را بازگو می‌کند!

پیش از اتمام این موضوع اجازه دهید نظری را که قبلاً در این مورد داشتیم با شما در میان بگذارم. جهنم همانقدر که برای انسان بد است، برای خداوند نیز خوشایند نیست. خداوند بشر را با تصور همنشینی و معاشرت با خود آفرید. همه آفرینش بسان صحنه‌ای برای خداوند به منظور ملاقات و آشنایی با بشریت است. خداوند همه دختران و پسران آدم را به یکسان دوست می‌دارد (حزقیال ۱۸:۳۲؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹). او آنان را آنقدر دوست دارد که می‌خواهد پسر خود را بجای آنان فدا و قربانی کند (یوحنا ۳:۱۶؛ ۲ قرن‌تینان ۵:۲۱). اما او راهی را برگزید تا بواسطه آن همه گناهکاران بتوانند با توبه و ایمان آوردن به او، به خدمت به او، عبادت او و استقامت در راه او، به نزد او باز آیند. خداوند هیچکس را به جهنم نمی‌فرستد، اما این خود بی‌ایمانان هستند که با کارهایی که می‌کنند به سوی جهنم می‌روند (یوحنا ۳:۱۷-۲۱). جهنم همچون زخمی سر باز در قلب خداوند است که هیچوقت التیام نمی‌یابد. مطمئن نیستیم که خداوند هیچوقت "یک روز خوش" دیده باشد. خدای من، درد بشر سرکش خودرای در صورت قربانی عاشق نمایان است!

۱۲:۱۴ **پایداری و استقامت** موضوع اصلی در سرتاسر کتاب است (مکاشفه ۹:۱؛ ۲:۷، ۱۱، ۱۷، ۱۹، ۲۶؛ ۳:۵، ۱۰، ۱۲، ۲۱؛ ۱۰:۱۳؛ ۲۱:۷). قوم خدا نشان داده‌اند که حتی در میانه رنج و محنت، به ایمان خود به خدا وفادار باقی خواهند ماند. به یادداشت کامل و موضوع خاص در مکاشفه ۲:۲ رجوع نمایید.

□ **"مقدسین"** به موضوع خاص در مکاشفه ۵:۸ رجوع نمایید.

□ **"که احکام خدا و ایمان به عیسی را حفظ می‌کنند"** جزئیات مشابهی درباره ایمانداران در کتاب مکاشفه ۱۲:۱۷ یافت می‌شود. توجه داشته باشید که تأکید بر روی رابطه ایمان شخصی با عیسی مسیح است که شیوه زندگی بر مبنای تعبد را بدنبال خواهد داشت (مکاشفه ۱۲:۱۷؛ لوقا ۶:۴۶). مسیحی بالغ فردی را گویند که

۱. با آغوش باز می‌پذیرد (رابطه شخصی با مسیح)
 ۲. حقایق را می‌گوید تا فرد ایمان آورد (دکترین حقیقت در عهد جدید)
 ۳. عمری برای زندگی همچون آن فرد (شباهت روزانه به مسیح)
- هر سه این موارد برای یک زندگی سالم، بالغ و ایمان در حال رشد، لازم است.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۳:۱۴

^{۱۳}آنگاه آوازی از آسمان شنیدم که می‌گفت، «بنویس: خوشا به حال آنان که از این پس در خداوند می‌میرند.»
و روح گفت: «آری آنان از رنج خود خواهند رست، زیرا که اعمالشان از پی آنها خواهد آمد!»

۱۳:۱۴ "خوشا" این دومین دعای خیری است که در کتاب مکاشفه دیده می‌شود (مکاشفه ۱:۳؛ ۱۴:۱۳؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷؛ ۱۴).

□ "خوشا به حال آنان که از این پس در خداوند می‌میرند" این بخش اشاره به شهدا دارد (همانگونه که ۱۴۴۰۰۰ نفر اشاره داشتند)، اما زمان دقیق مرگ آنان مشخص نیست. برخی از مفسران این موضوع را به دوران یوحنا ارتباط می‌دهند و برخی دیگر نیز به پایان جهان. با اینحال عنصر زمان نامشخص بوده، اما مهم است که بدانیم که مرگ مقدسین خداوند از نگاه او اهمیت بالایی دارد (مزمور ۱۱۶:۱۵).
با وجود اینکه این گروه را شهدای مسیحی تشکیل داده‌اند، اما بهترین ترجمه "شاهدان" می‌باشد که در قالب کلی ایمانداران بهتر می‌گنجد. البته همه ایمانداران در قرن اول به شهادت نرسیدند، و همه هم تا پایان دنیا در رنج جان نخواهند داد، اما ایمانداران باید به ایمان خود به مسیح پایدار بمانند. این استعاره‌ای است که شامل حال همه نمی‌شود.

□ "زیرا که اعمالشان از پی آنها خواهد آمد" این پارادوکس مسیحیت است که ما، بعنوان ایمانداران، بمنظور خدمت و بشارت مؤثر برای عیسی مسیح، توسط روح القدس مورد برکت قرار گرفته‌ایم (۱۲:۷، ۱۱). خداوند فرا می‌خواند، تجهیز می‌کند و حاصل ابدی را برای ایمانداران به تکامل نرسیده، آماده می‌کند. این نعمت اوست، روح اوست که قدرت می‌دهد، اما قدیسین برای وفاداری، حاضر به خدمت بودن و پایداری خود پاداش دریافت می‌کنند (به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۱۰ رجوع نمایید). ایمانداران با کار کردن ظاهری نجات نمی‌یابند، بلکه آنچه که با نفس خود انجام می‌دهند آنان را نجات می‌دهد (افسیسیان ۲:۸-۹، ۱۰). خواست خدا برای هر ایماندار، خدمت همچون مسیح است (رومیان ۸:۲۹؛ غلاطیان ۴:۱۹؛ افسسیان ۱:۴)!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۴:۱۴-۱۶

^{۱۴}آنگاه همین که نظر کردم، ابری سفید پیش رویم بود و بر آن ابری یکی نشسته بود که به پسر انسان می‌مانست و تاجی از طلا بر سر داشت و داسی تیز در دست. ^{۱۵}آنگاه فرشته‌ای دیگر از معبد بیرون آمد و به بانگ بلند به آن که بر ابر نشسته بود گفت: «داس خود بگیر و درو کن، زیرا که زمان درو فرا رسیده و محصول زمین آماده برداشت است.» ^{۱۶}پس آن که بر ابر نشسته بود داس خویش بر زمین بگرداند و محصول زمین برداشت شد.

۱۶-۱۴:۱۴ دو نوع برداشت (IV Ezra 13:10-11) در مکاشفه ۱۴:۱۴-۱۶ و ۱۷-۱۹ تعریف شده است. اولین مورد برداشت خرمن است و دومین برداشت انگور. اگر این تمایز را بتوان تشخیص داد (در یوئیل ۳:۱۳ دو محصول خرمن مورد یک داوری قرار گرفته‌اند)، اولین مورد اشاره به برداشت محصول رستگاری دارد (متی ۹:۳۷-۳۸؛ ۱۳:۳۰، ۳۸؛ مرقس ۴:۲۶-۲۹؛ لوقا ۱۰:۲؛ یوحنا ۴:۳۵-۳۸)، درحالیکه انگور محصول دوم که در اشعیا ۶۳:۲-۶؛ ارمیا ۵۱:۳۳؛ مراثی ارمیا ۱:۱۵؛ یوئیل ۳:۱۳ و مکاشفه ۱۵:۱۹ ذکر شده اشاره به گناهکار دارد.

۱۴:۱۴ "ابری سفید پیش رویم بود و بر آن ابری یکی نشسته بود که به پسر انسان می‌مانست و تاجی از طلا بر سر داشت" مشابه مشکلات هویتی که در فصلهای ۶ و ۱۰ وجود دارند را به این آیات نیز می‌توان تعمیم داد. آیا اینان مشخصات مسیح آسمانی است (دانیال ۷:۱۳) یا فقط فرشته دیگری است که برای او کار می‌کند؟ من تصور می‌کنم که فرشته نیرومند دیگریست، زیرا:

۱. این فرشته در ردیف دیگری از فرشتگان قرار دارد (مکاشفه ۱۴:۱۵، ۱۷، ۱۸)

۲. متی ۱۳:۳۹، ۴۱-۴۲، ۴۹-۵۰ می‌گوید که فرشتگان در پایان دنیا فرشتگان را جمع کرده و یا تفکیک می‌کنند (برخی برای پاداش و برخی برای داوری)

۳. فرشته‌ای که به او فرمان می‌دهد (مکاشفه ۱۴:۱۵)

۱۵:۱۴ این آیه اشاره‌ای است به یوئیل ۳:۱۳.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۷:۱۴-۲۰

^{۱۷}سپس فرشته‌ای دیگر از معبدی که در آسمان است بیرون آمد و او نیز داسی تیز در دست داشت. ^{۱۸}و باز فرشته‌ای دیگر از مذبح بیرون آمد که بر آتش اختیار داشت و به بانگ بلند به آن که داس تیز داشت، گفت: «داس تیزت را بگیر و خوشه‌های انگور را از تاک زمین برچین، زیرا که انگورهای زمین رسیده است.» ^{۱۹}پس آن فرشته داسش را بر زمین بگرداند و انگورهای زمین را گرد آورد و در چرخش بزرگ خشم خدا

ریخت. ^{۲۰} و انگورها در آن چرخش بیرون از شهر لگدکوب شد و از آن چرخش خون جاری شد و خون تا افسار اسبان بالا آمد، در مسافتی به گستره هزار و ششصد پرتاب تیر.

۱۷:۱۴ "فرشته‌ای دیگر از معبدی که در آسمان است بیرون آمد" این بخش اشاره به خیمه معنوی در بهشت دارد (عبرانیان ۸:۲؛ ۹:۱۱، ۲۳-۲۴).

۱۸:۱۴ "که بر آتش اختیار داشت" فرشتگان کنترل باد را (مکاشفه ۷:۱)، آتش را (مکاشفه ۱۴:۱۸) و آب را در دست دارند (مکاشفه ۱۶:۵). این امر مهم بازتاب دهنده مفهوم نقش آسمانی در دنیای واقعی از دید یهودیت ربیانی است. با وجود اینکه عهد جدید تأکیدی بر این موضوع ندارد، اما به این مفهوم هم نیست که حقیقت ندارد (عبرانیان ۱:۷، ۱۴).

۲۰:۱۴ "بیرون از شهر" برخی از مفسران این بخش را کنایه‌ای به عروج عیسی در خارج از شهر می‌دانند (عبرانیان ۱۳:۱۲). برخی دیگر آن را فقط کنایه‌ای به پالایش قوانین عهد عتیق می‌دانند، در جاییکه فضولات به بیرون از چادرها برده می‌شد (لاویان ۸:۱۷؛ ۹:۱۱). با اینحال، این بخش می‌تواند به گرد آمدن دشمنان خدا بدور شهر اورشلیم نیز اشاره داشته باشد (مزمور ۲:۲، ۶؛ دانیال ۱۱:۴۵؛ یوئیل ۳:۱۲-۱۴؛ زکریا ۱۴:۱-۴ و کتاب عهد عتیق عبرانی I Enoch 53:1). در اینجا بار دیگر مشکل واقعی و نمادین تبدیل به معضل بزرگی در ترجمه می‌گردد!

□ "از آن چرخش خون جاری شد و خون تا افسار اسبان بالا آمد، در مسافتی به گستره هزار و ششصد پرتاب تیر" این بخش ماحصل نبردی بزرگ است که در فصلهای بعدی به آن خواهیم پرداخت، و نیز می‌توان آن را استعاره‌ای از رنگ آب انگور دانست. سوال واقعی این است که آیا این بخش از آیه نمادین بوده یا واقعاً این اتفاق رخ داده است. آیا این ماجرا حکایت از یک نبرد در زمان یا مکانی خاص بوده و یا نبردی نمادین در آسمانها میان نیک و شر بوده است؟ نوع سبک کتاب، نمادین بودن آن را تأیید می‌کند، اما کلمات عیسی در متی ۲۴؛ مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱ دلالت بر مورد اول دارند. مسافت عنوان شده نامشخص است. برخی می‌گویند که (۱) حدود ۲۶۵/۵ کیلومتر؛ (۲) ۲۹۶ کیلومتر؛ (۳) ۳۲۲ کیلومتر بوده است. برخی آن را ۱۳۲۷/۷۱۱ کیلومتر می‌دانند. این برای عددی نمادین بسیار غیر طبیعی بنظر می‌رسد. برخی از مفسران می‌گویند که اشاره به فاصله قبله دان تا بئر شبع دارد، که یعنی داوری بصورت نمادین بر تمامی سرزمین مقدس سایه افکنده است. "چرخش" نماد داوری خداوند است (اشعیا ۶۳:۳؛ مراثی ارمیا ۱:۱۵). احتمالاً دلیل این امر، شباهت میان آب انگور سرخ و خون است. همین موضوع در مکاشفه ۱۹:۱۵ نیز ذکر گردیده است.

□ "خشم خدا" به موضوع خاص در مکاشفه ۷:۱۴ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. ارتباط میان عدد ۱۴۴۰۰۰ با فصلهای ۷ و ۱۴ چیست؟
۲. کوه صهیون به چه موضوعی اشاره دارد؟
۳. آیا آنچه که در مکاشفه ۱۴:۴ توصیف شده، جزئیات گروه انتخابی مجرد بوده یا تمام قوم خدا را شامل می‌گردد؟
۴. اهمیت مکاشفه ۱۴:۶ و ۷ در چه می‌باشد؟
۵. بابل چه چیزی یا چه کسی بود؟
۶. آیا جهنم، ابدی است؟
۷. در مکاشفه ۱۴:۱۴-۱۶ چه کسی بر ابر سوار بود و چرا؟

مکاشفه ۱۵-۱۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
فرشتگانی به بلای نهایی	مقدمه‌ای به پیاله داوری	هفت پیاله خشم خدا	فرشتگانی با بلای نهایی	سرود موسی و بره
۱:۱۵	۱:۱۶-۱:۱۵	۱:۱۵	۱:۱۵	۴-۱:۱۵
۴-۲:۱۵		۴-۲:۱۵	۴-۲:۱۵	هفت پیاله بلایا
۸-۵:۱۵		۱:۱۶-۵:۱۵	۸-۵:۱۵	۸-۵:۱۵
پیاله‌های خشم خدا			پیاله‌های عصبانیت خدا	
۲:۱۶	اولین پیاله: زخمهای زشت و دردناک		۱:۱۶	۱:۱۶
	دومین پیاله: دریا به خون بدل شد			
۳:۱۶	۳:۱۶	۳:۱۶	۳:۱۶	۳:۱۶
	سومین پیاله: آنها به خون بدل شد			
۷-۴:۱۶	۷-۴:۱۶	۷-۴:۱۶	۷-۴:۱۶	۷-۴:۱۶
	چهارمین پیاله: مردان بسوختند			
۹-۸:۱۶	۹-۸:۱۶	۹-۸:۱۶	۹-۸:۱۶	۹-۸:۱۶
	پنجمین پیاله: تاریکی و درد			
۱۱-۱:۱۶	۱۱-۱:۱۶	۱۱-۱:۱۶	۱۱-۱:۱۶	۱۱-۱:۱۶
	ششمین پیاله: فرات خشک شد			
۱۶-۱۲:۱۶	۱۶-۱۲:۱۶	۱۶-۱۲:۱۶	۱۴-۱۲:۱۶	۱۶-۱۲:۱۶
	هفتمین پیاله: زمین‌لرزه‌ای عظیم واقع شد		۱۵:۱۶	
			۱۶:۱۶	
۲۱-۱۷:۱۶	۲۱-۱۷:۱۶	۲۱-۱۷:۱۶	۲۱-۱۷:۱۶	۲۱-۱۷:۱۶

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به مکاشفه ۱:۱۵ - ۲۱:۱۶

- A. هفت پیاله‌ای که در مکاشفه ۱۵ با آن آشنا و در مکاشفه ۱۶ جزئیات آنها تشریح شدند، سویمین دسته از سه حلقه بلایای آسمانی هستند که بنا به مقصود احیای بشریت نازل شده‌اند (مکاشفه ۹: ۲۰-۲۱؛ ۶: ۷-۱۶؛ ۹: ۱۱). به مرور زمان هر حلقه شدت سختی بیشتری به خود می‌گیرند: از قدرت تخریبی یک سومی، یک چهارمی تا تخریب کامل (داوری و انزوی کامل ابلیس). علت این امر می‌تواند برگردد به مبحث "نفرین و دعای خیر" در تنبیه ۲۷-۲۸.
- B. میان این حلقه‌ها ارتباط دقیقی وجود دارد. هفتمین مهر، هفتمین شیپور است. چهار شیپور اول هم بطور مستقیم بموازات چهار پیاله اول هستند.
- C. هفتمین پیاله در واقع سقوط بابل است که نماد جامعه بشری سقوط کرده که سازماندهی و عملکردی به دور از خدا دارد. روم باستان در دوران یوحنا بود. در کتاب دانیال ۲ هر امپراتوری موفقی بیش از پیش از خدا دور می‌شود تا زمانی که آخرین امپراتوری بزرگ بر علیه خدا شکل گرفت که در دوران آن مسیح زاده شد، و آن روم بود. (به مقدمه کتاب دانیال ۸ در وب سایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید).
- D. فصل ۱۵ و ۱۶ رویای خود را از تجربه سفر خروج قوم بنی اسرائیل به تصویر می‌کشند (همچون مکاشفه ۱۲-۱۴). این رهایی بزرگ از ابلیس به مثابه سفر غائی خروج تصور گردیده است (رستگاری).
- E. هیولای وحشی و فاحشه بابل (جامعه‌ی سرکش بشری) در نبرد نهایی نیکی و بدی شکست می‌خورند (مکاشفه ۱۶: ۱۲-۱۶)، در حالیکه شیطان در کنار جوج و ماجوج (بشریت سرکش) در نهایت شکست خورده است (مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰). دومین بازگشت مسیح در مکاشفه ۱۹ یک گزینه الحاقی و مکمل بر داوریهای هفتمین مهر و هفتمین شیپور و هفتمین پیاله است. اینها پاسخ خداوند به سوالات شهدای مکاشفه ۶: ۹-۱۱ است.
- F. مشکلات ترجمه این نبردهای نهایی عبارتند از:
۱. نوع ادبیاتی که در آن بیان شده‌اند، نبوتی/آخرالزمانی.
 ۲. این نبردها هر یک به صحنه‌ها، حلقه‌ها یا نمایشهای دراماتیک کاملاً موفقی پرداخته‌اند.
 ۳. میان گروه‌ها و نمادها، سلاست بیان وجود دارد.
 ۴. در تفکیک موفقیت‌های حاصله در قرن اول از موفقیت‌های نهایی، دشواری وجود دارد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۵ تا قسمت اول آیه ۳

یک نشانه عظیم و حیرت‌زای دیگر نیز در آسمان دیدم: و آن هفت فرشته بود با هفت بالای نهایی - نهایی از آن رو که با آنها خشم خدا کامل می‌شد. و چیزی دیدم که به دریایی از شیشه می‌مانست که با آتش درآمیخته شده باشد، و در کنار دریا کسانی را ایستاده دیدم که بر آن وحش و بر تمثال او و بر عدد نام او پیروز شده بودند. اینان چنگهایی به دست داشتند که خدا به آنان داده بود. و سرود خادم خدا، موسی، را می‌خواندند و سرود آن بره را که:

۱:۱۵ "در آسمان" این سومین اثر در مجموعه نشانه‌هایی است که یوحنا در آسمان مشاهده کرد. به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۱۲ مراجعه نمایید.

□ "عظیم و حیرت‌زا" این عبارت فقط اینجا وجود دارد و کنایه عهد عتیق در مکاشفه ۳:۱۵ را نشانه گرفته است. می‌تواند از چندین جا نشأت گرفته باشد (تنبیه ۳:۳۲-۴؛ مزمور ۱۱۱:۲؛ ۱۳۹:۱۴؛ یا هوشع ۹:۱۴).

آیات ۳-۴ یک ترکیب عهد عتیقی از ده‌ها منبع ممکن را بوجود آورده‌اند.

□ "خشم خدا" به یادداشت کامل در مکاشفه ۷:۱۴ رجوع نمایید.

□ "کامل می‌شد" این یک ضمیر اشاره مجهول اُتوریستی از فعل *teleō* بمعنی تمام کردن یا به اتمام رساندن است. پیاله‌ها داوری کامل و نهایی بر بی‌باور سرکش است! دیگر امیدی برای توبه و ایمان او وجود ندارد و تنها راه، داوری و انزوی اوست!
به لحاظ الهیاتی این امکان وجود دارد که قسمت مهرها، شیپورها و پیاله‌ها راهی بوده باشند برای امید خدا به توبه بشر، اما در نهایت، داوری کامل او، حذف و انزوی ابلیس به مرحله اجرا رسید! جهنم تنها گزینه باقیمانده بود.

۲:۱۵ "چیزی دیدم که به دریایی از شیشه می‌مانست" این بخش اولین بار در مکاشفه ۶:۴ ذکر گردید. بنظر می‌رسد که بدلیل کاربرد آن در مکاشفه ۱:۲۱، استعاره‌ای برای قدوسیت خدا بوده باشد که بشر گناهکار را از نزدیک شدن به او دور نگه می‌دارد (احتمالاً استعاره‌ای برای آبهای آسمانی). روزی این مرزها برداشته خواهد شد. کنایه‌ی عهد عتیق یا به سفر خروج ۲۴:۱۰ و یا حزقیال ۲۲:۱؛ ۱۰:۱۰ می‌باشد. به یادداشت کامل در مکاشفه ۶:۴ رجوع نمایید.

□ "با آتش درآمیخته" این عنصر جدیدی است که در مکاشفه ۶:۴ دیده نمی‌شود. نظریه‌های متعددی در اینباره وجود داشته است.

۱. بازتاب دهنده طلوع آفتاب بر تاریخ بشر است

۲. معرف آتش که نماد داوری خداوند است، می باشد
 ۳. یادآور خون شهدا است
 ۴. از آنجاییکه پیشزمینه فصل ۱۵ و ۱۶، بلایای سفر خروج می باشد، به دریای سرخ و اشعار موسی ارتباط دارد (خروج ۱۲:۷: ۱۵)

NASB "آنان که پیروز شده بودند"

NKJV "آنان که پیروزی از آنشان است"

NRSV "آنان که چیره شده بودند"

TEV "آنان که پیروزی بدست آورده بودند"

NJB "آنان که جنگیدند بر علیه..."

در نگاه اول بنظر می رسد که این آیه اشاره به شهدا داشته باشد، اما مکاشفه ۱۱:۱۲ نشان می دهد که روی سخنش باید بسوی کسانی باشد که مرگ طبیعی را تجربه کرده و وحش را پرستش ننموده اند (مکاشفه ۴:۲۰).

NASB "از وحش و تمثال او و از عدد نام او"

NKJV "بر وحش، بر تمثال او و بر نشان او"

NRSV "وحش و بر تمثال او و بر عدد نام او"

TEV "بر وحش و تمثال او و بر آن که نامش نمایانگر عدد است"

NJB "وحش و انسان، و موقعیت او و عددی که نام اوست"

اولین بار این وحش در مکاشفه ۷:۱۱ ذکر گردید. از فصل ۱۳ روشن شده است که دو هیولای وحشی وجود داشته اند: یکی تجسم ظاهر شیطان (به تقلید از مسیح) و دیگری انبیای دروغین (به تقلید از روح القدس). از مکاشفه ۱۸:۱۳ یاد گرفتیم که عدد او ۶۶۶ است، که عددی برای یک شخص نیست، که به دلیل فقدان و ناسازگاری جامعه انسانی (مثل دولتها) جدا از خداوند، شامل تعداد بسیار زیادی از افراد نمی شود.

□ "در کنار دریا (ی شیشه ای) کسانی را ایستاده دیدم" برخی ترجمه ها (NASB, NKJV) از عبارت "بر روی" و برخی دیگر "در کنار" (NRSV) یا "کنار" (TEV, NJB) را بکار برده اند. حرف اضافه ای که در نسخه یونانی وجود دارد بمعنی "بر فراز" است. این استعاره سخن از کسانی دارد که در حال نزدیک شدن به خدا هستند. "دریا" در کتاب مکاشفه نشانه جدایی میان خدایی مقدس و خلقت گناهکار است. این دریا در مکاشفه ۱:۲۱ در زمانی که احیای کامل بشریت صورت می پذیرد کاملاً حذف گردیده است (همنشینی دوباره در باغ عدن دوباره احیا گردیده است). برای مطالعه بیشتر درباره گزینه های دیگری درباره معنی "دریای شیشه ای" به یادداشت مکاشفه ۶:۴ رجوع نمایید.

□ "جنگهایی به دست داشتند که خدا به آنان داده بود" فرشتگان در مکاشفه ۸:۵ و ۲:۱۴ بگونه ای تعریف شده اند که جنگ (وسیله موسیقی) در دست داشته اند. در این متن، جنگ اشاره به ایماندارانی دارد که همتراز به ۱۴۴۰۰۰ نفر در فصل ۱۴ قرار دارند. اکنون نیز ایمانداران پیروزمند همچون فرشتگان با نوای موسیقی به نیایش خداوند در آسمان می پردازند.

۳:۱۵ "و سرود خادم خدا، موسی، را می خواندند و سرود آن بره را" این عبارات نشان دهنده وحدت در عهد عتیق و جدید می باشد. سرود موسی کنایه ای است به سفر خروج ۱۵:۱-۱۹، در جاییکه موسی خداوند را برای شکست فرعون در کنار دریای سرخ شکر می کند. با اینحال، این احتمال وجود دارد که یوحنا تثنیه ۳۲ را در فکر خود داشت زیرا اولین عبارت را می تواند اشاره ای به تثنیه ۳۲:۳-۴ دانست. سرود بره قبلاً نیز در مکاشفه ۵:۹ و ۳:۱۴ ذکر گردیده بود. توجه داشته باشید که این شعری عمومی برای رستگاری بوده و جنبه شخصی ندارد (پیدایش ۱۵:۳).

□ "خادم خدا" این عبارتی در تجلیل از شخصیت های عهد عتیق همچون موسی، یوشع و داوود می باشد. لقب "خادم عیسی" برای پولس نیز می تواند از اینجا ریشه گرفته باشد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۳:۱۵ قسمت دوم تا آیه ۴

«عظیم و حیرت زاست کارهای تو، ای خداوند خدای قادر مطلق. عدل و حق است راههای تو، ای پادشاه همه اعصار. کیست که از تو نترسد، ای خداوند، و نام تو را جلال ندهد؟ زیرا تو، و تنها تو، قدوسی. همه قومها خواهند آمد و در پیشگاه تو به پرستش خواهند ایستاد زیرا که کارهای عادلانه تو اکنون آشکار شده است.»

□ "عظیم و حیرت زاست کارهای تو" این عبارات تلفیقی است از کنایات به مزامیر ۵:۴۰؛ ۵:۹۲؛ ۵:۱۱۱؛ ۲:۱۳۹؛ ۱۴:۱۳۹ و هوشع ۹:۱۴.

□ "ای خداوند خدای قادر مطلق" این کنایه‌ای است به سه عنوان برای خدا که در عهد عتیق زیاد بکار برده شده است (مکاشفه ۸:۱؛ ۴:۸؛ ۷:۱۱؛ ۷:۱۶).

۱. "سرور" اشاره به یهوه دارد، بعنوان منجی، احیا کننده و میثاق خدا.
 ۲. "خدا" اشاره به الوهیم (*Elohim*) دارد، بعنوان خالق، فراهم کننده و تداوم دهنده زندگی بر روی زمین.
 ۳. "قادر مطلق" اشاره به *El Shaddai* دارد، عنوانی پدرسالارانه برای خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب (خروج ۳:۶).
- به موضوع خاص: نامهای خداوند در مکاشفه ۸:۱ مراجعه نمایید.

□ "عدل و حق است راههای تو" در میانه‌ی محنت قدیسان، چنین تأکیدی بسیار مهم است (۷:۱۶). می‌تواند کنایه‌ای به هوش ۹:۱۴ باشد.

NASB, NRSV,

TEV, NJB "تو ای پادشاه همه ملتها"

NLJV "ای پادشاه قدیسان"

در انگلیسی امروزی، سه ترجمه مختلف برای این آیه وجود دارد.

۱. "پادشاه همه اعصار" (ASV, NIV, REB) که در نسخه یونان باستان نیز وجود دارد \aleph^{*2} , MSS P⁴⁷ و C (۱ تیموتائوس ۱:۱۷؛ I Enoch 9:4)

۲. "پادشاه همه ملتها" (NRSV, TEV, NJB) که در MSS P, A, \aleph^a و بیشتر اقوام خردتر (مکاشفه ۴:۱۵؛ ارمیا ۷:۱۰).

۳. "پادشاه همه قدیسان" (MSS 296, 2049 (NKJV) Metzter, Textual Commentary صفحه ۷۵۳). این ترجمه ناشی از یک برداشت اشتباه از متن لاتین می‌باشد.

گزینه دوم به احتمال خیلی زیاد اصل می‌باشد. نسخه UBS⁴ به این ترجمه رتبه "B" داده است که تقریباً مطمئن است.

۴:۱۵ "کیست که از تو ترسد، ای خداوند، و نام تو را جلال ندهد" این همان مقدس متعال آفرینش است (مکاشفه ۷:۱۴؛ ارمیا ۷:۱۰-۱۰). او رستگاری را به هرآنکس که از او ترسیده و او را جلال دهد، ارزانی داشته است.

□ "همه قومها خواهند آمد و در پیشگاه تو به پرستش خواهند ایستاد" پیشگویی عهد عتیق می‌گوید که روزی فرا خواهد رسید که تمام قومها بسوی اورشلیم سرازیر خواهند شد (مزمور ۲۷:۲۲؛ ۴:۶۶؛ ۹:۸۶؛ اشعیا ۲:۲-۴؛ ۱۹:۱۹-۲۴؛ ۲۷:۱۳؛ ۵۶:۷؛ ۶۶:۱۹-۲۴؛ ملاکی ۱:۱). یوحنا از این پیشگویی عهد عتیق برای به تصویر کشیدن رستگاری جهانی بهره می‌برد. اورشلیم عهد عتیق مبدل به اورشلیم آسمانی مملو از یهودیان و غیریهودیان شده است. تمرکز این کتاب بر روی یهودیان در مقابل غیریهودیان، آنگونه که در عهد عتیق بود نیست، بلکه تمرکز بر ایمانداران در مقابل بی‌ایمانان دارد (آیات اشعیا ۴۵:۲۳ را فیلیپیان ۲:۹-۱۱ مقایسه نمایید). به مقدمه در شروع این کتاب تفسیری رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸:۱۵-۵

هپس از آن دیدم که معبد، یعنی خیمه شهادت، در آسمان گشوده شد. و هفت فرشته که حامل هفت بلا بودند از آن بیرون آمدند. و فرشتگان کتان پاکیزه و درخشان به تن و شالی زرین به دور سینه داشتند. ^۷آنگاه یکی از آن چهار موجود زنده، هفت پیاله زرین به آن هفت فرشته داد، آکنده از خشم خدایی که تا ابد زنده است. ^۸و معبد به جلال و قدرت خدا آکنده از دود شد، و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید هیچ‌کس نتوانست به معبد درآید.

۵:۱۵ "خیمه شهادت، در آسمان گشوده شد" در مکاشفه ۱:۴ در آسمان بروی یوحنا گشوده شد؛ در مکاشفه ۱۹:۱۱ صندوق عهد در برابر ایمانداران بمنظور تماشا ظاهر گردید. اکنون تمامی خیمه آسمانی ظاهر گردیده است (خروج ۲۵:۹، ۴۰؛ ۳۸:۲۱؛ اعداد ۱۱:۱۰؛ ۷:۱۷؛ اعمال رسولان ۷:۴۴). این کنایه عهد عتیق در عبرانیان ۸:۵ و ۲۳:۹ شکل گرفت. این واحد ادبی از سفر خروج و دوره آوارگی در بیابان بعنوان یک پشت صحنه عهد عتیقی بهره برده است. این واحد، خروج دوم و نهایی را از بند اسارات نماد سازی می‌کند (اسیر گناه بودن).

۶:۱۵ "کتان پاکیزه و درخشان به تن" این هفت موجود آسمانی از بخشهای درونی خیمه آسمانی به بیرون آمدند، که نشان دهنده حدود اختیارات آنها است زیرا که از حضور نزدیک خدا آمده‌اند. در یهودیت ربیانی هفت فرشته نیرومند بدور تخت خدا نشستند، که "فرشتگان حاضر" نامیده می‌شوند. لباس آنان اینگونه تعریف شده است: (۱) "کتان" (*linon or linoun* [P⁴⁷]) که کاهنان نیز در خروج ۴:۲۸ بر تن داشتند (رتبه B، UBS⁴) یا (۲) ترجمه‌های ASV این لغت را به "سنگی با ارزش" نوشته‌اند (*lithion*) که در متون خطی A و C نیز ذکر شده، و می‌تواند کنایه‌ای به حزقیال ۱۳:۲۸ بعنوان لباس آسمانی باغ عدن تعبیر شود.

اگر دو پیشفرض متنی (ضمیمه را مطالعه نمایید) را در نظر بگیریم: (۱) دشوارترین برداشت احتمالاً اصل بوده و (۲) بهترین برداشت می‌تواند تفاوت نسخه‌های گوناگون را توجیه نماید، پس "سنگ" را می‌توان بهترین گزینه دانست.

□ «و شالی زرین به دور سینه داشتند» این بخش بسیار شبیه فرشته‌ای است که در دانیال ۵:۱۰، و یا خود عیسی در مکاشفه ۱۸:۱ وجود دارد. بوضوح فرشتگان نیرومندی هستند که معرف خداوند یا عیسی می‌باشند.

۷:۱۵ «هفت پیاله زرین آکنده از خشم خدا» پیاله‌های خالی در مکاشفه ۵:۸ ذکر گردیده‌اند، این پیاله‌ها حاوی دعای قدیسان است. میان محتوای کتاب مکاشفه و دعای فرزندان زجر دیده با خشم خدا بر بی‌ایمانان ارتباط وجود دارد (به یادداشت مکاشفه ۱۴:۷ رجوع نمایید).

□ «که تا ابد زنده است» این سوگندی است که ریشه در معنای واژه بیهوه دارد (خروج ۳:۱۴). تنها بیهوه است که تا ابد زنده است؛ هر آنچه که موجود است، حیات خود را از او گرفته است. به موضوع خاص نامهایی برای خدا در مکاشفه ۸:۱ رجوع نمایید.

برای اطلاع بیشتر از "تا ابد" به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۶ رجوع نمایید.

۸:۱۵ «و معبد به جلال و قدرت خدا آکنده از دود شد» این مشخصه رایجی در عهد عتیق درباره حضور خدا می‌باشد (خروج ۱۹:۱۸؛ ۳۴:۴۰؛ ۱ پادشاهان ۸:۱۰-۱۱؛ ۲ تواریخ ۵:۱۳-۱۴؛ اشعیا ۶:۴). این اشاره‌ای است به ابر جلال *Shekinah* که نمایانگر حضور خدا در میان قوم بنی‌اسرائیل در سفر خروج است. اما بدلیل ارتباط متنی با پیاله‌ها، می‌تواند اشاره به عود فراوانی داشته باشد که نمایانگر دعای فرزندان خدا برای گرد هم آمدن است.

موضوع خاص: شکوه (doxa)

(Special Topic: Glory (Doxa))

مفهوم انجیلی شکوه را به سختی می‌توان توصیف کرد. LXX از *doxa* برای ترجمه بیش از بیست کلمه عبری استفاده کرده است. به کرار و به شیوه‌های متفاوت در عهد عتیق از این کلمه استفاده شده است. این کلمه بر خدا، عیسی، انسانها، و پادشاهی مسیحی دلالت دارد.

در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "شکوه" (*kabod*, BDB 458, KB 455-458) اساساً یک اصطلاح تجاری در ارتباط با مقیاس و اندازه‌گیری بود ("سنگین بودن"، KB 455). آن چیزی که سنگین بود با ارزش بود و یا ارزش چشمگیری داشت. اغلب مفهوم روشنایی به آن اضافه می‌شد تا عظمت خدا را بیان کند (رجوع شود به سفر خروج ۱۹:۱۶ الی ۱۸، ۲۴:۱۷، ۳۳:۱۸، اشعیا ۱:۶ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است (رجوع شود به مزمور ۲۴:۷ الی ۱۰، ۶۶:۲، ۷۹:۹). او درخشانتر از آن است که انسان کم ارزش بتواند او را ببیند، بنابراین او خود را در ابر، دست و یا دود می‌پوشاند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶:۷ و ۱۰، ۱۷:۳۳ الی ۲۳، اشعیا ۵:۶). بیهوه را تنها و بطور درست می‌توان توسط مسیح شناخت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱۸، ۶:۴۶، ۱۲:۴۵، ۱۴:۸ الی ۱۱، کولسیان ۱:۱۵، اول تیموتائوس ۶:۱۶، عبرانیان ۱:۳، اول یوحنا ۴:۱۲).

برای یک بحث کامل در مورد *kabod* به موضوع خاص: شکوه (عهد عتیق) مراجعه کنید. شکوه مومنین این است که آنها انجیل و جلال خدا را درک می‌کنند، نه اینکه خودش را (رجوع شود به اول قرنیتیان ۱:۲۹ الی ۳۱، ارمیا ۹:۲۳ و ۲۴). برای بحث دقیقتر به NIDOTTE، جلد دوم، صفحه ۵۷۷ الی ۵۷۸ مراجعه کنید.

□ «تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید هیچ‌کس نتوانست به معبد درآید» معنی این عبارت می‌تواند این باشد که بمحض اینکه خشم خدا آغاز شود، دیگر متوقف نخواهد شد. مرتبط کردن این خشم با آیات ۹:۱۶ و ۱۱ به لحاظ الهیاتی بسیار دشوار بوده، که این امر گویای پایدار بودن رستگاری بعنوان هدف نهایی است، حتی در ماجرای پیاله‌ها هنوز امید برای نجات بشر رانده شده از بهشت که در تمثال خدا خلق شده است، وجود دارد تا بلکه توبه نموده و به سوی او باز گردد!

مکاشفه ۱۶

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۶

«آنگاه صدایی بلند از معبد شنیدم که به آن هفت فرشته می‌گفت: «بروید و هفت پیاله خشم خدا را بر زمین فرو ریزید.»

۱:۱۶ «آنگاه صدایی بلند از معبد شنیدم که به آن هفت فرشته می‌گفت» مکاشفه ۸:۱۵ نشان می‌دهد که این صدا باید از جانب خدا بوده باشد. این آخرین گروه از فرشتگان اختیار نابودی سرتاسر زمین را داشتند. در عهد عتیق، فرشته مرگ و فرشته تخریب از خادمین خدا هستند و نه شیطان.

□ «بروید و هفت پیاله خشم خدا را بر زمین فرو ریزید» این آیه نماد عهد عتیق برای داوری خدا بر اقوام بی‌ایمان است (مزمور ۷۹:۶؛ ارمیا ۱۰:۲۵؛ حزقیال ۲۲:۳۱؛ صفتیا ۸:۳). این عبارت اغلب در متن برای خشم خدا بر بی‌ایمانان بکار رفته است (به یادداشت مکاشفه ۱۴:۷، مکاشفه ۱:۱۶، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۷، مراجعه شود) بدلائل زیر:

۱. کفرگویی آنان (مکاشفه ۹:۱۶)
 ۲. ستمی که بر ایمانداران روا می‌داشتند (مکاشفه ۶:۱۶)
 ۳. امتناع سرسختانه از توبه کردن (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۶:۹-۱۲)
- برای مطالعه بیشتر درباره "خشم خدا" به یادداشت مکاشفه ۱۴:۷ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۲:۱۶

آفرشتهٔ اول رفت و پیالهٔ خود را بر خشکی فرو ریخت، و زخمهای زشت و دردناک بر پیکر مردمی که علامت آن وحش را بر خود داشتند و تمثال او را می‌پرستیدند، پدیدار شد.

۲:۱۶ اولین پیاله شباهت زیادی با بلایای مصریان دارد (خروج ۹:۱۰-۱۱). برخی این آیه را با تثنیه ۳۵:۲۸ که بخش نفرین و دعای خیر تجدید پیمان موسی است، مرتبط می‌دانند. همچنین باید توجه داشت که همچون بلایای مصریان، این بلایا نیز بر بی‌ایمانان اثر گذارد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۳:۱۶

آفرشتهٔ دوم پیالهٔ خود را به دریا فرو ریخت، و دریا به خون بدل شد، خونی که به خون انسان مُرده می‌مانست، و همهٔ جانداران دریا هلاک شدند.

۳:۱۶ دومین و سومین پیاله هم‌تراز با دومین و سومین شیپور بوده (مکاشفه ۸:۸-۱۱) و همچنین بلایای سفر خروج را در خروج ۷:۱۷-۲۱؛ مزمور ۴۴:۷۸ بازتاب می‌دهند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۷:۴-۱۶

آفرشتهٔ سوم پیالهٔ خود را بر رودخانه‌ها و چشمه‌های آب فرو ریخت، و رودخانه‌ها و چشمه‌ها به خون بدل شدند. ^۵آنگاه شنیدم که فرشتهٔ نگهبان آنها چنین گفت: «تو عادلای در این حکمها که کردی، تو که هستی و بوده‌ای، ای قدوس؛ زیرا که آنان خون مقدسین و انبیای تو را ریختند، پس به آنان خون دادی تا بنوشند که سزایشان همین است!» ^۶ و شنیدم از مذبح پاسخ آمد که: «آری، ای خداوند خدای قادر مطلق، حق است و عدل، کیفری که تو می‌دهی.»

۵:۱۶ "فرشته نگهبان" (در نسخه انگلیسی "فرشته آنها" نوشته شده است) این عبارت باید منعکس کننده اصطلاحات میان عهدهای کتاب عهد عبرانی I Enoch 66:2 باشد. در کتاب مکاشفه فرشته‌ای بوده که مسئولیت بادها را بر عهده داشته (۱:۷) و فرشته دیگری بر آتش نظارت داشته (۸:۱۴)، لذا عجیب نیست که فرشته‌ای هم به نگهبانی آب بپردازد. دوباره تأکید می‌کنم، میانجیگری آسمانی و فعالیت‌های اینچنینی در ادبیات دو عهد، رواج داشته است. ما باید کتاب مکاشفه را در نور سبکی که نگاشته شده ترجمه و تفسیر کنیم، در همان دوران، نه با نگاه نظام الهیاتی اسکاتولوژیک غرب امروزی خود.

□ "تو عادلای" این کنایه‌ای است به سرود موسی در تثنیه ۳۲ (بخصوص مکاشفه ۵:۱۶) یا احتمالاً مزمور ۱۱۹:۱۳۷.

□ "تو که هستی و بوده‌ای" توجه داشته باشید که هیچ عنصر زمان آینده‌ای در مکاشفه ۴:۱، ۴:۸؛ ۸:۴ وجود ندارد، زیرا اساساً آینده‌ای وجود ندارد (مکاشفه ۱۷:۱۱). این آخر کار است! در اینجا عمدی در کار است؛ توجه کنید که نام سه لایه در مکاشفه ۴:۱ دیگر وجود ندارد! این پایان (parousia) بارها در کتاب مکاشفه عیان شده است، نه فقط در مکاشفه ۱۹. هر یک از این مهرها، شیپورها و پیاله‌ها با دومین بازگشت و حد اعلای تاریخ پایان خواهد یافت. به همین علت است که من فکر می‌کنم نظریه تکامل برای تفسیر کتاب مکاشفه بهترین گزینه است!

۶:۱۶ "مقدسین" به موضوع خاص در مکاشفه ۵:۸ رجوع نمایید.

□ "انبیا" برای نبوت عهد عتیق به موضوع هاس در مکاشفه ۷:۱۰ رجوع نمایید. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: نبوت عهد جدید

(Special Topic: New Testament Prophecy)

I. همانند نبوت عهد عتیق نیست (BDB 611, KB 661). موضوع خاص: نبوت عهد عتیق را مطالعه کنید، که مفاهیم روحانی دریافت کردن و ثبت مکاشفه یهوه را در بر دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۸ و ۲۱، رومیان ۱۶: ۲۶). فقط پیامبران می‌توانستند کتاب مقدس بنویسند.

- A. موسی نبی خطاب می‌شد (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۱)
- B. در کتب تاریخی (یوشع - پادشاهان [به غیر از روت] پیامبران پیشین خطاب می‌شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۴).
- C. پیامبران جایگاه کاهن اعظم را بدست می‌آوردند زیرا آنها منشا اطلاعات از خدا بودند (مراجعه شود به اشعیا - ملاکی)
- D. بخش دوم احکام موسی "پیامبران" است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷، ۲۲: ۴۰، انجیل لوقا ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۲۵ و ۲۷، رومیان ۳: ۲۱).

II

در عهد جدید مفهوم به چندین شیوه مختلف استفاده میشود

- A. اشاره به انبیای عهد عتیق و پیام‌های وحی شده به آنان (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳، ۵: ۱۲، ۱۱: ۱۳، ۱۳: ۱۴، رومیان ۱: ۲)
- B. اشاره به پیام برای فرد تا پیام برای یک گروه (پیامبران عهد عتیق اساسا با اسرائیل صحبت می‌کردند)
- C. هم به یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۴: ۵، ۲۱: ۲۶، انجیل لوقا ۱: ۷۶) و هم عیسی به عنوان مبشرین پادشاهی خدا اشاره می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۵۷، ۲۱: ۱۱ و ۴۶، انجیل لوقا ۴: ۲۴، ۷: ۱۶، ۱۳: ۳۳، ۲۴: ۱۹). عیسی همچنین ادعا می‌کرد که از سایر پیامبران بزرگتر است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۲: ۴۱، انجیل لوقا ۷: ۲۶).
- D. سایر پیامبران در عهد جدید
۱. اوایل زندگی عیسی، آن طور که در انجیل متی ثبت شده است (خاطرات مریم)
 - a. الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۴۱ الی ۴۲)
 - b. زکریا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶۷ الی ۷۹)
 - c. شمعون (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۵ الی ۳۵)
 - d. حنّی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶)
 ۲. پیش‌گوییهای دوگانه (مراجعه شود به قیافا، انجیل یوحنا ۱۱: ۵۱)
- E. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می‌دارد (در لیست کسانی که موهبت را اعلام می‌دارند در اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱ اضافه شده است)
- F. اشاره به موهبت مستمر در کلیسا (انجیل متی ۲۳: ۳۴، اعمال رسولان ۱۳: ۱، ۱۵: ۳۲، رومیان ۱۲: ۶، اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰، ۲۸ و الی ۲۹، ۱۳: ۲، افسسیان ۴: ۱۱). گاهی اوقات می‌تواند به زنان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶، اعمال رسولان ۲: ۱۷، ۲۱: ۹، اول قرن‌تین ۱۱: ۴ الی ۵)
- G. اشاره به بخشهای آخرالزمانی کتاب مکاشفه (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)

III

پیامبران عهد جدید

- A. آنان، آن طور که پیامبران عهد عتیق تحت وحی مکاشفه می‌کردند (کتاب مقدس)، مکاشفه نمی‌کردند. این اظهار به واسطه استفاده عبارت "ایمان" (در مفهوم کامل شدن خبر خوش) که در اعمال رسولان ۶: ۷، ۱۳: ۸، ۱۴: ۲۲، غلاطیان ۱: ۲۳، ۳: ۲۳، ۶: ۱۰، فیلیپیان ۱: ۲۷، یهودا ۳ و ۲۰ امکانپذیر است.
- این مفهوم از کل عبارت استفاده شده از یهودا ۳ مبرا است، "ایمان یکبار و برای همیشه به قدیسان واگذار می‌شود". عبارت "یکبار برای همیشه" ایمان اشاره به حقایق، دکترین‌ها، مفاهیم، تعالیم جهان بینی مسیحیت دارد. عبارت، تاکید یکبار دادن مبنای انجیلی برای محدود ساختن نوشته‌های وحی شده عهد جدید از نظر الهیات است که اجازه نمی‌دهد سایر نوشته‌های آتی، مکاشفه تلقی گردند (موضوع خاص: الهام و وحی را مطالعه کنید). در عهد عتیق، بسیاری از بخش‌ها مبهم و نامشخص هستند (موضوع خاص: ادبیات شرقی [تضادهای انجیلی])، ولی مومنین با ایمان تأیید می‌کنند که هر آنچه برای ایمان لازم است به اندازه کافی و به وضوح در عهد جدید وجود دارد. این مفهوم در آنچه تثلیث مکاشفه نامیده می‌شود، تعریف شده است.
- a. خدا در مقاطع زمانی مختلف خود را آشکار کرده است (مکاشفه).
 - b. او نویسندگان خاصی را انتخاب کرده است تا اعمال او را ثبت کرده و توضیح دهند (الهام).
 - c. او روح خود را داده است تا اذهان و قلبهای انسانها را برای درک این نوشته‌ها باز کنند، نه به طور قطع، بلکه به صورت متناسب برای رستگاری و زندگی مسیح‌گونه. (نورانی، موضوع خاص: نورانی را مطالعه کنید). نکته در اینجاست که الهام و وحی محدود به نویسندگان کتاب مقدس است. هیچ نوشته، دیدگاه، یا مکاشفه دیگری وجود ندارد. قانون کلی بسته می‌شود. ما تمامی حقیقتی را که بدان نیاز داریم تا به خدا پاسخ دهیم، در اختیار داریم. حقیقت را به بهترین شکل می‌توان

در نوشته‌های انجیلی در برابر مخالفت‌های مومنین دید. هیچ نویسنده یا سخنران عصر مدرنی آن سطح مدیریت الهی را که نویسنده کتاب مقدس داشتند را داشته باشد.

B. پیامبران عهد جدید به نوعی همانند پیامبران عهد عتیق هستند.

a. پیش‌بینی رخدادهای آینده (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۲۷: ۲۲، آگابوس، اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱، سایر پیامبران بی‌نام، اعمال رسولان ۲۰: ۲۳).

b. داوری را اعلام می‌دارند (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، ۲۸: ۲۵ الی ۲۸)

c. اعمال نمادین که به صورت مشهود نمایانگر رخدادی هستند (مراجعه شود به آگابوس، اعمال رسولان ۲۱: ۱۱)

C. آنان حقیقت انجیل را اعلام می‌دارند، گاهی اوقات به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۲۳، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱)، ولی این تمرکز اصلی نیست. نبوت کردن در اول قرن‌تینان اساساً برقراری ارتباط با انجیل است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۴ و ۳۹).

D. آنان ابزارهای عصر معاصر روح برای مکاشفه عصر حاضر حقیقت خدا برای هر موقعیت، فرهنگ یا دوره زمانی جدید نیستند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۴: ۳).

E. آنها در کلیساهای پولس فعال بودند (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۴ الی ۵، ۱۲: ۲۸ و ۲۹، ۱۳: ۲ و ۸ و ۹، ۱۴: ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۹، افسسیان ۲: ۲۰، ۳: ۵، ۴: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰) و در *Didache* (نوشته شده در قرن اول یا دوم، تاریخ آن قطعی نیست) و در مونتانیسم قرن‌های دوم و سوم شمال آفریقا ذکر شده‌اند.

IV. آیا مواهب عهد جدید خاتمه یافته‌اند؟

A. به سختی می‌توان به این سوال پاسخ داد. این سوال کمک می‌کند که مسئله با تعریف اهداف مواهب روشن شود. آیا آنها برای تأیید موعظه اولیه انجیل هستند یا آنها شیوه‌های مستمر برای کلیسا جهت بشارت به خود و جهان گمراه هستند؟

B. آیا کسی به تاریخ کلیسا نگاه می‌کند تا به سوال عهد جدید پاسخ دهد؟ هیچ چیزی در انجیل نیست که بگوید مواهب معنوی موقتی بودند. آنها که سعی می‌کردند از اول قرن‌تینان ۱۳: ۸ الی ۱۳ استفاده کنند که تا این مسئله را بیان کنند، از نیت نگارنده از متن سو استفاده می‌کند، که تصریح می‌کند هر چیزی غیر از محبت کردن گذرا است.

C. وسوسه شدم که بگویم از آنجا که عهد جدید، و نه تاریخ کلیسا، نشان از اقتدار دارد، مومنین باید تأیید کنند که این مواهب ادامه دارند. با این حال، من فکر می‌کنم که فرهنگ بر تفسیر تاثیرگذار است. برخی متون کاملاً شفاف دیگر کاربرد ندارند (مانند بوسه مقدس، پوشیدن حجاب توسط زنان، ملاقات‌های کلیسایی در خانه، و غیره). اگر فرهنگ بر متن تاثیر گذارد، پس چرا تاریخ کلیسا تاثیر نگذارد؟

D. این سوالی است که یقیناً نمی‌توان به طور قطع به آن پاسخ داد. برخی مومنین مواهب عهد جدید متوقف شده و برخی دیگر می‌گویند متوقف نشده و همچنان ادامه دارند. در این زمینه، همانند بسیاری از دیگر مسائل تفسیر، قلب مومن کلید است. عهد جدید مبهم و فرهنگی است. سختی در این است که بتوان تصمیم گرفت کدام متون تحت تاثیر فرهنگ/تاریخ قرار می‌گیرند و کدامها برای تمام دورانها هستند (*Fee and Stuart's How to Read the Bible for All Its Worth*، صفحات ۱۴ الی ۱۹ و ۶۹ الی ۷۷). در اینجاست که بحث در مورد آزادی و مسئولیت، که در رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ و اول قرن‌تینان ۸ الی ۱۰ یافت می‌شوند، حساس هستند. اینکه چگونه به سوال پاسخ دهیم، به دو شیوه بستگی پیدا می‌کند.

۱. هر مومن باید با ایمان و نوری که دارند، گام بردارد. خدا به قلب ما و انگیزه‌هایمان نگاه می‌کند.

۲. هر مومن باید اجازه دهد سایر مومنین با درک و ایمانی که دارند گام بردارند. باید تناوباتی در محدودیت‌های انجیلی وجود داشته باشد. خدا از ما می‌خواهد همانطور که او ما را دوست دارد، همدیگر را نیز دوست داشته باشیم.

E. و در انتها باید توجه داشت که مسیحیت زندگی از روی ایمان و محبت است، نه یک الهیات کامل. رابطه با او که بر رابطه ما با دیگران تاثیر می‌گذارد، بمراتب مهمتر از کامل بودن است.

۱۶:۷ "شنیدم از مذبیح پاسخ آمد" قبلاً شاخه‌های مذبیح در مکاشفه ۹: ۱۳ دهان به سخن گشوده بودند. بنظر می‌رسد این نکته اشاره به (۱) جانمایی که در زیر مذبیح بودند (مکاشفه ۹: ۶؛ ۱۴: ۱۸) و یا (۲) دعای فرزندان خدا (مکاشفه ۸: ۳-۵) داشته باشد. اما در عین می‌تواند فقط یک مثال جهت تصویرسازی از آن رویداد بمنظور تأکید بر آن باشد.

☐ "خدای قادر مطلق" به یادداشت مکاشفه ۳: ۱۵ و موضوع خاص در مکاشفه ۸: ۱ رجوع نمایید.

□ "حق است و عدل، کیفری که تو می دهی" این بخش می تواند اشاره ای باشد به مزمور ۹:۱۹ و ۱۱۹:۱۳۷. در میانه چنین دوران وحشتناکی که رنج در برابر مسیحیان قرار گرفته است، یادآوری این آیه بسیار مفید خواهد بود (مکاشفه ۴:۱۵ و ۲:۱۹). خداوند روزی همه چیز را درست خواهد کرد!

متن NASB (بروز شده) مکاشفه: ۸:۱۶-۹

ا^۸ فرشته چهارم پیاله خود را بر خورشید فرو ریخت، و خورشید فرمان یافت تا مردم را به آتش بسوزاند. ^۹ و مردم از شدت گرما سوختند و نام خدا را که اختیار این بلاها با اوست، ناسزا گفتند، اما توبه نکردند و او را جلال ندادند.

۸:۱۶ چهارمین پیاله شبیه ششمین مهر در مکاشفه ۱۲:۶ بوده و خیلی شبیه به چهارمین شیپور در مکاشفه ۸:۱۲ است.

□ "فرمان یافت تا مردم را به آتش بسوزاند" خورشید در این آیه همچون مزمور ۱۹:۱-۶ به تصویر کشیده شده است. خداوند جسمهای آسمانی را در اختیار خود دارد (پیدایش ۱:۱۴-۱۹). آنان خدایان کوچکتر نیستند. آنان همچون پیام آوران از سوی خدا عمل کرده (مکاشفه طبیعی) و نشانه هایی برای فصلها هستند (برای نیایش).

موضوع خاص: آتش (KB 92، BDB 77)

(Special Topic: Fire)

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

A. مثبت

۱. گرمی (مراجعه شود به اشعیا ۴۴:۱۵، انجیل یوحنا ۱۸:۱۸)
۲. نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰:۱۱، انجیل متی ۲۵:۱ الی ۱۳)
۳. آشپزی (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲:۸، اشعیا ۴۴:۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۲۱:۹)
۴. پاک کننده (مراجعه شود به کتاب اعداد ۳۱:۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷:۳، اشعیا ۱:۲۵، ۶:۶ الی ۸، ارمیا ۶:۲۹، ملاکی ۳:۲ الی ۳)
۵. تقدس خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵:۱۷، کتاب خروج ۳:۲، ۱۹:۱۸، حزقیال ۱:۲۷، عبرانیان ۱۲:۲۹)
۶. رهبری خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳:۲۱، کتاب اعداد ۱۴:۱۴، اول پادشاهان ۱۸:۲۴)
۷. قدرت بخشیدن خدا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۳)
۸. محافظت خدا (مراجعه شود به زکریا ۲:۵)

B. منفی

۱. سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶:۲۴، ۸:۸، ۱۱:۱۱، انجیل متی ۲۲:۷)
۲. نابود کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۹:۲۴، لاویان ۱۰:۱ الی ۲)
۳. خشم (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۱:۲۸، اشعیا ۱۰:۱۶، زکریا ۱۲:۶)
۴. مجازات کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳۸:۲۴، لاویان ۲۰:۱۴، ۲۱:۹، یوشع ۷:۱۵)
۵. نشانه های اسکاتولوژیک دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳:۱۳)

C. خشم خدا در برابر گناه اغلب به صورت تصویری از آتش بیان میشود

۱. خشم او میسوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸:۵، صفتیا ۳:۸)
۲. او آتش فرو میریزد (مراجعه شود به نحمیا ۱:۶)
۳. آتش ابدی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵:۱۴، ۱۷:۴، انجیل متی ۲۵:۴۱، یهودا آیه ۷)
۴. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۰، ۵:۲۲، ۱۳:۴۰، انجیل یوحنا ۱۵:۶، دوم تسالونیکیان ۱:۷، دوم پطرس ۳:۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸:۷، ۱۶:۸، ۲۰:۱۴ الی ۱۵)

D. آتش اغلب به عنوان تجلی خدا بیان میگردد

۱. کتاب پیدایش ۱۵:۱۷
۲. کتاب خروج ۳:۲

۳. کتاب خروج ۱۹: ۱۸

۴. مزامیر ۱۸: ۷ الی ۱۵، ۲۹: ۷

۵. حزقیال ۱: ۴ و ۲۷، ۱۰: ۲

۶. عبرانیان ۱: ۷، ۱۲: ۲۹

E. همانند بسیاری از استعاره ها در انجیل (یعنی خمیرمایه، شیر) آتش میتواند بسته به متن نعمت یا نفرین باشد.

۹:۱۶ "توبه نکردند و او را جلال ندادند" در ماجرای مهرها و شیپورها باوجود سرسختی بشر سرکش در امتناع به توبه، خشم خداوند جنبه نوسازی و بازسازی دارد (مکاشفه ۹: ۲۰-۲۱؛ ۱۴: ۶-۷؛ ۱۶: ۹-۱۱). در ماجرای پیاله‌ها امید به توبه از دست رفته و داوری تنها گزینه ممکن است!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۶: ۱۰-۱۱

۱۰ "فرشته پنجم پیاله خود را بر تخت آن وحش فرو ریخت و قلمرو او در تاریکی فرو رفت. آدمیان از فزونی درد، زبان خود را گاز می‌گرفتند. ۱۱ و به سبب آلام و جراحات خود به خدای آسمان ناسزا می‌گفتند، اما از اعمال خود توبه نمی‌کردند.

۱۰:۱۶ "فرشته پنجم پیاله خود را بر تخت آن وحش فرو ریخت" در مکاشفه ۷: ۱۱ تاج و تخت شیطان به هیولای وحش داده می‌شود. در مکاشفه ۲: ۱۳ نیروی او به تصویر کشیده می‌شود. بنظر می‌رسد که این موضوع اشاره به پایتخت دوران او و دولت جهانی ارتباط داشته باشد.

□ "قلمرو او" شیطان از خدا تقلید می‌کند. درحالیکه خداوند دارای قلمروی پادشاهی می‌باشد، شیطان نیز حدود خود را داراست. با مطالعه فصلهای بعدی این کتاب، کارهایی که خداوند برای عیسی انجام داد، توسط مثلث شیطان عیناً تکرار می‌گردد. پادشاهی شیطان بوسیله وحش، جنبه جهانی دارد (مکاشفه ۱۳: ۱۴-۱۷).

□ "در تاریکی فرو رفت" این عبارات، اشاره دیگری به بلایای مصریان می‌باشد (سفر خروج ۱۰: ۲۱-۲۳). کنترل نور در داستان خداوند است (مکاشفه ۸: ۱۲؛ ۹: ۲؛ پیدایش ۱: ۵، ۱۴-۱۸).

۱۱:۱۶ "به خدای آسمان ناسزا می‌گفتند" این بی‌ایمانان سرمنشأ و علت درد خود را تشخیص داده بودند، اما با اینحال از توبه و بازگشت به سوی عیسی سر باز می‌زدند! بلایای مصر به منظور رونمایی از خدایان دروغین مصر نازل گردیده بود و سبب گردید تا مصریان به خداوند اسرائیل ایمان آورند. "نفرینها"ی عنوان شده در کتاب تثنیه ۲۷-۲۸ به منظور بازگرداندن غیر یهودیان بی‌ایمان به ایمان و اطاعت از خداوند بود. داوری خداوند همواره به منظور احیای بشریت بوده است (بجز مورد آخر)!

عنوان "خدای آسمان" پیشتر در مکاشفه ۱۳: ۱۱ بکار برده شده بود و بازتاب دهنده عنوانی بابلی ایرانی برای خاندان الهی که اغلب توسط دانیال بکار برده می‌گردید، می‌باشد (دانیال ۲: ۱۸، همینطور به تفسیر من درباره دانیال در وبسایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۶: ۱۲-۱۶

۱۲ "فرشته ششم پیاله خود را بر رود بزرگ فرات فرو ریخت و آب آن خشکید تا راه برای شاهان شرق باز شود. ۱۳ آنگاه دیدم سه روح خبیث در هیئت وزغ از دهان اژدها و از دهان آن وحش و از دهان نسی کذاب بیرون آمدند. ۱۴ اینان ارواح دیوهایند که آیات به ظهور می‌آورند و نزد شاهان سرتاسر جهان می‌روند تا آنان را برای نبرد روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند. ۱۵ «به هوش باشید، که چون دزد می‌آیم! خوشا به حال آن که بیدار می‌ماند و جامه‌اش را نگاه می‌دارد، مبدا عربان روانه شود و رسوای عالم گردد.» ۱۶ آنگاه آن سه روح پلید شاهان زمین را در جایی که به زبان عبرانیان 'حارمگدون' خوانده می‌شود، گرد هم آوردند.

۱۲:۱۶ "فرشته ششم پیاله خود را بر رود بزرگ فرات فرو ریخت" نام این رود قبلاً در مکاشفه ۹: ۱۳-۱۹ و در زمانی که سپاه شیطان از مرز گذشت تا بشریت را شکنجه کند، به میان آمده بود. سرمنشأ آب رود فرات از مرز شمالی سرزمین موعود و محدوده بیرونی امپراتوری یونان بوده است. ریشه تاریخی احتمالی برای این استعاره از سپاه شیطانی، سواره نظام پارتیان بوده است. این مهاجمان ضد روم بنا را بر قتل عام سربازان رومی گذارده بودند.

□ "آب آن خشکید" خشک شدن آب در عهد عتیق اغلب بعنوان یکی از کارهای خداوند تعبیر گردیده است. مثال آن را می‌توان در آیات زیر مشاهده کرد:

۱. دریای سرخ (سفر خروج ۱۴: ۲۱)

۲. رود اردن (یوشع ۳: ۱۷)

۳. ده‌ها اشاره دیگر در ادبیات نبوتی آیاتی چون اشعیا ۱۱: ۱۵-۱۶؛ ۴۴: ۲۷؛ ارمیا ۵۱: ۳۶؛ زکریا ۱۰: ۱۱

چنین کاری از جانب خداوند نشان دهنده این امر است که او به اوج رسیدن تضاد نهایی را جایز می‌داند. به لحاظ الهیاتی این موضوع همتراز با عبارت "چه کسی چه چیزی مانع است" در ۲ تسالونیکیان ۲: ۶-۷ می‌باشد.

□ "تاراه برای شاهان شرق باز شود" درباره چگونگی ارتباط میان "شاهان شرق" با "شاهان سرتاسر جهان" در مکاشفه ۱۶: ۱۴ بحث‌های زیادی مطرح بوده است:

۱. هر دو مورد یکی هستند
 ۲. در مقابل یکدیگر و رقیب هستند (افسانه نرون و سپاه پارتها)
 ۳. شاهان شرق اشاره به سپاه خداوند دارد
- در اینصورت، اشاره‌ای است به فراخواندن قوم خدا از بابل توسط خداوند (اشعیا ۴۱: ۲، ۲۵؛ ۴۵: ۱-۳؛ ۴۶: ۱۱). این امکان وجود دارد که با توجه به متن، شاهان شرق وسیله‌ای برای خداوند بوده تا به سپاهیان وحش حمله نمایند (کنایه تاریخی از حمله پارتها به روم). با اینحال، مکاشفه ۱۶: ۱۴ و فصل ۱۹ و ۲۰ می‌گویند که فقط یک ارتش انسانی وجود دارد که در برابر خداوند متحد گردیده است (مزمور ۲: ۲۵-۱۵؛ ۲۶-۱۵).
- ۱۳: ۱۶ "ازدها، وحش، نبی دروغین" این بار اول است که وحش دوم (مکاشفه ۱۳: ۱۱) "نبی دروغین" خوانده می‌شود، اما از حالا به بعد با این نام از او یاد خواهد گردید (مکاشفه ۱۳: ۱۶؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۱: ۱۰).
- این سه عنوان اشاره به مثلث شیطانی دارد که در دو صحنه شکست خواهد خورد: دو وحش در دره مجدو (مکاشفه ۱۶: ۱۲-۱۶) و در نهایت شیطان که توسط پادشاهی زمینی مسیح شکست خواهد خورد (مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰).

□ "سه روح خبیث در هیئت وزغ" (در متن انگلیسی "سه روح ناپاک همچون وزغ" نوشته شده است) واژه "ناپاک" در اناجیل عهد جدید در اشاره به شیاطین بکار برده شده است. علت تشبیه به وزغ بشدت مورد اختلاف بوده است:

۱. مرجعی دیگر است برای اشاره به بلایای مصریان (خروج ۸: ۶)
۲. در آیین زرتشت، وزغ نماد شیطان بزرگ است
۳. اشاره به حیوانات ناپاک دارد (لاویان ۱۱: ۱۰، ۳۱)

موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین

(Special Topic: Angels And Demons)

- A. مردم قدیم تصورگرا بودند. آنها شخصیت انسان را با نیروهای طبیعت، حیوانات و اشیا طبیعی توصیف می‌کردند. زندگی با تعامل میان این هویت‌های معنوی با انسان توصیف می‌شد.
- B. این شخصیت‌سازها به مرور پلی‌تئیسم (*polytheism*) یا چند خدایی را به وجود آورد. معمولاً شیطان (*genii*) خدای پائین‌تر یا کوچکتر بود و (نیکی در مقابل اهریمنی قرار داشت) که بر زندگی انسانها تاثیر می‌گذاشتند.
۱. بین‌النهرین، شورش و تقابل
 ۲. مصر، نظم و عملکرد
 ۳. کنعان، به *Archaeology and the Religion of Israel* نوشته W. F. Albright جلد پنجم، صفحه ۶۷ الی ۹۲ مراجعه شود.
- C. عهد عتیق با موضوع خدایان کوچکتر، فرشتگان یا شیاطین صحبتی نمی‌کند، احتمالاً به خاطر یکتاپرستی شدید (به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه کنید، کتاب خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، ۱۵: ۱۱، تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۶: ۴، ۳۳: ۲۶، مزمور ۳۵: ۱۰، ۷۱: ۱۹، ۸۶: ۸، اشعیا ۴۶: ۹، ارمیا ۱۰: ۶ الی ۷، میکاه ۷: ۱۸). به خدایان دروغین مردم کافر اشاره می‌کند (*Shedim*، BDB 993 مراجعه شود به تثنیه ۱۷: ۳۲، مزمور ۳۷: ۱۰۶) و از برخی از آنها حتی اسم می‌برد.
۱. *Se'im* (موجود نیمه‌انسان نیمه بز یا شیطان شمالی، BDB 972 III، KB 1341 III، مراجعه شود به لاویان ۱۷: ۷، دوم تواریخ ۱۱: ۱۵، اشعیا ۲۱: ۱۳، ۳۴: ۱۴)
 ۲. *Lilith* (مونث، شیطان متجاوز شهبها، BDB 539، KB 528، مراجعه شود به اشعیا ۳۴: ۱۴)
 ۳. *Mavet* (اصطلاح عبری برای مرگ که برای خدای زیر زمینی کنعانیان استفاده می‌شد، Mot، BDB 560، KB560، مراجعه شود به اشعیا ۱۵: ۲۸ و ۱۸، ارمیا ۹: ۲۱، و احتمالاً تثنیه ۲۲: ۲۸)
 ۴. *Resheph* (بلا، آتش، تگرگ، BDB 958، KB 958، مراجعه شود به تثنیه ۲۴: ۳۲، مزمور ۷۸: ۴۸، حبقوق ۳: ۵)
 ۵. *Dever* (بلا، BDB 184، مراجعه شود به مزمور ۹۱: ۵ الی ۶، حبقوق ۳: ۵)

۶. *Az'azel* (معنی این اسم مشخص نیست، ولی احتمالا شیطان صحرا و یا نام مکانی است، BDB 736, KB 736، مراجعه شود به لاویان ۸: ۱۶ و ۱۰ و ۲۶)

(این مثالها از Encyclopaedia Judaica جلد ۵، صفحه ۱۵۲۳ اقتباس شده اند.)

با این وجود، هیچ دوالیسم یا جدایی فرشتگان از یهوه در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان خدمتگزار یهوه است (مراجعه شود به ایوب ۱ الی ۲، زکریا ۳)، نه یک دشمن مستقل و خود رای (مراجعه شود به A Theology of the Old Testament نوشته A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶).

D. یهودیت در طول دوران تبعید در بابل توسعه یافت (۵۸۶ تا ۵۳۸ قبل از میلاد). از نگاه الهیاتی، از دوالیسم دین زرتشت ایران تحت تاثیر قرار گرفت، یک خدای نیک و والا بنام مزدا یا اهورامزدا و شیطان در مقابلش بنام اهریمن. در دوران بعد از تبعید یهود این شخصیت بخشیدن دوالیسم میان یهوه و فرشتگانش و شیطان و فرشتگانش و شیاطین شکل گرفت.

شخصیت بخشیدن به شیطان در الهیات یهود به خوبی در کتاب *The Life and Times of Jesus the Messiah* نوشته Alfred Edersheim، جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۹ الی ۸۶۳ توصیف شده است. یهودیسم شیطان را به سه شیوه شخصیت داده:

۱. شیطان یا سمائل

۲. نیت شیطانی انسان (*yetzer hara*)

۳. فرشته مرگ

ادرسهایم (*Edersheim*) اینها را به شیوه زیر مشخص می کند

۱. متهم کننده

۲. وسوسه کننده

۳. تنبیه کننده (جلد ۲ صفحه ۷۵۶)

یک تمایز مشخص الهیاتی میان یهودیت بعد از تبعید و عهد جدید در معرفی شیطان وجود دارد.

E. عهد جدید بخصوص اناجیل وجود و مقابله روح شیطانی انسانها با یهوه را تصریح می کنند (در یهودیت، شیطان دشمن انسانها است، نه دشمن خدا). آنها مخالف اراده، حکومت و پادشاهی خدا هستند.

عیسی با این اهریمنان مقابله کرده و آنها را از وجود انسانها خارج می کند، به آنها (۱) روح ناپاک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۶، ۱۸: ۶) یا روح های شیطانی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷: ۲۱، ۸: ۲) گفته می شود. به وضوح عیسی تمایزی میان بیماری (فیزیکی و ذهنی) و اهریمن قائل می شود. او قدرت و بیش خود را با تشخیص دادن آنها و بیرون راندن این ارواح شیطانی به نمایش می گذارد. آنها اغلب او را شناخته و بر او شهادت می دهند ولی عیسی شهادت آنها را رد کرده و ساکت کرده و خارج می سازد. بیرون کردن شیطان، نشانه شکست پادشاهی شیطان است.

در نامه های شاگردان در عهد جدید هیچ گونه اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد. بیرون راندن شیطان هرگز به عنوان یک برکت معنوی فهرست نشده و هیچ روش یا فرایندی برای نسلهای بعد برای بشارت دهندگان یا مومنین ارائه نشده است.

F. شیطان واقعی است، شیطان شخصی است، شیطان حضور دارد. نه مبدا او و نه هدفش فاش نشده است. انجیل واقعی بودن او را تصریح کرده و شدیداً با نفوذ او مقابله می کند. در واقعیت نهایت دوالیسمی وجود ندارد. همه چیز تحت کنترل کامل خدا است، شیطان شکست می خورد، قضاوت می شود و از مخلوقات بیرون رانده می شود.

G. مردم خدا باید در مقابل شیطان مقاومت کنند. (مراجعه شود به جیمز ۴: ۷). نمی توانند توسط او کنترل شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۸)، ولی می توانند وسوسه شوند و شهادت و نفوذ آنها آسیب ببیند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸) / شیطان یک بخش افشا شده در جهان بینی مسیحیان است. مسیحیان مدرن هیچ حقی ندارند که شیطان را دوباره تعریف کنند (تفسیر Rudolf Baltmann)، شیطان را بدون شخصیت کنند (ساختارهای اجتماعی پل تیلیچ)، نه سعی کنند تا او را با اصطلاحات روانشناسی توصیف کنند (زیگموند فروید). نفوذ او فراگیر است، ولی شکست می خورد. مومنین باید در مسیر پیروزی مسیح گام بردارند.

۱۴: ۱۶ "اینان ارواح دیوهایند که آیات به ظهور می آورند" به گمراهی کشاندن همه بی ایمانان توسط این آیات و نشانه ها بسیار جالب توجه است، اما حتی یکی از فرزندان خدا (مکاشفه ۱۳: ۱۳؛ متی ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۲۲؛ ۲ سالونیکیان ۲: ۹-۱۱) گمراه نمی شوند. این واحد ادبی آخر (پیاله ها) مقایسه ای است میان آنچه که برای فرزندان خدا و آنچه که برای تمام ساکنان زمین روی خواهد داد. عیسی کلامی مبتنی بر حقیقت، عدالت و رحمت، صلح را بر روی زمین به ارمغان می آورد، اما روح وزغ شیطانی با دروغگویی خود، ملتتها را به جنگ با یکدیگر می کشاند.

□ "نزد شاهان سرتاسر جهان می روند" این عبارت کنایه ای است به مزمور ۲: ۲، که رویای آخرین فصلهای کتاب مکاشفه را شکل می دهد.

□ "تا آنان را برای نبرد روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند" مشخصات نبردی عظیم در روز آخر، در مکاشفه ۸:۲-۶؛ ۱۱:۷-۱۰؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۴:۱۶؛ ۱۴:۱۷؛ ۱۹:۱۹ و ۸:۲۰ ظاهر می‌گردد. این امکان وجود دارد که همه این آیات حکایت از یک نبرد بزرگ دارند اما از زوایای مختلف مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. (parallelism).

۱۵:۱۶ عبارات این آیه شامل کلمات عیسی مسیح می‌باشند که به منظور تشویق و هشدار قوم خدا مطرح گردیده‌اند. این سومین مورد از هفت دعای خیر برای ایمانداران است (مکاشفه ۱:۳؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷، ۱۴).

□ "چون دزد می‌آیم" این عبارات توسط عیسی (متی ۲۴:۴۳-۴۴؛ لوقا ۱۲:۳۹-۴۰)، قبلاً نیز در مکاشفه ۳:۳ بکار برده شده بود، و اشاره به ۱ تسالونیکیان ۲:۵ و ۲ پطرس ۳:۱۰ دارد. بنظر می‌رسد که اشاره به ورود هر لحظه‌ای و ناگهانی عیسی برای داوری دارد (ظهور دوم).

موضوع خاص: اصطلاحات به کار رفته برای آمدن دوم

(Special Topic: Terms For The Second Coming)

چندین اصطلاح و عبارت هستند که به آمدن دوم عیسی اشاره میکنند

۱. *parousia* (یعنی یعقوب ۵: ۷)، که یعنی "حضور"، در مورد بازدید سلطنتی استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳ و ۲۷ و ۳۷ و ۳۹، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹، ۳: ۱۳، ۴: ۱۵، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱ و ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶، ۳: ۴ و ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۸)
۲. *epiphaneia* "رو در رو ظاهر شدن" (یعنی اول تیموتائوس ۶: ۱۴، دوم تیموتائوس ۱: ۱۰، ۴: ۱ و ۸، تیتوس ۲: ۱۳)
۳. *apokalupis* "نمایان شدن"، "آشکار شدن" (یعنی اول قرنتیان ۱: ۷، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، اول پطرس ۱: ۵ و ۱۳، ۵: ۱)
۴. "روز سرور" و حالات متفاوت این عبارت (موضوع خاص: روز سرور را مطالعه کنید)

عهد جدید در کل با جهانبینی عهد عتیق نوشته شده است که اینها را تصریح میکند:

۱. حصر پلیدی و یاغی حاضر

۲. آمدن عصر جدید پارسایی

۳. این ممکن است توسط عامل روح القدس از طریق کار مسیح (آن تطهیر شده، موضوع خاص: مسیح را مطالعه کنید) تحقق یابد.

فرضیه الهیات مکاشفه پیشرفته مورد نیاز است، زیرا نویسندگان عهد جدید اندکی در توقعات اسرائیل تغییراتی ایجاد کردند. به جای آمدن نظامی متمرکز بر ناسیونالیسم (اسرائیل) مسیح، دو آمدن وجود دارد. اولین آمدن به مفهوم تولد عیسی ناصری بود. او به عنوان غیر نظامی "خدمتکار رنج کشیده" اشعیا ۵۳؛ همچنین سوار بر پشت یک الاغ (نه یک اسب جنگی و یا پادشاه) از زکریا ۹: ۹ آمد. با اولین آمدن، عصر جدید مسیحیت، پادشاهی خدا در زمین آغاز شد (نگاه کنید به موضوع خاص: پادشاهی خدا). در یک نگاه پادشاهی در اینجا است، اما البته دیگری هنوز هم دور است. این تنش بین دو دیدار مسیح است که به نوعی دو عصر همپوشان یهودی است که از عهد عتیق نامعلوم بوده و یا حداقل مشخص نشده است (نگاه کنید به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد). واقعیت این است که این دوگانگی تأکید بر تعهد یهوه برای رستگار ساختن تمام بشریت است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۳؛ ۱۲: ۳؛ کتاب خروج ۱۹: ۵ و موعظه انبیا، به ویژه اشعیا و یونس؛ نگاه کنید به موضوع ویژه: طرح رستگاری جاودانگی یهوه).

کلیسا منتظر تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها به آمدن اول اشاره دارند (مراجعه شود به *How to Read the Bible For All Its Worth*، صفحات ۱۶۵ الی ۱۶۶). آنچه مومنین حدس میزنند آمدن باشکوه شاه شاهان، سرور سروران است، تحقق عصر جدید پارسایی بر زمین که اینک در بهشت حکمفرما است (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰). گفته‌های عهد عتیق نادرست نبودند، اما ناقص بودند. او دوباره خواهد آمد، با قدرت و اقتدار یهوه، درست همانطور که انبیا پیشگویی کرده بودند (مراجعه شود به موضوع خاص: چرا وعده‌های عهد عتیق با وعده‌های عهد جدید اینهمه تفاوت دارند؟)

آمدن دوم یک اصطلاح انجیلی نیست، بلکه مفهومی است که چهارچوب و جهانبینی کل عهد عتیق را شکل میدهد. خدا همه چیز را مشخص میسازد. رفاقت میان خدا و انسانی که در تصویر او خلق شده احیا میشود (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). پلیدی مورد داوری قرار گرفته و از بین می‌رود (مراجعه شود به مکاشفه ۲۰: ۱۱ الی ۱۵). اهداف خدا نمیتوانند شکست بخورند و شکست نخواهند خورد!

□ "خوشا به حال آن که بیدار می‌ماند و جامه‌اش را نگاه می‌دارد" این سومین مورد از هفت دعای خیر عطا شده به ایمانداران وفادار است (مکاشفه ۱: ۳؛ ۱۳: ۱۴؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۹: ۹؛ ۲۰: ۶؛ ۲۲: ۷، ۱۴). بنظر می‌رسد که این آیه خلاصه هشدار اسکاتولوژیکی باشد که در مرقس ۱۳: ۳۳-۳۷ و لوقا ۳۷: ۱۲ وجود دارد. اگر نظریه وجود شعفی پنهان در کلیسا پیش از رنج در این زمان تأیید شود، پس این آیه باید در جای خود قرار نگرفته باشد. در اینصورت پس عیسی با چه کسی صحبت می‌کند؟ به متی ۲۴: ۳۷-۴۲ در وبسایت www.freebiblecommentary.org مراجعه نمایید.

□ "مبادا عریان روانه شود و رسوای عالم گردد" این می‌تواند اشاره‌ای به مکاشفه ۳:۱۸ باشد. در عهد عتیق، عریان بودن نمادی برای مورد داوری واقع شدن بود (حزقیال ۲۳:۲۹؛ هوشع ۲:۳؛ عاموس ۲:۱۶؛ میکاه ۱:۸). با اینحال، این عبارات اشاره به از دست دادن رستگاری ندارد، بلکه روی سخنش با مسیحیانی است که بخاطر اعمالشان و نداشتن زندگی همچون مسیح در هنگام ظهورش، شرمسار خواهند گردید. بازگشت عیسی در قالب داور و منجی، که دقیقاً همانگونه است که یهودیان در انتظار بازگشت منجی خود هستند، در مکاشفه ۱۹:۱۱-۱۶ تعریف گردیده است.

۱۶:۱۶ "گرد هم آوردند" این بخش در مکاشفه ۲۰:۸ تکرار گردیده است.

NASB	"به زبان عبرانیان 'حارمگدون'"
NKJV, NJB	"به زبان عبرانیان آرماگدون"
NRSV	"به زبان عبرانیان حارمگدون"
TEV	"به زبان عبرانیان آرماگدون"

این لغت در نسخه‌های مختلف یونانی به اشکال مختلف نوشته شده است. نظریه‌های گوناگونی برای تعریف این نام وجود داشته است (که در هیچ کدام از نسخه‌های یونانی و عبری دیده نمی‌شود).

۱. اشاره به کوه "مجدو"، شهری در شمال منطقه منسی که بر روی تپه ساخته شده، دارد
۲. اشاره به شهر "مجدو" دارد، ما مشکل در این مورد، عدم نگارش درست نام شهر در این متن است
۳. ترجمه "کوه اجتماع" در اشعیا ۱۴:۱۳ است، که اشاره به کوه بزرگ خداوند دارد که مورد حمله شیطان واقع می‌گردد
۴. اشاره به تمامی سرزمین موعود دارد ("کوه‌های اسرائیل" که در حزقیال ۳۸:۸، ۲۰، ۲۱؛ ۳۹:۲، ۴، ۱۷ نام برده شده است)
۵. اشاره به "کوه پر بار" دارد که اسرائیل را در نبرد نهایی میان نیک و شر تجسم می‌نماید (نبوت یوئیل)
۶. ریشه نام "مجدو" می‌تواند "بریدن یا حمله کردن" باشد، که در اینصورت "کوه ویرانگر" در ارمیا ۵۱:۲۵ بعنوان نماد تخریف روم به همین ریشه باز می‌گردد.

یوحنا شهری را انتخاب کرد که معروف بوده و تفاوت مختصری هم در تلفظ نام آن وجود داشته است (Metzger, *Textual Commentary*). صفحه ۷۵۵). این شبیه فهرست بدور از واقعیت او از دوازده قبیله بمنظور نشان دادن طبیعت نمادین آنان که در مکاشفه ۷:۵-۸ وجود دارد. قدری جلوتر، این تفسیر نمادین در هنگام بکار بردن عبارت "به زبان عبرانی" دیده می‌شود، که همچون مکاشفه ۹:۱۱ نشان دهنده نمادین بودن می‌باشد. این حقیقت دارد که دره یزرعیل صحنه بسیاری از نبردهای عهد عتیق بوده است (داوران ۵:۱۹-۲۱؛ ۲ پادشاهان ۹:۲۷؛ ۲۳:۲۹-۳۰؛ ۳ تواریخ ۳۵:۲۲؛ زکریا ۱۲:۱۱). این راهی که قدرتهای نظامی بین‌النهرینی برای حمله مورد استفاده قرار می‌دادند، تبدیل به نماد فرهنگی شیطان گردیده بود (اشعیا ۱۴:۳۱؛ ارمیا ۱-۱۳؛ ۴:۶؛ ۱۰:۲۲؛ ۴۶:۲۰-۲۴؛ ۴۷:۲-۷؛ ۵۰:۳، ۹، ۴۱؛ ۵۱:۴۸؛ حزقیال ۳۸:۶، ۱۵؛ ۳۹:۲).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۶:۱۷-۲۱

^{۱۷} فرشته هفتم پیاله خود را در هوا پاشید و از آن تخت که در معبد بود، بانگی بلند برآمد که: «کار تمام است!»^{۱۸} آنگاه برق آذرخش و غریو غرش رعد بود که برمی‌خاست، و زمین لرزه‌ای عظیم واقع شد، چندان عظیم که نظیرش تا انسان بر زمین می‌زیسته، روی نداده بود.^{۱۹} شهر بزرگ سه پاره شد و شهرهای قومها فرو پاشیدند. و خدا بابل بزرگ را به یاد آورد و جام سرشار از شرابِ خشمِ خروشان خود را به او نوشاند.^{۲۰} جزیره‌ها گریختند و کوهها محو و نابود شدند.^{۲۱} و از آسمان تگرگی سخت سنگین بر آدمیان فرو بارید که هر دانه، انگاری پنجاه کیلو وزن داشت؛ و آدمیان خدای را از بابت این بلا ناسزا گفتند، زیرا که بلایی سخت سنگین بود.

۱۷:۱۶ "فرشته هفتم پیاله خود را در هوا پاشید" این می‌تواند اشاره‌ای به پادشاهی شیطان باشد که در افسسیان ۲:۲ دیده می‌شود. در قرن اول، جو بالای سطح زمین بعنوان دنیای شیاطین تصور گردیده بود. نبرد با ابلیس پایان یافته است (مکاشفه ۱۶:۱۷-۲۱).

۱۸:۱۶ این تجسم‌سازی بارها در کتاب مکاشفه تکرار شده است (مکاشفه ۴:۵؛ ۸:۵؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۶:۱۸).

۱۹:۱۶ "شهر بزرگ" با توجه به آیه ۸:۱۱ برخی از مفسران این شهر را اشاره به اورشلیم می‌دانند. با اینحال، من تصور می‌کنم آیه ۸:۱۱ اشاره به روم دارد و نه اورشلیم (مکاشفه ۸:۱۱؛ ۱۶:۱۹؛ ۱۷:۱۸؛ ۱۸:۱۰، ۱۸-۱۹، ۲۱). روم به فاحشه بزرگ بابل (مکاشفه ۸:۱۴) که محل اجتماع بی‌خدای باستان بود، شهرت دارد. در روزگاران یوحنا، روم مرکز امپراتوری بود که کلیسا را مورد ستم قرار می‌داد. در دوره پایانی ضد مسیح، می‌تواند شهر دیگری باشد. یوحنا به تعریف محل سقوط انسان و دولت ضد خدای ذکر شده در مکاشفه ۱۷-۱۸ ادامه می‌دهد.

□ "سه پاره شد" این عبارت احتمالاً اشاره به رویای حزقیال ۵ دارد که شکست مطلق را تعریف می‌کند.

- "شهرهای قومها فرو پاشیدند" اشاره به اتحاد ناکارآمد حکومت‌های انسانی در مقابل خدای ما و عیسی مسیح دارد (مزمور ۲). به یادداشت مکاشفه ۱۱:۱۰ رجوع نمایید.
- "خدا بابل بزرگ را به یاد آورد" عبارت "خدا به یاد آورد" اغلب بعنوان نماد داوری خدا بکار برده شده است (مکاشفه ۱۸:۵؛ ۱۹:۱۵). این جام داوری قبلاً در مکاشفه ۱۴:۱۰ مورد بحث قرار گرفته است.
- "جام سرشار از شرابِ خشمِ خروشان" مستی استعاره‌ای در عهد عتیق برای داوری خدا بوده است (مزمور ۶۰:۳؛ ۵۷:۸؛ اشعیا ۵۱:۱۷، ۲۲؛ ارمیا ۱۵:۲۵-۲۸، ۲۷؛ به موضوع خاص در مکاشفه ۱۴:۱۰ رجوع نمایید). "خشم" از واژه *orgē* گرفته شده است. به یادداشت مکاشفه ۱۴:۷ مراجعه نمایید.

۲۰:۱۶ "جزیره‌ها گریختند" این بخش مشابه ششمین مهر است (مکاشفه ۶:۱۴)

- "کوهها محو و نابود شدند" اینها عبارات نمادین عهد عتیق برای رویدادهای پایان دنیا هستند (مزمور ۹۷:۵؛ میکاه ۴:۱؛ نحیما ۱:۵).
- ۲۱:۱۶ "تگرگی سخت سنگین" گلوله‌های تگرگ همیشه نشانه داوری خدا بوده است (یوشع ۱۰:۱۱؛ اشعیا ۲۸:۲). این اشاره احتمالی دیگری به بلایای مصریان است (خروج ۹:۲۳-۲۴). تگرگ در حزقیال ۲۸:۲۲ برای آخرین دشمنان خدا بکار برده شده است. وزن این تگرگ‌های سنگین متفاوت تخمین زده شده است.
- "حدود پنجاه کیلو وزن" این یک وزن نالت می‌باشد. در دوران شرق نزدیک باستان، هر تالنت (واحد وزن در باستان) بین ۲۰/۴۱ تا ۶۲/۶ کیلوگرم بوده است. میزان دقیق مشخص نیست، اما روشن است که این اعداد برای نشان دادن میزان خسارت و مرگی که سبب گردیده بودند، بزرگنمایی شده‌اند.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. دریای شیشه‌ای نماد چه چیزی می‌باشد؟
۲. در روای خیمه آسمانی خداوند به یوحنا چه چیزی نشان داد؟
۳. فهرست شباهت‌های میان مهرها، شیپورها و پیاله‌ها را با بلایای مصر بنویسید.
۴. شاهان شرق در مکاشفه ۶:۱۲ چه ارتباطی با شاهان تمام زمین در مکاشفه ۶:۱۴ دارند؟
۵. حارمگدون به چه چیزی یا چه جایی اشاره دارد؟ (مکاشفه ۱۶:۱۶)
۶. "شهر بزرگ" به چه چیزی اشاره دارد؟ (مکاشفه ۱۹:۶)

مکاشفه ۱۷-۱۸

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
فاحشه بزرگ و وحش	اسکارلت زن و اسکارلت وحش	سقوط بابل	فاحشه مشهور	فاحشه بزرگ
۶-۱:۱۷	۶-۱:۱۷	۶-۱:۱۷	۲-۱:۱۷	۷-۱:۱۷
۱۴-۶:۱۷	منظور از طن و وحش	۸-۶:۱۷	۶-۳:۱۷	
	۱۸-۶:۱۷		۸-۶:۱۷	وحش و فاحشه نمادین
		۱۴-۹:۱۷	۱۱-۹:۱۷	۸:۱۷
			۱۴-۱۲:۱۷	۱۱-۹:۱۷
۱۸-۱۵:۱۷		۱۸-۱۵:۱۷	۱۷-۱۵:۱۷	۱۴-۱۲:۱۷
			۱۸:۱۷	۱۸-۱۵:۱۷
سقوط بابل	سقوط شعر بزرگ بابل	عزاداری برای شهر سقوط کرده	سقوط بابل	فرشته‌ای سقوط بابل را اعلام می‌کند
۳-۱:۱۸	۸-۱:۱۸	۳-۱:۱۸	۳-۱:۱۸	۳-۱:۱۸
				قوم خدا به مهاجرت فرا خوانده شدند
۸-۴:۱۸	جهان در عزای سقوط بابل	۸-۴:۱۸	۸-۴:۱۸	۸-۴:۱۸
۱۰-۹:۱۸	۲۰-۹:۱۸	۱۰-۹:۱۸	۱۰-۹:۱۸	۱۳-۹:۱۸
۲۰-۱۱:۱۸		۲۰-۱۱:۱۸	۱۷-۱۱:۱۸	
				۱۴:۱۸
				۱۷-۱۵:۱۸
			۱۹-۱۷:۱۸	۲۰-۱۷:۱۸
	پایان سقوط بابل		۲۰:۱۸	
۴:۱۹-۲۱:۱۸	۲۴-۲۱:۱۸	۲۴-۲۱:۱۸	۲۳-۲۱:۱۸	۲۴-۲۱:۱۸
			۴:۱۹-۲۴:۱۸	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید). پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به مکاشفه ۱:۱۷ - ۲۴:۱۸

- A. این دو فصل به شرح جزئیات تخریب بابل که پیشتر در مکاشفه ۸:۱۴ و ۱۹:۱۶ و البته ۲:۱۸، ۲۱ ذکر آن به میان آمد، می‌پردازند. هر یک از این دو فصل در واحدهای ادبی گوناگونی ظاهر می‌شوند (۱۲-۱۴)، (۱۵-۱۶)، و (۱۷-۱۹). این امر می‌تواند نمونه دیگری از همسانی و مسیر تکامل باشد.
- B. زمینه عهد عتیقی این دو فصل را در نوحه‌سرایبی برای تشیع جنازه برای سقوط شهرهای بی‌خدای باستانی نوشته شده را می‌توان مشاهده کرد:
۱. بابل (اشعیا ۱۳، ۱۴، ۲۱ و ارمیا ۵۰-۵۱)
 ۲. صور (اشعیا ۲۳ و حزقیال ۲۶-۲۸)
 ۳. نحمیا (ناهوم)
 ۴. اورشلیم گناهکار (اشعیا ۱:۱-۲۶؛ حزقیال ۱۶:۵۱-۵۲)
- C. این مفهوم از یک نظم جهانی سقوط کرده که در خصوصیت با خدا، در کتابهای مزامیر ۲؛ دانیال ۲؛ ۷؛ ۹؛ ۲۴-۲۷؛ متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱؛ و ۱ یوحنا ۲:۱۵-۲۰ معرفی گردیده است.
- D. کتاب مکاشفه از مرثه‌سرایبی مراسم دفن در عهد عتیق برای تشریح سقوط روم، امپراتوری بزرگ ضد خدا در دوران یوحنا استفاده می‌کند. با اینحال، مشابه همین نظم جهانی مستقل، سرسخت، مادی‌گرا و در تقابل با خدا را در هر عصر و دوره‌ای می‌توان مشاهده کرد (۱ یوحنا ۲:۱۸). این موضوع در نهایت تبدیل به مانیفست برای حکمرانی امپراتوری جهانی پایان عصر خواهد گردید (۲ تسالونیکیان ۲). جزئیاتی که به آخرین نسل خوانندگان یوحنا در شناسایی آخرین دجال ضد مسیح کمک می‌کند، می‌تواند دوباره در آخرین روزها ظاهر شود. مشکلی که وجود داشته این است که هر نسل از ایمانداران سعی در گنج‌یابی کتاب مکاشفه در دوران خود بوده‌اند!
- این کتاب به قرن اول ربط پیدا می‌کند، به هر قرنی و به آخرین قرن ارتباط پیدا می‌کند. بهترین راه اینست که به جزئیات بیش از حد پرداخته نشود. شنوندگان این کلام در آن زمان نیتی داشتند، در آینده نیز نیت خواهند داشت (آخرین نسل). اما برای بزرگترین اکثریت نسل ایمانداران، آنان همچون راز باقی خواهند ماند. بهتر است که حقیقت هسته مرکزی هفت واحد ادبی، تصریح گردد. همه این موارد تا ابدیت به یکدیگر ارتباط خواهند داشت. اگر جزئیات برای آخرین نسل از ایمانداران ستم‌دیده قطعی گردد، آنان دیگر نیازی به مفسر برای تشریح کلام خدا نخواهند داشت!
- E. William Hendriksen در کتاب *More Than Conquerors* تصریح می‌کند که سقوط دشمنان ایمانداران (شیطان، دو وحش، بابل، ضد خدا، ضد نظم جهان مسیحیت) چگونه می‌توانند با یکدیگر موازات داشته باشند. با وجود اینکه به تخریب هر یک از این موارد بصورت جداگانه پرداخته شد (شیطان، مکاشفه ۷:۲۰-۱۰؛ دو وحش، مکاشفه ۱۷:۱۹-۲۱؛ بابل، مکاشفه ۱۸:۱-۱۹:۴)، با اینحال همه این موارد همچون مهرها، شیپورها و پیاله‌ها همزمان بودند.
- به هر صورت، این ساختار ترجمه جذابی برای وسیع کردن همترازی مهرها (مکاشفه ۴-۷)، شیپورها (مکاشفه ۸-۱۱)، و پیاله‌ها (مکاشفه ۱۵-۱۶) با مکاشفه ۱۷-۱۹ و ۲۰-۲۲ می‌باشد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۷-۷

آنگاه از آن هفت فرشته که آن هفت پیاله را در دست داشتند یکی پیش آمد و با من گفت: «بیا تا مجازات آن فاحشه بزرگ لمیده بر آبهای بسیار را نشان دهم. آبا او بود که پادشاهان زمین زنا کردند و از شراب هم‌آغوشی‌های او بود که ساکنان زمین مست شدند.»

پس آن فرشته مرا در روح به بیابانی برد. در آنجا زنی دیدم نشسته بر پشت وحشی سرخ‌فام که پیکرش یکسره با نامهای کفرآمیز پوشیده شده بود، و هفت سر و ده شاخ داشت. و زن جامه سرخ و ارغوانی بر تن داشت و در برق طلا و جواهر و مروارید می‌درخشید. جامی زرین به دست داشت سرشار از همه زشتیها و آکنده از ناپاکی هم‌آغوشی‌هایش. و این نام مرموز بر پیشانی او نوشته شده بود: «بابل بزرگ، مادر فواحش و زشتیهای زمین.» و دیدم که زن مست از خون مقدسین و خون شهدای عیسی است.

همین که او را دیدم سخت در شگفت شدم. فرشته به من گفت: «شگفتی تو از چیست؟ راز آن زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد و زن سوار بر اوست، برایت شرح خواهم داد.

۱:۱۷ "یک نفر از آن هفت فرشته" در مکاشفه ۹:۲۱ فرشته دیگری نیز به شیوه مشابهی تعریف شده است. به لحاظ سلسه‌شناسی تاریخ، ارتباط میان مکاشفه ۱۷ و ۱۸ و پر کردن پیاله‌ها در مکاشفه ۱۶ می‌تواند

۱. پیش از پر شدن پیاله‌ها روی داده باشد
۲. فقط مشخصات بیشتری از حاصل کار پیاله‌ها باشد

□ "بیا تا مجازات آن فاحشه بزرگ ... را نشانت دهم" این اغواگر معنوی در مکاشفه ۵:۱۷ بعنوان "بابل قوی، مادر فواشش"، و در مکاشفه ۱۸:۱۰ بعنوان "شهر بزرگ بابل" تعریف شده است. طبق فصلهای پیشین، این مشخصات اشاره به نظامهای جهانی سقوط کرده در کتابهای زیر دارد:

۱. بابل در کتاب دانیال
 ۲. کتاب Antiochus IV عهد عتیق عبرانی
 ۳. امپراتور روم که در کتاب یوحنا ادعای خدایی می کرد
- در فصل ۱۷ نیروی اغواکننده اشرافی به همراه طمع با نیروی تجاری در فصل ۱۸ ادغام گردیده است. در عهد عتیق، از سه شهر بعنوان فاحشه نام برده شده است:

۱. صور (فینیقیه) در اشعیا ۲۳:۱۵-۱۶

۲. نینوا (آشور) در ناهوم ۴:۳

۳. اورشلیم (یهودای بی برکت) در اشعیا ۱:۲۱؛ حزقیال ۱۶:۳۱، ۳۵؛ ۲۳.

□ "لمیده بر آبهای بسیار" تلمیح عهد عتیق به ارمیا ۵۱:۱۱-۱۴ بوده که اشاره به شهر باستانی بابل دارد. این شهر در کنار رود فرات قرار داشت (در حالیکه نینوا در کنار رود دجله قرار داشت) و دارای سیستم وسیعی از کانالهای آبیاری و حمل و نقل آهنی بود. با اینحال، زیر نور کتاب مکاشفه ۱۷:۱۵، این عبارت در قالب یک امپراتوری بین المللی تفسیر و تعبیر می گردد (دانیال ۷:۲، ۳).

۲:۱۷

NASB "با او بود که پادشاهان زمین فساد کردند"

NKJV, NRSV "با او بود که پادشاهان زمین زنا کردند"

TEV "پادشاهان زمین فساد جنسی را تمرین کردند"

NJV "با او بود که همه پادشاهان زمین فاحشگی کردند"

این فاحشگی دارای دو جنبه مهم بود:

۱. اتحاد بازرگانی (صور، اشعیا ۲۳:۱۳-۱۸؛ و نینوا، ناهوم ۴:۳)
۲. اتحاد سیاسی که شامل مراسم پرستش قراردادی خدایان کوچکتر هر قوم در هر مراسمی می گردید (اورشلیم نیز در اشعیا ۱:۲۱ و ارمیا ۳ فاحشه نامیده شده بود)
۳. پرستش امپراتور روم بعنوان خدا

□ "و از شراب هم آغوشی های او بود که ساکنان زمین مست شدند" این کنایه ای است به ارمیا ۵۱:۷. این عبارات در مکاشفه ۱۴:۸ نیز معرفی گردیده بود. عبارت "ساکنان زمین" تکرار دوباره مضمون کتاب مکاشفه و بیادآوردن احیا نشدن دوباره انسان رانده شده از بهشت و دور از خدا می باشد (مکاشفه ۳:۱۰؛ ۶:۱۰؛ ۸:۱۳؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۳:۸؛ ۱۴:۱۷؛ ۱۷:۸).

"شراب" استعاره ای در عهد عتیق برای داوری خداوند است (مزمور ۵۷:۶-۸).

۳:۱۷ "آن فرشته مرا در روح ... برد" این عبارات برای معرفی رویاهای یوحنا بکار برده شده است (مکاشفه ۱:۱۰؛ ۲:۴؛ ۳:۱۷؛ ۴:۲۱؛ ۱۰:۱). بسیاری از مفسران مبنای درک خود را از ساختار کتاب مکاشفه بر این رویاها پایه گذاری کرده اند. بخاطر داشته باشید که، ادبیات زیر و رو کننده ای که در نگارش این کتاب بکار برده شده، سبک آن را بشدت ساختار بندی کرده است. این ساختار تبدیل به کلیدی برای ترجمه و تفسیر گردیده است.

□ "به بیابانی" این بیابان می تواند

۱. استعاره ای برای مکانی امن باشد (مکاشفه ۱۲:۶، ۱۴؛ جایی که صحبت از دوران آوارگی قوم بنی اسرائیل در بیابان می شود)
۲. مکانی که در آن ابلیس و شیاطین زندگی می کنند (لاویان ۱۶:۸؛ ۱۷:۷)
۳. کنایه ای به شهر باستانی بابل که در اشعیا ۲۱:۱-۱۰ سخن از آن بمیان آمده، در جاییکه بعنوان داوری رویای یوحنا به صراحت بیان شده است. در مکاشفه ۱۷:۱ آن زن بر روی آنها شناور گردیده (رود فرات) و در مکاشفه ۱۷:۳ او در بیابان بر روی وحشی سرخ فام نشسته است.

□ "در آنجا زنی دیدم نشسته بر پشت وحشی سرخ فام" واژه "سرخ فام" می تواند اشاره به موارد زیر داشته باشد

۱. قتل، مکاشفه ۱۷:۶-۷

۲. تجملات، مکاشفه ۱۸:۱۲-۱۶

۳. شیطان در هیبت اژدهایی سرخ، مکاشفه ۱۲:۳

در مکاشفه ۱۳:۱-۱۰، جزییات وحش تعریف شده است. این وحش اشاره به دجال ضد مسیح در پایان عصر دارد (دانیال ۷:۹-۱۴؛ ۲۴-۲۷؛ ۴۵-۱۱:۳۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲؛ یوحنا ۲:۱۸).

□ "با نامهای کفرآمیز" این عبارات شبیه مکاشفه ۱۳:۱، ۵-۶ می‌باشد. این عناوین به لحاظ تاریخی با الوهیت امپراتور روم ارتباط دارند. رومیان این عناوینی چون "الهی"، "منجی" و "ارباب" را از آن خود می‌دانستند. هدف نهایی وحش، دستیابی به نیروی سیاسی نیست، بلکه پرستش مذهبی بوده (دانیال ۷:۸، ۲۰؛ ۸:۱۱، ۲۵؛ ۹:۳۶، ۳۷) بعنوان نماینده یا تجسم شیطان (احتمالاً مشابه آنچه که در اشعیا ۱۴:۱۳-۱۴ و حزقیال ۲۸:۱۶-۱۷ معرفی گردیده است).

□ "هفت سر و ده شاخ داشت" این مشخصات شبیه اژدهای سرخ (مکاشفه ۱۲:۳) و وحش دریا (مکاشفه ۱۳:۱) می‌باشد. هدف از نشان دادن این شباهت، وحدانیت این اشخاص ضد خدا می‌باشد.
بر طبق اعداد نمادین، (۱) هفت سر ارتباط با "کامل بودن" دانش یا رهبری در پایان دنیا داشته، در حالیکه (۲) ده شاخ ارتباط با قدرت کامل یا اختیاراتی گسترده در سطح جهان دارد (مکاشفه ۱۷:۷، ۹، ۱۲، ۱۶).

۴:۱۷ "زن جامهٔ سرخ و ارغوانی بر تن داشت" این رنگها می‌توانند اشاره به خانواده اشرافی (ارغوانی) و فاسد (سرخ‌فام) داشته باشند و یا اینکه فقط استعاره‌ای برای تجملگرایی، ثروت و دولتمندی باشند (مکاشفه ۱۸:۱۲، ۱۶).

□ "در برق طلا و جواهر و مروارید می‌درخشید" این عبارت نماد قدرت و موقعیت زمینی و معنوی است (بعنوان یک استعاره آسمانی توسط حزقیال منظور تجلیل از پادشاه صور بکار برده شد، حزقیال ۲۸:۱۳).

□ "جام زرین" این جام اشاره‌ای به شهر بابل می‌باشد (ارمیا ۵۱:۷).

۵:۱۷ "نام مرموز بر پیشانی او نوشته شده بود" کتاب *Controversies* 1:2 از سنکای جوان و *Satires* 6:122-123 از جوونال، پیشانی‌بندی را بر روی پیشانی فواحش رومی ثبت کرده که یا نام آنها و یا نام صاحب آنها بر روی آن نوشته شده بود. این می‌تواند یک اشاره تاریخی به دوران یوحنا یا متن کتاب مکاشفه بوده باشد؛ و می‌تواند مرجعی برای علامتگذاری بر روی پیشانی بی‌ایمانان تلقی گردد (مکاشفه ۱۳:۱۶-۱۷؛ ۹:۱۱؛ ۱۴:۱۵؛ ۲:۱۶؛ ۲:۱۹؛ ۲۰:۲۰) که تقلیدی از مهر زدن خداوند بر پیشانی ایمانداران محسوب می‌گردد (مکاشفه ۷:۲؛ ۹:۴).

NASB "مرموزی، بابل بزرگ"

NKJV "مرموز، بابل بزرگ"

NRSV "مرموز، بابل بزرگ"

TEV "معنای پر راز: بابل بزرگ"

NJB "یک نام، نامی پر رمز و راز: بابل بزرگ"

مفهوم "مرموز" و اینکه باید بخشی از عنوان یا راهی برای اشاره به ذات نمادین عنوان تلقی شود یا نه، همواره محل اختلاف بوده است (مکاشفه ۱۷:۷).
با شروع دوران نمرود، ریشه اولین تمدن بابل شکل گرفت که بدنبال آن بر علیه خداوند شورید و در پیدایش ۱۱ پراکنده گردید. با توجه به این نکته و این حقیقت که بابل قوم خدا را از وی دور کرد (یهودا) و به تبعید فرستاد، لذا نامش مترادف یک قدرت جهانی، ابلیس بکار می‌رود. در دوران یوحنا، این قدرت به روم تعلق داشت (۱ پطرس ۵:۱۳).

۱۷:۶ این آیه سخن از محنت و شهدای ایماندار می‌گوید (مکاشفه ۱۱:۷؛ ۱۳:۷؛ دانیال ۷:۲۱).

□ "سخت در شگفت شدم" نسخه KJV این عبارت را "با تحسین بسیار"، و نسخه NKJV "بشدت حیرت زده شدم" ترجمه کرده است. یوحنا او را تحسین نمی‌کرد، بلکه از عملکرد آن زن بشدت شگفت زده شده بود. آن زن اجازه یافته بود تا قوم خدا را زجر داده و بقتل برساند (مکاشفه ۱۳:۵، ۷، ۱۵؛ ۱۱:۷).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۷:۸-۱۴

آن وحش که دیدی، زمانی بود، اکنون نیست، و به‌زودی از هاویه بر خواهد آمد و به هلاکت خواهد رسید. از ساکنان زمین آنان که نامشان از بدو آفرینش جهان در دفتر حیات ثبت نشده است، از دیدن آن وحش در شگفت خواهند شد، زیرا که زمانی بود، اکنون نیست، و با این همه، خواهد آمد.

^۹ «این همه را ذهن حکیمی می‌طلبد تا دریابد. آن هفت سر، هفت کوهند که آن زن بر آنها قرار دارد. همانها هفت پادشاه نیز هستند. ^{۱۱} از آن پنج تن سقوط کرده‌اند، یکی باقی است و آن آخری هنوز نیامده است؛ اما وقتی که به‌واقع بیاید، باید اندک زمانی بیاید. ^{۱۱} آن وحش که زمانی بود و اکنون نیست، پادشاه هشتم است. او به همان هفت تن تعلق دارد و به هلاکت خود می‌رسد.

^{۱۲} «آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاهند که هنوز به پادشاهی نرسیده‌اند. اما در مهلتی یک ساعته از قدرت شاهان برخوردار خواهند شد، با آن وحش. ^{۱۳} آنان همگی یک هدف دارند و زور و قدرت خود را به وحش خواهند سپرد. ^{۱۴} همگی با آن بره به جنگ بر خواهند خاست، اما بره بر آنان پیروز خواهد شد، زیرا او رب ارباب و شاه شاهان است - و خوانده‌شدگان او با او خواهند بود، و برگزیدگان او با او خواهند بود، و پیروان وفادار او با او خواهند بود.»

۸:۱۷: «آن وحش که دیدی، زمانی بود، اکنون نیست، و به‌زودی» مشخصات تاریخی این بخش از آیه سبب بهت زیادی میان مفسران گردیده است.

۱. برخی آن را در قالب یک حالت تاریخی می‌دانند که بویژه به بازگشت افسانه نرون باز می‌گردد.
۲. برخی دیگر آن را به مثابه پیشرفت امپراتوریهای جهانی مرتبط با کتاب دانیال ۲ می‌دانند، که اوج آن در یک نظم جهانی ضد خدا روی می‌دهد.
۳. برخی دیگر از مفسران آن را به فعالیت‌های نهایی وحش که در مکاشفه ۱۳:۱، ۱۲، ۱۴ تعریف گردیده مرتبط می‌دانند، که می‌توان آن را تقلید از برنامه بشارتی عیسی دانست.
۴. در عین حال می‌تواند با مفهوم روح ضد مسیح در هر زمانی که در یوحنا ۱ به تصویر کشیده شده، مرتبط دانست که باز هم اوج آن در روزهای آخر ضد مسیح خواهد بود (۱ یوحنا ۲:۱۸، ۲۲؛ ۳:۴؛ ۲ یوحنا ۷).
و البته تقلید مضحکی از نام یهوه می‌باشد (مکاشفه ۱:۴، ۸).

□ «هاویه»^۲ واژه یونانی «قعر یا عمق» با یک آلفای سلیبی همراه است. این واژه اولین بار در مکاشفه ۹:۱ و ۱۱:۷ ذکر گردید. این عبارت منزلگاه نمادین ابلیس و شیاطین در اعماق جهنم می‌باشد. به مکاشفه ۹:۱ رجوع نمایید.

□ «دفتر حیات» به یادداشت ۵:۱ و ۱۳:۸ مراجعه شود.

□ «از بدو آفرینش جهان» به یادداشت ۳:۵ و ۱۳:۸ مراجعه شود.

۹:۱۷

NRSV «اینجا ذهنی است حکیم»

NRSV «این همه را ذهن حکیمی می‌طلبد»

TEV «این ذهنی حکیم و فهیم می‌طلبد»

NJB «این زیرکی می‌طلبد»

این عبارت مشابه آیه ۱۸:۱۳ است که به عدد نام وحش می‌پردازد. این متن کوتاه باعث گردیده تا هر مفسری برای خود نظریه‌ای بوجود آورد! با اینحال، حقیقت محض اینست که تعداد زیاد ترجمه‌ها نشان دهنده وجود افراد حکیم در میان ما نمی‌باشد! (۱ قرن‌تیان ۱:۲۶-۳۱). به باور من، این راه دیگری برای یوحنا بمنظور تصریح ذات پر رمز و راز و نمادین نوشته‌هایش بوده است (نوشته Frank Stagg از کتاب *New Testament Theology* صفحه ۳۱۷).

□ «آن هفت سر، هفت کوهند که آن زن بر آنها قرار دارد» این کنایه دیگری به روم است. روم، همچون اورشلیم، بر روی هفت تپه ساخته شده بود. این عبارات در بسیاری از نوشته‌های باستانی بمنظور شرح شهر روم دیده می‌شود. بنابراین، لازم است که مترجمین حداقل به این امر، در زیر نور امپراتوری رومیان توجه نمایند، هر چند که به روشنی تمام کنایات فصلهای ۱۷ و ۱۸ نظام ضد خدای جهان بوده که در پایان دنیا بوجود خواهد آمد و البته در هر عصری هم به نوعی وجود دارد.

۱۱-۱۷:۱۰ برخی مفسران به این آیات بعنوان مجموعه‌ای از امپراتوران رومی می‌نگرند: آگوستوس، تیبریوس، کالیگولا، کلودیوس و نرون بعنوان «پنج امپراتوری که سقوط کردند». و سپاسیان (از سال ۶۹ تا ۷۹ میلادی امپراتور روم بود) «همان است که اکنون هست»، و تیتوس «کسیست که برای مدتی خواهد آمد» (F.F. Bruce در کتاب *Answers To Questions* صفحه ۱۴۱). این تفسیر بیشتر اختیاری است؛ در همین ارتباط سه امپراتور کوچکتر (گالبا، اتو و ویتلیوس) که در سالهای ۶۸ تا ۶۰ پس از میلاد برای تصاحب تاج و تخت با یکدیگر رقابت می‌کردند در این ترجمه از قلم افتاده‌اند. با اینحال، حتی با وجود

^۲ واژه‌ای که در کتاب مقدس به زبان انگلیسی بکار رفته بمعنی قعر و اعماق می‌باشد در صورتیکه هاویه بمعنی افتادن و سقوط کردن است

مشکلاتی که وجود داشت، بنظر می‌رسد که تمرکز بر روی مکاشفه ۱۷:۱۰ و ۱۱ و با تأکید بر روی احیای امپراتوری نرون و بازگشت با سواره‌نظام پارتیان بمنظور حمله به روم، بوده است (این امر می‌تواند مکاشفه ۱۶:۱۷ را توجیه نماید، (The Sibyllian Oracles, 5:361-368).

مفسرین دیگر این نبوت را در جهت به سرانجام رسیدن پیشگویی در شکنجه دومیتیان می‌دانند. چند نکته مهم در این تفسیر بازمانده است:

۱. کتاب مکاشفه باید در طول سلطنت و سپاسیان نوشته شده باشد، زیرا که با سنت کلیسای باستانی که یوحنا در طول دوران سلطنت دومیتیان نوشته بود، متناقض است.

۲. اعداد نمادین بکار برده شده در سرتاسر کتاب

چرا باید این مورد را به لحاظ تاریخی قطعی بدانیم؟ تکرار می‌کنم، یوحنا باید آن را به عمد و به منظور نشان دادن ذات نمادین رویاهایش انجام داده باشد، لذا نباید کاملاً آن را در هر دوره تاریخی محصور نمود.

تفسیر احتمالی دیگر، اشاره آن به سلسله‌ای از امپراتوری‌های عهد عتیق که دشمنان قوم خدا بودند، می‌باشد: مصر، آشور، بابل، پارس، یونان ("هر پنج امپراتوری سقوط کردند")، روم ("آن که هست")، امپراتوری ضد خدا در پایان عصر ("آن که هنوز نیامده"). این تفسیر در مورد اکثریت بافت مجموعه امپراتوری‌های ضد خدا، صدق می‌کند. از دانیال ۲: ۱-۸ (Goerge Ladd, Revelation صفحات ۲۲۷-۲۳۱).

با اینحال، ترجمه باستانی دیگر، ذات نمادین تمام اعداد و جزئیات کتاب مکاشفه است که براحتی این فصل را به مثال دیگری از تضاد میان خدا و ابلیس تبدیل می‌کند (Revelation, نوشته Alan Johnson صفحات ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۷-۱۶۱).

بعنوان یک مفسر، این مثال خوبی از چالشهای درونی من است. ترجمه‌های زیادی توسط مفسران با خدایی که من به آنها اعتماد دارم، وجود دارد. اولین نظریه توسط نویسنده محبوب من، F. F. Bruce است. دو تای بعدی توسط مفسرین مورد علاقه من درباره کتاب مکاشفه، George Ladd و Alan Johnson نوشته شده است. همه آنها با مخالف هستند! مشکل بزرگ اینست که متن، اشاره‌ای به روم قرن اول است (F.F. Bruce)، عهد عتیق (George Ladd)، یا تصورات زیر و رو کننده (Alan Johnson) می‌باشد. در این مقطع از مطالعات من، تصور می‌کنم نظریه جانسون بهترین گزینه باشد.

۱۲:۱۷ "ده شاخ که دیدی، ده پادشاهند" این بخش اشاره‌ای است به دانیال ۷:۷، ۲۳-۲۴. کتاب دانیال ۷ جزئیات شرح داده شده از ضد مسیح در پایان زمان است. برخی از مفسران این عبارات را به لحاظ تاریخی با ده پادشاه خردتر روم، در حالیکه دیگران آن را به سواره‌نظام شیاطین در مکاشفه ۹ مرتبط می‌دانند. به نظر بسیاری از مفسران، طبیعت نمادین اعداد در کتاب مکاشفه، آن را و می‌دارد تا به رهبران پایان عصری در مکاشفه ۱۲:۱۷ اشاره نماید، بدون اینکه هیچ خصوصیتی را درج نمایند.

بسیاری از مفسران، ترجمه قطعی کتاب مکاشفه را بر اساس جزئیات خاص مکاشفه ۱۷:۱۰-۱۲ شرح می‌دهند. چنین نبوت‌هایی خیلی خاص می‌باشند، زیرا که از حاصل نهایی کار در پایان عصر سخن می‌گویند. با اینحال، ذات ادبی سبک کتاب، انگشت اشاره را به سوی تفسیر این اعداد نمادین و جزئیات آن اشاره گرفته است (حداقل برای آن عده از ما که جزو آخرین نسل ایمانداران ستم‌دیده قرار نداریم).

۱۳:۱۷ برخلاف مکاشفه ۱۷:۱۵-۱۶، این آیه وحدت ابلیس را نشان می‌دهد می‌دهد.

۱۴:۱۷ "همگی با آن بره به جنگ بر خواهند خاست" بره به همراه قومش شناخته شده است (متی ۲۵:۳۵-۴۰؛ اعمال رسولان ۹:۴).

□ "اما بره بر آنان پیروز خواهد شد ... و خواننده‌شدگان او با او خواهند بود" به مشخصات بسیار نزدیک میان پیروزی مسیح و پیروزی قومش توجه کنید.

□ "اورب ارباب و شاه شاهان است" نمونه مشابه همین لقب در مکاشفه ۱۶:۱۹ بمنظور شخصیت پردازی عیسی مسیح بکار رفته است. ریشه‌های آن را می‌توان در (۱) مشخصات یهوه در تثنیه ۱۰:۱۷؛ مزمور ۱۳۶:۲-۳ و یا (۲) لقب بابلیان که در دانیال ۲:۳۷-۴۷ برای نبوکدنصر بکار می‌بردند. عدد بکار رفته برای این عبارت در زبان آرامی برابر با ۷۷۷ است، با اینحال در این متن ذکری از آن بمیان نیامده است.

□ "و خواننده‌شدگان او ... و برگزیدگان او ... و پیروان وفادار او" به تقدیر اشاره شده در عبارات "برگزیده" و "خواننده شده" توجه نمایید، اما در عین حال توجه کنید که آنان به استقامت نشان دادن که با "وفاداری" ارتباط مستقیم دارد، فرا خوانده شده‌اند. ما متعلق به او هستیم تا ما را فرا خواند و ایمان آوریم (هم در شروع کار و هم در تداوم آن). به موضوع خاص استقامت در مکاشفه ۲:۴ مراجعه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۷:۱۵-۱۸

۱۵ آنگاه فرشته با من گفت: «آن آبها که دیدی، که فاحشه بر آنها قرار دارد، همانا ملت‌ها و جماعت‌ها و قوم‌ها و زبانها هستند. ۱۶ آن وحش و آن ده شاخ که دیدی، از فاحشه بیزار خواهند شد. او را نابود خواهند کرد و عریان رها خواهند نمود. گوشت او را خواهند خورد و او را در آتش

خواهند سوزاند.^{۱۷} زیرا که خدا در دل آنها نهاده است که خواست او را برآورند و با رضای خاطرِ عنانِ قدرت و حکومت خود را به دست آن وحش بسپارند، تا آنگاه که کلام خدا به تمامی تحقق یابد.^{۱۸} و آن زن که دیدی همان شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین حکومت می‌کند.»

۱۵:۱۷ این آیه نشان دهنده پادشاهی جهانی رهبران ضد خدا در پایان دنیا می‌باشد. به یادداشت مکاشفه ۱۱:۱۰ رجوع نمایید.

۱۶:۱۷ این آیه کنایه‌ای به حزقیال ۱۶:۳۹-۴۰؛ ۲۳:۲۵-۲۷؛ ۲۸:۱۸ می‌باشد. بنظر می‌رسد که اشاره به نزاع داخلی میان نیروهای شریر، آنگونه که در مکاشفه ۱۶:۱۲ از آن سخن به میان آمده است، داشته باشد. این درگیری داخلی، استراتژی خداوند است (مکاشفه ۱۷:۱۷).

۱۷:۱۷ "دل آنها" به موضوع خاص در مکاشفه ۲:۲۳ مراجعه شود.

۱۸:۱۷ در مکاشفه ۸:۱۱ و ۱۹:۱۶ به شهر بزرگ اشاره گردیده است که کنایه از اورشلیم یا روم دارد. متن این نامه‌های مستقل از یک نیروی ضد خدا می‌گویند که در چارچوب نمادین یک شهر ساختار بندی شده است. خود شهر، اهمیت ندارد؛ نکته مهم وجود یک نظام دولتی به دور از خدا می‌باشد. انسانها همواره تلاش می‌کنند تا به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند (انسانگرایی آتیستها).

مکاشفه ۱۸

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۱۸-۳

پس از آن، فرشته‌ای دیگر دیدم که از آسمان فرود می‌آمد. و او اقتداری عظیم داشت و زمین از جلال او نورانی شد. ^۲ به صدایی سخت پر صلابت فریاد برآورد که: «سقوط کرد! بابل بزرگ سقوط کرد! بابل اینک به مسکن دیوان بدل شده است و به قرارگاه هر روح ناپاکی، و به جولانگاه هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیزی. ^۳ زیرا که از شراب عقل‌سوز زنا و قومها همه نوشیدند. و شاهان زمین با او زنا کردند، و تاجران زمین از کثرت تجملات او دولت‌مند شدند.»

۱:۱۸ "فرشته‌ای دیگر دیدم که از آسمان فرود می‌آمد. و او اقتداری عظیم داشت و زمین از جلال او نورانی شد" این فرشته فوق‌العاده نیرومند بود. واژه "اقتدار" (*exousia*) برای دیگر فرشتگان در این کتاب بکار نرفته است. این واژه در یوحنا ۵:۲۷ برای اختیاراتی که خداوند به عیسی داده بود، استفاده شده است. در مکاشفه ۱۶:۲۲ عیسی می‌گوید که او فرشته‌ای را برای سخن گفتن از جانب خود و به نمایندگی از خود فرستاده بود.

۲:۱۸ "سقوط کرد! بابل بزرگ سقوط کرد!" این یک نمونه از دشواری در ترجمه کتاب مکاشفه است. قطعه‌ای از اطلاعات در یک رویا فراهم گردیده، در رویای دیگر توسعه یافته، و در رویای دیگر بطور کامل بسط یافته است (مکاشفه ۸:۱۱؛ ۸:۱۴؛ ۱۶:۱۹-۲۰ یا اینکه می‌تواند نمونه دیگری از تکرار میان هفت نامه مستقل باشد). این کنایه‌ایست به اشعیا ۲۱:۹ و/یا ارمیا ۲۱:۸.

□ "بابل اینک به مسکن دیوان بدل شده است و به قرارگاه هر روح ناپاکی، و به جولانگاه هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیزی" این بخش کنایه از تخریب شهرهای باستانی دارد:

۱. بابل (اشعیا ۲۱:۱۳-۲۲؛ ۲۳:۱۴؛ ارمیا ۵۰:۳۹؛ ۵۱:۳۷)
۲. ایدوم (اشعیا ۳۴:۱۰-۱۵)
۳. نینوا (صفنیا ۲:۱۴)

در عهد عتیق اغلب گفته شده که حیوانات در شهرهای تخریب شده می‌گشتند. این نمادی هم برای تخریب و هم حضور روح شیطانی بوده است (NEB). بسیاری از این پرنده‌ها معرف شیاطین هستند.

نوشته‌های یوحنا بسیار سلیس می‌باشند. این آیه، شهر را بعنوان ویرانی و سرافکنندگی توصیف نموده، درحالیکه مکاشفه ۳:۱۹ آن را به عنوان سوخته و خاکستر شده توصیف می‌کند.

۳:۱۸ "از شراب عقل‌سوز زنا و قومها همه نوشیدند" این عبارت اشاره‌ای است به نبوت عهد عتیق درباره تخریب بابل (ارمیا ۵۷:۷). ارمیا بویژه از مستی بعنوان نماد شهوت برای ثروت (جام طلائی) استفاده کرده است.

□ "عقل‌سوز" اینجا بمفهوم "خشم" است (*thumos*). به یادداشت مکاشفه ۷:۱۴ مراجعه شود.

□ "تاجران زمین از کثرت تجملات او دولت‌مند شدند" این عبارات کنایه از مشکل بزرگ انسان که در مادیگرایی و خودمحوری او ریشه دوانده دارد. سه گروه از انسانها وجود دارند که از افول فاحشه بزرگ، ماتمزده می‌باشند:

۱. تاجران (مکاشفه ۳:۱۸، ۱۱-۱۶)
۲. شاهان زمین (مکاشفه ۳:۱۸، ۹-۱۰)

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۸: ۴-۸

آنگاه صدایی دیگر از آسمان شنیدم که گفت: «ای قوم من، از این شهر بیرون آید، مبدا شریک گناهان او شوید، مبدا سهمی از بلاهای او به شما رسد، زیرا که گناهان او اینک تا به فلک رسیده، و خدا جنایات او را به یاد آورده است. همان را که او داده به او پس دهید؛ مزد هر آنچه کرده، دوچندان بپردازید. از جام خودش معجون مضاعف به او بنوشانید.^۷ به او همان اندازه عذاب و اندوه دهید که او جلال و شکوه به خود می‌داد. زیرا که در دل به خود می‌بالد که، "من چنان می‌نشینم که ملکه‌ای می‌نشیند. بیوه نیستم و هرگز به ماتم نخواهم نشست."^۸ از این روست که بلاهایش یک روزه بر او نازل خواهد شد، بلای مرگ و ماتم و قحطی. و در آتش خواهد سوخت. زیرا که قدیر است آن خداوند خدایی که او را کیفر می‌دهد.»

۴: ۱۸ "ای قوم من، از این شهر بیرون آید، مبدا شریک گناهان او شوید" این عبارات کنایه عهد عتیقی به اشعیا ۴۸: ۲۰؛ ۵۲: ۱۱؛ ارمیا ۵۰: ۸، ۲۸؛ ۵۱: ۶، ۹، ۴۵ و یا زکریا ۲: ۶-۷ دارند. یک جمله دستوری فاعل آنوریستی که سخن از فوریت در شریک نشدن در گناه دنیای افول کرده دارد.

۵: ۱۸ "زیرا که گناهان او اینک تا به فلک رسیده" این عبارات اشاره به پیدایش ۱۸: ۲۰-۲۱ یا ارمیا ۹: ۵۱ دارد. در اینجا صبر خداوند بعنوان عذری برای گناه بکار برده شده تا توبه کردن (مکاشفه ۲: ۲۱؛ رومیان ۲: ۴).

□ "خدا جنایات او را به یاد آورده است" هنگامی که خداوند اغلب در انجیل اعمال گناهکاران را بیاد می‌آورد، نتیجه حاصل از آن داوری است (مکاشفه ۱۹: ۱۶؛ مزمور ۷۹: ۸؛ اشعیا ۶۴: ۹؛ ارمیا ۱۴: ۱۰؛ ۱۷: ۱-۴؛ ۲۱-۲۳؛ هوشع ۷: ۲؛ ۸: ۱۳؛ ۹: ۹؛ عاموس ۷: ۸).

۶: ۱۸ "همان را که او داده به او پس دهید" این کنایه از این حقیقت است که ما هر آنچه بکاریم، درو خواهیم کرد (غلاطیان ۶: ۷؛ برای فهرست کامل به وبسایت www.freecommentary.org مراجعه نمایید). این حقیقت به اشکال مختلف در کتاب مقدس مطرح گردیده است (مزمور ۱۳۷: ۸؛ ارمیا ۵۰: ۱۵، ۲۹؛ متی ۲: ۷؛ مکاشفه ۱۰: ۱۳).

□ "مزد هر آنچه کرده، دوچندان بپردازید" این بخش کنایه‌ای است به ارمیا ۱۶: ۱۸ و ۱۷: ۱۸، اما حقیقت در متون زیادی بیان شده است (خروج ۹-۲۲: ۴؛ مزمور ۵۷: ۷-۸؛ اشعیا ۴۰: ۲). این اصطلاح، و همینطور عبارت بعدی، از داوری کامل خداوند می‌گوید. این آیه مایه دلگرمی بسیار از مسیحیان تحت ستم بوده است.

□ "از جام خودش معجون مضاعف به او بنوشانید" "جام" استعاره‌ای در عهد عتیق برای داوری خداوند می‌باشد (مزمور ۱۱: ۶؛ ۳: ۶۰؛ ۷۵: ۶-۸؛ اشعیا ۵۱: ۱۷، ۲۲؛ ارمیا ۲۵: ۱۵-۱۶، ۲۷-۲۸).

۷: ۱۸ "زیرا که در دل به خود می‌بالد که، "من چنان می‌نشینم که ملکه‌ای می‌نشیند. بیوه نیستم و هرگز به ماتم نخواهم نشست." این بخش بطور مستقیم به زنفیا ۲: ۱۵ و اشعیا ۴۷: ۷-۸ ارتباط دارد. اشاره آن به خود پسندی و غرور است که می‌تواند علت سقوط شیطان (احتمالاً به اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸ نیز اشاره می‌کند)، و سقوط بشریت (پیدایش ۳)، و این نظم جدید در پایان دنیا باشد. مشکل این بی‌نیازی گستاخانه است! برای مطالعه بیشتر درباره موضوع "دل" به موضوع خاص در مکاشفه ۲: ۲۳ رجوع نمایید.

۸: ۱۸ "از این روست که بلاهایش یک روزه بر او نازل خواهد شد" این بخش بطور خاص به اشعیا ۹: ۴۷ اشاره می‌کند. مفهوم در سوگ نشستن در طول یک روز در مکاشفه ۱۸: ۱۷-۱۹ نیز تکرار گردیده، در جایی که واژه "ساعت" بکار برده شد. این نیز برای مسیحیان تحت ستم مشوق بسیار خواهد بود.

□ "و در آتش خواهد سوخت" این می‌تواند اشاره‌ای به لایوان ۲۱: ۹ باشد. به موضوع خاص: آتش در مکاشفه ۱۶: ۸ مراجعه نمایید.

□ "زیرا که قدیر است آن خداوند خدایی که او را کیفر می‌دهد" این بخش اشاره به ارمیا ۵۰: ۳۴ دارد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۸: ۹-۱۰

و چون شاهان زمین که با او زنا کردند و شریک تجمل او شدند، دود سوختن او را ببینند، بر او خواهند گریست و به سوگ او خواهند نشست. ^۹ از ترس عذابی که او می‌کشد دورادور خواهند ایستاد و ناله سر خواهند داد که: «دریغ، دریغ! ای شهر بزرگ، ای بابل، ای شهر پر قدرت! چه شد که یک ساعته نابود شدی!»

۹:۱۸-۱۰ "شاهان زمین" شاهان اشاره شده در این آیه باید با آنچه که در مکاشفه ۱۷:۱۲، ۱۶ از آنان ذکر به میان آمد تفاوت داشته باشد. آنان در تخریف و سقوط فاحشه بزرگ نقش داشتند. این شاهان بوضوح اقوام بازرگانی بودند که از روابط تجاری با دنیای ضد خدا سود می بردند. این آیات اشاراتی هستند به شهر تجاری صور و پادشاه مغرورش در حزقیال ۲۶-۲۸. باقیمانده فصل ۱۸ به قدرت بازرگانی مسمومی که با دنیای دور از خدا عجین شده، می پردازد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۸:۱۱-۲۰

۱۱ و بازرگانان زمین بر او خواهند گریست و به سوگ او خواهند نشست، زیرا که دیگر کسی کالای آنان را نمی خرد،^{۱۲} نه طلا و نقره و جواهرات و مروارید آنان را؛ نه پارچه های نفیس و ابریشم و ارغوان و سرخ آنان را؛ نه انواع چوبهای معطر و ظرفهای عاج و ظرفهای چوبین گرانبها و مس و آهن و مرمَر آنان را؛^{۱۳} نه دارچین و ادویه و بخور خوشبو و مُر و کندر آنان را؛ نه شراب و روغن زیتون و آرد مرغوب و گندم آنان را؛ نه حیوانات اهلی و گوسفندان و اسبان و ارابه های آنان را؛ و نه بدنها و نفوس آدمیان را.^{۱۴} هم آنان خواهند گفت: «آن میوه که جانت تمنایش را داشت، از تو درگذشته. دولت و شوکت تو همه بر باد رفته است، و هرگز باز نخواهد گشت.»^{۱۵} و تاجران این چیزها که از او دولت مند می شدند، از ترس عذابی که او می کشد، دورادور خواهند ایستاد و زاری خواهند کرد و ماتم خواهند گرفت و^{۱۶} خواهند گفت: «دریغ، دریغ! ای شهر بزرگ، پوشیده در پارچه های نفیس ارغوان و سرخ، رخسندۀ در برق طلا و جواهر و مروارید! یک ساعته ثروت سرشار تو تباهی گرفته است.» و هر ناخدای کشتی و هر آن کسان که با کشتی سفر می کنند، چه دریانوردان و چه کسانی که از راه دریا معاش می کنند، دورادور خواهند ایستاد.^{۱۸} و چون دود آتشی را می بینند که او را می سوزاند، فریاد سر می دهند که: «هرگز آیا شهری چون این شهر بزرگ در جهان بوده است؟»^{۱۹} و خاک بر سر می کنند و گریان و ماتمزده فریاد برمی آورند که: «دریغ، دریغ! ای شهر بزرگ، شهری که همه کشتی داران، از دولت او ثروت اندوختند، اینک یک ساعته ویران شده است!»^{۲۰} ای آسمان بر او شادی کن! شادی کنید ای مقدسین و رسولان و انبیا! زیرا خدا داد شما را از او ستانده است.»

۱۱:۱۸-۱۹ "بازرگانان زمین بر او خواهند گریست و به سوگ او خواهند نشست" این آیه شبیه حزقیال ۲۷ می باشد:

۱. مکاشفه ۱۸:۱۱ - حزقیال ۲۷:۳۱، ۳۶
۲. مکاشفه ۱۸:۱۲-۱۳ - حزقیال ۲۷:۱۲، ۱۲، ۲۲
۳. مکاشفه ۱۸:۱۵ - حزقیال ۲۷:۳۱، ۳۶
۴. مکاشفه ۱۸:۱۷ - حزقیال ۲۷:۲۶-۳۰
۵. مکاشفه ۱۸:۱۸ - ۲۷:۳۲
۶. مکاشفه ۱۸:۱۹ - حزقیال ۲۷:۳۰-۳۴

این آیات بازرگانی بین المللی را تشریح می کنند:

۱. نقره از اسپانیا
۲. کتان از مصر
۳. ابریشم از چین
۴. چوب بالنگ از شمال آفریقا
۵. عاج از آفریقا
۶. آهن از اسپانیا یا دریای سیاه
۷. دارچین از هندوستان
۸. تجارت جهانی برده داری

۱۳:۱۸

NASB, NKJV

NRSV, NJB "ارابه ها"

TEV "کالسکه ها"

این عبارت اشاره به ارابه مجلل و چهار چرخ دارد، نه ارابه های جنگی.

۱۴:۱۸ "دولت و شوکت" این عبارات بازی با واژه یونانی *lipara* (شوکت) و *lampra* (دولت) می باشد.

۱۷:۱۸ این آیه اشاره ای به حزقیال ۲۶-۲۸ است (شهر صور)، مردانی که به استخدام برای نقل و انتقال وسایل تجملاتی در آمده بودند به سوگ نشستند زیرا که زندگی آنان تحت تأثیر قرار گرفته بود.

۱۹:۱۸ "خاک بر سر می‌کنند" به موضوع خاص مراسم عزاداری در مکاشفه ۱:۷ مراجعه نمایید.

۲۰:۱۸ "بر او شادی کن" این آیه اشاره به ارمیا ۵۱:۴۸ دارد، با اینکه برخی از مفسران آن را در اشاره به تثنیه ۳۲:۴۳ می‌دانند (در نسخه Septuagint) در حالیکه شرکای اقتصادی بر سقوط بابل در سوگ نشستند، لذا ایمانداران شادی می‌کنند!

□ "خدا داد شما را از او ستانده است" در طول کتاب، داوری خداوند با دعای فرزندان او ارتباط دارد (مکاشفه ۶:۱۰).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۸:۲۱-۲۴

۱۱ "آنگاه فرشته‌ای نیرومند، پاره‌سنگی همچون آسیاب‌سنگی بزرگی برگرفت و به دریا افکند و گفت: «این‌گونه سخت و بی‌امان فرو افکنده خواهد شد، بابل، آن شهر بزرگ، تا دیگر نشانی از او هرگز یافت نشود. ۲۲ دیگر نه نوای چنگ‌نوازان و مطربان هرگز از تو به گوش خواهد رسید، و نه نوای نی‌زنان و شیپورنوازان. دیگر هیچ صنعتگری از هیچ صنفی در تو هرگز یافت نخواهد شد. و دیگر صدای هیچ آسیابی در تو هرگز شنیده نخواهد شد؛ ۲۳ دیگر نور هیچ چراغی در تو هرگز نخواهد تابید؛ دیگر صدای هیچ عروس و هیچ دامادی در تو به گوش نخواهد رسید. تاجران تو مردان بزرگ زمین بودند و به افسون جادوی تو قومها همه گمراه شدند ۲۴ در او، خون انبیا و مقدسین باز یافته شد، و خون همه کسان که بر پهنه زمین کشته شدند.»

۲۱:۱۸ "آنگاه فرشته‌ای نیرومند، پاره‌سنگی همچون آسیاب‌سنگی بزرگی برگرفت و به دریا افکند" این اشاره‌ای است به ارمیا ۵۱:۶۳-۶۴. این آیات کلماتی بسیار قدرتمند هستند تا نشان دهند بابل هرگز و هرگز دیگر برپا نخواهد شد. در واقع، در مکاشفه ۱۸:۲۱-۳۳ شش عبارت منفی تأکیدی وجود دارند، "قطعاً نه"، "تحت هیچ شرایطی" و "هرگز، نه، هرگز". (در نسخه فارسی همه این عبارات "دیگر ... هرگز" نوشته شده‌اند.

□ "تا دیگر نشانی از او هرگز یافت نشود" این عبارات حکایت از تخریب کامل و سرتاسری دارند (حزقیال ۲۶:۲۱).

۲۲:۱۸ - ۲۳ این آیات نشانه‌های زندگی روزمره در شرق نزدیک باستان می‌باشند. داوری خداوند به این جامعه فاقد خدا پایان می‌دهد (اشعیا ۲۴:۸؛ ارمیا ۳۴:۷؛ ۲۵:۱۰؛ حزقیال ۲۶:۱۳).

۲۳:۱۸ "به افسون جادوی تو قومها همه گمراه شدند" این آیه اشاره‌ای است به ناحوم ۳:۴. توجه داشته باشید که در مکاشفه ۱۸:۲۳-۲۴ سه دلیل برای سقوط شهر بزرگ ذکر شده است:

۱. غرور و ثروت (اشعیا ۲۳:۸)

۲. بت پرستی و جادو (لاویان ۱۹:۲۶، ۳۳؛ تثنیه ۱۸:۹-۱۲)

۳. آزار و اذیت قوم خدا (مکاشفه ۱۶:۶؛ ۱۷:۶)

۲۴:۱۸ این آیه کنایه‌ای است به ارمیا ۵۱:۴۹

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. آیا مکاشفه ۱۷ و ۱۸ در یک متن مستقل جای دارند؟ اگر بله، چرا؟

۲. چرا در هنگام سقوط بابل، تفسیر با دشواری روبرو می‌شود؟

۳. در دوران یوحنا، بابل، فاحشه بزرگ به چه کسی اشاره دارد؟ در دوران ما چطور؟ در پایان دنیا چطور؟

۴. فساد و شراب در مکاشفه ۱۴:۸؛ ۱۷:۲؛ ۱۸:۳ در ارتباط با این دنیا به چه چیزی اشاره می‌کند؟

۵. لطفاً تفسیر خود را از مکاشفه ۱۷:۱۰-۱۱ توضیح دهید.

۶. بیشتر کنایه‌های یوحنا از کتاب عهد عتیق از چه چیزی برداشت شده است؟

مکاشفه ۱۹

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
(۴:۱۹-۲۱:۱۸)	آسمان بخاطر بابل بوجد آمده	شکرگذاری در آسمان	(۴:۱۹-۲۴:۱۸)	سرود پیروزی در آسمان
شام ازدواج بره	۱۰-۱:۱۹	۴-۱:۱۹	جشن ازدواج بره	۴-۱:۱۹
۸-۵:۱۹		۹-۵:۱۹	۸-۵:۱۹	۱۰-۵:۱۹
۱۰-۹:۱۹		۱۰-۹:۱۹	۹:۱۹	
			۱۰:۱۹	
			۱۰:۱۹	
سوار بر اسب سفید	عیسی سوار بر اسب سفید	پیروزی مسیح و سپاه آسمانی او	سوار بر اسب سفید	اولین نبرد اسکاتولوژی
۱۶-۱۱:۱۹	۱۶-۱۱:۱۹	۱۶-۱۱:۱۹	۱۶-۱۱:۱۹	۱۶-۱۱:۱۹
	وحش و سپاه شکست خورده او			
۲۱-۱۷:۱۹	۲۱-۱۷:۱۹	۲۱-۱۷:۱۹	۱۸-۱۷:۱۹	۱۸-۱۷:۱۹
			۲۱-۱۹:۱۹	۲۱-۱۹:۱۹

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به مکاشفه ۱۹:۱-۲۱

- A. این بخش از فصل کتاب مکاشفه در یک جای نامناسب قرار گرفته است (فصل، بخش پاراگراف، آیه، استفاده از حروف بزرگ، و نشانه‌های دستوری در متن اصلی یونانی قرار ندارند). روشن است که مکاشفه ۱۹:۱-۱۰ کلیه نشانه‌های نتیجه‌گیری از تخریب فاحشه بزرگ که در مکاشفه ۱۷:۱-۲۴:۱۸ شرح آن نوشته شده بود را در خود دارد. در حالیکه مردم بر سقوط بابل و آشور در عهد عتیق به شادی برخاسته‌اند، اکنون فرشتگان مقدس (مکاشفه ۴:۱۹) بر سقوط بابل فاحشه جشن گرفته‌اند (دولت انسانی به دور از خدا)، همانگونه که ایمانداران در مکاشفه ۲۰:۱۸ عمل کردند.
- B. مجموعه‌ای از دعاها در مکاشفه ۱۹:۱-۱۰ در پاسخ به ۲۰:۱۸ می‌باشند.
- C. این آیه در کل اینگونه درک می‌شود که شرح آمدن دوم مسیح می‌باشد (مکاشفه ۱۱:۱۹-۱۶). اما باید متوجه بود که این فصل در عین حال چرخه دیگری از داوری را به سرانجام می‌رساند. بازگشت مسیح در قالب بسیاری از واژگان یهودی در این فصل به تصویر کشیده شده است که بنظر متفاوت با تعریف پاولین از ۱ تسالونیکیان ۴:۱۴-۱۸ است. یهودیان انتظار داشتند تا مسیح آنگونه که در مکاشفه ۱۱:۱۹-۱۶ تعریف گردیده بود، بازگردد. عهد جدید بازگشت مسیح را به شیوه‌های متفاوتی تعریف کرده است که همگی به هم مرتبط می‌باشند. بیشتر مسیحیان پایان عصر را بر اساس آنچه که عیسی در کوه زیتون گفت (متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱) و بحث پولس درباره "گناه انسان" (۲ تسالونیکیان ۲) می‌دانند.
- D. برای آنان که تحت ستم قرار دارند، عیسی سلحشور، مدافع و داور بسیار دلنشین بود.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۹:۱-۵ (قسمت اول)

پس از آن، صدایی شنیدم که به خروش جماعتی عظیم در آسمان می‌مانست، که می‌گفتند:

«هَلِّلویاه! نجات و جلال و قدرت از آن خدای ماست، که داورِ پیهایش حق است و عدل است. آن فاحشهٔ بزرگ را جزا داده که زمین را با زنايش به فساد کشید، و از او انتقام خون بندگان خود را گرفته است.»^۲ و بار دیگر گفتند: «هَلِّلویاه! تا ابد دود از او برمی‌خیزد.»^۴ و آن بیست و چهار پیر و آن چهار موجود زنده به خاک افتادند و خدای را که بر تخت نشسته بود، پرستش کردند و بانگ برآوردند که: «آمین. هَلِّلویاه!»^۵ آنگاه صدایی از تخت برآمد که می‌گفت:

۱:۱۹ "صدایی شنیدم که به خروش جماعتی عظیم در آسمان می‌مانست" این بخش کنایه‌ای است به ارمیا ۵۱:۴۸. فصلهای ۱۷-۱۸ بخاطر شبیه‌سازی آنها از ارمیا ۵۰-۵۱ گرفته شده‌اند (تخریب بابل). مشابه همین عبارت یا مفهوم نیز در مکاشفه ۱۱:۱۵ (دومین بازگشت پس از هفتمین شیپور) و ۶:۱۹ دیده می‌شود. درباره اینکه آن میزان از جمعیت چه کسانی بودند بحثهای زیادی صورت پذیرفته، اما بسادگی می‌توان گفت که این فقط گمانه‌ای است از اینکه آنان فرشتگان میزبان وفادار بودند، یا بشریت احیا شده، و یا هر دوی این موارد.

□ «هَلِّلویاه» این واژه عبری بمعنی "شکر می‌کنم یهوه را" می‌باشد (BDB 237 II و 219). اینجا تنها جایی است که این عبارت در عهد جدید ظاهر می‌گردد. این عبارت چهار بار در این متن تکرار شده است: مکاشفه ۱۹:۱، ۳، ۴ و ۶. پیشزمینه عهد جدید برای این عبارت در نیایش مزامیر یافت می‌شود که در آیین نماز جشنهای پسخ و خیمه‌ها بکار برده می‌شود (مکاشفه ۱۰۴:۳۵؛ ۱۰۵:۴۵؛ ۱۰۶:۴۸؛ ۱۱۱:۱؛ ۱۱۲:۱؛ ۱۱۳:۱؛ ۱۱۶:۱۹؛ ۱۱۷:۲؛ ۱۲۵:۱، ۲۱؛ ۱۴۶:۱، ۱۰؛ ۱۴۷:۱؛ ۱۴۸:۱؛ ۱۴۹:۱۴، ۱؛ ۱۵۰:۹؛ ۱۵۰:۶). همتراز با این عبارت در مکاشفه ۱۹:۵ دیده می‌شود.

□ "نجات" این واژه شوق خداوند را برای تمام نوع بشر نشان می‌دهد (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۴:۶-۷؛ ۱۶:۹، ۱۱؛ ۲۱:۷؛ ۲۲:۱۷؛ حزقیال ۱۸:۲۳، ۳۲-۳۰؛ یوحنا ۳:۱۶؛ ۴:۴؛ ۴:۱۰؛ ۲ پطرس ۳:۹؛ ۱ یوحنا ۴:۱۴). این واژه می‌تواند اشاره به مفهوم فراهم کردن در عهد عتیق داشته باشد، اما احتمالا ارتباط با یک رستگاری همگانی، ابدی و جهانی برای هر فرد ایماندار و تمام آفرینش فیزیکی داشته باشد (اعمال رسولان ۳:۲۱؛ رومیان ۸:۱۸-۲۵؛ کولسیان ۱:۱۹).

□ "جلال و قدرت" در طول کتاب، مکث میان سرود سراینندگان بهشتی، تبدیل به غزلهایی برای پرستش و شکرگذاری خداوند می‌شوند. اغلب این سرودهای پرستشی، کلید ترجمه فوری متن می‌باشند.

□ "که داورِ پیهایش حق است و عدل است" این عبارات می‌تواند اشاره‌ای به مزمور ۱۹:۹؛ ۱۱۹:۱۳۸ و ۱۴۲ باشد. داورِ خداوند منصفانه و براساس اقتضا است (آنگونه که در سه چرخه داورِ دیده می‌شود). برای آن گروه از مسیحیان که تحت ستم قرار دارند، این عبارت مایه دلگرمی بسیار است (مکاشفه ۹:۱۱؛ ۱۵:۳، ۴؛ ۱۶:۷).

□ "فاحشهٔ بزرگ" این دنیای ضد خدا به نام‌های گوناگونی معرفی شده‌اند:

۱. شهر بزرگ

۲. بابل

۳. فاحشه (مکاشفه ۱۴:۸؛ ۱۶:۱۹-۲۱؛ ۱۷:۱-۱۸؛ ۲۴)

آیات ۱ تا ۴ متن را از مکاشفه ۱۷ و ۱۸ ادامه می‌دهند

□ "که زمین را با زنايش به فساد کشید" اشاره این بخش به مادیگریایی، بت‌پرستی، رسوم غیراخلاقی پرستشی میان مشرکان، یا پرستش امپراتور (مکاشفه ۲:۱۴، ۲۰، ۲۱؛ ۹:۲۱؛ ۱۴:۸؛ ۱۷:۲، ۴؛ ۱۸:۳).

موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (*phtheirō*)

(Special Topic: Destroy, Ruin, Corrupt)

معنی اصلی اصطلاح *phtheirō* نابودی، تخریب، فساد و از بین بردن است. از این اصطلاح در موارد زیر استفاده میشود.

۱. نابودی مالی (احتمالا دوم قرن‌تین ۷:۲)

۲. تخریب فیزیکی (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۳: ۱۷ الف)

۳. فساد اخلاقی (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، ۸: ۲۱، اول قرن‌تین ۱۵: ۳۳ و ۴۲ و ۵۰، غلاطیان ۶: ۸، مکاشفه ۱۹: ۲)

۴. سو استفاده جنسی (مراجعه شود به دوم قرن‌تیان ۱۱: ۳)
 ۵. نابودی ابدی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۲ و ۱۹)
 ۶. سقوط سنت‌های انسانی (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۲)
- اغلب این اصطلاح در همان متن به عنوان ناقص آن استفاده میشود (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، اول قرن‌تیان ۹: ۲۵، ۱۵: ۵۰ و ۵۳). به همسوهای متضاد میان جسم فیزیکی زمینی ما و کالبد ابدی و بهشتی ما توجه کنید.
۱. فاسد شدنی در برابر فاسد ناشدنی، اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۲ و ۵۰
 ۲. بی احترامی در برابر شکوه، اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۳
 ۳. ضعف در برابر قدرت، اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۳
 ۴. کالبد طبیعی در برابر کالبد معنوی، اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۴
 ۵. اولین آدم در برابر آخرین آدم، اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۵
 ۶. تصویر زمینی در برابر تصویر بهشتی، اول قرن‌تیان ۱۵: ۴۹

□ "او انتقام خون بندگان خود را گرفته است" این بخش کنایه‌ای است به تشبیه ۳۲:۴۳ یا ۲ پادشاهان ۷:۹ (رومیان ۱۲:۱۹). خداوند بر اساس دعای قدیسانش عمل می‌کند (مکاشفه ۶: ۹-۱۱؛ متی ۷: ۷-۸؛ ۲۱: ۲۲؛ یوحنا ۲۱: ۲۲؛ ۱۴: ۱۳-۱۴؛ ۱۵: ۷، ۱۶؛ ۱۶: ۲۳-۲۴، ۲۶؛ یعقوب ۴: ۲؛ یوحنا ۳: ۲۲؛ ۱۴: ۵-۱۶).

دنیای ضد خدا همیشه در حال آزار و قتل قوم خدا بوده است. خداوند به شیطان فرصت می‌دهد تا نیت واقعی خود را بر ملا نماید (مکاشفه ۱۳: ۵، ۷، ۱۵).

۳: ۱۹ "تا ابد دود از او برمی‌خیزد" این بخش اشاره‌ای است به اشعیا ۳۴: ۱۰ که داوری جهانی را تصویر می‌کشد. ما باید همواره بخاطر داشته باشیم که این سبک ادبی (پایان عصری) از نمادها برای برقراری ارتباط با حقیقت بهره می‌برد. بنظر می‌رسد که در اینجا حقیقت یکی از دو کانون موارد زیر باشد:

۱. مجازات ابدی (مکاشفه ۶: ۱۰؛ متی ۳: ۱۲؛ ۲۵: ۴۱؛ لوقا ۳: ۱۷؛ مرقس ۹: ۴۳، ۴۸)
۲. تخریب کامل (اشعیا ۳۴: ۸-۱۰). مشابه همین حقیقت در مکاشفه ۱۴: ۱۱ نیز دیده می‌شود.

۴: ۱۹ "آن بیست و چهار پیر" به موضوع خاص در مکاشفه ۴: ۴ رجوع نمایند.

□ "آمین" این عبارت در مکاشفه ۶: ۱، ۷: ۳؛ ۱۴: ۵؛ ۱۴: ۷ و ۱۲: ۷؛ ۱۹: ۴؛ ۲۲: ۲۰؛ و ۲۱: ۲۲ بکار برده شده است. آمین حالتی از کلمه در عهد عتیق است برای "ایمان" (*emeth*، حبقوق ۲: ۴). ریشه اصلی آن "محکم بودن" یا "مطمئن بودن" بود. بعداً در عهد عتیق برای قابل اعتماد بودن خدا بکار برده می‌شد. با اینحال، در عهد جدید، در وحله اول برای علم‌العبادات در شکل "موافقم" یا "تأیید می‌کنم" بکار برده می‌شد. به موضوع خاص: آمین در مکاشفه ۱: ۶ رجوع نمایید.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

(SPECIAL TOPIC: Believe, Trust, Faith, and Faithfulness in the Old Testament)

I. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می‌کند

A. فرد و جامعه

B. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحت‌تر می‌توان زندگی یک مرید مومن توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات). ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

A. ابراهیم و فرزندانش

B. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می‌کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می‌یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعفها و قوتها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

.II استفاده از ریشه اصلی

A. אָמֵן (آمین) (BDB 52, KB 63)

۱. فعل

- a. ریشه *qal* - پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱: ۱۰ و ۵، استر ۷: ۲، کاربرد غیر دینی)
- b. ریشه *Niphal* - اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار یا قابل اعتماد بودن
- (۱) انسانها، اشعیا ۲: ۸، ۱: ۵۳، ارمیا ۱۴: ۴۰
- (۲) چیزها، اشعیا ۲۳: ۲۲
- (۳) خدا، تثنیه ۹: ۷، اشعیا ۷: ۴۹، ارمیا ۵: ۴۲
- c. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن
- (۱) ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵: ۶
- (۲) اسرائیلیها در مصر ایمان آوردند، خروج ۳۱: ۴، ۳۱: ۱۴ (در تثنیه ۱: ۳۲ نفی شده)
- (۳) اسرائیلیها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، خروج ۹: ۱۹، مزامیز ۱۲: ۱۰۶ و ۲۴
- (۴) آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۹: ۷
- (۵) هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۱۶: ۲۸
- (۶) حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۱۰: ۴۳ الی ۱۲
۲. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۲۰: ۳۲، اشعیا ۱: ۲۵ و ۲۶: ۲)
۳. قید - صادقانه، به راستی، موافقم، شاید اینطور باشد (رجوع شود به تثنیه ۱۵: ۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۳۶: ۱، اول قرنیتان ۱۶: ۳۶، اشعیا ۱۶: ۶۵، ارمیا ۵: ۱۱ و ۲۸: ۶). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.

B. אֱמָנָה (حقیقت) (BDB 54, KB 68) - اسم مؤنث، سختی، وفاداری، حقیقت

۱. انسانها (اشعیا ۲۰: ۱۰، ۳: ۴۲، ۱: ۴۸)
۲. خدا - خروج ۶: ۳۴، مزامیر ۲: ۱۱۷، اشعیا ۱۸: ۳۸ و ۱۹، ۸: ۶۱
۳. حقیقت - تثنیه ۴: ۳۲، اول پادشاهان ۱۶: ۲۲، مزامیر ۴: ۳۳، ۳: ۹۸، ۵: ۱۰۰، ۳۰: ۱۱۹، ارمیا ۵: ۹، زکریا ۱۶: ۸
- C. אֱמָנָה (ایمان) (BDB 53, KB 62) - سختی، استقامت، وفاداری

۱. دستان - خروج ۱۲: ۱۷
۲. زمان - اشعیا ۶: ۳۳
۳. انسانها - ارمیا ۳: ۵، ۷: ۲۸، ۹: ۲
۴. خدا - مزامیر ۱۱: ۴۰، ۱۱: ۸۸، ۱: ۸۹ و ۲ و ۵ و ۸، ۱۳۸: ۱۱۹

.III استفاده پل از این مفهوم عهد عتیق

A. پل مبنای درک جدید خود از یهوه و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۹: ۱ الی ۱۹، ۲۲: ۱۶ الی ۲۶: ۹)

B. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه אָמֵן (آمین) استفاده می‌کردند

۱. پیدایش ۶: ۱۵ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۲۲-۱۲). پل به این در رومیان ۴ و گالیسیان ۳ اشاره دارد
۲. اشعیا ۱۶: ۲۸ - آنان که ایمان می‌آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز
- a. رومیان ۳۳: ۹ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد
- b. رومیان ۱۱: ۱۰: همانند بالا
۳. حبوق ۴: ۲ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می‌کنند (رجوع شود به ارمیا ۲۸: ۷). پل از این متن در رومیان ۱: ۱۷ و غلاطیان ۳: ۱۱ استفاده می‌کند (همچنین به عبرانیان ۳۸: ۱۰ توجه کنید).

IV. استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق

A. پطرس اینها را ادغام می‌کند

۱. اشعیا ۱۴:۸ - اول پطرس ۲:۸ (سنگ لغزان)

۲. اشعیا ۱۶:۲۸ - اول پطرس ۲:۶ (سنگ بنا)

۳. مزامیر ۲۲:۱۱۸ - اول پطرس ۲:۷ (سنگی که رد کردند)

B. او از زبان خاصی استفاده می‌کند که اسرائیل را توصیف کند، "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت خاص خدا" در

۱. تثنیه ۱۵:۱۰، اشعیا ۴۳:۲۱

۲. مزامیر ۶:۶۱، ۶۶:۲۱

۳. خروج ۱۹:۶، تثنیه ۷:۶

V. استفاده یوحنا از مفهوم

A. استفاده در عهد جدید

کلمه "ایمان" از کلمه یونانی *pisteuō* می‌آید که همچنین می‌تواند به "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجیل یوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲:۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثالها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹، و اعمال ۸:۱۳ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ایمان واقعی انجیلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۳:۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

B. استفاده به عنوان حرف اضافه

۱. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تأکید بر این دارد که مومنین باید به عیسی اعتماد/ایمان داشته باشند.

a. در نام او (یوحنا ۱:۱۲، ۲:۲۳، ۳:۱۸، اول یوحنا ۵:۱۳)

b. در او (یوحنا ۲:۱۱، ۳:۱۵ و ۱۸، ۴:۳۹، ۶:۴۰، ۷:۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸:۳۰، ۹:۳۶، ۱۰:۴۲، ۱۱:۴۵ الی ۴۸، ۱۲:۳۷، متی ۱۸:۶، اعمال ۱۰:۴۳، فیلیپینیان ۱:۲۹، اول پطرس ۱:۸)

c. در من (یوحنا ۶:۳۵، ۷:۳۸، ۱۱:۲۵ و ۲۶، ۱۲:۴۴ و ۴۶، ۱۴:۱ و ۱۲، ۱۶:۹، ۱۷:۲۰)

d. در پسر (یوحنا ۳:۳۶، ۹:۳۵، اول یوحنا ۵:۱۰)

e. در عیسی (یوحنا ۱۲:۱۱، اعمال ۱۹:۴، غلاطیان ۲:۱۶)

f. در نور (یوحنا ۱۲:۳۶)

g. در خدا (یوحنا ۱:۱۴)

۲. *ev* یعنی "به" آنطور که در یوحنا ۳:۱۵، مرقس ۱:۱۵ و اعمال ۵:۱۴ آمده است

۳. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷:۴۲، اعمال ۱۷:۱۷، ۹:۴۲، ۱۶:۳۱ و ۲۲:۱۹، رومیان ۴:۵ و ۲۴، ۹:۳۳، ۱۰:۱۱، اول تیموتائوس ۱:۱۶، اول پطرس ۲:۶

۴. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳:۶، اعمال ۱۸:۸، ۲۷:۱۵، اول یوحنا ۳:۲۳ و ۵:۱۰

۵. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد

a. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶:۶۹)

b. عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸:۲۴)

c. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۱۰:۳۸)

d. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۲۰:۳۱)

e. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱:۲۷، ۲۰:۳۱)

f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱:۴۲، ۱۷:۸ و ۲۱)

g. عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴:۱۰ الی ۱۱)

h. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶:۲۷ و ۳۰)

i. عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸:۲۴ و ۱۳:۱۹)

- z. با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۸: ۶)
 k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالوکیان ۴: ۱۴)

VI. جمع بندی

- A. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی دارد (یعنی انجیل یوحنا ۴: ۴ و ۶: ۶۵)، ولی بخشی از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).
۱. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)
 ۲. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)
 ۳. اطاعت
 ۴. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)
- B. ایمان انجیلی
۱. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)
 ۲. تائید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)
 ۳. پاسخ بصورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)
- ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می شود (پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می دهند. (یعنی تقدس، لویان ۲: ۱۹، متی ۵: ۴۸، اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تاثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۲۷: ۳۶ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!
- هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگیمان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!
- C. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۸: ۲ و ۹ و ۱۰)!
- خداوند وفادار به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

□ **آنگاه صدایی از تخت برآمد که می گفت** "بدلیل بکار بردن عبارت "خدای ما" (مکاشفه ۵: ۱۹)، این صدا اکنون باید از سوی یک فرشته بوده باشد، نه از جانب خدا. عیسی هرگز خدا را "خدای ما" نمی خواند (برگرفته از کتاب *NT Transline* نوشته Michael McGill صفحه ۱۰۱).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۵: ۱۹-۶

«سپاس گویند خدای ما را، ای همه بندگان او، ای شما که ترس از او دارید، از خُرد و از بزرگ!» آنگاه صدایی شنیدم که به خروش جماعتی عظیم می مانست، و به غرّش آبهای فراوان، و به بانگ بلند رعد، که می گفت:

□ **"سپاس گویند خدای ما را"** این عبارات کنایه به مزمور ۱۳: ۱۱۵؛ ۱: ۱۳۴؛ ۱: ۱۳۵ دارند. زمان این عبارت حال دستوری است اما با عبارت دیگر "هللویا"، که در مکاشفه ۱: ۱۹، ۳، ۴ و ۶ تفاوت دارد. به لحاظ الهیاتی برای یک فرشته غیر طبیعی است که از عبارت "خدای ما" استفاده کند، اما مکاشفه ۱۹: ۱۰ نشان می دهد که فرشتگان نه تنها خود را در کنار قدیسان در خدمت می دانند، بلکه در رابطه با شهادت خود درباره عیسی نیز همراه با قدیسان هستند.

□ **"ای همه بندگان او، ای شما که ترس از او دارید، از خُرد و از بزرگ"** این آیه اشاره به مزمور ۱۳: ۱۱۵ دارد (بیشتر در مکاشفه ۱۸: ۱۱ بکار رفته بود).

۶: ۱۹ "چنین عباراتی که به جزئیات پرداخته درباره موارد زیر بکار رفته اند

۱. درباره خدا در حزقیال ۲: ۳۴
۲. درباره نیروی فرشتگان در دانیال ۶: ۱۰

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۹:۶-۸

«هَلیلویه! زیرا که خداوند خدای ما، آن قادر مطلق، سلطنت آغاز کرده است. ^۷ به وجد آییم و شادی کنیم، و او را جلال دهیم، زیرا زمان عروسی آن بره فرا رسیده، و عروس او خود را آماده ساخته است؛ ^۸ جامهٔ کتان نفیس و درخشان و پاکیزه به او بخشیده شد تا به تن کند.» جامهٔ کتان نفیس، اعمال پارسایانهٔ مقدسین است.

۴. درباره جماعت احیا شده در مکاشفه ۲:۱۴

۵. در متن بنظر می‌رسد که گروه گری از فرشتگان باشد

□ «خداوند خدای ما، آن قادر مطلق» این عنوان سه لایه برای خدا از عهد عتیق (بیهوه، الوهیم و *El Shaddai*)، به موضوع خاص: نامهای خداوند در مکاشفه ۸:۴ رجوع نمایند) به اشکال مختلف در مکاشفه ۸:۴؛ ۸:۱؛ ۸:۴؛ ۷:۱۱؛ ۷:۱۵؛ ۷:۱۶؛ ۷:۱۴؛ ۱۹:۱۵ و ۲۲:۲۱ ظاهر می‌شوند.

ضمیر "ما" کاملاً غیر طبیعی است، زیرا که توسط یک فرشته بیان می‌شود. این این سه عنوان، در کنار هم در هیچ جای دیگر با ظاهر نمی‌شود. با اینحال، مدرکی که متن در اختیار ما قرار می‌دهد کاملاً قوی و مستند است.

۱. «خداوند خدای ما» در اصلاحیه اولیه $MS \aleph^2$ دیده می‌شود (نسخه UBS^4 از این عبارت استفاده کرده، ولی رتبه C را به آن می‌دهد).

۲. «خداوند، ارباب ما» در نسخه اصل نوشته شده است MS از \aleph^*

۳. در برخی متون خردتر یونانی که بعداً نوشته شد، عبارت "خدای ما" دیده می‌شود (MSS 051, 209)

۴. «خداوند خدا» (MS A)

۵. «خداوند» (نسخه‌های Peshitta و Coptic)

□ «سلطنت» بر روی این فعل آئوریستی جدلهای زیادی در جریان بوده است (مکاشفه ۱۷:۱۱). برخی آن را شروع پادشاهی خداوند می‌دانند (Constative or Ingressive or Inceptive Aorist مزبور ۱:۳۱؛ ۱:۹۷؛ در نسخه NJB). با اینحال، خداوند همیشه پادشاهی کرده است (Culminative or Gnomic Aorist مزبور ۱:۹۹). برخی دیگر آن را نشانه پادشاهی خداوند بر روی زمین می‌دانند درحالیکه او در آسمانهاست (effective aorist. متی ۶:۱۰). پایان عصر و به نتیجه رسیدن پادشاهی خدا بارها در کتاب مکاشفه و در پایان چرخه‌های مختلف داوری مورد اشاره قرار گرفته است (مهرها، شیپورها و پیاله‌ها). این موضوع به موازات مکاشفه ۱۵:۱۱ ارزیابی می‌گردد. در عین حال می‌تواند کنایه‌ای به اشعیا ۲۴:۲۳؛ ۷:۵۲ یا میکا ۷:۴ قلمداد گردد. به موضوع خاص: پادشاهی خدا در مکاشفه ۵:۱۰ رجوع گردد.

۷:۱۹ دو فعل اول در مکاشفه ۷:۱۹ وجه شرطی می‌باشند.

۱. شادی کنیم - حال معلوم

۲. به وجد آییم - حال معلوم

سومین فعل چندین مغایر دارد

۱. *dōsōmen* (ضمیر بی‌قاعده معلوم آئوریستی)

۲. *dōsomen* (آینده)، "جلال خواهیم داد" - $A, MSS \aleph^2$

۳. *dōmen* (ضمیر معلوم آئوریستی) - $MSS \aleph^*$

شماره‌های ۱ و ۳ همچون دو فعل اول ترجمه می‌شوند، "بیایید جلال دهیم". شماره ۲ ترجمه می‌شود: "جلال خواهیم داد" (RSV). نسخه UBS^4 به شماره ۱ رتبه C، نسخه UBS^3 رتبه D به آن داده است. کمیته تعیین کننده صحت مطالب نتوانستند تصمیم‌گیری نمایند که کدام مورد دارای اصالت است.

□ «او را جلال دهیم» این عبارت می‌تواند استعاره‌ای برای اعتماد داشتن، باور داشتن و یا ایمان آوردن به مسیح باشد. در مکاشفه ۱۳:۱۱ این عبارت می‌تواند به این معنی باشد که برخی در نتیجه اعمال خدا در داوری، توبه کرده و به ایمان روی آوردند. این عبارت برای قوم خدا در مکاشفه ۷:۱۴ و بی‌ایمانانی که بدلیل عدم پرستش خداوند در مکاشفه ۹:۱۶ تحت آزار قرار گرفته بودند، مورد استفاده قرار گرفته است.

□ «عروسی آن بره» "بره" دلالت بر قربانی کردن در عهد عتیق دارد (لاویان ۱-۷). این عبارت عنصر قربانی را با خوراک همگانی مرتبط می‌سازد (پیشنهاد صلح). در متی ۸:۱۱؛ ۲۶:۲۹؛ لوقا ۱۴:۱۵؛ ۱۶:۲۲ به این جشن عروسی اشاره شده است. تمرکز آن بر روی سنت دوره نامزدی در ازدواج، یک دوره از انتظار، و هفت شبانه روز جشن عروسی می‌باشد. ذکر این نکته جالب توجه است که در طول چند پاراگراف، این استعاره تبدیل به قوم خدا می‌شود، نه بعنوان عروس، بلکه بعنوان میهمانان این عروسی (مکاشفه ۹:۱۹ و متی ۲۲:۱-۱۴). این استعاره دوباره در مکاشفه ۲:۲۱، ۹ قوم خدا را تغییر

می دهد به "اورشليم جديد". مفهوم ارتباطی همچون ازدواج میان خدا و کلیسای او در عهد عتیق، در اشعیا ۵۴:۴-۸؛ ۶۲:۵؛ ارمیا ۲۱:۳۲؛ حزقیال ۱۶؛ و هوشع ۲:۱۴-۱۹ دیده می شود. این استعاره در عهد جدید نیز، در ۲ قرنتیان ۱۱:۱؛ افسسیان ۵:۲۱-۳۲؛ مکاشفه ۱۹:۹؛ ۲۱:۲، ۹؛ ۲۲:۱۷ دیده شده است. همچنین عیسی، در شکل داماد به تصویر کشیده شده است (متی ۹:۱۵؛ مرقس ۲:۱۹-۲۰؛ لوقا ۵:۳۴-۳۵؛ یوحنا ۳:۲۹). حکایات متعددی نیز در کتاب متی همین مضمون را ادامه می دهند (متی ۱:۲۲-۱؛ ۱۴:۱-۲۵؛ ۱۳:۱). ازدواج می تواند بهترین مثال انسانی از مفهوم انجیلی عهد باشد.

□ "عروس او خود را آماده ساخته است" این یک ضمیر اشاره معلوم آتوریستی می باشد. برخی این عبارت را بعنوان کار شایسته انسانی قلمداد می کنند. جمله مجهول آیه ۱۹:۸ نشان می دهد که این ترجمه اشتباه می باشد. این متن تضاد ارتباط میان شروع فعالیت خدا (یوحنا ۶:۶۷، ۴۴، ۶۵) که در دعوت مکاشفه ۱۹:۹ دیده می شود (وجه وصفی مجهول کامل)، و لزوم پاسخ بشریت به ایمان را نشان می دهد (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۲۱). این ارتباط متناقض را می توان در فیلیپیان ۲:۱۲-۱۳ مشاهده کرد. متضمن این گفته، این حقیقت است که در مکاشفه ۱۹:۸ خداوند اجازه پوشیدن لباس را می دهد، اما لباس اشاره به کارهای خوب (اعمال پارسایانه) قوم خدا دارد (مکاشفه ۱۴:۱۳؛ افسسیان ۲:۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۲:۵).

A. T. Roberston در کتاب *World Pictures In The New Testament* تفسیر جالبی درباره مکاشفه ۷:۹ دارد؛ "سه استعاره ی زن در پایان عصر ظاهر می گردند (مادر در فصل ۱۲؛ فاحشه در ۱۳ تا ۱۹؛ و عروس مسیح از اینجا به بعد). اولین و سومین مورد، کلیسا را تحت دو جنبه مختلف زندگی او به تصویر می کشد، در حالیکه مورد دوم به رقیبان و دشمنان بزرگ او پاسخ می دهد (Swete)" صفحه ۴۴۹.

۸:۱۹ "اعمال پارسایانه مقدسین" عبارت "اعمال پارسایانه" (*dikaiōma*) کاربردهای مختلفی در عهد جدید دارد.

۱. اشاره به عدل و داد خداوند دارد (مکاشفه ۴:۱۵)
 ۲. اشاره به مرگ عیسی بخاطر بشریت دارد (رومیان ۵:۱۶، ۱۸)
 ۳. اشاره به زندگی ایمانداران در عدل دارد (مکاشفه ۸:۱۹)
 ۴. اشاره به یک حکم، یک قانون، یا یک آیین دارد، معمولاً شریعت موسی (لوقا ۱:۶؛ رومیان ۱:۳۲؛ ۲:۲۶؛ ۸:۴؛ عبرانیان ۹:۱، ۱۰)
- مشکل الهیاتی مرتبط با این واژه از خانواده یونانی (*dikaioō, dikaiōsis, dikaios, dikaiosune*) چگونگی بشر گناهکار می تواند مدعی راستی و پارسایی و عدل و داد داشته باشد. کاملاً محرز است که این وضعیت معنوی توسط اعمال انسانی به سرانجام نرسیده است (رومیان ۳:۲۱-۳۰؛ افسسیان ۲:۸-۹)، بلکه با خواست خدا (پدر)، بواسطه کارهای الهی (پسر)، و ترسیم الهی از روح القدس (یوحنا ۶:۴۴، ۶۵) انجام خواهد شد. هدف از راست قامت بودن، راست زندگی کردن است، زندگی همچون مسیح (رومیان ۹:۲۹؛ غلاطیان ۴:۱۹؛ افسسیان ۱:۴؛ ۲:۱۰). رستگار زندگی کردن نشانه پایه آن زندگی نیست (غلاطیان ۳:۱-۳) بلکه شاهدهی است بر داشتن ارتباط با خداوند (مکاشفه ۱۴:۱۳). به موضوع خاص در مکاشفه ۱۹:۱۱ توجه نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۱۹-۱۰

آنگاه فرشته به من گفت: «بنویس: خوشا به حال آنان که به ضیافت عروسی آن بَره دعوت می شوند.» و افزود: «اینها کلام راستین خدایند!»^{۱۰} در این لحظه بود که به پیش افتادم تا او را بپرستم. اما او به من گفت: «مبادا چنین کنی! چون من نیز همچون تو و برادران تو که شهادت عیسی را نگاه می دارند، غلام اویم. خدا را بپرست! زیرا شهادت عیسی، روح نبوت است.»

۹:۱۹ "خوشا به حال آنان که" این چهارمین مورد از هفت دعای خیری است که در کتاب مکاشفه احیا گردیده است (مکاشفه ۳:۱؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۶:۱۵؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷، ۱۴).

□ "آنان که به ضیافت عروسی آن بَره دعوت می شوند" این وجه وصفی مجهول کامل، تأکید بر فراخوان خداوند به رستگاری دارد (مکاشفه ۱۷:۱۴؛ یوحنا ۶:۴۴، ۶۵).

□ "اینها کلام راستین خدایند" این عبارت تأکید بر قابل اعتماد بودن پیام فرشته دارد (مکاشفه ۲۱:۵؛ ۲۲:۶).

۱۰:۱۹ "به پیش افتادم تا او را بپرستم" درباره تلاش یوحنا برای پرستش یک فرشته بحثهای زیادی بوده است (مکاشفه ۸:۲۲). احتمالاً یوحنا به عمد کلامی را در تقابل با پرستش فرشته اضافه کرده است (مکاشفه ۹:۲۹؛ کولسیان ۲:۱۸). یوحنا از هیبت این فرشته نیرومند وحشتزده شده بود و ممکن است تصور کرده باشد که آن شخص یا فرشته ای آسمانی بوده (پیدایش ۱۶:۷-۱۳؛ ۲۲:۱۱-۱۵؛ ۳۱:۱۱، ۱۳؛ ۴۸:۱۵-۱۶؛ خروج ۳۲:۴؛ ۳۱:۱۳؛ ۱۹:۱۴؛ داوران ۲:۱؛ ۶:۲۲-۲۳؛ ۱۳:۳-۲۲؛ زکریا ۳:۱-۲؛ لوقا ۲۴:۵) و یا تجلی فیزیکی روح القدس (مکاشفه ۲۲:۸-۹).

□ "من نیز همچون تو و برادران تو که شهادت عیسی را نگاه می‌دارند، غلام اویم" در مکاشفه ۱:۱ یوحنا خود را با واژه مشابهی خوانده بود. فرشته نه تنها خود را (تثنیه ۲:۳۳؛ مزمور ۲۱:۱۰۳؛ دانیال ۱۰:۱۷) بلکه بشر را نیز خدمتگذار خداوند خوانده بود (عبرانیان ۱:۱۴). این فرشته همچنین خود را با شهادت عیسی معرفی می‌کند که معمولاً کلام قدیسان بوده تا فرشتگان (مکاشفه ۱۷:۱۲).

□ "زیرا شهادت عیسی، روح نبوت است" این عبارت بشدت غیرطبیعی بوده و بصورت گسترده‌ای ترجمه شده است. می‌تواند به هر یک از موارد زیر ارجاع داده شود:

۱. عیسی بعنوان کانون نبوت
 ۲. این حقیقت که نبوت بعنوان یک نشانه بازگشته که عیسی عصر جدید روح را آورده است (مکاشفه ۱:۲؛ ۹:۶؛ ۱۷:۱۲ و ۱۲:۱۴ بعنوان نمونه‌های مشابه این عبارت).
 ۳. عیسی الهام اصلی نبوت است (مشابه "الهام خدا" در ۲ تیموتائوس ۳:۱۶).
- متن نشان می‌دهد که آنان که به مسیح اعتماد کرده‌اند، توسط روح هدایت شده‌اند. هیچ کس نمی‌تواند به عیسی روی آورد تا زمانی که:

۱. روح در او دمیده شود (یوحنا ۶:۴۴، ۶۵)
 ۲. به او کمک کند تا پیام انجیل را ترک کند
 ۳. او را به اعتماد به عیسی تشویق کند
 ۴. به نام مسیح تعمید داده شود
 ۵. مسیح در روح او شکل گیرد (یوحنا ۱۶:۸-۱۱)
- کار روح، بزرگ کردن عیسی است.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۱:۱۹-۱۶

۱۱ آنگاه دیدم که آسمان گشوده است و پیش رویم، هان اسبی است سفید، با سواری که امین و برحق می‌نامندش. او به عدل حکم می‌کند و می‌جنگد. ۱۲ چشمانش به آتش مشتعل می‌ماند و بر سرش تاجهای بسیار است. و نامی دارد بر او نوشته که هیچ کس نمی‌داند، جز خودش. ۱۳ ردایی دارد به خون آغشته و نامی که بدان خوانده می‌شود 'کلام خدا' است. ۱۴ سپاهیان آسمان از پی او می‌آمدند، سوار بر اسبان سفید، و در جامه‌های کتان نفیس و سفید و پاکیزه. ۱۵ و شمشیری از دهانش بیرون می‌آید بُرآن، تا با آن بر قومها بتازد. «بر آنان با عصای آهنین حکم خواهد راند.» چَرخُشْتِ شرابِ خشم و غَضَبِ خدای قادر مطلق را لگدمال خواهد کرد. ۱۶ و بر ردا و ران او نامی نوشته شده است: 'شاه شاهان و رب ارباب.'

۱۱:۱۹ "دیدم که آسمان گشوده است" این قالب فعل مجهول کامل است و می‌تواند به حزقیال ۱:۱ اشاره داشته باشد. در کتاب مکاشفه بارها آسمان گشوده شده است (به صورت جزعی) تا حقیقت در صحنه‌های مختلف به یوحنا نمایان شود (مکاشفه ۱:۴؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۵:۵). به موضوع خاص در مکاشفه ۷:۳ مراجعه نمایید.

□ "اسبی سفید" در پاراگراف قبل داماد بیشتر در هیبت یک سلحشور فاتح به تصویر کشیده شده بود. این عبارت ورود عیسی را آنگونه که یهودیان در ابتدا انتظار آن را داشتند تعریف می‌کند. بنوعی این عبارت متفاوت از جزعیاتی است که پولس از آمدن دوم عیسی (*Parousia*) در ۱ تسالونیکیان ۴:۱۸-۱۳ ترسیم کرده بود. این تشبیه برای گروهی از مسیحیان ستم‌دیده، بسیار دلگرم کننده است. مترجمان باید بخاطر داشته باشند که:

۱. این مبحث درباره ظهور دوم عیسی کامل نیست
۲. این زبان کاملاً نمادین و زیر و رو کننده است
۳. حقیقت محض است که خدای ما، بواسطه مسیح، شخصاً دوباره خواهد آمد تا آنچه را که متعلق به اوست بدست آورد (یوحنا ۱۴:۲-۳) و تمامی نوع بشر را با توجه به اعمال و کردارشان مورد داوری قرار دهد (غلاطیان ۶:۷)

□ "با سواری" در مکاشفه ۲:۶ نیز از اسبی سفید سخن گفته شده بود، اما این با این اسب تفاوت دارد.

□ "امین و برحق می‌نامندش" واژه "امین و برحق" (در نسخه انگلیسی از واژه وفادار/مؤمن استفاده شده است) در نسخه عبری عبارت حاوی مفهوم قابل اعتماد بودن است (مکاشفه ۳:۱۴ و همچنین مکاشفه ۱:۵؛ ۳:۷).

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

(Special Topic: "Truth" (The Concept) In John's Writings)

در یک مفهوم یوحنا زمینه عبری و یونانی *alētheia* حقیقت را در هم ادغام می‌کند همانند کاری که در مورد *logos* انجام داد (رجوع شود به ۱: ۱ الی ۱۴). زبان عبری (رجوع شود به باور، اعتماد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق) معنی می‌کند که کدامیک درست یا قابل اعتماد است (اغلب همراه با Septuagint یا *pisteuō*) است. در یونانی با واقعیت در مقابل غیر واقعی بودن افلاطون همراه است، بهشتی در مقابل زمینی. این با دوگانگی یوحنا همخوانی دارد. خدا به وضوح (ریشه‌یابی الهی نشان دادن، آشکار کردن، به وضوح آشکار کردن) خودش را به پسرش نشان داد. این به راه‌های مختلف بیان شده است.

۱. اسم، *alētheia* حقیقت

- a. عیسی سرشار از محبت و حقیقت است (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۷ - شرایط پیمانهای عهد عتیق)
- b. عیسی موضوع اصلی شهادت یحیی تعمید دهنده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۲ الی ۳۴، ۱۸: ۳۷ - آخرین پیامبر عهد عتیق)
- c. عیسی حقیقت را می‌گوید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۰ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ - مکاشفه درونی و فردی است)
- d. عیسی راه، حقیقت و زندگی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)
- e. عیسی آنها را با حقیقت مقدس می‌سازد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)
- f. عیسی (پیامبر ۱: ۱ الی ۳) حقیقت است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)

۲. صفت، *alēthēs*، درست، قابل اعتماد

- a. شاهد عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۱ و ۳۲، ۷: ۱۸، ۸: ۱۳ و ۱۴)
- b. قضاوت عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶)

۳. صفت، *alēthinus*، واقعی

- a. عیسی نور حقیقی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۹)
- b. عیسی نان واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۲)
- c. عیسی شراب واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱)
- d. عیسی شاهد واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۵)

۴. قید، *alēthōs*، واقعا

- a. یک سامری به عیسی به عنوان نجات دهنده جهان شهادت می‌دهد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۲)
 - b. عیسی غذا و نوشیدنی واقعی است برخلاف روز منای موسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۵)
- واژه حقیقت و مشتقات آن همچنین بیان کننده شهادت دیگران به عیسی می‌باشد، *altēthēs*

- a. شهادت یحیی تعمید دهنده واقعی است (یوحنا ۱۰: ۴۱)
- b. شهادت یوحنا (نویسنده انجیل) واقعی است (یوحنا ۱۹: ۳۵؛ ۲۱: ۲۴)
- c. به عیسی در شکل یک نبی واقعی نگریسته می‌شود (یوحنا ۶: ۱۴؛ ۷: ۴۰)

برای یک بحث خوب در خصوص حقیقت در عهد عتیق و عهد جدید به *A Theology of the New Testament* اثر Ladd, George E صفحات ۲۶۲ الی ۲۶۹ مراجعه کنید.

موضوع خاص: "حقیقت" (واژه) در نوشته‌های یوحنا

(SPECIAL TOPIC: "TRUTH" (THE TERM) IN JOHN'S WRITINGS)

۱. خدای پدر

- a. خداوند بر حق و قابل اعتماد است (یوحنا ۳: ۳۳؛ ۷: ۱۸، ۲۸؛ ۸: ۲۶؛ ۱۷: ۳؛ رومیان ۳: ۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۹؛ یوحنا ۵: ۲۰؛ مکاشفه ۶: ۱۰)
- b. راه‌های خداوند بر پایه حق هستند (مکاشفه ۳: ۱۵)

c. داوری خداوند بر پایه حق می‌باشد (مکاشفه ۷:۱۶؛ ۱۹:۲)

d. گفته‌های خداوند حقیقت دارند (مکاشفه ۱۱:۱۹)

۲. خدای پسر

a. پسر حق / حقیقت است

(۱) نور حق (مکاشفه ۱:۹؛ ۱ یوحنا ۲:۸)

(۲) تاک حق (یوحنا ۱:۱۵)

(۳) مملو از رحمت و حقانیت (یوحنا ۱:۱۴، ۱۷)

(۴) او راستی است (یوحنا ۱۴:۶؛ ۸:۳۲)

(۵) او حق است (مکاشفه ۷:۳، ۱۴؛ ۱۱:۱۹)

b. شهادت پسر حقیقت است (یوحنا ۱۸:۳۷)

۳. می‌تواند دارای یک حالت تطبیقی باشد

a. شریعت موسی در مقابل رحمت و حقانیت عیسی (یوحنا ۱:۱۷)

b. خیمه در بیابان در مقابل خیمه آسمانی (عبرانیان ۸:۲؛ ۱:۹)

۴. این لغت اغلب در نوشته‌های یوحنا، دارای معنی و دلالت‌های متعددی می‌باشد (عبری و یونانی). یوحنا از آنها برای تعریف پدر و پسر، بعنوان شخص، بعنوان سخنگو و بعنوان پیام آنان که باید به دیگر پیروان انتقال داده شود، استفاده می‌کند (یوحنا ۴:۲۳؛ ۱۹:۳۵؛ عبرانیان ۱۰:۲۲؛ مکاشفه ۲۲:۶).

۵. این دو صفت برای یوحنا تعریف کننده دو نکته می‌باشند، اول پدر بعنوان تنها فرد و تنها کسی که در آسمان قابل اعتماد است (۵:۴۴؛ ۱ یوحنا ۵:۲۰)، و سپس عیسی بعنوان مکاشفه کامل و بر حق او برای مقاصد احیا کننده خداوند، نه فقط برای شناخت واقعیت‌ها!

□ "او به عدل حکم می‌کند و می‌جنگد" این بخش کنایه‌ای است به اشعیا ۱۱:۳-۵ (اشعیا ۷:۹؛ ۱۶:۵؛ ۳۲:۱؛ مزمور ۹۶:۱۳)، که عصر جدید عدالت را تعریف می‌نماید، عصری که عصر روح می‌باشد. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: پارسایی

(Special Topic: Righteousness)

"پارسایی" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد.

در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "پارسا/صالح" (فعل، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006) توصیف شده است. این اصطلاح بین‌النهرینی از "ساقه نی" می‌آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح افقی دیوارها و پرچینها استفاده می‌شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره‌ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملا صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می‌شوند. این مفهوم صادق بودن و همچنین حق داوری او را تصریح می‌کند.

انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷، ۱:۵ و ۳:۶). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۸:۳). کل خلقت مرحله‌ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می‌خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۱۲:۵ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجدداً برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۱۵). به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۸ الی ۳:۲۰، مکاشفه ۵).

پس از سقوط، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به رمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱، غلاطیان ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی‌داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صادق اعلام کردن (عدالت قضایی)

۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)

۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می کند (مسیح گونه بودن، بازیابی تصویری از خدا)

۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید)

با این وجود، خدا می خواهد که به پیمانش پاسخ دهیم. خدا حکم می کند (به رایگان می دهد، مراجعه شود به رومیان ۸: ۵، ۲۳: ۶) و تأمین می کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه

۲. ایمان

۳. پیروی شیوه زندگی

۴. استقامت

بنابراین، پارسایی یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصا و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می شود (مراجعه شود به افسسیان ۸: ۲ الی ۹). این مفهوم در اناجیل فاش می شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح *dikaiosumē* در مفهوم عبری کلمه *tsaddiq* که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته های یونانی این کلمه به کسی گفته می شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). بیهوده خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۷، غلاطیان ۶: ۱۵). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۷، غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "پارسا" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. Justification یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی انجیل و کلیسای کاتولیک رم تأکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازیابی می شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می باشد)

a. رومیان ۲: ۲۶

b. دوم تسالونیکیان ۵: ۱ الی ۶

c. تیموتائوس ۸: ۴

d. مکاشفه ۵: ۱۶

۲. عیسی صادق است

a. اعمال رسولان ۱۴: ۳، ۵۲: ۷، ۱۴: ۲۲ (عنوان مسیح)

b. انجیل متی ۱۹: ۲۷

c. اول یوحنا ۱: ۲ و ۲۹، ۷: ۳

۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است

a. لایوان ۲: ۱۹

- b. انجیل متی ۵:۴۸ (مراجعه شود به ۱۷:۵ الی ۲۰)
۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت
- a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱
- b. رومیان ۴
- c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴
- d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱
۵. داده شده توسط خدا
- a. رومیان ۳:۲۴، ۳:۲۳، ۶:۲۳
- b. اول قرنیتیان ۱:۳۰
- c. افسسیان ۲:۸ الی ۹
۶. دریافت با ایمان
- a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲، ۳:۲۶، ۴:۳ و ۵ و ۱۳، ۹:۳۰، ۱۰:۴ و ۱۰ و ۱۰
- b. دوم قرنیتیان ۷:۵ و ۲۱
۷. توسط کارهای پسر
- a. رومیان ۵:۲۱
- b. دوم قرنیتیان ۵:۲۱
- c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱
۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند
- a. انجیل متی ۵:۳ الی ۵:۴۸، ۷:۲۴ الی ۲۷
- b. رومیان ۱۳:۲، ۱۵:۱ الی ۵، ۱۶:۱ الی ۲۳
- c. افسسیان ۴:۱، ۱۰:۲
- d. اول تیموتائوس ۱:۱۱
- e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۳:۱۶
- f. اول یوحنا ۷:۳
- g. اول پطرس ۲:۲۴
۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند
- a. اعمال رسولان ۱۷:۳۱
- b. دوم تیموتائوس ۸:۴
۱۰. صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می‌دهد.
- a. یک حکم خدا
- b. هدیه‌ای از خدا
- c. یک کار مسیح
- d. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می‌شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۳) در زمان مرگ انجام می‌شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته . از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می‌دارم :

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. انجیل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)

۲. انجیل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)

۳. انجیل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به انجیل ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

۱۲:۱۹ "چشمانش به آتش مشتعل می‌ماند" این مشخصات عیسی از مکاشفه ۱:۱۴ و ۲:۱۸ گرفته شده است. این مشخصات از یک پیشزمینه‌ی آسمانی از دانیال ۶:۱۰ برخوردار است.

□ "بر سرش تاجهای بسیار است" این جمله اشاره به تاجهای سلطنتی دارد. عیسی دارای تاجهایی بیش از افراد زیر می‌باشد

۱. اسب سوار در مکاشفه ۶:۲ (که جنگ‌آوری را نمادین می‌نماید)

۲. شیطان (سرخفام در ۳:۱۲)

۳. وحش در مکاشفه ۱۳:۱.

□ "ونامی دارد بر او نوشته که هیچ‌کس نمی‌داند، جز خودش" این عبارات می‌تواند کنایه‌ای به مکاشفه ۲:۱۷ باشد، اما اگر چنین باشد، باز هم معنی آن مشخص نیست. برخی آن را کنایه‌ای به باور باستانی می‌دانند، آنان تصور می‌کردند که دانستن نامهای خدایان باعث تسلط بر آنان می‌شود. برخی دیگر تصور می‌کنند که آنها معرف این حقیقت هستند که هیچ‌کس نمی‌تواند از شخصیت عیسی کاملاً اطلاع داشته باشد. از آنجاییکه عنوان ناشناخته است، لذا اشاره به هیچ یک از القاب عیسی ("امین و بر حق" از مکاشفه ۱۹:۱۱ و "کلام خداوند" از مکاشفه ۱۹:۱۳) که در این آیات دیده می‌شوند (یا در کل کتاب) شامل "شاه شاهان و ارباب اربابان" از مکاشفه ۱۹:۱۶ نمی‌شود.

۱۳:۱۹ "زدایی دارد به خون آغشته" این عبارات اشاره به شعر داوری یهوه در اشعیا ۳:۶۳ دارد، که در عین حال به مکاشفه ۱۹:۱۵ نیز اشاره می‌کند. واژه‌ای که در نسخه انگلیسی بکار رفته "غوطهور" (MS A)، نسخه UBS⁴ رتبه B به آن می‌دهد) یا "بر روی آن پاشیده شده" (*MSS P، از اشعیا ۳:۶۳) در زمان دستوری کامل نوشته شده که مفسران با آن مخالف هستند زیرا که نمی‌دانند به کدام مورد زیر اشاره می‌کند

۱. خون دشمنانش، که بنظر می‌رسد تمرکز پاراگراف بر روی آن بوده و در یک ترجمه آرامی از عهد عتیق در پیدایش ۴۹:۱۰-۱۱ بازتاب یافته است (اینحال در متن، نبرد دیده نمی‌شود)

۲. احیای خودش، خون قربانی که قدیسان بوسیله آن ردای سفید خود را می‌شستند (مکاشفه ۷:۱۴)

۳. این امکان وجود دارد که خون شاهدان بوده باشد. کسانی که برای او دارای ارزش زیادی بودند.

در متن، گزینه اول بهتر می‌گنجد.

□ "ونامی که بدان خوانده می‌شود 'کلام خدا' است" این واژه‌ی *logos* است، که کتاب مکاشفه را با یوحنا‌ی نبی مرتبط می‌سازد، زیرا او تنها نویسنده انجیلی است که از این عنوان برای عیسی استفاده می‌کند (یوحنا ۱:۱، ۱۴؛ یوحنا ۱:۱).

انجیل هم یک شخص است (کلام زنده خدا، عیسی) و هم یک پیام (کلام مکتوب خدا، انجیل). همین جنبه دوگانه با استفاده از واژه "ایمان" در انجیل نمود پیدا می‌کند، که هم عمل انسانی خوش‌آمدگویی به عیسی بوده و هم یک عمل شناختی از اعتقاد به حقایق دینی ("ایمان"، یهودا ۱:۳، ۲۰).

موضوع خاص: پیشزمینه عبری و یونانی لوگوس (یوحنا ۱:۱)

(SPECIAL TOPIC: HEBREW AND GREEK BACKGROUND OF LOGOS (John 1:1))

پیشزمینه مفهوم واژه "کلام" یا "کلام گفتاری" (۲۰، ۲، ۴، BDB 180, kb 210 III)

۱. پیشزمینه عبری

- a. قدرت کلام گفتاری (اشعیا ۵۵:۱۱؛ مزمور ۳۳:۶، ۹؛ ۱۰۷:۲۰؛ ۱۴۷:۱۵، ۱۸)، و در آفرینش (پیدایش ۱:۳، ۶، ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۹) و دعاهای پدران (پیدایش ۲۷:۱؛ ۴۹:۱)
- b. امثال ۸:۱۲-۲۳ به "حکمت" جنبه فردی می‌دهد همانگونه که اولین آفرینش خداوند و تمام آفرینش عمل کرد، (مزمور ۳۳:۶ و حکمت غیر شرعی سلیمان ۹:۹)
- c. کنترل طبیعت (مزمور ۱۴۷:۱۲-۲۰؛ ۱۴۸:۸) و فرشتگان (مزمور ۱۰۳:۱۹-۲۰) توسط خداوند
- d. تفسیرها و ترجمه‌های آرامی (تارگوم) به دلیل نامناسب بودن، عبارت "کلام خدا" را برای *logos* با واژه‌های انسانی جایگزین کرده‌اند
۲. پیشزمینه یونانی (*logos*)
- a. هراکلیتوس - دنیا بسرعت در بود؛ لوگوس غیر انسانی آسمانی و تغییر ناپذیر (شریعت) دنیا را حفظ کرد و گذر تغییرات را هدایت کرد
- b. افلاطون - لوگوس غیر انسانی آسمانی، سیاره را حفظ کرد و فصلها را تعیین نمود
- c. رواقیان - لوگوس "معلول جهان" بود یا مدیر آن، اما تقریباً انسانی بود (احتمالاً از طرف آناکساگوراس گفته شده است)
- d. فیلون اسکندرانی - وی به لوگوس مفهوم انسانی داده و آن را به مثابه "کاهن اعظم که روح مرد را در برابر خداوند قرار داد"، یا "پلی میان انسان و خدا"، یا "فردی که بواسطه او همه چیز در عالم هستی هدایت می‌شود" تعریف کرد (*kosmocrater*). او لوگوس را "فرزند نخست خدا" و "سفیر خدا" یا وکیل مدافع خدا" نامید. تاکید او بر تعالی خدا و لوگوس، پیوند به قلمرو فیزیکی بود.

۱۴:۱۹ "سپاهیان آسمان" به دو روش می‌شود این عبارات را ترجمه کرد.

۱. بدلیل مکاشفه ۱۷:۱۴ و جزعیاتی که درباره از قدیسان در مکاشفه ۸:۱۹ در این متن ذکر شده، می‌توان تصور کرد که اشاره به قدیسان دارد.
۲. بدلیل پیشزمینه عهد عتیقی تشبیه ۲:۳۲؛ مزمور ۶۸:۱۷؛ و زکریا ۴:۵؛ همچنین کلام متی ۱۳:۴۱؛ ۱۶:۲۷؛ مرقس ۸:۳۸؛ ۱۳:۲۷؛ لوقا ۹:۲۶؛ ۱ تسالونیکیان ۳:۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۱:۷ در عهد جدید، بسیاری از مفسران باور دارند که باید اشاره به فرشتگان داشته باشد. این گنگی، در اکثر آیات دیده می‌شوند.

۱۵:۱۹ "از دهانش" این عبارت کنایه‌ای است به اشعیا ۱۱:۴ و مکاشفه ۱:۱۶ و ۲:۱۶. نمونه همین استعاره در کتب یهود یافت می‌شود (Esdras 12:6؛ Psalms of Solomon 17:10, 45, 49 and 1 Enoch 62:6).

□ "شمشیری بُران" این استعاره‌ای است برای قدرت انجیل یا کلام گفتاری خداوند (پیدایش ۱؛ اشعیا ۵۱:۱۱؛ یوحنا ۱:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۷:۸)، و واقعی نمی‌باشد.

حزقیال ۳۸-۳۹ تخریب نهایی ارتش انسانی را به تصویر کشیده است. این تخریب توسط ۱) شمشیر (حزقیال ۳۸:۲۱ و مکاشفه ۱۹:۱۵، ۲۱) یا ۲) آتش از جهنم در حزقیال ۳۹:۶ و مکاشفه ۲۰:۹ به سرانجام رسیده است. این موازات میان مکاشفه ۱۹ و ۲۰ (راه‌های مختلف نابودی ارتش ملت‌ها)، که حزقیال ۳۸-۳۹ را بازتاب می‌دهد، از یک دوره سیر تکامل سخن می‌گوید. دومین بازگشت مسیح در مکاشفه ۱۹ به زبانهای مختلف در مکاشفه ۲۰-۱۰ تکرار شده است. این دوره تکامل در روایت مهرها، شیپورها و پیاله‌ها دیده شده است.

□ "قومها" ریشه عهد عتیق از این سپاه‌ها، اقوام بی‌خدایی است که در حزقیال ۳۸ از سرتاسر شرق نزدیک باستان ثبت شده است (مکاشفه ۱۹:۲، ۵، ۶، ۱۳). یوحنا از این آخرین نبرد در حزقیال ۳۸-۳۹ (احتمالاً مزامیر ۲) بعنوان منشأ رویای او درباره نبرد معنوی میان خدا و شیطان استفاده می‌کند! تا الان عیسی بزرگترین شمشیر را در اختیار داشته است! به یادداشتهای مکاشفه ۲:۲۶ و ۱۰:۱۱ رجوع نمایید.

□ "بر آنان با عصای آهنین حکم خواهد راند" این دومین مورد از سومین جزعیاتی است که درباره اسب سوار می‌گوید. این جزعیات درباره داوری از مزمور ۹:۲ و ۱۱۰:۵-۶ گرفته شده است (مکاشفه ۲:۲۷؛ ۱۲:۵).

□ "چَرُخْشَتِ شَرَابِ خَشْمِ و غَضَبِ خدایِ قادرِ مطلق را لگدمال خواهد کرد" این سومین داوری، کنایه‌ای است به اشعیا ۶۳:۲-۳؛ ارمیا ۳۳:۵۱؛ مراثی ارمیا ۱:۱۵؛ یوئیل ۳:۱۳ (مکاشفه ۱۴:۱۹-۲۰). رنگ انگورهای لگدمال شده یادآور خون، مرگ و جنگ در دوران باستان است! برای مطالعه بیشتر درباره "خشم خدا" به مکاشفه ۷:۱۴ رجوع نمایید.

۱۶:۱۹ "بر ردا و ران او نامی نوشته شده است" بحثهای زیادی درباره عبارت "ران او" در جریان بوده است:

۱. ران جایی بود که شمشیر معمولاً به آن بسته می‌شود
۲. این قسمت جایی بود که جامه او بر روی اسب بیش از سایر قسمت‌ها نمایان بود
۳. ران قوی‌ترین بخش بدن او بود و نماد قدرت او محسوب می‌شد

- **«شاه شاهان و رب ارباب»** آیا این عبارت به یک نام اشاره می کند یا دو نام؟ مکاشفه ۱۷:۱۴ نشان می دهد که اشاره آن به یک نام است (۱ تیموتائوس ۶:۱۵). دو احتمال برای پیشزمینه عهد عتیق آن وجود دارد:
 ۱. مشخصاتی از یهوه (تثنیه ۱۰:۱۷ و Enoch 9:4)
 ۲. عنوان بابلی و بعداً ایرانی از خدا که به یهوه انتقال یافت (دانیال ۲:۳۷)

جالب توجه است که بدانیم این عبارت در تناقض با عدد وحش که ۶۶۶ است در زبان آرامی ۷۷۷ بار اضافه شده است. کاملترین در برابر ناقصترین.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۷:۱۹-۱۸

^{۱۷} و فرشته ای دیدم که در آفتاب ایستاده بود و به بانگ بلند به کل پرندگان که در دل آسمان بال می زدند، ندا داد و گفت: «بیاید؛ برای ضیافت بزرگ خدا گرد هم آید^{۱۸} تا از گوشت شاهان و سرداران و توانمندان بخورید، و از گوشت اسبان و سوارانشان، و از گوشت هر انسانی، از غلام و آزاد، و خرد و بزرگ.»

۱۷:۱۹ **«کل پرندگان»** این پاراگراف مخوف کنایه ای است به دو آیه عهد عتیق که صحنه های جنگ می پردازد. این متن مشابه نبردی است که در مکاشفه ۱۶-۱۲:۱۶ بنام حارمگدون مورد بحث قرار گرفت. پرندگان درنده مورد نظر همانگونه که در ۱ سموئیل ۱۷:۴۶ در میدان نبرد ذکر آنان به میان آمد، (متی ۲۴:۲۸؛ لوقا ۱۷:۳۷) به تصویر کشیده شده اند که نبر آخر عصر میان جوج و ماجوج می باشد. یوحنا اغلب از رویاهای عهد عتیق به روشهای نوینی استفاده می کند. در فصل ۲۰ نبرد جوج و ماجوج به شیطان پس از نیمه قرن می پردازد، در حالیکه در فصل ۱۹ نبرد پیش از نیمه ظاهر گردیده و به وحش وحشی و پیامبر دروغین می پردازد.

- **«بیاید؛ برای ضیافت بزرگ خدا گرد هم آید»** کلمه «بیاید» یک قید است که بعنوان جمع دستوری آئوریستی معلوم بکار برده شده، که با کلمه دوم، «گرد هم آیم» سازگاری دارد. کلمه دوم جمع مجهول دستوری آئوریستی می باشد. این جمله با ضیافت بره که در مکاشفه ۱۹:۷ و ۹ ذکر گردید، تناقض دارد. بره مردمانی که راه خود را گم کرده اند را دعوت به نجات کرده و از آنان می خواهد که جشن عروسی او بیایند. اما این فرشته پرنده را دعوت کرده تا برای تغذیه از بدنهای مرده، (و روحهای مرده) در نبرد آخر عصر جشن بگیرند (ارمیا ۱۲:۹؛ حزقیال ۳۹:۱۷). خشم خدا واقعیت داشته و جشنی را بر جنازه دشمنان خود، بصورت نمادین به تصویر می کشد (اشعیا ۳۴:۶؛ ارمیا ۱۲:۱۲؛ ۴۶:۱۰؛ ضفینیا ۱:۷).

۱۸:۱۹ **«این آیه به مکاشفه ۶:۱۵ ارجاع می گردد که در عین حال، ویژگیهای اسكاتولوژیکی است برای طبقه بندیهای انسانی که بیشتر از آنان سخن به میان آمد. وحشت از دفن نشدن بسیار تکان دهنده بود بویژه برای مردمان شرق نزدیک باستان.»**

بازگشت غرورآفرین عیسی در پایان چرخه داوری محقق خواهد گردید: مهرها در مکاشفه ۶:۱۲-۱۷؛ شیپورها در مکاشفه ۱۱:۱۵-۱۸ و پیاله ها در مکاشفه ۱۹:۱-۲۱.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۹:۱۹-۲۱

^{۱۹} **«آنگاه آن وحش را دیدم، و آن شاهان زمین را دیدم، و سپاهیان آنان را دیدم، که گرد آمده بودند تا با آن سوار و سپاه او بجنگند. اما آن وحش گرفتار شد و با او آن نبی کذاب که به نام او آیات به ظهور می آوژد و با آیات خود کسانی را فریفته بود که علامت آن وحش را پذیرفته بودند و تمثال او را می پرستیدند. آنان هر دو، زنده به دریاچه آتش و گوگرد مشتعل افکنده شدند.»** ^{۲۱} و باقی آنان به شمشیری که از دهان آن اسب سوار بیرون می آمد، کشته شدند و آن پرندگان همگی خود را از گوشت آنان بیاکنند.

۱۹:۱۹ نبرد واقعی شروع می گردد. این آیه اشاره ای است به مزامیر ۲. آیه به یک نبرد واقعی در پایان عصر نیز اشاره دارد، یا فقط نبردی نمادین میان نیک و شر است؟ سبک کتاب مکاشفه می گوید که این نبرد نمادین است؛ آیات موازی در متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱ و ۲ تسالونیکیان ۲ این برداشت را قطعی می کنند. گنگ بودن این آیات، منشا بروز اختلافات در ترجمه و تفسیر کتاب مکاشفه میان مردم با خدا بوده است. در این میان باید اکیداً از دگم بودن پرهیز کرد!

- **«علامت آن وحش را پذیرفته بودند»** (مکاشفه ۱۳:۱۶-۱۷)

- **«آنان هر دو، زنده به دریاچه آتش و گوگرد مشتعل افکنده شدند»** عبارت «دریاچه آتش» در کتاب مکاشفه کاملاً منحصر بفرد است، اما هم معنی آن واژه *Gehenna* بوده (به موضوع خاص در مکاشفه ۱۸:۱ رجوع نمایید)، که عیسی اغلب برای به تصویر کشیدن جهنم از آن بهره می برد. کنایه مشخص عهد عتیق می تواند به اشعیا ۳۰:۲۳-۳۳ و دانیال ۷:۱۱ باشد. آیات نبوتی متعددی وجود دارند که داوری را با آتش و سوختن وصل می کنند. موضوع آتشی ابدی در کتابهای شرع یهودیت تدوین گردید (Enoch 27:1ff; 54:1ff; 56:3ff; 90:26; IV Ezra 7:36; Apoc. of Baruch)

59:10; 85:13، این فهرست از کتاب Revelation نوشته George E. Ladd صفحه ۲۵۸ بر گرفته شده است). این عبارت در مکاشفه ۲۰:۱۰، ۱۴؛ ۸:۲۱ بکار برده شده است. آن مکان، فضایی بود برای شیطان و فرشتگانش، اما انسانهایی که بر علیه خداوند قیام می کنند نیز محل سکونت خود را در آن محیط خواهند یافت. آنجا آخرین محل سکونت شیطان خواهد بود. این جایی ابدی در اعماق جهنم و نتیجه طبیعی شوریدن علیه خداوند است (متی ۲۵:۴۶؛ ۱۱:۹؛ ۱۱:۱۱؛ ۷:۱۱؛ ۸:۱۷؛ ۱:۲۰، ۳).

۲۱:۱۹ مردمانی که نشان وحش را دریافت دارند (مکاشفه ۱۳:۱۶؛ ۱۴:۹، ۱۱)، آنانی که ایمانداران را تحت آزار و شکنجه قرار دهند، اکنون با کلام مسیح کشته خواهند شد (همان سرنوشتی که در انتظار وحش است، ۲ تسالونیکیان ۲:۸).

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماست و قطعیت ندارند.

۱. گروه های مختلفی را که در کتاب مکاشفه ۱۹:۱-۸ خدا را می پرستند فهرست وار بیان کرده و دلیل پرستش آنان را نیز بنویسید.

۲. مفهوم ازدواج وحش و بره از کجا گرفته شده و پیامدهای آن چه می باشد؟

۳. فرشتگان در مکاشفه ۱۹:۱۰ دلالت بر چه دارند؟

۴. اهمیت مکاشفه ۱۹:۱۱-۱۶ در ارتباط با مسیح را توضیح دهید.

۵. در مکاشفه ۱۹:۱۷-۲۱ چه نبردی تعریف گردید؟ در پایان عصر چه تعداد نبرد بوقوع خواهند پیوست؟

مکاشفه ۲۰

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
هزاران سال	شیطان هزاران سال را	شیرازه شیطان و پادشاهی	هزاران سال	پادشاهی هزار ساله
۳-۱:۲۰	محدود می‌کند ۳-۱:۲۰	شهدا ۳-۱:۲۰	۳-۱:۲۰	۳-۱:۲۰
۶-۴:۲۰	قدیسان با مسیح هزار سال پادشاهی خواهند کرد ۶-۴:۲۰	۶-۴:۲۰	۶-۴:۲۰	۶-۴:۲۰
مغلوب شدن شیطان	شورشیان شیطانی در هم می‌شکنند	شکست شیطان و آخرین نبرد	مغلوب شدن شیطان	
۱۰-۷:۲۰	۱۰-۷:۲۰	۱۰-۷:۲۰	۱۰-۷:۲۰	۱۰-۷:۲۰
داوری تاج و تخت سفید بزرگ	داوری تاج و تخت سفید بزرگ	آخرین داوری	آخرین داوری	آخرین داوری
۱۵-۱۱:۲۰	۱۵-۱۱:۲۰	۱۵-۱۱:۲۰	۱۵-۱۱:۲۰	۱۲-۱۱:۲۰ ۱۵-۱۳:۲۰

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳، تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی به مکاشفه ۱:۲۰-۱۵

- A. به لحاظ الهیاتی فصل ۲۰ باید به مکاشفه ۱۹ (دومین بازگشت) و مکاشفه ۲۱-۲۲ (پادشاهی ابدی) ارتباط داشته باشد. سوال تفسیری اینست که آیا دومین بازگشت پیش از پادشاهی هزاره عیسی است یا خیر، اگر چنین است، پس وقوع برخی رویدادها پیش از شروع این هزاره اجتناب ناپذیر است (این را باید بصورت روایت تاریخی ترجمه کرد). اما اگر مکاشفه ۲۰-۲۲ یک متن مستقلی باشد که از مکاشفه ۱۷-۱۹ به ارث رسیده باشد، چه (نوشته W. Hendriksen از کتاب *More than Conquerors*)؟ این تغییر مشابه میراثی خواهد بود که میان مهرها، شیپورها و پیاله‌ها وجود داشت، پس بنابراین ایده آلیسم در اینجا بیشتر درست به نظر می‌رسد.
- B. مکاشفه ۲۰ ده‌ها مفهوم الهیاتی را معرفی می‌کند که در دیگر بخشهای کتاب مقدس دیده نمی‌شود:
۱. قیامی دو مرحله‌ای
 ۲. پادشاهی محدود و موقت شهدا
 ۳. پادشاهی زمینی مسیحایی برای ۱۰۰۰ سال
 ۴. پادشاهی بی‌اثر مسیح (پس از هزار سال پادشاهی مسیح، با تحریک شیطان بشر دوباره شورش خواهد کرد)
 ۵. نبردی دیگر میان بی‌ایمانان پس از تاج و تخت داوری بزرگ
- C. به دلایل زیر مشکلاتی برای ترجمه وجود دارد
۱. وجوه تمایز الهیاتی در مکاشفه ۲۰

۲. ابهام در بسیاری از بخشهای کلیدی

a. شیطانی در بند، مکاشفه ۲:۲۰

b. تعداد گروه‌ها در مکاشفه ۴:۲۰

c. در قیام اول چه کسانی دخیل هستند، ۵:۲۰

d. چه کسی، کجا و چگونه در این پادشاهی با مسیح هستند، مکاشفه ۶:۲۰، "

e. اقوام" در مکاشفه ۸:۲۰ از کجا می‌آیند

f. مفهوم و مکان "شهر محبوب"، مکاشفه ۹:۲۰

g. در داوری تخت سفید در مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵ چه کسی شرکت دارد و چگونه به متی ۲۵:۳۱ ارتباط پیدا می‌کند

۳. عدم توافق گسترده میان مفسران مؤمن و خدادوست، حتی آنان که درباره نظریه هزاره اشتراک نظر دارند. نظریه یک نفر نباید بر روی واقعیت فیزیکی و قطعی بازگشت دوم مسیح که در عهد جدید بمراتب به آن اشاره شده، اثر گذارد.

۴. برخی از نظرات نویسندگانی که من به آنان اطمینان دارم به شرح زیر هستند

a. George E. Ladd در کتاب تفسیر خود بنام *Revelation* می‌گوید: "مکتب بشارت مسیحیت آمریکایی بر روی این دکترین هزاره، بدون قید و شرط تأکید می‌کنند... یک چیز واضح است؛ او (مسیح) مقید به آموزش پادشاهی زمینی موقت پیش از نظام ابدی عصر پیش رو، نیست".

b. A.T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament* می‌گوید: "این کتاب شگفت‌انگیز برای راحتی قدیسان در یک دوره آزمایشی عظیم به رشته تحریر درآمده، نه برای بوجود آمدن نزاع میان آنان" (صفحات ۴۵۷-۴۵۸).

c. Ray Summers در کتاب *Worthy is the Lamb* می‌گوید: "این فصل نیاز به توجه با روح بزرگ متواضعی، نیاز به شناخت مشکلات آن، نیاز به دوری از احساسات کور و نیاز به احترام برای تفسیر و ترجمه صادقانه دیگران دارد. قرن‌ها است که این فصل زمینه بحث و جدل میان مسیحیان بوده است" (ص. ۲۰۲).

d. Robert H. Mounce در کتاب تفسیری خود بنام *The book of Revelation, New International Commentary Series* می‌گوید: با عنایت به حجم توجه نویسندگان زیادی به ده آیه اول فصل ۲۰، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این بخش مهمترین قسمت کتاب مکاشفه می‌باشد. گرایش بسیاری از مترجمین در این نقطه، تبدیل به دفاعیاتی برای دیدگاه خاصی از هزاره شده است. بدون انکار اهمیت این آیات شگفت‌انگیز، نباید آن را فراتر از موضوعاتی ابتدایی مهمی چون بازگشت مسیح، داوری نهایی و حذف همه گناهکاران دانست. با مطالعه دقیق موضوع پادشاهی هزار ساله (مکاشفه ۱:۲۰-۱۰) تقریباً می‌توان دریافت که فقط محدود به شهدای قیام کرده بوده، و اینکه شامل هیچ نشانه‌ای دال بر پادشاهی آنان در کنار مسیح بر روی زمین در دست نمی‌باشد، و یا اینکه آنان الزاماً دنباله‌رو ظهور دوم باشند" (ص. ۳۵۱).

D. پادشاهی هزار ساله همچون موارد زیر نخواهد بود

۱. عصر مسیحایی، یا

۲. پادشاهی خدا (هم شماره ۱ و هم شماره ۲ ابدی هستند، دانیال ۷:۱۴، ۲۷؛ اشعیا ۹:۷؛ لوقا ۱:۳۳؛ ۲ پطرس ۱:۱۱؛ مکاشفه ۱۱:۱۵؛ ۵:۲۲)

E. مفهوم سعادت هزارساله در کنار مسیح ممکن است از ایده ۶۰۰۰ سال تاریخ و سپس شنبه‌ای برای استراحت از پیدایش ۱ آمده باشد. بنظر می‌رسد که این امر (دوره تاریخی پیش از ظهور پادشاهی هزاره‌ی مسیح) بخشی از نوشته‌های اولیه‌ی مسیحیان بوده است (Epistle of Barnabas 15 and II Enoch 33).

F. بوضوح این فصل باعث ابهام مکاشفه و مقاصد آسمانی قرار گرفت. بااینحال، این مقاصد چه می‌باشند: (۱) روشن شدن رؤس مطالب و رویدادها یا (۲) وارد نمودن نقطه‌نظرات روحانی به چالشهای معنوی هر عصر؟

مترجمین باید توجه داشته باشند که اولیت‌های برنامه کاری خود را بجای یوحنا در دستور کار قرار ندهند. کنجکاوی کردن، پیشدستی کردن، یا ابراز وفاداری نسبت به یک موقعیت الهیاتی یا یک معلم خاص، باعث بوجود آمد لشکری از مترجمان با گرایشات بد گردیده است. برنامه کاری/مقصود یوحنا در انتخاب او از سبک و عهد عتیق رسانده می‌شود، و نه عهد جدید و تصورات او! جدی گرفتن ادبیات زیر و رو کننده یهود، نشانه محافظه کاری نیست، بلکه راهنمایی اشتباه اشتیاق است! چرا نویسندگان امروزی سعی بر این دارند که برخی از نمادهای یوحنا را جدی و دیگران را نمادین تلقی نمایند؟ همه آنها نمادین هستند (این بمعنی درست نبودن آنها نمی‌باشد)! آنچه یوحنا از پایان عصر معرفی می‌نماید مبتنی بر ساختار عهد عتیق است. نویسندگان انجیلی، هم عهد عتیق و هم عهد جدید، یک اسکاتولوژی واحد را عیان نمی‌کنند. آنان بطور یقین حقیقت را

معرفی می‌کنند، ولی نه به شیوه منطقی، تاریخی یا سیستماتیک! اجازه دهید که حقایق اصلی روایاها را اظهار نماییم و درباره جزئیات آن دگم اندیشی نماییم.

G. این فصل برای تحمل وزن الهیاتی نسبت به جایگاه خود در چارچوب و پیام کلی کتاب ساخته شده است! این امر تأکید اصلی نویسنده نمی‌باشد! پادشاهی هزار ساله مسیح، منادی پادشاهی ابدی خدا می‌باشد. فقط مکاشفه است که این پادشاهی مسیحایی موقت را برای اشاره، انتخاب می‌کند. این کتاب در سبکی ظاهر می‌شود که بتواند حقیقت را بوسیله زبان نمادین خود انتقال دهد. شخصاً تصور می‌کنم که این پادشاهی هزار ساله نیست که مرا شگفت زده می‌کند (در زیر نور متون عهد عتیق)، بلکه موارد زیر است:

۱. داوری دو مرحله‌ای

۲. مجموع قدیسان قیام کرده و انسانهای عادی در کنار هم در یک دوره تاریخی زمینی

۳. حضور شورشیان پس از یک دوره پادشاهی طولانی مسیح

آیا پادشاهی مسیح با حضور شیطان می‌تواند در رساندن بشر به رستگاری بیهوده باشد؟ یا اینکه فقط راهی نمادین برای نشان دادن دایره گستردگی فساد بشریت است؟

H. خداوند به همه ما در خواندن مکاشفه ۱۸:۲۲-۱۹ کمک کند! همه ما تحت تأثیر گناهانمان، سن، تجربیات و معلمانمان هستیم!

منابع مفید

A. Alan Johnson, "Revelation," The Expositors Bible Commentary, vol. 12

B. George Ladd, *Revelation of John*

C. Leon Morris, "The Revelation of St. John," *Tyndale New Testament Commentaries*, vol. 20 D. Robert Mounce, "The Book of Revelation," *The New International Commentary*

D. Ray Summers, *Worthy Is the Lamb*

E. Craig Blaising and Darrell Bock, *Progressive Dispensationalism*

F. D. Brent Sandy, *Plowshares and Pruning Hooks*

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۲۰-۳

آنگاه دیدم فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید، و کلید هاویه با اوست، و زنجیری بزرگ در دست دارد. ^۲ او اژدها را، آن مار کهن را، که همانا ابلیس یا شیطان است، گرفت و در بند کشید تا هزار سال در اسارت بماند ^۳ و او را به هاویه درانداخت و در بر او قفل کرد و مهر بر آن نهاد تا قومها را دیگر نفریید تا آن هزاره سر آید. و پس از آن چندگاهی آزاد گردد.

۱:۲۰ "آنگاه دیدم فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید، و کلید هاویه با اوست" این مشابه فرشته‌ای است که کلید هاویه را در مکاشفه ۹:۱-۲، ۱۱ در دست داشت. جالب است که شیطان پایبند فرشته‌ای بی‌نام شده است.

□ "کلید هاویه" ما در کتاب مکاشفه دو "کلید" دیده ایم. عیسی کلید مرگ و جهان مردگان را در مکاشفه ۱:۱۸، و فرشته‌ای بی‌نام کلید هاویه را در مکاشفه ۹:۱ در اختیار دارند. واژه "کلید" استعاره‌ای است برای نشان دادن "میزان اختیارات بر چیزی".

واژه "هاویه" (در نسخه انگلیسی "اعماق" نوشته شده) از لغت یونانی معادل "اعماق یا ژرفا" گرفته شده است (بمعنی گودالی بی‌انتها) و در مکاشفه ۹:۱ مورد بحث قرار گرفته است. بنظر می‌رسد که این مکان زندان ارواح خبیث بوده باشد. با اینحال، نمی‌توان آن را ترجمه قطعی محسوب کرد زیرا که پولس در رومیان ۷:۱۰ از آن استفاده کرده بود. می‌تواند هم معنی با "دوزخ" بعنوان زندان برای همه ارواح شریر و خبیث تلقی گردد (لوقا ۸:۳۱؛ یهوذا ۱:۶؛ ۲ پطرس ۲:۴). در یهودیت ربیانی قرون دوم و سوم این مکان را بخشی از جهنم می‌دانستند.

۲:۲۰ "اژدها را، آن مار کهن را، که همانا ابلیس یا شیطان است" این سه عنوان برای یک ابلیس، که در مکاشفه ۹:۱۲ مورد بحث قرار گرفت، بمنظور تأکید بر این نکته هستند که چه کسی در اسارت می‌ماند، و یا چه کسانی در آینده به دریاچه آتش افکنده خواهند شد (مکاشفه ۲۰:۱۰). این امر، شروع را (پیدایش ۳) با پایان (مکاشفه ۲۰-۲۲) پیوند می‌دهد.

واژه "اژدها" می‌تواند به معنی یکی از موارد زیر داشته باشد

۱. همتراز با "مار". در عهد عتیق واژه عبری *tannin* اشاره به هر یک از موارد زیر داشت

a. مار خشکی (خروج ۷:۹، ۱۰، ۱۲؛ تثنیه ۳۲:۳۳؛ و احتمالاً مزمور ۹۱:۱۳)

b. مار دریای (پیدایش ۱: ۲۱؛ مزمور ۱۴۸: ۷)

۲. همتراز با هیولای دریایی افسانه‌ای، لایوان (ایوب ۷: ۱۲؛ مزمور ۱۳: ۷۴-۱۴؛ اشعیا ۲۷: ۱)، که برای تعریف یکی از مخلوقات خداوند بکار برده می‌شد (ایوب ۴۱؛ مزمور ۱۰۴: ۲۴-۲۶، یا بعنوان نمادی برای شیطان (همچون رهب، اشعیا ۵۱: ۹).

۳. استفاده نمادین درباره رهبران دشمنان اسرائیل

a. مصر (مزمور ۸۷: ۴؛ رهب؛ حزقیال ۲۹: ۳)

b. بابل (ارمیا ۵۱: ۳۴)

۴. در افسانه‌های بین‌النهرین از آن بعنوان هیولای ویرانگر نام برده شده است (مقدمه‌ای بر مکاشفه، ۱۲ B و بویژه در مکاشفه ۱۲: ۳)

نسخه King James کتاب مقدس هر دو عبارت انگلیسی *tannin* و *tannim* بکار برده است (زوزه‌کشان یا شغالان، ایوب ۳۰: ۲۹؛ مزمور ۱۹: ۴۴؛ اشعیا ۱۳: ۲۲؛ ۱۳: ۳۴؛ ۱۳: ۳۵؛ ۷: ۴۳؛ ۲۰: ۴۳؛ ۱۱: ۹؛ ۱۰: ۲۲؛ ۳۳: ۴۹؛ ۳۷: ۵۱؛ حزقیال ۲۹: ۳ و میکاه ۱: ۸) بعنوان "ازدها، اما این دو واژه با یکدیگر ارتباط ندارند. واژه بکار برده شده در واقع جمع کلمه برنز می‌باشد.

□ "هزار سال در اسارت بماند" بشر همواره احساس می‌کرده که محکومیت ناشی از انتخاب آدم و حوا منصفانه نبوده است. می‌توان اینگونه گفت که کنار رفتن موقت وسوسه و ابلیس منجر به بوجود آمدن موقعیتی الهیاتی شبیه باغ عدن گشته است. نه فقط بشر می‌تواند از شر وسوسه شیطان خلاصی یابد، بلکه می‌تواند از حضور مسیح جلال یافته نیز برای مدت طولانی بهره ببرد. تراژدی این داستان اینست که بشر باز هم در برابر پادشاهی خدا بواسطه مسیح، شورش خواهد کرد (مکاشفه ۷: ۲۰-۹)! مفهوم دو عصر یهود، راهی بود برای بتصویر کشیدن تضاد میان نیک و شر (دوالیسم محدود). یهودیان این تضاد را بصورت رفع مشکل طی یک نبرد در پایان عصر متصور بودند (مزامیر ۲). یوحنا از این تصور برای کمک به مسیحیان ستمدیده دوران خود و دورانهای آینده بهره جست. در کتابی چنین نمادین، و مکاشفه‌ای چنین محصور شده و تکرار نشدنی در طول ۱۰۰۰ سال پادشاهی، چرا کسی باید بخواهد آن را بمعنی واقعی کلمه ترجمه کند؟ پاسخ به این پرسش در گرو پیش‌فرضهای مترجم است و نه تفسیر ادبی متون مذهبی. موضوع باور کردن انجیل نیست؛ بحث ترجمه درست و شایسته ادبیات زیر و رو کننده بکار برده شده در آن است. اشتیاق ایمانداران برای اطلاعات بیشتر درباره پایان عصر، آنان را بسوی (۱) تبدیل این کتاب به معرفی رویدادهای سلسله‌وار تاریخی درباره آمدن دوم عیسی و (۲) تطابق دادن جزئیات آن با تاریخ، فرهنگ و چارچوب تاریخی خود نموده است. چنانچه این نکته را به مفهوم واقعی کلمه در نظر بگیریم، پس باید گفت فقط مسیحیانی در کنار مسیح پادشاهی خواهند کرد که در طول این دوران زندگی کرده و از دنیا رفتند (مکاشفه ۲۰: ۴-۵)!

۳: ۲۰ "و او را به هاویه در انداخت و در بر او قفل کرد و مهر بر آن نهاد" این پنج فعل مرتبط هستند با آنچه که بواسطه یک فرشته بی‌نام، در اسارت شیطان قرار گرفته‌اند: (۱) "او را نگه داشت"؛ (۲) "او را به اسارت گرفت"؛ (۳) "او را در بند نهاد"؛ (۴) "بست"؛ و (۵) "مهر بر آن نهاد". همه اینها ضمائر اخباری مجهول آنوریستی می‌باشند. این آیه از حذف دائمی تأثیر شیطان سخن می‌گوید. می‌تواند کنایه‌ای به اشعیا ۲۴: ۲۲ باشد.

□ "تا قومها را دیگر نفریید" فریب دادن همیشه نیت ابلیس و مأموران او بوده است (مکاشفه ۱۲: ۹؛ ۱۳: ۱۱-۱۴؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱۹: ۱۹؛ ۲۰: ۸). بدلیل اینکه او می‌دانست که زمان کوتاهی در اختیار دارد (مکاشفه ۱۲: ۱۲)، لذا سعی بر این داشت تا با رهبری هر چه بیشتر مخلوقهای مورد علاقه خداوند، از زن و مرد، همه را از او دور کرده و بسوی تمرد و بی‌ایمانی سوق دهد. همچنین همانگونه که در وسوسه عیسی در متی ۴: ۹ و ۱۳: ۴ می‌توان مشاهده کرد، او علاقه وافری به مورد پرستش واقع شدن دارد.

سوالی که در این مورد بوجود می‌آید اینست که، "قومها" اشاره به چه افرادی دارد؟ اقوام بی‌ایمان که پیش از این در مکاشفه ۲: ۱۷، ۱۸: ۳ و ۱۹: ۱۸ از بین رفتند. برخی مفسرین معتقدند که اشاره به اقوام مشابه دارد، اما به باقیمانده آنان و نه سپاه شکست خورده آنها. دیگر مفسران می‌گویند که اینها قومهای متفاوتی بودند که درگیر نظریه‌های ضد خدا و ضد مسیح نبودند. نماد این "قومها" بسیار دشوار است (به یادداشت مکاشفه ۲: ۲۶ و ۱۱: ۱۰ رجوع نمایید) زیرا آنان دوباره در مکاشفه ۲: ۲۲ دیده شدند، حتی پس از نابودی شیطان و تمامی بی‌ایمانان.

این امکان وجود دارد که مکاشفه ۱۹: ۱۱-۲۱ (مکاشفه ۱۷-۱۹) باز هم در مکاشفه ۲۰: ۱-۱۰ تکرار و ادامه یابد (مکاشفه ۲۰-۲۲). این می‌تواند پاسخ سوال در مورد حضور "قومها" پس از تکمیل شدن و داوری نهایی در فصل ۱۹ باشد. "قومها" معمولاً اشاره به مردمان بی‌خدا و گناهکار دارد (به یادداشت مکاشفه ۲: ۲۶ و ۱۱: ۱۰ و مقاله "A Re-examination of the Millennium in Rev. 20:1-6: Consummation and Recapitulation" نوشته Dave Mathewson از انتشارات JETS, Vol. 44#2, چاپ ژوئن ۲۰۰۱، صفحات ۲۳۷-۲۵۱ رجوع نمایید). آنچه شیطان در مکاشفه ۲۰: ۱-۱۰ بدست می‌آورد را می‌توان در قیاس با لوقا ۱۰: ۱۷-۲۰ دانست (اخراج شیطان از بهشت): متی ۱۲: ۲۶-۲۹ (پادشاهی شیطان بوسیله عیسی شکست می‌خورد)؛ کولسیان ۲: ۱۰، ۵ (مقامات و حاکمان خلع سلاح شده). مکاشفه ۲۰: ۱-۱۰ به پیروزی عیسی در بازگشت اول پرداخته و نتیجه آن تا آمدن دوم او یا برجا باقی می‌ماند (amillennialism).

چنانچه این تداوم داستان حقیقت داشته باشد، پس نشان می‌دهد که یوحنا چگونه متأثر از یک نبرد در پایان عصر در حزقیال ۳۸-۳۹ (و همچنین مزامیر ۲) گردیده است. یوحنا این تقابل عهد عتیق با قومهای بی‌خدا در آسیای صغیر را برداشته و آن را با نبردی نمادین میان قوم خدا و قوم تحت تأثیر شیطان و بی‌ایمان، بعد جهانی داده است.

□ **"تا آن هزاره سر آید. و پس از آن چندگاهی آزاد گردد"** بحثهای بسیار زیادی درباره اینکه چرا شیطان "باید" (*dei*) مدتی آزاد باشد، در جریان بوده است. برخی آن را نشان از عدالت خدا درباره محکومیت انسانهای سرکش می‌دانند؛ برخی دیگر معتقدند که احتمالاً فرصت دیگری است برای احیا، آنگونه که در مکاشفه ۲۹: ۲۰-۲۱؛ ۱۴: ۶-۷؛ ۱۶: ۹-۱۱ از آن سخن به میان آمده است.

همچنین ممکن است اسارت شیطان همچون شکست نهایی ابلیس با توجه به تصورات یهودیان از کتاب I Enoch 10:4-6, 11-13 بصورت نمادین نشأت گرفته باشد، در جاییکه عُزئیل (در صحرای شیطانی در لاویان ۱۶: ۸، ۱۰، ۲۶) توسط فرشته‌ای زندانی شده تا نتواند مردم را به گمراهی بکشاند. این به زندان کشیدن، راهی بود برای نگه داشتن فرشتگان شریر تا زمان روز داوری در اشعیا ۲۴: ۲۱-۲۲؛ ۲ پطرس ۲: ۴ و یهوذا ۱: ۶. این امکان وجود دارد که آزادی او منجر به شروع تقابل میان خدا، مسیح، روح و پیروان آنها در برابر شیطان، وحش دریا، وحش خشکی و پیروان آنها شده باشد. آفرینش توسط ابلیس حذف خواهد گردید. تاریخ صحنه نبرد خواهد شد، تاریخ تبدیل به صحنه تقابل نهایی خواهد گردید. مایه اصلی عهد عتیق از مزامیر ۲ و حزقیال ۳۸-۳۹ گرفته شده است. نظیر همین داوری نهایی در مکاشفه ۱۹: ۱۹-۲۱ دیده می‌شود. اگر چنین چیزی حقیقت داشته باشد، پس مکاشفه ۱۷-۱۹ و ۲۰ به موازات با دوره مشابه از اولین آمدن مسیح تا دومین ظهور او بوده و آن را پوشش می‌دهد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۴:۲۰-۶

و تختهایی دیدم که بر آنها کسانی نشسته بودند که حق داوری به آنان سپرده شده بود. و نفوس کسانی را دیدم که سرهاشان در راه شهادت در حق عیسی مسیح و در حق کلام خدا از تن جدا شده بود. اینان نه به پرستش آن وحش و تمثال او تن داده بودند و نه علامت او را بر پیشانی و بر دست خود پذیرفته بودند. اینان دوباره زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.^۵ این رستاخیز اول است. و مردگان دیگر زنده نشدند تا آن هزاره سر آید. ^۶خجسته بمانند و مقدس همه آنان که در رستاخیز اول شرکت دارند. مرگ دوم بر آنان هیچ قدرت ندارد بلکه در سلک کاهنان خدا و مسیح خواهند ماند و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

۴:۲۰ "تختهایی دیدم" این بخش اشاره‌ای است به دانیال ۷: ۹. در کتاب مکاشفه به تعداد زیادی تخت اشاره شده است: ۱) تخت خدا (مکاشفه ۵: ۱، ۱۷؛ ۱۶: ۶؛ ۷: ۱۰، ۱۵؛ ۱۹: ۴؛ ۲۱: ۵)؛ ۲) تخت شیطان (مکاشفه ۲: ۱۳)؛ ۳) تخت وحش (مکاشفه ۲: ۱۳؛ ۱۰: ۱۶). این تخت، استعاره‌ای است برای نشان دادن اختیارات و قدرت.

□ **"بر آنها کسانی نشسته بودند"** این بخش اشاره به دانیال ۷: ۲۲ دارد. سوال اینست: "آنها" اشاره به چه کسی دارد؟ در کتاب دانیال می‌توان حدس زد که اشاره به میزبانان آسمانی یا قدیسان دارد. میان مفسران بحث‌های زیادی درباره تعداد گروه‌های ذکر شده در آیه در جریان بوده است.

۱. برخی معتقدند آنها سه گروه بوده‌اند (کسانی که بر تخت بوده‌اند، شهدای مسیحی، و دیگر مسیحیانی که وحش را نپرستیدند)
۲. برخی معتقدند آنها دو گروه بوده‌اند
۳. برخی معتقدند آنها یک گروه بوده‌اند

اگر گزینه سوم را در نظر بگیریم، می‌توان گفت که اشاره به شهدای مسیحی دارد. با اینحال، هیچ رویداد هم‌زمانی با پادشاهی محدود شهدا موجود نیست. کتاب مقدس وعده پادشاهی تمام قدیسان را می‌دهد (مکاشفه ۳: ۲۱؛ ۵: ۵؛ ۲۲: ۵؛ متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۹-۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۲). به موضوع خاص در مکاشفه ۵: ۱۰ رجوع نمایید.

برخی دیگر از مفسران مبنای دیدگاه خود را بر پایه دو گروه که بعداً در قسمتی از مکاشفه ۴: ۲۰ به آن اشاره خواهد شد، پایه‌گذاری کرده‌اند؛ "اینان نه به پرستش آن وحش و تمثال او تن داده بودند...". این مفسران معتقدند که اینان دومین گروه از مسیحیان هستند، تمام ایماندارانی که بر اثر مرگ طبیعی از دنیا رفتند اما از پرستش وحش امتناع کردند. در روشنایی دومین بازگشت مسیح در مکاشفه ۱۹ و تخت سفید داوری بزرگ در مکاشفه ۲۰: ۱۱، لذا می‌توان گفت که بهترین برداشت می‌باشد. اگر این تفسیر درست باشد، پس تخت سفید داوری بزرگ در آیه ۱۱ فقط اشاره به گمشدگان داشته و مستقیماً به موازات آیه ۳: ۲۵ نمی‌باشد.

"حق داوری به آنان داده شده بود"	NASB
"حق داوری به آنان سپرده شده بود"	NKJV
"اختیار داوری داده شد"	NRSV
"قدرت داوری داده شد"	TEV
"قدرت برای داوری کردن عطا شد"	NJB

این عبارت یونانی می‌تواند اشاره داشته باشد به (۱) پادشاهی کردن با مسیح (مکاشفه ۲: ۲۶-۲۷؛ ۱ قرن‌تبیان ۶: ۲، به موضوع خاص در مکاشفه ۵: ۱۰ مراجعه نمایید) و یا (۲) مورد داوری واقع شدن (مکاشفه ۹: ۶-۱۱؛ دانیال ۷: ۲۲).

□ "نفوس کسانی را دیدم که سرهاشان ... از تن جدا شده بود" برخی معتقدند که اینان روح‌های از بدن جدا شده باشند (مکاشفه ۹: ۶). واژه "از تن جدا شده" اشاره به تبر دو سری دارد که برای مجازات‌های محلی توسط رومیان مورد استفاده قرار می‌گرفت (رومیان ۱۳: ۴ و از کتاب *Antiquities of the Jews* نوشته Josephus، ۹: ۱۴). اشاره آن به شهدای مسیحی است.

□ "اینان نه به پرستش آن وحش و تمثال او تن داده بودند" اگر عبارات بالا اشاره به شهدا داشته باشند، پس این بخش از آیه اشاره به آنانی دارد که در این دوره زمانی مردند (مکاشفه ۱۳: ۱۵). حال اگر این آیه تصویری از حد فاصل دو زمان بازگشت مسیح باشد، پس اشاره به تمام ایمانداران دارد. اگر فقط مربوط به پایان عصر باشد، پس فقط اشاره به همان نسل دارد.

□ "نه علامت او را بر پیشانی و بر دست خود پذیرفته بودند" به تفسیر مکاشفه ۱۳: ۱۶-۱۷ مراجعه شود. علامت هم‌تراز با "نه به پرستش آن وحش و تمثال او تن داده بودند" می‌باشد.

□ "اینان دوباره زنده شدند" این واژه (*zōē*) اغلب اشاره به رستاخیز فیزیکی دارد (متی ۹: ۱۸؛ یوحنا ۴: ۲۵؛ اعمال رسولان ۱: ۳، ۹-۱۱؛ رومیان ۱۴: ۹؛ مکاشفه ۱: ۱۸؛ ۲: ۸؛ ۱۳: ۱۴). مفسران نمی‌توانند کاربرد یک واژه را در مکاشفه ۴: ۲۰ بصورت رستاخیز روحانی ترجمه نمایند و در همان حال، برای مکاشفه ۵: ۲۰ همان واژه را جنبه فیزیکی به آن داده و آن را رستاخیز فیزیکی تفسیر نمایند. آیا شهدایی که با مسیح پادشاهی می‌کنند با کالبد قیام می‌کنند یا دارای کالبد فیزیکی فاسد شدنی هستند؟ در اینصورت پس "قومها" چه می‌شوند؟

□ "و با مسیح هزار سال سلطنت کردند" به مفهوم پادشاهی کردن عیسی در مکاشفه ۱۲: ۵؛ ۱۹: ۵ ذکر شده و بنظر می‌رسد که در مزمور ۲: ۸-۹ نیز کنایه‌ای به آن شده باشد؛ قدیسانی که با در کنار پادشاهی مسیح خواهند بود در متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۲؛ مکاشفه ۳: ۲۱؛ ۵: ۱۰؛ ۲۰: ۴، ۶ و ۲۲: ۵ ذکر شده است. آیا این پادشاهی هزار ساله است یا ابدی (دانیال ۷: ۱۴، ۱۸، ۲۷ و مکاشفه ۵: ۲۲)؟ آیا این پادشاهی زمینی (مکاشفه ۵: ۱۰) در یک مفهوم فلسطینی یا یک مفهوم جهانی است؟ به موضوع خاص درباره سلطنت در پادشاهی خدا در مکاشفه ۵: ۱۰ مراجعه شود. همینطور به جدول تفاوت دیدگاه‌های پادشاهی هزار ساله در ضمیمه شماره ۵ توجه نمایید.

چنانچه ۱۰۰۰ سال را نمادی برای طول عمر کلیسا در نظر بگیریم (تجسم ظهور مسیح)، پس این ۱۰۰۰ سال اشاره به ابدیت دارد (۱۰x۱۰x۱۰- حالت صفت برترین عبری این عدد برای تکمیل شدن).

با اینحال، این سناریو خیلی خوب در مکاشفه ۲۰: ۵-۶ نمی‌گنجد. این مثال خوبی است برای اینکه بدانیم چگونه برداشت یک مترجم می‌تواند پاسخی برای سایر متون نیز باشد، البته نه همه متون. اینگونه مضامین متفاوت در ترجمه در حالی گسترش پیدا کرد که مترجمان بر روی متنهای مختلف تأکید کرده، و برای انتخاب متنهای "کلیدی" کل عهد جدید را مطالعه می‌نمودند. در این مقطع هم سلاست، هم ابهام و هم معما بوجود می‌آید. اجازه دهید مشکل را با منحصر بفردی متن و دگم‌اندیشی مخلوط نکنیم!

□ ۲۰: ۵ ترجمه‌های NRSV و TEV این آیه را در یک پراتز قرار می‌دهند. آن کسی در رستاخیز اول نقش داشت، در داوری کلی مکاشفه ۲۰: ۱۱ نیز تصمیم‌گیری خواهد نمود. گزینه‌هایی که برای "مردگان دیگر" مطرح هستند، بشرح زیر می‌باشند:

۱. گم شده (مکاشفه ۲۰: ۶؛ دانیال ۱۲: ۲)

۲. مسیحیان از دوران گذشته (مکاشفه ۲۰: ۶؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۲)

۳. مسیحیان از دوران معاصر، اما آنان که بر اثر مرگ طبیعی از دنیا رفتند (مکاشفه ۲۰: ۴)

□ "رستاخیز اول" در طول عهد جدید تأکیدی بر روی قیام از مردگان بوده است (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ لوقا ۱۴: ۱۴؛ اعمال رسولان ۲۴: ۱۵؛ ۱ قرن‌تبیان ۱۵: ۵۲؛ فیلیپیان ۳: ۳؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰). با اینحال هیچ موازاتی برای دو قیام در انجیل، برای ایمانداران وجود ندارد، مگر اینکه آن را کنایه‌ای به دو رستاخیز کتاب دانیال ۱۲: ۲ بدانیم (گمشده و نجات یافته)، هرچند George Ladd یوحنا ۵: ۲۹ و ۱ قرن‌تبیان ۱۵: ۲۴-۲۵ را بعنوان یک موازات محتمل می‌داند. تمام نظامهای الهیاتی، حتی آنان که ایمان به یک‌هزار سال پادشاهی را قطعی می‌دانند، مشکلات بزرگی در ترجمه برای تفکیک این دو قیام دارند. آیا مسیحیان از خود بی‌خود (تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸؛ مکاشفه ۴: ۱۱ یا ۱۲: ۱۱) یا ایمانداران عهد عتیق در این پادشاهی هزار ساله نقش دارند؟ آیا شهدای عهد عتیق نیز شامل حال آن خواهند شد، یا فقط آنانی که در طول عصر در محنت و رنج به شهادت رسیدند مشمول خواهند گردید؟

□ "آنان ... در سلک کاهنان خدا و مسیح خواهند ماند" این بخش اشاره‌ای است به خروج ۱۹: ۵-۶. این اصطلاح اشاره به اسرائیل بعنوان ابزار خداوند برای مکاشفه و احیای غیر یهودیان داشته، تا همه کلیساها را در طول عهد جدید شامل حال خود نماید (۱ پطرس ۲: ۵، ۹ و مکاشفه ۱: ۶؛

۵: ۱۰). در نامه به کلیسای فیلادلفیه، اشاره‌ای شد به قدیسان که با معبدی در ارتباط بودند (مکاشفه ۳: ۱۲). آن استعاره از خدمتگذاران خدا از جانب این دنیا تغییر کرده به همنشینی نزدیک با خدا.

۶: ۲۰ این آیه به مشکلاتی که در ترجمه وجود دارد، اضافه می‌شود. به چه دلیل هر ایمان‌داری باید با مرگ دوم موضوعیت داشته باشد، در حالیکه استعاره‌ای برای جهنم می‌باشد (مکاشفه ۶: ۲۰)؟ آیا فقط کاهنان از نظر خداوند شهید محسوب می‌شوند و بقیه قدیس هستند (مکاشفه ۱: ۶؛ ۵: ۱۰؛ ۲ پطرس ۲، ۵، ۹)؟ چرا فقط شهدای قرن اول پادشاهی خواهند کرد یا شهدای عهد عتیق نیز شامل خواند شد، آیا شهدا در هر عصری شامل این پادشاهی می‌شوند یا همه مسیحیانی که وفادار مانده‌اند نیز مشمول آن خواهند بود؟

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۷: ۲۰-۱۰

پس از پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. او بیرون خواهد رفت تا قومهای جهان یعنی جوج و ماجوج را فریب داده، برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه‌های ساحل دریا بی‌شمار خواهد بود. ایشان در دشت وسیعی، خلق خدا و شهر محبوب اورشلیم را از هر سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد بارید و همه را خواهد سوزاند.

سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می‌سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می‌کشند.

۷: ۲۰ "شیطان از زندان آزاد خواهد شد" پیشزمینه این متن، حزقیال ۳۶-۳۹ است. در این کتاب، قوم خدا در یک دوره اسکاتولوژیک در امنیت بسر می‌برند (یهودا یا اورشلیم یا سرزمین موعود)، اما هنوز زیر حملات اقوام شریر هستند (جوج و ماجوج). در یهودیت ربیانی این دو دشمن برای تعریف همه دشمنان مسیح و قوم خدا مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در اصل، جوج مردی بود از سرزمین ماجوج، اما در این فصل، واژگان در دشمنان دوقلو شخصیت‌پردازی شده‌اند. یوحنا همیشه کنایات عهد عتیق خود را برای خوانندگان قرن اول خود، دوباره نویسی می‌کرد.

۸: ۲۰ "او بیرون خواهد رفت تا قومهای جهان یعنی جوج و ماجوج را فریب داده" گفت انگیز است که بشر چگونه می‌تواند پس از پادشاهی هزار ساله مسیح، بسمت مشرکین و سرکشان هدایت شود! آیا این اقوام "بی‌ایمانان" بودند یا "نو کیشان"؟ آیا حضور مسیح و پادشاهی او قادر به تغییر همیشگی جامعه بشری نخواهد بود؟

□ "جوج و ماجوج" این کنایه‌ای است به تداوم سرکشی اقوام بی‌ایمان. پس از جایگیری قوم بنی اسرائیل در سرزمین موعود (حزقیال ۳۷)، و طبق کار خدا (حزقیال ۳۶)، او کماکان با اقوامی که دوباره مورد حمله‌اش قرار خواهند داد، دچار مشکل است ("جوج در سرزمین ماجوج، شاهزاده راش، ماشک و توبال" در حزقیال ۲: ۳۸). اینها اسامی رهبران یا اسامی محلهایی هستند که سپاهیان دشمن مورد حمله قرار دادند؛ حزقیال ۵: ۳۸-۶ آن را تبدیل به یک دشمن جهانی می‌کند. فصلهای ۳۸-۳۹ از کتاب حزقیال دارای مشخصات پایان عصر است (حزقیال ۸: ۳۸، ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۸؛ ۱۱: ۳۹). این فصلها سرمنشأ بسیاری از کنایات عهد عتیقی یوحنا بوده است. اوضاع پیش از اینکه بهتر شوند (اورشلیم جدید) بدتر خواهد شد (دردهای تولد عصر جدید). توجه داشته باشید که چگونه یوحنا متون عهد عتیق را برداشت کرده و در نور فرهنگ رومی/یونانی قرن اول آنها را بازسازی می‌کند. برخلاف روم؛ جوج، ماجوج و بابل دشمنان بین‌النهرین یا ترکیه نیستند.

□ "اقوامی که در چهار گوشه زمین هستند" (در نسخه فارسی فقط "قومهای جهان" نوشته شده است) روشن است که این فریب جهانی بوده است (مکاشفه ۷: ۱). عدد "چهار" نمادی برای نشان دادن کل جهان می‌باشد.

□ "همچون ماسه‌های ساحل دریا" این عبارت در اصل برای نوادگان ابراهیم بکار برده می‌شد (پیدایش ۱۵: ۵؛ ۱۷: ۲۲؛ ۱۲: ۳۲ و عبرانیان ۱۱: ۱۲). می‌تواند مثالی از ابلیس باشد که از تعریف قوم خدا تقلید می‌کند. با اینحال، بدلیل قسمت اول عبارت در مکاشفه ۹: ۲۰، می‌تواند فقط تشبیه دیگری از سپاهی بسیار بزرگ باشد.

۹: ۲۰ آیا این آیه اشاره به نبردی واقعی در قالب سپاهی که بسوی شهر فلسطینی اورشلیم در حرکت است، در زمینهای مگیدو دارد؟ کنایات زیادی به این سناریو در عهد عتیق وجود دارد (مزامیر ۲؛ حزقیال ۳۸-۳۹؛ دانیال ۹: ۲۴-۲۷؛ زکریا ۱۳-۱۴). با اینحال، اورشلیم کیلومترها با مگیدو فاصله دارد. در کتاب مکاشفه "شهر" معمولاً اشاره به ۱) جامعه سازمان یافته و در حال کارکرد بدور از خدا بوده که بشکل بابل نمود پیدا می‌کند، و یا ۲) به لحاظ تاریخی اشاره به روم در دوران یوحنا دارد (مکاشفه ۱۴: ۸؛ ۱۶: ۱۹؛ ۱۷: ۱۸؛ ۱۸: ۲؛ ۱۰، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱). با اینحال، شهر اورشلیم اشاره به مکاشفه ۸: ۱۱ و اینجا دارد.

نویسندگان عهد جدید در کل، و یوحنا بطور اخص، رویاهای عهد عتیق را شکل جهانی داده و آنان را به تمام بشریت اعمال می‌نمایند. مشکل اینجاست که کتاب مکاشفه حکایت یهودیان در برابر غیریهودیان نیست، بلکه ایماندار است در برابر بی‌ایمان. این امر شبیه نبردی است که در آیات ۱۵:۶-۱۶:۱۱؛ ۱۸:۱۶؛ ۱۹:۱۶، ۱۴، ۱۶؛ ۱۹:۱۹ (همسانی).

□ "اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد بارید و همه را خواهد سوزاند" این کنایه‌ای است به حزقیال ۲۲:۳۸ و ۳۹:۶. پیروزی از آن خداست!

۲۰:۲۰ "سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد" این جایی است که وحش و پیامبر دروغین در مکاشفه ۱۹:۲۰ در بند بودند. مرگ و جهنم در مکاشفه ۱۴:۲۰ به بند کشیده خواهند شد و تمام آنان که به مسیح ایمان نیاورده‌اند در مکاشفه ۱۵:۲۰ به زانو در خواهند آمد. این واژه هم معنی *Gehenna* (جهنم) بوده و معرف جدایی ابدی از جلوس با خدا و مسیح او می‌باشد (مرقس ۹:۴۳، ۴۸).

□ "شبانه روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می‌کشند" این قسمت بسیار شبیه مکاشفه ۱۴:۱۰-۱۱ و ۱۹:۵ می‌باشد. مفهوم جدایی دائمی کنایه‌ای است به متی ۴۶:۲۵، در جاییکه واژه مشابهی که برای بهشت بکار برده شده (*aiōnios*)، برای جهنم بکار رفته است.

اکثر داوریهایی خداوند بر پایه مقاصد اصلاح کننده می‌باشند؛ این حقیقت عهد عتیق و جدید می‌باشد. هیچ ویژگی اصلاح کننده‌ای برای جهنم وجود ندارد. این مکان وعده خداوند را برای بازگرداندن عدالت و حقانیت به سرانجام می‌رساند. جهنم مکانی است برای دور نگاهداشتن آفرینش نیک خداوند از اشرار. همانقدر که جهنم برای بشریت دهشتناک می‌باشد، برای خداوند نیز بدتر است. خداوند با اجازه انتخاب دادن با والاترین مخلوق خود، بشریت (یکی از جنبه‌های تجسم خداوند در انسان)، می‌دانست که درصد قابل توجهی راه خودمحوری و گناه را بر خواهند گزید. جهنم زخم سر بازی بر روی قلب خداوند است که هرگز ترمیم نخواهد شد. جهنم رازی دردناک از تضاد عشق ابدی و عدالت خداوند است!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵

۱۱ آنگاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند. ^{۱۲}سپس مرده‌ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده‌اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر حیات رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته‌های این دفترها محاکمه شدند. ^{۱۳}بنا بر این، دریا و زمین و قبرها، مرده‌هایی را که در خود داشتند، تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. ^{۱۴}آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد. اینست مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. ^{۱۵}هر که نامش در دفتر حیات نبود، به دریاچه آتش افکنده شد.

۱۱:۲۰ " آنگاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم" این کنایه‌ای است به دانیال ۷:۹. بنظر می‌رسد تخت بزرگ بموازات متی ۲۵:۳۱-۴۶ باشد، اما اگر این فقط داوری گمشدگان تلقی گردد، نمی‌توان آن را به موازات متی ۲۵ دانست، زیرا در آنجا گوسفند (نجات یافته) و بزها (گمشده) در کنار یکدیگر مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

□ "بر آن تخت کسی نشسته بود" این کنایه‌ای است به دانیال ۷:۹. در عهد جدید خداوند عیسی را به داوری گمارده است (یوحنا ۵:۲۲، ۲۷؛ ۳۹:۹؛ اعمال رسولان ۱۰:۴۲؛ ۱۷:۳۱؛ ۲۱:۱۷؛ ۲۲:۱۷؛ ۲۳:۱۷؛ ۲۴:۱۷؛ ۲۵:۱۷؛ ۲۶:۱۷؛ ۲۷:۱۷؛ ۲۸:۱۷؛ ۲۹:۱۷؛ ۳۰:۱۷؛ ۳۱:۱۷؛ ۳۲:۱۷؛ ۳۳:۱۷؛ ۳۴:۱۷؛ ۳۵:۱۷؛ ۳۶:۱۷؛ ۳۷:۱۷؛ ۳۸:۱۷؛ ۳۹:۱۷؛ ۴۰:۱۷؛ ۴۱:۱۷؛ ۴۲:۱۷؛ ۴۳:۱۷؛ ۴۴:۱۷؛ ۴۵:۱۷؛ ۴۶:۱۷؛ ۴۷:۱۷؛ ۴۸:۱۷؛ ۴۹:۱۷؛ ۵۰:۱۷؛ ۵۱:۱۷؛ ۵۲:۱۷؛ ۵۳:۱۷؛ ۵۴:۱۷؛ ۵۵:۱۷؛ ۵۶:۱۷؛ ۵۷:۱۷؛ ۵۸:۱۷؛ ۵۹:۱۷؛ ۶۰:۱۷؛ ۶۱:۱۷؛ ۶۲:۱۷؛ ۶۳:۱۷؛ ۶۴:۱۷؛ ۶۵:۱۷؛ ۶۶:۱۷؛ ۶۷:۱۷؛ ۶۸:۱۷؛ ۶۹:۱۷؛ ۷۰:۱۷؛ ۷۱:۱۷؛ ۷۲:۱۷؛ ۷۳:۱۷؛ ۷۴:۱۷؛ ۷۵:۱۷؛ ۷۶:۱۷؛ ۷۷:۱۷؛ ۷۸:۱۷؛ ۷۹:۱۷؛ ۸۰:۱۷؛ ۸۱:۱۷؛ ۸۲:۱۷؛ ۸۳:۱۷؛ ۸۴:۱۷؛ ۸۵:۱۷؛ ۸۶:۱۷؛ ۸۷:۱۷؛ ۸۸:۱۷؛ ۸۹:۱۷؛ ۹۰:۱۷؛ ۹۱:۱۷؛ ۹۲:۱۷؛ ۹۳:۱۷؛ ۹۴:۱۷؛ ۹۵:۱۷؛ ۹۶:۱۷؛ ۹۷:۱۷؛ ۹۸:۱۷؛ ۹۹:۱۷؛ ۱۰۰:۱۷).
□ "که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند" برخی به این بخش از آیه بعنوان برداشتن نفرینی که بر روی آفرینش فیزیکی خداوند پس از قیام و سقوط آدم و حوا روی داد، می‌نگرند (پیدایش ۳:۱۷-۱۹ و رومیان ۸:۱۹-۲۲). دیگران این آیه را استعاره‌ای برای کامل شدن مرحله نابودی آفرینش فیزیکی فعلی، آنگونه که در ۲ پطرس ۳:۱۰، ۱۲ تعریف شده، می‌دانند (اعمال رسولان ۳:۲۱؛ رومیان ۸:۲۱).
این زبان عهد عتیق است که حکایت می‌کند از: (۱) بازگشت خداوند به آنچه که آفریده، (مزمور ۱۱۴:۳-۶؛ اشعیا ۱۳:۱۰؛ ۲۴:۱۹-۲۰، ۲۳؛ یوئیل ۲:۱، ۳-۳۰؛ ۳:۱۵؛ زکریا ۱۴:۶) و (۲) خداوند دیگر نیازی به دو شاهد ابدی ندارد، اعداد ۳۰:۳۵؛ تثنیه ۱۷:۶؛ ۱۹:۱۵. او پادشاهی خواهد کرد!

در این متن آسمان به تخت خدا اشاره نمی‌کند، بلکه به اتمسفر بالای زمین اشاره دارد، آنگونه که در پیدایش ۱:۱ توضیح داده شد.

۱۲:۲۰ "سپس مرده‌ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده‌اند" تشکیل چنین گروه بزرگی مشخص نیست و معمولاً پیش‌پندار مفسر است، همانگونه که تفسیر بیشتر ترجمه‌های جزئیات رویاها در کتاب مکاشفه چنین بوده است.

عبارت "بزرگ و کوچک" می‌تواند اشاره به (۱) ایمانداران (مزمور ۱۱۵:۱۳؛ مکاشفه ۱۱:۱۸؛ ۵:۱۹) و یا (۲) بی‌ایمانان (مکاشفه ۱۳:۱۶؛ ۱۹:۱۸). در این متن، این عبارت هم‌تراز با "گوسفندان و بزها" در متی ۲۵:۳۱-۴۶ یا "آنان که در آسمان، بر روی زمین و در زیر زمین قرار دارند" در فیلیپیان ۲:۱۰-۱۱ می‌باشد.

□ "دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد" این کنایه‌ای است به دانیال ۷:۱۰. دو دفتر اشاره شده است: دفتر اعمال یا یادبود و دفتر حیات (مکاشفه ۳:۵ و ۱۳:۸). دفتر حیات در خروج ۳۲:۳۲-۳۳؛ مزمور ۶۹:۲۸؛ اشعیا ۴:۳؛ دانیال ۱۲:۱؛ لوقا ۱۰:۲۰؛ فیلیپیان ۳:۴؛ عبرانیان ۱۲:۲۳؛ مکاشفه ۳:۵؛ ۱۳:۸؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱۵؛ ۲۱:۲۷. دفتر اعمال یا یادبود در مزمور ۵۶:۸؛ ۱۳۹:۱۶؛ اشعیت ۶۵:۶؛ ملاکی ۳:۱۶ و مکاشفه ۲۰:۱۲-۱۳ تعریف شده است. اینها استعاره‌هایی برای حافظه خداوند هستند. خداوند با مخلوقات خود منصفانه برخورد می‌کند؛ انسانها مسئول اعمال خود بوده و در برابر خداوند پاسخگو هستند (غلاطیان ۶:۷). فقط یک داوری وجود دارد.

□ "مردگان همگی بر طبق نوشته‌های این دفترها محاکمه شدند" داوری منطبق با شیوه انتخاب زندگی بشر خواهد بود (متی ۲۵:۳۱-۴۶). ما هر آنچه کاشته‌ایم درو خواهیم کرد (غلاطیان ۶:۷). واقعیت الهیاتی اینست که همه انسانها با توجه به کارهای مشهودی که انجام می‌دهند، مورد قضاوت قرار خواهند گرفت، ارمیا ۱۷:۱۰؛ متی ۱۶:۲۷؛ ۲۰:۲۳؛ مکاشفه ۲:۲۳؛ ۲۰:۱۳. برای فهرستی از این مراجع به یادداشت مکاشفه ۲:۲۳ مراجعه نمایید.

□ "دریا و زمین و قبرها، مرده‌هایی را که در خود داشتند" اینان اشاره به این حقیقت ندارند که مردگان در سه جای مختلف نگهداری می‌شوند؛ استعاره موازی با این بخش تصریح می‌کند که همه مردگان در برابر خدا ایستادند (فیلیپیان ۲:۱۰-۱۱).

□ ۱۴:۲۰ "آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد" این عبارات به زمان پیشتر در مکاشفه ۶:۸ دارند. مرگ، بزرگترین دشمن بشر (عبرانیان ۱۵:۲-۱۴)، شکست خورده و حذف گردیده است (۱ قرن‌تبیان ۱۵:۲۶، ۵۴-۵۵؛ ۲ تیموتائوس ۱:۱۰؛ مکاشفه ۱:۱۸؛ ۲:۴).

□ "مرگ دوّم" انجیل سخن از مرگ سه مرحله‌ای می‌گوید:

۱. مرگ معنوی، پیدایش ۳؛ اشعیا ۵۹:۲؛ رومیان ۵:۱۲-۲۱؛ ۷:۱۰-۱۱؛ افسسیان ۲:۵، کولسیان ۲:۱۳؛ یعقوب ۱:۱۵
۲. مرگ فیزیکی، پیدایش ۵
۳. مرگ ابدی "دومین مرگ" در مکاشفه ۲:۱۱؛ ۶:۲۰؛ ۱۴؛ ۲۱:۸ نامیده می‌شود، که اشاره به جهنم دارد

□ ۱۵:۲۰ "هر که نامش" این جمله شرطی نوع اول است که می‌گوید کسانی خواهند بود که نامشان در دفتر حیات ثبت نگردیده است (استعاره‌ای برای آنان که به عیسی ایمان نیاورده‌اند).

□ "کتاب حیات" به تفسیر مکاشفه ۸:۱۳ مراجعه نمایید.

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسست و قطعیت ندارند.

۱. چرا بسیاری از مفسرین خدا دوست و عاشق انجیل با ترجمه این فصل مخالف هستند؟
۲. اگر این کتاب با زبان نمادین و استعاره نوشته شده باشد (سبک آخرازمایی)، به چه دلیلی بسیاری از مردم این فصل را جدی و تاریخی تلقی می‌کنند؟
۳. شیطان چرا برای مدتی در بند بود؟ قومهای ذکر شده در کتاب مکاشفه ۲۰:۳ و ۸ از کجا آمده‌اند؟
۴. چه تعداد گروه در مکاشفه ۴:۲۰ دخیل بوده و اهمیت آن در چه است؟
۵. چرا دیدن رستاخیز دو مرحله‌ای در این فصل شگفت‌انگیز است؟
۶. چگونه قدیسان با اقوام همزیستی می‌کنند؟
۷. در داوری بزرگ تخت سفید در مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵ چه کسی نقش دارد؟

مکاشفه ۲۱-۲۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
آسمان جدید و زمین جدید	همه چیز از نو ساخته شد	رویای اورشلیم جدید (۵:۲۲-۱:۲۲)	آسمان جدید و زمین جدید	اورشلیم آسمانی
۴-۱:۲۱	۸-۱:۲۱	۴-۱:۲۱	۴-۱:۲۱	۴-۱:۲۱
۸-۵:۲۱		۸-۵:۲۱	۸-۵:۲۱	۸-۵:۲۱
اورشلیم جدید	اورشلیم جدید	اندازه‌گیری شهر	اورشلیم جدید	اورشلیم مسیحایی
۱۴-۹:۲۱	۲۱-۹:۲۱	۱۴-۹:۲۱	۲۱-۹:۲۱	۱۴-۹:۲۱
۲۱-۱۵:۲۱	جلال اورشلیم جدید	۲۱-۱۵:۲۱		۲:۲۲-۱۵:۲۱
		رودخانه درخت حیات		
۵:۲۲-۲۲:۲۱	۲۲:۲۱	۵:۲۲-۲۲:۲۱	۳:۲۲-۲۲:۲۱	
	درخت حیات			
	۵-۱:۲۲		۵-۳:۲۲	۵-۳:۲۲
ظهور عیسی	زمان نزدیک است	نطق خطام	ظهور عیسی	
۷-۶:۲۲	۱۱-۶:۲۲	۶:۲۲	۶:۲۲	۷-۶:۲۲
		۷:۲۲	۷:۲۲	
۱۱-۸:۲۲	عیسی در برابر کلیسا شهادت می‌دهد	۹-۸:۲۲	۱۱-۸:۲۲	۹-۸:۲۲
		۱۱-۱۰:۲۲		۱۵-۱۰:۲۲
۱۳-۱۲:۲۲	۱۷-۱۲:۲۲	۱۳-۱۲:۲۲	۱۳-۱۲:۲۲	
۱۵-۱۴:۲۲		۱۵-۱۴:۲۲	۱۵-۱۴:۲۲	نطق ختام
۱۷-۱۶:۲۲		۱۷-۱۶:۲۲	۱۶:۲۲	۱۶:۲۲
			۱۷:۲۲	۱۷:۲۲
			۱۷:۲۲	
	یک هشدار		نتیجه‌گیری	
۱۹-۱۸:۲۲	۱۹-۱۸:۲۲	۱۹-۱۸:۲۲	۱۹-۱۸:۲۲	۱۹-۱۸:۲۲
	من سریع خواهم آمد			
۲۰:۲۲	۲۱-۲۰:۲۲	۲۰:۲۲	۲۰:۲۲	۲۰:۲۲
		۲۰:۲۲	۲۰:۲۲	۲۰:۲۲
۲۱:۲۲		۲۱:۲۲	۲۱:۲۲	۲۱:۲۲

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). (تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

- A. مکاشفه ۲۰-۲۲ هفتمین واحد مستقل را شکل می‌دهد. مکاشفه ۲۱-۲۲ به کارهای خدا درباره تاریخ بشر خاتمه داده و پادشاهی جدیدی را شروع می‌نماید (مکاشفه ۷:۱۳-۱۴، ۲۷؛ ۱۵:۲۷-۲۸). مکاشفه ۲۲:۶-۲۱ نیز نتیجه‌گیری درباره کل کتاب است.
- B. تقریباً تمام عناصر این دو فصل اشاره‌ای است به (۱) پیدایش ۱-۳؛ (۲) مزامیر ۱۱۰؛ و (۳) مجموعه کتابهای دو عهد عبرانی.
- C. درباره عناصر غیرطبیعی این آخرین فصل بحث‌های زیادی در جریان بوده است
۱. ذکر عبارت "قومها" - مکاشفه ۲۱:۱۴؛ ۲۲:۲
 ۲. ذکر عبارت "شاهان زمین" - مکاشفه ۲۱:۲۴، ۲۶
 ۳. ذکر "فاسدان خارج از شهر" - مکاشفه ۲۱:۲۷؛ ۲۲:۱۵
- بنظر می‌رسد که برای اضافه کردن این عناصر دلایل متعددی وجود داشته باشد:
۱. یوحنا به نبوت‌های عهد عتیق اشاره می‌کند. همچون تمثیلهای اناجیل، مفسران نباید جزعیات آن را بمعنی واقعی کلمه ترجمه و تفسیر نمایند، بلکه باید تأکیدات اصلی را شناسایی نمایند.
 ۲. قصد یوحنا نشان دادن برتری‌های بزرگ میان آنان که نجات یافتند و آنان که راه خود را گم کرده‌اند، بوده است
 ۳. "قومها"یی که در این بخش ذکر شده‌اند در قالب مجموعه کلی نژادها در نظر گرفته شده‌اند، همچون "قوم خدا" در مکاشفه ۵:۹؛ ۷:۹؛ ۲۱:۱۴ و ۲۲:۵
 ۴. با وجود این عناصر، برخی از مفسران یهودیان را نجات یافته شدگان در شهر و غیریهودیان را در خارج از شهر متصور شده‌اند. اما، با توجه به غلاطیان ۳:۲۹ و افسسیان ۲:۱۱-۳:۱۳؛ نمی‌توان آن را بلحاظ الهیاتی نظر مترقی در نظر گرفت.
 ۵. من فکر می‌کنم میان مکاشفه ۱۷-۱۹ و ۲۰-۲۲، رئوس مطالب تکرار شده‌اند. این امر تکرار مضامین را در طول این بخش توجیه می‌نماید.
- D. یک سری از مجموعه "هفت" واحدی در این دو فصل وجود دارد. اینها مواردی هستند که دیگر به شکل سابق وجود ندارند
۱. دریا - مکاشفه ۲۱:۱
 ۲. مرگ - مکاشفه ۲۱:۴
 ۳. عزاداری - مکاشفه ۲۱:۴
 ۴. گریستن - مکاشفه ۲۱:۴
 ۵. درد - مکاشفه ۲۱:۴
 ۶. شب - مکاشفه ۲۱:۲۵
 ۷. نفرین - مکاشفه ۲۲:۳
- E. درحالی‌که داوریه‌های مرتبط با ظهور دوم مسیح بصورت داستانی در سه رویا به تصویر کشیده شده‌اند (مهرها، شیپورها و پیاله‌ها)، احتمالاً آسمان نیز به صورت سه استعاره عهد عتیقی به تصویر کشیده‌اند:
۱. خیمه، مکاشفه ۲۱:۱-۸
 ۲. اورشلیم جدید، مکاشفه ۲۱:۹-۲۶
 ۳. باغ عدن، مکاشفه ۲۲:۱-۵
- این سرآغاز می‌تواند درست باشد (مکاشفه ۱:۸-۱)، زیرا مؤکد:
۱. بازگشت قریب‌الوقوع مسیح است
 ۲. وفاداری کلام خداست
 ۳. الزام به تقدس قوم خداست

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۲۱-۴

سپس زمین و آسمان تازه‌ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا هم دیگر خبری نبود. او من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد. چه منظره باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد! از تخت، صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: «خوب نگاه کن! خانه خدا از این پس در میان انسانها خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق‌های خدا خواهند شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد بود. خدا تمام اشکها را از چشمان آنها پاک خواهد ساخت. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه ناله‌ای و نه دردی، زیرا تمام اینها متعلق به دنیای پیشین بود که از بین رفت.»

۱:۲۱ "سپس دیدم" در برخی دوره‌ها مقطعی وجود دارد، حال بستگی به شما دارد که چقدر زمان برای ترجمه "هزار سال" در فصل ۲۰ نیاز است.

□ "زمین و آسمان تازه‌ای" واژه یونانی برای "تازه"، *kainos*، بر روی کیفیت تأکید دارد و نه زمان بلحاظ سلسله تاریخی (مکاشفه ۱۷:۲؛ ۱۲:۳؛ ۹:۵؛ ۳:۱۴؛ ۱:۲۱؛ ۲:۵). این یکی از مضامین عهد عتیق بود، زمینی دوباره خلق شده (اشعیا ۹-۶:۱۱؛ ۱۷:۶۵؛ ۲۲:۶۶؛ همچنین رومیان ۸:۱۸-۲۵؛ ۲ پطرس ۳:۱۰، ۱۲). همه ایمانداران شهروندان این پادشاهی جدید هستند (فیلیپیان ۳:۲۰؛ افسسیان ۱۹:۲؛ عبرانیان ۱۲:۲۳) و در این آفرینش جدید با یکدیگر سهیم هستند (۲قرنیتیان ۵:۱۷؛ غلاطیان ۶:۱۵؛ افسسیان ۴:۲۴). مفهوم الهیاتی که به موازات آن می‌تواند وجود داشته باشد "شهر خدا که بدستان بشر ساخته نشده" در عبرانیان ۱۱:۱۰، ۱۶؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۳:۱۴.

آفرینش جدید شبیه آفرینش اولیه خواهد بود. بهشت می‌تواند باغ عدن از نو ساخته شده خدا باشد. خداوند، بشر، حیوانات و هم مخلوقات طبیعی دوباره به یکدیگر ملحق شده و همنشین خواهند شد. کتاب مقدس با خدا، بشر و حیوانات آغاز شده و در یک باغ به بهترین نحو با هم هستند (پیدایش ۱-۲). کتاب مقدس با خدا و بشر در یک باغ (مکاشفه ۲۱-۲۲) و دلالتی نبوت‌گونه، حیوانات (اشعیا ۱۱:۶-۸؛ ۶۵:۲۵) به اتمام می‌رسد. قرار نیست که ایمانداران به بهشت روند؛ اورشلیم جدید از دل بهشت به بیرون خواهد آمد (مکاشفه ۲۱:۲) و می‌آید تا زمینی پاک را دوباره خلق نماید. خداوند و بشر دوباره با هم خواهند بود (پیدایش ۳:۱۵؛ اشعیا ۷:۱۴؛ ۸:۸، ۱۰؛ مکاشفه ۳:۲۱).

□ "چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود" آفرینش دوباره در حالی بحال اول خود باز خواهد گشت (اعمال رسولان ۳:۲۱؛ رومیان ۸:۲۱؛ کولسیان ۱:۲۰)، که دیگر تحت تأثیر گناه نیست (II Baruch 37:6، ۲ پطرس ۳:۱۰-۱۲؛ مکاشفه ۱۱:۲۰).

□ "از دریا هم دیگر خبری نبود" ترجمه‌های متعددی از این متن شده است (به تفسیر مکاشفه ۴:۶ رجوع نمایید):

۱. چون دریا بعنوان راهی برای سخن گفتن از قدوسیت خدا که او را از بشر گناهکار جدا می‌کند، در مکاشفه ۴:۶ ذکر گردیده، برخی آن جدایی را در این بخش از آیه می‌بینند که معتقدند که در اینجا دوستی کامل میان بشریت و خدا به حال اول باز گشته است.
۲. چود در مکاشفه ۲۰:۱۳ بنظر می‌رسد که دریا یکی از سه جایی است که مردگان را در خود جای داده، لذا راهی است برای بیان این مطلب که همه مردگان به یکی از دو مقصد ابدی خواهند رفت.
۳. بدلیل اینکه وجش اول در مکاشفه ۱۳:۱ از آب بیرون آمد، و همچنین نیز کنایه‌ای به آب بعنوان مردمان شرور در اشعیا ۵۷:۲۰ شده، لذا احتمالاً منظور شریانی بودند که دیگر وجود ندارند
۴. بدلیل اینکه مکاشفه ۱۷:۱۵ نقل قولی است از اشعیا ۱۷:۱۲-۱۳، در جاییکه آنها به نشانه مردمان بکار رفته، بسیاری از مفسرین تصریح کرده‌اند که اشاره آن به اقوام شریر و گناهکار، همچون مزامیر ۲ بوده است. به باور من گزینه ۱ بهترین انتخاب است.

۲:۲۱ "و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم" در اشعیا ۵۲:۱ اورشلیم در فلسطین "شهر مقدس" نامیده شده است (اشعیا ۴۸:۲؛ ۶۴:۱۰؛ دانیال ۹:۲۴؛ نحما ۱:۱۱). این اورشلیم جدید اولین بار در مکاشفه ۳:۱۲ ذکر آن به میان آمد و سپس در عبرانیان ۱۰:۱۱؛ ۱۲:۲۲؛ ۱۳:۱۴ نیز به آن اشاره شد. این موضوع نشان می‌دهد که چگونه یوحنا نبوت‌های عهد عتیقی خود را همچون عبارات، عناوین و وعده‌ها، برداشت کرده و آنها را به قوم جدید خدا اعمال کرده است. این شهر پیمان قدیم اورشلیم در فلسطین نیست، آنگونه که طرفداران نظریه هزار ساله به آن باور دارند، بلکه پیمان جدید اورشلیم آسمانی است.

□ "از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد" دو چیز از آسمان پایین آمد. یکی در مکاشفه ۲:۲۱ و دیگری در مکاشفه ۱۰:۲۱. این زبان بسیار سلیس بوده و نباید آن را بصورت سلسله‌وار تاریخی، منطقی یا به معنی واقعی کلمه ساختار بندی نماییم.

□ "به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد" این بخش کنایه‌ای است به اشعیا ۶۱:۱۰ (مکاشفه ۷:۱۹). در این سه فصل آخر ده‌ها استعاره برای تشریح قوم خدا بکار برده شده است: (۱) یک عروس (مکاشفه ۷:۱۹؛ ۲:۲۱)؛ (۲) میهمان یک عروسی (مکاشفه ۹:۱۹)؛ (۳) یک شهر (مکاشفه ۲۱:۲۲، ۹؛ ۲:۲۲).

استعاره عهد عتیق برای یهوه (بویژه در هوشع ۱-۳) بعنوان شوهر و اسرائیل بعنوان عروس، پیشزمینه تصویر کلیسا است بصورت عروس مسیح (افسسیان ۵:۲۱-۳۱).

۳:۲۱ "خوب نگاه کن! خانه خدا (در نسخه انگلیسی "خیمه خدا" نوشته شده) از این پس در میان انسانها خواهد بود" این عبارت یونانی، وعده‌های عهد عتیق خدا را برای زندگی با انسان به سه روش تکرار می‌کند:

۱. کنایه‌ای است به خیمه، نماد حضور یهوه
۲. "او باید در میان آنان ساکن شود" معنی واژه "ایمانوئیل" در اشعیا ۷:۱۴ است (یوحنا ۱:۱۴)
۳. "آنان باید قوم او باشند" اصطلاح عهد است؛ اکنون تمام مردم ایمانداران (یوحنا ۱۰:۱۶) قوم منتخب خدا هستند (لاویان ۲۶:۱۱-۱۲؛ حزقیال ۲۷:۲۳، ۲۷).

۴:۲۱ "خدا تمام اشکها را از چشمان آنها پاک خواهد ساخت" این بخش کنایه‌ای است به اشعیا ۸:۲۵ (متی ۵:۴؛ ۷:۱۷). عصر جدید زمان شادی، صلح، تقدس و عبادت است!

- "دیگر نه مرگی خواهد بود" این آخرین دشمن (مکاشفه ۱۴:۲۰) نیز نابود خواهد شد (۱ قرن‌تیا ۱۵:۲۶). بدن ایمانداران همچون مسیح قیام خواهد کرد (۱ قرن‌تیا ۱۵:۵۰-۵۷؛ ۲ قرن‌تیا ۳:۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۴:۱۵-۱۶؛ ۱ یوحنا ۳:۲).
- "نه غمی، نه ناله‌ای و نه دردی" این بخش کنایه‌ای است به اشعیا ۶۵:۱۹ و همچنین اشعیا ۳۵:۱۰.
- "دنیای پیشین بود که از بین رفت" اولین سری از مجموعه آفرینش تحت تأثیر اخراج از بهشت قرار گرفت (پیدایش ۳:۶؛ ۱-۱۲، ۱۳-۱۲)، اما سری جدید از گناه در امان خواهد بود (عبرانیان ۱۲:۲۷-۲۸).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۵:۲۱-۸

سپس آن تخت‌نشین گفت: «اینک همه چیز را نو می‌سازم.» و گفت: «اینها را بنویس زیرا این سخنان درخور اعتماد است و راست است.»
باز به من گفت: «به انجام رسید! من 'الف' و 'ی' و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات به رایگان خواهم داد. هر که غالب آید، این همه را به میراث خواهد برد، و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود. اما نصیب بزدلان و بی‌ایمانان و مفسدان و آدمکشان و بی‌عفتان و جادوگران و بت‌پرستان و همه دروغگویان، دریاچه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این مرگ دوم است.»

۵:۲۱ "سپس آن تخت‌نشین گفت" در کتاب مکاشفه خداوند بارها صحبت کرده است (مکاشفه ۱:۸؛ احتمالاً ۱:۱۶، ۱۷). در اینجا اینگونه بنظر می‌رسد گنگ بودن هویت آن که بر تخت نشسته، تعمدی باشد، زیرا مشخص نیست درباره یهوه سخن می‌گوید و یا مسیح (مکاشفه ۳:۲۲). برای مطالعه بیشتر به یادداشت مکاشفه ۱۱:۲۰ رجوع نمایید. در حالیکه اولین بخش از آفرینش توسط کلام زنده خداوند (پدر بواسطه پسر) به زندگی آورده شدند (پیدایش ۱:۳×۹، ۹، ۱۴، ۲۰، ۲۴؛ مزمور ۳۳:۶، ۹)، بخش جدید آفرینش او نیز در حال آمدن به حیات می‌باشد.

□ "همه چیز را نو می‌سازم" این وعده از کتاب اشعیا ۶۰ تا ۶۶ داده شده بود. اشاره آن به عصر جدید روح، عصر مسیح منجی، عصر پارسایی می‌باشد که عیسی مسیح با آمدن اول خود شروع و با مرحله دوم ورودش به اتمام خواهد رساند. این عبارات استعاره‌ای است برای قطعیت به واقعیت رسیدن خواست خدا (مکاشفه ۱:۱۹؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۹:۱۹).

□ "این سخنان درخور اعتماد است و راست است" این عبارات برای تعریف (۱) عیسی، (مکاشفه ۱:۵؛ ۷:۳؛ ۱۴:۱۹؛ ۱۱:۲) پیروان عیسی (مکاشفه ۱۷:۱۴؛ ۳) و وعده خدا (مکاشفه ۹:۱۹؛ ۲۱:۵؛ ۲۲:۶) بکار برده شده است. خداوند اغلب بصورت "راست (بر حق) و در خور اعتماد" تعریف شده است (مکاشفه ۱۵:۳؛ ۱۶:۷؛ ۱۹:۲). تفکر عبرانی در پس این عبارت یونانی حاکی از قابل اعتماد بودن او می‌باشد.

۶:۲۱ "به انجام رسید" این جمله معلوم اخباری می‌باشد. می‌توان آن را مرتبط دانست با قطعیت وعده‌های خداوند در ارتباط با خشم بر بی‌ایمانان و برکت دادن ایمانداران (مکاشفه ۶:۱۱؛ ۷:۱۰؛ ۱۶:۱۷)، و یا وجود وعده‌های خدا دانست (مکاشفه ۱:۱؛ ۳:۳؛ ۱۱:۳؛ ۱۰:۶؛ ۱۲:۱۲؛ ۲۲:۷، ۱۰).

□ "من 'الف' و 'ی' و ابتدا و انتها هستم" این عبارت در اشعیا ۴۴:۶ و ۸:۱ برای خدا استفاده گردید؛ با اینحال، وجودش برای این متن بسیار شگفت‌انگیز است، هرچند که عنوانی برای پدر می‌باشد، اما در عین حال برای مسیح نیز در مکاشفه ۱:۱۷ و ۱۳:۲۲ بکار برده شده است. این عبارات مثال دیگری از عهد جدید برای اعمال کردن عناوین و القاب خداوند به پسر می‌باشد.
ده‌ها نوع خاص از این عبارات وجود دارد که وجود ابدی و منحصر بفرد خداوند را تعریف می‌کنند:

۱. "ابتدا و انتها"، اشعیا ۴۱:۴؛ ۴۴:۶؛ ۴۸:۱۲؛ مکاشفه ۱:۱۷؛ ۲:۸؛ ۲۲:۱۳
۲. "آغاز و پایان" مکاشفه ۲۱:۶؛ ۲۲:۱۳ و ۸:۱ در نسخه KJV
۳. "او که هست و بود و می‌آید" مکاشفه ۱:۴، ۸؛ ۴:۸

همه این عبارات ارتباط با نام خداوند در عهد، یعنی یهوه دارد، که حالت علیت فعل عبری "بودن" است (خروج ۳:۱۴؛ اشعیا ۴۳:۱۰، ۱۳؛ ۴۶:۴۱؛ مزور ۲:۹۰؛ ۲:۹۳).

□ "من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات به رایگان خواهم داد" در اینجا کنایه عهد عتیق به اشعیا ۵۵ است. این دعوت شامل حال همه بوده و کاملاً رایگان می‌باشد (رومیان ۳:۲۴؛ ۶:۲۳؛ افسسیان ۲:۸)؛ عجب دعوت شگرفی از سوی شخص خداوند برای بخشش است. بازگشت بشریت به حالت اولیه همیشه در مرکزیت قلب و فکر خداوند بوده است (مکاشفه ۹:۲۰-۲۱؛ ۱۴:۶-۷؛ ۱۶:۹، ۱۱؛ ۲۲:۱۷).
در عهد عتیق نهرهای آب اغلب با روان شدن برکات برای نیازهای معنوی بشریت عجین شده‌اند (مزور ۳:۳۶؛ اشعیا ۳:۱۲؛ ۳:۴۴؛ ۳:۴۹؛ ۱۰:۱۰؛ ارمیا ۲:۱۳؛ ۱۳:۱۷؛ ۱۳:۱۷؛ همچنین یوحنا ۴:۱۰).

۷:۲۱ "هر که غالب آید" این جمله مجه وصفی معلوم زمان حال می‌باشد که تداوم دکترین استقامت در میان زمان دهشتناک زجر است. این عبارت در هفت نام به کلیسا ظاهر شده (مکاشفه ۲:۷، ۱۱، ۱۷، ۲۶؛ ۳:۳، ۵، ۱۲، ۲۱)، که فصل شروع کتاب مکاشفه را با اختتامیه آن مرتبط می‌سازد. به موضوع خاص استقامت، پشتکار در مکاشفه ۲:۲ رجوع نمایید.

□ "این همه را به میراث خواهد برد" پاداش این میراث در مکاشفه ۷:۲۱ (۱ پطرس ۴:۱، ۵؛ رومیان ۸:۱۷) و هشدارهای داده شده در مکاشفه ۸:۲۱ همگی بر علیه رویدادهای پشت پرده ارتداد بالقوه در عصری که ایمانداران در رنج هستند، می‌باشند. مجموعه این مرتدهای گناهکار (مکاشفه ۸:۲۱) بنوعی مشابه مواردی هستند که در ۱ قرن‌تبیان ۹:۶-۱۰ دیده می‌شوند.

□ "و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود" همه اینها عبارات مربوط به دوره عهد خداوند بوده (مکاشفه ۳:۲۱) که در عهد عتیق کاملاً رواج داشته (خروج ۶:۷؛ ۲۹:۴۵، ۴۶؛ لاویان ۲۶-۱۱-۱۲؛ ۲ سموئیل ۷:۱۴؛ مزور ۲۶-۲۷؛ ۲۷:۲۳؛ ۲۷:۲۳؛ ۲۲:۳۰؛ ۳۸:۳۳؛ حزقیال ۱۱:۲۰؛ ۱۴:۱۱؛ ۳۴:۳۰؛ ۳۶:۲۸؛ هوشع ۲:۲۳؛ زکریا ۸:۸؛ ۱۳:۹) و همچنین در عهد جدید بکار برده شده‌اند (۲ قرن‌تبیان ۶:۱۶، ۱۸).
مفهوم عهد احتمالاً مضمون یکپارچه انجیل می‌باشد. بشر از خدا بیگانه شده است (اشعیا ۵۳:۶؛ رومیان ۳:۹-۱۸، ۲۳). بشر نمی‌تواند خدا را بیاید. خداوند دست خود را بسوی ما دراز کرده؛ خداوند بدنبال ما است! پیشنهاد او برای اتحاد، یکی از عهدها است. آغازگر اوست (ارمیا ۳:۳۱؛ یوحنا ۶:۴۴، ۶۵)؛ زمان را او مشخص می‌کند، اما این بشر است که باید به روشهای خاص اجابت نماید. این راهها به روشهای مختلف عیان شدند (آدم/حوا؛ درخت ممنوعه؛ نوح، یک کشتی؛ ابراهیم، یک سرزمین؛ یک پسر؛ موسی، یک شریعت)، اما شکل این پذیرش، ایمان به وفاداری خداوند، همگی به یکسان باقی خواهند ماند (رومیان ۴). عهد عتیق ملزوماتی داشت؛ عهد جدید نیز ملزوماتی دارد (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال رسولان ۳:۱۶، ۱۹؛ ۲۰:۲۱). بشر باید این دعوت را اجابت کند، هم در شروع آن و هم در تداوم ایمان، توبه، اطاعت، خدمت، عبادت و استقامت.
به موضوع خاص: پسر خدا در مکاشفه ۲:۱۸ رجوع نمایید.

۸:۲۱ در حالیکه داوری آغاز گردیده و قاعدتاً گناهکاران باید حذف گردیده باشند (با پیروزی مسیح در زمان ورود دوم، مکاشفه ۱۹:۵-۲۱ و تخت سفید در ۱۵:۲۰-۱۱)، اما مشاهده این حجم از گناه غیر طبیعی به نظر می‌رسد. این بدین مفهوم نیست که ایمانداران چنین گناهی را مرتکب نشده‌اند، بلکه به این مفهوم است که زندگی آنان بر اساس این گناهان شخصیت‌پردازی نگردیده است (۱ یوحنا ۳:۶، ۹). بنظر می‌رسد که این یک تکنیک ادبی برای نشان دادن تفاوت ابدی میان گمشده و نجات یافته بوده، و یا فقط یکی از جنبه‌های این داستان زیر رو کننده (جهت تأکید دوباره تکرار شده است).

□ "دریاچه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این مرگ دوم است" بروشنی دریاچه مشتعل مترادف با مرگ دوم و یا برداشت ما از مفهوم جهنم است که مسیح آن را Gehenna نامید (واژه‌ای یونانی که در کتاب مکاشفه دیده نمی‌شود). به موضوع خاص: مردگان کجا هستند در مکاشفه ۱۸:۱ مراجعه شود.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۹:۲۱-۱۴

یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پُر از هفت بلائی آخر را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا! من عروس، یعنی همسر بره را به تو نشان خواهم داد.»^۹ آنگاه مرا در روح به فراز کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از نزد خدا فرود می‌آمد.^{۱۱} جلال خدا از آن می‌تابید و درخشندگیش مانند گوهری بسیار گرانبها، همچون یشم، و به شفافیت بلور بود.^{۱۲} دیواری بزرگ و بلند داشت که دارای دوازده دروازه بود و دوازده فرشته نزد دروازه‌هایش بودند. و بر هر یک از آن دروازه‌ها نام یکی از دوازده قبیله بنی اسرائیل نوشته شده بود.^{۱۳} سه دروازه در سمت مشرق، سه دروازه در سمت شمال، سه دروازه در سمت جنوب و سه دروازه در سمت مغرب قرار داشت.^{۱۴} و دیوار شهر دارای دوازده پی بود که بر آنها نام دوازده رسول بره نوشته شده بود.

۹:۲۱ "یکی از آن هفت فرشته" این مشخصات دقیق فرشته‌ی کتاب مکاشفه ۱:۱۵، ۶:۸-۱، ۱۶:۱ و ۱۷:۱ بوده که هفت پیاله را پر نمودند. این سنت یهودیت ربیبانی می‌باشد که در آن هفت فرشته در حضور خدا خدمت می‌کنند. در اینجا، برای هر بلا یک فرشته وجود دارد.

۱۰:۲۱ "مراد روح ... بود" این یک تکنیک ادبی برای نشان دادن نسخه‌های متفاوت است (مکاشفه ۱:۱۰؛ ۴:۲؛ ۱۷:۳؛ ۲۱:۱۰).

□ "به فراز کوهی بزرگ و بلند" بسیاری از مفسران بر این باورند که این بخش در تضاد مستقیم با فاحشه بزرگ است. با اینحال، یوحنا بسیاری از متون عهد را مورد کنایه قرار داده، لذا در اینجا او می‌تواند اشاره به کوه‌های مرموز شمالی، جایی که خدا در آن ساکن است، داشته باشد (حزقیال ۴۰:۲؛ اشعیا ۲:۲؛ ۱۴:۱۳؛ میکاه ۴:۱؛ ۳:۲۵؛ I Enoch 18:8; 25:3). حتی ممکن است که کنایه به وسوسه عیسی توسط شیطان در متی ۸:۴ داشته باشد.

□ "شهر مقدّس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از نزد خدا فرود می‌آید" اورشلیم آسمانی، استعاره‌ای برای حضور خدا است (مکاشفه ۲:۲۱). اورشلیم گناهکار زمینی در مکاشفه ۱۱:۱-۱۳ مورد بحث قرار گرفت. پایتخت داوود به منظور محل سکونت نهایی قوم خدا، جهانی شده است (یوحنا ۱۴:۲-۳).

۱۱:۲۱ "درخشندگیش مانند گوهری بسیار گرانبها، همچون یشم، و به شفافیت بلور بود" آن شهر (مکاشفه ۲۱:۱۱-۲۷) بصورتی بسیار زیبا، دارای جنبه‌های فیزیکی و واژگانی با مفهوم اخلاقی تعریف شده است. همچون تمام کتاب مکاشفه، این فصل نیز نمادین است. ذهن محدود انسان گناهکار، توان درک عظمت جلال حضور خداوند را ندارد (۱ قرن‌تیا ۹:۲). ممکن است جواهرات به مفهوم واقعی کلمه و شهر باستانی خارق‌العاده در زبان استعاره خوب باشند، اما واقعیت نهایی نیستند! بهشت در واقع هم شامل یک شخص است (عیسی)، و هم یک مکان (برای همنشین با خدای سه گانه).

۱۲:۲۱ "دارای دوازده دروازه بود و دوازده فرشته" این کنایه‌ای است به حزقیال ۴۸:۳۱-۳۴. عدد "دوازده" به جهت یادآوری این فصل و چند آیه اول از فصل ۲۲، بارها و بارها تکرار می‌شود. این عدد نماد سازمانی اعداد انجیلی (دوازده ماه، دوازده قبیله، یا دوازده رسول) می‌باشد. به موضوع خاص: عدد دوازده در مکاشفه ۴:۷ رجوع نمایید.

□ "و بر هر یک از آن دروازه‌ها نام یکی از دوازده قبیله بنی اسرائیل نوشته شده بود" فهرست این دوازده قبیله در مکاشفه ۵:۷-۸ به منظور نشان دادن طبیعت نمادین آنان، قدری تغییر داده شده است. نکته مهم قابل توجه در اینجا اینست که قوم خدا در عهد عتیق، بعنوان دروازه‌ها در مکاشفه ۱۲:۲۱ تعریف شده‌اند، با قوم خدا در عهد جدید که در مکاشفه ۱۴:۲۱ بعنوان "پی" تعریف شده‌اند، متحد گردیده‌اند. همواره فقط یک قوم خدا وجود داشته‌اند، اما این راز تا زمان بوجود آمدن انجیل، به روشنی بر ملا نگردید (افسیسیان ۲:۱۱-۱۳:۳)

۱۴:۲۱ "دیوار شهر دارای دوازده پی بود که بر آنها نام دوازده رسول بره نوشته شده بود" تمام این استعاره‌ها به معبد حزقیال کنایه دارند (حزقیال ۴۰-۴۸). بسیاری از مفسران تصریح کرده‌اند که این آیه نشان می‌دهد نویسنده آن نمی‌تواند یوحنا رسول بوده باشد. با اینحال، پولس در افسسیان ۲:۲۰ از عبارات مشابهی استفاده می‌کند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۲۱:۱۵-۲۱

^{۱۵} و آن که با من سخن می‌گفت، میله اندازه‌گیری زربینی به دست داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوار آن را اندازه‌گیری کند. ^{۱۶} شهر به شکل مربع، و طول و عرض آن یکسان بود. او شهر را با آن میله اندازه گرفت. طول و عرض و ارتفاع شهر با هم مساوی و برابر با دوازده هزار پرتاب تیر بود. ^{۱۷} و ضخامت دیوار آن صد و چهل و چهار ذراع اندازه‌گیری شد، یعنی به مقیاس انسان که فرشته به کار می‌برد. ^{۱۸} دیوار شهر از یشم ساخته شده بود، و شهر از طلای ناب و مانند شیشه شفاف بود. ^{۱۹} پی دیوار شهر با هر گونه گوهر گرانبها تزیین شده بود. پی اول از یشم بود، دومین از لاجورد، سومین از عقیق سفید، چهارمین از زمرد، ^{۲۰} پنجمین از عقیق سرخ، ششمین از عقیق آتشین، هفتمین از زبرجد، هشتمین از یاقوت کبود، نهمین از یاقوت زرد، دهمین از عقیق سبز، یازدهمین از فیروزه و دوازدهمین از لعل بنفش. ^{۲۱} دوازده دروازه شهر، دوازده مروارید بودند، یعنی هر یک از دروازه‌ها یک مروارید بود. و میدان شهر از طلای ناب و مانند شیشه شفاف بود.

۱۵:۲۱ "آن که با من سخن می‌گفت، میله اندازه‌گیری زربینی به دست داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوار آن را اندازه‌گیری کند" پیشتر از استعاره اندازه‌گیری برای نشان دادن محافظت و مراقبت خداوند استفاده شده بود (مکاشفه ۱:۱۱-۲؛ ارمیا ۳۱:۳۸-۴۰؛ زکریا ۲:۱-۵). نبوت حزقیال ۴۰ نیز شامل اندازه‌گیری بود.

۶:۲۱ "شهر به شکل مربع ... بود" این کنایه‌ای است به معبد سلیمان نبی (پادشاهان ۶:۱۹-۲۰)، که مکعب کامل بود.

دلیل اینکه دیگر معبدی وجود ندارد (مکاشفه ۲۱:۲۲) اینست که از این به بعد خداوند خود معبد خواهد بود. این می‌تواند روش یوحنا برای نشان دادن نبوت‌های عهد عتیق همچون حزقیال ۴۰-۴۸، نمادین بوده و یا به راه‌های مختلفی به تحقق پیوستند.

□ "صد و چهل و چهار ذراع" در واقع "دوازده هزار پرتاب تیر معادل یکصد و چهل و چهار ذراع" می‌گردد. یعنی معادل چندین بار ضرب شدن عدد دوازده؛ این آیه به یک شهر واقعی اشاره ندارد، اما این اندازه‌گیری دقیق نشان می‌دهد که خداوند در حال فراهم‌آوردن فضای مناسبی برای نشاط و همنشینی میان خود و قومش است (یوحنا ۱۴:۲-۳) در یک مکعب کاملاً نمادین همچون "قدس قدوسین".

۱۸:۲۱ - ۲۰ "موادی که در ساخت دیوار بکار برده شده بود" این مجموعه از سنگها را می‌توان بصورت زیر شناسایی کرد:

۱. سنگهای روی ایفود کاهن اعظم (خروج ۲۸:۱۷-۲۰)، با اینحال، ترتیب و نامهای آن متفاوت بوده است. این امر غیر طبیعی نیست، زیرا نام سنگهای باستانی از کشور به کشور و قرن به قرن دچار تغییر بوده است.
۲. شهر سنگهای فیروزه‌ای در اشعیا ۵۴:۱۱-۱۷
۳. شکوه و جلال پادشاه صور (یا شیطان) در حزقیال ۲۸:۱۲-۱۳ که در جواهرات سلطنتی حمل می‌گردید
۴. صور فلکی اما بصورت معکوس ارائه شده (Philo – Josephus)

۲۱:۲۱ "دوازده دروازه شهر، دوازده مروارید بودند، یعنی هر یک از دروازه‌ها یک مروارید بود" تمام این عبارات نمادین هستند. موضوع آنها بر می‌گردد به سنتهای یهودیان در تلمود، "سانهدرین" ۱۰۰ الف، که از شهری می‌گوید که دروازه‌های آن از سنگی یک تکه به ارتفاع حدود ۱۴ متر ساخته شده بود.

□ "و میدان شهر از طلای ناب و مانند شیشه شفاف بود" این بخش نیز نمادین است. ما باید بدانیم که شهر خدا از مقیاسهای انسانی برخوردار نیست، بلکه حضور ارزشمند و غنی خداوند را به تصویر می‌کشد.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۲۱:۲۲-۲۷

۲۲ "معبدی در شهر ندیدم، زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره، معبد آن هستند. و شهر نیازی به خورشید و ماه ندارد که بر آن بتابند زیرا جلال خدا آن را روشن می‌کند و بره چراغ آن است. و قومها در نور آن سلوک خواهند کرد و پادشاهان زمین، جاه و جلال خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ دروازه‌های آن هرگز در روز بسته نخواهد شد، زیرا در آنجا شب وجود نخواهد داشت. ۲۶ و شکوه قومها به آنجا آورده خواهد شد. ۲۷ اما هیچ چیز ناپاک و هیچ کس که مرتکب اعمال قبیح و فریبکاری شود، به هیچ روی وارد آن نخواهد شد، فقط کسانی که نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده است، بدان راه خواهند داشت.

۲۲:۲۱ "معبدی در شهر ندیدم، زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره، معبد آن هستند" بسیار غیر طبیعی است که این عبارات را با تعداد متنابهی از بخشهای دیگر کتاب مکاشفه که در آن معبدی آسمانی به تصویر کشیده شده مقایسه نماییم (مکاشفه ۳:۱۲؛ ۷:۱۵؛ ۱۱:۱۱، ۲، ۹، ۱۹؛ ۱۴:۱۵، ۱۷؛ ۱۵:۵، ۶، ۸؛ ۱۶:۱، ۱۷). مفهوم مشابهی از یک معبد در آسمان نیز در کتاب عبرانیان به تصویر کشیده شده است (مکاشفه ۸:۲-۵؛ ۹:۱۱، ۲۳-۲۴).

□ "خداوند خدای قادر مطلق" در اینجا دوباره سه عنوان عهد عتیقی که برای خداوند بکار رفته (*YHWH, Elohim, El Shaddai*) بصورت تلفیقی استفاده شده (مکاشفه ۸:۱؛ ۴:۸؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۵:۳؛ ۱۶:۷؛ به موضوع خاص: نامهای خداوند در مکاشفه ۸:۱ رجوع نمایید) تا عظمت آن که را بر تخت نشسته، نشان داده شود. به ارتباط نزدیک با بره در مکاشفه ۵ توجه نمایید. آنها با یکدیگر سلطنت خواهند کرد و فقط نیز، یک تخت وجود خواهد داشت (مکاشفه ۲۲:۱، ۳).

۲۳:۲۱ "شهر نیازی به خورشید و ماه ندارد که بر آن بتابند زیرا جلال خدا آن را روشن می‌کند و بره چراغ آن است" جلال پدر و پسر تمامی روشنایی است که نیاز داریم (مزمور ۳۶:۹؛ اشعیا ۲۴:۲۳؛ ۶۰:۱۹-۲۰؛ زکریا ۱۴:۶-۷ و همچنین مکاشفه ۲۲:۵). احتمالاً این راهی برای انکار پرستش صور فلکی بوده است.

۲۴:۲۱ "قومها در نور آن سلوک خواهند کرد و پادشاهان زمین، جاه و جلال خود را به آنجا خواهند آورد" درک علت ذکر این "قومها" در این دوره پسا تخت سفید در کتاب مکاشفه، بسیار دشوار است. می‌تواند خیلی ساده فقط کنایه عهد عتیق به مزمور ۷۲:۱۰-۱۱؛ اشعیا ۴۹:۲۳؛ ۶۰:۳؛ ۱۵، ۱۶ باشد. آنها واقعی نیستند بلکه جنبه ادبی دارند! "قومها" نمایانگر همه اقوامی هستند که از قبایل و ملت‌های گوناگون قوم خدا را شکل می‌دهند.

۲۵:۲۱ "دروازه‌های آن هرگز در روز بسته نخواهد شد، زیرا در آنجا شب وجود نخواهد داشت" این آیه کنایه‌ای است به اشعیا ۶۰:۱۱ یا زکریا ۱۴:۶-۷. مفهوم تاریکی در کتاب مقدس اغلب استعاره‌ای برای نشان دادن ابلیس است (متی ۶:۲۳؛ ۸:۱۲؛ ۲۲:۱۳؛ ۵۰:۳۰). نور و تاریکی بویژه، نمادهای متناقض مهم الهیاتی برای یوحنا بودند (یوحنا ۱:۴-۵؛ ۷:۹؛ ۳:۱۹-۲۱؛ ۸:۱۲؛ ۱۱:۹-۱۰؛ ۱۲:۳۵-۳۶؛ ۴۶؛ ۱ یوحنا ۱:۵-۷؛ ۲:۸-۱۱). دروازه‌هایی که هرگز بسته نمی‌شوند، نماد باز بودن، در دسترس بودن، و نهراسیدن از حملات دشمن می‌باشند.

۲۷:۲۱ "هیچ چیز ناپاک و هیچ کس که مرتکب اعمال قبیح و فریبکاری شود" این بخش کنایه‌ای است به اشعیا ۵۲:۱؛ حزقیال ۴۴:۹؛ زکریا ۱۴:۲۱ که ظاهراً از تکنیکهای ادبی برای نشان دادن تفاوت عظیم میان قوم خدا و ابلیس شریر بهره می‌برد (مکاشفه ۲۱:۲۴). عصر جدید بصورت شهری نورانی‌تر، بازتر، و شهری کاملاً پارسا شخصیت پردازی شده است. هیچ ابلیسی در آن حضور ندارد!

□ "در دفتر حیات بره نوشته شده است" عبارت استعاره‌ای "دفتر حیات" همچنین در کتاب مکاشفه ۲۰:۱۲-۱۵ دیده می‌شود، در جایی که دو کتاب ذکر شده‌اند:

۱. دفتر حیات، که حاوی نامهای قوم خدا می‌باشد (خروج ۳۲:۳۲؛ مزمور ۲۸:۶۹؛ اشعیا ۳:۴؛ دانیال ۱:۱۲؛ لوقا ۲۰:۱۰؛ فیلیپیان ۳:۴؛ عبرانیان ۲۳:۱۲؛ مکاشفه ۸:۱۳؛ ۸:۱۷؛ ۸:۱۵؛ ۲۰:۲۱؛ ۲۷).

۲. دفتر اعمال یا یادبود که کارهای نیک و گناهان مردم را ثبت کرده است (مزمور ۵۶:۸؛ ۱۳۹:۱۶؛ اشعیا ۵۶:۶؛ ملاکی ۳:۱۶).

اینها همگی استعاره‌ای برای نشان دادن حافظه خداوند می‌باشند.

مکاشفه ۲۲

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱:۲۲-۵

آنگاه نهر آب حیات را به من نشان داد که همچون بلور شفاف بود و از تخت خدا و بره جاری می‌شد و از وسط میدان شهر می‌گذشت. در دو طرف نهر، درخت حیات بود که دوازده باز میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار. و برگهای آن برای شفای قومها بود. و دیگر هیچ لعنتی وجود نخواهد داشت. تخت خدا و تخت بره در آن شهر خواهد بود و خادمانش او را خواهند پرستید. آنها روی او را خواهند دید و نام او بر پیشانی آنها خواهد بود. و دیگر شب وجود نخواهد داشت و آنها به نور چراغ یا خورشید نیازمند نخواهند بود، زیرا خداوند خدا به آنها روشنایی خواهد بخشید. و آنها تا ابد سلطنت خواهند کرد.

۱:۲۲ "نهر آب حیات را به من نشان داد" در اینجا بخش نباید جدا شود. مفهوم نهر روان از حضور خداوند کنایه‌ای است به عهد عتیق (مزمور ۴۶:۴؛ حزقیال ۴۷:۱-۱۲؛ یوئیل ۳:۱۸؛ زکریا ۸:۱۴). آب استعاره رایج برای اشاره به فراهم نمودن نیازهای معنوی قومش بوده است (اشعیا ۳:۱۲؛ ۳:۴۴؛ ۴۹:۱۰؛ ارمیا ۲:۱۳؛ ۱۳:۱۷؛ یوحنا ۴:۱۰-۱۵؛ مکاشفه ۷:۱۷؛ ۶:۲۱). تنها یوحنا از واژه حیات (ZOE) برای اشاره به حیات پس از رستاخیز استفاده کرده است.

□ "همچون بلور شفاف" این عبارت حکایت از خالص بودن شهر آسمانی خدا دارد (مکاشفه ۶:۴).

□ "از تخت خدا و بره جاری می‌شد" فقط یک تخت وجود دارد (مکاشفه ۲۲:۲۱). این زبان شکل انسانی داشته و از دادگاه‌های اشرافی شرق باستان برداشت شده است. خداوند روح ابدی است، او بصورت فیزیکی بر تخت نمی‌نشیند. این عبارات استعاره‌ای برای نقش اقتدار پادشاهی او می‌باشد.

۲:۲۲ "در دو طرف نهر، درخت حیات بود" مشابه همین درخت در مکاشفه ۷:۲ اشاره شده است. تمام این رویا از حزقیال ۴۷:۱-۱۲ (در اینجا، مکاشفه ۱۲:۲۲) می‌باشد. در پیدایش ۹:۲؛ ۳:۲۲ مراجع متعددی در ادبیات یهودیان در رابطه با درخت حیات وجود دارد (Enoch 25:2ff; IV Esdras 7:53; 8:3; II Enoch 8:3). آنچه که آدم در کنار خداوند از دست داد (همنشینی، دانش، زندگی ابدی)، اکنون خداوند به رایگان در اختیار بشر قرار می‌دهد (فیلیپیان ۶:۲).

□ "دوازده باز میوه می‌داد" به موضوع خاص: عدد دوازده در مکاشفه ۴:۷ رجوع نمایید.

□ "و برگهای آن برای شفای قومها بود" این عبارات بشدت غیر عادی هستند زیرا دیگر چیزی برای شفا دادن نباید باقی مانده باشد! بهر حال، می‌تواند فقط نقل قولی از حزقیال ۴۷:۱۲ باشد؛ احتمالاً تکرار مضمون الهیاتی این مفهوم که خداوند می‌خواهد همه ("قومها") نجات یابند (اشعیا ۳:۲-۴؛ ۲۵-۴۵؛ ۲۲:۶۰؛ ۳:۶۶-۱۸-۱۹؛ زکریا ۲:۱۱؛ ۸:۲۰-۲۳).

۳:۲۲ "دیگر هیچ لعنتی وجود نخواهد داشت" این عبارت کنایه‌ای است به پیدایش ۳:۱۷ و زکریا ۴:۱۱. عصر جدید فرا رسیده و نفرین عهد عتیق (افسیان ۲:۱۵-۱۶؛ کولسیان ۲:۱۴) با مرگ عیسی برداشته شده است (رومیان ۸:۱۸، ۲۵؛ غلاطیان ۳:۱۳؛ افسسیان ۲:۱۳، ۱۶). در کتاب مکاشفه، دریای بلورین آیه ۴:۶ نماد قدوسیت متعالی خداوند است. بشر رانده شده از بهشت نتوانست به حضور خداوند رسد، اما اکنون آن دریا برداشته شده است (مکاشفه ۱:۲۱).

این امکان وجود دارد که واژه عبری *charam*، بمعنی نابوده شده یا کاملاً از بین رفته باشد (زکریا ۱۱:۱۴). اگر کنایه عهد عتیق چنین باشد، پس این آیه اشاره به امنیت یهودیان اورشلیم جدید داشته و می‌تواند مشابه وعده‌های ۱ پطرس ۴:۱-۵ قلمداد گردد.

□ "به ویژگیهای غیرمتعارف دستوری این عبارات توجه نمایید. فقط یک تخت وجود دارد، اما دو نفر بر روی آن نشسته‌اند (خداوند و بره). با اینحال، خادمین به "او" (مفرد) خدمت می‌کنند. این مسئله شامل راز یکتاپرستی و تجسم می‌گردد. یک خدا، و همچنین یک مسیح آسمانی (و یک روح القدس شخصی).

۴:۲۴ "روی او را خواهند دید" در عهد عتیق دیدن خدا بمعنی مرگ بود. موسی اجازه نداشت تا صورت خدا را ببیند (خروج ۳۳: ۲۰). دیدن خدا یا زندگی کردن با او پاداش کسانی بود که دارای خلوص بودند (مزمور ۷: ۱۱؛ ۱۱: ۱۶؛ ۱۵: ۱۷؛ ۱۳: ۱۴۰؛ متی ۵: ۸). صمیمیت اصل در باغ عدن بطور کامل باز گردانیده شده است (مزمور ۴۲: ۱-۲).

□ "نام او بر پیشانی آنها خواهد بود" همچون شیطان (مکاشفه ۱۳: ۱-۱۷؛ ۹: ۱۴؛ ۴: ۲۰)، خداوند نیز پیروان خود را علامتگذاری می کند (مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۷: ۳؛ ۱۴: ۱). این نشان نماد مالکیت و امنیت بوده است. به یادداشت مکاشفه ۲: ۷ رجوع نمایید.

۵: ۲۲ "دیگر شب وجود نخواهد داشت" (رجوع شود به مکاشفه ۲۱: ۲۳-۲۵؛ اشعیا ۶۰: ۱۹-۲۰؛ زکریا ۱۴: ۷).

□ "آنها تا ابد سلطنت خواهند کرد" در طول دوران پادشاهی هزار ساله، چه کسی حاکم خواهد بود؟ مکاشفه ۴: ۲۰-۵ می گوید فقط عیسی خواهد بود که در طول دوران محنت در پایان عصر زندگی کرد، اما مکاشفه ۲: ۲۶ و ۵: ۱۰ اینگونه عنوان می کنند که همه قدیسان با مسیح بر روی زمین حکمرانی خواهند کرد. هیچ تفاوت واضحی در انجیل میان حیات ابدی (دانیال ۲: ۴۴؛ ۷: ۱۴، ۱۸؛ اشعیا ۹: ۷؛ لوقا ۱: ۳۳؛ ۲ پطرس ۱: ۱۱؛ مکاشفه ۱۱: ۱۵) و پادشاهی هزار ساله مسیح مشخص نشده است. بسیار نامناسب خواهد بود اگر بخواهیم از یک آیهی زیر رو کننده، یک دکترین استخراج نماییم. این آیه حکایت از یک پادشاهی ابدی دارد.

روایای قوم خدایی که ابلیس را تجربه می کنند، کسی که توسط خداوند در نهایت کاملاً نابود گردید، از حزقیال ۳۷-۳۹ برداشت شده است. یوحنا هرگز قصد نداشت تا این آیه بمعنای واقعی کلمه ترجمه و تفسیر گردد! اگر مفسری بخواهد روایی را در یک قالب ادبی و واقعی ترجمه و تفسیر نماید، سوء استفاده از نیت نویسنده خواهد بود! عشق ما به انجیل و کنجکاوای ما درباره آینده باعث گردیده تا کلیسای مدرن غربی، نبوت و ادبیات آخرالزمانی را به شیوههایی عجیب و تغییر شکل داده ترجمه و تفسیر نماید! به موضوع خاص: سلطنت در پادشاهی خدا در مکاشفه ۵: ۱۰ رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۶: ۲۲

فرشته به من گفت: «این سخنان درخور اعتماد است و راست است. خداوند، خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاد تا آنچه را که می باید زود واقع شود، به خادمان خود باز نماید.»

۶: ۲۲ "به من گفت" این عبارت اشاره به فرشتگانی دارد که هفت پیاله‌ی داوری را در اختیار داشتند (مکاشفه ۹: ۲۱؛ ۱: ۲۲؛ ۸، ۹، ۱۰).

□ "این سخنان درخور اعتماد است و راست است" این عبارات برای تعریف موارد زیر بکار رفته است:

۱. عیسی (مکاشفه ۱: ۵؛ ۳: ۷؛ ۱۴: ۱۹؛ ۱۱)

۲. پیروان عیسی (مکاشفه ۱۷: ۱۴)

۳. کلام عیسی (مکاشفه ۱۹: ۹؛ ۲۱: ۵؛ ۲۲: ۶)

گاهی خداوند بصورت "راست و قابل اعتماد" تعریف گردیده است (مکاشفه ۱۵: ۳؛ ۱۶: ۷؛ ۱۹: ۲). واژه عبری در پس این عبارت حکایت از قابل اعتماد بودن کامل و محض دارد.

□ "خداوند، خدای ارواح انبیا" این عبارت می تواند مرجع و اشاره‌ای به موارد زیر باشد:

۱. اشاره‌ای به مکاشفه ۱۹: ۱۰

۲. مرجعی برای الهام عهد عتیق (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶؛ ۲ پطرس ۱: ۲۰-۲۱)

۳. مرجعی برای الهام عهد جدید (۲ پطرس ۳: ۱۵-۱۶)

۴. مرجعی برای واعظین انجیل در دوران یوحنا

۵. مرجعی برای کتاب یوحنا (روایاها)

متون اصلی یونانی واژه این آیه را با حروف بزرگ نوشته‌اند. اغلب مترجمین و مفسرین باید تصمیم بگیرند که در اینجا "روح" اشاره به روح القدس دارد یا روح انسانی. از متن اینگونه برداشت می شود که به روح انسان اشاره دارد (۱ قرن ۱۴: ۳۲؛ عبرانیان ۹: ۱۲).

□ "فرشته خود را فرستاد" این عبارت کنایه‌ای است به مکاشفه ۱: ۱. این آیات پایانی بسیار شبیه به مایه اصلی فصل ۱ می باشند. چارچوب نامه‌های شخصی سنتی که در مکاشفه ۱ بکار برده شده بود، اکنون در اینجا، در مکاشفه ۲۲ استفاده شده است.

□ "آنچه را که می باید زود واقع شود" هر چقدر که به لحظه آمدن دوم نزدیک می شویم، مجموعه‌ای از کنایات به آن بیشتر شکل می گیرند (مکاشفه ۱: ۱، ۳؛ ۳: ۳؛ ۱۱: ۳؛ ۶: ۲۲ [دو بار]، ۷: ۲۲، ۱۰ و ۲۰). درک دو هزار سال تأخیر برای ایمانداران بسیار دشوار است (این تأخیر در ۲ تسالونیکیان تشریح

شده است)، اما باید توجه نمود که هر نسل از مسیحیان در دوران خود، به بازگشت مسیح امید بسته بودند. تنش واقعی در عهد جدید میان بازگشت در هر لحظه و آنچه که پیش از بازگشت مسیح باید بوقوع بیند، وجود دارد. ایمانداران باید همچنان وفادار و فعال باقی بمانند!

در اینجا خلاصه‌ای از نقل قول پیرامون این موضوع از تفسیر انجیل یوحنا را می‌نویسم

«بلحاظ الهیاتی، میان موضوعات زیر تناقض وجود دارد:

۱. بازگشت هر لحظه‌ای مسیح (متی ۲۴:۲۷، ۴۴) و این واقعیت که برخی رویدادها در تاریخ باید بوقوع بپیوندند
 ۲. پادشاهی او در آینده و پادشاهی او هم اکنون.
- عهد جدید می‌گوید که برخی رویدادها پیش از بازگشت دوم روی خواهند داد
۱. انجیل باید به تمام جهان وعظ گردد (متی ۲۴:۱۴؛ مرقس ۱۳:۱۰)
 ۲. ارتداد بزرگی باید بوجود آید (متی ۲۴:۱۰-۱۳، ۲۱؛ ۱ تیموتائوس ۴:۱؛ ۲ تیموتائوس ۳:۱؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳)
 ۳. مکاشفه «مرد و گناه» (دانیال ۷:۲۳-۲۶؛ ۹:۲۴-۲۷؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۲)
 ۴. حذف آن کسانی که مانع تراشی می‌کنند (۲ تسالونیکیان ۲:۶-۷)
 ۵. تجدید حیات یهودیت (زکریا ۱۲:۱۰؛ رومیان ۱۱)

آنان که باور دارند در هفت نامه مستقل کتاب، موازات شگفت‌انگیزی وجود دارد، نیز تصریح می‌کنند که هر یک از آنان معرف دوره‌ای میان آمدن اول و دوم مسیح از جنبه‌های مختلف هستند (William Hendriksen, *More Than Conquerors*). اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، پس متونی که اشاره به بازگشت هر لحظه‌ای مسیح می‌کنند (مکاشفه ۳:۱؛ ۱۱:۳؛ ۷:۲۲؛ ۱۰، ۱۲، ۲۰) در واقع اشاره به آغاز این نبوتها پس از مرگ و رستاخیز مسیح دارند. گوی الهیاتی در حال غلتیدن است!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۷:۲۲

«اینکه به زودی می‌آیم! خوشا به حال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه می‌دارد.»

۷:۲۲: «به زودی می‌آیم» روشن است که فرشته از عیسی نقل قول آورده است (مکاشفه ۱۲:۲۲-۱۵). این عبارت به طور مشخص توسط عیسی در مکاشفه ۱۶:۲۲ بیان شده است. آن که در مکاشفه ۱۷:۲۲ و ۱۸:۲۲-۱۹ سخن می‌گوید دقیقاً مشخص نیست، اما عیسی دوباره در مکاشفه ۲۰:۲۲ و یوحنا در مکاشفه ۲۱:۲۲ صحبت می‌کنند. به موضوع خاص: بازگشت زود هنگام در مکاشفه ۳:۱ رجوع نمایید.

□ «خوشا به حال کسی که» این استعاره از هفت نامه برای ایمانداران در طول کتاب دیده می‌شود (مکاشفه ۳:۱؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۹:۹؛ ۲۰:۶؛ ۲۲:۷، ۱۴).

□ «نبوت» این کتاب سرتاسر نبوت است و باید در زیر نور ادبیات خاص خود ترجمه گردد (مکاشفه ۹:۲۲-۱۰، ۱۸-۱۹؛ ۳:۱؛ ۱۱:۱۰). این کتاب، روایت تاریخی نیست! نبوت همیشه دارای عنصر شرط بوده است. بخشهای اسکاتولوژیک عهد جدید بصیرت نبوتی عهد عتیق را بازتاب داده که در پایان عصر و در میان رویدادهای دوران معاصر و اجابتهای مبتنی بر ایمان، بررسی می‌گردند. بسیاری از مفسران معتقدند که این سبک به دور از نبوت یهودیت رشد کرده است. به موضوع خاص نبوت در عهد جدید در مکاشفه ۳:۱ رجوع نمایید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۸-۹:۲۲

«من، یوحنا، همان کسی هستم که این چیزها را دیدم و شنیدم. و پس از دیدن و شنیدن آنها، پیش پاهای آن فرشته که آنها را به من نشان داده بود، افتادم تا سجده کنم. ^۱ اما او به من گفت: «مبادا چنین کنی! من نیز همچون تو و برادران تو، انبیا، و آنان که کلام این کتاب را نگاه می‌دارند، خادم اویم. خدا را پرست.»

۸:۲۲ این آیه بشدت غیرعادی است. این دقیقاً مشکلی است که یوحنا در مکاشفه ۱۰:۱۹ داشت. روشن است که او باید فکر کرده باشد که این فرشته، خدا بوده است.

۹:۲۲: «آنان که کلام این کتاب را نگاه می‌دارند» مسیحیت با توبه، ایمان، تداوم توبه، اطاعت و استقامت در ایمان آغاز می‌گردد! مکاشفه، برای مسیحیان ستم‌دیده و با تأکید بر استقامت آنان نوشته شده است. آزمایش برای فرهنگ امروزی ما، رنج فیزیکی نیست، بلکه «خشک مغزی»، بی‌عاطفگی، بی‌خدایی، مادیکرای، مسیحیت ظاهری و توخالی با همه فواید و بدون هیچ مسئولیتی است!

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۰:۲۲-۱۱

^{۱۰} «آنگاه به من گفت: «کلام نبوت این کتاب را مَهرِ نَکن زیرا وقتِ نزدیک است. ^{۱۱} پس شخص بدکار، به بدی کردن ادامه دهد و مفسد، همچنان به فساد پردازد؛ نیکوکار، به نیکویی کردن ادامه دهد و مقدّس، همچنان مقدّس بماند.»

۱۰:۲۲ «مَهرِ نَکن» این عبارت درست نقطه مقابل اشعیا ۸:۱۶؛ دانیال ۸:۲۶ و ۱۲:۴، ۹ است. زمان به مرحله اجرا رسیدن نبوت فرا رسیده است. هم اکنون زمان اجرایی شدن هشدارهای خداوند به بی‌ایمانان و تشویق ایمانداران است! اکنون زمان تصمیم‌گیری تعیین کننده است! پادشاهی آماده است. □ «وقتِ نزدیک است» به موضوع خاص: بازگشت سریع در مکاشفه ۱:۳ مراجعه شود.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۲:۲۲-۱۳

^{۱۲} «اینک به زودی می‌آیم و پاداش من با من است تا به هر کس بر حسب اعمالش جزا دهم. ^{۱۳} «من 'الف' و 'ی'، اَوَّل و آخِر، و ابتدا و انتها هستم.»

۱۲-۱۳:۲۲ «تا به هر کس بر حسب اعمالش جزا دهم» این مضمون در طول انجیل تکرار شده است (ایوب ۳۴:۱۱؛ مزمور ۴:۲۸؛ ۱۲:۶۲؛ امثال ۱۲:۲۴؛ جامعه ۱۲:۱۲؛ ارمیا ۱۰:۱۷؛ ۱۹:۳۲؛ متی ۲۷:۱۶؛ ۳۱:۲۵-۴۶؛ رومیان ۲:۶؛ ۱۲:۱۴؛ ۱ قرنتیان ۳:۸؛ ۲ قرنتیان ۵:۱۰؛ غلاطیان ۶:۷-۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۴:۱۴؛ ۱ پطرس ۱:۱۷؛ مکاشفه ۲:۲۳؛ ۱۲:۲۰). خداوند به آنان که او را دوست داشته و در میانه این دوران افول کرده بخاطر او زندگی می‌کنند، پاداش عطا خواهد کرد (۲:۲۳؛ ۲۰:۱۲-۱۳). زندگی، ویژگی حقیقت معنوی درونی ایمان را روشن می‌کند (متی ۷). انسانها ناظر بر هدیه زندگی بوده و برای خداوند حساب باز کرده‌اند!

این موضوع دلالت بر «کارهای پارساگونه» ندارد. بشر با رحمتِ خداوند و با مرگ عیسی و قیام او و لطف روح القدس بازسازی گردید! با اینحال، مدرک به حضور رسیدن در پیشگاه خداوند، زندگی دچار تحول شده و حیات شبیه به مسیح است! الویتهای انسان است که قلب او را عیان می‌سازد! □ این آیه کنایه به دانیال ۱۰:۱۲ است.

۱۲:۲۲ «به زودی می‌آیم» به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۳ رجوع شود.

۱۳:۲۲ این آیه کنایه‌ای به عناوین عهد عتیقی برای یهوه بوده که در مکاشفه ۸:۱ و ۶:۲۱ دیده می‌شوند، اما در اینجا اشاره به عیسی می‌کند. انتقال این عناوین عهد عتیقی به عیسی یکی از روشهای نویسندگان عهد جدید برای تأیید ریشه‌های او بوده است. آیه ۱۳ دارای سه عنوان یا فرازهای نظیر این بوده که در واقع خدای ازلی را تعریف می‌نماید (اشعیا ۴۱:۴؛ ۴۴:۶؛ ۴۸:۱۲)، اما در اینجا برای عیسی بکار برده شده‌اند (مکاشفه ۱:۱۷؛ ۸:۲).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۴:۲۲-۱۵

^{۱۴} خوشا به حال آنان که ردای خود را می‌شویند تا حق دسترسی به درخت حیات را پیدا کنند و بتوانند به دروازه‌های شهر داخل شوند. ^{۱۵} «سگها و جادوگرها و بی‌عفتان و آدمکشان و بت‌پرستان و همه کسانی که دروغ را دوست می‌دارند و آن را به عمل می‌آورند، بیرون می‌مانند.»

۱۴:۲۲ «خوشا به حال» آیین آخرین مورد از هفت دعای خیر است که برای ایمانداران در کتاب مکاشفه دیده می‌شود (مکاشفه ۱:۱۴؛ ۱۳:۱۶؛ ۱۵:۹؛ ۹:۱۶؛ ۶:۲۰؛ ۷:۱۴).

□ «آنان که ردای خود را می‌شویند» این استعاره‌ای برای اعتماد به کفاره عیسی است (مکاشفه ۷:۱۴). ایمانداران پذیرفته شده‌اند به این دلیل که او پذیرفته شده بود (افسیان ۱:۶). ایمانداران زنده هستند زیرا که او مرد. ایمانداران رستخیز خواهند داشت زیرا که او زنده است!

در نسخه خطی یونانی، ترجمه مغایری از این عبارت وجود دارد.

۱. «ردای خود را می‌شویند» در نسخه MSS ۸ (قرن چهارم) و A (قرن پنجم) و همینطور نسخه Vulgate وجود دارد. UBS⁴ به این عبارت درجه A داده که بمعنی «مطمئن» بودن آن است.

۲. «فرامین را حفظ کنند» در 046 که یک دوازدهم MS از قرن دهم، کوچکتر از MSS (۱ و ۹۴) از قرن دوازدهم، و Peshitta نسخه سوری‌های، دیده می‌شود.

□ «حق دسترسی به درخت حیات را پیدا کنند و بتوانند به دروازه‌های شهر داخل شوند» این جملات دو استعاره برای رستگاری ابدی بواسطه عیسی می‌باشد. یک جمبه بر می‌گردد به پیدایش ۲:۹؛ ۳:۲۲ (مکاشفه ۲:۷؛ ۲:۲۲، ۱۴، ۱۹) و دیگری به مکاشفه ۲:۲۱، ۹-۲۲:۵.

۱۵:۲۲ «بیرون می‌مانند» این عبارت برای تفسیر بسیار دشوار است، مگر اینکه آن را استعاره‌ای برای دریاچه آتشین در نظر بگیریم (مکاشفه ۸:۲۱).

□ "سگها" این کنایه‌ی عجیب دیگری است زیرا قاعدتاً در این مقطع از کتاب نباید مردمان شریر دیگری باقیمانده باشند. در کتاب تثبیه ۱۸:۲۳ این واژه اشاره به مردان فاحشه‌ی فرقه کنعانیان دارد. در قسمتهای دیگر عهد عتیق و جدید اشاره به مردم گناهکار دارد (مزمور ۱۶:۲۲، ۲۰؛ متی ۶:۷؛ و فیلیپیان ۲:۳). اجازه دهید از Robert H. Mounce نقل قولی از تفسیر او بر کتاب مکاشفه در New International Series بیاورم:

"آیه قصد ندارد به ما بگوید که در زمان ابدیت همه انسانهای گناهکار در خارج از شهر آسمانی خواهند ماند. بلکه خیلی ساده آینده را با تصویر امروز، تعریف می‌نماید. تضاد، میان انسان باوقای مورد دعای خیر قرار گرفته و از سوی دیگر سرنوشت گناهکاران است" (صفحه ۳۹۴).

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۶:۲۲

۱۶ «من، عیسی، فرشته خود را نزد شما فرستادم تا این چیزها را به کلیساها اعلام کند. من ریشه و نسل داوود و ستاره درخشان صبح هستم.»

۱۶:۲۲ "من، عیسی، فرشته خود را نزد شما فرستادم تا این چیزها را به کلیساها اعلام کند" توجه داشته باشید که "شما" بصورت جمع بکار برده شده و کنایه‌ای بسیار مشخص به هفت کلیسا در مکاشفه ۲-۳ است. کتاب با سبک نامه شروع و خاتمه می‌یابد، درحالیکه رویاهایی که در این میان مطرح گردیده‌اند تلفیقی از نبوت (پایان از نگاه عصر حاضر مورد بحث قرار گرفته) و آخر زمان (روای متصور شده) می‌باشند.

□ "فرشته خود" فرستنده اغلب خدای پدر است (مکاشفه ۲۲:۶، "فرشته او"). در اینجا فرستنده عیسی است ("فرشته خود"). این فراز همچنین در مکاشفه ۱:۱ دیده می‌شود، اما ضمیر پیشین آن مبهم است.

□ "کلیساها" به موضوع هاص در مکاشفه ۴:۱ رجوع نمایند.

□ "من ریشه و نسل داوود هستم" کنایه‌های زیادی به خاندان داوود در عهد عتیق (۲ سموئیل ۷:۱۲-۱۶ و اشعیا ۱۱:۱، ۱۰) و در عهد جدید (متی ۱:۱؛ ۹:۱۷؛ ۱۵:۲۲؛ ۲۱:۹؛ رومیان ۱:۳؛ ۲ تیموتائوس ۲:۸ و مکاشفه ۵:۵) شده است. عیسی مکمل همه نبوتها است.

موضوع خاص: عیسی ناصری

(Special Topic: Jesus The Nazarene)

در عهد جدید وقتی از عیسی صحبت می‌شود، از چندین اصطلاح مختلف یونانی استفاده می‌شود.

A. اصطلاحات عهد جدید

۱. ناصری - شهری در جلیل (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۶:۱، ۲:۴ و ۳۹ و ۵۱، ۱۶:۴، اعمال رسولان ۳۸:۱۰). از این شهر در منابع آن زمان اسمی برده نشده است، ولی بعدها در کتیبه‌هایی یافت شد. اهل ناصره بودن برای عیسی افتخار نبود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۴۶). درج این نام در پای صلیب عیسی نشانگر تحقیر کردن وی توسط یهودیان است.
۲. *Nazarēnos* - به نظر می‌رسد که به یک مکان جغرافیایی اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۴، ۴:۱۹). (۲۴:۱۹).
۳. *Nazōraios* - ممکن است به شهری اشاره داشته باشد، ولی می‌تواند هم بازی با کلمه مسیحی "Branch" در زبان عبری باشد (netzer, BDB 666, KB 718 II, اشعیا ۱:۱۱، BDB 855، ارمیا ۵:۲۳، زکریا ۸:۳، ۶:۱۲، در مکاشفه ۱۶:۲۲ به آن اشاره شده). لوقا از این برای عیسی در ۱۸:۳۷ و اعمال رسولان ۲۲:۲، ۳:۶، ۴:۱۰، ۶:۱۴، ۲۲:۸، ۲۴:۵، ۲۶:۹ استفاده کرده است.

۴. در ارتباط با شماره ۳، *nāzīr* (BDB 634, KB 684) که به معنی "آن تقدیس شده به وسیله پیمان" است.

B. استفاده‌های تاریخی از کلمه خارج از عهد جدید

۱. به معنی یک گروه یهودی (قبل از مسیح) است (در زبان آرامی *nāsōrayyā*)
۲. در دایره‌های یهودی استفاده می‌شد تا کسانی که به مسیح ایمان دارند را توصیف کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵:۲۴ و ۱۴، ۲۲:۲۸، *nosri*)
۳. تبدیل به اصطلاحی شد که برای مومنین در کلیساهای سوریه به کار می‌رفت (آرامی). کلمه "مسیحی" در کلیساهای یونانی برای مومنین به کار می‌رفت.
۴. مدتی پس از سقوط اورشلیم، فریسیان در جمنیا تجدید سازمان یافتند و رسماً کنیسه و کلیسا را از یکدیگر تفکیک کردند. نمونه‌ای از دشنامهای علیه مسیحیان در دعای هیجدهم از پراکوت ۲۸ ب الی ۲۹ که مومنین را "ناصریان" خطاب می‌کند، یافت می‌شود.

"بسیاری از ناصریان و مرتدها در لحظه ناپدید می‌شوند، آنها باید از کتاب زندگی حذف شوند و با وفاداری نباید نوشته شوند"

۵. توسط جاستین مارتیر در *Dial*، ۱: ۱۲۶ استفاده شده است، که از *netzer* اشعیا (اشعیا ۱: ۱۱) در مورد عیسی استفاده کرده است.

C. نظر نویسنده

من از این همه نگارشهای متفاوت در شگفت هستم، هر چند که می‌دانم در عهد عتیق بسیار تکرار شده است، مانند "یوشع" که در عبری از چندین نگارش متفاوت استفاده کرده است. موارد زیر باعث شدند که در مورد معنی آن اطمینان نداشته باشم:

۱. نزدیکی بسیار زیاد با نگارش اصطلاح "Branch" (*netzer*) یا اصطلاحات مشابه *nāzīr* (آن که با پیمان بستن قدیس شد)

۲. مفهوم منفی جلیل برای پیروان سایر ادیان

۳. نبود مدرک در مورد وجود شهری بنام ناصره در جلیل

۴. از دهان شیطان با مفهوم اسکاتولوژیک بیرون می‌آید (مثلاً "آیا برای نابودی ما آمده ای؟")

برای مطالعه انجیلی کامل این مجموعه کلمات به کتاب *New International Dictionary of New Testament Theology* اثر کالین براون، جلد دوم، صفحه ۳۴۶ و یا *Birth of the Messiah* اثر ریموند ایبی براون، صفحات ۲۰۹ الی ۲۱۳ و ۲۲۳ الی ۲۲۵ مراجعه کنید.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۷:۲۲

^{۱۷} "روح و عروس می‌گویند: «بیا!» هر آن که می‌شنود بگوید: «بیا!» هر که تشنه است بیاید؛ و هر که طالب است، از آب حیات به‌رایگان بگیرد."

۱۷:۲۲ "روح و عروس می‌گویند: «بیا!»" با وجود ترجمه‌های گوناگون از این بخش از آیه، اما از محتوای متن اینگونه بنظر می‌رسد که باید دعوت انجیل از همه آنانی که احساس نیاز می‌کنند و خدا نیز بواسطه مسیح، آنان را اجابت خواهد کرد. تمرکز کتاب مکاشفه ادامه پیدا کرده است، نه فقط برای تشویق نجات یافتگان، بلکه بمنظور تشویق آنان که راه خود را گم کرده‌اند به دعوت خدا توسط پسرش. کاربرد چهارلایه "بیا" (هر چهار تا اشاره به گمشدگان دارد و نه به بازگشت دوم مسیح)؛ تکرار عبارت "هر آنکه"؛ و خبر خوش شگفت‌انگیز که به این معنا است، بدون هیچ هزینه‌ای (اشعیا ۵۵) باید برای هر کسی مشوق بوده و هر کسی نیز باید این دعوت را اجابت کند! این موضوع باید به دوران یوحنا باز گردد (و همه دور آنها). این امر می‌تواند توضیح دهنده عناصر غیر متعارف (حضور گمشدگان پس از روز داوری) در مکاشفه ۱۹-۲۲ باشد. موارد زیادی وجود دارد که به دوران حیات یوحنا باز می‌گردد، و می‌تواند توسط تقارن میان هفت نامه مستقل در کتاب مکاشفه توضیح داده شود. او عبارت "فرزندان عزیز" با ذهنیت افسوس نوشت (۱، ۲، ۳ یوحنا).

موضوع خاص: تثلیث

(Special Topic: The Trinity)

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین‌ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

A. اناجیل

۱. انجیل متی ۳:۱۶ و ۱۷، ۲۸:۱۹ (و بقیه بطور موازی)

۲. انجیل یوحنا ۱۴:۲۶

B. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲:۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹

C. پولس

۱. رومیان ۱:۴ و ۵، ۵:۱ و ۵، ۸:۱ الی ۸:۴، ۱۰:۴

۲. اول قرنتیان ۲:۸ الی ۱۰، ۱۲:۴ الی ۶

۳. دوم قرنتیان ۱:۲۱ و ۲۲، ۱۳:۱۴

۴. غلاطیان ۴:۴ الی ۶

۵. افسسیان ۱:۳ الی ۱۴، ۱۷ و ۱۸، ۲:۱۴، ۳:۱۴، ۴:۴ الی ۶

۶. اول تسالوکیان ۱:۲ الی ۵

۷. دوم تسالوکیان ۲:۱۳

۸. تیتوس ۳:۴ الی ۶

D. پیتر - اول پطرس ۱:۲

E. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می شود

A. کاربرد به صورت جمع برای خدا

۱. نام الوهیم (Elohim) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می رود همیشه فعل به صورت مفرد است

۲. "به ما" در سفر پیدایش: ۱:۲۶ و ۲۷، ۳:۲۲، ۱۱:۱۷

B. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

۱. سفر پیدایش ۱۶:۷ الی ۱۳، ۱۱:۲۲ الی ۱۵، ۱۱:۳۱ و ۱۳، ۱۵:۴۸ و ۱۶

۲. خروج ۳:۲ و ۴، ۱۳:۲۱، ۱۴:۱۹

۳. داوران ۱:۲، ۲:۲۲ و ۶، ۱۳:۳ الی ۲۲

C. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱:۱ و ۲، مزامیر ۳۰:۱۰۴، اشعیا ۹:۶۳ الی ۱۱، حزقیال ۱۳:۳۷ و ۱۴

D. خدا (یهوه) و مسیح (Adon) جدا هستند، مزامیر ۶:۴۵ و ۷، ۱:۱۱۰، زکریا ۸:۲ الی ۱۱، ۱۰:۹ الی ۱۲

E. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۰:۱۲

F. هر سه در اشعیا ۱۶:۴۸ و ۶۱:۱ نام برده شده اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سختگیر و مومنین اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می دانستند

۲. اوریگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تثلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱:۱، فیلیپیان

۲:۶، تیتوس ۲:۱۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد

۳. دکترین تثلیث سه گانه به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است

این واقعا یک راز است. ولی عهد جدید یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می کند.

متن NASB (بروز شده): مکاشفه ۱۸:۲۲-۱۹

^{۱۸} من به هر کس که کلام نبوت این کتاب را می شنود هشدار می دهم که اگر کسی چیزی بدان بیفزاید، خدا بلاهای نوشته شده در این کتاب را بر او خواهد افزود. ^{۱۹} و اگر کسی از کلام نبوت این کتاب چیزی کم کند، خدا او را از درخت حیات و از شهر مقدس، که در این کتاب درباره آنها نوشته شده است، بی نصیب خواهد ساخت.

۱۹-۱۸:۲۲ این آیات بروشنی با اولین شنوندگان پیام، و همچنین همه خوانندگان و شنوندگان این کتاب در آینده ارتباط داشته است. این تمرین به مفهوم واقعی کلمه در عهد عتیق رواج داشته تا هشدارها خطاب به آنان که ممکن است در مقابله با کلام خدا وسوسه شوند، جدی گرفته شود (تثنیه ۴:۲؛ ۱۲:۳۲). این امر نباید واقعی تلقی گردد، بلکه این یک مبالغه افراطی در مشرق زمین، در مورد جدی بودن تغییر پیام خدا است. این آیه اشاره به مترجمین باورمند یا قبایلی که خدا را با حرارت پرستش می کنند و خواست او را دنبال می نمایند، ندارد، بلکه بنا به گفته ایرنیوس در کتاب *Contra-Heresies* 30:12، اشاره به معلمان دروغینی داشته که کلام متن را بنا به فراخور خود اضافه، حذف یا تغییر می دهند. بحث اصلی این عبارات حول این محور است. بخاطر داشته باشید که ما نمی توانیم یک آیه را ویرایش کرده و از آن دکترینی بسازیم که بر خلاف آموزه های صریح کلام خدا است.

□ "اگر...اگر" این دو اگر جملات شرطی نوع سوم هستند که از عملی احتمالی سخن می گویند.

آن که بر این امور شهادت می دهد، چنین می گوید: «آری، به زودی می آیم.» آمین. بیا، ای خداوند عیسی!

۲۰:۲۲ "به زودی می آیم" پایان بلادرنگ، آمدن مسیح برای داوری از ویژگیهای ادبیات یهود و مسیحیت است. همین مضمون مشابه در متی ۱۳:۳۴-۳۶؛ ۲۴:۴۳-۴۴؛ ۱۳:۲۵-۱؛ لوقا ۱۲:۲۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵:۲، ۴؛ ۲ پطرس ۳:۱۰ دیده می شود. در این ۲۰۰۰ سال تأخیر باید به جد درک نماییم، او در حال آمدن است! زنده و حاضر. به موضوع خاص در مکاشفه ۱:۳ رجوع نمایید.

□ "بیا، ای خداوند عیسی" *Maranatha* یک عبارت آرامی است (۱ قرن تیان ۱۶:۲۲). به روشهای گوناگونی می توان این عبارت را ترجمه کرد:

۱. اگر *Maranatha* نوشته شود، پس بمعنی "سرور ما آمده است" می باشد

۲. اگر *Marana tha* نوشته شود، بمعنی "بیا ای سرور من" می باشد

در این متن گزینه اول بهترین انتخاب است. ما از Didache 10:6 یاد گرفتیم که این بخش پایانی علم العبادات، برای شام آخر عیسی در دوران یوحنا بوده است.

موضوع خاص: ماراناتا

Special Topic: Maranatha

این یک عبارت آرامی است که نشان دهنده الهیات اولیه فلسطین (۱) الهی بودن عیسی (مزامیر ۱۱۰) یا (۲) آمدن دوم عیسی (اعمال رسولان ۳: ۱۹-۲۱) است. معنی آن بستگی به این دارد که چگونه کلمه را تقسیم شود:

۱. "سرورم، بیا" (*marana-itha*) معنی یک عبارت عرفی مشابه در مکاشفه ۲۰:۲۲ است. بنابراین، بیشتر ترجمه ها معنی اول قرن تیان ۱۶: ۲۲ را مد نظر قرار میدهند. اگر چنین باشد، پس این دعا برای بازگشت عیسی خواهد بود.

۲. "سرورمان آمده است" (*maran-atha*) یک زمان کامل آرامی خواهد بود. این ترجمه است که کریسوستوم (۳۴۵ الی ۴۰۷ میلادی) ترجیح داده است، که از قیام عیسی سخن بگوید.

۳. "سرورمان در حال آمدن است"، یک زمان نبوتی کامل در دستور زبان عبری، که بسیاری از آنها به عنوان انگیزه ای برای بشارتهای مسیحی استفاده می کنند، منعکس می شود. آمدن دوم همیشه برای مؤمنان در هر سنی تشویق شده است.

۴. Didache 10:6 (که در اواخر قرن اول یا دوم نوشته شده است) از همان عبارت در متن شام سرور استفاده می کند که در آن حضور عیسی و آینده مسیحیت هر دو در دعا تأکید می شوند.

^{۲۱} فیض خداوند عیسی با همه شما باد. آمین.

۲۱:۲۲ توجه داشته باشید که "فیض خداوند عیسی" در کنار مردمش، حقیقت محض برای عصری است که در آن مسیحیان تحت ستم بوده و امید مسیحیان در همه نسلها می باشد!

سوالات این بحث

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

این سوالات برای کمک به شما در مشکلات بزرگ این بخش از کتاب هستند. هدف از آنها برانگیختن تفکر شماسنت و قطعیت ندارند.

۱. آیا ایمانداران به بهشت می روند و یا اینکه بهشت بر روی یک زمین پاک شده بوجود خواهد آمد؟

۲. چگونه مکاشفه ۳:۲۱ با واژه "امانوئیل" مرتبط گردیده است؟

۳. چرا دیگر در اورشلیم جدید معبدی وجود ندارد (مکاشفه ۲۱:۲۲)؟

۴. مردمی که در مکاشفه ۲۱:۲۴ از آنان ذکر به میان آمده چه کسانی هستند؟

۵. ایمانداران چگونه کلام نبوت را حفظ می کنند (مکاشفه ۲۲:۷)؟

۶. اگر این بهشت هست، پس آن شریهایی که در مکاشفه ۱۵:۲۲ در بیرون شهر هستند چه کسانی می باشند؟

۷. مکاشفه ۱۷:۲۲ از چه جهت اهمیت دارد؟
۸. آیا مکاشفه ۱۸:۱۹-۲۲ باید بمعنی واقعی کلمه واقعی تلقی گردد؟ آیا ایمان‌داری که مکاشفه را اشتباه ترجمه می‌کند، رستگاری خود را از دست خواهد داد؟
۹. در مکاشفه ۲۲، سه بار گفته شده "من می‌آیم" (مکاشفه ۷:۲۲، ۱۲، ۲۰). چرا این امر بیش از ۲۰۰۰ سال بطول انجامیده است؟

معانی واژگان دستور زبان یونانی بطور خلاصه

یونانی کوین (*Koine Greek*) که اغلب یونانی هلنی (*Hellenistic Greek*) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود.

نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسندگان عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تاثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوین نوشته شده بود. ولی Septuagint توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود.

این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) Septuagint، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروسی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمتهای مختلف متن).

۱. زمان فعل

a. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناکامل" گفته می‌شود.

i. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.

ii. فعل زمان ناکامل بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.

b. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد

i. رخ داد (عمل انجام شد) = آنوریستی

ii. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل

iii. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید

iv. در حال وقوع است = زمان حال

v. در حال انجام بود = ناکامل

یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (save) باشد. این در

چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

i. آنوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸: ۲۴)

ii. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۲: ۵ و ۸)

iii. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرن‌تیمان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲)

iv. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹)

c. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید بدنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده

کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" آنوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گوید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر

هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تاکید شده بود. ولی چه؟

- i. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان آنوریستی و زمان حال است. معمولاً تمرکز بر روی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۲: ۵ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")
- ii. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ "پطرس پشت در ایستاد."
- iii. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولاً بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳: ۶ و ۹، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند." "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
- iv. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۳: ۵ "مردمان اور شلیم و سرا سر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اوشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند."
- v. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۵: ۴ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد."

۲. لحن گفتار

- a. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- b. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- c. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
 - i. عامل مستقیم فردی توسط *hupo* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲، اعمال رسولان ۲۲: ۳۰)
 - ii. یک عامل فردی واسطه توسط *dia* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲)
 - iii. یک عامل غیر فردی توسط *en* با حالت موردی
 - iv. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- d. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد. احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
 - i. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۲۷: ۵، "خود را حلق آویز کرد"
 - ii. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
 - iii. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۲۶: ۴، "شور کردند"

۳. حس گفتار (یا "حالت")

- a. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- b. حالت دلالت کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- c. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیفتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولاً با *may*، *would*، *could* و یا *might* بیان می‌شود.
- d. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۳: ۴ و ۶ و ۳۱، ۶: ۲ و ۱۵، ۷: ۷ و ۱۳، ۹: ۱۴، ۱۱: ۱ و ۱۱، اول قرنتیان ۶: ۱۵، غلاطیان ۲: ۱۷، ۳: ۲۱، ۶: ۱۴)
- e. حالت دلالت کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تأکید می‌کند، ولی تأکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط،

انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آئوریستی در عهد جدید هستند.

f. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه کرد. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر کمک زیادی می‌کند.

g. زمان آئوریست دلالت کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.

۴. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کنند:

a. باربارا و تیموتی فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بیکر، سال ۱۹۸۸

b. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶

c. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳

d. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰

e. دروس مکاتباتی زبان یونانی کوین که دارای تأیید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگو ایلینویز قابل دسترسی است.

۵. اسم

a. از نظر دستور زبان، اسم‌ها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوین، بسیار از عملکردهای مورد دلالت بر ضمائر مفعولی دارند. از آنجا که حالت مورد می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.

b. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:

i. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شود و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شد.

ii. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شد و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شد. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.

iii. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شد، ولی برای توصیف جدا سازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبدأ، منشا یا درجه استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (*from*) بیان می‌شود.

iv. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شد. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (*to*) بیان می‌شد.

v. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در"، "آن"، "روی"، "میان"، "در طول"، "توسط"، و "باضافه" بیان می‌شود.

vi. حالت‌یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شد. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.

vii. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شد. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.

viii. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شد.

۶. حروف ربط

a. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.

b. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند.)

- i. حروف ربط زمانی
۱. *epei, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan* (موضوع) - "وقتی که"
 ۲. *heōs* "در حالی که"
 ۳. *hotan, epan* (موضوع) - "هر وقت"
 ۴. *heōs, achri, mechri* (موضوع) - "تا وقتی که"
 ۵. *priv* (مصدر) - "قبل از"
 ۶. *Hōs* - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"
- ii. حروف ربط منطقی
۱. هدف
 - a. *hina, hopōs, hōs* - به منظور، "که"
 - b. *hōste* (مصدر مفعولی) - "که"
 - c. *Pros* - (مصدر مفعولی) یا *eis* (مصدر مفعولی) - "که"
 ۲. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)
 - a. *hōste* (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"
 - b. *hiva* (موضوع) - "تا"
 - c. *Ara* - "بنابراین"
 ۳. دلیل یا سبب
 - a. *gar* (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"
 - b. *dioti, hotiy* - "از"
 - c. *dia* (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"
 ۴. استنتاج
 - a. *ara, poimun, hōste* - "بنابراین"
 - b. *dio* (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"
 - c. *oun* - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"
 - d. *Toinoun* - "متعاقبا"
 ۵. حرف نقض یا مخالف
 - a. *Alla* (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"
 - b. *De* - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"
 - c. *kai* - "اما"
 - d. *mentoi, oun* - "معهدا"
 - e. *plēn* - "با این وجود"
 - f. *oun* - "معهدا"
 ۶. مقایسه
 - a. *hōs, kathōs* (معرفی جمله مقایسه‌ای)
 - b. *kata* (در ترکیب، *kathosper, kathaper, katho*)
 - c. *hosos* (در عبرانیان)
 - d. *ē* - "از"
 - e. توالی یا سری
 - f. *de* - "و"، "حالا"
 - g. *kai* - "و"
 - h. *tei* - "و"
 - i. *hina, oun* - "که"

ج. *oun* - "بعد" (در انجیل یوحنا)

۷. کاربردهای تاکیدی

a. *Alla* - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"

b. *ara* - "در واقع"، "یقینا"، "واقعا"

c. *gar* - "اما واقعا"، "یقینا" حتما"

d. *de* - در واقع

e. *ean* - "حتی"

f. *kai* - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"

g. *mentoi* - "در واقع"

h. *oun* - "واقعا"، "با تمام قوا"

۷. جملات شرطی

a. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعل اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.

b. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۴: ۳، رومیان ۸: ۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۲۷).

c. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:

i. "اگر این مرد برآستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷: ۳۹)

ii. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۵: ۴۶).

iii. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱: ۱۰)

d. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولا بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعل اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۱: ۶ الی ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹، ۳: ۲۱، ۴: ۲۰، ۵: ۱۴ و ۱۶.

e. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چهارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۳: ۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریباً جمله جمع‌بندی در اعمال رسولان ۸: ۲۱ می‌باشد.

۸. ممانعت‌ها

a. زمان حال امری با پسوند $M\bar{E}$ اغلب (ولی نه انحصاراً) تاکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۶: ۱۹، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶: ۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶: ۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید" (افسیسیان ۴: ۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسیسیان ۵: ۱۸).

b. وجه شرطی ائوریستی با پسوند $M\bar{E}$ تاکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵: ۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶: ۳۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱: ۸).

c. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملاً محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸: ۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرنتیان ۸: ۱۳).

۹. حرف تعریف

a. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقاً مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را داشته باشد

i. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر

ii. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلاً معرفی شده

iii. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴: ۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۱: ۵)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶)

b. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:

i. تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی

ii. تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی

c. نویسندگان عهد جدید از روشهای کاملاً متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.

۱۰. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی

a. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملاً متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت‌ترین قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسندگان عبرانیان بودند.

b. پیشتر گفتیم که آئوریست دلالت‌کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که آئوریست دلالت‌کننده فعال اغلب برای مفاهیم دست‌زبان مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۶: ۱۰ دو مرتبه تکرار شده)

c. ترتیب کلمه در یونانی کوبین

i. زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسنده می‌تواند از ترتیبی

که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کند

۱. آنچه که نگارنده می‌خواست به خواننده تاکید کند

۲. آنچه که نگارنده تصور می‌کرد برای خواننده حیرت‌انگیز باشد

۳. آنچه نگارنده عمیقاً بدان فکر می‌کرد

ii. هنر ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است

۱. برای وصل کردن افعال

a. فعل

b. فاعل

c. متمم

۲. برای افعال متعدی

a. فعل

b. فاعل

c. مفعول

d. مفعول باواسطه

e. حرف اضافه

۳. برای عبارات اسمی

a. اسم

b. تعدیل‌کننده

c. حرف اضافه

iii. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:

۱. "دست‌رفاقت به من و برنابا دادند." عبارت "دست‌رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۲: ۹).

۲. "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲: ۲۰).

۳. "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱: ۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.
- d. معمولا مقداری تاکید نشان داده می‌شود توسط:
- i. تکرار ضمیری که قبلا در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی ۲۸: ۲۰)
 - ii. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می‌شود. انتظار یک رابط می‌رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می‌کند. مثالها:
 ۱. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵: ۳ (تاکید در لیست)
 ۲. انجیل یوحنا ۱۴: ۱ (موضوع جدید)
 ۳. رومیان ۹: ۱ (بخش جدید)
 ۴. دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰ (تاکید در لیست)
 - iii. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسسیان ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.
 - iv. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات
 ۱. Euphemisms - کلمات با فاعل‌های تابو را جایگزین می‌کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۳: ۷ و ۸، اول سموئیل ۲۴: ۳)
 ۲. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می‌کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۳: ۲) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۳: ۱۷)
 ۳. حالات سخن گفتن
 - a. اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۳: ۹، ۵: ۲۹ و ۳۰، ۱۹: ۲۴)
 - b. اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۳: ۵، اعمال رسولان ۲: ۳۶)
 - c. تجسم شخصیت (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵)
 - d. وارونه گویی (غلاطیان ۵: ۱۲)
 - e. شعر (فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱)
 - f. اصوات میان کلمات
 - i. کلیسا
 ۱. کلیسا (افسسیان ۳: ۲۱)
 ۲. صدا کردن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
 ۳. فرا خوانده شدن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
 - ii. آزاد
 ۱. زن آزاد (غلاطیان ۴: ۳۱)
 ۲. آزادی (غلاطیان ۵: ۱)
 ۳. آزاد (غلاطیان ۵: ۱)
 ۴. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است
 - a. استفاده تمثیلی از "غذا" (انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۴)
 - b. استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲: ۱۹، انجیل متی ۲۶: ۶۱)
 - c. اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۲۹: ۳۱، تشبیه ۲۱: ۱۵، انجیل لوقا ۱۴: ۲۶، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۵، رومیان ۹: ۱۳)
 - d. "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۵۳: ۶ (همه) را با ۵۳: ۱۱ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ نشان می‌دهد.
 - v. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".
 - vi. استفاده خاص *autos*

۱. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد
 ۲. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش‌بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".
- e. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می‌کند، می‌تواند تأکیدها را به شیوه‌های مختلف شناسایی کند:
- i. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی
 - ii. مقایسه ترجمه‌های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه‌هایی از دیدگاه‌های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا - *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر است.
 - iii. استفاده از *The Emphasized Bible* اثر جوزف برابانت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)
 - iv. استفاده از ترجمه‌های تحت الفظی
۱. *The American Standard Version* (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱
 ۲. *Young's Literal Translation of the Bible* از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)
- مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می‌خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده‌اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می‌باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه‌های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند.
- ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می‌شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده‌ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه‌های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می‌باشند.

موضوع خاص: انتقادات متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

۱. منابع انگلیسی انجیل

a. عهد قدیم

b. عهد جدید

۲. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

۳. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

۱. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

a. عهد قدیم

- i. منبع مازراتی (Masoretic Text - MT) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (*Rabbi Aquiba*) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی نویسه‌ها، علامتگذارها و نشانه گذارها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پیشیتا و والگیت استفاده شد.
- ii. سپتواگینت (*Septuagint - LXX*) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (MT) هستند.
- iii. کتیبه دریای سیاه (Dead Sea Scrolls - DSS) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (*Essenes*) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارش‌های مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.
- iv. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

۱. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است که تا MT را درک کنند

a. LXX اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

b. MT اشعیا ۵۲: ۱۴ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

c. در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

i. LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

ii. MT پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

۲. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

a. DSS اشعیا ۲۱: ۸ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

b. MT اشعیا ۲۱: ۸ "و من فریاد زدم، شیر! خداوندا، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

۳. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

a. DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

b. MT "او خواهد دید... مصیبت روحش را، او اقتناع خواهد شد"

b. عهد جدید

- i. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویس حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ کپی از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوئیم.
- ii. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین کپی‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری

وجود نداشته باشد. از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی کپی برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

iii. Codex Sinaiticus که با حرف "א" (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.

iv. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.

v. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.

vi. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.

vii. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنجم یا ششم میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.

viii. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

۱. متن اسکندریه‌ای از مصر

a. P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند

b. P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند

c. P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهودا را ثبت می‌کند

d. Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است

e. نقل قول اورینگن از این نوع متن

f. سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: W, L, C, 33, 8

۲. متن غربی از آفریقای شمالی

a. نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی تر تولیان، سایپریان، و ترجمه قدیمی به لاتین

b. نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)

c. نقل قولهایی از تائیان و ترجمه قدیمی سیریاک

d. Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

۳. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

a. این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است

b. نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و ترودورت (Therodoret)

c. Codex A فقط در انجیل

d. Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

۴. نوع احتمالاً چهارم سزازی از فلسطین

a. عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده میشود

b. برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

۲. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

a. تنوعات چگونه به وجود آمدند

i. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

۱. خطای چشمی در زمان کپی و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف می‌کند (homoioteleuton)

a. خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات

b. خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی

۲. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای کپی کننده می‌خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می‌گیرد. اغلب اغلاط املایی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته‌اند.
۳. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد

عمدی .ii

۱. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن کپی شده بهبود یابد
۲. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
۳. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
۴. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرن‌تباران ۱۱: ۲۷ و اول یوحنا ۵: ۷ و ۸)

۵. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخدادها یا تفسیر مناسب متن به صورت پی‌نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴)

b. فرضیه‌های اولیه نقد متنی (راهنماییهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)

- i. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است
- ii. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
- iii. به متن قدیمیتر بهای بیشتری داده می‌شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
- iv. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
- v. متونی که از نظر دکتربین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
- vi. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه‌های متفاوت را توضیح دهد
- vii. دو نقل قول که می‌توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه‌های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند

۱. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتربین مسیحی نمی‌تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی‌تر یا از نظر دکتربین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
۲. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حد اقل نه تمامی کلماتی که طی قرن‌ها توسط مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده‌اند". کریسول گفت:

"من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب، فکر می‌کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می‌کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."

بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می‌گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می‌کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."

۳. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- a. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual* اثر آر. اچ. هریسون
- b. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام متزگر
- c. *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر جی. اچ. گرینلی

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی. این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساساً این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱۱) و یا در زمان قیامش از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۴:۱). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۴:۱، فیلیپیان ۲:۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هرچند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثر روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و اگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, ۱۹۸۷)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطری، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳:۸، اول پادشاهان ۱۹:۲۲ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هرچند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماماً الهی و تماماً انسانی). توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برجسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱:۱۰، ۱:۱۵)

Apocalyptic literature/ادبیات آخر زمانی. این یک بحث غالب و حتی احتمالاً منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخدادهای را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، رویا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیشتر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۲۲:۸ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه ای در کلسیای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تأکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط/دستنوشته. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دستنویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دستنویس عبری و یونانی باستانی است.

Bezae/بزا. این نسخه دستنویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دستنویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دستنویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضعگیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است به صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۱۷:۵ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید

هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۴) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به *Walter Clark's How to Use New Testament Greek Study Aids*, صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطقی یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاسپورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth, p. 35* and in *Robert Bratcher's Introduction to the TEV* مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد مؤلف اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف مؤلف اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخرومانی و شریعت.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شیرین کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (ائون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن یهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱: ۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شبیح معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳، ۱: ۴ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. شریعتگرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تأکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورالعمل‌های خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القایی. این روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/اسطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/شریعت پرستی. این نگرش با تأکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت الفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پائین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text/متن مازروتی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدادار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کتری جوش" در واقع "آب در داخل کتری جوش است".

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲: ۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزمور ۱: ۱۹ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریستی. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/مؤلف اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyrus/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارت‌های همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر/ترجمه آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در Fee and Stuart's *How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروسالیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنتقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/افلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کاهنان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کاهنان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و شریعتی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشا. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معانی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است.

Septuagint. این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/مترادف. به اصطلاحات با معانی دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند). آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزمور ۱۰۳:۳).

Syntax/نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخش‌هایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساساً این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*, ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بیزانس عملاً Textus Receptus است." متن بیزانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیزانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم ۱۵۲۲ Erasmus) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولاً این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزمو، عبرانیان، کاهنان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنا یا "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساساً تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزلها حضور و پرستش یهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهادت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان‌بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳:۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

A. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.

B. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.

C. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.

D. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.

E. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.

F. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصاً دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.

G. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.

H. روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.

I. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.

J. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

K. مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

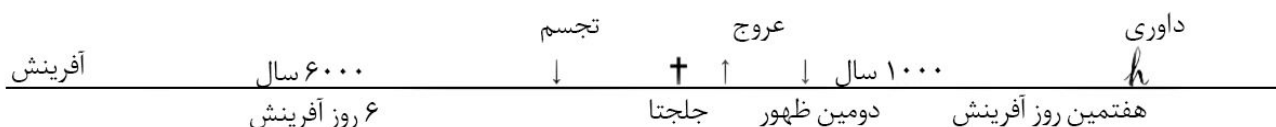
"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"

دیدگاه‌ها نسبت به دومین ظهور مسیح

مقدمه

- A. این موضوع سبب بحث‌های زیادی شده است.
 B. چگونگی ظهور و زمان آن نیز مشخص نیست، اما رویداد قطعی است!
 C. چگونه به آنچه باور دارید، رسیدید؟
 D. هدف از آمدن دوم عیسی چیست؟
 E. آیا کتاب مقدس یک فرجام‌شناسی نظام‌مند آموزش می‌دهد؟
 F. چرا این دوران علاقمند به بازگشت دوم است؟
 G. همه نظریه‌ها در ارتباط با بازگشت فیزیکی عیسی، نقطه‌نظرات محافظه‌کارانه است.

کلیسای اولیه در زمان ظهور دوم عیسی پیش از هزار سال (هزاره تاریخی)



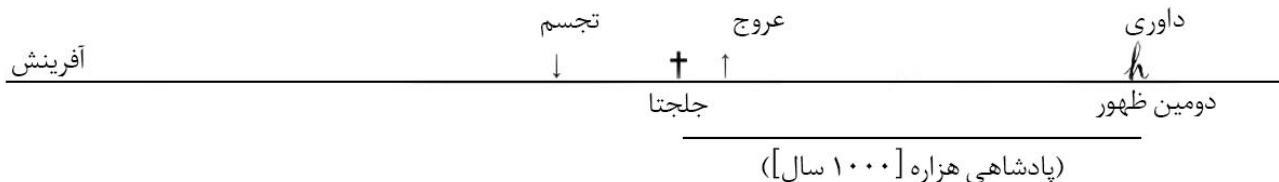
توانایی‌ها	حامیان	پیشفرض‌ها
۱. پیش از رسیدن مسیح، رویدادهای مشخصی باید بوقوع بپیوندند a. بشارت به تمام ملت‌ها (متی ۱۴:۲۴) b. گرویدن اسرائیل به مسیحیت (رومیان ۱۱:۲۵) c. ارتداد بزرگ (متی ۱۰:۴۰؛ ۲ تسالونیکیان ۲:۳) d. رنج بزرگ (متی ۲۴:۲۱) e. بر ملا شدن گناه بشر - ضدیت با مسیح (۲ تسالونیکیان ۲:۳) ۲. شغف جهانی و مشهود و ظهور	۱. پاپیاس ایرنیوس، جاستین ترتولیان هیپلیتوس، متودیوس ۲. جورج لد (هزاره تاریخی)	۱. تاریخ زمین قابل قیاس با ۷ روز آفرینش است (رساله بارناباس، ایرنیوس، متودیوس) ۲. هر روز معرف هزار سال است (۲ پطرس ۳:۸؛ مزمور ۹۰:۴)

نظریه رد پادشاهی هزار ساله‌ی مسیح (هزاره آغاز شده یا تحقق یافته)



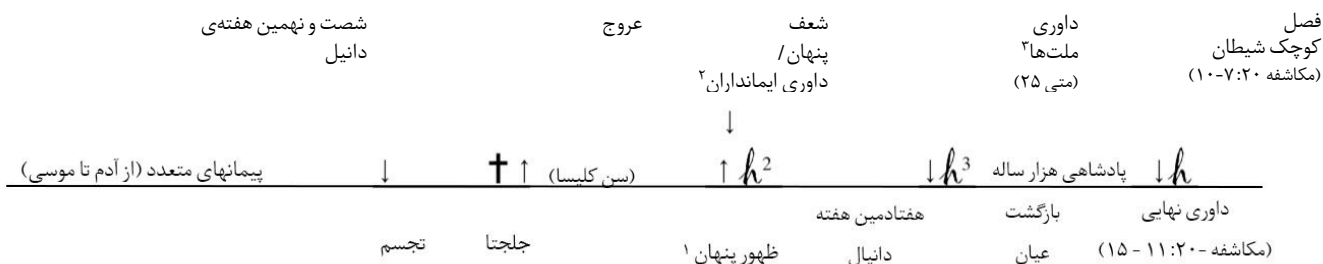
توانایی‌ها	حامیان	پیشفرض‌ها
۱. پیروزی در جلجتا روی داد، نه در هزاره ۲. اکنون شیطان غلبه کرده است ۳. وحدانیت برنامه احیا کردن خداوند	۱. برخی کشیشان کلیسای اولیه ۲. Augustine ۳. Zwingli ۴. Calvin (مسیحیت مشایخی) ۵. Ray Summers (بابتیست) ۶. Jay Adams (اصلاح شده) ۷. اکثر کلیساهای مسیح	۱. کلیسا بخش معنوی اسرائیل است (غلاطیان ۳:۹، ۲۹؛ ۱۶:۶؛ رومیان ۲:۵، ۹) ۲. یک پیمان (قدیم و جدید، رومیان ۴ - ابراهیم سرمشق پولس برای سنجش ایمان بود) ۳. پادشاهی مسیح موقت نیست (یوحنا ۱۸:۳۶) ۴. یک ظهور دوم یک رستاخیز

دوره پسا هزاره (هزاره کنونی)



توانایی‌ها	حامیان	پیش‌فرض‌ها
۱. جدی گرفتن آمدن دوم	Jonathan Edwards .۱	۱. کوشش‌های انسان در پادشاهی مورد توجه
۲. انسان در برنامه خدا ایفای نقش می‌کند	A. H. Strong .۲	قرار خواهد گرفت (۲ پطرس ۳: ۱۲؛ متی ۱۰: ۶)
۳. روشنی‌بینی نسبت به فرهنگ معاصر	W. T. Conner .۳	۲. همه چیز رو به بهبودی خواهد شد
	۴. اکثر مفسران قرن نوزدهم	

احکام پیش از پادشاهی هزار ساله



^۱ درباره ظهور دوم سه دیدگاه وجود دارد:

- Pre-tribulationist (۱)
- Mid-tribulationist (۲)
- Post-tribulationist (۳)

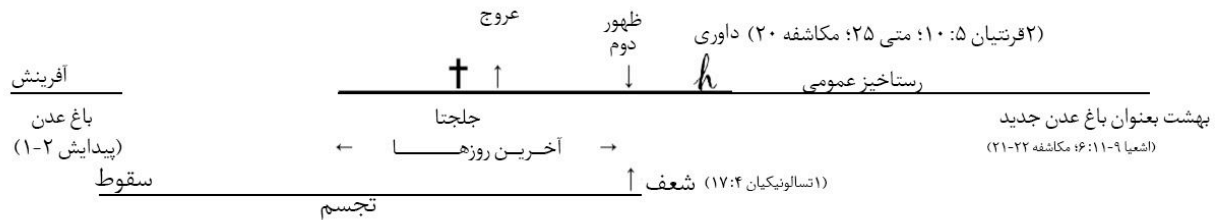
^۲ داوری ایمانداران (۲ قرنتیان ۵: ۱۰)

^۳ داوری قومها (متی ۲۵)

توانایی‌ها	حامیان	پیش‌فرض‌ها
۱. نبوت کتاب مقدس جدی تلقی می‌شود (بویژه کتاب دانیال)	John Darby (برادران پلیموث) .۱	۱. کتاب مقدس به هفت بخش از احکام دینی تقسیم شده است
۲. ظهور هر لحظه ممکن است روی دهد (متی ۲۴: ۴۰-۴۲)	Clarence Larkin .۲	۲. به تحقق یافتن هر یک از نبوت‌های عهد عتیق در رابطه با قوم بنی اسرائیل
	D. L. Moody .۳	۳. کلیسا و قوم بنی اسرائیل کاملاً جدا شدند. در صورت انکار عیسی بعنوان مسیح منجی، کلیسا برنامه دوم خداوند است
	C. I. Scofield (انجیل مرجع) .۴	
	Pentecost, Ryrice, Dallas Seminary (Walvoord) .۵	
	(Southern Baptist) W. A. Criswell .۶	
	Hal Lindsey .۷	
	Tim LaHaye .۸	

۴. پیش از رنج، کلیسا دچار شعفی پنهان خواهد گردید. کتاب مکاشفه پس از فصل ۵، یهودی است.
۵. عهد جدید در زیر نور نبوت عهد عتیق ترجمه گردیده است

نظر تجربی نویسنده تفسیر پیش رو



تنشهای دیالکتیکی

۱. میان مدل‌های نبوتی عهد عتیق و مدل‌های رسولی عهد جدید
۲. میان یکتاپرستی انجیل (یک خدا برای همه) و انتخاب اسرائیل
۳. میان جنبه‌های شرطی عهدها و وعده‌های انجیلی ("اگر... بعد") و وفاداری بی‌قید و شرط خداوند نسبت به احیای بشر سقوط کرده
۴. میان سبک‌های ادبی خاور نزدیک و مدل‌های ادبی غرب پیشرفته
۵. میان پادشاهی خداوند در حال حاضر و در عین حال، آینده
۶. میان باور به ظهور قریب‌الوقوع مسیح و باور به رخ دادن برخی رویدادها پیش از آن

پیشفرض‌ها

۱. یک طرح (پیدایش ۳:۱۵)
۲. اتحاد قوم خدا (رومیان ۲:۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۳:۲۹؛ ۶:۱۶)
۳. طبیعت زیر و رو کننده دانیال، حزقیال و مکاشفه (سبک ادبی)
۴. عهد عتیق یک مورد را پیشبینی کرده بود (دو عصر)، یک ظهوری مشهود
۵. یک ظهور مشهود (متی ۲۴:۲۷)
- یک شعف (۱ تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸)
- یک رستاخیز
- یک داوری (متی ۲۵؛ مکاشفه ۲۰)
- پادشاهی ابدی

نتیجه

۱. John Calvin درباره کتاب مکاشفه می‌گوید، "فقط خدا می‌داند که معنی آن چیست".
۲. هیچ نظریه تأیید شده‌ای توسط اکثریت درباره ظهور دوم وجود ندارد.
۳. هر نسلی از ایمانداران انجیل را با موقعیت تاریخی یا فرهنگی خود مورد سنجش قرار می‌دهند.
۴. بلحاظ مبحث فرجام شناسی، نظریه سیستماتیک در عهد جدید وجود ندارد، بلکه حقیقت برای ما بدین گونه عیان گردیده که "آماده باشیم" و "فعال باشیم".
۵. فقط محافظه‌کاران بر روی این بحث پافشاری و جدل می‌کنند
۶. انتظار برای ظهور دوم، امید، مشوق و قوه محرکه همه نسل‌های ایمانداران در طول دوره حیات آنها است (مرقس ۱۳:۳۳-۳۷).

مکاشفه

قدری مرا می‌تراسند
این رمز و راز مکاشفه.
اما باز دوباره کنجکاو می‌تحریر
و قوه تخیل من به تکاپو می‌افتد
اما یاد گرفته‌ام که مراقب باشم
که چگونه پیام آن را ببینم
مطمئن شوم که دگم نیستم
و آن را با احتیاط تفسیر کنم
آگاهم به نمادین بودن زبان
پس نمی‌توانم هر طور که می‌خواهم
آن را تعبیر و تفسیر کنم
و گنگ بودن آن را در نظر نگیرم
این سبک مهم است
باید بخاطر داشته باشم،
نباید هرگز تصور کنم که
پاسخ‌های من تنها پاسخ مناسب است.
اما امیدوارم که کلامی را بشنوم
که پدر می‌گوید،
دوباره منتظر آمدن مسیح باشید،
به دیگران نشان دهید که حقیقت اوست، زندگی اوست و راه اوست.
و در حالیکه هر روز در کشاکش زندگی هستیم، بیاد خواهیم داشت
نقش خود را در زندگی زمینی ام،
که خداوند برنده خواهد شد،
او پادشاه آخرین است،
کنترل همه چیز در دستان اوست

Path Bergeron 7/21/1999